

Hello	سلام
How are you?	حالت چطوره؟
fine	خوب
thanks	مرسی
yes	بله
no	نه
and	و
you	شما
from	از
from Iran	از ایران ( اهل ایران )
Canada	کانادا
from Canada	از کانادا
I am.	من هستم
I'm fine.	خوبم
I'm from Iran.	من اهل ایرانم
I'm not.	من نیستم
You are.	شما هستید
You're from Canada.	شما اهل کانایید
Are you?	آیا شما هستید؟
too	هم ( نیز ، همچنین )
I'm from Iran, too.	من هم اهل ایرانم

#### مکالمه

سلام.  
A: Hello.

سلام.  
B: Hello.

حالت چطوره؟  
A: How are you?

من خوبم ، مرسی .  
B: I'm fine, thanks.

آیا شما اهل ایرانید؟  
A: Are you from Iran?

بله ، من اهل ایران . شما چطور؟ آیا شما هم اهل ایرانید؟  
B: Yes, I'm from Iran. And you? Are you from Iran, too?

نه ، من اهل ایران نیستم . من اهل کانادا ام .  
A: No, I'm not from Iran. I'm from Canada.

hello	سلام
Hello, Jim.	سلام ، جیم
hello	سلام
How are you?	حالت چطوره؟
how	چطور؟
you	شما ( تو )
You are.	شما هستید

در زبان انگلیسی در خیلی از موارد برای سوالی کردن جمله ، جای فاعل و فعل یعنی دو کلمه اول جمله رو با هم عوض میکنیم.

Are you?	آیا شما هستید؟
How are you?	حالتون چطوره؟
I	من
am	هستم

I am.	من هستم
You are.	شما هستید
Hello. How are you?	سلام حالت چطوره؟
I am.	من هستم

fine	خوب
I am fine.	حالم خوبه
I am.	من هستم
I'm.	من هستم ( فشرده )
I am. I'm.	من هستم ( غیر فشرده و فشرده )
I'm fine.	من خوبم ( فشرده )

thanks	مرسی ( ممنون )
Hello, Joe.	سلام ، جو
How are you?	حالت چطوره؟
I'm fine, thanks.	من خوبم مرسی

from	از
Iran	ایران
from Iran	اهل ( از ) ایران
You are.	شما هستید
You are from Iran.	شما اهل ایران هستید
Are you from Iran?	آیا شما اهل ایران هستید؟
You are from Iran.	شما اهل ایران هستید

I am.	من هستم ( غیر فشرده )
I am from Iran.	من اهل ایران هستم ( غیر فشرده )
I'm from Iran.	من اهل ایرانم ( فشرده )
yes	بله
Are you from Iran?	آیا شما اهل ایران هستید؟
Yes, I'm from Iran.	بله ، من اهل ایرانم

and  
Yes, I'm from Iran.  
and you?  
and  
Hello. how are you?  
I'm fine, thanks.  
and you?

و  
بله ، من اهل ایرانم  
شما چطور؟  
و  
سلام ، حالت چطوره؟  
خوبم ، مرسی  
شما چطور؟

Too  
I'm fine, too.  
I'm from Iran, too.  
Are you from Iran?  
Are you from Iran, too?

همچنین ( نیز )  
منم خوبم  
منم اهل ایرانم  
آیا شما اهل ایران هستید؟  
آیا شما هم اهل ایران هستید؟

no  
Are you from Iran?

نه  
آیا شما اهل ایرانید؟

no  
I'm not.  
I'm not from Iran.  
Are you from Iran, too?  
No, I'm not from Iran.

نه  
من نیستم  
من اهل ایران نیستم  
آیا شما هم اهل ایرانید؟  
نه ، من اهل ایران نیستم

Canada  
I'm from Iran.  
I'm from Canada.  
I'm from Canada, too.

کانادا  
من اهل ایرانم  
من اهل کانادا ام  
منم اهل کانادا ام

Hello. How are you?  
I'm fine, thanks.  
Are you from Iran?  
Yes, I'm from Iran.  
and you?  
Are you from Iran, too?  
No, I'm not from Iran.  
I'm from Canada.

سلام . حالت چطوره؟  
من خوبم ، مرسی  
آیا شما اهل ایرانید؟  
بله ، من اهل ایرانم  
شما چطور؟  
آیا شما هم اهل ایرانید؟  
نه ، من اهل ایران نیستم  
من اهل کانادا ام

---

Hello  
How  
Thanks  
From  
Iran  
Canada  
You are.  
You're.

---

You are from Canada.	شما اهل کاناداییید
You are.	شما هستید
You're.	شما هستید ( فشرده )
You are.	شما هستید ( غیر فشرده )
You're.	شما هستید ( فشرده )
You're from Canada.	شما اهل کاناداییید ( فشرده )

Hello	سلام
Are you from Iran?	آیا شما اهل ایرانید؟
How are you?	حالتون چگونه؟
Hello. how are you?	سلام حالتون چگونه؟

I'm fine.	خوبم ( فشرده )
hello	سلام
How are you?	حالتون چگونه؟
I'm fine.	خوبم

Are you from Canada?	آیا شما اهل کاناداییید؟
Yes, I am.	آره ، من هستم
Are you from Canada, too?	آیا شما هم اهل کاناداییید ؟
No, I'm from Iran.	نه ، من اهل ایرانم
I'm not from Canada.	من اهل کانادا نیستم
Are you from Iran, too?	آیا شما هم اهل ایرانید؟
No, I'm from Canada.	نه ، من من اهل کانادا ام

You're from Iran, too.	شما هم اهل ایرانید ( فشرده )
hello	سلام
How are you?	حالت چگونه؟
I'm fine, thanks.	مرسی ، من خورم
Are you from Iran?	آیا شما اهل ایرانید؟

بله ، من اهل ایرانم . شما چگونه؟ آیا شما هم اهل ایرانید؟ Are you from Iran, too? And you? Yes, I'm from Iran.

نه ، من از ایران نیستم من از کانادا ام . No, I'm not from Iran. I'm from Canada

hello	سلام
hello	سلام
How are you?	حالت چگونه؟
I'm fine, thanks.	من خوبم ، مرسی

Are you from Iran?	آیا شما اهل ایرانید؟
Yes, I'm from Iran.	بله ، من اهل ایرانم
and you?	شما چگونه؟
Are you from Iran, too?	شما هم اهل ایرانید؟

نه ، من اهل ایران نیستم . من اهل کانادا ام . No, I'm not from Iran. I'm from Canada.

سلام.

A: Hello.

سلام.

B: Hello.

حالت چطوره؟

A: How are you?

من خوبم ، مریسی .

B: I'm fine, thanks.

آیا شما اهل ایرانید؟

A: Are you from Iran?

بله ، من اهل ایران . شما چطور؟ آیا شما هم اهل ایرانید؟

B: Yes, I'm from Iran. And you? Are you from Iran, too?

نه ، من اهل ایران نیستم . من اهل کانادا ام .

A: No, I'm not from Iran. I'm from Canada.

I want a tea.	من یه چای میخوام
I want a coffee.	یه قهوه میخوام
Thank you	متشکرم
You're welcome.	خواهش میکنم
Do you want a tea?	آیا یه چای میخوای؟
I don't want coffee.	قهوه نمیخوام
Do you speak English?	آیا شما انگلیسی صحبت میکنید؟
I can speak Persian.	من میتونم فارسی صحبت کنم

Hello, Jim.	سلام ، جیم
How are you?	حالت چطوره؟
I'm fine.	خوبم
thanks	مرسی ( ممنون )
I'm fine, thanks.	خوبم مرسی
Fine, thanks.	خوب ، مرسی
and you?	شما چطور؟
I'm fine, too.	من هم خوبم

Are you?	آیا تو هستی؟ ( آیا شما هستید؟ )
from Canada	اهل کانادا
from Iran	اهل ایران
Are you from Iran?	آیا شما اهل ایرانید؟
yes	بله
I'm from Iran.	من اهل ایرانم
Yes, I'm from Iran.	بله ، من اهل ایرانم
No, I'm not from Iran.	نه ، من اهل ایران نیستم

I'm from Iran, too.	من هم اهل ایرانم
Are you from Iran?	آیا اهل ایرانی؟
No, I'm not from Iran.	نه ، من اهل ایران نیستم
I'm from Canada.	من اهل کانادا ام
I'm from Canada, too.	منم اهل کانادا ام
Are you from Canada, too?	آیا شما هم اهل کاناداییید؟
No, I'm from Iran.	نه ، من اهل ایرانم
I'm not from Canada.	اهل کانادا نیستم
yes	بله

I'm from Canada, too.	من هم اهل کانادا ام
Yes, I'm from Canada, too.	بله ، من هم اهل کانادا ام
How are you?	حالتون چطوره؟
I'm fine, thanks.	خوبم ، ممنون

thank you	متشکرم
thanks	مرسی
I'm fine, thanks.	خوبم ، مرسی

I'm fine, thank you.	خوبم ، متشکرم
Fine, thank you.	خوب ، متشکرم
I'm.	من هستم ( فشرده )
I	من
I speak.	من صحبت میکنم
Speak	
I speak.	من صحبت میکنم
You speak.	تو صحبت میکنی
I'm from Iran.	من اهل ایرانم
Persian	فارسی
I speak.	من صحبت میکنم
I speak Persian.	من فارسی صحبت میکنم
I speak Persian, too.	من هم فارسی صحبت میکنم
You speak Persian, too.	شما هم فارسی صحبت میکنید
I'm fine, thank you.	خوبم ، متشکرم
I'm fine, thanks.	
Fine, thanks.	
Fine, thank you.	
And you?	شما چطور؟
Are you from Iran?	آیا اهل ایرانید؟
No, I'm not from Iran.	نه ، اهل ایران نیستم
I'm from Canada.	من اهل کانادا ام
No, I'm from Canada.	نه ، من اهل کانادا ام
Yes, I'm from Iran.	بله ، من اهل ایرانم
I speak Persian.	من فارسی صحبت میکنم
You speak Persian.	شما فارسی صحبت میکنید

در فارسی برای سوالی کردن جمله ، معمولاً از کلمه آیا در اول جمله استفاده میکنیم . در زبان انگلیسی هم در بسیاری از مواقع برای سوالی کردن جملات ، کلمه Do در اول جمله قرار میدیم .

Do You speak Persian.	شما فارسی صحبت میکنید
Do you speak Persian?	آیا شما فارسی صحبت میکنید؟
Yes, I speak Persian.	بله ، من فارسی صحبت میکنم
I speak Persian, too.	من هم فارسی صحبت میکنم
Do you speak Persian?	آیا تو فارسی صحبت میکنی؟
Do you speak Persian, too?	آیا تو هم فارسی صحبت میکنی؟
English	انگلیسی
I speak English.	من انگلیسی صحبت میکنم
You speak English.	شما انگلیسی صحبت میکنید
Do you speak English?	آیا تو انگلیسی صحبت میکنی؟

No, I speak Persian.	نه ، من فارسی صحبت میکنم
Yes, I speak English.	بله ، انگلیسی صحبت میکنم
Yes, I speak English, too.	بله ، منم انگلیسی صحبت میکنم
Persian	فارسی
English	انگلیسی

### مکالمه

سلام ، جیم . حالت چطوره؟  
A: Hello, Jim. How are you?

خوب ، مرسی . شما چطور؟  
B: Fine, thanks. And you?

من هم خوبم . متشکرم . جیم ، آیا تو فارسی صحبت میکنی؟  
A: I'm fine, too. Thank you. Jim, do you speak Persian?

نه ، من انگلیسی صحبت میکنم . آیا تو فارسی صحبت میکنی؟  
B: No, I speak English. Do you speak Persian?

بله ، من فارسی صحبت میکنم . من اهل ایرانم . من انگلیسی هم صحبت میکنم .  
A: Yes, I speak Persian. I'm from Iran. I speak English, too.

How are you?	حالت چطوره؟
I'm fine, thanks.	خوبم ، مرسی
Fine, thank you.	خوب ، متشکرم
I'm from Canada.	من اهل کانادا ام
And I speak English.	و انگلیسی صحبت میکنم

I don't speak.	من صحبت نمیکنم
I speak Persian.	من فارسی صحبت میکنم

I don't speak English.	من انگلیسی صحبت نمیکنم
I don't speak Persian.	من فارسی صحبت نمیکنم
Do you speak English?	آیا انگلیسی صحبت میکنی؟
Yes, I speak English.	بله ، انگلیسی صحبت میکنم
No, I don't speak English.	نه ، انگلیسی صحبت نمیکنم

I want.	من میخواوم
You want.	تو میخواوی ( شما میخوایید )

Do I want?	آیا من میخواوم
Do you want?	آیا تو میخواوی؟ ( آیا شما میخوایید ؟ )



I don't speak.	من صحبت نمیکنم
I don't want.	من نمیخواهم
I'm from Iran.	من اهل ایرانم
I'm not from Iran.	من اهل ایران نیستم
I don't speak Persian.	من فارسی صحبت نمیکنم
I'm from Iran.	من اهل ایرانم
I'm not from Canada.	من اهل کانادا نیستم
You're from Canada.	شما اهل کاناداییید ( فشرده )

You're not from Canada.	شما اهل کانادا نیستید
I want.	من میخوام

Tea	چای
a tea	یه چای ( یه دونه چای )
a	یه دونه
a tea	
I want.	من میخوام
I want a tea.	من یه چای میخوام
Tea	چای

I don't want tea.	من چای نمیخوام
-------------------	----------------

Coffee	قهوه
a tea	یه چای
a coffee	یه قهوه ( یه دونه قهوه )
Do you want a coffee?	آیا یه قهوه میخوای؟
No, I don't want coffee.	نه ، قهوه نمیخوام
I want a tea.	یه چای میخوام

Thank you	متشکرم
Thanks	مرسی
You're welcome.	خواهش میکنم ( اختیار دارید )
Thanks	مرسی
Thank you	متشکرم
You're welcome.	خواهش میکنم

Coffee	قهوه
Do you want a coffee?	آیا یه قهوه میخوای؟
No, I want tea.	نه ، چای میخوام

How are you?	حالت چطوره ؟
I'm fine, thanks.	خوبم مرسی

Do you want a tea?	آیا یه چای میخوای؟
--------------------	--------------------

No, thanks. I'm fine.	نه ، مرسی . من خوبم
No, thank you. I'm fine.	
No, thanks. I'm fine.	

No, thank you. I'm fine.

I speak Persian.

You speak English.

I can.

You can.

I can speak English.

من فارسی صحبت میکنم

شما انگلیسی صحبت میکنید

من میتونم

تو میتونی ( شما میتونید )

من میتونم انگلیسی صحبت کنم

---

Want

I want.

thank you

welcome

speak

English

Persian

I can.

You can.

I can speak.

You can speak.

---

You can speak English.

I can speak Persian.

شما میتونید انگلیسی صحبت کنید

من میتونم فارسی صحبت کنم

I want a tea.

I want a tea, too.

a coffee

من یه چای میخوام

من هم یه چای میخوام

یه قهوه

a coffee and a tea

I want a tea and a coffee.

یه قهوه و یه چای

من یه چای و یه قهوه میخوام

Do you want a coffee?

Do you want a coffee, too?

یه قهوه میخوای؟

آیا تو هم یه قهوه میخوای؟

Do you speak English, too?

No, I don't speak English.

I speak Persian.

Yes, I speak English.

آیا شما هم انگلیسی صحبت میکنید؟

نه ، من انگلیسی صحبت نمیکنم

من فارسی صحبت میکنم

بله ، من انگلیسی صحبت میکنم

I can speak English.

Do you want a tea?

من میتونم انگلیسی صحبت کنم

آیا یه دونه چای میخوای؟

No, thanks. I'm fine.

No, thank you. I'm fine.

You're welcome.

نه مرسی من خوبم

جواب تشکر ( خواهش میکنم )

I can speak English.

And I can speak Persian, too.

I'm from Iran.

من میتونم انگلیسی صحبت کنم

و میتونم فارسی هم صحبت کنم

من اهل ایرانم

Please	لطفاً
I think.	فکر میکنم
I know.	میدونم
Better	بهتر
Better than	بهتر از
Better than me	بهتر از من
Better than you	بهتر از تو ( بهتر از شما )
Some tea	کمی چای
Can you speak English?	آیا میتونی انگلیسی صحبت کنی؟
We're from Iran.	ما اهل ایران هستیم

Tea	چای
a tea	یه چای
a coffee	یه قهوه
Hello. how are you?	سلام ، حالت چطوره؟
Fine, thanks.	خوب ، مرسی
I'm fine, thank you.	خوبم ، متشکرم
You're welcome.	جواب تشکر ( خواهش میکنم )
Do you speak English?	آیا انگلیسی صحبت میکنید؟
No, I don't speak English.	نه ، انگلیسی صحبت نمیکنم
Yes, I speak English.	بله ، انگلیسی صحبت میکنم
I can speak Persian, too.	فارسی هم میتونم صحبت کنم
Do you want a tea?	یه چای میخوای؟
No, thank you.	نه ، متشکرم
No, thank you. I'm fine.	
I want coffee.	قهوه میخوام
Some	کمی ( مقداری ، یه کم )
Tea	چای
Some tea	کمی چای
I want some tea.	من کمی چای میخوام
Some coffee	کمی قهوه
Do you want some coffee?	آیا کمی قهوه میخوای؟
No, I want some tea.	نه ، من کمی چای میخوام
Thank you	متشکرم ( تشکر به صورت کمی رسمی )
Thanks	
You're welcome.	خواهش میکنم
I can speak English.	من میتونم انگلیسی صحبت کنم
You are.	شما هستید ( تو هستی )
Are you?	آیا شما هستید؟

You can. Can you?	شما میتونید ( تو میتونی ) آیا شما میتونید؟
You can speak English. Can you speak English? Can you speak? Can you speak English? Yes, I can speak English. I can.	تو میتونی انگلیسی صحبت کنی آیا تو میتونی انگلیسی صحبت کنی؟ آیا شما میتونید صحبت کنید؟ آیا شما میتونید انگلیسی صحبت کنید؟ بله ، میتونم انگلیسی صحبت کنم میتونم
Can I? Can I speak Persian? Yes, you can speak Persian. Yes, you can.	آیا میتونم آیا میتونم فارسی صحبت کنم؟ بله میتونید فارسی صحبت کنید جواب کوتاه
Can I speak English? Yes, you can. Can you speak Persian, too? Yes, I can.	آیا میتونم انگلیسی صحبت کنم؟ جواب کوتاه ( بله میتونیم ) آیا شما میتونید فارسی هم صحبت کنید؟ بله ، میتونم ( جواب مثبت کوتاه )
I'm not from Iran. I'm from Canada. I speak English.	من اهل ایران نیستم من اهل کانادا ام من انگلیسی صحبت میکنم
We are from Iran. We are. We We are from Iran.	ما اهل ایران هستیم ما هستیم ما ما اهل ایرانیم
I can. We can. We want.	من میتونم ما میتونیم ما میخوایم
You are. You're. We're.	شما هستید ( غیر فشرده ) شما هستید ( فشرده ) ما هستیم ( فشرده )
We're from Iran. We speak Persian. We speak English, too.	ما اهل ایرانیم ما فارسی صحبت میکنیم ما انگلیسی هم صحبت میکنیم
We can Speak English, too. Are you from Canada? Yes, we're from Canada.	ما انگلیسی هم میتونیم صحبت کنیم آیا شماها اهل کانادا هستید؟ بله ، ما اهل کانادایم
You're not. We're not. We're not from Canada.	شما نیستید ما نیستیم ما اهل کانادا نیستیم

We don't want tea. We want coffee.	ما چای نمیخواهیم ما قهوه میخواهیم
Do you want some tea? No, thanks. Yes, please.	آیا کمی چای میخوای؟ نه ، مرسی آره ، لطفاً
Please	لطفاً
Yes, please. Do you want some coffee? Yes, please. No, thanks. No, thank you. I'm fine.	بله ، لطفاً آیا کمی قهوه میخوای؟ بله ، لطفاً نه ، مرسی نه ، ممنونم
I can. You can.	من میتونم شما میتونید
Better Better than	بهتر بهتر از
I speak English. Better than Better than you	من انگلیسی صحبت میکنم بهتر از بهتر از تو ( بهتر از شما )
I speak English better than you. I can speak English. Better than you	من انگلیسی رو بهتر از تو صحبت میکنم من میتونم انگلیسی صحبت کنم بهتر از تو
I can speak English better than you. Better Better than you	من انگلیسی رو بهتر از تو میتونم صحبت کنم بهتر بهتر از تو
Better than me	بهتر از من
You speak better than me. I don't speak English. Better than you	تو بهتر از من صحبت میکنی من انگلیسی صحبت نمیکنم بهتر از تو
You don't speak English. Better than me You don't speak English better than me. Better	تو انگلیسی صحبت نمیکنی بهتر از من تو انگلیسی بهتر از من صحبت نمیکنی بهتر
I speak better. I speak better than you.	من بهتر صحبت میکنم من بهتر از تو صحبت میکنم

I'm better than you.	من بهتر از توام
You're better than me.	تو بهتر از منی
We're better than you.	ما بهتر از شما بییم
Hello. How are you?	سلام ، حالت چگونه؟
Fine, thank you.	خوب ، متشکرم
I speak.	من صحبت میکنم
I think.	من فکر میکنم
You're from Canada.	شما اهل کانادا هستید
I think you're from Canada.	من فکر میکنم شما اهل کانادا هستید
We think.	ما فکر میکنیم
You think.	شما فکر میکنید
You think we're from Iran.	شما فکر میکنید ما اهل ایران هستیم
I think I want a tea.	فکر میکنم یه چای میخوام
I don't speak.	من صحبت نمیکنم
I don't think.	من فکر نمیکنم

#### مکالمه

---

علی، مقداری قهوه میخوای؟

A: Ali, do you want some coffee?

نه ، مرسی متشکرم

B: No, thanks. I'm fine.

علی، تو میتونی انگلیسی صحبت کنی؟

A: Ali, can you speak English?

بله، من میتونم انگلیسی صحبت کنم . من میتونم فارسی هم صحبت کنم

B: Yes, I can speak English. I can speak Persian, too.

علی، من فکر نمیکنم تو فارسی صحبت کنی

A: Ali, I don't think you speak Persian.

من میتونم فارسی صحبت کنم . من اهل ایرانم . من فارسی بهتر از انگلیسی صحبت میکنم

B: I can speak Persian. I'm from Iran. I speak Persian better than English.

علی، من فکر میکنم انگلیسی بهتر از تو صحبت میکنم . و تو فارسی بهتر از من صحبت میکنی

A: Ali, I think I speak English better than you, and you speak Persian better than me.

من فکر نمیکنم تو انگلیسی بهتر از من صحبت کنی

B: I don't think you speak English better than me.

آیا تو فکر میکنی انگلیسی بهتر از من صحبت میکنی؟

A: Do you think you speak English better than me?

بله من فکر میکنم بهتر از تو صحبت میکنم. من فکر نمیکنم تو بهتر از من صحبت کنی.

B: Yes, I think I speak better than you. I don't think you speak better than me.

.

You speak English.

شما انگلیسی صحبت میکنید

I don't think you speak English.

من فکر نمیکنم شما انگلیسی صحبت کنید

We don't think you're from Canada.

ما فکر نمیکنیم شما اهل کانادا باشید

We think you're from Iran.

ما فکر میکنیم شما اهل ایران باشید

Do you want some tea?

آیا کمی چای میخواهی؟

Do you think I'm from Canada?

آیا شما فکر میکنید من اهل کانادا ام؟

Yes, I think you're from Canada.

آره من فکر میکنم شما اهل کاناداییید

No, I'm not from Canada.

نه ، من اهل کانادا نیستم

Please

Think

Than

Better than

We

We are.

We're.

فعل Know به معنی دانستن و شناختن است . در زبان انگلیسی کلمات زیادی هستند که چندها معنی دارند.

I know.

میدونم ( میشناسم )

I think you speak better than me.

فکر میکنم تو بهتر از من صحبت میکنی

I know you speak better than me.

من میدونم تو بهتر از من صحبت میکنی

We know you're from Iran.

ما میدونیم شما اهل ایرانید

Do you think we're from Canada?

آیا شما فکر میکنید ما اهل کانادایییم؟

I think I know.

فکر میکنم بدونم

I think you know me.

فکر میکنم شما منو میشناسید

I don't know you.

من شما رو نمیشناسم



Do I know you?	آیا من شما رو میشناسم؟
Do you know me?	آیا شما منو میشناسید؟
I don't think I know you.	فکر نمیکنم شما رو بشناسم
Do you think I know you?	آیا فکر میکنی من تو رو بشناسم؟
Yes, I think you know me.	چرا ( آره ) فکر میکنم منو میشناسی
I think you can speak English.	من فکر میکنم تو میتونی انگلیسی صحبت کنی
Can you speak Persian?	آیا میتونید فارسی صحبت کنید؟
Yes, I can.	جواب مثبت کوتاه ( یعنی " آره میتونم )
No, I don't speak Persian.	نه ، من فارسی صحبت نمیکنم
I know you speak Persian.	من میدونم شما فارسی صحبت میکنید
I'm from Iran. And you?	من اهل ایران هستم . و شما چطور؟
We're from Iran, too.	ما هم اهل ایرانیم
No, we're not from Iran.	نه ، ما اهل ایران نیستیم
Better than	بهتر از
I speak Persian.	من فارسی صحبت میکنم
Better than English	بهتر از انگلیسی
I speak Persian better than English.	من فارسی بهتر از انگلیسی صحبت میکنم
We speak English better than Persian.	ما انگلیسی بهتر از فارسی صحبت میکنیم
Do you think you speak better than me?	آیا فکر میکنی بهتر از من صحبت میکنی؟
I know I speak better than you.	من میدونم بهتر از تو صحبت میکنم
Do you want some coffee?	آیا کمی قهوه میخوای؟
Yes, please.	بله ، لطفاً
No, thanks.	نه ، مرسی
No, thank you. I'm fine.	
No, thanks.	
No, thanks. I'm fine.	
Thank you	متشکرم
You're welcome.	جواب تشکر ( خواهش میکنم )

Here	اینجا
I live here	من اینجا زندگی میکنم
In Iran	تو ایران
Home	منزل
Now	الان ( حالا )
I'm going.	دارم میرم
I'm going home.	دارم میرم منزل
I'm speaking Persian.	من دارم فارسی صحبت میکنم
Mall	پاساژ ( بازارچه )
To a mall	به یه پاساژ
We're going to a mall.	داریم میریم به یه پاساژ
To the mall	به پاساژ ( مشخص )
a store	یه مغازه ( یه فروشگاه )
I'm at home.	من در منزلم
Goodbye	خداحافظ

---

I want some tea.	من مقداری چای میخوام
I want a tea.	من یه دونه چای میخوام
I want tea.	من چای میخوام
I don't want tea.	من چای نمیخوام
I want some coffee.	یه کمی قهوه میخوام
Can you speak English?	آیا میتونی انگلیسی صحبت کنی؟
Do you speak English?	آیا شما انگلیسی صحبت میکنید؟
Yes, we speak English.	بله ، ما انگلیسی صحبت میکنیم
We're from Canada.	ما اهل کاناداییم

I know.	من میدونم
I know you're from Canada.	من میدونم شما اهل کانادایی

Do I know you?	آیا من تو رو میشناسم؟
I think you know me, too.	من فکر میکنم تو هم منو میشناسی
I speak English.	من انگلیسی صحبت میکنم
Better than you	بهتر از شما
I speak English better than you.	من بهتر از شما انگلیسی صحبت میکنم

Can you?	آیا شما میتونید؟
Can you speak Persian, too?	آیا شما فارسی هم میتونید صحبت کنید؟
I think I can.	فکر کنم بتونم

Do you want some tea?	کمی چای میخواید؟
No, thank you.	نه ، متشکرم
I want some coffee.	یه کمی قهوه میخوام
I don't want tea.	چای نمیخوام
I want coffee.	قهوه میخوام
Please	لطفاً

I want some coffee, please.

یه کمی قهوه میخوام ، لطفاً

### مکالمه

---

سلام جورج حالت چطوره؟

A: Hello, George. How are you?

من خوبم هلن ، مرسی ، تو چطور؟

B: I'm fine, Helen, thanks. And you?

منم خوبم ، مقداری قهوه میخوای؟

A: I'm fine, too. Do you want some coffee?

نه مرسی ، من مقداری چای میخوام .

B: No, thanks. I want some tea.

تو انگلیسی بهتر از من صحبت میکنی . میتونی فارسی هم صحبت کنی؟

A: You speak English better than me. Can you speak Persian, too?

من فکر میکنم فارسی بهتر از انگلیسی صحبت میکنم ، من اهل ایرانم.

B: I think I speak Persian better than English. I'm from Iran.

منم اهل ایرانم و انگلیسی بهتر از فارسی صحبت میکنم.

A: I'm from Iran, too, and I speak English better than Persian.

---

I speak Persian.

من فارسی صحبت میکنم

I don't speak English.

من انگلیسی صحبت نمیکنم

I know.

من میدونم

I don't know.

نمیدونم

Do you want some coffee?

یه کم قهوه میخوای؟

I don't know.

نمیدونم

I want a tea, please.

یه چای میخوام لطفاً

Do you want some tea, too?

آیا تو یه کم چای هم میخوای؟

I don't know.

نمیدونم

Are you from Iran?

آیا شما اهل ایرانید؟

Yes, I'm from Iran.

بله ، من اهل ایرانم

Here

اینجا

I'm fine.

من خوبم

I'm here.

من اینجا

Are you here, too?

آیا شما هم اینجا هستید؟

No, I'm not here.

نه ، من اینجا نیستم

I live here.  
I don't speak English.  
I don't know.  
I don't live here.  
You live here.  
You speak English.  
Do you speak English?

من اینجا زندگی میکنم  
من انگلیسی صحبت نمیکنم  
نمیدونم  
من اینجا زندگی نمیکنم  
شما اینجا زندگی میکنید  
شما انگلیسی صحبت میکنید  
آیا شما انگلیسی صحبت میکنید؟

Do you live here?  
Yes, I live here.  
I'm not from here.  
We're from Iran, too.  
We live here.  
We don't live here.

آیا شما اینجا زندگی میکنید؟  
بله ، من اینجا زندگی میکنم  
من اهل اینجا نیستم  
ما هم اهل ایرانیم  
اینجا زندگی میکنیم  
ما اینجا زندگی نمیکنیم

In Iran  
We live in Iran.  
We live in Canada.  
We don't live here.  
We don't live in Iran.

تو ایران  
ما تو ایران زندگی میکنیم  
ما تو کانادا زندگی میکنیم  
ما اینجا زندگی نمیکنیم  
ما تو ایران زندگی نمیکنیم

We're from Iran.  
Do you live here, too?  
No, we live in Canada.

ما اهل ایرانیم  
آیا شما هم اینجا زندگی میکنید؟  
نه ، ما تو کانادا زندگی میکنیم

Home  
Now  
I live here.  
Do you live here?  
No, I don't live here.

منزل ( بعضی مواقع هم به معنی وطن )  
حالا ( الان )  
من اینجا زندگی میکنم  
آیا شما اینجا زندگی میکنید؟  
نه ، اینجا زندگی نمیکنم

I'm living in Iran now.  
I'm speaking Persian.  
Now

الان دارم تو ایران زندگی میکنم  
من دارم فارسی صحبت میکنم  
الان

قید زمان " معمولاً در آخر جمله میاد . و در برخی موارد برای تاکید کردن روی زمان ، آن را در ابتدای جمله قرار میدیم.

I'm speaking Persian now.  
I speak Persian.  
I'm speaking Persian.

من الان دارم فارسی صحبت میکنم  
من فارسی صحبت میکنم  
من دارم فارسی صحبت میکنم

I live in Iran.  
I'm living in Canada now.  
Home

من تو ایران زندگی میکنم  
من الان تو کانادا دارم زندگی میکنم  
منزل

I'm going.  
I'm going home.

من دارم میرم  
دارم میرم منزل

I'm from Iran. I live in Canada.	من اهل ایرانم تو کانادا زندگی میکنم
I'm not Persian. I'm not better than you. I'm going home now.	من ایرانی نیستم من بهتر از تو نیستم الان دارم میرم منزل
I'm not going home now. Do you live here? No, we don't live here.	من الان نمیرم منزل آیا اینجا زندگی میکنید؟ نه ، اینجا زندگی نمیکنیم
We're living in Canada now. We live in Iran. We're living in Iran.	الان داریم تو کانادا زندگی میکنیم ما در ایران زندگی میکنیم ما داریم در ایران زندگی میکنیم
I'm going. I'm from Iran. We're from Iran. We're going. You're from Iran. You're going now. We're not going home now.	من دارم میرم من اهل ایرانم ما اهل ایرانیم ما داریم میریم شما اهل ایرانید الان شما دارید میرید ما الان منزل نمیریم
Mall a tea a mall We're going to a mall. to a mall We're going to a mall.	پاساژ ( بازارچه ) یه چای یه پاساژ داریم میریم به یه پاساژ به یه پاساژ داریم میریم به یه پاساژ
We're going home. We're going to a mall. I'm going to a mall.	داریم میریم منزل داریم میریم به یه پاساژ من دارم میرم به یه پاساژ

در جملات قبلی متوجه شدید که برای Home معمولاً دیگه To یعنی " به یا به طرف ، نمیاد.

To the mall I'm going to the mall. I think we're going to the mall.	به پاساژ (پاساژی که در ذهن گوینده مشخص باشد) دارم میرم به پاساژ فکر میکنم داریم میریم به پاساژ
a store I'm going to a store. I think we're going to the store.	یه مغازه ( یه فروشگاه ) درام میرم به یه مغازه فکر میکنم داریم میریم به مغازه
We're from Canada. Are you from Iran? Are you going to the mall?	ما اهل کاناداییم آیا اهل ایرانید؟ آیا شما دارید میرید به پاساژ؟

Yes, we're going to the mall.  
Are you going to the store?  
No, we're going to the mall.

بله ، داریم میریم به پاساژ  
آیا داری میری به مغازه؟  
نه داریم میریم پاساژ

I'm going to the store.  
Are you going home?

من دارم میرم فروشگاه  
آیا داری میری منزل؟

I'm at home.  
Are you at home?  
Are you home?

من در منزلم  
آیا شما در منزل هستید؟  
آیا شما منزلید ؟

توجه " قبل از Home هم میتونیم at بخاریم و هم میتونیم نذاریم .

No, we're at the mall.

نه ما در پاساژیم

I'm home.  
I'm at home.

من منزلم  
من در منزلم

I want some tea.  
at the mall  
I'm going to the store.

من یه کمی چای میخوام  
در پاساژ  
دارم میرم به مغازه

From Iran  
From the store  
I want some tea from the store.

اهل ایران  
از فروشگاه  
یه کمی چای از فروشگاه میخوام

I live here.  
I think you know me.

من اینجا زندگی میکنم  
فکر میکنم منو میشناسی

Do you think I know you?  
I know you think.  
I know you.  
I know you think I know you.  
I don't know.

آیا فکر میکنی من میشناسمت؟  
میدونم فکر میکنی  
میشناسمت  
میدونم فکر میکنی مشیناسمت  
نمیدونم

You don't live here.  
I know  
I'm going to the mall.  
I'm going to a mall.  
We're going to the store.

تو اینجا زندگی نمیکنی  
میدونم  
من دارم میرم پاساژ  
من دارم میرم به یک پاساژ  
ما داریم میریم فروشگاه

We want some coffee from the store.  
Goodbye  
I'm going home.  
Goodbye

یه کمی قهوه از مغازه میخوایم  
بای  
من دارم میرم منزل  
بای

Live  
I live in Iran.  
Here  
I'm going to Canada.  
Now  
Mall  
The mall  
We speak Persian.  
Store  
a store  
a mall  
The store  
We want.  
Good  
Goodbye

---

I'm at home.  
Are you at the mall?  
Yes, we're at the mall.

من در منزلم  
آیا شما در پاساژید؟  
بله ما در پاساژیم

Are you at the mall, too?  
No, we're at the store.  
I'm going home.  
Goodbye

آیا شما هم در پاساژید؟  
نه ما در مغازه ایم  
من دارم میرم منزل  
بای

I live in Iran.  
I'm from Canada.  
Can you speak English?  
Yes, I can.  
Can you speak better than me?  
Yes, I can.

من تو ایران زندگی میکنم  
اهل کانادا ام  
آیا میتونی انگلیسی صحبت کنی؟  
آره میتونم  
آیا بهتر از من میتونی صحبت کنی؟  
جواب مثبت کوتاه

I don't know.  
I'm at home.  
I'm going to the Mall.  
I'm going to a store.

نمیدونم  
من در منزلم  
دارم میرم پاساژ  
دارم میرم به یه مغازه

at the mall.  
I'm going to a store at the mall.  
Are you going to the mall, too?

در پاساژ  
دارم میرم به یک مغازه در پاساژ  
آیا شما هم دارید میرید پاساژ؟

No, we're going to a store.  
We're not going to the mall.

نه ، ما داریم میریم به یه مغازه  
پاساژ نمیریم

I'm not from Canada.  
I'm not at home.

من اهل کانادا نیستم  
من در منزل نیستم

Are you at the store?

No, I'm at the mall.

آیا در مغازه ای؟

نه در پاساژم

Are you going home?

No, I'm not going home.

آیا داری میری منزل؟

نه ، منزل نمیرم

I live in Canada.

We speak English here.

We don't speak Persian.

من تو کانادا زندگی میکنم

ما اینجا انگلیسی صحبت میکنیم

فارسی صحبت نمیکنیم

We don't live here.

Are you at the store?

No, we're at the mall.

ما اینجا زندگی نمیکنیم

آیا شما در مغازه اید؟

نه ، ما در پاساژیم

We're at home.

Do you speak English at home?

No, we speak Persian at home.

ما در منزلیم

آیا شما در منزل انگلیسی صحبت میکنید؟

نه ، ما در منزل فارسی صحبت میکنیم

We live in Canada.

We're from Iran.

We're going to the store.

Goodbye

ما تو کانادا زندگی میکنیم

اهل ایرانیم

داریم میریم مغازه

بای



I can't.	نمیتونم
You can't.	نمیتونید
Do you know Ali?	آیا علی رو میشناسید؟
The mall is here.	پاساژ اینجاست ( غیر فشرده )
The mall's here.	پاساژ اینجاست ( فشرده )
It is here.	اینجاست ( غیر فشرده )
It's here.	اینجاست ( فشرده )
Is it here?	آیا اینجاست؟
It's there.	اونجاست
Is it there?	آیا اونجاست؟
Is Ali there?	آیا علی اونجاست؟
Ali is not here.	علی اینجا نیست ( غیر فشرده )
Ali's not here.	علی اینجا نیست ( فشرده )
I can't speak Persian.	
where?	کجا؟
Where is Ali?	علی کجاست؟ ( غیر فشرده )
Where's Ali?	علی کجاست؟ ( فشرده )
Where are you going?	کجا دارید میرید؟
Are you going home?	آیا دارید میرید منزل؟
when?	کی؟
When are you going to Iran?	کی داری میری ایران؟
Where are you now?	الان کجایی؟
Is the mall here?	آیا پاساژ اینجاست؟
Where are you from?	شما اهل کجایی؟
Where is Mina from?	مینا اهل کجاست؟
Shadi is not home.	شادی منزل نیست ( غیر فشرده )
Shadi's not home.	شادی منزل نیست ( فشرده )
okay	اوکی
<hr/>	
Do you live here?	آیا اینجا زندگی میکنید؟
No, I don't live here.	نه من اینجا زندگی نمیکنم
We live in Iran.	ما تو ایران زندگی میکنیم
I'm going to the mall.	من دارم میرم به پاساژ ( مشخص )
We're going home.	ما داریم میریم منزل
You're going to the store.	شما دارید میرید به مغازه ( مشخص )
Hello. How are you?	سلام حالت چطوره؟
Thank you. I'm fine. And you?	متشکرم . خوبم ، شما چطور؟
Goodbye	خداحافظ
You are.	شما هستید ( غیر فشرده )
Are you?	آیا شما هستید؟
You're going home.	شما دارید میرید منزل

Are you going home?  
Yes, we're going home.

آیا شما دارید میرید منزل؟  
بله ما داریم میریم منزل

Hello, Ali.  
How are you?  
Do you want some coffee?  
Yes, please.  
No, thanks.  
You know.

تو میدونی ( تو میشناسی )

Do you know?  
Do you know Ali?  
Yes, I know Ali.  
No, I don't know Ali  
I think I know Ali.  
I think I know you.  
I don't know.

آیا علی رو میشناسی؟  
آره علی رو میشناسم  
نه علی رو نمیشناسم  
فکر میکنم علی رو بشناسم  
فکر میکنم شما رو بشناسم  
نمیدونم

I'm going to the mall.  
now  
I'm going to the mall now.  
I want a coffee now.

دارم میرم به پاساژ ( مشخص )

الان دارم میرم به پاساژ  
من الان یه قهوه میخوام

Are you at the mall now?  
No, I'm not at the mall.

آیا الان در پاساژی؟  
نه در پاساژ نیستم

Where are you?  
where?  
Where are you?

کجایی؟  
کجا؟

Are you at the store?  
Where are you now?  
I'm at the mall now.

آیا در مغازه ای؟  
الان کجایی؟  
الان در پاساژم

The mall is here.  
Ali is here.  
You are here.  
Are you here?  
The mall is here.  
Is the mall here?

پاساژ اینجاست  
علی اینجاست  
شما اینجا هستید ( غیر فشرده )  
آیا شما اینجا هستید؟  
پاساژ اینجاست  
آیا پاساژ اینجاست؟

Where are you?  
Where is the mall?  
Where is Ali?  
Where's Ali?  
Where's the mall?  
Is the mall here?

کجایی؟  
پاساژ کجاست؟  
علی کجاست؟  
علی کجاست؟ ( فشرده )

Yes, the mall is here.	بله پاساژ اینجاست ( غیر فشرده )
Yes, the mall's here.	بله پاساژ اینجاست ( فشرده )
Yes, it is here.	آره اینجاست ( او اینجاست )
It is here.	اینجاست ( فشرده )
It is.	
It's.	
It's here.	اینجاست ( فشرده )
The store's here.	مغازه اینجاست ( فشرده )
It is here.	اینجاست ( غیر فشرده )
Is it here?	اینجاست؟
Is the mall here?	آیا پاساژ اینجاست؟
Yes, it's here.	آره اینجاست ( فشرده )
I'm Mina.	من مینا هستم
I'm not Mina.	من مینا نیستم
It's here.	اینجاست
It's not here.	اینجا نیست
Ali's home.	علی منزله
Ali's at home.	علی منزله ( به این شکل هم گفته میشه )
Ali is.	
Ali's.	
Ali's at home.	
Is Ali home?	آیا علی منزله؟
No, Ali's not home.	نه علی منزل نیست
Ali's at the mall.	علی در پاساژه
Is the mall here?	آیا پاساژ اینجاست؟
No, it's not here.	نه اینجا نیست
It's there.	اونجاست
Is the mall here?	آیا پاساژ اینجاست؟
No, it's not here.	نه اینجا نیست
It's there.	اونجاست
The mall's there.	پاساژ اونجاست
Ali's there.	علی اونجاست
I'm going to the mall now.	الان دارم میرم پاساژ
Are you going to the mall?	داری میری پاساژ؟
Where are you?	کجایی؟
Where are you going?	کجا داری میری؟
Where are we going?	کجا داریم میریم؟

Is Ali at the mall?  
No, Ali's not at the mall.

آیا علی در پاساژه؟  
نه علی در پاساژ نیست؟

Ali's not there.  
Is Ali going to the mall?  
No, Ali's not going to the mall.  
Ali's not going there.

علی اونجا نیست  
آیا علی داره میره پاساژ؟  
نه، علی به پاساژ نمیره  
علی نمیره اونجا

Where are you going?  
When are you going?  
when?  
where?  
When are you going to the store?  
I don't know.  
We're going to the mall.  
when?

کجا داری میری؟  
کی داری میری؟  
کی؟  
کجا؟  
کی داری میری به فروشگاه؟  
ما داریم میریم به پاساژ

We're going now.  
Is the mall here?  
Yes, it's here.  
No, it's not here.  
It's there.

الان داریم میریم  
آیا پاساژ اینجاست؟  
آره اینجاست  
نه ، اینجا نیست  
اونجاست

Is Ali there?  
Hello. How are you?  
Are you Mina?  
No, I'm Shiva.  
Is Shadi home?  
No, Shadi's not home.  
Yes, Shadi's home.  
No, Shadi is at the mall.  
Thank you. Goodbye.  
You're welcome.

آیا علی اونجاست؟  
شما مینا هستی؟  
نه من شیوا هستم  
شادی منزله؟  
نه ، شادی منزل نیست  
آره شادی منزله  
نه ، شادی پاساژه  
خواهش میکنم ( جواب تشکر )

I'm from Iran.  
where?  
Where are you from?  
I'm from Canada.

Ali's from Iran.  
Where's Ali from?  
Ali's from Iran.  
Where's Jim from?  
Jim's from Canada.  
Ali's from Iran, and Jim's from Canada.

علی اهل ایرانه  
علی اهل کجاست؟  
جیم اهل کجاست؟  
جیم اهل کاناداست  
علی اهل ایرانه و جیم اهل کاناداست

and you?

I'm from Iran, too.

من هم اهل ایران

I'm going to the store.

to Iran

to Canada

Where are you going?

I'm going to Iran.

when?

دارم میرم به فروشگاه

به ایران

کجا داری میری؟

دارم میرم به ایران

کی؟

When are you going to Iran?

I don't know.

I can speak English.

Can you speak English, too?

No, I can't.

I can't.

I can't speak English.

We can't speak Persian.

You can't live here.

You speak English better than me.

No, I don't think I speak better than you.

I can't speak better than you.

I think you're better than me.

I don't know.

کی داری میری به ایران؟

من میتونم انگلیسی صحبت کنم

تو هم میتونی انگلیسی صحبت کنی؟

نه نمیتونم

نمیتونم

نمیتونم انگلیسی صحبت کنم

تو نمیتونی اینجا زندگی کنی

نه ، من فکر نمیکنم من بهتر از شما صحبت کنم

من نمیتونم بهتر از شما صحبت کنم

من فکر میکنم شما بهتر از من هستید

نمیدونم

### مکالمه

---

سلام پاساژ کجاست؟ اینجا است؟

A: Hello. Where's the mall? Is it here?

من نمیدونم. فکر کنم اونجاست. آیا داری میری به پاساژ؟

B: I don't know. I think it's there. Are you going to the mall?

بله ، ما الان داریم میریم به پاساژ

A: Yes, we're going to the mall now.

شما اهل کجایی؟

B: Where are you from?

ما اهل ایران هستیم ، شما چطور؟

A: We're from Iran. And you?

من اهل کانادا هستم

B: I'm from Canada.

آیا میتونی فارسی صحبت کنی؟

A: Can you speak Persian?

نه ، نمیتونم . من نمیتونم فارسی صحبت کنم . ما در کانادا فارسی صحبت نمیکنیم . آیا اینجا زندگی میکنی؟

B: No, I can't. I can't speak Persian. We don't speak Persian in Canada. Do you live here?

نه ما اینجا زندگی نمیکنیم . ما در ایرن زندگی میکنیم

A: No, we don't live here. we live in Iran.

---

Do you live here?

Yes, I live here.

No, I don't live here.

آیا اینجا زندگی میکنید؟

آره اینجا زندگی میکنم

نه اینجا زندگی نمیکنم

I live there.

We live In Iran.

and you?

Do you live in Iran, too?

No, I don't live in Iran.

من اونجا زندگی میکنم

ما تو ایران زندگی میکنیم

شما هم تو ایران زندگی میکنید؟

نه من تو ایران زندگی نمیکنم

Where's Ali?

Is Ali in Iran?

Yes, Ali's in Iran.

Ali's there.

When are you going to the store?

I don't know.

Where are you going now?

آیا علی ایرانه؟

آره علی ایرانه

علی اونجاست

کی داری میری به فروشگاه؟

نمیدونم

الان کجا داری میری؟

I'm going to the mall.

okay

دارم میرم به پاساژ

خیلی خوب

---

Yes, I can.

No, I can't.

It

Is

It is.

It's.

Where?

When?

Okay

There

---

Do you want some tea?	آیا کمی چای میخوای؟
No, I want coffee.	نه من قهوه میخوام
okay	اوکی
better	
better than	بهتر از
Coffee is better than tea.	قهوه بهتر از چاییه ( غیر فشرده )
Coffee's better than tea.	قهوه بهتر از چاییه ( فشرده )
I think tea's better than coffee.	من فکر میکنم چای بهتر از قهوه است
I don't know.	
You know better than me.	تو بهتر از من میدونی
Do you know Shadi?	شادی رو میشناسی؟
Yes, I know Shadi.	آره شادی رو میشناسم
No, I don't know Shadi.	نه شادی رو نمیشناسم
I think I know Shadi.	فکر میکنم شادی رو میشناسم
Where are you from?	
Where's Mina from?	مینا اهل کجاست؟
I don't know.	
Where do you live?	کجا زندگی میکنی؟
I live here.	
The mall's there.	پاساژ اونجاست
Is Ali home?	علی منزله؟
No, Ali's not home.	نه علی منزل نیست
I can't live here.	من نمیتونم اینجا زندگی کنم
Where are you?	کجایی؟
I'm in Canada now.	من الان کانادا م
Are you in Iran now?	آیا شما الان ایرانیید؟
Yes, we're in Iran now.	آره ما الان ایرانییم
I'm going to Iran.	من دارم میرم به ایران
when?	کی؟
I don't know.	نمیدونم
Okay. Goodbye.	

I want to speak.	من میخوام صحبت کنم
Today	امروز
Do you want to go now?	آیا میخوای الان بری؟
not today	امروز نه
Can I sit here?	آیا میتونم اینجا بشینم؟
I want to buy some coffee.	من میخوام کمی قهوه بخرم
what?	چی؟
What do you want to do?	چکار میخوای بکنی؟
What do you want from me?	از من چی میخوای؟
something	یه چیزی ( چیزی )
I want to buy something.	من میخوام یه چیزی بخرم
What do you do?	چکار میکنید؟

---

where?	کجا؟
Where are you now?	الان کجایی؟
Where's Mina?	مینا کجاست؟
Where are you going?	کجا داری میری؟
when?	کی؟
Are you going to Canada?	آیا دارید میرید به کانادا؟
Yes, we're going to Canada.	بله داریم میریم به کانادا
When are you going?	کی دارید میرید؟
We don't know.	نمیدونیم
Is Shadi home?	شادی منزله؟
No, Shadi's not home.	نه شادی منزل نیست
Where's Ali?	علی کجاست؟
I think Ali's at the mall.	فکر کنم علی در پاساژه
I don't think Ali's at the mall.	من فکر نمیکنم علی در پاساژه
Do you know, Saman?	آیا سامان رو میشناسی؟
Yes, I know, Saman.	آره سامان رو میشناسم
No, I don't know, Saman.	نه سامان رو نمیشناسم

I don't live here.	من اینجا زندگی نمیکنم
Do you want a tea now?	آیا شما الان یه چای میخوای؟
Yes, please.	آره لطفا
No, thank you.	نه متشکرم
No, thanks. I'm fine.	
I want some coffee.	من کمی قهوه میخوام
Navid, are you going home?	نوید داری میری منزل؟
Yes, I'm going home.	آره دارم میرم منزل

Can you Speak English?	میتونی انگلیسی صحبت کنی؟
Yes, I can.	بله میتونم
Yes, I can speak English.	آره میتونم انگلیسی صحبت کنم



I can't speak English. Can you speak Persian? No, I can't.	نمیتونم انگلیسی صحبت کنم آیا میتونی فارسی صحبت کنی؟ نه نمیتونم
Is the mall here? No, it's not here. It's there.	آیا پاساژ اینجاست؟ نه اینجا نیست اونجاست
Mina's at the store. Ali's at home. Ali's home.	مینا در فروشگاهست علی منزله علی منزله
When are you going to Iran? I don't know.	کی داری میری به ایران؟ نمیدونم
Where's Shadi from? Shadi's from Iran.	شادی اهل کجاست؟ شادی اهل ایرانه
I'm from Iran, too. Where are you from? Are you from Canada? No, I'm not from Canada. We're from Iran.	من هم اهل ایرانم شما اهل کجایی؟ آیا اهل کانادایی؟ نه اهل کانادا نیستم اهل ایرانیم
I can speak English. I can speak English now.	من میتونم انگلیسی صحبت کنم من حالا میتونم انگلیسی صحبت کنم
I want to speak.	من میخوام صحبت کنم

وقتی دو تا فعل پشت سر هم میاد ، به ابتدای فعل دوم To اضافه میشه .  
البته چند تا افعال هستند که از این قاعده پیروی نمیکنند .

I want to speak English. I don't want. I don't want to speak. I don't want to speak Persian.	من میخوام انگلیسی صحبت کنم نمیخوام نمیخوام صحبت کنم نمیخوام فارسی صحبت کنم
Do you speak English? Do you want? Do you want to speak? Do you want to speak English?	آیا شما انگلیسی صحبت میکنید آیا میخواید؟ آیا میخواید صحبت کنید؟ آیا میخواید انگلیسی صحبت کنید؟
No, I want to speak Persian. Do you speak English? Do you want to speak Persian?	نه ، من میخوام فارسی صحبت کنم آیا شما انگلیسی صحبت میکنید؟ آیا شما میخواید فارسی صحبت کنید؟
No, I don't want to speak Persian. I want to speak English.	نه نمیخوام فارسی صحبت کنم میخوام انگلیسی صحبت کنم

I live in Iran. من در ایران زندگی میکنم  
I want to live in Iran. من میخوام در ایران زندگی کنم

I don't want to live here. نمیخوام اینجا زندگی کنم  
I don't want to live there. نمیخوام اونجا زندگی کنم  
I want to live here. میخوام اینجا زندگی کنم

Do you want some tea? آیا کمی چای میخوای؟  
No, thank you.

No, thank you. I'm fine.  
No, thanks.  
No, thanks. I'm fine.

When are you going to Canada? کی داری میری کانادا؟  
today امروز  
I'm going today. امروز دارم میرم  
I'm going to Iran today. دارم امروز میرم به ایران

Are you going to Iran today? آیا امروز داری میری به ایران؟  
No, not today. نه ، امروز نه  
not today امروز نه

Do you want a coffee? آیا یه قهوه میخوای؟  
No, not coffee. نه ، قهوه نه  
some tea? کمی چای؟  
Yes, I want some tea. آره ، کمی چای میخوام

Is the mall here? آیا پاساژ اینجاست؟  
not here اینجا نه  
It's there. اونجاست

Ali's home today. علی امروز منزله .  
We're going to the store today. ما داریم امروز میریم به فروشگاه  
We're going to a store today. ما داریم امروز میریم به یه فروشگاه

**The و a حرف تعریف هستند.**

**The حرف تعریف معرفه است ، یعنی در مواردی که برای گوینده و شنونده مشخص هستند.**

**a با اینکه به معنی یک میاد ، به عنوان حرف تعریف نکره هم استفاده میشه . یعنی در مواردی که برای گوینده یا شنونده نا مشخص هستند. مثل " مغازه ای a store**

We want to go to the store. ما میخوایم بریم به فروشگاه  
Can we speak Persian? آیا میتونیم فارسی صحبت کنیم؟  
Can we go to the mall today? آیا میتونیم امروز بریم به پاساژ؟  
Yes, we can. بله میتونیم  
No, we can't. نه ، نمیتونیم

Can I sit here?	آیا میتونم اینجا بشینم؟
Sit	نشین
Yes, you can sit here.	آره میتونی اینجا بشینی
No, you can't sit here.	نه اینجا نمیتونی بشینی
You can sit there.	میتونی اونجا بشینی
I want to sit.	من میخوام بشینم
I want to sit here.	من میخوام اینجا بشینم
I want to sit here today.	من میخوام امروز اینجا بشینم
When?	کی؟
When do you want to go?	کی میخوای بری؟
When do you want to go to Iran?	کی میخوای بری به ایران؟
Not today	امروز نه
Not now	الان نه
Are you going to the store now?	آیا شما الان داری میری به مغازه؟
Yes, I'm going there now.	آره ، دارم الان میرم اونجا
Can you buy some tea?	آیا میتونی کمی چای بخری؟
I want to buy some coffee.	من میخوام کمی قهوه بخرم
You can buy coffee.	تو میتونی قهوه بخری
Where can we buy coffee?	ما کجا میتونیم قهوه بخریم؟
from the store	از مغازه ( مشخص )
at the store	در مغازه ( مشخص )
You can buy coffee from the store.	تو میتونی قهوه از فروشگاه بخری
We can buy tea at the store.	ما میتونیم چای در فروشگاه بخریم
We can go there.	میتونیم بریم اونجا
What do you want to buy?	چی میخوای بخری؟
what?	چی؟
What do you want to do?	چکار میخوای بکنی؟
I want to go to the mall.	میخوام برم به پاساژ
When do you want to go?	کی میخوای بری؟
Are you going today?	آیا امروز داری میری؟
No, not today.	نه ، امروز نه
What do you want to do at the mall?	چکار میخوای بکنی در پاساژ؟
What do you want to buy?	چی میخوای بخری؟
I want to buy something.	میخوام یه چیزی بخرم
Something	یه چیزی
I want to buy something.	



بله ، میتونم . آیا میدونی علی کجاست؟  
B: Yes, I can. Do you know where Ali is?

چی؟  
A: What?

علی کجاست؟  
B: Where's Ali?

اوه ، فکر کنم علی الان در پاساژ  
A: Oh, I think Ali's at the mall now.

اوکی ، من الان میرم . بای  
B: Okay. I'm going now. Goodbye.

بای  
A: Goodbye.

---

Can we sit here? Yes, you can. No, you can't.	آیا ما میتونیم اینجا بشینیم؟ بله میتونید نه ، نمیتونید
When do we want to go to Iran? I don't know. not today.	ما کی میخوایم بریم به ایران؟ نمیدونم امروز نه
Where are you from? Where's Shadi from? Shadi's from Iran.	شما اها کجایید؟ شادی اهل کجاست؟ شادی اهل ایرانه
The mall's not here. It's there. It's not here. Is it there?	پاساژ اینجا نیست اونجاست اینجا نیست آیا اونجاست؟
Yes, I think it's there. I don't know.	آره فکر میکنم اونجاست نمیدونم

Hello, Roya.	سلام رویا
How are you today?	امروز حالت چطوره؟
I'm fine, thanks.	خوبم مرسی
What do you want to do today?	امروز میخوای چکار کنی؟
I want to go to the mall.	میخوام برم به پاساژ
I want to buy something.	میخوام یه چیزی بخرم
When do you want to go to Iran?	کی میخوای بری به ایران؟
Where do you want to go?	کجا میخوای بری؟
Are you going to Canada, too?	آیا داری به کانادا هم میری؟
I don't know.	نمیدونم
Are you going home now?	آیا الان داری میری منزل؟
not now	الان نه
Do you want to sit?	آیا میخوای بشینی؟
No, thanks. I'm fine.	نه مرسی
No, thank you. I'm fine.	نه متشکرم
You're welcome.	خواهش میکنم
Today I want to sit here.	امروز میخوام بشینم اینجا
Do you want to sit here, too?	آیا تو هم میخوای اینجا بشینی؟
I don't think we can sit here.	فکر نمیکنم ما بتونیم اینجا بشینیم
We can't sit here.	ما نمیتونیم اینجا بشینیم
I want to sit there.	من میخوام اونجا بشینم
What do you want?	چی میخوای؟
from me	از من
What do you want from me?	از من چی میخوای؟
What do you do?	چکار میکنی؟ ( برای پرسیدن شغل هم متداوله )
Is Sahar there?	آیا سحر اونجاست؟
No, Sahar is not here.	نه سحر اینجا نیست
Where's Sahar?	سحر کجاست؟
Is Sahar at the mall?	آیا سحر در پاساژه؟
I don't think Sahar is at the mall.	فکر نمیکنم سحر در پاساژه
Is Shadi there, too?	آیا شادی هم اونجاست؟
Yes, Shadi's here, too.	آره شادی هم اینجاست
What do you do?	کارت چیه؟ ( چکار میکنی ؟ )
What do you do here?	شما اینجا چکار میکنی؟
You're welcome.	جواب تشکر ( خواهش میکنم )

Restaurant	رستوران
I want to drink something.	میخوام یه چیزی بنوشم
Me too	منم ( همچنین ، من هم همینطور )
a soda	یه نوشابه
Coke	کوکا
Pepsi	پپسی
Coke or Pepsi?	کوکا یا پپسی؟
It's far.	دوره
Canada is far from here.	کانادا از اینجا دوره
It's very far.	خیلی دوره
one	یک
two	دو
two coffees	دوتا قهوه
Do you want anything?	آیا چیزی میخوای؟

---

I want to buy something.	میخوام یه چیزی بخرم
Do you want to buy something, too?	آیا تو هم میخوای یه چیزی بخری؟
Where do you want to go?	کجا میخوای بری؟
I want to go to the mall.	میخوام برم به پاساژ
When do you want to go?	کی میخوای بری؟
I want to go now.	میخوام الان برم
What do you want to do?	میخوای چکار کنی؟

I want to sit here.	میخوام اینجا بشینم
I don't think.	من فکر نمیکنم
You can sit there.	بتونی اونجا بشینی
I don't think you can sit there.	فکر نمیکنم بتونی اونجا بشینی

okay	اوکی
Where are you from?	اهل کجایی؟
I'm from Iran.	من اهل ایرانم
I don't live in Iran now.	الان تو ایران زندگی نمیکنم
I don't live there.	اونجا زندگی نمیکنم

When do you want to go to the mall?	کی میخوای بری پاساژ؟
not now	الان نه
not today	امروز نه
not here	اینجا نه
You can't sit here.	اینجا نمیتونی بشینی

Is the mall here?	آیا پاساژ اینجاست؟
Is it here?	آیا اینجاست؟
No, it's not here.	نه ، اینجا نیست
It's there.	اونجاست
from the mall	از پاساژ

I want something from the mall.

من یه چیزی از پاساژ میخوام

مکالمه

---

سلام جک ، کجا داری میری؟

A: Hi, Jack. Where are you going?

سلام جیم ، من دارم میرم به پاساژ . تو هم میخوای بری؟

B: Hi, Jim. I'm going to the mall. Do you want to go, too?

الان نه . من الان میخوام برم به فروشگاه

A: Not now. I want to go to the store now.

کی میخوای بری به پاساژ؟

B: When do you want to go to the mall?

امروز نه . من میخوام امروز یه چیزی از فروشگاه بخرم. تو چیکار میخوای بکنی در پاساژ؟

A: Not today. I want to buy something from the store today. What do you want to do at the mall?

من میخوام یه چیزی اونجا بخرم

B: I want to buy something there.

اوکی . من میخوام الان برم . بای

A: Okay. I want to go now. Goodbye.

---

What do you want to do today?

Where do you want to go?

Restaurant

To a restaurant

I want to go to a restaurant.

Can we go to a restaurant?

Not now

I don't want to go to a restaurant.

What do you want to do?

I want to drink something.

Do you want to drink something?

Yes, please.

What do you want to do?

What do you want to drink?

a soda

امروز میخوای چکار کنی؟

کجا میخوای بری؟

رستوران

به یه رستوران

میخوام برم به یه رستوران

آیا میتونیم بریم به یه رستوران

الان نه

نمیخوام برم به یه رستوران

میخوای چکار کنی؟

میخوام یه چیزی بنوشم

آیا میخواید یه چیزی بنوشید؟

آره لطفاً

میخوای چکار کنی؟

میخوای چی بنوشی؟

یه نوشابه ( نوشابه گازدار )



I want a soda.	یه نوشابه میخوام
I want to drink something.	میخوام یه چیزی بنوشم
I want to drink a soda.	میخوام یه نوشابه بنوشم
I want to buy a soda.	میخوام یه نوشابه بخرم
When do you want to go?	کی میخوای بری؟
When do you want to drink something?	کی میخوای یه چیزی بنوشی؟
not now	الان نه
Where do you want to drink something?	کجا میخوای یه چیزی بنوشی؟
not here	اینجا نه
at a restaurant	در یه رستوران
I want to go to the restaurant.	میخوام برم به رستوران
And I want to drink something there.	و میخوام اونجا یه چیزی بنوشم
me too	منم ( همچنین )
I want to go to a restaurant.	میخوام برم یه رستوران
me too	منم ( همچنین )
I want a soda.	من یه نوشابه میخوام
me too	منم
Coke	کوکاکولا
I want some Coke.	کمی کوکا میخوام
What do you want to drink?	چی میخوای بنوشی؟
I want some soda.	یه کمی نوشابه میخوام
I want a Coke.	یه کوکا میخوام
Pepsi	پپسی
I want some Pepsi.	یه کمی پپسی میخوام
Some Pepsi, please	کمی پپسی لطفاً
You speak English better than me.	شما بهتر از من انگلیسی صحبت میکنید
Pepsi is better than Coke.	پپسی بهتر از کوکا ست
I think Coke is better than Pepsi.	من فکر میکنم کوکا بهتر از پپسیه
Is Coke better than Pepsi?	آیا کوکا از پپسی بهتره؟
I think Pepsi is better than Coke.	من فکر میکنم پپسی از کوکا بهتره
Me too	منم
Where do you want to drink something?	کجا میخوای یه چیزی بنوشی؟
at the mall	در پاساژ
at the restaurant	در رستوران
I want to drink something at the restaurant.	میخوام در رستوران یه چیزی بنوشم
and you?	و شما
me too	منم

I want a Soda.	یه نوشابه میخوام
Coke or Pepsi?	کوکا یا پپسی؟
Do you want Coke or Pepsi?	کوکا میخوای یا پپسی؟
Do you speak English or Persian?	انگلیسی صحبت میکنی یا فارسی؟
Are you from Canada or from Iran?	اهل کانادایی یا اهل ایران؟
I'm from Iran.	من اهل ایرانم
Where's Iran?	ایران کجاست؟
It's far.	دوره
It's far from here.	از اینجا دوره
It's far from Canada.	از کانادا دوره
Iran is far.	ایران دوره
Iran is far from Canada.	ایران از کانادا دوره
It's very far.	خیلی دوره
Iran is very far.	ایران خیلی دوره
Iran is very far from Canada.	ایران خیلی از کانادا دوره
Can we drink something now?	آیا میتونیم یه چیزی الان بنوشیم؟
Where do you want to go?	کجا میخوای بری؟
I want to drink something at a restaurant.	میخوام یه چیزی در یه رستورانی بنوشم
What do you want to drink?	چی میخوای بنوشی؟
Do you want Coke or Pepsi?	آیا کوکا میخوای یا پپسی؟
I want to drink something.	یه چیزی میخوام بنوشم
I want a tea or a coffee.	یه چای یا یه قهوه میخوام
not soda	نوشابه نه
Where is the restaurant?	رستوران کجاست؟
It's far.	دوره ( فشرده )
Is it far?	آیا دوره؟
Yes, it's very far from here.	آره خیلی از اینجا دوره
Where's Canada?	کانادا کجاست؟
It's far.	دوره
Is it far from Iran, too?	آیا از ایران هم دوره؟
Yes, it's far from Iran, too.	آره از ایران هم دوره
Where are you from?	اهل کجایی؟
I'm not from here.	من اهل اینجا نیستم
Do you want to drink something?	میخوای یه چیزی بنوشی؟
I want a soda.	من یه نوشابه میخوام
one	یک
one soda	یک نوشابه
one coffee	یک کوکا

one coffee, please	یک کوکا لطفاً
two	دو
two coffees	دو تا قهوه
two teas, please	دو تا چای لطفاً
What do you want to drink?	چی میخوای بنوشی؟
I want two teas, please.	من دو تا چای میخوام لطفاً
and one coffee	و یک قهوه
I want two teas, too.	منم دو تا چای میخوام
and one Pepsi	و یک پیسی
The restaurant is far from here.	رستوران از اینجا دوره
We're at a Persian restaurant.	ما در یه رستوران ایرانی هستیم

در زبان انگلیسی بر عکس فارسی ، صفت قبل از اسم میاد .

Persian restaurant	رستوران ایرانی
We're going to a Persian restaurant.	داریم میریم به یه رستوران ایرانی
Where is the Persian restaurant?	رستوران ایرانیه کجاست؟
It's not far.	دور نیست
It's not far from here.	از اینجا دور نیست
I'm going to the store now.	الان دارم میرم مغازه
I want to buy something.	میخوام یه چیزی بخرم
Do you want anything?	آیا چیزی میخوای؟
I don't want anything.	چیزی نمیخوام

کلمه Anything در جملات منفی ، مثل چیزی نمیخوام و یا در بعضی مواقع در جملات سوالی استفاده میشود.

I want something.	یه چیزی میخوام
I don't want anything.	چیزی نمیخوام
from the store	از مغازه
I don't want anything from the store.	چیزی از مغازه نمیخوام

---

Restaurant  
Drink  
It's far.  
Far  
Very far  
One  
Something  
Anything

Do you want anything from the restaurant? آیا چیزی از رستوران میخوای؟  
Are you going to a Persian restaurant? آیا داری میری به یه رستوران ایرانی؟  
I don't know. نمیدونم

The Persian restaurant is very far from here رستوران ایرانیه از اینجا خیلی دوره  
I want to drink something. یه چیزی میخوام بنوشم  
me too منم

one Pepsi, please یک پپسی لطفاً  
and two Cokes و دو تا کوکا  
I don't want to drink anything now. الان چیزی نمیخوام بنوشم

Supermarket	سوپرمارکت
I want to buy a car.	میخوام یه ماشین بخرم
Your car	ماشین تو
Where's your house?	خونتون کجاست؟
I have a car.	من یه ماشین دارم
Do you have tea?	آیا یه چای داری؟
We don't have a house.	ما خونه نداریم
Is your son home?	آیا پسر تون منزله؟
But	ولی ( اما )
But not today	ولی امروز نه
We have three cars.	ما سه تا ماشین داریم
We have four sons.	ما چهار تا پسر داریم
Excuse me, sir. Where is the mall?	ببخشید آقا ، پاساژ کجاست؟
Excuse me, ma'am. Are you from Iran?	ببخشید خانم ، آیا شما اهل ایران هستید؟

---

It's very far.	خیلی دوره
It's not very far.	خیلی دور نیست
Do you want to drink something?	میخوای یه چیزی بنوشی؟
No, thanks.	نه مرسی
No, thank you. I'm fine.	

Yes, please.	آره لطفاً
Yes, some Coke, please.	آره کمی کوکا لطفاً
or some Pepsi	یا کمی پپسی
one Coke	یک کوکا

two Pepsis	دو تا پپسی
I want to drink some soda.	من میخوام کمی نوشابه بنوشم
me too	منم

a restaurant	یه رستوران
a Persian restaurant	یه رستوران ایرانی
the Persian restaurant	رستوران ایرانیه
The Persian restaurant is very far.	رستوران ایرانیه خیلی دوره
The Persian restaurant's very far.	
from here	از اینجا
The Persian restaurant is very far from here.	رستوران ایرانیه از اینجا خیلی دوره

We're at the restaurant now.	ما الان در رستورانیم ( مشخص )
Where are you?	شما کجا یید؟
We're at a restaurant, too.	ما هم در یه رستورانیم
I don't want to drink anything.	من نمیخوام چیزی بنوشم
Two Pepsis, please	دو تا پپسی لطفاً

I know a Persian restaurant.	من یه رستوران ایرانی میشناسم
Where's the Persian restaurant?	رستوران ایرانیه کجاست؟

Where is it?	کجاست؟
It's not very far from here.	از اینجا خیلی دور نیست
Two coffees	دو تا قهوه
Two restaurants	دو تا رستوران
I know two Persian restaurants.	من دو تا رستوران ایرانی می‌شناسم
Do you live in Iran?	آیا شما در ایران زندگی می‌کنید؟
Yes, I live there.	آره من اونجا زندگی می‌کنم
What do you do there?	اونجا چکار می‌کنید؟
I have a restaurant.	من یه رستوران دارم
I have.	من دارم
You have.	تو داری ( شما داری )
Do you speak English?	آیا تو انگلیسی صحبت می‌کنی؟
Do you have tea?	آیا تو چای داری؟
Yes, I have some tea.	آره ، کمی چای دارم
We have some tea.	ما کمی چای داریم
Can we go to the mall?	آیا میتونیم بریم به پاساژ؟
not today	امروز نه
Yes, but not today.	آره ، ولی امروز نه
but not today	ولی امروز نه
but	ولی ( اما )
not now	الان نه
but not now	ولی الان نه
I want to drink something.	من می‌خوام یه چیزی بنوشم
but not coffee	ولی قهوه نه
Do you want Pepsi or Coke?	پپسی می‌خوای یا کوکا؟
I want two Pepsis and one Coke.	من دو تا پپسی می‌خوام و یک کوکا
I want to buy some tea.	من می‌خوام کمی چای بخرم
Where do you want to buy some tea?	کجا می‌خوای کمی چای بخری؟
at a supermarket	در یه سوپرمارکت
I'm going to the supermarket now.	الان دارم میرم به سوپرمارکت ( مشخص )
Store	فروشگاه
Mall	پاساژ
The supermarket is very far.	سوپرمارکته خیلی دوره
But you have a car.	ولی تو ماشین داری ( عملاً یه ماشین )
car	ماشین
a car	یه ماشین
two Pepsis	دو تا پپسی
two cars	دو تا ماشین
We have two cars.	ما دو تا ماشین داریم
But you have one car.	ولی شما یک ماشین دارید

Do you have a car? ماشین داری؟ ( عملاً به ماشین )

Yes, I have a car. آره ماشین دارم

I have a house, too. من یه خونه هم دارم  
house خونه

I have one house and two cars. من یک خونه و دو تا ماشین دارم

We have a house. ما یه خونه داریم

Do you have a house? خونه داری؟

Yes, I have a house. آره خونه دارم

Where's your house? خونتون کجاست؟

Your house خونه شما ( خونه شماها )

Your car ماشین تو

Where's Farhad? فرهاد کجاست؟

Where's your car? ماشینت کجاست؟

It's there. اونجاست

Your house is here. خونه شما اینجاست

حالا با عوض کردن جای فعل و فاعل بپرسید " آیا خونه شما اینجاست ؟

Is your house here? آیا خونه شما اینجاست؟

No, it's not here. نه اینجا نیست

Yes, it's here. آره اینجاست

Is it here or there? اینجاست یا اونجا ؟

It's not here. اینجا نیست

I want to buy a car. من میخوام ماشین بخرم

but not now ولی الان نه

We don't want. ما نمیخوایم

We don't want to buy a house. ما نمیخوایم خونه بخریم

We don't want to buy a house now. ما حالا نمیخوایم خونه بخریم

Shadi, where's your house? شادی خونت کجاست؟

It's there. اونجاست

I want to drink something. من میخوام یه چیزی بنوشم

What do you want to drink? چی میخوای بنوشی؟

در اینجا داشتن ، عملاً معنی صرف کردن یا میل کردن میدهد .

What do you want to have? چی میخوای داشته باشی؟

Tea or coffee? چای یا قهوه ؟

I'm fine.  
Tea's fine.  
Do you want coffee or tea?  
Coffee's fine.

خوبم  
چای خوبه  
قهوه میخوای یا چای؟  
قهوه خوبه

I want to go to the supermarket.  
when?  
today

میخوام برم به سوپرمارکت ( مشخص )  
کی ؟  
امروز

We want to go to Florida today.  
to Iran  
to a supermarket  
What do you want to do?  
I want to go to a restaurant.  
where?  
to a restaurant  
to a Persian restaurant

ما میخوایم امروز بریم به فلوریدا  
به ایران  
به یه سوپرمارکت  
چکار میخوای بکنی؟  
میخوام برم به یه رستوران  
کجا؟  
به یه رستوران  
به یه رستوران ایرانی

I want to buy something at a supermarket.  
Where do you buy your tea?  
at a supermarket  
Where are you from?  
Where do you buy tea from?  
from the store  
at the store

میخوام یه چیزی تو یه ( در یک ) سوپرمارکت بخرم  
چاییتو کجا میخری؟  
در یه سوپرمارکت  
اهل کجایی؟ ( از کجایی؟ )  
چای از کجا میخری؟  
از مغازه  
در مغازه

Can I buy something, too?  
No, you can't.  
Yes, you can.

آیا منم میتونم یه چیزی بخرم ؟  
نه ، نمیتونی  
آره ، میتونی

### مکالمه

---

جیم ، چی میخوای بنوشی؟  
A: Jim, what do you want to drink?

نمیدونم . چی دارید؟  
B: I don't know. What do you have?

من چای دارم ، قهوه و کوکاکولا  
A: I have tea, coffee, and Coke.

چای خوبه ، اما قهوه بهتره . کمی قهوه میخوام .  
B: Tea's fine, but coffee's better. I want some coffee.



جیم ، کی میخوای ماشین بخری؟

A: Jim, when do you want to buy a car?

نمیدونم.

B: I don't know.

خونتون کجاست؟ خونتون از اینجا خیلی دُره ؟

A: Where's your house? Is your house very far from here?

نه ، از اینجا خیلی دور نیست. سارا ، مینا رو میشناسی؟

B: No, it's not very far from here. Sarah, do you know Mina?

آره ، مینا رو میشناسم.

A: Yes, I know Mina.

مینا اهل کجاست؟

B: Where's Mina from?

فکر کنم مینا اهل ایرانه .

A: I think Mina's from Iran.

من میخوام الان برم به یه سوپرمارکت. میخوام به چیزی بخرم.

B: I want to go to a supermarket now. I want to buy something.

الان داری میری؟

A: Are you going now?

آره ، الان دارم میرم . متشکرم سارا.

B: Yes, I'm going now. Thank you, Sarah.

خواهش میکنم جیم . بای.

A: You're welcome Jim. Goodbye.

بای سارا.

B: Goodbye, Sarah.

---

We have a house in Iran.

Do you have a car, too?

ما یه خونه تو ایران داریم

ماشین هم دارید؟

We have three cars.

three

three cars

We have three cars.

But you have two cars.

ما سه تا ماشین داریم

سه

سه تا ماشین

ما سه تا ماشین داریم

ولی شما دو تا ماشین دارید

three	سه
four	چهار
one	یک
two	دو
Three	سه
four	چهار

I have four sons.	من چهار تا پسر دارم ( منظور فرزند پسر )
son	پسر
your son	پسر تون
We have three sons.	ما سه تا پسر داریم
But we have one son.	ولی ما یک پسر داریم

Where's your son?	پسرتون کجاست؟
Is your son home?	آیا پسرت منزله؟
I don't know.	نمیدونم

Where's the mall?	پاساژ کجاست؟
Excuse me	بخشید
Excuse me. Where's the mall?	بخشید پاساژ کجاست؟
The mall's there.	پاساژ اونجاست
The mall is there.	
thank you	متشکرم
You're welcome.	خواهش میکنم ( جواب تشکر )

Excuse me. Where are you from?	بخشید شما اهل کجا هستید؟
Excuse me. Are you from Iran?	بخشید آیا شما اهل ایران هستید؟
No, I'm not from Iran.	نه ، من اهل ایران نیستم

Excuse me. Are you Omid?	بخشید شما امید هستید؟
No, I'm Ali.	نه ، من علی هستم
Is Omid home?	آیا امید منزله؟
No, Omid's not home.	نه ، امید منزل نیست

sir	آقا
Hello, sir.	سلام آقا
Excuse me, sir.	بخشید آقا
Is the Persian restaurant here?	آیا رستوران ایرانیه اینجاست؟
Excuse me, sir. Is the Persian restaurant here?	بخشید آقا آیا رستوران ایرانیه اینجاست؟
I don't know.	نمیدونم
Yes, it's here.	بله اینجاست
No, it's there.	نه اونجاست

ma'am	خانم
-------	------

معمولا کلمه ma'am برای یک خانم متاهل ، مسن تر و یا برای احترام استفاده میشه

No, ma'am.	نه خانم
------------	---------

Hello, ma'am.

سلام خانم

Excuse me, ma'am. Are you from Canada?

ببخشید خانم آیا شما اهل کانادا هستید؟

No, sir. I'm from Iran.  
me too

نه آقا من اهل ایرانم  
منم ( منم همینطور )

---

But

We have.

Hello, sir.

Hello, ma'am.

Excuse me

Three

Four

---

I have three sons.

من سه تا پسر دارم

Your son's

پسرانم

Do your sons live in Iran?

آیا پسرانم تو ایران زندگی میکنند؟

Do you want to go to a supermarket?

آیا میخواهی بری به سوپرمارکت؟

Yes, but not now.

آره ، ولی الان نه

but not today

ولی امروز نه

Do you want to drink something?

چیزی میخواهی بنوشی؟

No, I don't want anything. Thanks.

نه چیزی نمیخواهم ، مرسی

Yes, some tea, please.

بله ، کمی چای لطفاً

or some coffee

یا کمی قهوه

I have some Coke, too.

کمی کوکا هم دارم

Tea's fine.

چای خوبه

Where's your house?

خونت کجاست؟

It's far.

دوره

It's not far.

دور نیست

The supermarket is not far from here.

سوپرمارکت از اینجا دور نیست

I think it's very far.

من فکر میکنم خیلی دوره

I don't want to drink anything now.

الان نمیخواهم چیزی بنوشم

Three

سه

Four

چهار

Do you have a car?

ماشین داری؟

No, I don't have a car. And you?

نه ماشین ندارم . شما چطور ؟

We have two cars.

ما دو تا ماشین داریم

I want some food.	کمی غذا میخوام
Something to drink	یه چیزی واسه نوشیدن
I want to eat and drink.	من میخوام بخورم و بنوشم
With you	با تو
With whom?	با کی؟
We're eating breakfast now.	الان داریم صبحونه میخوریم
We want some bread.	کمی نون میخوایم
And jam	و مربا
Later	بعدا
Where's my tea?	چاییم کو؟
a little	یه خورده ( یه ریزه )
I'm sorry	متاسفم

---

Excuse me, sir.	ببخشید آقا
Where's the supermarket?	سوپرمارکت کجاست؟
It's not far from here.	از اینجا دور نیست
Do you have a car?	آیا ماشین دارید؟
No, I don't have a car.	نه ماشین ندارم
I have four sons.	چهار تا پسر دارم
I think I know.	فکر میکنم میدونم ( میشناسم )
your sons	پسرات
I think I know your sons.	فکر میکنم پسراتو میشناسم

Do you want anything?	آیا چیزی میخوای؟
from the supermarket	از سوپرمارکت؟
Do you want anything from the supermarket?	آیا چیزی از سوپرمارکت میخوای؟
Yes, I want four Pepsis.	آره چهار تا پیسی میخوام
and three Cokes	و سه تا کوکا
three teas, please	سه تا چای لطفاً
I have three cars.	سه تا ماشین دارم

Do you live far from here?	آیا دور از اینجا زندگی میکنی؟
Is your house far from here?	آیا خونتون از اینجا دوره؟
It's not very far.	خیلی دور نیست
But your house is far.	ولی خونه شما دوره

I know, but we have three houses.	میدونم ولی ما سه تا خونه داریم
I don't have a house.	من خونه ندارم

I don't have anything.	من هیچی ( چیزی ) ندارم
But I want to buy a car.	ولی میخوام یه ماشین بخرم
me too	منم

I want to go to a restaurant.	میخوام برم به یه رستوران
I want some food.	کمی ( مقداری ) غذا میخوام
Do you want some food, too?	آیا تو هم کمی غذا میخوای؟
What do you have?	چی داری؟
What do you want to have?	چی میخوای داشته باشی؟ ( چی میخوای صرف کنی )
I want to have.	میخوام داشته باشم
I want to have some food.	میخوام کمی غذا داشته باشم ( صرف کنم )
I want to have a soda.	میخوام یه نوشابه داشته باشم
I want to have some tea.	میخوام کمی چای صرف کنم
Do you want to have some food?	آیا میخوای کمی غذا صرف کنی؟
No, thanks.	نه ، مرسی
No, thank you.	نه ، متشکرم
I want to drink something.	میخوام یه چیزی بنوشم
something to drink	یه چیزی واسه نوشیدن
I want to have some food.	میخوام کمی غذا صرف کنم
And I want something to drink.	و یه چیزی واسه نوشیدن میخوام
I want to drink something.	میخوام یه چیزی بنوشم
Okay, but I want some food.	اوکی ولی من کمی غذا میخوام
I want to eat and drink.	من میخوام بخورم و بنوشم
I want to eat some food.	میخوام کمی غذا بخورم
I want something to drink.	من یه چیزی واسه نوشیدن میخوام
I want something to eat.	من یه چیزی واسه خوردن میخوام
I want to eat something.	من میخوام یه چیزی بخورم
Do you want to go to a restaurant?	میخوای بری به یه رستوران؟
No, the restaurant is very far.	نه رستورانه خیلی دوره
I want to eat something here.	میخوام اینجا یه چیزی بخورم
I want something to drink.	من یه چیزی واسه نوشیدن میخوام
I want something to drink here.	من اینجا یه چیزی واسه نوشیدن میخوام
I want to drink something here.	میخوام یه چیزی اینجا بنوشم
with you	با تو ( با شما )
I want to eat with you.	میخوام با تو غذا بخورم
better than me	بهتر از من
with me	با من

بیخشید خانم . میدونید سوپرمارکت کجاست؟

A: Excuse me, ma'am. Do you know where the supermarket is?

آره ، من میدونم کجاست . منم دارم میرم به یه سوپرمارکت . میخوای با من بیای؟

B: Yes, I know where it is. I'm going to a supermarket, too. Do you want to go with me?

آره ، از اینجا خیلی دوره؟

A: Yes, is it very far from here?

نه، خیلی دور نیست.

B: No, it's not very far.

تو ماشین داری؟

A: Do you have a car?

آره، من ماشین دارم . اهل کجایی؟

B: Yes, I have a car. Where are you from?

من اهل ایرانم ، اما اینجا زندگی میکنم . من با پسرانم زندگی میکنم . من سه تا پسر دارم .

A: I'm from Iran, but I live here. I live with my sons. I have three sons.

شما در خونه با پسرانتون انگلیسی صحبت میکنید؟

B: Do you speak English with your sons at home?

ما در خونه انگلیسی و فارسی صحبت میکنیم.

A: We speak English and Persian at home.

---

Do you want to eat something with me?

No, not with you.

with your son

میخوای با من یه چیزی بخوری؟

نه ، با تو نه

با پسر

But I want something to drink now.

Do you want to have food, too?

No, not now.

ولی الان یه چیزی واسه نوشیدن میخوام

میخوای غذا هم صرف کنی؟

نه ، الان نه

with whom?

with you

I want to go to the mall.

with whom?

not now

not with you

Okay. Goodbye.

با کی؟ ( با چه کسی ؟ )

با تو ( با شما )

میخوام برم پاساژ

با کی؟

الان نه

با تو نه

اوکی ، بای

I want something to drink.  
What do you want to drink?  
I want to eat now.  
with whom?  
with your son  
What do you have?  
Do you want to eat now?  
I'm going now.  
I'm eating now.

یه چیزی واسه نوشیدن میخوام  
چی میخواید بنوشید؟  
الان میخوام غذا بخورم  
با کی؟  
با پسر  
چی دارین؟  
میخوای الان غذا بخوری؟  
من الان دارم میرم  
من الان دارم غذا میخورم

We are eating breakfast now.  
We're eating breakfast now.  
breakfast  
I want breakfast.  
I want to have breakfast.

الان داریم صبحونه میخوریم ( غیر فشرده )  
الان داریم صبحونه میخوریم ( فشرده )  
صبحونه  
من صبحونه میخوام  
میخوام صبحونه صرف کنم ( داشته باشم )

Okay. What do you want to eat?  
What do you want to have?  
I don't know.  
three teas, please  
and four coffees  
Do you want to have breakfast, too?  
Yes, please.

اوکی ، چی میخوای بخوری؟  
چی میخوای صرف کنی؟  
نمیدونم  
سه تا چای لطفاً  
و چهار تا قهوه  
آیا صبحونه هم میخوای صرف کنی؟  
بله لطفاً

We want some bread.  
Do you want tea, too?  
Yes, we want tea, too.  
some tea and bread

ما کمی نان میخوام  
آیا چای هم میخواید؟  
آره چای هم میخوایم  
کمی چای و نان

and jam  
some bread and some jam  
We want to have breakfast.  
with whom?  
not with you  
and not now

و مربا  
کمی نان و کمی مربا  
میخوایم صبحونه صرف کنیم  
با کی؟  
با شما نه  
و الان نه

later

بعداً ( دیرتر )

در زبان انگلیسی معمولاً قید زمان ، در آخر جمله میاد.

I want to go home later.  
me too  
I want to eat something later.

میخوام بعداً برم منزل  
منم  
میخوام بعداً یه چیزی بخورم

at home?  
No, at a restaurant.

در منزل؟  
نه در یه رستوران

I want some bread with some jam.  
I want something to eat.

کمی نان با کمی مربا میخوام  
یه چیزی واسه خوردن میخوام

I want to eat something.	یه چیزی میخوام بخورم
with whom?	با کی؟
with me?	با من؟
Yes, with you.	آره با تو
But not now, later.	ولی الان نه ، بعداً
I want to have some food.	میخوام یه کم غذا صرف کنم
I want to have breakfast later.	میخوام بعداً صبحونه صرف کنم
Where's my tea?	چای من کو؟ ( کجاست ؟ )
It's here.	اینجاست
Where's your house?	خونت کجاست؟
My house is there.	خونم اونجاست
I have two sons.	دو تا پسر دارم
My sons live in Canada.	پسرام تو کانادا زندگی میکنن
I want some bread and jam.	یه کم نان و مربا میخوام
But I don't want to have breakfast now.	ولی الان نمیخوام صبحونه صرف کنم
I want something to drink now.	الان یه چیزی واسه نوشیدن میخوام
Excuse me, ma'am.	بیخشید خانم
Do you speak English?	آیا شما انگلیسی صحبت میکنید؟
Yes, a little.	آره یه خورده ( یه ریزه ، یه ذره )
a little	یه خورده
I speak a little.	یه خورده صحبت میکنم
a little later	یه خورده دیر تر
not now, a little later	الان نه ، یه خورده دیرتر
We can eat a little later.	میتونیم یه خورده دیرتر غذا بخوریم
I want to have breakfast later.	میخوام بعدا صبحونه صرف کنم
Do you want to go to the mall now?	آیا میخوای الان بری پاساژ؟
No, I want to go a little later.	نه میخوام یه خورده دیرتر برم
Excuse me, ma'am.	بیخشید خانم
Can you speak Persian?	آیا شما میتونید فارسی صحبت کنید؟
a little Persian	یه خورده فارسی
I speak a little Persian.	یه خورده فارسی صحبت میکنم
But I can't speak English.	ولی انگلیسی نمیتونم صحبت کنم
I'm sorry.	متاسفم
I'm sorry. I can't speak English.	متاسفم نمیتونم انگلیسی صحبت کنم
I want to go to the store.	میخوام برم مغازه
I'm sorry.	متاسفم



But I can't go with you.  
I'm sorry, but I can't go with you.

ولی من نمیتونم باهاتون برم  
متاسفم ولی من نمیتونم باهاتون برم

---

three  
with whom?  
bread  
breakfast  
jam  
a little  
I'm sorry.  
later

---

Can you go a little later?  
I can't go today.  
not today  
My son's here.

آیا میتونی یه خورده دیرتر بری؟  
امروز نمیتونم برم  
امروز نه  
پسرم اینجاست

And we want to have breakfast.  
But not now, a little later.  
Where's my tea?  
I don't know.

و میخوایم صبحونه صرف کنیم  
ولی الان نه یه خورده دیرتر  
چای من کو؟  
نمیدونم

I want some bread.  
with a little jam  
Do you want to eat breakfast?  
Yes, I want to have breakfast.

یه کم نان میخوام  
با یه خورده مربا  
آیا میخواید صبحونه بخورید؟  
آره میخوام صبحونه صرف کنم

I'm sorry.  
But we don't have breakfast now.  
But I want to have some food.

متاسفم  
ولی الان صبحونه نداریم  
ولی من یه کم غذا میخوام صرف کنم

I want something to eat.  
I'm sorry. We don't have bread.  
But we have some jam.

یه چیزی واسه خوردن میخوام  
متاسفم . نان نداریم  
ولی یه کم مربا داریم

Is your car at home?  
Yes, my car is at home.

آیا ماشینت منزله؟  
بله ماشینم منزله

Is your son home?  
No, my son's not home.  
My son's in Iran.

آیا پسرت منزله؟  
نه ، پسرم منزل نیست  
پسرم تو ایران

I want to have breakfast with you.

But not now, a little later.

I want something to drink now.

And something to eat later.

I'm sorry. I want to go now.

Okay. Goodbye.

میخواهم باهات مباحونه صرف کنم

ولی الان نه ، یه خورده دیرتر

الان یه چیزی واسه نوشیدن میخوام

و بعدا یه چیزی واسه خوردن

متاسفم الان میخوام برم

اوکی ، بای

It's much better.	خیلی بهتره
Your English is good.	انگلیسیت خوبه
We can go together.	میتونیم با هم بریم
a good Persian restaurant	یه رستوران خوب ایرانی
Then later	پس بعداً
Is that your car?	آیا اون ماشین توئه؟
Where's yours?	مال تو کجاست؟
It's early.	زوده
I want to have lunch.	میخوام ناهار صرف کنم
You speak very well.	خیلی خوب صحبت میکنی
I understand very well.	من خیلی خوب میفهمم
I want to have dinner.	میخوام شام صرف کنم

---

I want some food.	یه کم غذا میخوام
With whom?	با کی؟
With me?	با من؟
No, not with you.	نه، با تو نه
With my son	با پسرم
We want to have breakfast.	میخوایم صبحونه صرف کنیم
a little later	یه خورده دیرتر
Do you want to have breakfast at home?	میخوای در منزل صبحونه صرف کنی؟
Do you want to go with me?	میخوای با من بری؟
I'm sorry. But I can't.	متاسفم ولی نمیتونم
We're not going now.	الان نمیریم
We're going a little later.	یه خورده دیر تر میریم
We want to eat bread and jam.	میخوایم نان و مربا بخوریم
Do you want to eat something?	آیا میخوای یه چیزی بخوری؟
No, I don't want to eat anything.	نه، نمیخوام چیزی (هیچ چیزی) بخورم
Do you want something to eat?	آیا یه چیزی واسه خوردن میخوای؟
No, I don't want anything to eat.	نه، چیزی واسه خوردن نمیخوام
Excuse me, sir.	بخشید آقا
Do you speak Persian?	آیا شما فارسی صحبت میکنید؟
I speak a little Persian.	یه خورده فارسی صحبت میکنم
My car	ماشینم
My English	انگلیسیم
But my English is better than my Persian.	ولی انگلیسیم از فارسیم بهتره

مکالمه تلفنی بین بهنام و الهام

---

سلام بهنام . حالت چطوره؟

A: Hello, Behnam. How are you?

من خوبم الهام ، مرسی . تو چطور؟

B: I'm fine, Elham, thanks. And you?

من هم خوبم . متشکرم . میخوای با من صبحونه صرف ( میل ) کنی؟

A: I'm fine, too. Thank you. Do you want to have breakfast with me?

الان یا بعداً؟

B: Now or later?

الا نه ، کمی بعد . من میخوام الان یه چیزی بخورم .

A: Not now, a little later. I don't want to eat anything now.

اوکی . ولی من میخوام برم به یه رستوران ایرانی . من میخوام کمی نان با مربا صرف کنم .

B: Okay. But I want to go to a Persian restaurant. I want to have some bread with jam.

متاسفم . ولی من نمیخوام الان برم به یه رستوران ایرانی .

A: I'm sorry. But I don't want to go to a Persian restaurant now.

من میخوام کمی غذا صرف کنم اما اونجا نه .

I want to have some food but not there.

ما میتونیم یه چیزی اینجا تو رستوران بخوریم

We can have something to eat at the restaurant here?

اوکی . ولی ماشین من خونه نیست . میتونم با تو بیام؟

B: Okay. But my car's not at home. Can I go with you?

آره میتونی . بای

A: Yes, you can. Goodbye.

بای

B: Goodbye.

---

Your English is better now.  
It's much better.  
Your English is much better now.  
You speak much better than me.

انگلیسیت الان بهتره  
خیلی بهتره  
انگلیسیت الان خیلی بهتره  
خیلی بهتر از من صحبت میکنی

Much better  
Much later  
I want to go to the mall.  
But not now  
Much later  
Do you want to go a little later?  
No, I want to go much later.  
Tea is much better than coffee.

خیلی بهتر  
خیلی دیرتر  
میخوام برم پاساژ  
ولی الان نه  
خیلی دیرتر  
میخوای یه خورده دیرتر بری؟  
نه، میخوام خیلی دیرتر برم  
چای از قهوه خیلی بهتره

Your English is good.  
But your Persian is much better.  
Your English is good, too.  
Where's your house?  
It's very far.  
It's very good.

انگلیسیت خوبه  
ولی فارسیت خیلی بهتره  
انگلیسیت هم خوبه  
خونت کجاست؟  
خیلی دوره  
خیلی خوبه

Your English is very good.

انگلیسیت خیلی خوبه

اگر دقت کنید کلمه ( خیلی ) در انگلیسی چند نوع است . فعلا اگر کلمه صفت تفصیلی باشه مثل " بهتر یا دیرتر  
از Much استفاده میکنم

I want to go much later.  
Do you want to go with me?  
Yes, I want to go with you.

میخوام خیلی دیرتر برم  
آیا میخوای با من بری؟  
آره میخوام با تو برم

We can go together.  
But we can't eat together.

میتونیم با هم بریم  
ولی نمیتونیم با هم غذا بخوریم

I want to eat with my son.  
But not now, much later  
Your English is much better.

من میخوام با پسرم غذا بخورم  
ولی الان نه ، خیلی دیرتر  
انگلیسیت خیلی بهتره

It's very good now.  
We can speak English together.  
Do you want to have breakfast now?  
I know a Persian restaurant.  
a Persian restaurant

الان خیلی خوبه  
میتونیم با هم انگلیسی صحبت کنیم  
میخوای الان صبحونه صرف کنی؟  
یه رستوران ایرانی میشناسم  
یه رستوران ایرانی

a good restaurant  
a good Persian restaurant

یه رستوران خوب  
یه رستوران خوب ایرانی

I know a good Persian restaurant.  
But it's very far from here.

یه رستوران خوب ایرانی میشناسم  
ولی از اینجا خیلی دوره

Do you want to go now?  
No, not now.

میخواهی الان بری؟  
نه ، الان نه

then later  
I don't want to go now.  
We can go later  
Then we can go later.

پس بعداً  
الان نمیخواهم برم  
میتونیم بعداً بریم  
پس میتونیم بعداً بریم

I don't want to go with my son.  
Then we can go together.

نمیخواهم با پسرم برم  
پس میتونیم با هم بریم

Where's your car?  
It's not here. It's at home.  
With my car  
Then we can go with my car.  
But your car is much better.

ماشینت کجاست؟  
اینجا نیست . منزله  
با ماشین من  
پس میتونیم با ماشین من بریم  
ولی ماشین تو خیلی بهتره

Is that your car?  
Yes, that's my car.

آیا اون ماشین توه ؟  
اره ، اون ماشین منه

Where's your son?  
My son is there.  
My son's there.  
where?  
That's my son.

پسرت کجاست؟  
پسرم اونجاست  
کجا؟  
اون پسرمه

We want to eat something together.  
We want to have breakfast together.  
That's my car.

میخواهیم یه چیزی با هم بخوریم  
میخواهیم با هم صبحونه صرف کنیم  
اون ماشین منه

Where's yours?

مال تو کجاست؟

Is that your car?  
Is that yours?  
Is it yours?

آیا اون ماشین توه ؟  
آیا اون مال توه ؟  
آیا مال توه ؟

Yes, that's my car.  
Then we can go with yours.

آره اون ماشین منه  
پس میتونیم با مال تو بریم

Yours is very far.  
Then we can go together.

مال تو خیلی دوره  
پس میتونیم با هم بریم

I know a good Persian restaurant.  
Very good

من یه رستوران ایرانی خوب میشناسم  
خیلی خوب

I know a very good Persian restaurant.	من به رستوران ایرانی خیلی خوب میشناسم
But I know a better restaurant. Much better I know a much better restaurant. But it's very far from here. Do you want to go now?	ولی من به رستوران بهتر میشناسم خیلی بهتر من به رستوران خیلی بهتر میشناسم ولی از اینجا خیلی دوره میخوای الان بری؟
It's early. I want to go a little later.	زوده میخوام به خورده دیرتر برم
It's a little early now. Then when do you want to go? I want to go much Later.	الان به خورده زوده پس کی میخوای بری؟ میخوام خیلی دیرتر برم
Is that a restaurant? No, that's a house. Do you want to have breakfast together?	آیا اون یه رستورانه؟ نه اون یه خونه ست میخوای با هم یه صبحونه صرف کنیم؟
I want to have lunch. Lunch Do you want to have lunch together? No, it's early. I want to have lunch. Then we can have lunch at my house.	میخوام ناهار صرف کنم ناهار میخوای با هم ناهار صرف کنیم؟ نه ، زوده میخوام ناهار صرف کنم پس میتونیم خونه من ناهار صرف کنیم
Is that your car? Is that yours? Is it yours? Yes, that's my car.	اون ماشینه توه ؟ اون مال توه ؟ مال توه ؟ آره، اون ماشین منه
Where's yours? My car's at home. Then we can go with yours. Then we can have lunch later.	مال تو کو ؟ ماشین من منزله پس میتونیم با مال تو بریم پس میتونیم بعدا ناهار صرف کنیم
Your English is very good now.	حالا انگلیسیت خیلی خوبه
You speak very well.	خیلی خوب صحبت میکنی
That Persian restaurant is very good. You speak English very well.	اون رستوران ایرانیه خیلی خوبه شما انگلیسی خیلی خوب صحبت میکنید
I understand very well. I understand much better now. Do you understand me? No, I can't understand you. I don't understand you very well.	من خیلی خوب میفهمم ( درک میکنم ) الان خیلی بهتر میفهمم آیا شما می فهمید چی میگم ؟ نه، نمیتونم شما رو بفهمم خیلی خوب نمیفهمم چی میگی

---

Good  
Very good  
Together  
Then  
That  
Is that yours?  
Early  
Very well  
Dinner  
Understand  
Speak  
Store  
Stand  
Understand

---

Do you want to have lunch together?

میخواهی با هم ناهار صرف کنیم؟

I want to have dinner.

میخواهم شام صرف کنم

But not now, much later

ولی الان نه ، خیلی دیرتر

Then we can have dinner later.

پس میتونیم بعداً شام صرف کنیم

Do you want to have lunch now?

آیا میخواهی الان ناهار صرف کنی؟

No, thanks.

نه ، مرسی

No, thank you.

It's early.

زوده

What do you want to eat?

چی میخواهی بخوری؟

Do you want to have lunch now?

الان میخواهی ناهار صرف کنی؟

Or do you want to have dinner?

یا میخواهی شام صرف کنی؟

I don't understand you very well.

خیلی خوب نمیفهمم چی میگی

It's early.

زوده

Something to eat.

یه چیزی واسه خوردن

To have dinner

واسه شام صرف کردن

It's early to have dinner.

زوده واسه شام صرف کردن

We can have lunch now.

الان میتونیم ناهار صرف کنیم

And we can have dinner together.

و میتونیم با هم شام صرف کنیم



Street	خیابون
Avenue	خیابان
On Main Street	تو خیابون مین
On Sunset Avenue	تو خیابان سانست
Tomorrow	فردا
Rice	برنج ( پلو )
That's not mine.	اون مال من نیست
an American car	یه ماشین آمریکایی
I would like to drink something.	من میل دارم یه چیزی بنوشم ( غیر فشرده )
I'd like to drink something.	من میل دارم یه چیزی بنوشم ( فشرده )
Would you like to eat something?	آیا میل دارید یه چیزی بخورید؟
Excuse me, Miss.	ببخشید خانم ( یه خانم جوان یا مجرد )
We don't have Pepsi, is Coke okay?	پپسی نداریم ، آیا کوکا اوکیه؟
We'd like to buy a house.	ما دلمون میخواد یه خونه بخریم ( فشرده )

---

Lunch	ناهار
My house	خونم
My lunch	ناهارم
Is that my lunch?	آیا اون ناهار منه؟
No, that's not your lunch.	نه، اون ناهار تو نیست
That's not yours.	اون مال تو نیست
Then where's my lunch?	پس ناهار من کجاست؟
Yours is there.	مال تو اونجاست

together	با هم
We want to go together.	ما میخوایم با هم بریم
We're going together.	ما داریم با هم میریم
It's better.	بهتره

It's better you go together.	بهتره شماها با هم برید
That's a good supermarket.	اون یه سوپرمارکت خوبیه
That's a better supermarket.	اون یه سوپرمارکت بهتریه
It's early.	زوده
It's a little early.	یه خورده زوده
It's early now.	الان زوده
We can go much later.	میتونیم خیلی دیرتر بریم

Bread with jam	نان با مربا
I want some bread with jam.	من کمی نان با مربا میخوام
Breakfast with bread and jam.	صبحانه با نان و مربا
We want to have dinner now.	ما الان میخوایم شام صرف کنیم
Do you want to have dinner with me?	آیا میخوای با من شام صرف کنی؟
You speak English very well.	شما خیلی خوب انگلیسی صحبت میکنید

Better than me	بهتر از من
Much better than me	خیلی بهتر از من

You speak much better than me. Your English is very good. You understand very well.	شما خیلی بهتر از من صحبت میکنید انگلیسی شما خیلی خوبه شما خیلی خوب میفهمید
I don't think my English is good. But I think you speak very well. And you understand very well, too.	من فکر نمیکنم انگلیسیم خوبه ولی من فکر میکنم شما خیلی خوب صحبت میکنید و خیلی خوب هم میفهمید
You understand much better than me. Do you understand English?	شما خیلی بهتر از من میفهمید آیا انگلیسی میفهمید؟
I understand a little. No, I don't understand English.	من یه خورده میفهمم نه انگلیسی نمیفهمم
a good Persian restaurant I know a good Persian restaurant. I'm going with Ali.	یه رستوران خوب ایرانی من یه رستوران خوب ایرانی میشناسم من دارم با علی میرم
Is Mina going with you, too? No, Mina's going to the supermarket. Yes, we're going together.	آیا مینا هم داره با شما میره؟ نه مینا داره میره به سوپرمارکت آره داریم با هم میریم
Is that your car? No, that's not my car. my breakfast I want to eat my breakfast now.	آیا اون ماشین شماست؟ نه اون ماشین من نیست صبحونم من الان میخوام صبحونمو بخورم
Can you eat your breakfast later? Yes, I can.	آیا میتونی صبحنتو بعداً بخوری؟ آره میتونم
Do you know Ali? a good Persian restaurant Do you know a good Persian restaurant? No, I'm sorry. I'm not from here.	علی رو میشناسی؟ یه رستوران خوب ایرانی آیا تو یه رستوران خوب ایرانی میشناسی؟ نه ، متاسفم من اهل اینجا نیستم
That's your car. That's yours. Is that yours, too?	اون ماشین شماست اون مال شماست آیا اون هم مال شماست؟
No, that's not mine. mine yours That's mine. That's not mine.	نه، اون مال من نیست مال من مال تو ( مال شما ) اون مال منه اون مال من نیست
That's yours. Is that yours?	اون مال توه آیا اون مال شماست؟

Is that mine?	آیا اون مال منه؟
Excuse me. Is that your tea?	ببخشید آیا اون چای شماست؟
No, that's not mine.	نه ، اون مال من نیست
I think it's yours.	فکر میکنم مال شماست
I want to have dinner with you.	من میخوام با تو شام صرف کنم
with whom? with me?	با کی؟ یا من؟
Yes, with you.	آره ، با تو
at the Persian restaurant	در رستوران ایرانیه
Where's that?	اون کجاست؟
Where's the Persian restaurant?	رستوران ایرانی کجاست؟
avenue	خیابان
Sunset Avenue	خیابان سانست
Where's Sunset Avenue?	خیابان سانست کجاست؟
Where's Bundy Avenue?	خیابان باندی کجاست؟
Bundy Avenue is there.	خیابان باندی اونجاست ( غیر فشرده )
It's there.	اونجاست
Street	خیابون
Main Street	خیابون مین
Where's Main Street?	خیابون مین کجاست؟
I don't know.	نمیدونم
Excuse me, sir. Where's Main Street?	ببخشید آقا خیابون مین کجاست؟
I'm sorry, ma'am. I don't live here.	متاسفم خانم من اینجا زندگی نمیکنم
I'm not from here.	من اهل اینجا نیستم
Main Street's here.	خیابون مین اینجاست
Where's the Persian supermarket?	سوپرمارکت ایرانیه کجاست؟
It's on Main Street.	تو خیابون مینه
The Persian supermarket is on Main Street.	سوپرمارکت ایرانیه تو خیابون مینه
Is it on Main Street or on Bundy Street?	تو خیابون مینه یا تو خیابون باندی؟
on Bundy Street	تو خیابون باندی
I live on Main Street.	من تو خیابون مین زندگی میکنم
You're not very far.	خیلی دور نیستید؟
Then you're not very far from the mall.	پس از پاساژ خیلی دور نیستید
The mall's on Main Street, too.	پاساژ هم تو خیابون مینه
I know that.	اونو میدونم
Do you want to have lunch with me?	آیا میخوای با من ناهار صرف کنی؟
When? today?	کی؟ امروز؟
Yes, today.	آره امروز
not today	امروز نه

We can go tomorrow.	میتونیم فردا بریم
Tomorrow	فردا
We can go tomorrow.	میتونیم فردا بریم
Not now	الان نه
Not tomorrow	فردا نه
But today	ولی امروز
We can go later.	میتونیم بعداً بریم
I want to eat something.	میخوام یه چیزی بخورم
I would like.	میل دارم ( دلم میخواد )
I want.	میخوام
I would like.	میل دارم ( مایللم )
I want to drink something.	میخوام یه چیزی بنوشم
I would like to drink something.	میل دارم ( دلم میخواد ) یه چیزی بنوشم
You would like to drink something.	شما میل دارید یه چیزی بنوشید

با جا به جا کردن دو تا کلمه اول جمله ، این جمله سوالی میشه.

Would you like to drink something?	آیا میل دارید چیزی بنوشید؟
I would like to go there.	مایللم ( دلم میخواد ) برم اونجا
I would like to eat something.	دلم میخواد یه چیزی بخورم
Would you like to eat something?	آیا میل داری یه چیزی بخوری؟
No, thank you.	نه ، متشکرم
Would you like to drink something?	میل داری یه چیزی بنوشی؟
Yes, please.	بله ، لطفاً
Tea or coffee?	چای یا قهوه ؟
Tea's fine.	چای خوبه
I don't drink coffee.	من قهوه نمیخورم ( نمی نوشم )
Would you like to drink coffee?	آیا میل دارید قهوه بخورید؟
Yes, please.	بله ، لطفاً
Would you like to go to Main Avenue?	دلت میخواد بری به خیابان مین؟
Yes, I would like to go there.	بله دلم میخواد برم به اونجا
I would like.	مایللم ( دلم میخواد )
I'd like.	دلم میخواد ( فشرده )
I'd like to eat something.	دلم میخواد یه چیزی بخورم
at the restaurant on Main Street.	در رستوران تو خیابون مین

I'd like to drink something.	دلم میخواد یه چیزی بنوشم ( فشرده )
I would like to drink something.	دلم میخواد یه چیزی بنوشم ( غیر فشرده )
Would you like to drink something?	آیا میل داری یه چیزی بنوشی؟
Not now, a little later	الان نه ، یه خورده دیرتر
I want to have dinner now.	من الان میخوام شام صرف کنم
I'd like to have dinner now.	من الان میل دارم شام صرف کنم
When do you want to have lunch?	کی میخواید ناهار صرف کنید؟
When would you like to have lunch?	کی میل داری ناهار صرف کنید؟
I'd like to go to a restaurant.	دلم میخواد برم یه رستوران
When?	کی؟
Tomorrow	فردا
What would you like to eat there?	چی میل داری اونجا بخوری؟
Rice	برنج

#### مکالمه

جیم ، میتونیم با هم بریم به یه رستوران؟

A: Jim, can we go to a restaurant together?

کی ؟ امروز ؟

B: When? Today?

آره ، امروز

A: Yes, today.

من نمیتونم امروز برم ، اما فردا میتونیم بریم . کجا میل داری بری؟

B: I can't go today, but we can go tomorrow. Where would you like to go?

دلم میخواد برم به یه رستوران ایرانی.

A: I'd like to go to a Persian restaurant.

یه رستوران ایرانی؟

B: A Persian restaurant?

آره ، من یه رستوران ایرانی خیلی خوب میشناسم تو خیابان باندی.

A: Yes, I know a very good Persian restaurant on Bundy Avenue.

من یه رستوران رستوران ایرانی میشناسم تو خیابون مین.

B: I know a Persian restaurant on Main Street.

از اینجا خیلی دوره؟

A: Is it very far from here?

نه ، از اینجا دور نیست.

B: No, it's not far from here.

چی میل داری بخوری اونجا ؟

A: What would you like to eat there?

من میل دارم برنج بخورم با کباب.

B: I'd like to eat rice with kebab.

کباب چیه؟

A: What's kebab?

کباب یه غذای ایرانیه.

B: Kebab's a Persian food.

جیم ، چی میل داری بنوشی الان ؟

A: Jim, what would you like to drink now?

چای داری؟

B: Do you have tea?

متاسفم ، چای ندارم ، ولی قهوه دارم.

A: I'm sorry. I don't have tea, but I have coffee.

قهوه خوبه ، متشکرم.

B: Coffee's fine, thank you.

خواهش میکنم.

A: You're welcome.

I would like.

من میل دارم ( مایلیم ) ( غیر فشرده )

We would like.

ما میل داریم

We would like to buy a house.

ما دلمون میخواد یه خونه بخریم ( غیر فشرده )

We'd like to buy a house.

ما دلمون میخواد یه خونه بخریم ( فشرده )

Excuse me, Miss.

ببخشید دختر خانم ( خانم مجرد )

Excuse me, Miss. Where's Main Street?

ببخشید خانم ، خیابون مین کجاست؟

Excuse me, ma'am. Where's Main Street?

ببخشید خانم ( خانم مسن ) خیابون مین کجاست؟

Excuse me. Do you understand Persian?

ببخشید آیا شما فارسی میفهمید؟

No, I'm sorry.

نه ، متاسفم

But I understand English.

ولی انگلیسی میفهمم

I'm American.

من آمریکایی ام

American

آمریکایی

a Persian restaurant	یه رستوران ایرنی
an American restaurant	یه رستوران آمریکایی
an American	یه آمریکایی
a restaurant	یه رستوران
an American restaurant	یه رستوران آمریکایی

---

Speak  
Street  
Avenue  
Tomorrow  
I would like.  
I'd like.  
We would like.  
We'd like.  
Excuse me, Miss.  
American

---

a car	یه ماشین
an American car	یه ماشین آمریکایی
I'd like to buy an American car.	من دلم میخواد یه ماشین آمریکایی بخرم
Sir, would you like to drink something? Yes, please.	آقا ، میل دارید یه چیزی بنوشید؟ بله ، لطفاً
What would you like to drink? Some Pepsi, please	چی میل دارید بنوشید؟ کمی پیسی لطفاً
Is Coke okay?	کوکا اوکیه؟
Yes, Coke's fine. Thanks. We don't have tea.	بله ، کوکا خوبه . مرسی چای نداریم
Is coffee okay?	آیا قهوه اوکیه؟
No , thanks. I don't drink coffee.	نه مرسی . من قهوه نمیخورم

I'm speaking with my son.	دارم با پسرم صحبت میکنم
I'm eating breakfast.	دارم صبحونه میخورم
Money	پول
I don't have any money.	من هیچی پول ندارم
How much?	چقدر؟ ( چند؟ )
How much money do you have?	چقدر پول داری؟
How much is it?	چقدره؟ ( چنده؟ )
How much is a Coke here?	اینجا یه کوکا چنده؟
It's one dollar.	یک دلار
How much is that book?	اون کتابه چنده؟
It's five dollars.	پنج دلار
That book is six dollars.	اون کتابه شش دلار
Only three dollars	فقط سه دلار
I only have four dollars.	من فقط چهار دلار دارم
It's only two dollars.	فقط دو دلار
Are you sure?	مطمئنی؟
Maybe	شاید

I know an American restaurant.	من یه رستوران آمریکایی میشناسم
I know a good American restaurant.	من یه رستوران خوب آمریکایی میشناسم
Would you like to have some rice?	میل دارید کمی برنج صرف کنید؟
Yes, a little, please.	بله ، یه کم لطفاً
Would you like to drink something?	میل دارید چیزی بنوشید؟
No , thanks.	نه ، مرسی
No , thanks. I'm fine.	
Yes, some tea, please.	بله ، کمی چای لطفاً
Is coffee okay?	آیا قهوه اوکیه؟
Yes, coffee's fine, too.	بله ، قهوه هم خوبه
Excuse me, Miss. Where's Sunset Avenue?	بخشید خانم ، خیابان سانست کجاست؟
I'm sorry. I don't know.	متاسفم ، نمیدونم
Excuse me, ma'am. Is the Persian restaurant here?	بخشید خانم ، آیا رستوران ایرانیه اینجاست؟
No, it's on Sunset Avenue.	نه ، تو خیابان سانسته
I live on Main Street.	من تو خیابون مین زندگی میکنم
I don't live there.	من اونجا زندگی نمیکنم
Then where do you live?	پس تو کجا زندگی میکنی؟
My house is on Bundy Avenue.	خونه م تو خیابان باندیه
It's not very far from here.	از اینجا زیاد دور نیست
But it's far from your house.	ولی از خونه تو دوره
Tomorrow	فردا



We're going to Iran tomorrow.  
We'd like to buy a house in Iran.

ما داریم فردا میریم ایران  
ما دلمون میخواد تو ایران یه خونه بخریم

Are you from Iran?  
Yes, I'm from Iran.

آیا شما اهل ایرانید؟

دقت کنید که جواب کوتاه مثبت رو فشرده نمیگیم ، یعنی نمیشه گفت : Yes I'm حتما باید بگید Yes, I am

Yes, I am.  
No, I'm not.

بله هستم ( جواب مثبت کوتاه )  
نه ، نیستم ( جواب منفی کوتاه )

Are you from Iran?  
Yes, we are.

آیا شماها اهل ایران هستید؟  
بله ، هستیم ( جواب مثبت کوتاه )

No, we're not.  
No, we are not.

نه ، نیستیم ( جواب منفی کوتاه )  
نه ، نیستیم

I want to go to Iran.  
I'm going to Iran.

من میخوام برم به ایران  
من دارم میرم به ایران

I want to drink a soda.

من میخوام یه نوشابه بخورم

I'm drinking a soda.  
You're drinking tea.

من دارم یه نوشابه میخورم  
شما دارید چای میخورید

Are you drinking tea?

آیا شما داری چای میخورید؟

Yes, I am.  
No, I'm not.  
No, I'm not drinking tea.

جواب مثبت کوتاه  
جواب منفی کوتاه  
جواب منفی کامل

Do you want some bread?

آیا کمی نان میخوای؟

No, I don't eat bread.

نه ، من نان نمیخورم

Are you eating bread now?  
No, I'm not eating bread now.  
I'm not eating anything now.  
I'm eating rice.

آیا تو الان داری نان میخوری؟  
نه ، من الان نان نمیخورم  
من الان چیزی نمیخورم  
دارم پلو ( برنج ) میخورم

My son  
With my son  
I'm speaking with my son.

پسرم  
با پسرم  
دارم با پسرم صحبت میکنم

We're buying a house.	ما داریم به خونه میخریم
Can we buy a car? No, we can't.	آیا ما میتونیم ماشین بخریم جواب منفی کوتاه
We don't have money. Money	پول نداریم پول
Do you want to eat something? No, I don't want to eat anything.	آیا میخوای به چیزی بخوری؟ نه نمیخوام هیچی بخورم
Do you have money with you?	آیا تو پول باهات ( همرات ) داری؟
I don't have any money.	پول ندارم ( هیچی پول ندارم ، پولی ندارم )
Where are you going? I'm going to the supermarket. We don't have any tea. Can you buy some tea? Yes, I can.	کجا داری میری؟ دارم میرم سوپرمارکت ما هیچی چای نداریم آیا میتونی کمی چای بخری؟ جواب مثبت کوتاه
I want some money.	من کمی پول میخوام
How much? How much money?	چقدر؟ ( چند ؟ ) چقدر پول؟
How much money do you want? How much money do you have?	چقدر پول میخوای؟ چقدر پول داری؟
I want to buy a Coke.	میخوام به کوکا بخرم
How much is it?	چنده؟
How much is a Coke?	به کوکا چنده؟
It's two dollars. It's three dollars. Is it one dollar? No, it's four dollars.	دو دلار سه دلار آیا یک دلار؟ نه ، چهار دلار
How much money do you want to have?	چقدر پول میخوای داشته باشی؟
I only want two dollars. only	من فقط دو دلار میخوام فقط
I only want two dollars. I only have three dollars. only	من فقط دو دلار میخوام من فقط سه دلار دارم فقط

only with you	فقط با تو
one dollar	یک دلار
only one dollar	فقط یک دلار
How much is a Pepsi?	یه پیپسی چنده ؟
only one dollar	فقط یک دلار
How much is that book?	اون کتابه چنده؟
book	کتاب
How much is that book?	اون کتابه چنده؟
It's five dollars.	پنج دلار
five	
That book is five dollars.	اون کتابه پنج دلار
That book's five dollars.	
It's five dollars.	پنج دلار
Is it four dollars?	آیا چهار دلار ؟
No, not now.	نه ، الان نه
No, not four dollars.	نه ، چهار دلار نه
Then how much is it?	پس چنده؟
It's only five dollars.	فقط پنج دلار
That book is six dollars.	اون کتابه شش دلار
six	شش
That book is six dollars.	اون کتابه شش دلار
It's six dollars.	شش دلار
You have two dollars.	تو دو دلار داری
And I have four dollars.	و من چهار دلار دارم
We have six dollars together.	ما با هم شش دلار داریم
One car	یک ماشین
We only have one car.	ما فقط یک ماشین داریم
But you have two cars.	ولی شما دو تا ماشین دارید
One book	یک کتاب
I have five books.	من پنج تا کتاب دارم
Is that book yours?	آیا اون کتابه مال توه ؟
No, that's not mine.	نه ، اون مال من نیست
I'd like to buy that book.	من دلم میخواد اون کتابه رو بخرم
How much is it?	چنده ؟
It's only six dollars.	فقط شش دلار
How much do you have?	چقدر داری؟
I only have five dollars.	من فقط پنج دلار دارم
Then you can't buy that book now.	پس الان نمیتونی اون کتاب رو بخری

Are you American?  
Yes, I am.  
No, I'm not.  
Would you like to eat something?  
No, thanks.

آیا شما آمریکاییید؟  
جواب مثبت کوتاه  
جواب منفی کوتاه  
آیا چیزی میل داری بخوری؟  
نه ، مرسی

Are you sure?  
Yes, I'm sure.  
I'm not sure.

مطمئنی؟  
آره ، مطمئنم  
مطمئن نیستم

---

Eat  
Eating  
How much?  
Dollar  
One dollar  
Two dollars  
Book  
Six  
Only  
Sure  
I'm sure.

---

I don't want to go with you.  
Are you sure?  
Yes, I'm sure.  
Yes, I am.

من نمیخواهم با تو بروم  
مطمئنی؟  
آره ، مطمئنم  
جواب مثبت کوتاه

### مکالمه

---

جیم ، من دلم میخواد اون کتاب رو بخرم .  
A: Jim, I'd like to buy that book.

چنده؟  
B: How much is it?

نمیدونم .  
A: I don't know.

چقدر پول همراهِ داری ؟  
B: How much money do you have with you?

من فقط دو دلار دارم .

A: I only have two dollars.

من فکر نمیکنم تو بتونی اون کتاب رو با اون پول بخری .

B: I don't think you can buy that book with that money.

مطمئنی؟

A: Are you sure?

آره ، هستم .

B: Yes, I'm sure.

ببخشید آقا ، اون کتاب چنده؟

A: Excuse me, sir. How much is that book?

فقط شش دلار .

C: It's only six dollars.

مرسی .

A: Thanks.

خواهش میکنم . دلت میخواد اینو بخری؟

C: You're welcome. Would you like to buy it?

نمیدونم . جیم ، تو هیچ پولی همراهِ داری؟

A: I don't know. Jim, do you have any money with you?

فکر کنم فقط سه دلار دارم . میتونیم فردا اون کتاب رو بخریم .

B: I think I only have three dollars. We can buy the book tomorrow.

اوکی ، پس .

A: Okay, then.

---

Would you like some rice?

Yes, a little, please.

No, thanks.

Are you sure?

Yes, I am.

آیا کمی برنج میل دارید؟

بله ، یه کم ( یه خورده ) لطفاً

نه ، مرسی

مطمئنی؟

جواب مثبت کوتاه

I only want some bread.

I want some money.

Would you like some tea?

No, thanks.

من فقط کمی نان میخوام

من کمی پول میخوام

آیا کمی چای میل دارید؟

نه ، مرسی

Yes, I would.	جواب مثبت کوتاه
Would you like to have lunch with me?	آیا میل داری ناهار با من صرف کنی؟
Yes, I would.	جواب مثبت کوتاه
No, thanks.	نه ، مرسی
Not today	امروز نه
Then when?	پس کی؟
Maybe tomorrow	شاید فردا
Maybe	شاید
Maybe later	شاید بعداً
Do you want some money?	آیا تو کمی پول میخوای؟
Do you want your money now?	پولتو الان میخوای؟
Where's your money?	پولت کجاست؟
It's there.	اونجاست
a house	یه خونه
a dollar	یه دلار
I want to buy a Coke.	من میخوام یه کوکا بخرم
I only want to buy a Coke.	من فقط میخوام یه کوکا بخرم
How much is a Coke?	یه کوکا چنده؟
It's a dollar.	یه دلار
It's two dollars.	دو دلار
What are you doing now?	الان داری چکار میکنی؟
I'm eating lunch.	دارم ناهار میخورم
Can we go to the mall?	آیا میتونیم بریم به پاساژ؟
Not today	امروز نه
Maybe	شاید
But maybe	ولی شاید
But maybe we can go tomorrow.	ولی شاید فردا بتونیم بریم

I want to go tonight.	میخوام امشب برم
Here's your coffee.	اینها ( بفرما ) قهوت
Here you are.	بفرما
Give me some money.	یه کم پول بهم بده
We're going to have dinner.	خیال داریم شام صرف کنیم
All right	باشه
Seven dollars	هفت دلار
I have eight dollars.	هشت دلار دارم

---

Would you like to have dinner with me?	دلت میخواد باهام شام صرف کنی؟
Yes, I would.	جواب مثبت کوتاه
But not today	ولی امروز نه
Tomorrow	فردا
I'd like to have lunch with you today.	دلم میخواد امروز با تو ناهار صرف کنم
I know a good, Persian restaurant.	یه رستوران خوب ایرانی میشناسم

What would you like to eat?	دلت میخواد چی بخوری؟
I'd like some rice.	یه کم برنج میل دارم
With some bread	با یه کم نان

Where's the Persian restaurant?	رستوران ایرانیه کجاست؟
It's on Bundy Street.	تو خیابون باندیه

I want to buy a book.	میخوام یه کتاب بخرم
How much is the book?	کتابه چنده؟
Five dollars	پنج دلار

Or maybe it's six dollars.	یا شاید شش دلار
I'm not sure.	مطمئن نیستم

Are you eating?	آیا داری غذا میخوری؟
No, I'm not.	جواب منفی کوتاه

What are you doing?	داری چکار میکنی؟
I'm speaking with my son.	دارم با پسرم صحبت میکنم

Do you have any money?	آیا هیج پول داری؟
No, I don't have any money.	نه هیچی پول ندارم
Where's your son?	پسرت کجاست؟

My son's living in Iran.	پسرم داره تو ایران زندگی میکنه
Are you from Iran, too?	آیا شما هم اهل ایرانید؟
Yes, I am.	جواب مثبت کوتاه

سلام جَک، دلت میخواد با هم شام صرف کنیم؟

A: Hello, Jack. Would you like to have dinner together?

شاید. تو هیچ رستوران خوب ایرانی بلدی؟

B: Maybe. Do you know any good, Persian restaurants?

آره، من یه رستوران خوب بلدم. توی خیابان اوشنه.

A: Yes, I know a good restaurant. It's on Ocean Avenue.

من یه رستوران خیلی بهتر میشناسم توی خیابون واشنگتن. شاید بتونیم بریم اونجا.

B: I know a much better restaurant on Washington Street. Maybe we can go there.

من دلم میخواد امروز و فردا نهار با تو صرف کنم.

A: I'd like to have lunch with you today and tomorrow.

پس امروز میتونیم بریم به رستوران توی خیابان اوشن، و فردا میتونیم بریم به رستوران، توی خیابون واشنگتن

B: Then today We can go to the restaurant on Ocean Avenue, and tomorrow we can Go to the restaurant on Washington Street.

اوکی. آیا تو الان داری میری به پاساژ؟

A: Okay. Are you going to the mall now?

مطمئن نیستم. من هیچ پولی همراه ندارم.

B: I'm not sure. I don't have any money with me.

پس تو میتونی الان بری خونه. و ما میتونیم فردا بریم به پاساژ.

A: Then you can go home now, and we can go to the mall tomorrow.

اوکی. من میخوام فردا یه کتابی بخرم در پاساژ.

B: Okay. I want to buy a book tomorrow at the mall.

اون کتابه چنده؟

A: How much is the book?

نمیدونم، شاید پنج یا شش دلار.

B: I don't know, maybe five or six dollars.

مطمئنی فقط پنج یا شش دلار؟

A: Are you sure it's only five or six dollars?

نه، مطمئنم نیستم. اما اون همون قدری هست که من پول دارم.

B: No, I'm not. But that's how much money I have.



اوکی . بای .

A: Okay. Goodbye.

بای

B: Goodbye.

I'd like to have breakfast now.

We can have lunch later.

We can't go now.

دلم میخواد الان صبحونه صرف کنم

میتونیم بعداً نهار صرف کنیم

الان نمیتونیم بریم

Then when can we go?

Would you like to go tomorrow?

No, I don't want to go tomorrow.

I want to go today.

پس کی میتونیم بریم؟

دلت میخواد فردا بری؟

نه، من فردا نمیخوام برم

میخوام امروز برم

I want to go tonight.

We can't go tonight.

Not tonight

Then maybe we can go tomorrow.

I'd like to have dinner with you tonight.

میخوام امشب برم

امشب نمیتونیم بریم

امشب نه

پس شاید بتونیم فردا بریم

دلم میخواد امشب باهات شام صرف کنم

All right

We can have dinner together tonight.

All right

Can we go a little later?

باشه

میتونیم امشب با هم شام صرف کنیم

باشه

آیا میتونیم یه کم دیر تر بریم ؟

But I don't want to go tonight.

All right

I'd like to go to the mall today.

I want to buy a book.

ولی من امشب نمیخوام برم

باشه

دلم میخواد امروز برم به پاساژ

میخوام یه کتاب بخرم

Do you want to buy food, too?

No, I only want to buy a book.

آیا میخوای غذا هم بخری؟

نه من فقط یه کتاب میخوام بخرم

And maybe a coffee

All right

Here is your coffee.

Here's your coffee.

Here's your tea.

Where's your tea?

و شاید یه قهوه

باشه

بفرما ( اینها ) قهوت

بفرما قهوت ( فشرده )

بفرما چاییت

چاییت کو؟

Is that your tea?

No, that's not my tea.

آیا اون چایی توه ؟

نه ، اون چای من نیست

Here's my tea.

اینها چای من

Where's my money? Here's your money.	پولم کو؟ ایناہا پولت؟
Here's six dollars.	بفرما شیش دلار
But that's only five dollars. We're going to the store now.	ولی اون فقط پنج دلارہ الان داریم میریم بہ مغازہ
We're having dinner now. We're eating.	الان داریم شام صرف میکنیم داریم غذا میخوریم
And we're speaking English. What are you doing tonight?	و داریم انگلیسی صحبت میکنیم امشب داری چکار میکنی؟
We're going to have dinner.	ما تصمیم ( خیال ) داریم شام صرف کنیم
All right	باشہ
We're going to have dinner together.	خیال داریم با ہم شام صرف کنیم
Where's my Pepsi? Here's your Pepsi. Thanks You're welcome. Would you like to have some coffee, too? Yes, please.	پپسیم کجاست؟ ایناہا پپسیت مرسی خواہش میکنم آیا دلت میخواد یہ کمی قہوہ ہم صرف کنی؟ آرہ ، لطفاً
We're drinking coffee.	داریم قہوہ میخوریم
We're going to drink coffee. I'm drinking coffee.	خیال داریم قہوہ بخوریم من دارم قہوہ میخورم
I'm going to drink coffee. But not now, much later Maybe tonight What are you doing now?	من خیال دارم قہوہ بخورم ولی الان نہ ، خیلی دیرتر شاید امشب الان داری چکار میکنی؟
What are you going to do tonight? I'm going to buy something. from the mall I'm going to buy something from the mall.	امشب خیال داری چکار کنی؟ خیال دارم یہ چیزی بخرم از پاساژ خیال دارم یہ چیزی از پاساژ بخرم
Are you going to buy something, too? Yes, I am.	آیا تو ہم خیال داری یہ چیزی بخری؟ جواب مثبت کوتاہ
Would you like to go together? Yes, I would.	آیا دلت میخواد با ہم بریم؟ جواب مثبت کوتاہ

How much is that book?  
It's five dollars.  
But I only have four dollars.

اون کتابة چنده ؟  
پنج دلار  
ولی من فقط چهار دلار دارم

Give me some money.  
Give me some money, please.

یه کمی پول بهم بده  
یه کمی پول بهم بده ، لطفاً

Here's three dollars.  
But I want six dollars.  
Give me three dollars, please.

بفرما سه دلار  
ولی من شش دلار میخوام  
سه دلار بهم بده، لطفاً

Here's a dollar.  
thanks

بفرما یه دلار  
مرسی

We can buy that book now.  
Can you understand me?  
Yes, I can understand you.

حالا میتونیم اون کتاب رو بخریم  
آیا میتونی بفهمی چی میگم؟  
آره میتونم بفهمم چی میگی

I can give you some money.  
I'm going to buy a tea, too.

میتونم بهت یه کم پول بدم  
خیال دارم یه چای هم بخرم

I'm going to give you some money.

خیال دارم یه کم پول بهت بدم

What are you going to do tonight?  
I don't know.  
Would you like to have dinner together?  
Yes, I'd like to have dinner with you.

امشب خیال داری چکار کنی؟  
نمیدونم  
دلت میخواد باهم شام صرف کنیم؟  
آره دلم میخواد با تو شام صرف کنم

Can you give me some money?  
How much do you want?  
only six dollars  
all right  
Here's six dollars.

میتونی کمی پول بهم بدی؟  
چقدر میخوای؟  
فقط شش دلار  
باشه  
بفرما شش دلار

Seven dollars  
Here's seven dollars.  
But I only want six dollars.  
Then give me a dollar.  
Are you going to buy something?  
Yes, I want to buy a book.

هفت دلار  
بفرما هفت دلار  
ولی من فقط شش دلار میخوام  
پس یه دلار بهم بده  
آیا خیال داری یه چیزی بخری؟  
آره میخوام یه کتاب بخرم

---

Tonight  
Here's six dollars.  
Live.  
Give  
Give me.  
All right

Are you going to the restaurant tonight?

Not tonight

We're going to go tomorrow.

You're not going to go tomorrow.

آیا شما امشب دارید میرید به رستوران؟

امشب نه

خیال داریم فردا بریم

شما فردا خیال ندارید برید ( فشرده )

توجه کنید هنگام تاکید کردن از فرم فشرده استفاده نکنید .

Yes, we are going to go tomorrow.

All right

Then give me some money.

Your English is much better now.

Your English is much better than mine.

Give me some money.

Here you are.

I want some coffee.

Here you are.

I want some tea, too.

Can you give me some tea?

Here you are.

thanks

Would you like to drink something?

No, thanks.

Are you sure?

Yes, I am.

We're going to have lunch together.

Are we going to go together?

Yes, we're going to go together.

All right

I only have seven dollars.

And I'm going to eat something later.

Can you give me a dollar, please?

Yes, I can.

How much do you have now?

چرا ، فردا خیال داریم بریم

باشه

پس یه کمی پول بهم بده

الان انگلیسیت خیلی بهتره

انگلیسیت از مال من خیلی بهتره

یه کمی پول بهم بده

بفرمایید ( بفرما )

یه کمی قهوه میخوام

بفرما

یه کمی هم چای میخوام

آیا میتونی یه کمی چای بهم بدی؟

بفرمایید

مرسی

آیا میل داری یه چیزی بنوشی؟

نه ، مرسی

مطمئنی؟

جواب مثبت کوتاه

خیال داریم با هم ناهار صرف کنیم

آیا خیال داریم با هم بریم؟

آره ، خیال داریم با هم بریم ( فشرده )

باشه

من فقط هفت دلار دارم

و خیال دارم بعداً یه چیزی بخورم

میتونی لطفاً یه دلار بهم بدی؟

جواب مثبت کوتاه

الان چقدر داری؟

I have eight dollars.  
How much is that book?  
It's eight dollars.

هشت دلار دارم  
اون کتاب چنده؟  
هشت دلار

Then I'm going to buy that book.  
I have eight dollars with me.

پس خیال دارم اون کتاب رو بخرم  
من هشت دلار باهام دارم

I'm going to give you a dollar.

خیال دارم یه دلار بهت بدم

How much money do you have?  
I only have seven dollars.

تو چقدر پول داری؟  
من فقط هفت دلار دارم

Here's a dollar.

بفرما یه دلار

Here you are.  
You have eight dollars now.

بفرمایید  
حالا هشت دلار داری

Thank you  
Thanks  
You're welcome.  
Goodbye.

متشکرم  
مرسی  
خواهش میکنم  
بای

I want to borrow some money.	من میخوام کمی پول قرض کنم
I have to go now.	من باید الان برم
I only have nine dollars.	من فقط نه دلار دارم
Ten dollars	ده دلار
Cash	نقد ( پول نقد )
I need some money.	من کمی پول لازم ( احتیاج دارم )
I need it.	بیش احتیاج دارم ( لازمش دارم )
What do you want to do with it?	میخوای باهاش چکار کنی؟
More	بیشتر
I need some more money.	من به یه کمی پول بیشتر احتیاج دارم
Can you give me some water?	آیا میتونی کمی آب بهم بدی؟
Anyway	به هر حال
Thanks anyway	به هر حال مرسی
We have more money than you.	ما بیشتر پول داریم

I'm going to eat lunch now.	خیال دارم الان ناهار بخورم
But I don't have any money.	ولی هیچی پول ندارم
Here's eight dollars.	بفرمایید هشت دلار

Here's your tea.	بفرما چاییتون
What would you like to drink?	چی میل داری بنوشی؟
I'd like some tea.	کمی چای میل دارم
Here you are.	بفرمایید ( خدمت شما )
Thanks	مرسی
You're welcome.	خواهش میکنم

We're going to buy a house.	ما خیال داریم خونه بخریم
Tonight	امشب
What are you going to do tonight?	امشب خیال داری چکار کنی؟
I don't know.	نمیدونم

Maybe we can go to the mall.	شاید بتونیم بریم به پاساژ
------------------------------	---------------------------

Are you going to buy that book?	خیال داری اون کتاب رو بخری؟
I'm not sure.	مطمئن نیستم
How much is it?	چنده؟
It's seven dollars.	هفت دلار
I think it's eight dollars.	من فکر میکنم هشت دلار

Can we go to the Persian supermarket?	آیا میتونیم بریم به سوپرمارکت ایرانیه ؟
I don't know.	نمیدونم
Can we go a little later?	آیا میتونیم یه خورده دیرتر بریم؟
All right	باشه
I don't have any money.	من پولی ندارم

Can I borrow some money?	آیا میتونم کمی پول قرض کنم؟
How much do you want?	چقدر میخوای؟
Ten dollars	ده دلار
Ten	ده
Ten dollars	ده دلار
I only want ten dollars.	من فقط ده دلار میخوام
Here's ten dollars.	بفرما ده دلار ( اینها ده دلار )
I want to buy some coffee.	من میخوام کمی قهوه بخرم
I want to borrow some money.	من میخوام کمی پول قرض کنم
I can give you some money.	من میتونم یه کمی پول بهت بدم
Then give me ten dollars.	پس ده دلار بهم بده
All right	باشه
I'm sorry.	متاسفم
I only have nine dollars.	من فقط نه دلار دارم
Nine	نه
I only have nine dollars.	من فقط نه دلار دارم
Can I borrow it?	آیا میتونم امانتیش بگیرم؟ ( قرضش کنم؟ ، اون رو قرض کنم؟ )
I want to buy that book.	من میخوام اون کتاب رو بخرم
I want to buy it.	من میخوام بخرمش
How much is it?	چنده؟
It's ten dollars.	ده دلار
I want to go.	من میخوام برم
I have to go.	من باید برم
I have a car.	من یه ماشین دارم
Do you have a car?	آیا ماشین داری؟
I have to go.	باید برم
Do you have to go?	آیا باید بری؟
Do you have to go now?	آیا الان باید بری؟
Yes, I have to go now.	آره ، الان باید برم
I have to buy a car.	من باید ماشین بخرم
We have to buy a house.	ما باید خونه بخریم
Do you have to buy a house?	آیا شما باید خونه بخرید؟
We have to have a house.	ما باید یه خونه داشته باشیم
I want to buy that book.	من میخوام اون کتاب رو بخرم
I have to buy that book.	من باید اون کتاب رو بخرم

I have to buy it.	من باید بخرمش
You can't buy that book.	تو نمیتونی اون کتاب رو بخری
You can't buy it.	نمیتونی بخریش
Can I borrow some money?	آیا میتونم کمی پول قرض کنم؟
I only have eight dollars.	من فقط هشت دلار دارم
Can I borrow it?	میتونم قرضش کنم؟
Yes, here's eight dollars.	بله ، بفرما هشت دلار
Thanks	مرسی
You're welcome.	خواهش میکنم
I have to borrow some money.	من باید کمی پول قرض کنم
When do you want it?	کی میخوایش؟
Tonight	امشب
Cash	نقد ( پول نقد )
Can I borrow some money?	آیا میتونم کمی پول قرض کنم؟
Can I borrow some cash?	آیا میتونم کمی پول نقد قرض کنم؟
I don't have any cash.	هیچی نقد ندارم
I can give you some cash.	من میتونم کمی پول نقد بهت بدم

### مکالمه سحر و مینا

سلام مینا ، حالت چطوره؟

A: Hello, Mina. How are you?

خوبم سحر ، مرسی . تو چطور؟

B: I'm fine, Sahar. Thanks. And you?

منم خوبم . متشکرم . مینا اینجا داری چکار میکنی؟

A: I'm fine, too. Thank you. What are you doing here Mina?

میخوام به کتابی بخرم.

B: I want to buy a book.

میخواهی الان بخریش؟

A: Do you want to buy it now?

آره ، اما هیچ پولی همراه ندارم . میتونم کمی پول از تو قرض بگیرم؟

B: Yes, but I don't have any money with me. Can I borrow some money from you?

متاسفم . من هیچ پول نقدی همراه ندارم.

A: I'm sorry. I don't have any cash with me.



اوکی . میتونم فردا بخرمش .  
B: That's okay. I can buy it tomorrow.

دلم میخواد شام رو با تو صرف کنم مینا.  
A: I'd like to have dinner with you Mina.

اوکی ، اما کی ؟  
B: Okay, but when?

امشب .  
A: Tonight.

امشب نمیتونم . من باید امشب برم به پاساژ. اما میتونیم فردا نهار صرف کنیم .  
B: I can't tonight. I have to go to the mall tonight, but we can have lunch tomorrow.

باشه. فردا خوبه.  
A: All right. Tomorrow is fine.

یه رستوران خوب ایرانی میشناسی؟  
B: Do you know a good, Persian restaurant?

آره ، یه رستوران خوب میشناسم تو خیابان باندی.  
A: Yes, I know a good restaurant on Bundy Avenue.

باشه. بای .  
B: All right. Goodbye.

بای .  
A: Goodbye.

Would you like some tea?  
No , thanks.

آیا کمی چای میل دارید؟  
نه ، مرسی

But I'd like some water.  
I'd like some water.  
I want some water.  
Here you are.  
Thank you  
Thanks  
You're welcome.

ولی من کمی آب میل دارم  
من کمی آب میل دارم  
کمی آب میخوام  
بفرمایید  
متشکرم  
مرسی  
خواهش میکنم

We're going to Iran.  
We have to go to Iran.  
Are you in Iran now?  
Yes, I am.

ما داریم میریم ایران  
ما باید بریم ایران  
آیا الان تو ایرانی؟  
جواب مثبت کوتاه

No, I'm not.	جواب منفی کوتاه
Then where are you?	پس کجایی؟
I'm in Canada now.	الان تو کانادا ام
Do you want to go to Iran?	آیا میخوای بری ایران؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
No, I don't.	جواب منفی کوتاه ( نه نمیخوام )
Do you have any coffee?	قهوه داری؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه ( عملاً یعنی " آره دارم )
No, I don't.	جواب منفی کوتاه ( عملاً یعنی " نه ، ندارم )
Do you have any tea?	چای داری؟
No, I don't.	جواب منفی کوتاه
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
Ten	دَه
Eight	هَشْت
Seven	هَفْت
Nine	نُه
Three	سِه
Can you give me some cash?	آیا میتونی کمی پول نقد بهم بدی؟
What do you want to do with it?	میخوای باهاش چکار کنی؟
I want to buy a car with it.	میخوام باهاش ماشینم بخرم
I need it.	احتیاجش دارم ( لازمش دارم )
I need some money.	من کمی پول احتیاج دارم
I want some money.	من کمی پول میخوام
I need it.	لازمش دارم
I don't need it.	لازمش ندارم
You don't want to buy a car.	تو نمیخوای ماشین بخری
You don't need to buy a car.	تو احتیاج نداری ماشین بخری
You don't need to buy it.	تو احتیاج نداری بخریش
Do you want some tea?	آیا کمی چای میخوای؟
Do you need money?	آیا پول احتیاج داری؟
Do you need some money?	آیا کمی پول احتیاج داری؟
No, I don't.	جواب منفی کوتاه
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
How much do you want?	چقدر میخوای؟
How much do you need?	چقدر لازم داری؟
I need ten dollars.	دَه دلار لازم دارم

I can give you more. More Do you need more? No, I don't.	میتونم بهت بیشتر بدم بیشتر آیا بیشتر احتیاج داری؟ جواب منفی کوتاه
Give me some cash.	بهم کمی پول نقد بده
I don't have any cash with me. Are you sure? Yes, I am.	من پول نقد باهام ندارم مطمئنی؟ جواب مثبت کوتاه
I have to go now. Give me five dollars. You have to give me nine dollars. More More money I need more money.	من باید الان برم پنج دلار بهم بده تو باید به من نه دلار بدی بیشتر پول بیشتر من پول بیشتری لازم دارم
Do you need more money? Yes, I do. No, I don't.	آیا پول بیشتری احتیاج داری؟ جواب مثبت کوتاه جواب منفی کوتاه
You speak English better than me. Better than me	تو بهتر از من انگلیسی صحبت میکنی بهتر از من
More than me More than you	بیشتر از من بیشتر از تو
I have six dollars. And you have ten dollars. You have more than me. You have more money than me.	من شش دلار دارم و تو ده دلار داری تو بیشتر از من داری تو پول بیشتری از من داری
I have to buy something. I need some money. Can I borrow some money?	من باید یه چیزی بخرم کمی پول احتیاج دارم آیا میتونم کمی پول قرض کنم؟
How much do you need? I need ten dollars. I'm sorry. I only have seven dollars.	چقدر احتیاج داری؟ ده دلار لازم دارم متاسفم من فقط هفت دلار دارم
But thanks anyway	ولی به هر حال مرسی
Anyway	به هر حال
Where are you going? I'm going to the supermarket.	کجا داری میری؟ دارم میرم سوپرمارکت

What are you going to buy?  
I want to buy some water.  
Can you buy some bread, too?  
No, I can't.

چی خیال داری بخری؟  
میخواهم کمی آب بخرم  
آیا میتونی کمی نان هم بخری؟  
جواب منفی کوتاه

Anyway  
You're going to the supermarket anyway.

به هر حال  
تو به هر حال داری میری سوپرمارکت

We need some bread.  
All right

کمی نان لازم داریم  
باشه

---

Borrow  
Water

Thanks anyway  
I need it.  
Dollar

---

I'm going to borrow some money.  
I have to borrow some money.  
I have to go now.

خیال دارم بیه کم پول قرض کنم  
من باید مقداری پول قرض کنم  
من باید الان برم

Can you give me some tea?  
Here you are.

آیا میتونی بیه کمی چای بهم بدی؟  
بفرمایید

Some more  
I need some more.  
More money  
I need some more money.

کمی بیشتر  
من کمی بیشتر احتیاج دارم  
پول بیشتر  
من به کمی پول بیشتر احتیاج دارم

Thanks a lot.	خیلی ممنون
It's late.	دیره
It's too late now.	الان خیلی دیره
We need eleven dollars.	یازده دُالر لازم داریم
But twelve dollars is better.	ولی دوازده دلار بهتره
I can buy it tomorrow night.	میتونم فردا شب بخرمیش
That's too much.	اون خیلی زیاده ( بیش از حد )
That's a lot.	اون یه عالمه ست
It's a lot of water.	یه عالمه آبه
Do you know where my son is?	آیا میدونی پسرم کجاست؟

---

Hello. How are you?	سلام ، حالت چطور؟
I'm fine, Thanks. And you?	خوبم ، مرسی . شما چطور؟
I'm fine, too. Thank you.	منم خوبم . متشکرم

I have to borrow some money. من باید یه کم پول قرض کنم

With whom? با کی؟  
From whom? از کی؟

I'd like to borrow money from you. دلم میخواد از تو پول قرض کنم  
I don't have any cash. هیچی پول نقد ندارم  
I only have ten dollars. من فقط ده دلار دارم  
I can give you nine dollars. میتونم نه دلار بهت بدم  
I need a dollar. یه دلار لازم دارم

Then I have more than you. پس من بیشتر از تو دارم  
More than you بیشتر از تو

More than that بیشتر از اون ( بیشتر از آن )  
I need more than that. من از اون بیشتر لازم دارم  
But thanks anyway. ولی به هر حال مرسی  
Do you want to go to a restaurant together? میخوای با هم بریم به یه رستوران؟  
Yes, I do. جواب مثبت کوتاه

But I have to go to the store, too. ولی باید به مغازه هم برم  
I want to buy that book. میخوام اون کتابه رو بخرم  
I want to buy it today. میخوام امروز بخرمش  
We can go to the mall tonight. میتونیم امشب بریم به پاساژ

But I'd like to go early. ولی من دلم میخواد زود برم  
I want some water. یه کم آب میخوام  
Here you are. بفرمایید

Can you drink it now? آیا میتونی الان بنوشیش؟

Some more	یه کم بیشتر
I want some more water.	یه کم بیشتر آب میخوام
I need ten dollars.	ده دلار لازم دارم
But I only have nine dollars.	ولی فقط نه دلار دارم
I need more money.	پول بیشتری لازم دارم
Some more money	یه کم پول بیشتر
One more dollar	یک دلار دیگه
I need one more dollar.	یک دلار دیگه لازم دارم

### مکالمه

من باید یه کتابی بخرم ، اما هیچ پول نقدی ندارم . میتونم کمی پول از تو قرض بگیرم؟

A: I have to buy a book, but I don't have any cash. Can I borrow some money from you?

کتابه چنده؟

B: How much is the book?

ده دلار.

A: It's ten dollars.

متاسفم ، ولی من فقط نه دلار دارم.

B: I'm sorry, but I only have nine dollars.

نه ، من بیشتر از اون لازم دارم . ولی به هر حال مرسی.

A: No, I need more than that. But thanks anyway.

من کمی آب میخوام . کجا میتونم کمی آب بخرم؟

B: I want some water. where can I buy some water?

آیا باید الان بخریش؟

A: Do you have to buy it now?

نباید الان بخرمش. ولی بهتره الان بخرمش.

B: I don't have to, but it's better to buy it now.

پس بعداً بخرش.

A: Then buy it later.

باشه. بای .

B: All right. Goodbye.

بای.

A: Goodbye.

Here's ten dollars.	بفرما ده دلار
Thanks	مرسی
Thanks a lot.	خیلی ممنون
I'm going to give you two more dollars.	خیال داریم دو دلار دیگه بهت بدم
Thanks a lot.	خیلی ممنون
I have nine dollars now.	حالا نه دلار داریم

در درسهای قبل گفتیم که برای تاکید کردن باید زمان رو در ابتدای جمله بیاریم.

Now I have nine dollars.	حالا نه دلار داریم ( با تاکید گفتن )
Thanks a lot.	خیلی ممنون
You're welcome.	خواهش میکنم
Now I have to buy something.	الان باید یه چیزی بخرم ( با تاکید )
From the store	از مغازه
What are you going to buy?	چی خیال داری بخری؟
I want to buy some water.	میخوام یه کم آب بخرم
Now I have ten dollars.	حالا ده دلار داریم ( با تاکید )
Thanks a lot.	خیلی ممنون
But it's early.	ولی زوده
No, it's late.	نه ، دیره
Maybe you can go tomorrow.	شاید بتونی فردا بری
It's not early.	زود نیست
It's not late.	دیر نیست
I don't think it's late.	من فکر نمیکنم دیره
Then we can go together.	پس میتونیم با هم بریم
Thanks a lot.	خیلی ممنون
I don't have any Cash with me.	من هیچی پول نقد همراه ندارم
Can we go to my house?	آیا میتونیم بریم به خونه من ؟
No, it's late now.	نه ، الان دیره
But I only have ten dollars.	ولی من فقط ده دلار دارم
We need more than that.	بیشتر از اون لازم داریم
We need one more dollar.	یه دلار دیگه لازم داریم
We need eleven dollars.	یازده دلار لازم داریم
Can we go tomorrow?	آیا میتونیم فردا بریم؟

It's late now. And we don't have eleven dollars. We need more money. Eleven dollars is fine.	الان دیره و یازده دلار نداریم پول بیشتری لازم داریم یازده دلار خوبه.
But twelve dollars is better.	ولی دوازده دلار بهتره
We have eleven dollars now. But we need twelve dollars. Here's a dollar. Thanks a lot.	الان یازده دلار داریم ولی دوازده دلار لازم داریم اینها یه دلار خیلی ممنون
I want to buy some coffee, too. And you have to buy some water.	میخوام یه کم قهوه هم بخرم و تو باید یه کم آب بخری؟
More than twelve dollars We need more than twelve dollars.	بیشتر از دوازده دلار ما بیشتر از دوازده دلار لازم داریم
I can borrow some money. From my son I can borrow some money from my son. But it's late now.	من میتونم یه کم پول قرض کنم از پسرم میتونم از پسرم یه کم پول قرض کنم ولی الان دیره
It's too late. It's too late now. It's too late to go to the store now. We only have twelve dollars.	خیلی دیره ( بیش از حد ) الان خیلی دیره الان خیلی دیره برای رفتن به مغازه فقط دوازده دلار داریم
We need eleven more dollars. And it's too late.	یازده دلار دیگه لازم داریم ( یازده دلار بیشتر ) و خیلی دیره
Do you have to buy it tonight? No, I don't.	آیا باید امشب بخریش؟ جواب منفی کوتاه
It's too late now. I can buy it tomorrow night. We can go to the supermarket. Tomorrow night We can go tomorrow night. It's too late tonight. We can go together tomorrow night. Thanks a lot.	الان خیلی دیره میتونم فردا شب بخرمش میتونیم بریم به سوپرمارکت فرداشب میتونیم فردا شب بریم امشب خیلی دیره میتونیم فردا شب با هم بریم خیلی ممنون
I can borrow twelve dollars from my son.	میتونم دوازده دلار از پسرم قرض کنم
That's too much.	اون خیلیه ( خیلی زیاده )
Ten dollars is too much for a book.	ده دلار واسه یه کتاب خیلی زیاده



We only need eleven more dollars. But thanks anyway.	ما فقط یازده دلار دیگه لازم داریم ولی به هر حال مرسی
That's too much money. It's not too much.	اون خیلی پولیه خیلی نیست ( خیلی زیاد نیست )
We want to buy water, too.	میخواهیم آب هم بخریم
It's too late. It's too early. We can go tomorrow night. I only want water now. Here you are.	خیلی دیره خیلی زوده میتونیم فردا شب بریم من الان فقط آب میخوام بفرمایید
That's too much water.	اون آب خیلی زیادیه ( خیلی زیاد آبه )
That's a lot.	اون یه عالمه ست
It's not too much. But it's a lot. It's a lot of water. But it's not too much.	خیلی زیاد نیست ولی یه عالمه ست یه عالمه آبه ولی خیلی زیاد نیست
I have a lot of money. But I don't have any cash.	یه عالمه پول دارم ولی هیچی پول نقد ندارم

---

Eleven  
Twelve  
Night  
Tomorrow night  
a lot  
a lot of  
a lot of money

---

Can I borrow some cash? I don't have a lot of money. I need more money. I'm sorry. I can't give you more. I only have eleven dollars.	میتونم یه کم پول نقد قرض کنم؟ من زیاد پول ندارم ( یه عالمه ) پول بیشتری لازم دارم مناسفم نمیتونم بیشتر بهت بدم من فقط یازده دلار دارم
That's a lot of money. Yes, but you need twelve dollars.	اون یه عالمه پولیه آره، ولی تو دوازده دلار لازم داری
But I don't need it today.	ولی امروز لازمش ندارم

For tomorrow night I need it for tomorrow night. It's too early now.	واسه فردا شب واسه فردا شب لازمش دارم الان خیلی زدوه ( بیش از حد )
But tomorrow night it's too late.	ولی فردا شب خیلی دیره ( زیادی دیره )
I'd like to have the money tonight.	دلم میخواد امشب پولو داشته باشم
Do you know where my son is? Where's the Persian restaurant? Do you know where the restaurant is?	آیا میدونی پسرمن کجاست؟ رستوران ایرانیه کجاست؟ آیا میدونی رستوران کجاست؟
It's far. And it's too late now.	دوره و الان خیلی دیره ( زیادی دیره )
It's too far.	خیلی دوره
Are you going to eat there? No, it's too far.	آیا خیال داری اونجا غذا بخوری؟ نه خیلی دوره
And I don't have a lot of money. How much do you have? I have eleven dollars. Or maybe I have twelve dollars. I'm not sure.	و زیاد پول ندارم چقدر داری؟ من یازده دلار دارم یا شاید دوازده دلار دارم مطمئن نیستم
That's a lot of money. Do you know where your money is? No, I don't know where it is.	این یه عالمه پوله آیا میدونی پولت کجاست؟ نه ، نمیدونم کجاست
I have more money at home.	منزل بیشتر پول دارم
Do you know where my house is? No, I don't know where your house is. No, I don't know where it is.	آیا میدونی خونم کجاست؟ نه ، نمیدونم خونت کجاست نه ، نمیدونم کجاست
I want some water. Here you are. Thanks a lot. That's a lot of water.	یه کم آب میخوام بفرمایید خیلی ممنون اون یه عالمه آبه

I have thirteen dollars.	من سیزده دلار دارم
Fourteen	چهارده
Where's my wallet?	کیف پولم کجاست؟
It's on the floor.	روی زمینه ( کف اتاقه )
You owe me fourteen dollars.	تو بهم چهارده دلار بدهکاری
How much do I owe you?	چقدر بهت بدهکارم؟
You don't owe me anything.	هیچی بهم بدهکار نیستی
Who is that?	اون کیه؟
That's my daughter.	اون دخترمه
That's my husband.	اون شوهرمه
He's in Iran now.	اون الان تو ایرانه ( مذکر )
He wants some tea.	اون کمی چای میخواد ( مذکر )
Is he your husband?	آیا اون شوهر شماست؟

I want to buy it.	من میخوام بخرمش
I don't have any money.	من هیچی پول ندارم
I can't buy it.	نمیتونم بخرمش
I need eleven dollars.	من یازده دلار احتیاج دارم
I want to give you twelve dollars.	من میخوام دوازده دلار بهت بدم
Thanks a lot.	خیلی ممنون

I'm going to have dinner now.	الان خیال دارم شام صرف کنم
It's too early.	خیلی زوده
I have a lot of money.	من یه عالمه پول دارم
How much money do you have?	چقدر پول داری؟
I have twelve dollars.	من دوازده دلار دارم

That's not a lot.	اون زیاد نیست ( یه عالمه )
We need more money.	ما پول بیشتری لازم داریم

Maybe we can borrow some money.	شاید بتونیم کمی پول قرض کنیم
Can we go to the supermarket now?	آیا میتونیم الان بریم به سوپرمارکت؟
No, it's too late now.	نه ، الان خیلی دیره
We can go tomorrow.	میتونیم فردا بریم

But we're going to go to Canada tomorrow.	ولی فردا خیال داریم بریم به کانادا
We're going to Canada tomorrow night.	فردا شب داریم میریم به کانادا
All right	باشه

Excuse me. How much is a coffee?	بیخشید یه قهوه چنده؟
It's seven dollars.	هفت دلار
That's too much.	اون خیلی زیاده

Excuse me, ma'am.	ببخشید خانم ( محترمانه )
Do you know where Sunset Avenue is?	میدونید خیابان سانست کجاست؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
No, I don't.	جواب منفی کوتاه
How much?	چقدر؟
How much do you want to borrow?	چقدر میخوای قرض کنی؟
I have to borrow a lot of money.	من باید یه عالمه پول قرض کنم
You owe.	تو بدهکاری ( مدیونی )
You owe me.	به من بدهکاری ( مدیونی )
You want some Pepsi.	تو یه کم پیسی میخوای
Do you want some Pepsi?	آیا یه کم پیسی میخوای؟
Some money	کمی پول ( مقداری پول )
You owe me some money.	تو به من کمی پول بدهکاری
Do you owe me some money?	آیا کمی پول بهم بدهکاری؟
I don't understand you.	من نمیفهمم چی میگی
I don't owe you.	من به تو بدهکار نیستم
I don't owe you anything.	من به تو هیچی بدهکار نیستم
Are you sure?	مطمئنی؟
Yes, I'm sure.	آره مطمئنم
Do you owe me?	آیا بهم بدهکاری؟
No, I don't owe you.	نه بهت بدهکار نیستم
Yes, I owe you a lot.	آره یه عالمه بهت بدهکارم
How much?	چقدر؟
How much do you owe me?	چقدر بهم بدهکاری؟
Thirteen dollars	سیزده دلار
You owe me.	تو بهم بدهکاری
You owe me thirteen dollars.	تو بهم سیزده دلار بدهکاری
Are you sure?	مطمئنی؟
Yes, I am.	جواب مثبت کوتاه
Here's a dollar.	بفرما یه دلار
How much do I owe you?	چقدر بهت بدهکارم؟
You owe me thirteen dollars.	سیزده دلار بهم بدهکاری
I don't owe you thirteen dollars.	من سیزده دلار بهت بدهکار نیستم
Then how much do you owe me?	پس چقدر بهم بدهکاری؟
Only	فقط
Only four dollars	فقط چهار دلار
Or maybe five dollars	یا شاید پنج دلار

How much do you owe me?  
Twelve dollars  
Only twelve dollars  
I owe you nine dollars.  
I only have three dollars.  
I only owe you three dollars.

چقدر بهم بدهکاری؟  
دوازده دلار  
فقط دوازده دلار  
نُه دلار بهت بدهکارم  
من فقط سه دلار دارم  
من فقط سه دلار بهت بدهکارم

How much?  
How much do you owe me?

چقدر؟  
چقدر بهم بدهکاری؟

Only three dollars  
How much do you owe me?  
How much do I owe you?  
Six dollars

فقط سه دلار  
چقدر بهم بدهکاری؟  
چقدر بهت بدهکارم؟  
شش دلار

Do you owe me thirteen dollars?  
No, I owe you ten dollars.  
Only ten dollars?

آیا سیزده دلار بهم بدهکاری؟  
نه، ده دلار بهت بدهکارم  
فقط ده دلار؟

Fourteen dollars  
Fourteen  
I owe you fourteen dollars.  
More  
I think.  
You owe me more.

چهارده دلار  
چهارده  
من بهت چهارده دلار بدهکارم  
بیشتر  
من فکر میکنم  
تو بهم بیشتر بدهکاری

I think you owe me more.

من فکر میکنم تو بهم بیشتر بدهکاری

You owe me a lot of money.  
You speak better than me.

تو به من یه عالمه پول بدهکاری  
تو بهتر از من صحبت میکنی

Better than me  
More than me  
More than that

بهتر از من  
بیشتر از من  
بیشتر از آن

I owe you thirteen dollars.  
You owe me more than that.  
You owe me fourteen dollars.

من به تو سیزده دلار بدهکارم  
تو بهم بیشتر از اون بدهکاری  
تو بهم چهارده دلار بدهکاری

All right  
Here's fourteen dollars.  
That's only thirteen dollars.  
I'm sorry.  
Here's a dollar.

باشه  
بفرما چهارده دلار  
اون فقط سیزده دلار  
متاسفم  
بفرما یه دلار

I want to give you your money.

من میخوام پولتو بهت بدم

Wallet	کیف پول
Your money	پولت
Your wallet	کیف پولت
My wallet	کیف پولم
Where's Main Street?	خیابون مین کجاست؟
Where's my wallet?	کیف پولم کجاست؟
Your wallet's here.	کیف پولت اینجاست
It's here.	
It's there.	اونجاست
Do you know where Bundy Avenue is?	آیا میدونید خیابان باندی کجاست؟
Do you know where my wallet is?	آیا میدونی کیف پولم کجاست؟
No, I don't.	جواب منفی کوتاه
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
Where is it?	کجاست؟
It's there.	اونجاست
Is that your wallet?	آیا اون کیف پول شماست؟
No, that's not mine.	نه، اون مال من نیست
Yes, that's mine.	آره اون مال منه
I live in Iran.	من تو ایران زندگی میکنم
In Iran	تو ایران
My wallet	کیف پولم
In my wallet	تو کیف پولم
I have some money.	من کمی پول دارم
I have some money in my wallet.	من کمی پول تو کیف پولم دارم
I have some cash in my wallet.	من کمی پول نقد تو کیف پولم دارم
In my wallet	تو کیف پولم
In your house	تو خونه شما
My wallet's in your house.	کیف پولم تو خونه شماست
I owe you some money.	من به شما کمی پول بدهکارم
You owe me some money.	شما به من کمی پول بدهکارید
But you don't owe me a lot.	ولی زیاد به من بدهکار نیستید
You only owe me thirteen dollars.	شما فقط سیزده دلار بهم بدهکارید
That's not too much money.	اون پول خیلی زیادی نیست

سلام مینا .

A: Hello, Mina.

سلام جیم .

B: Hello, Jim.

مینا ، میتونم کمی پول قرض کنم؟

A: Can I borrow some money, Mina?

پول نقد میخوای؟

B: Do you want cash?

بله ، لطفاً.

A: Yes, please.

اوکی. من کمی پول نقد دارم توی کیف جیبیم . چقدر لازم داری؟

B: Okay. I have some cash in my wallet. How much do you need?

چهارده دلار.

A: Fourteen dollars.

اون پول زیادیه. من فقط ده دلار همراهم دارم . اما من میتونم چهار دلار دیگه بدم فردا شب.

B: That's a lot of money. I only have ten dollars with me, but I can give four more dollars tomorrow night.

من الان پول لازم دارم. به هرحال فردا شب خیلی دیره.

A: I need the money now. Tomorrow night is too late anyway.

باشه. پس بفرما ده دلار . شاید سارا بتونه کمی پول بیشتری بده.

B: All right. Then here's ten dollars. Maybe Sarah can give you some more money.

خیلی ممنون.

A: Thanks a lot.

خواهش میکنم.

B: You're welcome.

---

It's late.

دیره

It's too late.

خیلی دیره

It's not too late.

خیلی دیر نیست

Where's my wallet?

کیف پولم کجاست؟

It's on the floor. Your wallet is on the floor.	روی زمینہ ( عملاً ، کف اتاقہ ) کیف پولت رو زمینہ
I don't know where it is. I need some money. I want to borrow some money. From Ali	نمیدونم کجاست من کمی پول احتیاج دارم من میخوام کمی پول قرض کنم از علی
Who is Ali? Who's Ali? Who's Mina?	علی کیہ؟ علی کیہ؟ ( فشرده ) مینا کیہ؟ ( فشرده )
Who? Where are you? Who are you? I'm Shadi.	کی؟ شما کجایید؟ شما کی هستیید؟ من شادی هستم
Hello, Shadi. How are you? I'm fine, thanks. That's my son.	سلام شادی . حالت چطورہ؟ خوبم ، مرسی اون پسر منہ
Who's that? That's my son.	اون کیہ؟ اون پسرہ
That's my daughter.	اون دخترہ ( فرزند دختر )
Daughter My daughter That's my daughter. And that's my son.	دختر دخترم اون دخترہ و اون پسرہ
<hr/>	
Owe You owe me. Thirteen Wallet Water Daughter	
<hr/>	
Who's that?	اون کیہ؟
That's my husband. Husband	اون شوہرہ شوہر



Where's your husband?  
My husband is in Iran now.

شوهرت کجاست؟  
شوهرم الان تو ایران

He is in Iran now.  
He

او الان تو ایران ( ذکر )  
او ( مذكر )

توجه کنید در زبان انگلیسی " او مونث ، او مذكر و او خنثی با هم فرق دارند.

I am.  
He is.  
He's.  
He's in Iran.  
That's not my wallet.

من هستم  
او هست  
او هست ( فشرده )  
او تو ایران ( مذكر )  
اون کیف پول من نیست

He's not my husband.  
Is he your husband?  
No, he's not my husband.

او شوهر من نیست  
آیا اون شوهر شماست؟  
نه، اون شوهر من نیست

No, he's not.  
Yes, he is.

جواب منفی کوتاه  
جواب مثبت کوتاه

Yes, he is my husband.

آره او شوهر منه

He wants some tea.

او کمی چای میخواد

در زبان انگلیسی " به سوم شخص بیشتر افعال ، در زمان حال S اضافه میکنیم در آخر فعل .  
البته بعضی از افعال مثل " Can در آخرش حرف S نمیگیره.

He wants some water.

او کمی آب میخواد

My husband speaks English very well.

شوهرم انگلیسی خیلی خوب صحبت میکنه

He speaks English very well.

او انگلیسی خیلی خوب صحبت میکنه

He's at the mall now.

او الان در پاساژ

I'm going to the mall.

من دارم میرم به پاساژ

He's going to the mall.

او داره میره به پاساژ

Is he going to Iran?

آیا او داره میره به ایران؟

Yes, he is.

جواب مثبت کوتاه

No, he's not.

جواب منفی کوتاه

He wants to live here.

او میخواد اینجا زندگی کنه

He lives here.

او اینجا زندگی میکنه

Where's your son? He's at home.	پسرت کجاست؟ اون منزله
What is he doing there? What's he doing there?	او داره اونجا چکار میکنه؟
He's eating lunch. My son's eating lunch. He's eating lunch.	داره نهار میخوره
Where's your daughter? My daughter's eating lunch, too. My daughter wants to go to Iran.	دخترتون کجاست؟ دخترم هم داره نهار میخوره دخترم میخواد بره به ایران
But my son's here. But my son is here.	ولی پسرم اینجاست
He's drinking tea. Who's that?	او داره چای میخوره اون کیه؟
He's my husband Ali. And that's my daughter Sahar.	او شوهرم علیه و اون دخترم سحره
Your wallet's on the floor. Thanks a lot. You're welcome.	کیف پولت روی زمینه خیلی ممنون خواهش میکنم

Fifteen	پانزده
Sixteen	شانزده
Seventeen	هفده
Eighteen	هجده
Nineteen	نوزده
She	او ( مونث )
She's my daughter.	او دختر منه
He'd like to eat something, too.	او هم ميل داره به چيزی بخوره
Does your daughter live here?	آيا دختر شما اينجا زندگی ميکنه؟
Does your son want to eat?	آيا پسرتون ميخواد غذا بخوره؟
Ask me.	از من بپرسيد ( از من بپرس )
Ask me where Tehran is?	از من بپرسيد تهران کجاست؟
Ask me if I have a car?	از من بپرسيد که آيا من ماشين دارم؟
Tell me.	به من بگيد ( به من بگو )
Tell me you live in Iran.	به من بگيد شما در ايران زندگی ميکنيد
I don't know who that is.	من نميدونم اون کيه؟
Where does your daughter want to go?	دخترتون کجا ميخواد بره؟

Who's that?	اون کيه؟
That's my husband.	اون شوهرمه
Is Ali home?	آيا علی منزله؟
No, he's not home.	نه اون منزل نيست
Ali's not home.	
He's not home.	
Where's my wallet?	کيف پولم کجاست؟
It's on the floor.	رو زمينه
I owe you a lot.	من يه عالمه به شما مديونم ( بدهکارم )
I owe you fourteen dollars.	من بهت چهارده دلار بدهکارم
You don't owe me fourteen dollars.	تو بهم چهارده دلار بدهکار نيستی
Then how much do I owe you?	پس چقدر بهت بدهکارم؟
You only owe me thirteen dollars.	تو فقط سيزده دلار بهم بدهکاری
Fifteen dollars	پانزده دلار
Fifteen	پانزده
I owe you a lot of money.	من بهت يه عالمه پول بدهکارم
Ali owes you a lot, too.	علی هم يه عالمه بهت بدهکاره
He only owes me fifteen dollars.	اون فقط بهم پانزده دلار بدهکاره
Sixteen	شانزده
Sixteen dollars	شانزده دلار
Six	شش
Sixteen	شانزده
Seven	هفت

Seventeen	هفده
Eight	هشت
Eighteen	هجده
Four	چهار
Fourteen	چهارده
Fifteen	پانزده
Five	پنج
Twelve	دوازده
Eleven	یازده
Thirteen	سیزده
Three	سه

a lot	یه عالمه
a lot of money	یه عالمه پول
a lot of water	یه عالمه آب
That's a lot of water.	اون یه عالمه آبه
That's too much water.	اون آب خیلی زیادیه

My son's going to go to Iran.	پسرم خیال داره بره به ایران
He wants to go tomorrow.	اون میخواد فردا بره
He's going to go tomorrow night.	اون خیال داره فردا شب بره
My son wants to speak with you.	پسرم میخواد با شما صحبت کنه
He wants to speak with you.	اون میخواد با شما صحبت کنه
Is that your daughter?	آیا اون دختر شماست؟

Yes, she is my daughter.	آره اون دختر منه ( او مونث )
She	او ( مونث )
She is.	او هست
She is my daughter.	اون دخترمه
He's my son.	اون پسرمه ( فشرده )
He is my son.	
She's my daughter.	اون دخترمه ( فشرده )
She's not my daughter.	اون دختر من نیست
She lives in Canada.	اون تو کانادا زندگی میکنه ( مونث )

My husband's there, too.	شوهرم هم اونجاست
Where's my daughter?	دخترم کجاست؟
Where's she?	اون کجاست؟
Where's my son?	پسرم کجاست؟
Where's he?	اون کجاست؟
Where is he?	

Is my husband there?	آیا شوهرم اونجاست؟
No, he's not.	جواب منفی کوتاه
Yes, he is.	جواب مثبت کوتاه
Do you want to speak with your husband?	آیا میخوای با شوهرت صحبت کنی؟

Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
Yes, please.	بله لطفاً
No , not now.	نه ، الان نه
Where's my daughter?	دخترم کجاست؟
She's here.	اون اینجاست
She can speak English.	اون میتونه انگلیسی صحبت کنه
I would like to eat something.	من میل دارم یه چیزی بخورم ( غیر فشرده )
And your husband?	شوهرتون چطور؟
My husband would like to eat something, too.	شوهرم هم دلش میخواد یه چیزی بخوره
He would like to eat something, too.	اون هم میخواد یه چیزی بخوره
I'd like to eat something.	من میل دارم یه چیزی بخورم ( فشرده )
He'd like to eat something, too.	اون هم ( شوهرتون ) میل داره یه چیزی بخوره ( فشرده )
And your daughter?	دخترتون چطور؟
She'd like to eat something, too.	اون هم میل داره یه چیزی بخوره ( فشرده )
She wants to eat something.	اون میخواد یه چیزی بخوره
You want to eat.	شما میخواید غذا بخورید
Do you want to eat?	آیا شما میخواید غذا بخورید؟
Your son wants to eat.	پسرتون میخواد غذا بخوره
Does your son want to eat?	آیا پسرتون میخواد غذا بخوره؟

---

Do you?  
Does your daughter?  
Does she?  
Do you?  
Does your husband?  
Does he?

---

I live here.	من اینجا زندگی میکنم
Do you live here?	آیا شما اینجا زندگی میکنید؟
My son lives here.	پسرم اینجا زندگی میکنه
Does your son live here?	آیا پسرتون اینجا زندگی میکنه؟
Does he live here?	آیا اون اینجا زندگی میکنه؟
My daughter understands English.	دخترم انگلیسی میفهمه
She understands English.	اون انگلیسی میفهمه
Does she understand Persian?	آیا اون فارسی میفهمه ؟
No, she can't speak Persian.	نه ، اون نمیتونه فارسی صحبت کنه
But my son understands Persian.	ولی پسرم فارسی میفهمه
He speaks English, too.	اون انگلیسی هم صحبت میکنه

مینا ، دخترت کجاست؟

A: Mina, where's your daughter?

اون پاساژہ.

B: She's at the mall.

اون چی میخواد بخرہ؟

A: What does she want to buy?

میخواد یہ کتاب بخرہ.

B: She wants to buy a book.

مینا امشب داری چکار میکنی؟

A: What are you doing tonight Mina?

دارم میرم بہ سوپرمارکت. لازم دارم کمی غذا بخرم. دلت میخواد با من بیای؟

B: I'm going to the supermarket. I need to buy some food. Would you like to go with me?

شاید ، مطمئن نیستم . من هیچ پولی ہمراہ ندارم .

A: Maybe, I'm not sure. I don't have any money with me.

من میتونم کمی پول بہت بدم. من کمی پول بہت بدهکارم. چقدر بہت بدهکارم؟

B: I can give you some money. I owe you some money anyway. How much do I owe you?

تو سیزدہ دلار بہم بہکاری.

A: you owe me thirteen dollars.

بفرما چہاردہ دلار.

B: Here's fourteen dollars.

اما اون یہ دلار بیشتر از بدهی تو بہ منہ.

A: But that's a dollar more than you owe me.

بده بہ دخترت . مطمئنم اون میخواد یہ چیزی بخرہ.

B: Give it to your daughter. I'm sure she wants to buy something.

باشہ . مرسی.

A: All right, thanks.

خواہش میکنم.

B: You're welcome.

---

Ask me. ( از من بپرس ( از من بپرسید )  
Where's my daughter? دخترم کجاست؟  
I don't know where your daughter is. نمیدونم دخترتون کجاست؟

Who's that? اون کیه؟  
I don't know who that is. من نمیدونم اون کیه

Do you want to go? آیا میخوای بری؟  
Does your daughter want to go? آیا دخترتون میخواد بره؟  
Where do you want to go? کجا میخوای بری؟  
Where does your daughter want to go? دخترتون کجا میخواد بره؟  
She wants to go to the restaurant. اون میخواد بره به رستوران

When is she going there? اون کی داره میره به اونجا؟  
I don't know when she's going there. نمیدونم کی داره میره اونجا

Ask me. از من بپرسید  
Where's Tehran? تهران کجاست؟  
Ask me where Tehran is. از من بپرسید تهران کجاست  
Where's Tehran? تهران کجاست؟  
Tehran is in Iran. تهران تو ایرانه ( غیر فشرده )  
Tehran's in Iran. تهران تو ایرانه ( فشرده )

When are you going to Iran? کی داری میری ایران؟  
Ask me when I'm going to Iran. از من بپرسید کی دارم میرم به ایران  
When are you going to Iran?  
I'm going to Iran tomorrow. فردا دارم میرم ایران

Where are you from? شما اهل کجا هستید؟  
Where's your husband from? شوهرتون اهل کجاست؟  
He's from Iran. اون اهل ایرانه

Ask me where my husband is from. ازم بپرسید " شوهرم اهل کجاست؟  
Where's your husband from?  
He's from Iran. اون اهل ایرانه

Ask me where he is now. ازم بپرسید " اون الان کجاست؟  
Where is he now?  
He's in Canada now. اون الان تو کانادا است

توجه کنید " کلمه " If " معمولاً معنی " اگر " دارد. اما در اینجا به معنی " که آیا " یا " آیا هم میاد.

Ask me if I have a car. از من بپرسید " که آیا من ماشین دارم؟  
Do you have a car? آیا شما ماشین دارید  
Yes, I do. جواب مثبت کوتاه  
No, I don't. جواب منفی کوتاه

---

Live  
I live.  
Lives  
She lives.  
She lives in Canada.  
One  
Eleven  
Twelve  
Three  
Thirteen  
Fourteen  
Fifteen  
Six  
Sixteen  
Seventeen  
Eighteen  
Nineteen  
If

---

Does your son live here?  
Ask me if my son lives here.  
Does your son live here?  
No, he lives in Iran.

آیا پسر تون اینجا زندگی میکنه؟  
از من بپرسید " که آیا پسر من اینجا زندگی میکنه؟  
نه ، اون در ایران زندگی میکنه

What do you want to buy?  
I want to buy a book.  
Is my son at your house?  
No, he's not here.  
Yes, he's here.  
Is she your daughter?  
Yes, she is.  
No, she's not.

میخواهم یه کتاب بخرم  
نه ، اون اینجا نیست  
آره اینجاست  
آیا اون دختر شماست؟  
جواب مثبت کوتاه  
جواب منفی کوتاه

Do you drink coffee?  
Yes, I do.  
No, I don't.

آیا قهوه میخورید؟  
جواب مثبت کوتاه  
جواب منفی کوتاه

Does your daughter drink coffee?  
Does she drink coffee?  
Yes, she drinks coffee.

آیا دختر شما قهوه میخوره؟  
آره ، اون قهوه میخوره

Yes, she does.

جواب مثبت کوتاه

Do you want to buy a car?  
Does your husband want to buy a car?  
Does he want to buy a car?

آیا شما میخواهید ماشین بخرید؟  
آیا شوهرتون میخواهد ماشین بخره؟



Yes, he does.	جواب مثبت کوتاه
No, he doesn't.	جواب منفی کوتاه
He doesn't want to buy a car.	اون نمیخواهد ماشینی بخره
My daughter doesn't want to live here.	دخترم نمیخواهد اینجا زندگی کنه
She doesn't want to live here.	
Where does she live?	کجا زندگی میکنه؟
What does she do?	چکار میکنه؟
What does she want to buy?	چی میخواهد بخره؟ ( مونث )
Do you live in Iran?	
No, I don't.	جواب منفی کوتاه
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
Does your husband want some coffee?	
Yes, he does.	جواب مثبت کوتاه
No, he doesn't.	جواب منفی کوتاه
Tell me.	به من بگو ( به من بگید )
Tell me you live in Iran.	به من بگو " تو در ایران زندگی میکنی
I live in Iran.	
Ali wants to buy a car.	
I live in Canada.	
Your daughter doesn't drink coffee.	
She speaks English very well.	
a lot	یه عالمه
Better	بهتر
a lot better	یه عالمه بهتر
I speak English a lot better now.	

### مکالمه

اون کیه؟ میدونی اون کیه؟  
A: Who's that? Do you know who that is?

نمیدونم اون کیه.  
B: I don't know who that is.

پسرم کجاست؟ میدونی پسرم کجاست؟  
A: Where's my son? Do you know where my son is?

نمیدونم اون کجاست.

B: I don't know where he is.

کیف پولم کجاست؟ میدونی کیف پولم کجاست؟

A: Where's my wallet? Do you know where my wallet is?

نمیدونم کیف پولت کجاست. نمیدونم کجاست.

B: I don't know where your wallet is. I don't know where it is.

اون چیه؟ میدونی اون چیه؟

A: What's that? Do you know what that is?

نمیدونم اون چیه.

B: I don't know what that is.

دخترت کی میخواد بره به ایران؟ آیا میدونی دخترت کی میخواد بره به ایران؟

A: When does your daughter want to go to Iran? Do you know when your daughter wants to go to Iran?

نمیدونم اون کی میخواد بره به ایران.

B: I don't know when she wants to go to Iran.

آیا شوهرت قهوه میخوره؟ آیا میدونی که شوهرت قهوه میخوره؟

A: Does your husband drink coffee? Do you know if your husband drinks coffee?

نمیدونم که اون قهوه میخوره.

B: I don't know if he drinks coffee.

پسر من چقدر به تو بدهکاره؟ میدونی پسر من چقدر به تو بدهکاره؟

A: How much does my son owe you? Do you know how much my son owes you?

نمیدونم اون چقدر به من بدهکاره. اما میدونم اون زیاد به من بدهکار نیست.

B: I don't know how much he owes me, but I know he doesn't owe me a lot.

پسرت الان تو کاناداست؟ آیا میدونی که پسرت الان تو کاناداست؟

A: Is your son in Canada now? Do you know if your sons in Canada now?

من نمیدونم که اون تو کاناداست.

B: I don't know if he is in Canada.

آیا پسرت میدونه تو اینجا هستی؟

A: Does your son know you're here?

نمیدونم که آیا اون میدونه من اینجا هستم. نمیدونم که آیا اون اینو میدونه. فکر میکنم اون اینو میدونه.

B: I don't know if he knows I'm here. I don't know if he knows that. I think he knows that. Yes, he does.

No, he doesn't.

That's my friend Ali.	اون دوستم عليه
Twenty dollars	بيست دلار
Thirty	سی
Forty	چهل
Fifty	پنجاه
Expensive	گران
Cheap	ارزان
It's very expensive.	خیلی گرونه
It's too expensive.	خیلی گرونه ( بیش از حد )
Ask him.	ازش بپرس ( مذکر )
Ask her.	ازش بپرس ( مونث )
Speak with him.	باهاش صحبت کن ( مذکر )
Speak with her.	باهاش صحبت کن ( مونث )
That's for you.	اون واسه توه

---

My husband	شوهرم
Your daughter	دخترتون
Where's my wallet?	کیف پولم کجاست؟
It's on the floor.	رو زمینه
Do you know where my wallet is?	آیا میدونی کیف پولم کجاست؟
No, I don't know where it is.	نه نمیدونم کجاست

When is Ali going to Iran?	علی کی داره میره به ایران؟
I don't know when he wants to go.	نمیدونم اون کی میخواد بره
And Shadi?	شادی چطور؟

When does she want to go to Iran?	اون کی میخواد بره به ایران؟
She's going to Iran tomorrow night.	فردا شب داره میره به ایران

Does Shadi know you're here?	
Yes, she does.	جواب مثبت کوتاه
No, she doesn't.	جواب منفی کوتاه

Six	شش
Sixteen	شانزده
Seventeen books	هفده تا کتاب
Eighteen cars	هجده تا ماشین
Nineteen dollars	نوزده دلار
Eleven dollars	یازده دلار
Thirteen Pepsis	سیزده تا پپسی

How much is a coffee?	
It's only a dollar.	فقط یه دلار

How much does Ali owe you?

Twenty dollars	بیست دلار
Twenty	بیست
Ali owes me twenty dollars.	علی بیست دلار بهم بدهکاره
He owes me twenty dollars.	اون بیست دلار بهم بدهکاره
That's not much.	اون خیلی نیست
But I think that's a lot.	ولی من فکر میکنم اون خیلیه
Four	چهار
Twenty	بیست
Twenty-four	بیست و چهار
Twenty-seven	بیست و هفت
Twenty-nine	بیست و نه
Twenty-one	بیست و یک
I can't give you twenty-five dollars.	من نمیتونم بیست و پنج دلار بهت بدم
I have ten dollars.	من ده دلار دارم
And I have to borrow twenty dollars.	و باید بیست دلار قرض کنم
I need thirty dollars.	من سی دلار احتیاج دارم
Thirty	سی
Three	سه
Thirty-three	سی و سه
Thirty-two	سی و دو
Twenty-three	بیست و سه
Does your husband want to buy a car?	آیا شوهرت میخواد ماشین بخره؟
Yes, he does.	جواب مثبت کوتاه
No, he doesn't.	جواب منفی کوتاه
I don't know if he wants to buy a car.	نمیدونم که آیا میخواد ماشین بخره
Who's that?	اون کیه
He's my friend.	اون دوستمه
My friend	
He's my friend.	اون دوستمه ( مذکر )
She's my friend.	اون دوستمه ( مونث )
One book	یک کتاب
I have two books.	من دو تا کتاب دارم
I have two friends.	من دو تا رفیق دارم
Does your friend live here?	
No, my friend lives in Shiraz.	نه ، دوستم تو شیراز زندگی میکنه
My friend would like to drink some water.	دوستم میل داره کمی آب بخوره
He'd like to drink some water.	اون میل داره کمی آب بخوره

Do you have any money?	جواب مثبت کوتاه
Yes, I do.	
How much do you need?	چقدر احتیاج داری؟
I need forty dollars.	من چهل دلار احتیاج دارم
I only have twenty dollars.	
Forty	چهل
Forty-four	چهل و چهار
I only have forty-five dollars.	من فقط چهل و پنج دلار دارم
I don't have forty-eight dollars.	چهل و هشت دلار ندارم
But I can give you thirty-seven dollars.	ولی میتونم بهت سی و هفت دلار بدم
Do you have any money?	آیا پول داری؟
Yes, I have thirty-nine dollars.	آره ، سی و نه دلار دارم
Your friend	دوستت
Your friend Ali	دوستت علی
Does your friend Ali have any money?	آیا دوستت علی پول داره؟
I don't know.	نمیدونم
Ask me.	از من بپرس
Ask	بپرس
Your friend	دوستت
Ask your friend.	از دوستت بپرس
If we can borrow some money?	که آیا ما میتونیم کمی پول قرض کنیم؟
Tell me.	به من بگو
Tell your friend Ali.	به دوستت علی بگو
Tell your friend Ali we need some money.	به دوستت علی بگو ما کمی پول احتیاج دارم
Tell him.	بهش بگو
Tell him we need money.	بهش بگو ما پول احتیاج داریم
Tell your friend Ali we need money.	
Tell him we need money.	
Ask me.	از من بپرس
Ask him.	ازش بپرس
Do you know where Mina is?	
Yes, She's home.	آره اون منزله
Tell her.	بهش بگو ( مونث )
Tell Mina I can't go to the mall.	به مینا بگو من نمیتونم برم به پاساژ
Tell her I can't go to the mall.	بهش بگو من نمیتونم برم به پاساژ
Ask Ali if he wants to go to the mall.	از علی بپرس که آیا میخواهد بره پاساژ
Ask him if he wants to go to the mall.	ازش بپرس که آیا میخواهد بره پاساژ

سلام جیم ، تو امروز قصد داری ماشین بخری؟

A: Jim, are you going to buy a car today?

نه ، فکر نمیکنم امروز بتونم بخرمش . من کمی پول بیشتری لازم دارم.

B: No, I don't think I can buy it today. I need some more money.

اما تو میتونی با دوستت مینا صحبت کنی. شاید تو بتونی کمی پول ازش قرض کنی.

A: But you can speak with your friend Mina. Maybe you can borrow some money from her.

مینا الان ایرانه .

B: Mina is in Iran now.

نَوید کجاست؟ اون هم ایرانه؟

A: Where's Navid ? Is he in Iran, too?

نه ، اون اینجاست .

B: No, he's here.

تو میتونی ازش بپرسی . شاید اون بتونه کمی پول بهت بده .

A: You can ask him. Maybe he can give you some money.

اما من نمیدونم اون الان کجاست.

B: But I don't know where he is now.

میدونی چقدر لازم داری؟

A: Do you know how much you need?

چی؟

B: What?

دارم ازت میپرسم تو چقدر لازم داری؟

A: I'm asking you how much you need.

زیاد لازم ندارم. خیال داری کمی پول بهم بدی؟

B: I don't need a lot. Are you going to give me some money?

آره.

A: Yes, I am.

---

My friend Ali lives in Canada. دوستم علی در کانادا زندگی میکنه  
He's going to Iran tomorrow night. اون داره فردا شب میره ایران

Forty چهل  
I can give you forty dollars. من میتونم چهل دلار بهت بدم  
But I need more. ولی من بیشتر لازم دارم  
I need fifty dollars. من پنجاه دلار لازم دارم

Fifty پنجاه و پنج  
Fifty-five پنجاه و شش  
Fifty-six پنجاه و یک  
Fifty-one

I need that book. من اون کتاب رو لازم دارم  
I need it. لازمش دارم  
Can I buy it? آیا میتونم بخرمش؟  
How much is it? چنده؟  
It's only three dollars. فقط سه دلار

It's cheap. ارزونه  
Cheap ارزان  
You speak English very well. تو خیلی خوب انگلیسی صحبت میکنی  
That book is very cheap. اون کتابه خیلی ارزونه  
That book's very cheap.  
It's not late. دیر نیست  
It's not cheap. ارزون نیست

Is Mina home? مینا منزله؟  
Yes, she is. جواب مثبت کوتاه

Do you want to speak with her? آیا میخوای باهاش صحبت کنی؟  
Ask her. ازش بپرسید  
If she knows where my book is? که آیا میدونه کتاب من کجاست؟

Ask her if she knows where my book is. ازش بپرسید که آیا میدونه کتاب من کجاست؟  
Your book is with Ali. کتابت با علیه  
With whom? با کی؟  
With Ali با علی  
Is Ali there? آیا علی اونجاست؟  
No, he's not. جواب منفی کوتاه

Please tell him I need my book. لطفاً بهش بگید کتابمو لازم دارم  
Please tell him I need it. لطفاً بهش بگید لازمش دارم

How much is a coffee? یه قهوه چنده؟  
It's six dollars. شش دلار  
That's not cheap. اون ارزون نیست

That's very expensive.  
Expensive  
That's very expensive.  
It's not cheap.  
It's expensive.

اون خیلی گرونه  
گران  
اون خیلی گرونه  
ارزون نیست  
گرونه

It's too late.  
It's too expensive.  
It's very expensive.  
It's not very expensive.  
It's not too expensive.  
Yes, it's very expensive.

خیلی دیره ( بیش از حد )  
خیلی گرونه ( بیش از حد )  
خیلی گرونه  
خیلی گرون نیست  
خیلی گرون نیست ( بیش از حد ، زیادی )  
چرا ، خیلی گرونه

It's too expensive for me.  
For me  
For you

واسه من خیلی گرونه  
واسه من  
واسه تو ( واسه شما )

---

Friend  
Twenty  
Thirty  
Forty  
Fifty  
Expensive  
Him  
Tell him.  
Her  
Ask her.

For Ali  
For my son  
For him  
For my daughter  
For her

واسه علی  
واسه پسر  
واسه اون ( مذکر )  
واسه دختر  
واسه اون ( مونث )

With him  
With her  
I want to speak with Ali.  
I want to speak with him.  
I want to buy a book for Ali.  
I want to buy a book for him.

با اون ( مذکر )  
با اون ( مونث )  
میخوام با علی صحبت کنم  
میخوام با هاش صحبت کنم  
میخوام یه کتاب واسه علی بخرم  
میخوام یه کتاب واسه اش بخرم



What are you going to buy for Mina? I want to buy a wallet for her.	چی خیال داری واسه مینا بخری؟ میخوام واسش یه کیف پول بخرم
I don't know what to buy for her.	نمیدونم واسش چی بخرم
Does Ali know where Mina is? No, he doesn't know where she is.	آیا علی میدونه مینا کجاست؟ نه ، نمیدونه اون کجاست
Tell me. Speak with me. Speak with your husband.	بهم بگو باهام صحبت کن با شوهرت صحبت کن
Speak to your husband. Speak with him. Speak to him.	با شوهرت صحبت کن باهاش صحبت کن
Speak to your daughter. Speak to her.	با دخترت صحبت کن باهاش صحبت کن
How much is that book? Its fifty dollars. That's too expensive. No, it's fifteen dollars. Then it's cheap.	اون کتاب چنده؟ پنجاه دلار اون خیلی گرونه نه ، پانزده دلار پس ارزونه

I'm tired.	خسته ام
Why?	چرا؟
Because	چونکه ( زیرا )
Enough	کافی
Enough money	پول کافی
Do you have enough money?	آیا به اندازه کافی پول داری؟
Dress	لباس زنانه
a glass of water	یه لیوان آب
a glass of milk	یه لیوان شیر
Fast	سریع
Faster	تندتر (سریع تر)
You speak too fast.	شما خیلی تند صحبت میکنید ( بیش از حد سریع )
We can go earlier.	ما میتونیم زودتر بریم
Why not?	چرا نه ؟ ( چرا که نه )

How much is that book?	اون کتابه چنده؟
It's forty dollars.	چهل دلار
It's too expensive.	خیلی گرونه ( بیش از حد )
No, it's not expensive.	نه ، گرون نیست
It's cheap.	ارزونه
What's that?	اون چیه؟
That's for you.	اون واسه توه
Oh, thank you.	اوه ، متشکرم
You're welcome.	خواهش میکنم
I'm going to buy a car.	من خیال دارم یه ماشین بخرم
For my son	واسه پسر
I'm going to buy a car for him.	من خیال دارم یه ماشین واسش بخرم
Why?	چرا؟
Do you want to go?	آیا میخوای بری؟
When do you want to go?	کی میخوای بری؟
Why do you want to go?	چرا میخوای بری؟
Because	چون ( واسه اینکه )
Why do you want to buy that car?	چرا میخوای اون ماشین رو بخری؟
Because it's very cheap.	چون خیلی ارزونه
Why do you want to go to the mall?	چرا میخوای بری پاساژ؟
Because I have to buy something.	واسه اینکه باید یه چیزی بخرم
I don't want to speak with him.	نمیخوام با اون صحبت کنم ( مذکر )
Why not?	چرا نه ؟ ( چرا که نه )
Would you like to have dinner with me?	دلت میخواد با من شام صرف کنی؟
No, I can't have dinner with you.	نه نمیتونم با تو شام صرف کنم
Why not?	چرا نه؟

Because I have to go to the store. With my friend	چون باید برم به مغازه با دوستم
Who's your friend?	دوستت کیه؟
You don't know her. She's from Iran.	تو نمیشناسیش اون اهل ایرانه
Can you buy that car for me? No, I can't. Why not? Because it's very expensive.	میتونی اون ماشین رو واسم بخری؟ جواب منفی کوتاه چرا نه؟ چون خیلی گرونه
Yours is very expensive, too. Yes, but mine is better than that.	مال تو هم خیلی گرونه آره ، ولی مال من بهتر از اونه
Can we go to a restaurant now? Why not? Do you know a good restaurant? Yes, I do.	چرا که نه؟ آیا یه رستوران خوب میشناسی؟ جواب مثبت کوتاه
Can we go to the mall, too? No, we can't. Why not?	آیا میتونیم پاساژ هم بریم؟ جواب منفی کوتاه چرا نه؟
Because it's late now.	چون الان دیره
I'm tired. You're tired. He's tired. She's tired.	من خسته ام شما خسته اید اون خسته است ( مذکر ) اون خسته است ( مونث )
Is your husband going to the supermarket? No, he's tired now. Are you tired? Yes, a little.	آیا شوهرت داره میره سوپرمارکت؟ نه ، اون الان خسته است خسته ای؟ آره ، یه خورده
I need some money. I can give you thirty dollars.	من یه کم پول لازم دارم میتونم سی دلار بهت بدم
That's not enough. Enough	اون کافی نیست کافی
Do you have enough money? I'm not sure. I only have fifty dollars.	آیا پول کافی داری؟ مطمئن نیستم فقط پنجاه دلار دارم

I think that's enough.                      فکر کنم اون کافیه  
Enough money                                پول کافی  
It's expensive.                                گرونه

It's enough.                                    کافیه  
Is it enough?                                آیا کافیه؟  
No, it's not enough.                        نه ، کافی نیست  
Yes, it's enough.                            آره ، کافیه

What do you want to buy with your money?      چی میخوای با پولت بخری؟

Dress    لباس ( لباس زنانه )  
I want to buy a dress.                        میخوام بیه لباس بخرم

### مکالمه

---

سلام جیم .  
A: Hello, Jim.

سلام مینا . حالت چطوره؟  
B: Hello, Mina. How are you?

خوبم ، مرسی . شما چطور؟  
A: Fine, thanks. And you?

من خوبم ، متشکرم .  
B: I'm fine, thank you.

من میخوام برم پاساژ ، جیم .  
A: I want to go to the mall, Jim.

چرا؟  
B: Why?

چونکه میخوام لباس بخرم . دلت میخواد با من بیای؟  
A: Because I want to buy a dress. Would you like to go with me?

نه ، مرسی .  
B: No, thanks.

چرا نه؟  
A: Why not?

من امروز بیه خورده خسته ام . آیا پول کافی داری؟  
B: I'm a little tired today. Do you have enough money?

مطمئن نیستم . لباس چنده؟

A: I'm not sure. How much is a dress?

نمیدونم ، شاید چهل دلار . چقدر داری؟

B: I don't know, maybe forty dollars. How much do you have?

من فقط سی دلار تو کیف پولم دارم.

A: I only have thirty dollars in my wallet.

اوکی . بیا بیست دلار واسه تو . الان تو پنجاه دلار داری .

B: Okay. Here's twenty dollars for you. Now you have fifty dollars.

آیا فکر میکنی اون کافیه؟

A: Do you think that's enough?

فکر کنم هست .

B: I think it is.

مطمئنی؟

A: Are you sure?

آره هستم .

B: Yes, I am.

خیلی خوب . خیلی ممنون .

A: Very well. Thanks a lot.

خواهش میکنم .

B: You're welcome.

---

How much is that dress?

It's fifty-three dollars.

It's very cheap.

Forty-eight

Seventeen

Thirty-nine

Twenty-one

اون لباس چنده؟

پنجاه و سه دلار

خیلی ارزونه

چهل و هشت

هفده

سی و نه

بیست و یک

Does your son live in Iran?

No, he lives in Canada.

Why does he live there?

آیا پسر تو ایران زندگی میکنه؟

نه ، کانادا زندگی میکنه

چرا اونجا زندگی میکنه؟

Because my daughter lives there, too.

My son lives with her.

چون دخترم هم اونجا زندگی میکنه

پسر من با اون زندگی میکنه

Do you have enough cash in your wallet? آیا به اندازه کافی پول نقد تو کیف پولت داری؟

No, I don't. جواب منفی کوتاه

Yes, I do. جواب مثبت کوتاه

Can I borrow thirty-five dollars from you? آیا میتونم سی و پنج دلار ازت قرض کنم؟

Sure حتماً ( مطمئناً )

Can you give me a coffee? میتونی یه قهوه بهم بدی؟

Sure حتماً

Here you are. بفرمایید

Does Shadi want to drink something?

Yes, she does. جواب مثبت کوتاه

What would she like to drink? چی میل داره بنوشه؟

She wants a glass of water. یه لیوان آب میخواهه

Glass لیوان

a glass of water, please یه لیوان آب لطفاً

Do you have a glass? لیوان داری؟

Because I want to drink some water. چون میخواهم کمی آب بخورم

Milk شیر

a glass of water یه لیوان آب

a glass of milk یه لیوان شیر

Can I have a glass of milk? آیا میتونم یه لیوان شیر داشته باشم؟

Sure حتماً

Are you tired? آیا خسته اید؟

Yes, I am. جواب مثبت کوتاه

No, I'm not. جواب منفی کوتاه

Yes, a little. آره ، یه خورده

How much is that dress? اون لباسه چنده؟

It's thirty-two dollars. سی و دو دلار

That's not too expensive. اون خیلی گرون نیست

I'd like to buy it. دلم میخواهه بخرمش

My husband شوهرم

My husband and I شوهرم و من

My husband and I would like to go to the restaurant. شوهرم و من مایلیم بریم رستوران

در زبان فارسی می‌گیم " من و شوهرم . اما در زبان انگلیسی می‌گیم " شوهرم و من .  
در انگلیسی وقتی اول جمله ، من با یکی دیگه میاد ، اول باید اون رو بگیم و بعدا من رو می‌گیم.

My son and I من و پسر

My daughter and I من و دختر

You and I	من و شما
My husband and I drink a lot of milk. But my son doesn't drink any milk.	من و شوهرم یه عالمه شیر میخوریم ولی پسرم هیچی شیر نمیخوره
What would you like to drink? a glass of water, please	چی میل داری بنوشی؟ یه لیوان آب لطفاً
I don't understand what you want. You speak too fast. Fast You speak very well. Very fast You speak very fast.	من نمیفهمم شما چی میخواید شما خیلی تند صحبت میکنید ( بیش از حد ) تند ( سریع ) شما خیلی خوب صحبت میکنید خیلی تند شما خیلی تند صحبت میکنید
You speak too much. I'm sorry. You speak too fast. I can't understand you.	شما خیلی زیاد صحبت میکنید متاسفم ، شما خیلی تند صحبت میکنید نمیتونم بفهمم چی میگی
Faster Cheap Cheaper Early Earlier	تندتر ( سریع تر ) ارزون ارزون تر زود زودتر
Your car is a good car.	ماشین شما ماشین خوبیه
Your car is a better car.	

---

Why?  
Why not?  
Why not today?  
Because  
Tired  
I'm tired.  
Enough  
Dress  
Drink  
Dress  
Sure  
Glass  
Glass of water  
Milk  
a glass of milk  
Early  
Earlier  
Good

## Better

a good house

a better house

یه خونه خوب

یه خونه بیتر

Do you have enough money?

No, I need some money.

Can I borrow some from you?

Sure.

Why not?

آیا پول کافی داری؟

نه ، کمی پول لازم دارم

آیا میتونم کمی ازت قرض کنم؟

حتماً

چرا که نه؟

My son wants a glass of water.

My daughter wants some milk.

پسرم یه لیوان آب میخواد

دخترم کمی شیر میخواد

You have to drink a lot of water.

Water's good for you.

تو باید یه عالمه آب بخوری

آب خوبه واست

Earlier

We can go there earlier.

Faster

a little faster

Can you speak a little faster?

Sure

زودتر

میتونیم زودتر بریم اونجا

تندتر

یه خورده تندتر

آیا میتونی یه خورده تندتر صحبت کنی؟

حتماً



Good morning	صبح بخیر
Good afternoon	بعد از ظهر بخیر
Good evening	عصر بخیر ( غروب بخیر )
Good night	شب بخیر
Where's your wife?	خانمت کجاست؟
What time is it?	ساعت چنده؟
It's nine o'clock.	ساعت نه
It's eight thirty.	هشت و سی دقیقه است
at eleven o'clock	ساعت یازده ( در ساعت یازده )
at what time?	ساعت چند؟ ( در چه ساعتی ؟ )
I have sixty dollars.	شصت دلار دارم
I need seventy dollars.	هفتاد دلار لازم دارم
If you want.	اگه بخوای

---

Would you like a glass of milk?	یه لیوان شیر میل داری؟
Why not?	چرا که نه؟
Tell me if that's enough.	بهم بگید که آیا اون کافیه
Yes, it's enough.	آره کافیه
Thanks a lot	خیلی ممنون

Can we go to the mall earlier?	آیا میتونیم زودتر بریم پاساژ؟
I'm tired now.	من الان خسته ام
Maybe we can go tomorrow night.	شاید بتونیم فردا شب بریم
Why tomorrow night?	چرا فردا شب؟
Why not tonight?	چرا امشب نه؟

Because my friend wants to go, too.	چون دوستم هم میخواد بره
But we don't have enough money.	ولی ما به اندازه کافی پول نداریم
We only have thirty-five dollars.	ما فقط سی و پنج دلار داریم
That's a lot of money.	اون یه عالمه پوله

But I want to buy a dress.	ولی من میخوام یه لباس زنانه بخرم
And the dress is very expensive.	و لباسه خیلی گرونه

Are you buying it for your daughter?	آیا داری واسه دخترت میخریش؟
Yes, I'm buying it for her.	آره دارم واسه اون میخرم
But I need twenty-five more dollars.	ولی بیست و پنج دلار دیگه لازم دارم

Do you need it fast?	آیا سریع لازمش داری؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه

ما قصد داریم الان یه چیزی بخوریم.

A: We're going to eat something now.

من الان یه خورده خسته ام . شاید بعداً بتونیم بریم.

B: I'm a little tired now. Maybe we can go later.

من نمیخوام با تو برم. من میخوام با دوستم شادی برم . ما هم میخوایم بریم پاساژ.

A: I don't want to go with you. I want to go with my friend Shadi. We want to go to the mall, too.

اون میخواد یه لباس زنانه بخره. اما اون پول کافی نداره. میتونم کمی پول ازت قرض کنم؟

She wants to buy a dress, but she doesn't have enough money. Can I borrow some money from you?

حتماً. چقدر دلت میخواد؟

B: Sure, how much would you like?

پنجاه دلار لطفاً.

A: Fifty dollars, please.

اون خیلی زیاده. پنجاه دلار یه عالمه پوله. و من فکر نمیکنم تو اون پول زیاد رو لازم داشته باشی.

B: That's too much. Fifty dollars is a lot of money, and I don't think, you need that much money.

پس چهل دلار بهم بده . به هر حال من ده دلار دارم.

A: Then give me forty dollars. I have ten dollars anyway.

تو فقط ده دلار داری. شاید فرداشب بتونی بری پاساژ.

B: You only have ten dollars. Maybe you can go to the mall tomorrow night.

نه ، ما باید زودتر بریم ، چون اون لباس زنانه رو لازم داره واسه فردا شب .

A: No, we have to go earlier because she needs the dress for tomorrow night.

باشه . بیا این سی و پنج دلار . اون کافیه؟

B: All right. Here's thirty-five dollars. Is that enough?

از کافی هم بیشتره . خیلی ممنون.

A: It's more than enough. Thanks a lot.

یه لیوان شیر میل داری؟

B: Would you like a glass of milk?

الان نه ، من باید برم.

A: Not now. I have to go.

باشه. بای.

B: All right. Goodbye.

معمولاً برای " سلام کردن " از غروب تا هر موقع شب از Good evening استفاده میکنیم.

Good evening	عصر بخیر ( یا شب بخیر )
Good morning	صبح بخیر
Morning	صبح
Good evening	
Good morning	
Good night	شب بخیر ( شب موقع خداحافظی یا موقع خواب )
Good morning	صبح به جای سلام
Good night	
I don't have any money.	هیچی پول ندارم
I have some money.	مقداری پول دارم
I have twenty-three dollars in my wallet.	بیست و سه دلار تو کیف پولم دارم
Is that enough?	آیا اون کافیه؟
Yes, you have enough money.	آره تو به اندازه کافی پول داری.
Here's fourteen dollars.	بفرمایید چهارده دلار
Now you have thirty-seven dollars.	حالا سی و هفت دلار دارید ( با تاکید )
Good evening	سلام کردن در ساعت ۸ شب
Good night	شب موقع خداحافظی
Good morning	سلام در صبح زود
Where's your wife?	خانمت کجاست؟ ( زنت کجاست؟ )
Do you know where your wife is?	آیا میدونی خانمت کجاست؟
I think she's at the mall.	فکر میکنم در پاساژ
I think she's buying a dress.	فکر میکنم داره بیه لباس میخره
She's going to Paris tomorrow night.	فردا شب داره میره پاریس
Where's your husband?	شوهرت کجاست؟
He's at home.	منزله
He's eating breakfast.	داره صبحانه میخوره
My wife's eating at the mall.	خانمم در پاساژ داره غذا میخوره
What time is it?	ساعت چنده؟
I don't know.	نمیدونم
But it's very early.	ولی خیلی زوده
Is your wife home now?	آیا خانمت الان منزله؟
Yes, she is.	جواب مثبت کوتاه
What time is it?	ساعت چنده؟
It's nine o'clock.	ساعت نُه
No, it's eight o'clock.	نه ، ساعت هشتَه

Where's your wife now?	الان خانمت کجاست؟
She's home.	منزله
What time is it?	ساعت چنده؟
It's eight thirty.	هشت و سی دقیقه است
No, it's eight forty.	نه ، هشت و چهل دقیقه است
It's nine o'clock.	ساعت نه
Thirty-five	سی و پنج
It's eight thirty-five.	هشت و سی پنج دقیقه است
No, it's nine forty-five.	نه ، نه و چهل و پنج دقیقه است
What time is it now?	الان ساعت چنده؟
It's ten o'clock.	ساعت ده
It's three nineteen.	ساعت سه و نوزده دقیقه است
Then I have to go to the mall.	پس من باید برم پاساژ
Why?	چرا؟
Why do you have to go to the mall?	چرا باید بری پاساژ؟
Because my wife's there.	چون خانم اونجاست
And I want to buy a dress for her.	و میخوام بیه لباس واسش بخرم
When do you want to go to the mall?	کی میخوای بری پاساژ؟
What time do you want to go?	ساعت چند میخوای بری؟
at eleven o'clock	ساعت یازده
at three o'clock	ساعت سه
What time do you have to go?	ساعت چند باید بری؟
Four o'clock	ساعت چهار
at four o'clock	
at four o'clock or at two o'clock?	ساعت چهار ؟ یا ساعت دو ؟
Three o'clock is better.	ساعت سه بهتره ( غیر فشرده )
What time is it now?	الان ساعت چنده؟
It's three thirty.	سه و سی دقیقه است
We're going to a restaurant tonight.	امشب داریم میریم به یه رستوران
When?	کی؟
at what time?	ساعت چند؟ ( در ساعت چند؟ )
at seven forty	ساعت هفت و چهل دقیقه

اگر بعد از ساعت دقیقه بیاد ، کلمه o'clock نمیاد .

Or at eight o'clock	یا ساعت هشت
at what time?	ساعت چند؟
at eight thirty-five	ساعت هشت و سی و پنج دقیقه

Do you have enough money?	آیا پول به اندازه کافی داری؟
Yes, I have a lot of money.	آره یه عالمه پول دارم
How much do you have?	چقدر داری؟
I have sixty dollars.	شصت دلار دارم
I only have thirty-three dollars.	من فقط سی و سه دلار دارم
I have more than sixty dollars.	من بیشتر از شصت دلار دارم
I have sixty-five dollars.	شصت و پنج دلار دارم
I need seventy dollars.	هفتاد دلار لازم دارم
That's a lot of money.	اون یه عالمه پوله
Good evening	سلام (موقع عصر)
It's only one o'clock now.	الان فقط ساعت یکه
Then good afternoon	پس بعد از ظهر بخیر
Good afternoon	بعد از ظهر بخیر
It's not one o'clock.	ساعت یک نیست
It's one thirty.	یک و سی دقیقه است
Good afternoon.	بعد از ظهر بخیر
Now I need seventy-five dollars.	حالا هفتاد و پنج دلار لازم دارم ( با تاکید )
How much do you have now?	الان چقدر پول داری؟
I have ten dollars.	ده دلار دارم
Then you need sixty-five more dollars.	پس شصت و پنج دلار دیگه لازم داری
What time is it?	ساعت چنده؟
I think it's six o'clock.	فکر میکنم ساعت ششه
I have to go to the store.	باید برم مغازه
at what time?	ساعت چند؟
What time do you have to go?	ساعت چند باید بری؟
Do you know where the store is?	آیا میدونی مغازه کجاست؟
Do you know what time you have to go?	آیا میدونی ساعت چند باید بری؟
We can go together.	میتونیم با هم بریم
at what time?	ساعت چند؟
at six thirty	ساعت شش و سی دقیقه
My wife is there now.	الان خانمم اونجاست
And she needs seventy dollars.	و هفتاد دلار لازم داره
But I only have sixty-seven dollars.	ولی من فقط شصت و هفت دلار دارم
You can borrow three dollars from me.	میتونی سه دلار ازم قرض کنی.

Do you want to go with my car?  
Sure

آیا میخوای با ماشین من بری؟  
حتماً

If you want.

اگه بخوای

We can go with my car if you want.  
If

اگه بخوای میتونیم با ماشین من بریم  
اگر

If you'd like.

اگه دلت میخواد

We can go to the restaurant later.  
We can go later if you'd like.

میتونیم بعداً بریم رستوران  
میتونیم بعداً بریم اگه دلت بخواد

---

Evening

Good evening

Morning

Good morning

Good afternoon

Night

Good night

Wife

Where's your wife?

Time

What time is it?

o'clock

It's two o'clock.

Six

Sixty

Seventeen

If

If you want.

If you'd like.

---

Good afternoon

سلام کردن ( موقع بعد از ظهر )

صبح بخیر امید.

A: Good morning, Omid.

صبح نیست ، ساعت دو است .

B: It's not morning. It's two o'clock.

پس بعداز ظهر بخیر .

A: Then good afternoon.

نه ، متاسفم ساعت هفته .

B: No, I'm sorry. It's seven o'clock.

پس عصر بخیر . حالت چطوره؟

A: Then good evening. How are you?

خوبم ، مرسی . شما چطور؟

B: I'm fine, thanks. And you?

خوبم ، متشکرم . من میخوام برم پاساژ.

A: Fine, thank you. I want to go to the mall.

کی میخوای بری؟ الان میخوای بری؟

B: When do you want to go? Do you want to go now?

الان خیلی زوده .

A: It's too early now.

پس در ساعت چند؟

B: Then at what time?

فکر میکنم ساعت هفت و سی دقیقه خوبه . تو میتونی با من بیای اگه دلت بخواد .

A: I think seven thirty's fine. You can go with me if you'd like.

من باید امشب با خانمم برم به یه رستوران. ولی به هر حال مرسی .

B: I have to go to a restaurant with my wife tonight. But thanks anyway.

آیا پول کافی داری؟

A: Do you have enough money?

من شصت و پنج دلار دارم . شما چطور؟ آیا به اندازه کافی داری؟

B: I have sixty-five dollars. And you? do you have enough?

میدونم بیشتر از شصت و پنج دلار دارم. فکر کنم هفتاد و سه دلار دارم. مطمئن نیستم .

A: I know. I've more than sixty-five dollars. I think I have seventy-three dollars. I'm not sure.

میدونی ساعت چند میری رستوران؟

Do you know what time do you go to the restaurant?

ما داریم میریم در ساعت هشت و سی دقیقه .

B: We're going at eight thirty.

شاید من بتونم با تو برم .

A: Maybe I can go with you.

اوکی .

B: Okay.



Restroom	دستشویی
They're in Iran now.	اونها الان تو ایرانند.
Beach	کنار دریا ( ساحل دریا )
Ali's at the beach	علی کنار دریاست
I want to go to the beach	من میخوام برم کنار دریا
Everyday	هر روز
Again	دوباره
Hotel	هتل
Eighty	هشتاد
Ninety	نود
Small	کوچک

---

Good morning Ali	صبح بخیر علی
Good night	شب موقع خداحافظی
Sixty	شصت
Seventy	هفتاد
Forty -Seven	چهل و هفت
Seventy – Four	هفتاد و چهار
Fifty – Six	پنجاه و شش
Sixty – One	شصت و یک
Good evening	سلام کردن در شب
Good night	شب موقع خواب
Good afternoon	سلام کردن در ساعت سه بعد از ظهر
Where's your wife?	خانمت کجاست؟
She's at the mall now	اون الان در پاساژ
What time is it?	ساعت چنده؟
It's Four o'clock.	ساعت چهاره
We want to go to the mall	ما میخوایم بریم پاساژ
At what time?	ساعت چند؟
At eleven o'clock	ساعت یازده
Can you tell me What time it is?	میتونی بهم بگی ساعت چنده؟
Sure	حتماً
It's Five o'clock.	ساعت پنجه
It's Four Twenty	چهار و بیست دقیقه است
It's six thirty- five	شش و سی و پنج دقیقه است
It's Three ten	سه و ده دقیقه است
I'm sorry	متاسفم
I don't know what time it is.	نمیدونم ساعت چنده .
You can go home	تو میتونی بری منزل

If you're tired	اگه خسته ای
You can go home if you're tired	تو میتونی بری منزل اگه خسته ای
My wife	خانمم
My wife is going to iran	خانمم داره میره ایران
She's going with my son	اون داره با پسرم میره
My son's going with my wife.	پسرم داره با خانمم میره
My son going with her.	پسرم داره با اون میره
They are in Canada now.	اونها الان تو کانادا اند.
You are	شما هستیند ( غیر فشرده )
They are	اونها هستنند
They	اونها ( آنها )
They speak English very well	اونها انگلیسی خیلی خوب صحبت میکننند.

Tell me your wife and your daughter are in Canada.  
 My wife and my daughter are in Canada . خانمم و دخترم در کانادا اند .  
 They are in Canada. اونها تو کانادا اند .

They are  
 They 're  
 They 're in Canada. اونها تو کانادا اند .

Are you from Iran?  
 Are they from Iran?  
 آیا تو اهل ایرانی؟  
 آیا اونها اهل ایرانند؟

**دقت کنید که جواب های " مثبت کوتاه " معمولا همیشه غیر فشرده هستنند.**

Yes They are  
 No they 're not  
 جواب مثبت کوتاه  
 جواب منفی کوتاه

We want to eat lunch now  
 They want to eat lunch now  
 We don't want to eat dinner now  
 They don't want to eat dinner now  
 ما میخوایم الان ناهار بخوریم  
 اونها میخوان الان ناهار بخورن  
 ما نمیخوایم الان شام بخوریم  
 اونها نمیخوان الان شام بخورن

Do you live in Iran?  
 Yes we do  
 No we don't  
 آیا شماها تو ایران زندگی میکنید؟  
 جواب مثبت کوتاه  
 جواب منفی کوتاه

Do they live in iran?  
 Yes they do  
 No they don't  
 آیا اونها تو ایران زندگی میکنند؟  
 جواب مثبت کوتاه  
 جواب منفی کوتاه

Where's the mall?  
 پاساژ کجاست؟

Where's the restroom	دستشویی کجاست؟
It's there	اونجاست
I'm sorry	متاسفم
I don't know where the restroom is.	نمیدونم دستشویی کجاست.
The restroom's here.	دستشویی اینجاست
The restroom is here	
Where's your son?	پسرتون کجاست؟
He's at the Beach.	اون کنار دریاست
We want to go to the mall	ما میخوایم بریم به پاساژ
We want to go to the beach	ما میخوایم بریم به کنار دریا
We go to the beach every day	ما هر روز میریم کنار دریا
Every day	هر روز
A glass of milk	یه لیوان شیر
I drink a glass of milk every day.	من هر روز یه لیوان شیر میخورم
Where would you like to go?	کجا دلت میخواد بری؟
I'd like to go to the beach	دلم میخواد برم کنار دریا
Is mina home?	مینا منزله؟
No she's not	جواب منفی کوتاه
Then can I speak with Ali?	پس آیا میتونم با علی صحبت کنم؟
Then can I speak to Ali?	
Ali's not home.	علی منزل نیست
Where are they?	اونها کجان؟
They 're at the beach	اونها کنار دریا اند
They go there every day	اونها هر روز میرن اونجا

استیو ، امروز میخوای چکار کنی؟

A: Steve , what do you want to do today?

میخوام برم کنار دریا .

B: I want to go to the beach.

و خیال داری فردا چکار کنی؟

A: And what do you going to do tomorrow?

نمیدونم .

B: I don't know.

ما میتونیم فردا هم بریم کنار دریا .

A: We can go to the beach tomorrow too.

ما نمیتونیم هر روز بریم کنار دریا .

B: We can't go to the beach every day.

چرا نه؟

A: Why not?

چون فردا یه عالمه کار داریم که انجام بدیم . پس میتونیم امروز بریم اونجا .

B: Because we have a lot to do tomorrow, then we can go there today.

باشه ، ساعت چند میخواید برید اونجا؟

A: All right, what time do you want to go there?

ساعت دو .

B: Two o'clock.

الان ساعت چنده؟

A: What time is it now?

ساعت یکه .

B: It's one o'clock.

آیا دوستت جیم هم میخواد بره کنار دریا؟

A: Does your friend Jim, want to go to the beach too?

نه .

B: no he doesn't.

پسرت چطور؟

A: And your son?

نه، اونا در پاساژن.  
B: No they're at the mall.

اوکچی، پس ساعت دو کنار دریا.  
A: Ok, then at two o'clock at the beach.

باشه.  
B: All right.

---

Excuse me, where's the restroom?  
It's there

ببخشید دستشویی کجاست؟  
اونجاست

How much do I owe you?  
I don't know

چقدر بهت بدهکارم؟  
نمیدونم

Tell me you have to ask your son.  
I have to ask my son.

باید از پسرم بپرسم

You owe me eighty dollars

تو هشتاد دلار بهم بدهکاری

Eighty

هشتاد

You owe me eighty dollars

تو بهم هشتاد دلار بدهکاری

Eighty eight

هشتاد و هشت

Eighty three

هشتاد و سه

Eighty one

هشتاد و یک

Eighty nine

هشتاد و نه

I only have eighty four dollars

من فقط هشتاد و چهار دلار دارم

If you give me six dollars

اگه بهم شش دلار بدی.

I can buy that dress.

میتونم اون لباس رو بخرم.

How much is that dress?

اون لباسه چنده؟

It's ninety dollars

نود دلاره.

Ninety

نود

It's very expensive

خیلی گرونه

Ninety -eight

نود و هشت

Ninety nine

نود و نه

Ninety

نود

Ninety-five

نود و پنج

What time is it?

ساعت چنده؟

It's Four o'clock.

ساعت چهاره

Ask me when I want to go home.

When do you want to go home?

At nine o'clock

ساعت نه

At what time are you going to the beach? چه ساعتی داری میری کنار دریا؟

At five o'clock

ساعت پنج

We go to the beach every day

ما هر روز میریم کنار دریا

What time is it now?

الان ساعت چنده؟

It's four twenty now

الان چهار و بیست دقیقه است

We have a lot of money

ما یه عالمه پول داریم

They have a lot of money too.

اونها هم یه عالمه پول دارن.

They can buy a house

اونها میتونن خونه بخرن

They can't buy a house

اونها نمیتونند خونه بخرند

With that money

با اون پول

They can't buy a house with that money. اونها با اون پول نمیتونند خونه بخرند.

They can buy a small house.

اونها میتونن یه خونه کوچک بخرن.

Small

کوچک

A small house

یه خونه کوچک

They can buy a small house.

اونها میتونن یه خونه کوچک بخرن.

I have a small car

من یه ماشین کوچک دارم.

That dress is too expensive.

اون لباسه خیلی گرونه .

That dress is too small.

اون لباسه خیلی کوچکه ( بیش از حد )

Cheap

ارزون

Cheaper

ارزونتر

Small

کوچک

Smaller

کوچکتر

A small car

یه ماشین کوچک

A smaller car

یه ماشین کوچکتر

I need a smaller car.

من یه ماشین کوچکتر احتیاج دارم

Tell me then your car is smaller than mine.

My car is smaller than yours.

ماشین من از مال تو کوچکتره.

I want to go to the beach.

من میخوام برم کنار دریا

My friends want to go there too.

دوستانم هم میخوان برن اونجا .

Do they want to go to the beach too?

آیا اونها هم میخوان برن کنار دریا؟

Yes they do.

جواب مثبت کوتاه

They want to go there tomorrow too. اونا فردا هم ميخوان برن اونجا.

Again دوباره

They 're going there again . اونها دارن دوباره ميرن اونجا .

Where do they want to have lunch? اونها كجا ميخوان ناهار صرف كنند؟

At a Hotel در يه هتل.

Hotel هتل

I'm tired خسته ام

I want to go to the hotel. ميخوام برم به هتل.

I know a good hotel. من يه هتل خوب ميشناسم.

The hotel is at the beach هتله در کنار درياست. (ساحل دريا )

Now tell me I can sit here if I want.

You can sit here if you want. ميتوني اينجا بشيني اگه بخواي.

Thank you. متشكرم.

I have to go now. من الان بايد برم.

---

They

They are

They're

They're in Canada

Room

Restroom

Where's the restroom?

Beach

Every day

Ninety

Small

Store

Speak

Street

Small

Smaller

Hotel

---

What time is it?	ساعت چنده؟
It's eight-forty.	هشت و چهل دقیقه است.
It's seven Thirty-five.	هفت و سی و پنج دقیقه است.
It's twelve o'clock .	ساعت دوازده است.
It's eleven-fifty.	یازده و پنجاه دقیقه است.
At what time do you want to go to the beach?	ساعت چند میخوای بری کنار دریا؟
At four o'clock	ساعت چهار
Or maybe at three-thirty.	یا شاید ساعت سه و سی دقیقه.
I go to the mall every day.	من هر روز میرم به پاساژ.
Are you going to the beach again?	آیا دوباره داری میری کنار دریا؟
Not today.	امروز نه
But maybe tomorrow.	ولی شاید فردا
Where's your wife?	خانمت کجاست؟
She's at the beach.	کنار دریاست.
She's at the beach with my son.	با پسرم کنار دریاست.
They're at the beach.	اونها کنار دریا اند.
I can give you some money.	من میتونم کمی پول بهت بدم.
If you want to go to the store.	اگه میخوای بری فروشگاه.
Thanks. I have enough money.	مرسی ، من پول کافی دارم .
Are you sure?	مطمئنی؟
Yes thanks again.	آره مجدداً مرسی.
That's my wife mina	اون خانمم میناست.
That's my husband Ali.	اون شوهرم علییه.



Over here	ایناها اینجا
Over there	اونها اونجا
Who is it?	کیه؟
It's me.	منم
Child	بچه
Children	بچه ها
How many?	چقدر؟
How many children do you have?	چند تا بچه داری؟
Big	بزرگ
Nice to meet you.	از ملاقاتتون خوشبختم
Your daughter is very cute.	دخترتون خیلی نازه
We don't have any children.	ما بچه نداریم

Excuse me. Where's the restroom?	بیخشید ، دستشویی کجاست؟
It's there.	اونجاست
Eighty	هشتاد
Ninety	نود
Eighty-seven	هشتاد و هفت
Ninety-eight	نود و هشت
What time is it?	ساعت چنده؟
It's five twenty.	پنج و بیست دقیقه است.
It's four forty-five.	چهار و چهل و پنج دقیقه است .
It's seven o'clock.	ساعت هفتمه .
That hotel is very expensive.	اون هتل خیلی گرونه .
Why?	چرا؟
Because it's at the beach.	چون کنار دریاست .
Every day	هر روز
I go to the beach every day.	من هر روز میرم کنار دریا
They go to the beach every day.	اونها هر روز میرن کنار دریا
And then they go to the hotel.	و بعد میرن به هتل
At what time do they go to the hotel?	چه ساعتی میرن به هتل؟
At four o'clock	ساعت چهار .
Tomorrow they're going to the beach again.	فردا دوباره دارن میرن کنار دریا ( با تاکید )
I have to eat breakfast every day.	من باید هر روز صبحونه بخورم
That car is too small.	اون ماشین خیلی کوچیکه ( بیش از حد )
Why do you want to buy it?	چرا میخوای بخریش؟
Because it's not expensive.	چون گرون نیست .

You can buy a bigger car. Bigger a bigger house	میتونی یه ماشین بزرگتر بخری. بزرگتر یه خونه بزرگتر
Small Smaller Bigger Big	کوچک کوچکتر بزرگتر بزرگ
They have a big house. My car is bigger than yours. Your car is smaller than mine.	اونها یه خونه بزرگ دارن ماشین من از مال تو بزرگتره ماشین تو از مال من کوچکتره
Where's my wife? Do you know where she is?	خانمم کجاست؟ آیا میدونی کجاست؟
She is over here. Over here Where is she? Over here There	اینجا اینجاست اینجا اینجا اون کجاست؟ ( مونث ) اینجا اینجا اونجا
Is she there? No, she's not. Yes, she is. Where's the restroom? It's here. It's over here. It's there.	آیا اونجاست؟ ( مونث ) جواب منفی کوتاه جواب مثبت کوتاه دستشویی کجاست؟ اینجاست اینجا اینجاست اونجاست
It's over there. Over there Where's my husband?	اونها اونجاست اونها اونجا شوهرم کجاست؟
He's over there. Where's my wallet? It's over there.	اونها اونجاست کیف پولم کو؟ اونها اونجاست
Where? Over there On the floor	کجا؟ اونها اونجا رو زمین
Where are you from? I'm from Iran. My wife is from Iran, too.	شما اهل کجایی؟ من اهل ایرانم خانمم اهل ایرانه
Nice to meet you. Nice to meet you, too.	از ملاقات شما خوشبختم منم از ملاقات شما خوشبختم

Is your wife here now? Yes, she's over there.	آیا خانمتون الان اینجاست؟ آره ، اوناها اونجاست
Child My child I have one child. That's my child. Children	بچه ( فرزند ) بچم ( بچه من ) من یک بچه دارم اون بچه منه بچه ها
Do you have any money? Do you have any children? No, we don't have any children. Yes, we have children.	آیا پول داری؟ بچه داری؟ نه ، ما بچه ای نداریم آره ، ما بچه داریم
How many?	چند؟ ( چند تا ؟ )
We have three children. How many children?	ما سه تا بچه داریم چند تا بچه ؟
How many children do you have? We don't have any children.	چند تا بچه دارید؟ ما بچه نداریم
How many dollars do you have? I only have ninety dollars. How much money do you have? Eighty dollars	چند دلار داری؟ من فقط نود دلار دارم چقدر پول داری؟ هشتاد دلار
That's not enough. We need more money.	اون کافی نیست ما پول بیشتری احتیاج داریم
How many cars do you have? We have two cars. My car is very big.	شما چند تا ماشین دارید؟ دوتا ماشین داریم ماشین من خیلی بزرگه
Children Your children	بچه ها بچه هات
Do your children live here? Yes, they do. No, they don't. They live in Iran. My children live in Iran.	آیا بچه هاتون اینجا زندگی میکنن؟ جواب مثبت کوتاه جواب منفی کوتاه اونا تو ایران زندگی میکنن. My children live in Iran.
Nice to meet you. Nice to meet you, too.	از ملاقاتتون خوشبختم منم از ملاقاتتون خوشبختم

Why do you want to go to Mashhad? چرا میخوای بری به مشهد؟  
Because my children live there. چون بچه هام اونجا زندگی میکنن  
Is that your daughter? آیا اون دختر شماست؟  
Yes, why? آره ، چرا؟

Cute ناز ( مامانی )  
She's very cute. اون خیلی نازه ( مونث )

How many children do you have? شما چند تا بچه دارین؟  
I have two children. من دو تا بچه دارم  
That's my daughter Mina. اون دخترم میناست  
She's very cute. اون خیلی نازه

Where's your son? پسرتون کجاست؟  
He's at the beach now. اون الان کنار دریاست.

He goes there every day. اون هر روز میره اونجا.

---

Small  
Big  
Bigger  
Over  
Over here  
Over there  
Child  
Children  
How many?  
How many children?  
She's very cute.  
He goes.  
He goes there every day.

---

Who's that? اون کیه؟  
That's my husband Omid. اون شوهرم امیده .

Who is it? کیه؟  
It's me. منم.  
It's me Mina. منم ، مینا

Is that your husband? آیا اون شوهر توه ؟  
Is that you? آیا اون تویی؟  
Is that you, Ali? اون تویی علی؟

Who's there?  
It's me Sahar.

کی اونجاست؟  
منم سحر.

### مکالمه

---

کیه؟ کی اونجاست؟

A: Who is it? Who's there?

جان.

B: It's John.

کی؟

A: Who?

جان پیترس.

B: John Peters.

اوه ، از ملاقاتتون خوشبختم جان.

A: Oh, yes. nice to meet you, john.

منم از ملاقاتتون خوشبختم. بچه هاتون کجان؟

B: Nice to meet you, too. Where are your children?

بچه ها اوناها اونجان. کمی قهوه میل داری؟

A: The children are over there. Would you like some coffee?

نه ، مرسی. اما کمی نوشابه میل دارم لطفاً.

B: No, thanks. But I'd like some soda, please.

متاسفم . ما هیچ نوشابه ای نداریم . کمی چای میل داری یا آب؟

A: I'm sorry. We don't have any soda. Would you like some tea or water?

آب خوبه ، متشکرم. جیم منزله؟

B: Water's fine, thank you. Is Jim home?

آره ، اوناها اونجاست.

A: Yes, he's over there.

میتونم باهاش صحبت کنم لطفاً؟

B: Can I speak with him, please?

حتماً، بفرمایید آبتون.

A: Sure, here's your water.

متشکرم.

B: Thank you.

خواهش میکنم جان.

A: You're welcome, John.

---

Nice to meet you.

Nice to meet you, too.

از ملاقاتتون خوشبختم

منم از ملاقاتتون خوشبختم

Your children are very cute.

Thanks

Your children are cute, too.

Yours are very cute, too.

بچه هاتون خیلی نازن

مرسی

بچه های شما هم نازن

مال شما هم خیلی نازن

Who is it?

It's me, Ali.

کیه؟

منم ، علی

My wife wants to speak with you.

She wants to speak with you.

خانمم میخواهه با شما صحبت کنه

They're my children.

Are they your children?

Yes, they are.

No, they're not.

اونها بچه های منن.

آیا اونها بچه های شما؟

جواب مثبت کوتاه

جواب منفی کوتاه

That's my son Ali.

اون پسر منم علی.

Does your child speak Persian?

a little

My son understands Persian.

But he can't speak Persian very well.

آیا بچتون فارسی صحبت میکنه؟

یه خورده

پسر من فارسی میفهمه

ولی نمیتونه خیلی خوب فارسی صحبت کنه

Excuse me. Where's the restroom?

It's over there.

It's over here.

بخشید دستشویی کجاست؟

اونجا اونجاست

اینجا اینجاست

Big

Your son is very big.

He is very big.

بزرگ

پسرتون خیلی بزرگه ( غیر فشرده )

That's my husband over there.

Nice to meet you.

Nice to meet you, too.

اون شوهرمه ، اونجا اونجا .

از ملاقاتتون خوشبختم

منم از ملاقات شما خوشبختم

Do you have any children?

آیا بچه دارید؟

Yes, I do.

جواب مثبت کوتاه

How many children do you have?

چند تا بچه داری؟

I only have a son.

من فقط یه پسر دارم

Does your son live with you?

آیا پسرت با تو زندگی میکنه؟

Yes, he does.

جواب مثبت کوتاه

No, he doesn't.

جواب منفی کوتاه

We're going home now.

ما داریم الان میریم منزل

But the children want to go to the beach.

ولی بچه ها میخوان برن کنار دریا

Who is it?

کیه؟

Is that you, Shadi?

اون تویی شادی؟

Yes, it's me.

آره ، منم .

Hundred	مَصد
I have a hundred dollars.	من صد دلار دارم
Big enough	به اندازه کافی بزرگ
Gas	بنزین
Gas station	پمپ بنزین
More expensive	گرونتر
It's only five kilometers.	فقط پنج کیلومتره
Its three miles.	سه مایله.
Really?	واقعاً ( جدأ )
How far is Houston from here?	هیستون از اینجا چقدر دوره؟
from here to Tehran	از اینجا تا تهران
How many kilometers is it to London?	تا لندن چند کیلومتره؟

Nice to meet you.	از ملاقاتتون خوشبختم
Where are your children?	بچه هاتون کجان؟
They're over there.	اونها اونجان
How many children do you have?	چندتا بچه دارین؟
We only have one child.	ما فقط یک بچه داریم
Who is it?	کیه؟
It's me.	منم
Is that you, Mina?	اون تویی مینا؟
Yes, it's me.	آره منم
No, it's me Shadi.	نه ، منم شادی
Then where's Mina?	پس مینا کجاست؟
I don't know where she is.	نمیدونم اون کجاست
Excuse me. Where's the restroom?	بیخشید دستشویی کجاست؟
It's over there.	اونها اونجاست
It's over here.	اینها اینجاست
I'm a little tired.	من یه خورده خسته ام
Why are you tired?	چرا خسته ای؟
I don't know.	نمیدونم
Your daughter's very cute.	دخترتون خیلی نازه
Where are you going?	کجا داری میری؟
I'm going to the store.	دارم میرم فروشگاه
Do you have enough money?	
No, I need some money.	نه کمی پول لازم دارم
How much do you need?	چقدر احتیاج داری؟
Is one hundred dollars enough?	آیا صد دلار کافیه؟
Hundred	صد



Yes, I think that's enough. Four	آره ، فكر ميكنم اون كافيه چهار
Hundred Four hundred Seven hundred Eight hundred One hundred Three hundred Twenty-seven Three hundred twenty-seven Two hundred sixty-five Eight hundred seventeen Nine hundred four	صد چهار صد هفتصد هشتصد يكصد سيصد بيست و هفت سيصد و بيست و هفت دويست و شصت و پنج هشتصد و هفده نهمصد و چهار
How many children do you have? Is that your car?	شما چند تا بچه دارين؟ آيا اون ماشين شماست؟
Your car is not big enough. Because you have five children. Big enough Cheap Cheap enough Good enough	ماشينتون به اندازه كافي بزرگ نيست چونكه شما پنج تا بچه دارين. به اندازه كافي بزرگ ارزون به اندازه كافي ارزون به اندازه كافي خوب
That house is too small for you. Yes, that's not big enough for me.	اون خونه واسه شما خيلي كوچكه ( بيش از حد ) آره ، اون واسه من به اندازه كافي بزرگ نيست
We're going to Canada tomorrow.	ما داريم فردا ميريم كانادا
How far is Canada? How far? It's very far.	كانادا چقدر دوره؟ چقدر دوره؟ خيلي دوره
Canada is very far from here. It's very far from here.	كانادا از اينجا خيلي دوره خيلي از اينجا دوره
Its eight hundred miles from here. One mile Five hundred miles	از اينجا هشتصد مايله يك مايل پانصد مايل
How far is the beach from here? It's not very far. It's only six miles.	كنار دريا چقدر از اينجا دوره؟ خيلي دور نيست فقط شش مايله
It's only ten kilometers. One kilometer	فقط ده كيلومتره يك كيلومتر

Far	دور
How far?	چقدر دور؟
Big	بزرگ
How big?	چقدر بزرگ؟
How big is your house? It's not very big.	خونتون چقدر بزرگه؟ خیلی بزرگ نیست .
But it's big enough for me. How far is your house from here? It's only five miles. It's only eight kilometers.	ولی واسه من به اندازه کافی بزرگه خونه شما چقدر از اینجا دوره؟ فقط پنج مایله فقط هشت کیلومتره
Really? Yes, really. That's not very far.	جداً ( واقعاً ) آره ، جداً اون خیلی دور نیست
I'm buying a house. Really? Yes, really.	دارم یه خونه میخرم واقعاً؟ آره ، واقعاً
How much is a house here? I don't know. But I think it's very expensive.	یه خونه چنده اینجا؟ نمیدونم ولی فکر میکنم خیلی گرونه
More expensive Your house is more expensive than mine. But my car is more expensive than yours. Your car's cheaper. And it's not big enough.	گرونتر خونه شما از مال من گرونتره ( غیر فشرده ) ولی ماشین من از مال شما گرونتره ماشین شما ارزونتره و به اندازه کافی بزرگ نیست
Is that your car? No, my car is over there.	آیا اون ماشین شماست؟ نه ماشین من اونها اونجاست.

سلام استیو. حالت چطوره؟

A: Hello, Steve. How are you?

خوبم ، متشکرم . شما چطور؟

B: I'm fine, thanks. And you?

خیلی خوب . فردا خیال داری چکار کنی استیو؟

A: Very well. What are you going to do tomorrow, Steve?

فردا میخوام برم لندن.

B: I want to go to London tomorrow.

اوه، جدأ؟ لندن چقدر از اینجا دوره؟

A: Oh, really? How far is London from here?

خیلی دور نیست. فقط دویست کیلومتره.

B: It's not very far. it's only two hundred kilometers.

دویست کیلومتر؟ اون چند مایله؟

A: Two hundred kilometers? How many miles is that?

فکر میکنم اون صد و بیست و پنج مایله . اما مطمئن نیستم.

B: I think that's a hundred twenty-five miles, but I'm not sure.

آیا بچه هات و خانمت دارن همراهِ میان؟

A: Are your children and your wife going with you?

آره . داریم با هم میریم .

B: Yes, they are. We're going together.

واقعا؟ تو لندن داری میری به یه هتل؟

A: Really? Are you going to a hotel in London?

نه ، ما تعدادی دوست خیلی خوب توی لندن داریم. لازم نداریم بریم به هتل.

B: No, we're not. We have some very good friends in London. We don't need to go to a hotel.

اوکی استیو . من باید الان برم . بای .

A: Okay, Steve. I have to go now. Goodbye.

بای.

B: Goodbye.

---

What do you want to do tomorrow?	فردا میخوای چکار بکنی؟
How far is Manchester from here?	منچستر از اینجا چقدر دوره؟
You need a lot of gas.	شما یه عالمه بنزین لازم دارید
Gas	بنزین
Gas is very expensive in Los Angeles.	بنزین تو لس آنجلس خیلی گرونه
But it's more expensive in London.	ولی تو لندن گرونتره
Really?	واقعاً
Yes, really.	آره ، جداً
How do you know that?	اونو از کجا میدونی؟
Because my son lives there.	چون پسر من اونجا زندگی میکنه
How much is gas in Canada?	بنزین تو کانادا چنده؟
I really don't know.	من واقعاً نمیدونم
We need some gas.	ما کمی بنزین احتیاج داریم
Where can we buy some gas?	کجا میتونیم کمی بنزین بخریم؟
at a gas station	در یه پمپ بنزین
Gas station	پمپ بنزین
a gas station	یه پمپ بنزین
The gas station	پمپ بنزین ( مشخص )
Where's the gas station?	پمپ بنزین کجاست؟ ( مشخص )
It's over there.	اونها اونجاست
Can you tell me where the gas station is?	
Excuse me. Where can I buy some gas?	بخشید ، من کجا میتونم کمی بنزین بخرم؟
at a gas station	در یه پمپ بنزین
Over there at the gas station	اونها اونجا در پمپ بنزین
Is Houston very far from here?	آیا هیستون از اینجا خیلی دوره؟
From here to Houston	از اینجا تا هیستون
My house	خونم
From here to my house	از اینجا تا خونم
It's two miles from here to my house.	
It's four kilometers from here to the gas station.	از اینجا تا پمپ بنزین چهار کیلومتره
From there	از اونجا
It's eighteen miles from there to here.	از اونجا تا اینجا هجده مایله

---

Hundred  
Drink  
Big enough  
How far?  
How far is it?  
Kilometer  
Really  
Station  
From  
From here  
From there  
London

---

How many children do you have?      چند تا بچه دارید؟  
How many miles is it?                  چند مایله؟

from here to Los Angeles                  از اینجا تا لس آنجلس  
How many miles is it from here to Los Angeles?      از اینجا تا لس آنجلس چند مایله؟  
How many kilometers is it from here to Frankfurt?      از اینجا تا فرانکفورت چند کیلومتره؟  
I think it's three hundred fifty kilometers.                  فکر میکنم سیصد و پنجاه کیلومتره

Really?    جداً  
Yes, or maybe more.                      آره ، یا شاید بیشتر  
I'm not sure.                                  مطمئن نیستم

I have to buy some gas.                      من باید کمی بنزین بخرم  
Do you know where the gas station is?      آیا میدونی پمپ بنزین کجاست؟  
The gas station is on Main Street.                  پمپ بنزین ، توی خیابون مینه

Expensive                                      گران  
More expensive                              گرانتر

Gas is more expensive here.                  بنزین اینجا گرونتره  
Enough money                                  پول کافی  
Enough gas                                      بنزین کافی

Do you have enough gas?                  بنزین کافی داری؟  
Yes, I do.                                      جواب مثبت کوتاه  
No, I don't.                                      جواب منفی کوتاه

How far is Esfahan?                          اصفهان چقدر دوره؟  
How many kilometers is it to Esfahan?      تا اصفهان چند کیلومتره؟

It's six hundred twenty-five kilometers.

ششصد و بیست و پنج کیلومتره

It's three hundred ninety miles.

سیصد و نود مایله

Where's the gas station?

پمپ بنزین کجاست؟

Is it very far from here?

آیا از اینجا خیلی دوره؟

No, It's only two miles from here.

نه ، از اینجا فقط دو مایله .

It's over there.

اوناهاش اونجاست

Nice to meet you, too.

منم از ملاقات شما خوشبختم.

Hi	سام علیک
Two thousand dollars	دو هزار دلار
This is my friend.	این دوستمه
Nine in the morning	نُه صبح
Say	بگید
Try to say.	سعی کنید بگید
Wait here.	اینجا صبر کن
Come in.	بیا تو
I think so.	فکر کنم
He has to come, too.	اونم باید بیاد

I need some gas.	یه کم بنزین لازم دارم
Really?	واقعاً
How far is the gas station?	پمپ بنزین چقدر دوره ( مشخص )
It's only one mile from here.	از اینجا فقط یه مایله

How much money do you need?	چقدر پول لازم داری؟
How much gas do you need?	چقدر بنزین لازم داری؟

I don't need a lot.	خیلی لازم ندارم ( یه عالمه )
But I want a lot of milk.	ولی یه عالمه شیر میخوام

For your car?	واسه ماشینت؟
No, for my children.	نه ، واسه بچه هام

How many children do you have?	چند تا بچه داری؟
I have five children.	پنج تا بچه دارم
Three sons and two daughters	سه تا پسر و دوتا دختر

They go to the beach a lot.	اونتا خیلی کنار دریا میرن ( یه عالمه )
They're going again tomorrow.	فردا دارن دوباره میرن

We're going to buy that house.	ما خیال داریم اون خونه رو بخریم
Is it big enough?	آیا به اندازه کافی بزرگه؟
I think	من فکر میکنم
You need a bigger house.	شما یه خونه بزرگتر لازم دارید

A bigger house is more expensive, too.	یه خونه بزرگتر، گرونتر هم هست
How much money do you have now?	الان چقدر پول داری؟
I have nine hundred fifty dollars.	من نهصد و پنجاه دلار دارم

I want to buy a small car.	میخوام یه ماشین کوچیک بخرم
Is that small enough?	آیا اون به اندازه کافی کوچیکه؟
No, I need a smaller car.	نه یه ماشین کوچکتتر لازم دارم

سلام جو ، داری چکار میکنی؟

A: Hi, Joe. What are you doing?

خیال دارم یه پمپ بنزین بخرم.

B: I'm going to buy a gas station.

واقعاً؟ من فکر میکنم اگه خونه بخری بهتره.

A: Really? I think it's better if you buy a house.

من الان پول کافی ندارم واسه خریدن یه خونه بزرگ.

اما اگر یه پمپ بنزین بخرم ، میتونم بعداً یه خونه بزرگتر بخرم واسه بچه هام و خانمم.

B: I don't have enough money to buy a big house now,

but if I buy a gas station, I can buy a bigger house for my children and wife later.

واسه تو خریدن ماشین گرونتره یا پمپ بنزین؟

A: Is it more expensive for you to buy a house or a gas station?

واسه من الان خریدن پمپ بنزین گرونتره ، اما من میتونم بعداً با پول پمپ بنزین خونه بخرم.

B: It's more expensive for me to buy a gas station now, but I can buy a house later with the money from the gas station.

پمپ بنزین از خونتون چقدر دوره؟

A: How far is the gas station from your house?

از خونه شما خیلی دوره. شاید دویست یا سیصد مایله.

B: It's very far from your house. Maybe two or three hundred miles.

چند مایله از اینجا؟

A: How many miles is it from here?

از اینجا فقط پنج مایله.

B: It's only five miles from here.

اوکی . من باید برم. بای.

A: Okay. I have to go now. Goodbye.

بای.

B: Goodbye.

---



Hello, how are you?	سلام و احوالپرسی
Hi	سلام ( یه خورده خودمونی تر )
Hi, how are you?	سام علیک حالت چطوره؟
How much money do you have?	چقدر پول داری؟
I have three hundred dollars.	سیصد دلار دارم
How much more do you need?	چقدر دیگه لازم داری؟
Two thousand dollars	دو هزار دلار
Four hundred dollars	چهارصد دلار
Four thousand dollars	چهار هزار دلار
Ten thousand dollars	ده هزار دلار
I have twenty thousand dollars.	بیست هزار دلار دارم
That's a lot of money.	اون یه عالمه پوله
Hello	سلام
This is my friend.	این دوستمه
Who's that?	اون کیه؟
Who's this?	این کیه؟
This is my friend Mina.	این دوستمه ، مینا
Nice to meet you, Mina.	از ملاقاتتون خوشبختم مینا
Nice to meet you, too.	منم از ملاقاتتون خوشبختم
You're very cute.	شما خیلی نازید
Thanks a lot	خیلی ممنون
This is a good restaurant.	این یه رستوران خوبیه
Is this your car?	آیا این ماشین توه؟
No, I have a smaller car.	نه ، من یه ماشین کوچکتر دارم
My car is smaller than this.	ماشینم از این کوچکتره
Good morning	صبح بخیر
What time would you like to have breakfast?	ساعت چند دلت میخواد صبحونه بخوری؟
Nine in the morning	نه صبح
We're going to the mall at ten o'clock.	ساعت ده داریم میریم پاساژ
We're going to the mall in the morning.	صبح داریم میریم پاساژ
I have to buy some gas.	یه کم بنزین باید بخرم
My car doesn't have any gas.	ماشینم هیچی بنزین نداره

We can buy gas in the morning, too. میتونیم صبح بنزین هم بخریم

Say بگید

I need a smaller car.

I need more gas.

I need some gas now.

I speak English.

I speak English very well now.

Try to say. سعی کنید بگید

I'd like to have breakfast in the morning.

Now try to say. حالا سعی کنید بگید

I'd like to have breakfast later.

Excuse me, ma'am. ببخشید خانم ( محترمانه )

Is Sarah home? آیا سارا منزله؟

Yes, she's home. بله منزله

Wait here. اینجا صبر کن

Can you wait here? میتونی اینجا صبر کنی؟

I can't wait.

I'm sorry, but Sarah is not home. متأسفم ، ولی سارا منزل نیست

Would you like to wait for her? دلت میخواد واسش صبر کنی؟

Sure حتماً

Come in. بیا داخل ( بفرما تو )

Come in, please. بفرما تو لطفاً

Would you like to come in? آیا دلت میخواد بیای داخل؟

You can wait over there. میتونی اونجا صبر کنی

Come in. بیا تو

Wait here. اینجا صبر کن

Come here. بیا اینجا

Hi, Sarah. How are you? سلام علیک سارا حالت چطوره؟

I'm fine, thanks. خوبم مرسی

When are you going to come here? کی خیال داری بیای اینجا؟

I don't know. نمیدونم

I'm going to buy something. خیال دارم یه چیزی بخرم

I'm buying something now. الان دارم یه چیزی میخرم

I'm coming now. الان دارم میام

How much money do you have? چقدر پول داری؟

I have a lot of money. من یه عالمه پول دارم

I have more than six thousand dollars. من بیشتر از شش هزار دلار دارم  
Is this your wallet? آیا این کیف پول توه؟  
I think so. فکر کنم

Is this your money? آیا این پول توه؟  
I think so. فکر کنم

---

Hi  
Thousand  
This  
This is my friend.  
Morning  
In the morning  
Try  
Try to say.  
Wait  
Wife  
Wait  
What?  
Well  
Want  
Wait  
Wait here, please.  
Come in.  
Think  
I think so.

---

What are you doing? داری چکار میکنی؟  
I'm going to wait here. خیال دارم اینجا منتظر باشم ( سبر کنم )  
I'm waiting for my son. منتظر پسر مم  
I'm waiting for him here. اینجا منتظرشم  
Are you going to come in? آیا خیال داری بیای داخل؟  
I'm going to come in later. خیال دارم بعداً بیام داخل  
Where's your son? پسر ت کجاست؟  
He's coming here. داره میاد اینجا  
Where's your son coming from? پسر ت از کجا داره میاد؟  
He's coming from Toronto. از تورنتو داره میاد

I'm waiting for him here.	اینجا منتظرش ( واسش دارم اینجا صبر میکنم )
How far is Toronto from here? Toronto's very far from here.	تورنتو از اینجا چقدر دوره ؟ ( غیر فشرده ) تورنتو از اینجا خیلی دوره
How many kilometers is it? Its three thousand kilometers from here.	چند کیلومتره؟ از اینجا سه هزار کیلومتره
Really ? Are you sure?	واقعاً مطمئنی؟
I think so.	فکر کنم
I don't know. I don't think so.	نمیدونم فکر نکنم
We have to go to the hotel now. And your son?	باید الان بریم به هتل پسرت چطور؟
He has to come, too. I have to go.	اونم باید بیاد من باید برم
He has to go. I have a thousand dollars. He has a thousand dollars.	اون باید بره من هزار دلار دارم اون هزار دلار داره ( مذکر )
Is your daughter coming, too? Yes, she has to come, too. My daughter's coming, too.	آیا دخترت هم داره میاد؟ آره اون هم باید بیاد دخترم هم داره میاد
Does she have any money? Yes, she has a lot of money.	آیا اون هیچی پول داره؟ آره اون یه عالمه پول داره
But my son has more money.	ولی پسرم بیشتر پول داره
Does he have more money than you? No, he doesn't have more money than me. But he has more money than my wife.	آیا اون بیشتر از تو پول داره؟ نه ، اون بیشتر از من پول نداره ولی از خانمم بیشتر پول داره
Really? Yes, really.	واقعاً آره ، واقعاً
Does he have more money than me? I don't think so.	آیا بیشتر از من پول داره؟ فکر نکنم
Wait	صبر کن

سلام چارلز. تو هم داری میای رستوران؟

A: Hi, Charles. Are you coming to the restaurant, too?

نه ، من باید صبح برم پاساژ . سعی میکنم یه لباس واسه خانمم بخرم.

B: No, I have to go to the mall in morning. I'm trying to buy a dress for my wife.

پاساژ از مغازه گرونتره.

A: The mall is more expensive than the stores.

فکر نکنم.

B: I don't think so.

ما میتونیم از پسرمون بپرسیم ، اما باید منتظر باشیم . اون داره صبحونه میخوره.

A: We can ask my son, but we have to wait. He's eating breakfast.

آیا اونم باید بره پاساژ؟

B: Does he have to go to the mall, too?

اون باید یه چیزی بخره . ولی من فکر نمیکنم اون قصد داشته باشه چیزی از پاساژ بخره.

اون فکر میکنه پاساژ خیلی گرونه.

A: He has to buy something, but I don't think he's going to buy anything from the mall.

He thinks the mall is too expensive.

واقعاً؟ نه به اون پاساژی که من میرم.

B: Really? Not the mall I go to.

A: How much do you think this dress is at the mall you go to?

نمیدونم این لباس چنده. اما از مغازه گرونتر نیست.

B: I don't know how much this dress is, but it's not more expensive than the store.

اوکی . من باید الان برم . بای .

A: Okay. I have to go now. Goodbye.

بای .

B: Goodbye.

---

People	مردم
I know a lot of people.	من خیلی آدم‌ها رو میشناسم
How many people?	چند نفر؟
They're nice people.	اون‌ها مردم خوبی هستن
My family	خانواده‌م
There are good restaurants here.	رستوران‌های خوبی اینجا هستن
Our house	خونه ما
With us	با ما
Which?	کدوم؟
Which book is yours?	کدوم کتاب مال توه؟
Which one?	کدوم یکی؟
That one	اون یکی
This one	این یکی
The big one	بزرگه
Which way?	کدوم طرف؟
Which way is Los Angeles?	لس آنجلس کدوم طرفه؟
It's not this way.	این طرف نیست

Hi, Ali. How are you?      سام علیک علی ، حالت چطوره؟  
 Fine, thanks.      خوب ، مرسی

Come in, please.      بفرما داخل لطفاً  
 Is the Persian restaurant on Washington Street?      آیا رستوران ایرانیه تو خیابون واشنگتنه؟  
 I don't think so.      فکر نکنم

How much money do you have?      چقدر پول داری؟  
 I have a thousand dollars.      هزار دلار دارم  
 Five thousand      پنج هزار  
 One thousand      یک هزار  
 Two thousand four hundred      دو هزار و چهارصد  
 Eight thousand nine hundred      هشت هزار و نهصد

This is my house.      این خونه منه  
 Is this your wallet?      آیا این کیف پول شماست؟  
 No, that's not mine.      نه ، اون مال من نیست

Ali, where are you?      علی کجایی؟  
 I'm coming.      دارم میام

Eight o'clock in the morning      ساعت هشت صبح  
 Does Ali want to go to Chicago?      آیا علی میخواد بره شیکاگو؟  
 Yes, he does.      جواب مثبت کوتاه  
 When is he going?      کی داره میره؟  
 Tomorrow at seven o'clock in the morning      فردا ساعت هفت صبح.

Does your daughter have a car? No, but she wants to buy a car.	نه ، ولی میخواد یه ماشین بخره
She has two thousand dollars.	اون دو هزار دلار داره
I want to give her four thousand dollars. Can she buy a good car? With six thousand dollars I think so.	آیا اون میتونه یه ماشین خوب بخره؟ با شش هزار دلار ؟ فکر کنم
Can you wait here for me? I'm a little tired.	آیا میتونی اینجا منتظرم باشی؟ من یه خورده خسته ام
Ali, are you coming? Yes, but wait a little, please. I have to go to the restroom.	علی داری میایی؟ آره ولی یه خورده صبر کن لطفاً باید برم دستشویی
I know a good restaurant. How far is it from here? It's not very far. It's only two kilometers.	من یه رستوران خوب میشناسم چقدر از اینجا دوره؟ خیلی دور نیست فقط دو کیلومتره
I know a lot of people. a lot of people People	من یه عالمه مردم میشناسم ( من خیلی ها رو میشناسم ) یه عالمه مردم ( خیلی ها ) مردم
How many people? How many dollars do you have here?	چند نفر؟ چند دلار اینجا داری؟
How many people do you know here? I know a lot of people here.	چند نفر رو اینجا میشناسی؟ خیلی ها رو اینجا میشناسم
Where are your children? They're in Canada.	بچه هاتون کجان؟ اونان در کانادان
People good people	مردم مردم خوب
They're good people.	اونان آدمای خوبی هستن
They're nice people.	اونان آدمای خوبی هستن
A lot of people go to the beach every day. Gas is more expensive here. I don't know that.	بزرین اینجا گرونتره من اونو نمیدونم

توجه " به این شکل هم گفته میشه .

A lot of people don't know that. I'm going to Houston tomorrow.	خیلی ها اونو نمیدونن من دارم فردا میرم هیستون
Is your wife going with you? Yes, she is. And your children? They're coming, too.	جواب مثبت کوتاه بچه هاتون چطور؟ اونا هم دارن میان
I'm going with my family. Family You have a big family. But we're small family.	من دارم با خانوادم میرم خانواده شما خانواده بزرگی دارید ولی ما خانواده کوچکی هستیم
We're only three people.	ما فقط سه نفریم
Does your family live here? Yes, they live here. I'd like to have dinner now.	آیا خانواده شما اینجا زندگی میکنن؟ آره اونا اینجا زندگی میکنن دلم میخواد الان شام صرف کنم
Do you know a good restaurant? Yes, I do.	آیا یه رستوران خوب میشناسی؟ جواب مثبت کوتاه
There are good restaurants here. There are two restaurants on Sunset Avenue. Are they very expensive? No, they're not.	رستورانهای خوبی اینجا هستن دو تا رستوران تو خیابان سانست هستن آیا اونا خیلی گرونن؟ جواب منفی کوتاه
There are big supermarkets in Tehran. Are there good supermarkets in Iran? Yes, there are.	سوپرمارکت های بزرگی تو تهران هستنند آیا در ایران سوپرمارکت های خوبی وجود دارن؟ جواب مثبت کوتاه
This is my house.	این خونه منه
That's our house. Our house Our children Our children live in Iran. They don't live here.	اون خونه ماست خونه ما بچه های ما بچه های ما در ایران زندگی میکنن اونا اینجا زندگی نمیکنن
Where's my car? Where's our car? It's over there.	ماشینم کجاست؟ ماشینمون کجاست؟ اوناهاش اونجاست
Our car is over there.	ماشین ما اونجا اونجاست ( غیر فشرده )
My son's coming here tonight. He wants to have dinner.	پسرم داره امشب میاد اینجا اون میخواد شام صرف کنه



With us

با ما .

He wants to have dinner with us.

اون میخواد شام با ما صرف کنه

Really?

جداً

What time is he coming?

چه ساعتی داره میاد؟

At seven o'clock

ساعت هفت

### مکالمه

---

سام علیک جیم . حالت چطوره؟

A: Hi, Jim. How are you?

سام علیک علی . خوبم متشکر .

B: Hi, Ali. I'm okay. Thanks.

جیم ، ما فردا میریم هیستون . دلت میخواد با ما بیای؟

A: Jim, we're going to Houston tomorrow. Would you like to come with us?

حتماً ، ساعت چند دارید میرید؟

B: Sure, what time are you going?

ساعت شش صبح .

A: Six o'clock in the morning.

اون خیلی زوده علی .

B: That's too early, Ali.

میدونم ، ولی دلم میخواد تو هیستون ناهار صرف کنم .

A: I know, but I'd like to have lunch in Houston.

آیا خانوادهت دارن با تو میرن؟

B: Is your family going with you?

آره .

A: Yes, they are.

تا هیستون چند مایله؟

B: How many miles is it to Houston?

مطمئن نیستم . فکر میکنم دویست مایله .

A: I'm not sure. I think it's two hundred miles.

پس ما یه عالمه بنزین لازم داریم .

B: Then we need a lot of gas.

آره.

A: Yes, we do.

تو یه ماشین بزرگ داری علی؟

B: Do you have a big car Ali?

آره، ماشین ما به اندازه کافی بزرگه واسه خانواده ما .

A: Yes, our car is big enough for our family.

آیا خانوادمن میتونن با ما برن؟

B: Can my family go with us?

چند نفر تو خانواده شما هستن؟

A: How many people are there in your family?

خانمم و سه تا بچه هام.

B: It's my wife and three children.

پس ما دوتا ماشین لازم داریم.

A: Then we need two cars.

---

a lot of money

یه عالمه پول

a lot of books

یه عالمه کتاب

There are a lot of books here.

یه عالمه کتاب اینجا هست.

Which one is yours?

کدوم یکی مال توه؟

Which one?

کدوم یکی

Which?

کدوم

That's our car.

اون ماشین ماست

Which one?

کدوم یکی؟

That one

اون یکی

This one

این یکی

Is it this one?

آیا این یکیه؟

No, it's that one.

نه ، اون یکیه

Which store?

کدوم مغازه؟

Which hotel?

کدوم هتل؟

Which supermarket?

کدوم سوپرمارکت؟

Which gas station?

کدوم پمپ بنزین

Which house?

کدوم خونه؟

That house	. اون خونه
This house?	اين خونه؟
No, that one.	. نه اون يکي
Which gas station is cheaper?	کدوم پمپ بنزين ارزونتره؟
That one	. اون يکي.
This one	. اين يکي .
I think that gas station is cheaper.	فکر ميکنم اون پمپ بنزين ارزونتره
This one is more expensive.	اين يکي گرونتره
We need some gas.	ما کمی بنزين احتياج داريم
From here to Los Angeles	از اينجا تا لس آنجلس
How far is it from here to Los Angeles?	از اينجا تا لس آنجلس چقدر دوره؟
It's very far.	خیلی دوره
Which way is Los Angeles?	لس آنجلس کدوم طرفه؟
Which way is Miami?	میامی کدوم طرفه؟
Which?	کدوم؟
Which way?	کدوم طرف؟ ( کدوم راه ؟)
This way	اين طرف
That way	اون طرف
Which way is Main Street?	خیابون مين کدوم طرفه؟
Is it this way?	اين طرفه؟
No, It's that way.	نه اون طرفه
It's not this way.	اين طرف نيست
It isn't this way.	
Is Omid home?	اميد خونه است؟
No, he's not.	جواب منفي کوتاه
No, he isn't.	
And Mina?	مينا چطور؟
Are they in Iran?	آيا اونا تو ايران؟
No, they're not.	جواب منفي کوتاه
No, they aren't.	

توجه " به اين شکل هم گفته ميشه .

---

People  
a lot of people  
Family  
My family  
There are  
Our  
Our house  
Which?  
What?  
Win  
Where?  
Which?  
Way  
Which way?  
One  
Which one?  
This one  
That one  
It isn't.  
It isn't this way.

---

Excuse me. Which way is the mall? Which mall?	ببخشید پاساژ کدوم طرفه؟ کدوم پاساژ؟
The big one. The small one . The smaller one .	بزرگه. کوچکه. کوچکتره.
The big mall's that way. The big mall is that way.	پاساژ بزرگه اون طرفه .
This way or that way? It's this way. Thanks a lot You're welcome.	این طرف یا اون طرف؟ این طرفه. خیلی ممنون خواهش میکنم
Which dress? The cheaper one The more expensive one .	کدوم لباس؟ ارزونتره. گرونتره.
This is our son Ali. Come in, please.	این پسرمون علیه. بفرمایید د اخل لطفاً

Ali has to go to Esfahan.	علی باید بره اصفهان.
At six o'clock in the morning .	ساعت شش صبح.
Gas is very expensive in Canada.	بنزین تو کانادا خیلی گرونه.
Do you think so?	این طور فکر میکنی؟
Yes, I think so.	آره اینطور فکر میکنم
Where are they?	اونجا کجان؟
Where are the people?	مردم کجان؟
They're nice people.	اونجا آدمای خوبین.
There are a lot of people in the restaurant.	یه عالمه مردم تو رستورانها هستن.
How many people are there?	چند نفرن؟ ( چند نفر وجود دارن؟ )
There are thirty people.	سی نفرن . ( سی نفر وجود دارن )
Which one is your house?	خونتون کدوم بکيه؟
The big one	بزرگه.
The small one	کوچکه.
With me	با من
With us	با ما
Tell me.	بهم بگو
Tell us.	بهمون بگو

Still	هنوزم
We still need money.	ما هنوزم پول لازم داریم.
Ali's still in Iran.	علی هنوزم در ایرانه .
Ten meters	ده متر
Thirty feet	سی فوت
Square	مربع
Square meter	متر مربع
Eighty square meters	هشتاد متر مربع
Three hundred square feet	سیصد فوت مربع
How many square meters is your house?	خونتون چند متر مربعه؟
I don't live there anymore.	من دیگه اونجا زندگی نمیکنم
Straight ahead	مستقیم
Seven gallons	هفت گالون
Forty liters	چهل لیتر
Two dollars per liter	لیتری دو دلار ( دو دلار هر لیتر )
Mrs. Johnson	خانم جانسن
Mr. Johnson	آقای جانسن

My family lives in Vancouver.	خانواده من در ونکوور زندگی میکنه
Our son is going to Iran.	پسر من داره میره ایران
Our daughter is going with him, too.	دختر من هم داره با اون میره
With him	با او ( مذکر )
With her	با اون ( مؤنث )
With us	با ما
How many people are they?	اونها چند نفرن؟
They're only eight people.	اونها فقط هشت نفرن
Ali, do you want to come with us?	علی میخوای با ما بیای؟
No, I'm going with my friends.	نه دارم با رفقا میرم
Which way?	کدوم طرف؟
This way	این طرف
That way	اون طرف
Which car is yours?	کدوم ماشین مال شماست؟
This one	این یکی
That one	اون یکی
The big one	بزرگه
The small one	کوچیکه
Which way is Homburg?	هامبورگ کدوم طرفه؟
It's that way.	اون طرفه.
Are you sure?	مطمئنی؟
I think so.	فکر کنم.

There are good hotels in London.	هتل‌های خوبی توی لندن هستند.
But they're very expensive.	ولی خیلی گرونن
That's our house.	اون خونه ماست
Which one?	کدوم یکی؟
The big one	بزرگه .
There are two gas stations here.	دو تا پمپ بنزین اینجا هستند.
Which one is bigger?	کدوم یکی بزرگتره؟
Which one is smaller?	کدوم یکی کوچکتره؟
Which one is more expensive?	کدوم یکی گرونتره؟
Which one is better?	کدوم یکی بهتره؟
Mina has a friend in Paris.	مینا یه دوست توی پاریس داره
Ali lives with us.	علی با ما زندگی میکنه
He lives with us.	اون با ما زندگی میکنه
He still lives with us.	اون هنوزم با ما زندگی میکنه.
Still	هنوزم
I need some money.	یه کم پول احتیاج دارم
I can give you fifty dollars.	من میتونم پنجاه دلار بهت بدم
That's not enough.	اون کافی نیست
I still need more money.	
Where's your family?	خانوادهت کجاست؟
My family is still in Iran.	خانواده من هنوزم تو ایران هستند
I'm waiting for you.	
Where are you?	کجایی؟
I'm still waiting for you.	من هنوزم منتظر توام.
I'm coming.	دارم میام
That's your car.	اون ماشین توه .
That's yours.	اون مال توه .
That's our car.	اون ماشین ماست .
That's ours.	اون مال ماست .
Your house is on Main Street.	خونه شما تو خیابون مینه .
Yours is on Main Street.	مال شما تو خیابون مینه .
But ours is on Washington Street.	ولی مال ما تو خیابون واشنگتنه .
You owe me some money.	تو بهم کمی پول بدهکاری .
I don't think so.	فکر نکنم
Yes, you owe me two hundred sixty dollars.	چرا ، دویست و شصت دلار بهم بدهکاری .
Are you sure?	مطمئنی؟

Yes, you can ask your wife. If you want.	آره ، میتونی از خانمت بپرسی. اگه بخوای.
Here's two hundred dollars. You still owe me sixty dollars.	بفرما دویست دلار هنوزم شصت دلار بهم بدهکاری .
Do you still live on Sunset Avenue? No, I don't live there anymore.	آیا هنوزم تو خیابان سانست زندگی میکنید؟ نه ، من دیگه اونجا زندگی نمیکنم.
I don't live there anymore.	من دیگه اونجا زندگی نمیکنم
Does your son still live in Los Angeles? No, he doesn't live there anymore. Not today	آیا پسرت هنوزم تو لس آنجلس زندگی میکنه؟ نه، دیگه اونجا زندگی نمیکنه . امروز نه
not anymore	دیگه نه
Can I borrow some money from you? Not anymore I can't give you money anymore.	آیا میتونم کمی پول ازت قرض کنم؟ دیگه نه دیگه نمیتونم بهت پول بدم
How big is your house? It's not very big. Five miles Five kilometers	خیلی بزرگ نیست. پنج مایل. پنج کیلومتر.
Five meters Two thousand meters One meter	پنج متر. دو هزار متر یک متر
Square meter Square One square meter Four hundred square meters One hundred twenty square meters	متر مربع مربع یک متر مربع چهارصد متر مربع یکصدو بیست متر مربع
Our house is two hundred square meters.	خونه ما دویست متر مربعه .
How many kilometers? How many meters? How many square meters?	چند کیلومتر؟ چند متر؟ چند متر مربع؟
How many square meters is your house? It's ninety square meters.	نود متر مربعه .



Square foot	فوت مربع
Foot	فوت ( پا )
One foot	یک فوت ( یک پا )

توجه" در جمع کردن کلمات در زبان انگلیسی ،در بسیاری از موارد بی قاعدگی و استثنا وجود دارد. مثلا " Money , People " که در جمع پسوند " S " نمیگیرند. مگر در حالت استثنایی. در اینجا هم کلمه " Foot " در هنگام جمع همیشه " Feet " .

Ten feet	ده فوت
Nine hundred square feet	نهمصد فوت مربع
Three hundred twenty square meters	سیصد و بیست متر مربع
Excuse me. Which way is Oslo?	بیخشید اُسلو کدام طرفه؟
Is it that way?	آیا اون طرفه؟
No, it's not that way.	نه ، اون طرف نیست
It's this way.	این طرفه.
It's straight ahead.	مستقیمه.
Straight ahead	مستقیم.
It's straight ahead.	مستقیمه.
Which way is Main Street?	خیابون مین کدام طرفه؟
It's straight ahead.	مستقیمه.
This way	این طرف.
That way	اون طرف.
How many kilometers is it to Oslo?	تا اُسلو چند کیلومتره؟
It's only fifty kilometers.	فقط پنجاه کیلومتره.
How big is your house?	خونتون چقدر بزرگه؟
It's a thousand square meters.	هزار متر مربعه.
Or maybe a thousand square feet	یا شاید هزار فوت مربع.
I'm going to Canada tomorrow.	دارم فردا میرم کانادا
At six o'clock in the morning	ساعت شش صبح.
Is gas more expensive in Canada?	آیا بنزین تو کانادا گرونتره؟
Yes, gas is very expensive in Canada.	آره بنزین در کانادا خیلی گرونه.
How much is it?	چنده؟
How much is gas in Canada?	بنزین تو کانادا چنده؟

Three dollars per gallon	گالنی سه دلار.
Two dollars per gallon	گالنی دو دلار
How many gallons do you need?	چند گالن لازم داری؟
I need fifteen gallons.	پانزده گالن لازم دارم
Two dollars per liter	لیتری دو دلار
Liter	لیتر
Ten gallons of gas	ده گالن بنزین
Ten liters of gas	ده لیتر بنزین

### مکالمه

---

بیخشید خانم ، میامی کدوم طرفه؟

A: Excuse me, ma'am. Which way is Miami?

متاسفم. نمیدونم.

B: I'm sorry. I don't know.

آقا ، میامی کدوم طرفه؟

A: Sir, which way is Miami?

مستقیمه.

C: It's straight ahead.

از اینجا تا میامی چقدر دوره؟

A: How far is it from here to Miami?

فکر میکنم هفتاد مایله.

C: I think it's seventy miles.

پمپ بنزین اینجا کجاست؟

A: Where is a gas station here?

پمپ بنزین...؟ بنزین لازم داری؟

C: A gas station...? Do you need gas?

آره.

A: Yes, I do.

بنزین اینجا خیلی گرونه.

C: Gas is very expensive here.

چنده؟

A: How much is it?

گالني سه دلار.

C: It's three dollars per gallon.

سه دلار...؟ اون خيلي گرونه.

A: Three dollars...? That's too expensive.

ميدونم. ميتوني ميامي بخريش . اونها اونجا ارزونتره.

C: I know, you can buy it Miami. It's cheaper over there.

ولي من مطمئن نيستم كه بنزين كافي دارم تا ميامي.

A: But I'm not sure if I have enough gas to Miami.

پس بايد اينجا بخريش.

C: Then you have to buy it here.

متشكرم آقا.

A: Thank you, sir.

خواهش ميكنم.

C: You're welcome.

Come in, please.

This is Mrs. Johnson.

Mrs. Johnson

This is Mr. Johnson.

Hello, Mr. Johnson.

Hello, Mrs. Johnson.

Nice to meet you, Mrs. Johnson.

How much is gas per liter?

بفرماييد داخل لطفاً

اين خانم جانسنه.

خانم جانسن.

اين آقاي جانسنه.

سلام آقاي جانسن.

سلام خانم جانسن.

از ملاقاتتون خوشبختم خانم جانسن

بنزين ليترى چنده؟

---

Still  
Store  
Still  
Meter  
Ten meters  
Square  
Square meter  
Square foot  
Ten square feet  
Straight  
Square  
Straight  
Ahead  
Straight ahead  
Liter  
Four liters  
Per  
Two dollars per liter  
Per  
Gallon  
Two dollars per gallon  
Ten gallons  
Mr.  
Hello, Mr. Johnson.  
Which?  
Way  
Which way?

---

Which way is Mashhad?  
It's straight ahead.

راه مشهد کدام طرفه؟  
مستقیمه.

Excuse me. Where's the gas station?

بخشید پمپ بنزین کجاست؟

It's on Sunset Avenue.

تو خیابان سانست.

Which way is Sunset Avenue?

خیابان سانست کدام طرفه؟

It's straight ahead.

مستقیمه.

It's that way.

اون طرفه.

It's this way.

این طرفه

We have a big house.

ما به خونه بزرگ داریم

But ours is bigger.

ولی مال ما بزرگتره.

How big is your house?  
It's five thousand square feet.  
That's very big.

خونتتون چقدر بزرگه؟  
پنج هزار فوت مربعه.  
اون خیلی بزرگه.

It's three hundred square meters.  
Would you like something to drink?  
Yes, please.  
Is coffee okay?

سیصد متر مربعه.  
آیا میل داری یه چیزی بنوشی؟  
آره لطفاً  
قهوه اوکیه؟

I don't drink coffee anymore.  
But I still drink tea.

من دیگه قهوه نمیخورم.  
ولی هنوزم چای میخورم.

Which one is your wallet?  
The small one  
The small one is mine.

کدوم یکی کیف پول شماست؟  
کوچیکه.  
کوچیکه مال منه.

How many people live here?  
Maybe four people..., I don't know.

چند نفر اینجا زندگی میکنن؟  
شاید چهار نفر ....، نمیدونم

How long?	چند وقت؟
For five days	واسه پنج روز
I want to stay here.	میخوام اینجا بمونم
Left	چپ
Right	راست
Turn left.	بپیچید چپ
Turn right.	بپیچید راست
Go straight ahead.	مستقیم برید
Go two miles.	دو مایل برید
And then what?	و بعد چی؟
Then turn left.	بعد بپیچید چپ
Do you want to go by car?	آیا میخوای با ماشین بری؟
Take my car.	ماشین منو بردار
Can I take your car?	میتونم ماشین تو رو بردارم؟
Not bad	بد نیستم
Listen to me.	بهم گوش بده
Sweden	سوئد

We still live in Los Angeles.	ما هنوزم در لس آنجلس زندگی میکنیم
That's our house.	اون خونه ماست
Which one?	کدوم یکی؟
The big one	بزرگه
Your house is very big.	خونتون خیلی بزرگه
Yes, it's four thousand square feet.	آره ، چهار هزار فوت مربعه .
It's four hundred square meters.	چهارصد متر مربعه
Our house is very small.	خونه ما خیلی کوچکه .
Ours is very small.	مال ما خیلی کوچکه
It's smaller than yours.	کوچکتر از مال شماست
I don't have money anymore.	من دیگه پول ندارم
I don't want to eat rice anymore.	من دیگه نمیخوام برنج بخورم
I don't want to speak with her anymore.	دیگه نمیخوام با اون صحبت کنم ( مونث )
Why not?	چرا نه؟
Because she doesn't listen to me.	چون به من گوش نمیده
Listen	گوش دادن
Listen to me.	به من گوش بده
You don't listen to me.	شما به من گوش نمیدی
How much is gas here?	بنزین اینجا چنده؟
a dollar per liter	لیتری یه دلار
Two dollars per gallon	گالنی دو دلار

How much gas do you need? We only want five liters of gas.	چقدر بنزین لازم داری؟ فقط پنج لیتر بنزین میخوایم
Mr. Smith, how are you? Fine, thank you.	آقای اسمیت حالتون چطوره؟ خوب ، متشکرم
Not bad How are you? Not bad	بد نیستم چطوری؟ بد نیستم
Hello Mrs. Johnson. Where's your husband?	سلام خانم جانسن شوهرتون کجاست؟
Sweden He's still in Sweden. He wants to stay there.	سوئد اون هنوزم در سوئده اون میخواد اونجا بمونه
Stay Do you want to stay here? Yes, I do. No, I don't.	موندن میخوای اینجا بمونی؟ جواب مثبت کوتاه جواب منفی کوتاه
I'm going to Manchester tomorrow. How long?	فردا دارم میرم به منچستر چه مدت ؟ ( چند وقت ) ؟
Do you want to stay there? How long do you want to stay there?	آیا شما میخواید اونجا بمونید؟ چند وقت میخواید اونجا بمونید؟
Only three days Day Ten days Today	فقط سه روز روز ده روز امروز
That's for you. For you Five days For five days	اون واسه توه. واسه تو پنج روز واسه پنج روز
We're going to Mashhad.	ما داریم میریم به مشهد
For how long? For twenty days	واسه چند وقت؟ واسه بیست روز
Are you going by car? Yes, we are. But Mashhad's very far from here. Not bad	آیا دارید با ماشین میرید؟ جواب مثبت کوتاه ولی مشهد خیلی از اینجا دوره بد نیستم

My son doesn't listen to me.	
Why not?	چرا نه؟
I don't know.	نمیدونم
He wants to buy a house.	اون میخواد خونه بخره
And he doesn't have enough money.	و پول کافی نداره
He wants to borrow a lot of money.	میخواد یه عالمه پول قرض کنه
I tell him.	بهش میگم
You can buy a smaller house.	میتونی یه خونه کوچکتتر بخری
You can still live with us.	هنوزم میتونی با ما زندگی کنی
You can still stay here.	هنوزم میتونی اینجا بمونی
You don't need to buy a house.	احتیاج نداری خونه بخری
But he doesn't listen to me.	ولی بهم گوش نمیده
I don't know what to do.	
Excuse me. Which way is Disneyland?	بخشید، دیزنیلند کدوم طرفه؟
It's straight ahead.	مستقیمه .
Left	چپ
Turn left.	بپیچید چپ
Turn	پیچیدن
Left	چپ
You can't turn here.	اینجا نمیتونید بپیچید
You can't turn left here.	اینجا نمیتونید به چپ بپیچید
Turn right.	بپیچید راست
Right	راست
Left	چپ
You can't turn right here.	اینجا نمیتونید راست بپیچید
Straight ahead	مستقیم
Go straight ahead.	مستقیم برو
Then turn left.	بعد بپیچید چپ
Then	بعد
Go straight ahead.	مستقیم برو
Two miles	دو مایل
Go two miles.	دو مایل برو
Excuse me. Where's Main Street?	بخشید ، خیابون مین کجاست؟
Go straight ahead.	مستقیم برید
Then turn left.	بعد بپیچید چپ



Go two miles, and then turn right. دو مایل برید و بعد بپیچید راست

Thanks مرسی

You're welcome. خواهش میکنم

Now ask me how long I'm going to stay in Los Angeles.

How long are you going to stay in Los Angeles? واسه چه مدت قصد داری تو لس آنجلس بمونی؟

Four days چهار روز

### مکالمه

---

ببخشید آقا ، خیابون مین کدوم طرفه؟

A: Excuse me, sir. Which way is Main Street?

خیابون مین...؟ دوتا خیابن مین اینجا هست . یکی تو باورلی هیلز و یکی تو ساتتا مونیکا.

کدوم یکی رو میخوای؟

B: Main Street...? There are two Main Streets here, one in Beverly Hills and one in Santa Monica.

Which one do you want?

اونی که تو باورلی هیلزه.

A: The one in Beverly hills.

اوکی . از اینجا خیلی دور نیست . مستقیم برو و بعد بپیچ به راست.

B: Okay. It's not very far from here. Go straight ahead, and then turn right.

و بعد چی؟

A: And then what?

بعد مستقیم و بپیچ به چپ تو خیابان هاروارد.

B: Then go straight ahead, and turn left on Harvard Avenue.

میدونی از اینجا چند مایله؟

A: Do you know how many miles it is from here?

فکر میکنم چهار مایله.

B: I think it's four miles.

متشکرم آقا.

A: Thank you, sir.

خواهش میکنم.

B: You're welcome.

---

Turn left.	بپیچید چپ
Turn right.	بپیچید راست
Go straight ahead.	مستقیم برید
Then	بعد
Then what?	بعد چی؟
And then what?	و بعد چی؟
And then turn left.	و بعد بپیچید چپ

---

Listen  
Listen to me.  
Bad  
Not bad  
Sweden  
Stay  
Store  
Speak  
Stay  
Long  
How long?  
Turn  
Right  
Turn right.  
Turn left.  
Then  
Then turn left.  
Then go straight ahead.

---

That's my house.	اون خونه منه.
Which one?	كدوم يكي؟
The one over there	اون يكي اوناها اونجا
I'm going to the Persian restaurant.	من دارم ميرم رستوران ايرانيه
Which one?	كدوم يكي؟
The one on Main Street	اون يكي تو خيابون مين .

حالا ازم بپرسيد ، واسه چه مدت دارم تو لندن ميمونم؟  
Now ask me how long I'm staying in London?  
How long are you staying in London?  
I'm staying there for two days. واسه دو روز اونجا ميمونم

Are you going by car?	با ماشین داری میری؟
Yes, London's not very far from here.	آره ، لندن از اینجا زیاد دور نیست
London isn't very far from here.	
Please give me fifty dollars.	لطفاً پنجاه دلار بهم بده
Why?	چرا؟
Because I need some money.	چون مقداری پول لازم دارم
Because I'm going to buy something.	چون خیال دارم یه چیزی بخرم
Then take my car .	پس ماشین منو بردار
Take my car.	ماشین منو بردار
I can't take your car .	نمیتونم ماشین تو رو بردارم
Why?	چرا؟
Because I'm going to take mine.	چون خیال دارم مال خودمو بردارم
I don't think your car has enough gas.	فکر نمیکنم ماشین تو بنزین کافی داشته باشه
Ali, I have to go to the supermarket.	علی ، من باید برم سوپرمارکت
Can I take your car?	میتونم ماشین تو رو بردارم؟
Sure	حتماً
What do you want to buy at the supermarket?	چی میخوای تو سوپرمارکت بخری؟
I want to buy some food.	میخوام کمی غذا بخرم
And some coffee for you	و کمی قهوه واسه تو
I don't drink coffee anymore.	من دیگه قهوه نمیخورم
Really?	واقعاً
And tea?	چای چطور؟
I still drink tea.	چای هنوزم میخورم
You can buy some tea.	میتونی کمی چای بخری .
Hi, Ali. How are you?	سام علیک علی چطوری؟
Not bad, thanks.	بد نیستم ، مرسی
How far is it to Shiraz?	
It's sixty kilometers.	شصت کیلومتره .
It's thirty-seven miles.	سی و هفت مایله
Excuse me. Where's the restroom?	بیخشید دستشویی کجاست؟
It's over there.	اونها اونجاست
It's over here.	اینها اینجاست
Excuse me. Which way is the mall?	بیخشید پاساژ کدوم طرفه؟
Go straight ahead.	مستقیم برید
Then Turn left.	بعد بپیچید چپ

I can't turn left there.

نمیتونم اونجا چپ بپیچم.

How long does Mina want to stay here?

She's staying here for twenty days.

واسه بیست روز داره اینجا میمونه

And then she wants to go to Hamadan.

و بعد میخواه بره به همدان

Does she still live in Hamadan?

آیا اون هنوزم در همدان زندگی میکنه؟

Not anymore

نه دیگه .

She Lives in Tehran now.

اون الان در تهران زندگی میکنه

Our house

خونه ما

Our house is three thousand square feet.

خونه ما سه هزار فوت مربعه

It's two hundred fifty square meters.

دویست و پنجاه متر مربعه

It's too big.

خیلی بزرگه.

For three people

واسه سه نفر.

I can't find it.	نمیتونم پیدااش کنم
I want to go to the grocery store.	میخوام برم خواربار فروشی
It's on your right.	دست راسته
I see it.	میبینمش
I don't work here.	من اینجا کار نمیکنم
I'm not at work.	سر کار نیستم
I have a question.	من یه سوال دارم
The mall's not open now.	الان پاساژ باز نیست
It's closed now.	الان بسته است.
They close early, too.	اوناهم زود میبندن.

I'm going to Sweden.	دارم میرم سوئد
I'm staying for ten days.	مدت ده روز میمونم

And then I'm going to Holland.	و بعد دارم میرم هلند
For how long?	واسه چه مدت؟
For a day	واسه یه روز

How many kilometers?	چند کیلومتر؟
How many days?	چند روز؟
How many days are you going to stay?	چند روز خیال داری بمونی؟
In Iran	تو ایران؟

How many days are you going to stay in Iran?	چند روز خیال داری تو ایران بمونی؟
Twenty days	بیست روز

I have to go to the gas station.	باید برم پمپ بنزین
Do you know where the gas station is?	آیا میدونی پمپ بنزین کجاست؟
Go straight ahead.	مستقیم برو
Then turn left.	بعد بپیچ به چپ

Then you have to turn right.	بعد باید بپیچی راست
Thanks a lot.	خیلی ممنون

We're going to have dinner later.	خیال داریم بعداً شام صرف کنیم
With whom?	با کی؟
With our children	با بچه هامون
Would you like to come with us?	دلت میخواد با ما بیای؟
Sure	حتماً
But I don't have a car.	ولی ماشین ندارم
We can take my car.	میتونیم ماشین منو برداریم

Ours is at our house.	مال ما خونمونه ( در خونمون )
-----------------------	------------------------------

I still owe you some money.  
I don't think so.

من هنوزم یه کم پول بهت بدهکارم  
فکر نکنم

Now listen to this.

حالا به این گوش بدید ( تاکید )

### مکالمه

---

سلام سارا. چطوری؟

A: Hi, Sarah. How are you?

بد نیستم.

B: Not bad.

داری با ما میری پاساژ؟

A: Are you going to the mall with us?

دلم میخواد امشب خونه بمونم.

B: I'd like to stay home tonight.

اما تو باید بیای. ما نمیدونیم پاساژ کجاست.

A: But you have to come. We don't know where the mall is.

آیا با ماشین میرید؟

B: Are you going by car?

آره.

A: Yes, we are.

آیا داری ماشینت رو برمیداری؟

B: Are you taking your car?

نه، ما میخوایم مال تو رو برداریم.

A: No, we want to take yours.

کدوم پاساژ میخواید برید؟

B: Which mall do you want to go to?

چند تا پاساژ اونجا هستن؟

A: How many malls are there?

چهارتا پاساژ هستن از اینجا دور نیستن.

B: There are four malls not far from here.

ما میخوایم بریم به یکی تو خیابان وستود .

A: We want to go to the one on Westwood Avenue.

چه مدت قصد دارید در پاساژ بمونید؟

B: How long are you going to stay at the mall?

نمیدونیم.

A: We don't know.

چرا هر روز میرید پاساژ؟

B: Why do you go to the mall every day?

ما دیگه هر روز نمیریم. لطفاً بهم بگو پاساژ کجاست.

A: We don't go every day anymore. Tell me where the mall is, please?

مستقیم برو ، ولی دور نرو. بعد بپیچ سمت راست.

B: Go straight ahead, but don't go too far , then turn right.

اوکی . خیلی ممنون. بای .

A: Okay. Thanks a lot. Goodbye.

بای.

B: Goodbye.

---

Which way is the beach?

Is it this way?

It's over there.

کنار دریا کدوم طرفه؟

آیا این طرفه؟

اوناها اونجاست

But I can't find it.

I know it's here.

ولی نمیتونم پیدااش کنم

میدونم اینجاست

And I'm going to find it.

و تصمیم دارم پیدااش کنم

Where's your car?

I can't find it.

نمیتونم پیدااش کنم

We're trying to go earlier.

Where's your car?

داریم سعی میکنیم زودتر بریم

ماشینت کجاست؟

I'm still trying to find it.

We can take my car.

Where do you want to go?

هنوزم دارم سعی میکنم پیدااش کنم

میتونیم ماشین منو برداریم

کجا میخوای بری؟

To the grocery store I want to go to the grocery store.	به خواربار فروشی میخوام برم خواربار فروشی
But we have to find it. Which grocery store? The one on Elm Street	ولی باید پیدا کنیم کدوم خواربار فروشی اون یکی تو خیابون علم
There are a lot of grocery stores here.	یه عالمه خواربار فروشی اینجا هست.
But we can't find one. It's on your right.	ولی ما نمیتونیم یکی پیدا کنیم سمت راسته ( دست راسته )
It's not on my right. Maybe it's on my left.	دست راستم نیست شاید دست چپمه
I'm sure it's on your right. But we can't find it.	من مطمئنم دست راسته ولی نمیتونیم پیدا کنیم
There are more grocery stores at the beach. But we have to find the beach.	خواربار فروشی های بیشتری کنار دریا هستند ولی باید کنار دریا رو پیدا کنیم
I see it. I can see it from here. The grocery store or the beach?	میبینمش میتونم از اینجا ببینمش خواربار فروشی رو یا کنار دریا رو؟
Which one do you see? I can see the beach from here.	کدوم یکی رو میبینی؟ من کنار دریا رو از اینجا میتونم ببینم
But I can't see it very well.	ولی من نمیتونم خیلی خوب ببینمش
What can I do for you? Where can I find coffees?	چه فرمایشی دارید؟ ( چه خدمتی از من ساخته است؟ ) کجا میتونم قهوه پیدا کنم؟
They're on your right. And tea? They're on your left.	دست راستتون چای چطور؟ دست چپتون
Where can I find a Pepsi? Go straight ahead then, turn left.	کجا میتونم یه پپسی پیدا کنم؟ مستقیم برید ، بعد بپیچید چپ
Do you see it? I only see Coke. Then it's on your right.	آیا میبینیدش؟ من فقط کوکا میبینم پس سمت راستونه
Do you know where the jams are?	
I don't work here.	من اینجا کار نمیکنم



Then where do you work? I work at home. Are you working now?	پس تو کجا کار میکنی؟ من در منزل کار میکنم آیا الان داری کار میکنی؟
No, I'm not at work. I'm not at work. I work with my son.	نه، سر کار نیستم سر کار نیستم من با پسرم کار میکنم
Is he at work now? Yes, he is.	آیا اون الان سر کاره؟ جواب مثبت کوتاه
Does he work tomorrow, too? Yes, he works every day.	آیا فردا هم کار میکنه؟ آره هر روز کار میکنه
Do you see him a lot? Yes, I do. Does he have a car? Yes, he has a car.	آیا زیاد میبینیش؟ جواب مثبت کوتاه آیا ماشین داره؟ آره ماشین داره
The big one	بزرگه
a better car a better one	یه ماشین بهتر یکی بهتر ( یه دونه بهتر )
But he wants to buy a better one. He's at work now.	ولی میخواهد یه دونه بهتر بخره الان سر کاره.
Can you find a car for me, too? Sure	آیا میتونی واسه من هم یه ماشین پیدا کنی؟ حتماً
Now ask me which one mine is? Which one is yours? Say that car over there is yours. That car over there is mine.	حالا ازم بپرسید " کدوم یکی مال منه؟ کدوم یکی مال توه؟ بگید اون ماشین اونجا مال توه. اون ماشین اونجا مال منه.
Where's your daughter now? My daughter's at work.	الان دخترت کجاست؟ دخترم سر کاره
Do your children work together? No	آیا بچه هات با هم کار میکنن؟ نه
My daughter works. At the grocery store	دخترم کار میکنه در خواربار فروشی
My daughter works at the grocery store. Do you see her a lot? No, I don't.	دخترم در خواربار فروشی کار میکنه آیا اونو زیاد میبینی؟ جواب منفی کوتاه

I don't see her every day.	هر روز نمیبینمش
I have a question. Does your son work at home, too? Yes, he does.	من یه سوال دارم. آیا پسرت هم در منزل کار میکنه؟ جواب مثبت کوتاه
I'd like to ask you a question. Can you find my wallet for me?	آیا میتونی واسم کیف پولمو پیدا کنی؟
It's over there. Do you see it? Where? On my left? No, it's on your right.	اونها اونجاست. آیا میبینیش؟ کجا؟ سمت چپم؟ نه سمت راسته.
We're going to the mall. But it's not open now. The mall's not open now. The mall isn't open now.	داریم میریم پاساژ ولی الان باز نیست الان پاساژ باز نیست
But the grocery store is open. The mall's not open anymore. The mall isn't open anymore. It's closed now.	ولی خواربار فروشی بازه پاساژ دیگه باز نیست. الان بسته است.
The grocery store is closed, too. They open in the morning.	خواربار فروشی هم بسته است صبح باز میکنن
But they're closed for tonight. Then I have to go to the supermarket.	ولی واسه امشب بسته اند پس باید برم سوپرمارکت.
They close early, too. They close early tonight.	اونها هم زود میبندن امشب زود میبندن.
I can't find my wallet. It's over there. I can't see it.	کیف پولمو نمیتونم پیدا کنم. اونها اونجاست. نمیتونم ببینمش .
Now say the mall is going to close early tonight. The mall is going to close early tonight. It closes at six o'clock.	

---

Find  
I can't find it.  
Grocery  
Grocery store  
Work  
Which?  
Wife  
Work  
I work here.  
I'm at work now.  
Question  
Close  
We close at nine.  
Closes  
The mall closes at nine.  
Closed  
The mall is closed.

---

I have to work tonight, too. امشب هم باید کار کنم.  
The restaurants are still open. رستورانها هنوزم بازن  
My son works at a restaurant. پسرهم در یه رستوران کار میکنه

I have to ask him a question. من باید یه سوال ازش بپرسم.  
Okay. You can see him tomorrow. اوکی . فردا میتونی ببینیش.

Is he working tomorrow? آیا فردا داره کار میکنه؟  
Does he work tomorrow? آیا فردا میکنه؟  
He works every day. هر روز کار میکنه.

But they close earlier tomorrow. ولی فردا زودتر میبندن.  
I don't want to see him at work. نمیخوام سر کار ببینمش

The malls are closed tomorrow. فردا پاساژا بسته اند.  
But the stores are still open. ولی مغازه ها هنوزم بازن.  
We can go to the grocery store together. میتونیم با هم بریم خواربار فروشی

But where is it? ولی کجاست؟  
I can't find it. نمیتونم پیدااش کنم.

It's over there on your right. اوناها اونجا سمت راسته.  
Can you see it? میتونی ببینیش؟  
No, I'm still trying to find it. نه ، هنوزم دارم سعی میکنم پیدااش کنم.

Are you still at work?

Yes, I am.

آیا هنوزم سر کاری؟

جواب مثبت کوتاه

Can you come earlier tonight?

Sure, why not?

Okay. Goodbye.

Goodbye

میتونی امشب زودتر بیای؟

حتماً ، چراکه نه؟

اوکی ، بای.

بای.

Five o'clock in the afternoon	ساعت پنج بعد از ظهر
Thank you very much.	خیلی متشکرم
Is this the way to Los Angeles?	آیا این راه لس آنجلسه؟
This way goes to San Francisco.	این راه به سانفرانسیسکو میره.
It goes to San Francisco.	میره به سانفرانسیسکو.
Go to the left.	برو به چپ ( سمت چپ )
Go to the right.	برو به راست ( سمت راست )
It's to the left.	سمت چپه.
It's to the right.	سمت راسته.
It's only a few miles.	فقط یه چند مایله.
I only have a few friends there.	من اونجا فقط یه چندتایی رفیق دارم.
That's right.	اون درسته. ( صحیحه )
Say hi to your family for me.	سلام منو به خانوادت برسون

---

What can I do for you?	چه فرمایشی دارید؟
How much is this book?	این کتاب چنده؟
It's nineteen dollars.	نوزده دلار
Would you like to buy it?	آیا مایلید بخریدش؟
Yes, I would.	جواب مثبت کوتاه
That's too expensive for me.	اون خیلی واسم گرونه
I don't have enough money with me.	پول کافی همراهم ندارم
Can I ask you a question?	میتونم یه سوال ازت بپرسم؟
Sure	حتماً
Do you need your car today?	آیا ماشینتو امروز لازم داری؟
No, I don't.	جواب منفی کوتاه
I have to go to Karaj.	من باید برم به کرج
Can I borrow it?	میتونم قرضش کنم؟
Yes, you can take it.	آره میتونی برش داری
Where's my wallet?	کیف پولم کجاست؟
I can't find it.	نمیتونم پیدااش کنم
Where are you going?	کجا داری میری؟
I'm going to the grocery store.	دارم میرم خواربار فروشی
Can you buy some milk?	آیا میتونی مقداری شیر بخری؟
We don't have milk anymore.	دیگه شیر نداریم
Sure	حتماً
Do we need rice, too?	آیا برنج هم احتیاج داریم؟
No, we have rice.	نه برنج داریم
Where do you work?	کجا کار میکنی؟
I work at the mall.	در پاساژ کار میکنم

Where's your husband? He's at work.	شوهرت کجاست؟ سر کاره.
Is the mall open? No, it's closed.	آیا پاساژ بازه؟ نه بسته است
At what time do they open? At nine o'clock in the morning	ساعت چند باز میکنند؟ ساعت نُه صبح
The mall closes at nine. The malls close at nine.	پاساژ نُه میبندد. پاساژا نُه میبندن.
Excuse me, Miss. What time do you close? We close at six. We close at six o'clock.	بخشید خانم ، ساعت چند میبندید؟ شش میبندیم. ساعت شش میبندیم.
And what time do you open tomorrow? We open at nine.	و ساعت چند فردا باز میکنید؟ نُه باز میکنیم
Good morning Good afternoon Five o'clock in the morning Five o'clock in the afternoon	صبح بخیر بعد از ظهر بخیر ساعت پنج صبح ساعت پنج بعد از ظهر
I'd like to speak to your husband.	دلم میخواد با شوهرتون صحبت کنم
Can I ask who you are? Sure, I'm James. Hello, James. Nice to meet you. Nice to meet you, too. I'm sorry, he's not home.	میتونم بپرسم شما کی هستید؟ حتماً ، من جیمزم سلام جیمز. از ملاقاتتون خوشبختم منم از ملاقاتتون خوشبختم متاسفم ، منزل نیست.
Do you know where can I find him? No, I don't know where he is. All right, then.	میدونید کجا میتونم پیدااش کنم؟ نه ، نمیدونم کجاست. باشه پس.
Thank you very much. Excuse me. Where's the Persian restaurant? Go straight ahead. And then turn right.	خیلی متشکرم بخشید رستوران ایرانیه کجاست؟ مستقیم برید و بعد بپیچید راست
Go for three miles. The Persian restaurant is on your left. Thank you very much. You're welcome. Go straight ahead.	واسه سه مایل برید رستوران ایرانیه سمت چپتونه. خیلی متشکرم خواهش میکنم مستقیم برو

Go to the left.	برو به چپ
Left	چپ
Right	راست
Go to the right.	برو به راست
It's to the left.	سمت چپه.
It's to the right.	سمت راسته.
It's on your right.	دست راستتونه.
It's on your left.	سمت چپتونه.
Excuse me. Which way is Los Angeles?	بیخشیید لس آنجلس کدوم طرفه؟
It's to the left.	سمت چپه.
Can I go straight ahead.	آیا میتونم مستقیم برم؟
Tell me straight ahead doesn't go to Los Angeles.	
Straight ahead doesn't go to Los Angeles.	
It goes to San Francisco.	میره به سانفرانسیسکو
Which?	کدوم؟
Which way?	کدوم طرف؟ ( کدوم راه )
Way	راه
Is this the way to Vancouver?	آیا این راه ونکووره؟
No, this is the way to Toronto.	نه ، این راه تورنتوه.
Way	راه
This way	این راه
This way goes to Toronto.	این راه میره به تورنتو.
Is this the way to New York?	آیا این راه نیویورکه؟
Yes, this is the way to New York.	آره ، این راه نیویورکه.
Is New York very far from here?	آیا نیویورک از اینجا خیلی دوره
No, it isn't.	جواب منفی کوتاه
Yes, it is.	جواب مثبت کوتاه
It's only a few miles.	فقط یه چند مایله.
a few miles	یه چند مایل
a few kilometers	یه چند کیلومتر.
How far is New York?	نیویورک چقدر دوره؟
It's only a few miles.	فقط یه چند مایلیه.
Only a few miles	فقط یه چند مایلی.
Only a few dollars	فقط یه چند دلاری.
Do you have any money?	پول داری؟
Only a few dollars	فقط یه چند دلاری.

a few dollars  
a few friends

یه چند دلاری  
یه چند تایی رفیق.

Do you have any friends in New York?

آیا هیچ دوستایی تو نیویورک داری؟

Not a lot

خیلی نه.

I only have a few friends there.  
But they're very good friends.  
I can't find the Hollywood Street.  
Is this the way to Hollywood?  
Yes, it is.

اونجا فقط یه چند تایی رفیق دارم.  
ولی اونا دوستای خیلی خوبیند  
نمیتونم خیابون هالیوود رو پیدا کنم.  
آیا این راه هالیووده؟  
جواب مثبت کوتاه

Where does your husband work?  
He works in Canada.

شوهرتون کجا کار میکنه؟  
تو کانادا کار میکنه.

What does he do there?  
He has a gas station.

اونجا چکار میکنه؟  
پمپ بنزین داره.

Does your son work there, too?  
No, he works here in Los Angeles.

آیا پسرتون هم اونجا کار میکنه؟  
نه، اون اینجا تو لس آنجلس کار میکنه.

He works a lot.

اون خیلی کار میکنه.

I don't see him every day.

There are a lot of Persian grocery stores here.

یه عالمه خواربار فروشی ایرانی اینجا هستنند.

Do you see the store over there?  
No, I can't see it.  
Over there?

نه، نمیتونم ببینمش.  
اونها اونجا

Yes, I see it now.  
That's the Persian store.  
But I think it's closed now.

آره، حالا میبینمش.  
اون مغازه ایرانیه است.  
ولی فکر کنم الان بسته است.

Are you going to see Sarah tomorrow?

آیا خیال داری سارا رو فردا ببینی؟

Yes, why?  
Tell her.

آره، چطور مگه؟  
بشش بگو.

My wife wants to speak to her.

خانمم میخواد باهاش صحبت کنه.

Can I take your car?  
No, I need my car today.  
Sarah is not from Iran.

میتونم ماشینتو بردارم؟  
نه، ماشینمو امروز لازم دارم.  
سارا اهل ایران نیست.



That's right. (اون درستہ ( صحیحہ )  
Sarah's from Canada. سارا اهل کاناداست.

That's right. She's from Canada. درستہ ، اون اهل کاناداست.  
Is that right? آیا اون درستہ؟

I owe you two hundred dollars. Is that right? من دوہست دلار بہت بدھکارم . آیا درستہ؟  
I don't think that's right. فکر نمیکنم اون درستہ.  
Why? چرا؟

Because you only owe me one hundred eighty dollars. چون فقط صد و ہشتاد دلار بہم بدھکاری .  
When are you going to see your family? کی خیال داری خانوادتو ببینی؟  
Tomorrow فردا

Say hi to your family for me. سلام منو بہ خانوادت برسون . ( سلام خودمونی )  
Say hi to your husband for me. بہ شوہرت سلام منو برسون

#### مکالمہ

---

صبح بخیر.  
A: Good morning.

صبح بخیر . امروز قصد داری چکار کنی؟  
B: Good morning. What are you going to do today?

خیال دارم یہ چند تایی از دوستامو ببینم . تو چطور؟ قصد داری چکار کنی؟  
A: I'm going to see a few friends. And you? What are you going to do?

من دارم میرم تگزاس.  
B: I'm going to Texas.

چرا بہ تگزاس؟  
A: Why to Texas?

چون خانوادم اونجا زندگی میکنن .  
B: Because my family lives there.

آیا خانوادت میدونن کہ تو داری میری اونجا؟  
A: Does your family know you're going there?

فکر کنم.  
B: I think so.

تگزاس از اینجا خیلی دوره.  
A: Texas is very far from here.

درسته . یه چند صد مایلی هست.  
B: That's right. It's a few hundred miles.

اوکی ، پس سلام منو به خانوادت برسون.  
A: Okay, then. Say hi to your family for me.

مرسی . بای .  
B: Thanks. Goodbye.

بای .  
A: Goodbye.

---

Is this the way to the mall?  
No, it's not.

آیا این راه پاساژه؟  
جواب منفی کوتاه

I can't find the way to London.  
Why not?  
I don't know.

چرا نه؟  
نمیدونم

What do you want to do in London?  
I want to see my son.  
He works there.

میخواهی تو لندن چکار کنی؟  
میخوام پسرمو ببینم  
اون اونجا کار میکنه.

Where is he now?  
Is he at home?  
No, he's at work.

اون الان کجاست؟  
آیا منزله؟  
نه ، سرکاره.

I can tell you which way London is.  
Go to the right.  
And then go straight ahead.

من میتونم بهت بگم لندن کدوم طرفه.  
برو به راست.  
و بعد مستقیم برو.

For five kilometers  
Thank you very much.  
You're welcome.

واسه پنج کیلومتر.  
خیلی متشکرم  
خواهش میکنم.

---

Thank you  
Thank you very much.  
Way  
This way  
That way  
The way to London  
This way goes to London.  
a few  
a few dollars  
a few friends  
a few kilometers  
Right  
That's right.

---

The mall is closed now.  
But I think they're open now.

پاساژ الان بسته است.  
ولی من فکر میکنم اونا الان بازن.

a few friends  
a few Persian stores

یه چند تا دوست  
یه چند تا فروشگاه ایرانی

There are only a few Persian stores here.

اینجا فقط یه چند تایی فروشگاه ایرانی هستن

That's right.

درسته.

Do you work here?

آیا شما اینجا کار میکنید؟

Yes, what can I do for you?

بله ، چه فرمایشی دارید؟

Is Shiraz very far from here?

آیا شیراز از اینجا خیلی دوره؟

Yes, it is.

جواب مثبت کوتاه.

No, it's not.

جواب منفی کوتاه

Alone	تنها
I live here alone.	من اینجا تنها زندگی میکنم
Parents	والدین ( پدر و مادر )
I get up at seven o'clock every day.	من هر روز ساعت هفت بلند میشم
Get up. It's eight o'clock.	بلند شو ساعت هشته.
What does that mean?	معنی اون چیه؟ ( اون چه معنی میده؟ )
Word	کلمه
The word parents	لغت والدین
What does the word parents mean?	کلمه والدین چه معنی میده؟
It means.	یعنی
Arrive	رسیدن ( وارد شدن )
Answer this question.	جواب این سوال رو بده
For a few days	واسه یه چند روزی

---

Seven o'clock in the morning	ساعت هفت صبح
Early in the morning	صبح زود
Can you come earlier?	میتونی زودتر بیای؟
Why not?	چرا که نه؟
What time?	ساعت چند؟
Eight o'clock in the morning	ساعت هشت صبح.
Is this the way to Toronto?	آیا این راه تورنتوه؟
That's right.	درسته.
Thank you very much.	خیلی متشکرم.
I have a few friends in Los Angeles.	من یه چند تایی رفیق تو لس آنجلس دارم
They work there.	اونجا اونجا کار میکنن.
Turn left.	بپیچ چپ
Turn right.	بپیچ راست
The mall's on your right.	پاساژ سمت راسته.
The gas station is on your left.	پمپ بنزین سمت چپه.
Go straight ahead.	مستقیم برو
Go to the left.	به سمت چپ برو
Go to the right.	به سمت راست برو
Excuse me. Which way is Tehran?	بخشید تهران کدوم طرفه؟
Is it that way?	آیا اون طرفه؟
No, that way goes to Mashhad.	نه، اون راه میره به مشهد.
The way to Tehran is to the left.	راه تهران سمت چپه.
It's to the left.	سمت چپه.
It's to the right.	سمت راسته.

I'm sorry. I don't know.	متاسفم . نمیدونم
When is your family going to Canada? Five o'clock in the afternoon	خانوادتون کی داره میره به کانادا؟ ساعت پنج بعد از ظهر.
I'm going to the grocery store. Is Mina going with you, too?	دارم میرم خواربار فروشی آیا مینا هم داره باهات میره؟
No, I'm going alone. I'm going alone. Alone	نه ، تنها دارم میرم. تنها دارم میرم تنها
Ask me if I am alone at home? Are you alone at home?	
Yes, I am. No, I'm not. Does Mina want to go to the mall? Yes, she does.	جواب مثبت کوتاه جواب منفی کوتاه آیا مینا میخواد بره پاساژ؟ جواب مثبت کوتاه
Is Ali going with her, too? I don't know. I think so. I don't think so.	آیا علی هم داره باهاش میره؟ نمیدونم فکر کنم. فکر نکنم
Yes, they want to go together. No, Mina's going alone. She's going alone.	آره ، میخوان با هم برن. نه ، مینا تنها داره میره. مینا تنها داره میره.
Now ask me What time I go to work? What time do you go to work? Ten o'clock in the morning That's very late.	
What time do you get up in the morning? I get up at nine o'clock.	صبح ساعت چند بیدار میشی؟ ساعت نه بلند میشم
Do you get up at nine o'clock? Yes, why? Because that's very late.	آیا ساعت نه بلند میشی؟ آره چرا؟ چون اون خیلی دیره.
I know but I can't get up earlier. I have a question.	میدونم ، ولی نمیتونم زودتر بلند شم من یه سوال دارم
I can't answer that. Answer Tell me.	نمیتونم اونو جواب بدم. جواب بهم بگو

Answer me.	بہم جواب بدید
Answer	جواب بدید
Do you live here alone?	آیا تو اینجا تنها زندگی میکنی؟
No, I live with my daughter.	نه ، با دخترم زندگی میکنم.
Where do you work?	کجا کار میکنی؟
I work at a grocery store.	توی خواربار فروشی کار میکنم.
What time do they open?	اونا ساعت چند باز میکنن؟
They open at ten o'clock.	اونا ساعت ده باز میکنن.
I need a car.	من یه ماشین لازم دارم
Can I take yours?	آیا میتونم مال تو رو بردارم؟
I need twenty dollars.	من بیست دلار لازم دارم.
Can I take twenty dollars?	آیا میتونم بیست دلار بردارم؟
From your wallet	از کیف پولت؟
Can I take twenty dollars from your wallet?	آیا میتونم بیست دلار از کیف پولت بردارم؟
I don't know where my wallet is.	نمیدونم کیف پولم کجاست.
It's over there.	اوناها اونجاست.
Where?	کجا؟
There, on the floor	اونجا ، روی زمین.
Excuse me, Miss. Do you work here?	بخشید دختر خانم ، آیا شما اینجا کار میکنید؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
No, I don't.	جواب منفی کوتاه
No, I don't work here.	نه ، من اینجا کار نمیکنم.
Yes, what can I do for you?	آره، چه امری دارید؟
Where do you work?	کجا کار میکنی؟
At a gas station	در یه پمپ بنزین
When do you go to work?	کی میری سر کار؟
I go to work early in the morning.	صبح زود میرم سر کار.
What time do you get up?	چه ساعتی بلند میشی؟
I get up at five.	پنج بلند میشم.

سلام جیم.

A: Hello, Jim.

سلام مایکل.

B: Hi, Michael.

چطوری؟

A: How are you?

من خوبم. مرسی. شما چطور؟

B: I'm fine, thanks. And you?

منم خوبم. متشکرم. جیم فردا داری میری لندن؟

A: I'm fine, too. Thank you. Jim, are you going to London tomorrow?

نه. چطور مگه؟

B: No, why?

ماشینم خوب کار نمیکند. میتونم مال تو رو قرض کنم واسه فردا؟

A: My car doesn't work well. Can I borrow yours for tomorrow?

مطمئن نیستم. فکر میکنم خانمم ماشینمو لازم داره. اما میتونم ازش بپرسم. میتونی منتظر بمونی؟

B: I'm not sure. I think my wife needs my car, but I can ask her. Can you wait?

حتماً.

A: Sure.

سارا، فردا ماشین منو لازم داری؟

B: Sarah, do you need my car tomorrow?

آره. چطور مگه؟

C: Yes, I do. Why?

چون مایکل واسه فردا ماشین لازم داره.

B: Because Michael needs a car for tomorrow.

خوبه. اون میتونه ماشین تو رو برده. من میتونم برم سر کار با مال خودم.

C: Fine, he can take your car. I can go to work with mine.

مایکل؟

B: Michael?

بله؟

A: Yes?

اون خیال داره ماشینشو برداره فردا. تو میتونی مال منو داشته باشی.  
B: She's going to take her car tomorrow. You can have mine.

اوه. خیلی ممنونم.  
A: Oh, thanks a lot.

فردا داری کجا میری؟  
B: Where are you going tomorrow?

من دارم میرم منچستر.  
A: I'm going to Manchester.

داری تنها میری؟  
B: Are you going alone?

آره.  
A: Yes, I am.

در چه ساعتی؟  
B: At what time?

در ساعت شش صبح.  
A: At six o'clock in the morning.

پس تو باید صبح زود بیدار بشی.  
B: Then you have to get up early in the morning.

درسته. من خیال دارم پنج بلند شم.  
A: That's right. I'm going to get up at five.

منچستر چقدر از اینجا دوره؟  
B: How far is Manchester from here?

فقط یه چند صد مایله.  
A: It's only a few hundred miles.

خیال داری خانوادتو اونجا ببینی؟  
B: Are you going to see your family there?

آره.  
A: Yes, I am.

اوکی. پس سلام ما رو به خانوادت برسون.  
B: Okay. Then say hi to your family for us.

مرسی. بای.  
A: Thanks. Goodbye.



باي.  
B: Goodbye.

---

Does your husband speak English well? آیا شوهرت انگلیسی خوب صحبت میکنه؟  
No, he doesn't speak well. نه ، خوب صحبت نمیکنه.

Does your car work well? آیا ماشینت خوب کار میکنه؟  
No, my car doesn't work well. نه ، ماشینم خوب کار نمیکنه.

No, it doesn't work well.  
Yes, it works well. آره خوب کار میکنه.

I want to go to a restaurant tonight. من میخوام امشب برم به یه رستوران.  
With whom? با کی؟

With my parents با پدر و مادرم ( والدینم )  
Parents والدین ( پدر و مادر )

My parents live in Iran. پدر و مادرم تو ایران زندگی میکنن.  
Where are your parents? والدینتون کجان؟  
They're over there. اوناهاش اونجان.

Do they speak English? آیا اونا انگلیسی صحبت میکنن؟  
A little یه خورده

What does that mean? معنی اون چیه؟ ( اون یعنی چی؟ )  
Ask me what that means? از من بپرسید معنی اون چیه؟  
What does that mean? معنی اون چیه؟

Now ask me if I know what that means? حالا از من بپرسید که آیا من میدونم معنی اون چیه؟  
Do you know what that means? آیا میدونی معنی اون چیه؟

The word parents کلمه والدین  
Parents پدر و مادر  
Word کلمه.

Ask me what the word parents means. از من بپرسید لغت والدین چه معنی میده؟  
What does the word parents mean? لغت والدین چه معنی میده؟

It means. یعنی.

Ask me what the word alone means? از من بپرسید معنی لغت تنها چیه؟  
What does the word alone mean? معنی لغت تنها چیه؟  
It means....

My parents live with me.  
Do your parents live with you?  
No, my parents live in Iran.

والدینم با من زندگی میکنند.  
آیا والدینت با تو زندگی میکنند؟  
نه ، والدینم تو ایران زندگی میکنند.

I live here alone.  
But they're coming here.  
When?  
Tomorrow at eight o'clock

من اینجا تنها زندگی میکنم  
ولی اونا دارن میان اینجا.  
کی؟  
فردا ساعت هشت.

They arrive at eight o'clock.  
What does the word arrive mean?  
It means....

اونا ساعت هشت میرسند.  
معنی کلمه رسیدن چیه؟

They arrive at eight o'clock.

اونا ساعت هشت میرسند.

We're going to Chicago.  
For how long?  
For a few days

ما داریم میریم شیکاگو.  
واسه چند وقت؟  
واسه یه چند روزی.

I'm going to Los Angeles.  
I'm going to Los Angeles for a few days.

دارم میرم لس آنجلس.  
دارم واسه یه چند روزی میرم لس آنجلس.

Why are you going to Los Angeles?  
I want to see my parents.

چرا داری میری لس آنجلس؟  
میخوام والدینم رو ببینم.

How long are you going to stay?  
We're going to stay for a few days.

چند وقت خیال داری بمونی؟  
خیال داریم واسه یه چند روزی بمونیم.

---

Alone

Live

I live here alone.

Get up

Answer

Answer my question.

Parents

My parents live in Iran.

Mean

It means.

Word

Arrive

---

We're going to Toronto for a few days. داریم واسه یه چند روزی میریم تورنتو.  
Then we want to go to Vancouver. بعد میخوایم بریم ونکور.

Is Ali going with you? آیا علی داره باهات میره؟  
No, he stays home. نه ، اون منزل میمونه.

Do you want to drink something? آیا میخوای یه چیزی بنوشی؟  
Yes, I do. جواب مثبت کوتاه

Do you like coffee? قهوه دوست داری؟  
Yes, I like coffee. آره ، قهوه دوست دارم.  
No, I don't like coffee. نه ، قهوه دوست ندارم.

I'd like to go to Toronto. دلم میخواد برم تورنتو  
Why? چرا؟

Because I like Toronto. چون تورنتو رو دوست دارم.  
Would you like some tea? آیا کمی چای میل داری؟  
No, thanks. I don't like tea. نه ، مرسی چای دوست ندارم.

I like your car. از ماشینت خوشم میاد  
I like your house. از خونت خوشم میاد

Do you like my car? آیا از ماشینم خوشت میاد؟  
Do you like our house? آیا از خونمون خوشت میاد؟  
Yes, I do. جواب مثبت کوتاه

I don't like this car. من از این ماشین خوشم نمیاد

Now ask me when my parents arriving tomorrow? حالا ازم بپرسید والدینم فردا کی دارن میرسن ؟  
When are your parents arriving tomorrow? والدینت فردا کی دارن میرسن؟  
They arrive at seven o'clock. اونا ساعت هفت میرسن.

Tell me you have to get up early tomorrow. بهم بگید تو باید فردا زود بلند شی.  
I have to get up early tomorrow. من باید فردا زود بلند شم .  
Get up! It's eight o'clock. بلند شو ، ساعت هشته.

You have to stay home. تو باید منزل بمونی.

Tell me you don't want to stay home alone. بهم بگید تو نمیخوای تنها خونه بمونی.  
I don't want to stay home alone. من نمیخوام تنها خونه بمونم.

I'm going to Tehran for a few days. من دارم واسه یه چند روزی میرم تهران.

Now tell me you can't answer my question. حالا بهم بگید " تو نمیتونی جواب سوالمو بدی.  
I can't answer your question. من نمیتونم جواب سوالتو بدم.  
You have to speak with my son. شما باید با پسر من صحبت کنید.

Have you been in Los Angeles?	آیا لس آنجلس بودی؟
No, I haven't been there yet.	نه هنوز اونجا نبودم ( نبوده ام )
Yesterday	دیروز
Week	هفته
How long have you been here?	چند وقته اینجاایی؟
Since yesterday	از دیروز
That's great.	عالیه
New	جدید
Do you like my new car?	از ماشین جدیدم خوشت میاد؟
See you later.	بعداً میبینمت
We don't have much time.	وقت زیادی نداریم

---

Get up! It's ten o'clock.	بلند شو ، ساعت ده
Do your parents live here?	آیا پدر و مادرت اینجا زندگی میکنن؟
Yes, they do.	جواب مثبت کوتاه
No, they don't.	جواب منفی کوتاه
No, I live here alone.	نه ، من اینجا تنها زندگی میکنم

How long do you want to stay in Iran?      چند وقت میخوای در ایران بمونی؟

I still don't know.      هنوزم نمیدونم  
 Maybe for a few days      شاید واسه یه چند روزی

I don't like this dress.      من از این لباس خوشم نمیاد  
 Do you like my new car?      از ماشین جدیدم خوشت میاد؟  
 What does the word new mean?      معنی کلمه جدید چیه؟  
 It means ....      یعنی

New      جدید  
 A new car      یه ماشین جدید  
 My car      ماشینم  
 My new car      ماشین جدیدم

Do you like my new car?      از ماشین جدیدم خوشت میاد؟  
 Yes, I do.      جواب مثبت کوتاه  
 Yes, I like your new car.      آره ، از ماشین جدیدت خوشم میاد

This is my new car.      این ماشین جدیدمه

Do you like it?      ارزش خوشت میاد؟  
 Yes, I like it.      آره ، ارزش خوشم میاد

Our new house      خونه جدیدمون  
 Do you like our new house?      از خونه جدیدمون خوشت میاد؟  
 Yes, I like it.      آره ، ارزش خوشم میاد

علی و مینا دارن میرن سوئد ، سحر میپرسه : Ali and Mina are going to Sweden, Sahar asks :

آیا خیال دارین بیرن به استکهلم؟ Are you going to go to Stockholm?

جواب منفی کوتاه No, we're not.

No, we aren't.

جواب مثبت کوتاه Yes, we are.

واسه چند وقت؟ For how long?

چند وقت خیال دارید اونجا بمونید؟ How long are you going to stay there?

واسه یه چند روزی For a few days

We're going to stay there for a few days.

اونجا چکار میخواید بکنید؟ What do you want to do there?

میخوایم یه خونه جدید بخریم We want to buy a new house.

عالیه That's great.

عالی Great

ازم بپرسید چند روز خیال دارم اونجا بمونم؟ Ask me how many days I'm going to stay there?

چند روز خیال داری اونجا بمونی؟ How many days are you going to stay there?

واسه هفت روز For seven days

آیا خیال داری واسه یه هفته بمونی؟ Are you going to stay for a week?

معنی کلمه هفته چیه؟ What does the word week mean?

It means ....

هفته Week

یه هفته A week

واسه یه هفته For a week

چند وقت؟ How long?

واسه یه هفته For a week

واسه یه چند روزی For a few days

واسه یه چند هفته ای For a few weeks

سلام جان ، چطوری؟

A: Hello, John. How are you?

خوبم ، تو چطور؟

B: I'm fine. And you?

منم خوبم ، مرسی.

A: I'm fine, too. Thanks.

کی داری میری به سن خوزه؟

B: When are you going to San José?

فردا دارم میرم اونجا.

A: I'm going there tomorrow.

خیال داری چه مدت اونجا بمونی؟

B: How long are you going to stay there?

واسه به چند روزی ، شاید به هفته.

A: For a few days, maybe a week.

آیا پدر و مادرت دارن با تو میرن؟

B: Are your parents going with you?

آره، اونا دارن با من میان.

A: Yes, they're coming with me.

عالیه. بچه هاتون چطور؟

B: That's great. And your children?

نه ، اونا خیال دارن تو خونه بمون.

A: No, they're going to stay at home.

آیا دارید با ماشین جدیدتون میرید؟

B: Are you going in your new car?

آره.

A: Yes, we are.

اوکی. بعداً میبینمت.

B: Okay. See you later. Bye.

بای.

A: Bye

---

See you later.	بعداً میبینمت
I want to go to Toronto.	میخواهم برم تورنتو
Do you want to go alone?	میخواهی تنها بری؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
Toronto's very big.	تورنتو خیلی بزرگه
I know.	میدونم
I have been there.	من اونجا بودم ( بوده ام )
I've been there.	خلاصه شده " من اونجا بودم " در زبان انگلیسی
We have been there.	ما اونجا بودیم
We've been there.	
Have you been there?	آیا اونجا بودید؟
Yes, I have.	جواب مثبت کوتاه
No, I haven't.	جواب منفی کوتاه
No, I've not.	
I've been there, too.	منم اونجا بودم
How long have you been in Vancouver?	چند وقت در ونکور بودی؟
For a week	مدت یه هفته ( واسه یه هفته )
How long have you been here?	چند وقت اینجا بودی؟
I've been here for a few weeks.	من یه چند هفته ایه که اینجا
How long have you been in Frankfort?	چه مدت در فرانکفورت بودی؟
Yesterday	دیروز
Since yesterday	از دیروز
I've been here since yesterday.	من از دیروز اینجا بودم
With your family?	با خانواده؟
Yes, we've been here since yesterday.	آره ، ما از دیروز اینجاایم ( بوده ایم )

---

New  
 A new car  
 Great  
 Grocery  
 Great  
 That's great.  
 Week  
 Which?  
 Week  
 Way

Weeks  
Two weeks  
Yesterday  
Since  
Since yesterday  
I've.  
I have.  
They've.  
They have.  
We've.  
We have.  
I've been.  
They've been.  
We've been.  
We've been here since yesterday.

---

How long have you been here?      چند هفته اینجایی؟ ( بوده ای ؟ )  
Since yesterday      از دیروز  
I've been here since yesterday.

How long are you going to stay here?      چه مدت خیال داری اینجا بمونی؟  
For a few weeks      واسه یه چند هفته ای

Do you like Los Angeles?      از لس آنجلس خوشت میاد؟  
Yes, but Los Angeles is very big.      آره ، ولی لس آنجلس خیلی بزرگه

Is it bigger than Houston?      آیا از هیوستون بزرگتره؟  
I think so.      فکر کنم  
Maybe, I'm not sure.      شاید ، مطمئن نیستم

#### مکالمه

---

سلام مینا ، چطوری؟

A: Hi, Mina. How are you?

بد نیستم . تو چطور سارا؟

B: Not bad. And you, Sarah?

خوبم ، مرسی . کجا بودی مینا؟

A: I'm fine, thanks. Where've you been Mina?

من از دیروز اینجا بودم.

B: I've been here since yesterday.



واقعاً؟

A: Really?

آره.

B: Yes.

خیال دارید چه مدت اینجا بمونید؟

A: How long are you going to stay here?

دوست دارم واسه یه هفته بمونم.

B: I like to stay for a week.

لس آنجلس رو دوست داری؟

A: Do you like Los Angeles?

آره ، خیلی زیاد دوستش دارم.

B: Yes, I like it very much.

پدر و مادرت هم اینجا هستند؟

A: Are your parents here, too?

آره هستن، علی هم اینجاست.

B: Yes, they are. Ali is here, too.

علی اینجا چکار میکنه؟

A: What is Ali doing here?

اون میخواد چند تایی از دوستان رو ببینه.

B: He wants to see a few friends.

شوهرت کجاست؟

A: Where's your husband?

اون توی شیکاگوه، اما فردا داره میاد اینجا.

B: He's in Chicago, but he's coming here tomorrow.

اوه ، عالییه.

A: Oh, that's great.

آره، اوکیه سارا . بعداً میبینمت.

B: Yes, it is okay, Sarah. See you later.

بعداً میبینمت مینا.

A: See you later, Mina.

---

I've been here since five o'clock. ( من از ساعت پنج اینجام ) ( بوده ام )  
My parents are going to Iran. والدینم دارن میرن ایران.  
Really? جداً

Yes آره

Have you been to Iran yet? آیا تا حالا ایران بودی؟

Yet تا حالا ( هنوز )

معمولاً کلمه " Yet " در آخر جمله میاد.

No, I haven't been there yet. نه هنوز اونجا نبودم ( تا حالا )  
Have you been to Los Angeles? آیا لس آنجلس بودی؟  
No, I haven't been to Los Angeles yet. نه ، تا حالا لس آنجلس نبودم

Have you been to Germany? آلمان بودی؟  
Yes, I've been there. بله ، اونجا بودم  
No, I haven't been to Germany yet. نه ، تا حالا آلمان نبودم

برای کلمه ( هنوز ) دوتا مترادف داریم . " Yet " به معنای ( فعلاً ، تا حالا ) و " Still "

Do you still have your car?

Have you been to the new mall yet? آیا تا حالا پاساژ جدیده بودین؟  
Which mall? کدوم پاساژ؟  
The one on Sunset Avenue. اون یکی تو خیابان سانست.

Yes, we've been there. آره ، اونجا بودیم  
No, we haven't been there yet. نه ، هنوز اونجا نبودیم

You have to see it. باید ببینیش  
It's very big. خیلی بزرگه

How long have you been here? چند وقته اینجاایی؟  
Since yesterday از دیروز

How long are you going to stay here? چند وقت خیال داری اینجا بمونی؟  
For a few weeks واسه یه چند هفته  
Only for a week فقط واسه یه هفته

I'm in London now. من الان تو لندنم  
Where are your friends? دوستات کجان؟  
They're in Manchester. اونا در منچستر

I've been to London. من در لندن بودم ( بوده ام )  
They've been to London, too. اونا هم در لندن بودن

My daughter and my son are coming from Iran.	دخترم و پسرم دارن از ایران میان
Really?	جداً
Yes, they're arriving tonight.	آره ، اونا دارن امشب میرسن
That's great.	عالیه
Have they been to Los Angeles yet?	
Yes, they have.	جواب مثبت کوتاه
No, they haven't.	جواب منفی کوتاه
What are you doing now?	الان داری چکار میکنی؟
I'm going to the grocery store.	دارم میرم خواربار فروشی
At what time are your children arriving?	بچه هات ساعت چند دارن میرسن؟
At eight o'clock	ساعت هشت.
What time is it now?	الان ساعت چنده؟
It's six o'clock.	ساعت شش
Then you don't have much time.	پس وقت زیادی نداری
You don't have much time.	وقت زیادی نداری.
I know.	میدونم
Tell me you have a lot to do.	به من بگید یه عالمه کار دارید که انجام بدید
I have a lot to do.	یه عالمه کار دارم که انجام بدم
I don't have much time.	وقت زیادی ندارم
Have you been to Shiraz yet?	تا حالا شیراز بودی؟
No, I haven't been there yet.	نه ، هنوز اونجا نبودم
Has your husband been to Tehran yet?	
Yes, he's been there.	آره ، اون اونجا بوده ( فشرده )
Yes, he has been there	
Has your wife been to Esfahan yet?	آیا خانمت تا حالا اصفهان بوده؟
Yes, she has.	جواب مثبت کوتاه
No, she hasn't.	جواب منفی کوتاه
Do you work here alone?	اینجا تنها کار میکنی؟
No, I work with my friend.	نه ، با دوستم کار میکنم
Okay. See you later.	اوکی ، بعداً میبینمت
I've been here for six weeks.	من شش هفته است اینجام ( بوده ام )
I can't find the way to the mall.	من نمیتونم راه پاساژ رو پیدا کنم
I like the new mall.	از پاساژ جدیدم خوشم میاد

A few more days	یه چند روز بیشتر
But I don't have car insurance yet.	ولی هنوز بیمه ماشین ندارم.
I miss my wife.	دلم واسه خانم تنگ شده
I miss them.	دلم واسه اون تنگ شده
Insurance company	شرکت بیمه
Did you like Toronto?	آیا از تورنتو خوشت اومد؟
I worked there.	اونجا کار کردم
I lived there for a few weeks.	واسه یه چند هفته اونجا زندگی کردم
I bought it yesterday.	دیروز خریدمش
With his friend	با دوستش
With her parents	با والدینش

I haven't been to the mall yet.	تا حالا ( هنوز ) پاساژ نبودم
Since when?	از کی؟
I haven't been there since yesterday.	از دیروز اونجا نبودم ( نبوده ام )
I try to go every day.	سعی میکنم هر روز برم
I haven't been there for a few days.	من واسه یه چند روز اونجا نبودم
I don't like to go there a lot.	دوست ندارم زیاد برم اونجا
My parents are coming here today.	والدینم دارن امروز میان اینجا
How long are they going to stay?	چند وقت خیال دارن بمونن؟
They're going to stay for a week.	خیال دارن واسه یه هفته بمونن
My parents are coming, too.	والدین من هم دارن میان
But they're only going to stay for a few days.	ولی فقط خیال دارن واسه یه چند روزی بمونن
When do they arrive?	کی میرسن؟
They arrive at three.	سه میرسن.
That's great.	عالیه
Then you don't have much time.	پس زیاد وقت نداری
See you later.	بعداً میبینمت
I have to buy a new car.	من باید یه ماشین جدید بخرم
Mine doesn't work very well.	مال من خیلی خوب کار نمیکنه

سلام سارا. تا حالا پاساژ جدیده بودی؟

A: Hi, Sarah. Have you been to the new mall yet?

آره ، اونجا بودم . تو چطور؟

B: Yes, I've been there. And you?

نه ، من تا حالا اونجا نبودم.

A: No, I haven't been there yet.

از دیروز بازه. آیا مایلی با من بری در ساعت پنج؟

B: It's been open since yesterday. Would you like to go with me at five o'clock?

نمیتونم. پدر و مادرم دارن میان اینجا امروز.

A: I can't. My parents are coming here today.

کی میرسن؟

B: When do they arrive?

اونتا ساعت چهار و سی دقیقه میرسن.

A: They arrive at four thirty.

پس وقت زیادی نداری. چه مدت خیال دارن بمونن؟

B: Then you don't have much time. How long are they going to stay?

خیال دارن واسه یه هفته بمونن. بعد باید برن دخترمو ببینن.

A: They're going to stay for a week. Then they have to go see my daughter.

اوه. اون کجا زندگی میکنه؟

B: Oh, where does she live?

اون تو اوهایو زندگی میکنه.

A: She lives in Ohio.

اون تنها زندگی میکنه؟

B: Does she live alone?

نه، اون با پسرمن زندگی میکنه. اونا برای چند سال با هم زندگی کردن.

A: No, she lives with my son. They've been living together for a few years.

شاید ما فردا بتونیم بریم پاساژ با پدر و مادرت.

B: Maybe we can go to the mall with your parents tomorrow.

باشه.

A: All right.

عاليه. بعداً ميبييمت.  
B: That's great. See you later.

فردا ميبييمت.  
A: See you tomorrow.

---

We've been here for a few weeks. ما يه چند هفته ايه كه اينجا بييم  
We've been here since yesterday. ما از ديروز اينجا بييم  
How long are you going to stay? چند وقت خيال دارين بمونين؟

A few more days يه چند روز ديگه ( يه چند روز بيشتري )  
A few more dollars يه چند دلار بيشتري  
I need a few more dollars. يه چند دلار ديگه لازم دارم

Are you going to stay a few more days? آيا خيال داري يه چند روز بيشتري بموني؟  
No, I don't have much time. نه زياد وقت ندارم  
Do you like Toronto? از تورنتو خوشت مياد؟  
Yes, I like Toronto very much. آره ، از تورنتو خيلي خوشم مياد

I have a car. من ماشين دارم

But I don't have car insurance yet. ولي هنوز بيمه ماشين ندارم  
Gas is very expensive here. بنزين اينجا خيلي گرونه

Car insurance is very expensive, too. بيمه ماشين هم خيلي گرونه  
Is your wife here with you? آيا خانمت اينجا همراسته؟  
No, she's not. جواب منفي کوتاه  
No, she isn't.

I miss my wife. دلم واسه خانمم تنگ شده  
I miss my children. دلم واسه بچه هام تنگ شده  
I miss you. دلم واست تنگ شده

Do you miss your husband? آيا دلت واسه شوهرت تنگ شده؟  
Yes, I do. جواب مثبت کوتاه  
Yes, I miss him very much. آره ، خيلي زياد دلم براش تنگ شده

I miss my parents, too. دلم واسه والدينم هم تنگ شده

I miss them. دلم واسه اونا تنگ شده ( دلم واسشون تنگ شده )

I'm going with my friends. من دارم با دوستانم ميرم

I'm going with them.	من دارم با اونا میرم
I'm going to buy a new car for them.	خیال دارم یه ماشین نو واسشون بخرم
I miss them a lot.	دلم واسشون خیلی تنگ شده
I have to buy car insurance now.	الان باید بیمه ماشین بخرم
I don't have insurance.	بیمه ندارم
Insurance company	شرکت بیمه
Company	شرکت
A good book	یه کتاب خوب
A good insurance company	یه شرکت بیمه خوب
Do you know a good insurance company?	آیا یه شرکت بیمه خوب میشناسی؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
I know two insurance companies.	من دوتا شرکت بیمه میشناسم
One insurance company	یک شرکت بیمه
A few books	یه چند تا کتاب
A few insurance companies	یه چند تا شرکت بیمه
Yes, I know a few companies.	آره ، من یه چند تا شرکت میشناسم
There are a few insurance companies on Sunset Avenue.	یه چند تا شرکت بیمه توی خیابان سانست هستن
Do you know where Sunset Avenue is?	آیا میدونی خیابان سانست کجاست؟
No, I don't.	جواب منفی کوتاه
Go straight ahead.	مستقیم برو
Then turn left.	بعد بپیچید چپ
And then go straight ahead for a few miles.	و بعد واسه یه چند مایلی مستقیم برو
The insurance companies are on your right.	شرکت های بیمه دست راستن
There are three insurance companies there.	سه تا شرکت بیمه اونجا هستن
I'm sure you can find them.	مطمئنم میتونی اونا رو پیدا کنی
I want to see my parents.	میخوام والدینم رو ببینم
I miss them a lot.	دلم واسشون خیلی تنگ شده
Do you like Los Angeles?	آیا از لس آنجلس خوشت میاد؟
Yes, I like Los Angeles.	آره، از لس آنجلس خوشم میاد
We're going to stay a few more days.	خیال داریم یه چند روز بیشتر بمونیم
Did you like Toronto?	آیا از تورنتو خوشت اومد؟ ( دوست داشتی؟ )
Did you like your food?	آیا غذات رو دوست داشتی؟
Yes, I did.	جواب مثبت کوتاه
No, I did not.	جواب منفی کوتاه
No, I didn't.	
I didn't like my food.	از غذام خوشم نیومد

Did you buy it? No, I didn't. I didn't buy it.	آیا خریدیش؟ جواب منفی کوتاه نخریدمش
What did you do in New York?  I worked there.	تو نیویورک چکار کردی؟  اونجا کار کردم
Did you like working there? Yes, I did. I miss New York.	جواب مثبت کوتاه دلم واسه نیویورک تنگ شده
Where did you work? I worked at an insurance company.	کجا کار کردی؟ توی شرکت بیمه کار کردم
I miss my friends there. I miss them a lot.	دلم واسه دوستانم اونجا تنگ شده دلم واسشون خیلی تنگ شده
How long did you live there? I lived there for a few weeks.	چند وقت اونجا زندگی کردی؟ واسه یه چند هفته اونجا زندگی کردم
I worked in New York. But I didn't live there.	من تو نیویورک کار کردم ولی اونجا زندگی نکردم
I lived in New Jersey. My children live in New York now.	تو نیوجرسی زندگی کردم الان بچه هام تو نیویورک زندگی میکنن
I like New York. I liked New York, too.	من از نیویورک خوشم میاد منم از نیویورک خوشم اومد
When did you buy this car?	این ماشین رو کی خریدی؟
I bought it yesterday. I bought a house yesterday.	دیروز خریدمش من دیروز یه خونه خریدم
I want to buy a few more houses. I bought this house for my wife.	میخوام یه چند تا خونه دیگه بخرم ( یه چند تا خونه بیشتر ) من این خونه رو واسه خانمم خریدم
Where's your son? He's in Iran. With whom?	پسرت کجاست؟ تو ایرانه. با کی؟
With his friend He's there with his friend. Where's his car? He bought a new car in Iran.	با دوستش با دوستش اونجاست ماشینش کجاست؟ یه ماشین نو تو ایران خرید



I miss him a lot. دلم واسش خیلی تنگ شده  
My son liked living here.

Did he work here, too? آیا اینجا کار هم کرد؟  
Yes, he worked here. آره اینجا کار کرد  
He's working with his friend now. الان با دوستش داره کار میکنه  
They bought a house, too. یه خونه هم خریدن

Where's your wife? خانمت کجاست؟  
She's in Paris. تو پاریسه.  
With whom? با کی؟

With her parents. با والدینش  
Her parents bought a new car. والدینش یه ماشین جدید خریدن

---

Insurance  
Car insurance  
Miss  
I miss my children.  
Them  
I miss them.  
Company  
Insurance company  
Did you?  
Did you like it?  
Worked  
I worked yesterday.  
Lived  
I lived there.  
His  
His friend  
Her  
Her parents

---

I miss them a lot. دلم واسشون خیلی تنگ شده

But I miss my son more. ولی دلم واسه پسرهم بیشتر تنگ شده  
He wants to stay in Iran with his friend. میخواد با دوستش تو ایران بمونه

Are you going to give them any money?  
They have a lot of money. اوتا یه عالمه پول دارن

My son worked at an insurance company.      پسر من تو یه شرکت بیمه کار کرد.

What did you buy yesterday?      دیروز چی خریدی؟

What did you do yesterday?      دیروز چکار کردی؟

I didn't do anything.      هیچ کاری نکردم

I bought a new car for my wife.      یه ماشین نو واسه خانمم خریدم

Her car doesn't work well anymore.      ماشینش دیگه خوب کار نمیکنه

Does your son still have his car?      آیا پسرت هنوز هم ماشینش رو داره؟

Yes, but he doesn't have insurance.      آره، ولی بیمه نداره

Say hi to him for me.      سلام منو بهش برسون

Okay. Goodbye.      اوکی، بای.

Yesterday morning	دیروز صبح
I arrived here yesterday morning.	دیروز صبح رسیدم اینجا
The United States	ایالات متحده
We ate lunch at a restaurant.	در یه رستوران ناهار خوردیم
With some of my friends	با چند تا از دوستانم
Job	شغل ( کار )
Did you find a job?	کار پیدا کردی؟
Do you know that boy?	اون پسر رو میشناسی؟
Who is that little girl?	اون دختر کوچولوو کیه؟
When did you arrive in Los Angeles?	کی رسیدید لس آنجلس؟

I miss you.	دلم واست تنگ شده
I miss my parents.	دلم واسه والدینم تنگ شده
I miss them.	دلم واسشون تنگ شده
I bought a house for them.	واسه اونا یه خونه خریدیم
Where did you live in Iran?	کجا تو ایران زندگی کردی؟
I lived in Ahvaz.	تو اهواز زندگی کردم
Did you work there, too?	اونجا کار هم کردی؟
Yes, I did.	جواب مثبت کوتاه
I worked at a store.	من در یه فروشگاه کار کردم
I bought a book for Ali.	یه کتاب واسه علی خریدیم
How much did you buy it?	چقدر خریدیش؟
I bought it for nineteen dollars.	نوزده دلار خریدمش
How long have you been here?	چند وقته اینجاایی؟
We've been here for a few weeks.	یه چند هفته ایه که اینجااییم
I'm not sure, ask Shiva.	مطمئن نیستم ، از شیوا بپرس.
Ask her.	از اون بپرس
Ask Amir.	از امیر بپرس
Ask him.	از اون بپرس
We've been here since yesterday.	ما از دیروز اینجااییم
Do you like it here?	از اینجا خوشت میاد؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
We have to go tomorrow.	ما فردا باید بریم
Can you stay for a few more days?	میتونی واسه یه چند روز دیگه بمونی؟
I'm sorry. I can't.	متاسفم ، نمیتونم
I don't have much time.	زیاد وقت ندارم

Ali bought a new car yesterday. Where is his car now? I'd like to see it.	علی دیروز یه ماشین جدید خرید الان ماشینش کجاست؟ دلم میخواد ببینمش
Does Sahar have car insurance? Yes, she bought it yesterday.	آیا سحر بیمه ماشین داره؟ آره ، دیروز خریدش
Where did she buy it?	کجا خریدش؟
She bought it from an insurance company. Where's Ali? He's in Texas.	از یه شرکت بیمه خریدش. علی کجاست؟ تو تگزاسه.
How long have you been here? We've been here for a day.	چند وقته اینجایی؟ ( بوده اید؟ ) ما یه روزه اینجاییم
We arrived here yesterday. When did you arrive? We arrived yesterday.	ما دیروز رسیدیم اینجا کی رسیدین؟ دیروز رسیدیم
Yesterday morning When did you arrive? We arrived yesterday morning.	دیروز صبح کی رسیدید؟ دیروز صبح رسیدیم
At what time? At what time did you arrive? What time did you arrive? We arrived at nine o'clock.	ساعت چند؟ ( در چه ساعتی؟ ) ساعت چند رسیدید؟ ساعت چند رسیدید؟ ساعت نه رسیدیم

توجه : بعد از فعل ( رسیدن ) معمولاً همیشه یا ( In ) میاد یا ( at ) و معنی رسیدن به... میده

I arrived in Los Angeles yesterday. We arrived in Iran yesterday morning.	دیروز رسیدم به لس آنجلس ما دیروز صبح رسیدیم به ایران
I arrived there yesterday. With my parents With my wife With my husband With my friend	من دیروز رسیدم اونجا با والدینم با خانمم با شوهرم با دوستم
With some of my friends With some of our friends Some of our friends	با چند تا از دوستانم با چند تا از دوستانمون چند تا از دوستانمون

They're coming to Los Angeles. Some of our friends are coming to Los Angeles.	اونا دارن میان به لس آنجلس چند تا از دوستانمون دارن میان به لس آنجلس
How long do they want to stay here? For a week	اونا چه مدت میخوان اینجا بمونن؟ واسه یه هفته.
They're going to stay for a week. Are your parents coming, too? No, but I miss them a lot.	خیال دارن واسه یه هفته بمونن والدینت هم دارن میان؟ نه، اما دلم واسشون یه عالمه تنگ شده.
Do your friends work in Canada? No, they don't.	آیا دوستانت در کانادا کار میکنن؟ جواب منفی کوتاه
They work in the United States. The United States My children live in the United States.	اونا در ایالت متحده کار میکنن. ایالات متحده بچه هام در ایالات متحده زندگی میکنن.
I miss them very much. When did you go to the mall? Yesterday morning	خیلی دلم واسشون تنگ شده کی رفتی پاساژ؟ دیروز صبح
Did you buy anything? Yes, I bought a dress. Can I see it? Sure	چیزی خریدی؟ آره یه لباس خریدم میتونم ببینمش؟ حتماً
It's over there. Do you like it? Yes, I do.	اوناها اونجاست ازش خوشت میاد؟ جواب مثبت کوتاه
Do you miss your husband? Yes, I do. Yes, I miss him very much.	آیا دلت واسه شوهرت تنگ شده؟ جواب مثبت کوتاه
He's in the United States now. Where do you work?	الان تو ایالات متحده است. کجا کار میکنید؟
A big insurance company I work at a big insurance company.	یه شرکت بزرگ بیمه تو یه شرکت بزرگ بیمه کار میکنم
Where did you eat yesterday? At a restaurant Which restaurant? The restaurant on Sunset Avenue	دیروز کجا غذا خوردی؟ در یه رستوران کدوم رستوران؟ رستوران تو خیابان سانست
I ate. I ate at a restaurant.	من خوردم ( من غذا خوردم ) در یه رستوران غذا خوردم

What did you eat?

چی خوردی؟

I ate kebab.

کباب خوردم

### مکالمه

---

علی ، خانمت کجاست؟

A: Ali, where's your wife?

توی تگزاسه الان.

B: She's in Texas now.

واقعاً؟ اونجا داره چکار میکنه؟

A: Really? What is she doing there?

اون با والدینش اونجاست.

B: She's there with her parents.

من نمیدونستم پدر و مادرش توی ایالت متحده زندگی کردن.

A: I didn't know her parents lived in the United States.

نه ، اونا یه پسر توی تگزاس دارن. اونا دیروز صبح رسیدن تگزاس.

B: They don't. They have a son in Texas. They arrived in Texas yesterday morning.

اونا از ایران اومدن؟

A: Did they come from Iran?

آره ، اونا اونجا زندگی میکنن.

B: Yes, they did. They live there.

آیا خیال دارن توی ایالت متحده بمونن؟

A: Are they going to stay in the United States?

فکر نمیکنم.

B: I don't think so.

چند تا از دوستای خوبم هم توی تگزاس زندگی میکنن.

A: Some of my good friends live in Texas, too.

کجا در تگزاس؟

B: Where in Texas?

چند تا از اونا توی دالاس هستن و چند تا از اونا توی هیوستون هستن.

A: Some of them are in Dallas and some of them in Houston.

مایلی با من بری؟

B: Would you like to go with me?

کجا بریم؟

A: Go where?

به تگزاس. میتونی دوستات رو هم اونجا ببینی.

B: To Texas. You can see your friends there, too.

اوه نه، من یه عالمه کار دارم که انجام بدم اینجا. به هرحال مرسی. بهم بگو دارید با ماشین میرید؟

A: Oh, no. I have a lot to do here. Thanks anyway. Tell me are you going by car?

آره. آیا بهت گفتم من دیروز یه ماشین نو خریدیم؟

B: Yes, I am. Did I tell you I bought a new car yesterday?

واقعاً؟ نه، اونو به من نگفتی.

A: Really? No, you didn't tell me that.

آره. یه ماشین انگلیسیه.

B: Yes, it's an English car.

ماشینهای انگلیسی گرونن. چند خریدیش؟

A: English cars are expensive. How much did you buy it?

بیست و هفت هزار دلار خریدمش.

B: I bought it for twenty-seven thousand dollars.

الان کجاست؟

A: Where is it now?

اونها اونجاست. مایلی ببینیش؟

B: It's over there. Would you like to see it?

حتماً.

A: Sure.

---

Where's Shadi?	شادی کجاست؟
She's with some of her friends. Where does she live? She lives with some of her friends.	با چند تا از دوستانه اون کجا زندگی میکنه؟ اون با چند تا از دوستانش زندگی میکنه
Do they have a big house? It's not very big.	آیا اونا خونه بزرگی دارن؟ زیاد بزرگ نیست
But it's big enough for them. When is she going to come to Los Angeles?	ولی واسه اونا به اندازه کافی بزرگه. کی خیال داره بیاد لس آنجلس؟
She's in Los Angeles now. Really? When did she arrive here? She arrived yesterday morning.	اون الان لس آنجلسه. جداً؟ کی رسید اینجا؟ دیروز صبح رسید
Does she still work in Norway? No, she doesn't live there anymore. She works in the United States now.	آیا هنوز در نروژ کار میکنه؟ نه ، دیگه اونجا زندگی نمیکنه اون الان در ایالات متحده کار میکنه.
She has a new job.	اون یه شغل جدید داره.
What's here new job? She works for an insurance company.	شغل جدیدش چیه؟ اون واسه یه شرکت بیمه کار میکنه
Did you find a job? No, I didn't.	کار پیدا کردی؟ جواب منفی کوتاه
Not yet	هنوز نه
What did you eat yesterday? I ate kebab with bread. At home or at a restaurant? At a restaurant	دیروز چی خوردی؟ کباب با نون خوردم در منزل یا در یه رستوران؟ در یه رستوران
There are a lot of children at the mall.	یه عالمه بچه در پاساژ هستن
Who is that boy? Who's that boy? Boy	اون پسر کیه؟ پسر
That's my son. And that girl is my daughter Shiva. Girl Daughter	اون پسرمه ( فرزند پسر ) و اون دختره دخترم شیواست. دختر دختر ( فرزند دختر )
A boy Four boys	یه پسر چهار تا پسر



A girl	یه دختر
Two girls	دو تا دختر
This is my son Ali.	این پسرم علیہ.
This is his car.	این ماشین اونه.
This is my daughter Shadi.	این دخترم شادیہ
This is her car.	این ماشین اونه
They're my children.	اونا بچہ های منن
Who's that boy?	اون پسر کیہ؟
I don't know him.	نمیشناسمش
And that girl?	اون دختر چطور؟
Which one?	کدوم یکی؟
That little one	اون کوچولوہ
Who's that little girl?	اون دختر کوچولوہ کیہ؟
I don't know her.	نمیشناسمش
She's very cute.	خیلی نازہ

---

Arrived  
 We arrived yesterday.  
 United  
 State  
 Store  
 Stay  
 State  
 States  
 The United States  
 Girl  
 That little girl

---

What do you mean?	منظورت چیه؟
Grandson	نوه
Granddaughter	نوه
Leila went to Iran.	لیلا رفت ایران
I bought a few things.	یه چند تا چیز خریدم
Wake up	بیدار شو
Can you wake me up at seven o'clock?	میتونی منو ساعت هفت بیدار کنی؟
I saw you at the mall yesterday.	من شما رو دیروز تو پاساژ دیدم
Ali lives in Los Angeles, doesn't he?	علی در لس آنجلس زندگی میکنه، مگه نه؟
They bought a new house, didn't they?	اونها یه خونه جدید خریدن، مگه نه؟
You're from Iran, aren't you?	شما اهل ایرانید، مگه نه؟

---

When did you arrive in London?	کی رسیدید لندن؟
I arrived yesterday morning.	دیروز صبح رسیدم
What do you want to do tomorrow?	فردا چکار میخوای بکنی؟
I want to see some of my friends.	میخوام چند تا از دوستانمو ببینم
They live in the United States.	اونها در ایالت متحده زندگی میکنن
They arrived here yesterday.	اونها دیروز رسیدن اینجا
From Los Angeles	از لس آنجلس.

Do you have a job here?  
No, I don't have a job yet.      نه هنوز کار ندارم ( شغل )

A few more days      یه چند روز دیگه  
A few more weeks      یه چند هفته دیگه

Did you speak with Ali?  
Yes, I did.      با علی صحبت کردی؟  
What did he say?      جواب مثبت کوتاه  
چی گفت؟

Can he stay here a few more weeks?  
I don't think so.      آیا اون میتونه یه چند هفته دیگه اینجا بمونه؟  
Why not?      فکر نکنم  
Because he has to go.      چرا نه؟  
چون باید بره

Would you like to eat something?  
No, thanks.      دلت میخواد یه چیزی بخوری؟  
نه، مرسی

We ate at the mall.  
What did you buy at the mall?  
در پاساژ غذا خوردیم  
در پاساژ چی خریدی؟

I bought a few things.  
A few things      یه چند تا چیز خریدم  
یه چند تا چیز

When did you arrive in Los Angeles?  
I arrived yesterday morning.  
We arrived today.

کی رسیدی لس آنجلس؟  
دیروز صبح رسیدم  
امروز رسیدیم

Did you see your parents?  
Yes, I did.  
No, I didn't.

والدینتو دیدی؟  
جواب مثبت کوتاه  
جواب منفی کوتاه

Get up! It's nine o'clock.  
I get up at eight o'clock in the morning.  
But I wake up earlier.

بلند شو ساعت نُه  
من صبح ساعت هشت بلند میشم  
ولی زودتر بیدار میشم

I get up at eight o'clock.  
But I wake up at seven o'clock.

ساعت هشت بلند میشم  
ولی ساعت هفت بیدار میشم

Are you tired?  
Yes, I am.

جواب مثبت کوتاه

What time did you get up?  
Ten o'clock

چه ساعتی بلند شدی؟  
ساعت ده

What time did you wake up?  
Eight o'clock

چه ساعتی بیدار شدی؟  
ساعت هشت

Wake me up at seven o'clock, please.  
What does wake up mean here?  
It means ... .

منو ساعت هفت بیدار کن لطفاً

توجه " Wake هم به معنی بیدار شدن میاد و هم به معنی بیدار کردن.

Wake me up at seven o'clock.  
I wake up at seven o'clock.

منو ساعت هفت بیدار کن  
من ساعت هفت بیدار میشم

Can you wake me up at six o'clock?  
Yes, I can.  
No, I can't.

میتونی منو ساعت شش بیدار کنی؟  
جواب مثبت کوتاه  
جواب منفی کوتاه

Yes, I can wake you up at six o'clock.  
Yes, I can wake up at six o'clock.

آره، میتونم ساعت شش بیدارت کنم  
آره، میتونم ساعت شش بیدار بشم

I wake up at seven o'clock.  
And I can wake you up at eight o'clock.

من ساعت هفت بیدار میشم  
و تو رو میتونم ساعت هشت بیدار کنم

علی، میتونیم امروز بریم لس آنجلس؟

A: Ali, can we go to Los Angeles today?

نه، فکر نکنم.

B: No, I don't think so.

چرا که نه؟

A: Why not?

چون یه کم کار هست که باید امروز انجام بدم. بهتره که فردا بریم.

B: Because there are a few things I have to do today. It's better we go tomorrow.

در چه ساعتی فردا؟

A: At what time tomorrow?

نمیدونم. ولی باید صبح زود بریم.

B: I don't know. But we have to go early in the morning.

در چه ساعتی؟

A: At what time?

شاید ساعت هفت.

B: Maybe at seven.

یعنی ما باید ساعت شش بلند شیم.

A: It means we have to get up at six.

درسته. میتونی منو ساعت شش بیدار کنی؟

B: That's right. Can you wake me up at six?

حتماً.

A: Sure.

---

Mina, can you wake Shadi up?  
Can you wake her up?

مینا، میتونی شادی رو بیدار کنی؟  
میتونی بیدارش کنی؟

It's six o'clock in the morning.  
I know.  
But we have to go to Texas.

ساعت شش صبحه .  
میدونم  
ولی ما باید بریم تگزاس

What do you mean?

منظورت چیه؟

You don't know we're going to Texas?  
No, I didn't know that.

نمیدونی ما داریم میریم تگزاس؟  
نه، اونو نمیدونستم

Shadi didn't tell me anything.

شادی بهم چیزی نگفت

I saw Shadi.  
I saw her.

شادی رو دیدم  
دیدمش

But she didn't tell me anything.

ولی چیزی بهم نگفت

Is that little girl your daughter?  
Yes, she is.  
She's very cute.

آیا اون دختر کوچولوہ دختر شماست؟  
جواب مثبت کوتاه  
خیلی نازه

And that boy  
Is he your son?  
Yes, he is.

و اون پسره؟  
آیا اون پسر شماست؟  
جواب مثبت کوتاه

He speaks English very well.

اون خیلی خوب انگلیسی صحبت میکنه

How long he has been in the United States?

چه مدتیہ اون تو ایالت متحده است؟ ( بوده؟ )

He's been here for a few weeks.

واسه یه چند هفته ایه که اینجاست

Really?

جداً؟

He speaks very well for a few weeks.  
What do you mean?

واسه یه چند هفته ، خیلی خوب صحبت میکنه  
منظورتون چیه؟

My son's been here for ten weeks.  
He still can't speak English.

پسر من ده هفته است که اینجاست ( بوده )  
اون هنوزم نمیتونه انگلیسی صحبت کنه.

Who's that boy?  
He's my grandson, Ali.  
Grandson

اون پسره کیه؟  
اون نوه علیہ  
نوه

And that girl over there is my granddaughter. و اون دختره، اونها اونجا نومه

What does granddaughter mean?

It means....

Granddaughter (نوه) (مونث)

Now tell me you saw my grandson yesterday.

I saw your grandson yesterday. ديروز نوت رو ديدم

Where did you see him? كجا ديديش؟

I saw him at the mall. در پاساژ ديدمش

We went to the mall yesterday. ما ديروز رفتيم پاساژ

Where did you go? كجا رفتيد؟

We went to the mall. رفتيم پاساژ

We saw your grandson there. نوتون رو اونجا ديديم (مذكر)

We saw him with his friend. ما اونو با دوستش ديديم

Did you speak with him? باهاش صحبت كردين؟

Did you speak to him?

No, we didn't have much time. نه، زياد وقت نداشتيم

Then we went to a restaurant. بعد رفتيم به يه رستوران

And we ate dinner there. و اونجا شام خورديم

Where's Mina? مينا كجاست؟

She went to the gas station. رفت پمپ بنزين

Tell me She wanted to go to the grocery store. بهم بگيد " اون ميخواست بره خواربارفروشي

She wanted to go to the grocery store. اون ميخواست بره خواربارفروشي

She wanted to buy milk for her son. ميخواست واسه پسرش شير بخره

---

Something

Anything

Things

A few things

Wake up

Wake

Wait

Wake

Wake up

Grand  
Great  
Grand  
Grandson  
Granddaughter  
Went  
He went to Iran.  
Wanted

---

Is gas expensive in Canada?  
I don't think so.

آیا بنزین تو کانادا گرونه؟  
فکر نکنم

توجه " از ( Don't , Doesn't , Isn't , .... ) برای منفی کردن استفاده می‌کردیم.  
و همچنین در آخر جمله مثبت هم برای تایید گرفتن استفاده می‌کنیم . به معنای " نه ؟ " یا " مگه نه ؟ "

Your daughter lives in Canada, doesn't she?

دخترت تو کانادا زندگی میکنه ، مگه نه؟

Does your wife speak English?

آیا خانمت انگلیسی صحبت میکنه؟

Your wife speaks English, doesn't she?

خانمت انگلیسی صحبت میکنه، مگه نه؟

Yes, she can speak a little.

آره میتونه یه خورده صحبت کنه

But she can understand very well.

ولی خیلی خوب میتونه بفهمه

You like my car, don't you?

از ماشینم خوشت میاد ، مگه نه؟

Your son wants to go to London, doesn't he?

پسرت میخواد بره لندن ، مگه نه؟

Yes, he does.

جواب مثبت کوتاه

We have a lot of money.

ما یه عالمه پول داریم

We have a lot of money, don't we?

ما یه عالمه پول داریم ، مگه نه؟

Ali's in Iran now.

علی الان تو ایرانه

He's in Iran now.

Ali's in Iran now, isn't he?

علی الان تو ایرانه ، مگه نه؟

You're not from Canada.

شماها اهل کانادا نیستید

You aren't from Canada.

You're from Iran, aren't you?

شماها اهل ایرانید ، مگه نه؟

Yes, we are.

جواب مثبت کوتاه

No, we're not.

جواب منفی کوتاه

No, we aren't.

Ali has a lot of books, doesn't he?

علی یه عالمه کتاب داره، مگه نه؟

They want to buy a house, don't they?

اونو میخوان یه خونه بخرن، مگه نه؟

Yes, they do.

جواب مثبت کوتاه

I don't think so.

فکر نکنم

They bought a house, didn't they?

Leila went to Iran, didn't she?

لیلا رفت ایران، مگه نه؟

You have a car, don't you?

شما ماشین دارید، مگه نه؟

Yes, I do.

جواب مثبت کوتاه

### مکالمه

---

علی، میتونیم امشب در رستوران شام صرف کنیم؟

A: Ali, can we have dinner at the restaurant tonight?

ما دیروز رفتیم به یه رستوران، مگه نه؟

B: We went to a restaurant yesterday, didn't we?

آره، اما دلم میخواد دوباره اونجا غذا بخورم.

A: Yes, we did. But I'd like to eat there again.

تو از غذای اونجا خوشت اومد، مگه نه؟

B: You liked the food over there, didn't you?

نه فقط غذاش. اونجا خیلی خوبه و گرون هم نیست.

A: It's not only the food. It's very nice over there and it's not expensive.

منظورت چیه که گرون نیست؟ فکر میکنم گرونتر از رستورانی که ما که تو لس آنجلس رفتیم.

B: What do you mean it's not expensive? I think it's more expensive than the Restaurant we went to in Los Angeles.

دارید میگوید که نمیخواهین امشب برید اونجا؟

A: Are you saying you don't want to go there tonight?

منظورم این نیست. منظورم اینه که رستورانهای ایرانی ارزون ترن.

B: That's not what I'm saying. I mean Persian restaurants are cheaper.

اوکی. من یه رستوران خوب میشناسم.

A: Okay. I know a good Persian restaurant.



منظورت اونیه که تو خیابان سانسته مگه نه؟

B: You mean the one on Sunset Avenue, don't you?

آره.

A: Yes, I do.

تا حالا اونجا بودی؟

B: Have you been there yet?

نه اونجا نرفتم ، ولی دیروز صبح شادی رو دیدم . اون اونجا رفته . ما برای رفتن به اونجا پول زیادی لازم نداریم.

A: No, I haven't. But I saw Shadi yesterday morning. She's been there. We don't need to have a lot of money to go there.

خب فقط پول که نیست . باید غذای خوبی هم داشته باشن.

B: Well, money is not the only thing. They have to have good food, too.

فکر میکنم همینطور باشه . الان میریم، مگه نه؟

A: I think they do. We're going now, aren't we?

آره.

B: Yes, we are.

---

Do you want to eat at the hotel?

We ate there yesterday.

آیا میخوای در هتل غذا بخوری؟

ما دیروز اونجا غذا خوردیم

We have to wake up earlier tomorrow.

Wake up! It's eight o'clock.

Get up

ما فردا باید زودتر بیدار بشیم

بیدار شو ، ساعت هشته

بلند شو

Ali's waiting for you.

It's late.

We have to buy a few things.

علی منتظرته

دیره

باید یه چند تا چیز بخریم

For my grandson

And for your granddaughter

واسه نوه ( مذکر )

و واسه نوت ( مونث )

Okay. See you at the mall.

اوکی ، در پاساژ میبینمت

This morning	امروز صبح
One year	یک سال
Last year	پارسال
How old are you?	چند سالته؟
I'm twenty years old.	بیست سال دارم
I'm twenty.	بیست سالمه
You're young.	تو جوانی
You're younger than me.	جوانتر از منی
My parents are old.	والدینم مُسنن
I'm older than you.	من از تو مُسن ترم
My grandchildren.	نوه هام

I saw your son in Iran.	من پسر تو رو تو ایران دیدم
He works for an insurance company.	اون واسه یه شرکت بیمه کار میکنه

I bought a few things at the mall.	من یه چند تا چیز در پاساژ خریدم
When did you go there?	کی رفتی اونجا؟
I went there yesterday.	دیروز رفتم اونجا

Your granddaughter works there, doesn't she?	نُوت اونجا کار میکنه، مگه نه؟ ( منظور نوه دختر )
Not anymore	دیگه نه.

She has a new job.	اون یه شغل جدید داره
But I saw her at the mall yesterday.	ولی من دیروز در پاساژ دیدمش

I wake up at seven o'clock every day.	من هر روز ساعت هفت بیدار میشم
Early in the morning	صبح زود

You get up early in the morning, too, don't you?	تو هم صبح زود بلند میشی ، مگه نه؟
What time did you get up this morning?	امروز صبح چه ساعتی بلند شدی؟

This morning	امروز صبح
Yesterday morning	دیروز صبح
Tomorrow morning	فردا صبح

Good morning	صبح بخیر
Good afternoon	بعد ازظهر بخیر

This afternoon	امروز بعد ازظهر
----------------	-----------------

Is he your grandson?	آیا اون نوه شماست؟ ( مذکر )
Yes, he is.	جواب مثبت کوتاه

Shadi's your granddaughter, isn't she?	شادی نوه شماست مگه نه؟
Yes, she is.	جواب مثبت کوتاه

They're my grandchildren. Grandchildren	اوناه نوه هاه منن. نوه هاه
I miss my grandchildren. Where do they live? They're in Iran.	دلم واسه نوه هام تنگ شده اوناه كجا زندگي ميكنن؟ ايرانند
How many grandchildren do you have? I have five. I have five grandchildren. Two grandsons And three granddaughters	چند تاه نوه داري؟ پنج تاه دارم دو تاه نوه پسر و سه تاه نوه دختر
This is my daughter Marjan. How old is your daughter?	اين دخترم مرجاه دخترتون چند سالشه؟
How old are you? How old is your son?	چند سالته؟ پسرت چند سالشه؟
My son is twenty years old. He's twenty years old.	پسرم بيست سالشه
My daughter is one year old. What does the word year mean? It means ....	
Year Book Books Years One year Two years Eighteen years	سال كتاب كتاب هاه سالها يك سال دو سال هجده سال
My son is twenty years old. My son is twenty. My daughter is six years old. She's six.	پسرم بيست سال داره دخترم شش سال داره
How old is your wife? She's forty years old. She's forty.	خانمت چند سالشه؟ چهل سال داره
Big Bigger My car's bigger than yours. My car is bigger than yours.	بزرگ بزرگتر ماشينم از مال تو بزرگتره ماشينم از مال تو بزرگتره

I'm older than my wife. I'm older than her.	من از خانمم بزرگترم
Older	مُسِن تر
Cheaper	ارزوتتر
Cheap	ارزون
Old	مُسِن
Older	مُسِن تر
My son	پسرَم
My older son	پسر بزرگترم
My older son lives in Canada.	پسر بزرگترم تو کانادا زندگی میکنه
How old are you?	چند سالته؟
I'm twenty-two.	بیست و دو سالمه
I'm twenty-two years old.	بیست و دو سال دارم
Can I ask you something?	میتونم ازتون یه چیزی بپرسم؟
Sure	حتماً
How old are you?	چند سالتونه؟
I'm sixty-five years old.	شصت و پنج سال دارم
I'm sixty-five.	
I'm forty years old.	چهل سال دارم
I'm forty.	
Old	مُسِن
Your parents are old.	والدین شما مُسِنند
They're old.	
But my parents are older.	ولی والدین من مسن ترن
Your husband wants to buy a car, doesn't he?	شوهرت میخواه ماشین بخره، مگه نه؟
That's right.	درسته
I don't think so.	فکر نکنم
I think so.	فکر کنم
Maybe, I'm not sure.	شاید، مطمئن نیستم
When did you arrive in Tehran?	کی رسیدی تهران؟
This morning	امروز صبح
I arrived this morning.	امروز صبح رسیدم
I arrived this afternoon.	امروز بعد ازظهر رسیدم
What time did you wake up this morning?	چه ساعتی امروز بیدار شدی؟
Six o'clock	ساعت شش
What time did you get up?	چه ساعتی بلند شدی؟
At six twenty	ساعت شش و بیست دقیقه

Did you find the way to Los Angeles? Yes, I did.	راه لس آنجلس رو پیدا کردی؟ جواب مثبت کوتاه
Ali likes my new car. He likes my new car, doesn't he?	علی از ماشین جدیدم خوشش میاد اون از ماشینم خوشش میاد ، مگه نه؟
Do you have car insurance? Yes, I do.	آیا بیمه ماشین داری؟ جواب مثبت کوتاه
When did you buy it? This morning	کی خریدیش؟ امروز صبح
Do you need your car today? Yes. Why? Because mine doesn't work well. I need a car.	ماشینتو امروز لازم داری؟ آره، چرا؟ چون مال من درست کار نمیکنه ماشین لازم دارم
How old is your son? He's twenty-one years old.	پسرت چند سالشه؟ بیست و یک سال داره
Why are you going to Los Angeles? Do you have any friends there? You have friends there, don't you? Yes, some of my friends live there.	واسه چی دارین میرین لس آنجلس؟ آیا اونجا دوستانی داری؟ اونجا دوستانی داری، مگه نه؟ آره، چند تا از دوستانم اونجا زندگی میکنن
Do you like Los Angeles? I don't know.	از لس آنجلس خوشت میاد؟ نمیدونم
I haven't been there yet. Have you been there? Yes, we've been there. For how long? For a few weeks For a few years	من هنوز اونجا نبودم آیا شما اونجا بودید؟ آره، ما اونجا بودیم واسه چه مدت؟ واسه یه چند هفته ای واسه یه چند سالی
When did you go to Los Angeles? Last year	کی رفتی لس آنجلس؟ پارسال
Since yesterday Since this morning Last year	از دیروز از امروز صبح پارسال
Since last year I haven't been there. I haven't been there since last year.	از پارسال من اونجا نبودم از پارسال اونجا نبودم

Since when?  
Since last year

از کی؟  
از سال گذشته

---

This  
This morning  
This afternoon  
Child  
Children  
Grandchildren  
Grand  
My grandchildren  
Old  
How old?  
How old are you?  
Year  
One year  
Last year  
Since last year  
Years  
Twenty years  
I'm twenty years old.

---

### مکالمه

چارلز ، تا حالا نیویورک بودی؟

A: Charles, have you been to New York yet?

آره، اونجا بودم.

B: Yes, I've been there.

کی رفتی اونجا؟

A: When did you go there?

من پارسال رفتم اونجا. نوه جیم تو نیویورک زندگی میکنه.

B: I went there last year. My grandson Jim leaves in New York.

واقعاً؟ چند سالشه؟

A: Really? How old is he?

شانزده سال. چند تا نوه داری؟

B: He is sixteen. How many grandchildren do you have?

دوتا دارم ، نوه مینا و نوه کامران.

A: I have two, my granddaughter Mina and my grandson Kamran.

چند سالشونه؟

B: How old are they?

مینا ده و کامران چهارده . اون چهار سال از مینا بزرگتره . اونا رو امروز صبح دیدم.

A: Mina is ten and Kamran is fourteen. He's four years older than Mina. I saw them this morning.

من باید الان برم سوپرمارکت. فکر میکنم ساعت هشت میبندن.

B: I have to go to the grocery store now. I think they close at eight.

اوکی چارلز ، بعداً میبینمت.

A: Okay, Charles. See you later.

میبینمت.

B: See you.

I'm older than you.

من از تو مسن ترم

You have forty-five years old, aren't you?

تو چهل و پنج سال داری، مگه نه؟

You've forty-five years old, aren't you?

That's right.

درسته

Then you're not older than me.

پس تو از من بزرگتر نیستی؟ ( منظور مسن تر )

You're younger than me.

What does the word younger mean?

It means ....

Younger

کوچکتر ( جوانتر )

You're younger than me.

تو از من جوانتری

I'm older than you.

من از تو مسن ترم

Is your son older or your daughter?

My son is older.

پسرم بزرگتره

He's nine years old.

اون نه سال داره

He's nine.

My daughter is eight years old.

دخترم هشت سال داره

She's eight.

Ask me which one is older?	ازم بپرسید کدام یکی بزرگتره؟
Which one is older?	
My son's older.	پسرم بزرگتره
My daughter's younger.	دخترم کوچکتره
My daughter is younger.	
Older	مسن تر
Younger	جوان تر
Old	مسن
Young	جوان
How old are you?	چند سالته؟
I'm twenty-two.	بیست و دو سالمه
I'm twenty-two years old.	
You are very young.	تو خیلی جوانی
You're very young.	
How old are your parents?	والدینت چند سالشونه؟
They're eighty-eight.	هشتاد و هشت سالشونه
They're eighty-eight years old.	
They are old.	اونها مسنن.
They're old.	
Is Farhad home?	آیا فرهاد منزله؟
No, Farhad went to Los Angeles yesterday.	نه، فرهاد دیروز رفت لس آنجلس
No, he went to Los Angeles yesterday.	
Did he go alone?	تنها رفت؟
No, he went with Marjan.	نه، با مرجان رفت
They went together.	با هم رفتن
Where did you go this afternoon?	امروز بعد از ظهر کجا رفتین؟
We went to the grocery store.	رفتیم خواربارفروشی
Did you buy anything?	چیزی خریدین؟
Yes, we bought a few things.	آره، یه چند تا چیز خریدیم
And we ate at a good restaurant.	و در یه رستوران خوب غذا خوردیم
I don't have much time.	وقت زیادی ندارم
Enough money	پول کافی
Enough time	وقت کافی
We don't have enough time.	ما به اندازه کافی وقت نداریم
Wake up! It's eight o'clock.	بیدار شو ساعت هشته
Can you wake me up at seven o'clock?	میتونی منو ساعت هفت بیدار کنی؟
Sure	حتماً
See you at seven o'clock.	ساعت هفت میبینمت



I spoke with Ali.	من با علی صحبت کردم
Last night	دیشب
I want to see the museums.	میخواهم موزه ها رو ببینم
Too many things	چیزای خیلی زیادی
Of course I drink tea!	البته که چای میخورم
Sometimes	بعضی وقتها
You don't drink coffee, do you?	تو قهوه نمیخوری ، نه؟
Do you know Los Angeles?	لس آنجلس رو بلدی؟
Ali just went to work.	علی همین الان رفت سرکار

---

Nice to meet you Mr. Smith.	از ملاقاتتون خوشبختم آقای اسمیث
Did you come alone?	آیا تنها اومدید ؟
No, my daughter's here, too.	نه ، دخترم هم اینجاست
Which one?	کدوم یکی؟

My younger daughter	دختر کوچکترم
My older daughter lives here.	دختر بزرگترم اینجا زندگی میکنه

Since when?	از کی؟
Since last year	از پارسال

When did your wife arrive?	خانمتون کی رسید؟
Last night	دیشب

My wife arrived last night.	خانم دیشب رسید
She arrived last night.	اون دیشب رسید
Last year	پارسال
Night	شب

How old is your daughter?	دخترتون چند سالشه؟
She's seventeen.	هفده سالشه
She's seventeen years old.	

How old is your son?	پسرتون چند سالشه؟
He's fourteen.	چهارده سالشه
He's fourteen years old.	

He's younger than my daughter.	اون از دخترم کوچکتره
My daughter is older than my son.	دخترم از پسرم بزرگتره
My daughter's older than my son.	

How old are you?	چند سالته؟
I'm fifty years old.	پنجاه سال دارم
I'm fifty.	

Do you live in Canada? Yes, I do.	کانادا زندگی میکنی؟ جواب مثبت کوتاه
Do they speak English in Canada? A lot of people speak English there.	آیا اونجا تو کانادا انگلیسی صحبت میکنن؟ آدمای زیادی اونجا انگلیسی صحبت میکنن
But I spoke Persian there.	ولی من اونجا فارسی صحبت کردم
I didn't know you're from Iran. We went to the mall. I know.	رفتیم پاساژ میدونم
I spoke with you this morning. You went with your grandchildren. And you bought a few things.	امروز صبح باهات صحبت کردم با نوه هات رفتی و یه چند تا چیز خریدید
Did you speak English with them? No, I spoke Persian with them. What did you buy at the mall?	نه، با اونجا فارسی صحبت کردم در پاساژ چی خریدین؟
Too many things I know.	چیزهای خیلی زیادی (بیش از حد) میدونم
Children buy too many things. Yes, they bought too many things.	بچه ها خیلی زیاد چیز میخرن آره، اونجا خیلی زیاد چیز خریدن
Then we went to a museum. Museum	بعد رفتیم به یه موزه موزه
Many things	چیزای زیادی
A lot of money A lot of things	یه عالمه پول یه عالمه چیز
We saw a lot of things.	خیلی چیزا دیدیم
When did you go to Iran? I went there last year.	کی رفتی ایران؟ پارسال رفتم اونجا
How long did you stay there? I stayed there a few weeks.	چند وقت اونجا موندی؟ یه چند هفته ای اونجا بودم
Did you see your parents there? Of course I saw them!	والدینتو اونجا دیدی؟ البته که دیدمشون
Of course Do you know my friend? Which one?	البته آیا دوستمو میشناسی؟ کدوم یکی؟

My friend Shahram.  
Of course I know him!

دوستم شهرام  
البته که می‌شناسمش

You drink tea, don't you?  
You don't drink tea, do you?

تو چای می‌خوری ، نه؟  
تو چای نمی‌خوری ، نه؟

Of course I drink tea!

البته که چای می‌خورم

### مکالمه

---

فرهاد، با علی صحبت کردی امروز صبح؟

A: Farhad, did you speak with Ali this morning?

آره باهاش صحبت کردم، اما نه امروز صبح . امروز صبح اون رفت شیکاگو واسه دیدن چندتا از دوستاش .

B: Yes, I spoke with him but not this morning. This morning he went to Chicago to see some of his friends.

پس کی باهاش صحبت کردی؟

A: Then when did you speak with him?

دیشب .

B: Last night.

آیا اون هنوزم توی پاساژ کار میکنه؟

A: Is he still working at the mall?

دیگه نه . اون الان یه شغل جدیدی داره .

B: Not anymore. He has a new job now.

واقعاً؟

A: Really?

آره، اون الان تو یه موزه کار میکنه . آیا دوستش شهرام رو می‌شناسی؟

B: Yes, he's working at a museum now. Do you know his friend Shahram?

نه، چرا؟

A: No, I don't. Why?

اونم تو موزه کار میکنه .

B: He works at the museum, too.

آیا اون واسش کار پیدا کرد؟

A: Did he find a job for him?

مطمئن نیستم.

B: I'm not sure.

آیا علی نوه داره؟

A: Does Ali have any grandchildren?

نه، پسرش خیلی کوچکن واسه داشتن بچه.

B: No, his sons are too young to have children.

چند سالشونه؟

A: How old are they?

پسر کوچکش ده سال و اون بزرگه شانزده.

B: His younger son is ten and the older one is sixteen.

اوکی فرهاد. من باید الان برم خونه. بعداً میبینمت.

A: Okay, Farhad. I have to go home now. See you later.

باشه. بای.

B: All right. Goodbye.

I want to see a few things in Los Angeles.

میخوام یه چند چیز تو لس آنجلس ببینم

I want to see the museums.

میخوام موزه ها رو ببینم

What did you do yesterday?

دیروز چکار کردین؟

We went to a restaurant last night.

دیشب رفتیم به یه رستوران

Then we went to the mall.

بعدش رفتیم پاساژ

With your wife?

با خانمت؟

Yes, we went together.

بله ، با هم رفتیم

Did you buy anything?

چیزی خریدی؟

I didn't buy anything.

من چیزی نخریدیم

But my wife bought a few things.

ولی خانمم یه چند تا چیز خرید

She bought too many things.

چیزای خیلی زیادی خرید

Do you go to the mall every day?

تو هر روز میری پاساژ؟

Not every day

هر روز نه.

But I sometimes go to the mall.

اما من گاهی اوقات میرم پاساژ

What does sometimes mean?

It means...

I sometimes go to the mall.  
Sometimes

من بعضی وقتا میرم پاساژ  
بعضی وقتها ( گاهی اوقات )

Do you like soda?  
I sometimes drink soda.

نوشابه دوست داری؟  
بعضی وقتا نوشابه میخورم

I try to drink a lot of water.  
Water is good for you.  
Water's good for you.

سعی میکنم زیاد آب بخورم  
آب واست خوبه

Do you like tea?  
I sometimes drink tea.

چای دوست داری؟  
بعضی وقتا چای میخورم

And coffee?  
No, I don't like coffee.

قهوه چطور؟  
نه ، قهوه دوست ندارم

Can I borrow twenty dollars?  
Of course you can!

میتونم بیست دلار قرض کنم؟  
البته که میتونی

I can give you more if you want.  
No, that's enough.  
But thanks anyway.

میتونم بیشتر بهت بدم اگه بخوای .  
نه، اون کافیه  
ولی به هرحال مرسی

---

Night  
Last night  
Spoke  
Speak  
Spoke  
Things  
Too many things  
Museum  
Of course  
Sometimes  
Time  
Times  
Sometimes

---

فرزین آیا ساکرامنتو رو خیلی خوب بلدی؟

A: Farzin, do you know Sacramento very well?

البته که آره. چرا؟

B: Of course I do! Why?

اینجا کنار دریا کجاست؟

A: Where's the beach here?

کنار دریا؟ هیچ ساحل هایی اینجا نیستند.

B: The beach? There aren't any beaches here.

فکر میکنم اونجا هستند. من دیشب با لیلا صحبت کردم. اون رفت ساحل هفته گذشته.

A: I think there are. I spoke with Leila last night. She went to the beach last week.

لیلا کجا زندگی میکنه؟

B: Where does Leila live?

توی سانفرانسیسکو زندگی میکنه.

A: She lives in San Francisco.

فکر میکنم تو اونو متوجه نشدی. ساحلهای زیادی توی سانفرانسیسکو هستند، اما نه اینجا تو ساکرامنتو.

B: I think you didn't understand her. There are many beaches in San Francisco. but not here in Sacramento.

تا حالا توی سانفرانسیسکو بودی؟

A: Have you been to San Francisco yet?

آره، بعضی وقتا میرم اونجا. تعدادی از دوستانم توی سانفرانسیسکو زندگی میکنن.

B: Yes, I sometimes go there. Some of my friends live in San Francisco.

چقدر از اینجا دوره؟

A: How far is it from here?

مطمئن نیستم. فکر میکنم صد و چهل مایله.

B: I'm not sure. I think it's one hundred forty miles.

میتونیم امروز بریم اونجا؟

A: Can we go there today?

فکر نمیکنم امروز بتونیم بریم. اما فردا میتونیم بریم.

B: I don't think we can go today, but we can go tomorrow.

فردا کی؟

A: When tomorrow?

میتونیم صبح زود بریم اگه بخوای.

B: We can go early in the morning if you want.

منظورت ساعت پنج صبح که نیست ، هست؟

A: You don't mean at five o'clock, do you?

نه ، اما میتونیم ساعت هشت بریم.

B: No, but we can go at eight.

اوکی، میتونی منو هفت بیدار کنی؟

A: Okay. Can you wake me up at seven?

البته.

B: Of course!

Do you know Los Angeles?

آیا لس آنجلس رو بلدی؟

Not very well

خیلی خوب نه

I've been there.

من اونجا بودم

But I don't know it very well.

اما خیلی خوب بلدش نیستم

Where do you want to go?

کجا میخوای بری؟

I saw Marjan last week.

من هفته گذشته مرجان رو دیدم

What did she say?

اون چی گفت؟

She said.

اون گفت

We can go to the San Jose today.

میتونیم امروز بریم سن خوزه

Would you like to go, too?

آیا تو هم دلت میخواد بری؟

Not today

امروز نه

But I'd like to go there.

ولی من دلم میخواد اونجا برم

I said, not today.

گفتم امروز نه

Maybe tomorrow

شاید فردا

I saw Mina this morning.

امروز صبح مینا رو دیدم

What did she say?

چی گفت؟

She said she wanted to go to England.

گفت میخواست بره انگلستان

I'm a little tired.

من یه خورده خسته ام

You worked a lot today.  
Yes, but I'd like to go to a restaurant now.

تو یه عالمه امروز کار کردی  
آره، ولی الان دلم میخواد برم به یه رستوران

How old is your son?  
He's twenty-six years old.  
He's twenty-six.

پسرت چند سالشه؟  
بیست و شش سال داره

Is he home now?  
No, he just went to work.  
He just went to work.

الان خونه است؟  
نه، همین الان رفت سرکار  
همین الان رفت سرکار

Did you speak with Shadi?  
Did you speak to her?

با شادی صحبت کردی؟

Yes, I just spoke with her.

اره همین الان باهاش صحبت کردم

I just bought a car.

من همین الان یه ماشین خریدم

We sometimes speak English.  
Can you speak Persian, too?  
Of course

ما بعضی وقتا انگلیسی صحبت میکنیم  
آیا فارسی هم میتونی صحبت کنی؟  
البته

Of course we can!

البته که میتونیم

You sometimes don't understand me.

تو بعضی وقتا نمیفهمی چی میگم

You sometimes speak too fast.  
I sometimes don't understand you.

تو بعضی وقتا خیلی سریع صحبت میکنی  
من بعضی وقتا نمیفهمم چی میگی



In a few days	ظرف یه چند روز
Not yet	هنوز نه
An Italian restaurant	یه رستوران ایتالیایی
I have a lot of work.	من یه عالمه کار دارم
What's your name?	اسمت چیه؟
Is he your older son?	آیا اون پسر بزرگترتونه؟
He's the younger one.	اون کوچکتره است
The older one	بزرگتره (مسن تره)
It's just five kilometers from here.	از اینجا فقط پنج کیلومتره
I work at a library.	من در یه کتابخونه کار میکنم

---

We sometimes go to a restaurant.	ما بعضی وقتا میریم رستوران
Can I borrow some money from you?	میتونم یه کم پول ازتون قرض کنم؟
Of course	البته
Of course you can!	

I just spoke with Shadi.	همین الان با شادی صحبت کردم
I spoke with Ali last night.	دیشب با علی صحبت کردم

He said.	اون گفت
He went to the mall yesterday.	اون دیروز رفت پاساژ
He bought a lot of things.	یه عالمه چیز خرید
He bought too many things.	خیلی زیاد چیز خرید

When are his children coming here?	بچه هاش کی دارن میان اینجا؟
------------------------------------	-----------------------------

In a few weeks	در ظرف یه چند هفته
In a few years	در ظرف یه چند سال
In a few days	در ظرف یه چند روز

I'm going there.	من دارم میرم اونجا
In a few weeks	در ظرف یه چند هفته
I'm going there in a few weeks.	دارم در ظرف یه چند هفته میرم اونجا

Hello, Mrs. Jackson.	سلام خانم جکسون
Nice to meet you.	از ملاقاتتون خوشبختم
Are your parents in Paris now?	آیا والدینتون الان پاریس؟
Yes, they are.	جواب مثبت کوتاه

They arrived in Paris yesterday.	اونا دیروز رسیدن پاریس
----------------------------------	------------------------

What time did you arrive there?	ساعت چند رسیدی اونجا؟
They arrived at nine o'clock last night.	دیشب ساعت نه رسیدن
Do you want to go to Paris, too?	آیا شما هم میخواین برین پاریس؟
Yes, I'm going there in a few weeks.	آره دارم ظرف یه چند هفته دیگه میرم اونجا

Have you been to Paris?	آیا شما پاریس بودید؟
Yes, I went there last year.	آره ، پارسال رفتم اونجا
My daughter lives in Paris.	دخترم در پاریس زندگی میکنه
Which daughter?	کدوم دختر؟
My older daughter	دختر بزرگترم
The older one	بزرگتره ( مسن تره )
Which daughter?	کدوم دختر؟
The older one	بزرگتره
The younger one	کوچکتره ( جوانتره )
Which car is yours?	کدوم ماشین مال شماست؟
The big one	بزرگه
The bigger one	بزرگتره
The small one	کوچکه
The smaller one	کوچکتره
I like Shiraz.	من از شیراز خوشم میاد
Can we stay here?	آیا میتونیم اینجا بمونیم
For a few days	واسه یه چند روزی؟
Can we stay here for a few days?	میتونیم واسه یه چند روزی اینجا بمونیم؟
No, I have a lot of work.	نه، من یه عالمه کار دارم
I have a lot of work.	من یه عالمه کار دارم
Is he your younger son?	اون پسر کوچکتر شماست؟
No, he's the older one.	نه، اون بزرگتره است
My younger son is home now.	پسر کوچکترم الان منزله
The younger one is home now.	کوچکتره الان خونه است
Did you buy a car?	ماشین خریدی؟
No, I didn't.	جواب منفی کوتاه
Not yet	هنوز نه ( فعلاً نه )
Did you buy a house?	خونه خریدی؟
Not yet	هنوز نه
Why not?	چرا نه؟
Because I don't have enough money.	چون پول کافی ندارم
Have you been to London?	آیا لندن بودی؟
Not yet	نه هنوز
I haven't been there yet.	هنوز اونجا نبودم

Have you been to Los Angeles?	لس آنجلس بودین؟
Yes, I've been there.	بله اونجا بودم
No, I haven't been to Los Angeles yet.	نه هنوز لس آنجلس نبودم
Not yet	هنوز نه
What are you going to do?	خیال دارید چکار کنید؟
This afternoon	امروز بعد از ظهر
What are you going to do this afternoon?	امروز بعد از ظهر خیال دارید چکار کنید؟
We don't know.	نمیدونیم
We don't know yet.	هنوز نمیدونیم
Have you been to the museum?	آیا موزه بودید؟
No, not yet.	نه ، هنوز نه
Did you go to the restaurant yesterday?	آیا دیروز رفتید رستوران؟
No, we didn't.	جواب منفی کوتاه
We ate at home.	منزل غذا خوردیم
I ate at an Italian restaurant.	من در یه رستوران ایتالیایی غذا خوردم
We ate at an Italian restaurant.	ما در یه رستوران ایتالیایی غذا خوردیم
Where did you go this morning?	امروز صبح کجا رفتی؟
I went to the library.	رفتم کتابخونه
Library	کتابخونه
We sometimes go to the library.	ما بعضی وقتا میریم کتابخونه
Can I go with you, too?	منم میتونم با شما برم؟
Of course	البته
Of course you can!	البته که میتونید

---

In  
 In a few weeks  
 Old  
 Older  
 The older one  
 Work  
 A lot of work  
 Library  
 He works at the library.

---

Where's Shadi?	شادی کجاست؟
She just went to the library. Have you been to the library yet? No, not yet.	همین الان رفت کتابخونه تا حالا کتابخونه بودید؟ نه، هنوز نه
Do you know where the library is? Which library? The big library The big one	میدونی کتابخونه کجاست؟ کدوم کتابخونه؟ کتابخونه بزرگه بزرگه
Yes, I know where it is. Is it very far from here?	آره میدونم کجاست آیا خیلی از اینجا دوره؟
No, it's just a few miles. It's just a few miles.	نه ، فقط یه چند مایله فقط یه چند مایله
You bought too many things again. What do you mean?	متظورت چیه؟
I just bought two books. I only bought two books. Is that a lot?	من فقط دوتا کتاب خریدم آیا اون یه عالمه است؟
Who is that? That's my friend. What's her name?	اون کیه؟ اون دوستمه اسمش چیه؟
What does the word name mean? What does that mean? It means...	
What's her name? Name What's your name?	اسمش چیه؟ اسم اسم شما چیه؟
Where are you from? I'm from Iran.	اهل کجایی؟ اهل ایرانم
A lot of money A lot of work I have to go now.	یه عالمه پول یه عالمه کار من باید برم
I have a lot of work. I have a lot of work to do.	یه عالمه کار دارم یه عالمه کار دارم که انجام بدم

سلام ، اسم من شادیه . اسم شما چیه؟

A: Hi, my name's Shadi. What's your name?

اسم من یازمین . از ملاقاتتون خوشبختم شادی.

B: My name's Yasmin. Nice to meet you, Shadi.

منم از ملاقاتتون خوشبختم. شما اهل ایرانید، مگه نه؟

A: Nice to meet you, too. You're from Iran, aren't you?

آره.

B: Yes, I am.

توی لس آنجلس زندگی میکنید؟

A: Do you live in Los Angeles?

آره. من از پارسال اینجا.

B: Yes, I do. I've been here since last year.

آیا پدر و مادرت با تو زندگی میکنن؟

A: Do your parents live with you?

نه، اونا توی هلند زندگی میکنن.

B: No, they don't. They live in Holland.

اوه واقعاً؟ آیا هلند بودی؟

A: Oh, really? Have you been to Holland?

نه هنوز، اما دارم میرم اونجا ظرف یه چند هفته.

B: Not yet, but I'm going there in a few weeks.

اون دختر کوچولو کیه؟

A: Who's that little girl?

اون دخترم پگاه ست.

B: That's my daughter Pegah.

آیا اون تنها بچه ای که دارید؟

A: Is that the only child you have?

آره، من فقط همین یکی رو دارم.

B: Yes, I just have this one.

چند سالشه؟

A: How old is she?

شش سالشه.  
B: She's six.

اون خیلی نازه.  
A: She's very cute.

مِرسی. اون پسره کیه؟ آیا اون پسر شماست؟  
B: Thanks. Who's that boy? Is he your son?

آره، اسمش علیه. من دوتا پسر دارم. اون بزرگه است.  
A: Yes, he is. His name's Ali. I have two boys. He's the older one.

بهم بگو چه جوری دونستی من اهل ایرانم؟ از اسمم؟  
B: Tell me, how did you know I'm from Iran? From my name?

نه، من دیدم شما دارید با دخترتون فارسی صحبت میکنید.  
A: No, I saw you're speaking Persian with your daughter.

اوه الان فهمیدم. آیا شما اینجا کار میکنید؟  
B: Oh, I understand now. Do you work here?

نه، من تو کتابخونه کار میکنم.  
A: No, I don't. I work at the library.

کدوم یکی؟  
B: Which one?

اون یکی تو خیابون واشنگتن. آیا میدونی کجاست؟  
A: The one on Washington Street. Do you know where it is?

نه، تا الان اونجا نبودم.  
B: No, I haven't been there yet.

از اینجا خیلی دور نیست. فقط یه چند کیلومتره. آیا تو کار (شغل) داری؟  
A: It's not very far from here. It's just a few kilometers. Do you have a job?

نه، نه هنوز. اما من میخوام یکی پیدا کنم. اوه شوهرم منتظرمه. ما باید الان بریم.  
B: No, not yet. But I want to find one. Oh, my husband is waiting for me. We have to go now.

اوکی. بای.  
A: Okay. Goodbye.

بای.  
B: Goodbye.

---

What's your name?	اسمت چیه؟
My name is Mina.	اسم من میناست
My name's Mina.	
And this is my son.	و این پسرمه
What's his name?	اسمش چیه؟
His name is Ali.	اسمش علییه
His name's Ali.	
How old is he?	چند سالشه؟
He's ten.	ده سالشه
He's ten years old.	
Your daughter works at the library, doesn't she?	دخترت تو کتابخونه کار میکنه، مگه نه؟
No, she doesn't.	جواب منفی کوتاه
Then where does she work?	پس کجا کار میکنه؟
She works at the museum.	در موزه کار میکنه
How old is your daughter?	دخترت چند سالشه؟
She's twenty-eight.	بیست و هشت سالشه
She's twenty-eight years old.	
I went to the mall yesterday.	دیروز رفتم پاساژ
The older one	بزرگتره
The younger one	کوچکتره
With the younger one	با کوچکتره
Did you speak with your wife?	با خانم صحبت کردی؟
Of course	البته
She said, "I want to stay home."	گفت میخوام بمونم منزل
She said she wanted to stay home.	گفت میخواست بمونه منزل

My son has gone to Iran.  
I haven't seen London yet.  
Fortunately  
Unfortunately  
Have you seen her?  
A cup of tea  
Tehran is a big city.

---

پسرم رفته ایران  
هنوز لندن رو ندیدم  
خوشبختانه  
متأسفانه  
اونو دیدی؟  
یک فنجان چای  
تهران شهر بزرگیه

I have a lot of work.  
What's your name?  
My name's Ali.

من یه عالمه کار دارم  
اسمت چیه؟  
اسمم علیه

Have you been to Iran yet?  
Not yet  
But I'm going there.  
When?  
In a few weeks

آیا تا حالا ایران بودی؟  
هنوز نه  
ولی دارم میرم اونجا  
کی؟  
ظرف یه چند هفته

Your younger son  
Do you want to go with your younger son?

پسر کوچکترت  
آیا با پسر کوچکترت میخوای بری؟

No, I'm going with my older one.  
Is your wife going with you?  
Of course  
Of course she is.

نه با بزرگترم دارم میرم  
خانمت داره با شما میره؟  
البته

Where does your daughter work?  
She works at a library.  
Some of her friends work there, too.  
They work together.

دخترت کجا کار میکنه؟  
توی کتابخونه کار میکنه  
چند تا از دوستاش هم اونجا کار میکنن  
اونها با هم کار میکنن

Where's she now?  
She just went to work.

الان کجاست؟  
همین الان رفت سر کار

Where's your son?

پسرت کجاست؟

He has gone to Iran.  
He's gone to Iran.

اون رفته ایران

Have you been to Paris yet?  
Have you gone to Paris yet?

تا حالا پاریس بودی؟  
تا حالا پاریس رفتی؟

No, I haven't gone there yet.

نه هنوز اونجا نرفتم



But I know Paris is a nice city.  
What does the word city mean?  
It means....

City

شهر

Paris is a big city.  
But it's not bigger than Los Angeles.

پاریس شهر بزرگیه  
ولی از لس آنجلس بزرگتر نیست

Have you gone to Los Angeles yet?  
Yes, I went there last year.

تا حالا لس آنجلس رفتی؟  
آره پارسال رفتم اونجا

Did you like it?  
Yes, it's a nice city.  
Did you see the city?  
Yes, I did.

ازش خوشت اومد؟  
آره شهر خوبیه  
شهر رو دیدی؟  
جواب مثبت کوتاه

I'm going to London.  
When?  
In a few days

دارم میرم لندن  
کی؟  
در ظرف یه چند روز

Who's that?  
She's my friend.  
What's her name?  
Her name's Jessica.

اون کیه؟  
اون دوستمه ( مونث )  
اسمش چیه؟  
اسمش جسیکا ست

Do her parents live here?

آیا والدینش اینجا زندگی میکنند؟

Fortunately yes  
Fortunately  
They fortunately live here.

خوشبختانه آره  
خوشبختانه  
اونا خوشبختانه اینجا زندگی میکنند

Where are you from?  
I'm from England.  
Have you gone to Iran yet?

اهل کجایی؟  
اهل انگلستانم  
آیا تا حالا ایران رفتی؟

Unfortunately not  
Fortunately yes  
Unfortunately

متاسفانه نه  
خوشبختانه آره  
متاسفانه

I haven't seen Iran yet.  
But I'm going there in a few days.

هنوز ایران رو ندیده ام  
ولی ظرف یه چند روز دارم میرم اونجا

Have you seen the museum?  
Not yet  
I haven't seen the museum yet.

آیا موزه رو دیده ای؟  
هنوز نه  
هنوز موزه رو ندیده ام

Unfortunately  
I haven't gone to Los Angeles yet.  
Los Angeles is a big city.

متاسفانه  
هنوز لس آنجلس نرفته ام  
لس آنجلس شهر بزرگیه

Have you been to Holland?  
Not yet

آیا هلند بودی؟  
هنوز نه

### مکالمه

---

سلام علی ، چطوری؟

A: Hi, Ali. How are you?

خوب ، تو چطور؟

B: Fine, and you?

منم خوبم، بهم بگو مینا رو از هفته گذشته ندیدم. میدونی کجاست؟

A: I'm fine, too. Tell me I haven't seen Mina since last week. Do you know where she is?

آره، رفته ایران.

B: Yes, she's gone to Iran.

واقعاً؟ اون به من نگفت میخواست بره ایران. آیا اون تنها رفته اونجا؟

A: Really? She didn't tell me she wanted to go to Iran. Did she go there alone?

آره.

B: Yes, she did.

آیا اون به تو گفت میخواست بره ایران؟

A: Did she tell you she wanted to go to Iran?

متاسفانه نه.

B: Unfortunately not.

پس تو چطور اونو دونستی؟

A: Then how do you know that?

من چند تا از دوستاشو میشناسم. اونا گفتن اون رفت ایران.

B: I know some of her friends. They said she went to Iran.

ما یه عالمه کار داریم که انجام بدیم اینجا. آیا میدونی اون چه مدت خیال داره بمونه اونجا؟

A: We've a lot of work to do here. Do you know how long she's going to stay there?

شاید یه چند هفته . من واقعاً نمیدونم.

B: Maybe a few weeks. I really don't know.

آیا دوستش میدونه؟

A: Do her friends know?

میتونی سعی کنی ازشون بپرسی.

B: You can try to ask them.

چطور میتونم پیدااشون کنم؟

A: How can I find them?

اونا بعضی وقتا میرن کتابخونه . میتونی اونجا ببینیشون.

B: They sometimes go to the library. You can see them there.

منظورت چیه؟ من نمیتونم هر روز برم کتابخونه.

A: What do you mean? I can't go to the library every day.

صبر کن ، خوشبختانه من میدونم شادی کجا زندگی میکنه . اون یکی از دوستاشه .

B: Wait! Fortunately I know where Shadi lives. She's one of her friends.

عالیه . میتونی ازش بپرسی لطفاً؟

A: That's great. Can you ask her, please?

البته.

B: Of course.

اوکی . من باید الان برم . بای .

A: Okay. I have to go now. Goodbye.

بای .

B: Goodbye.

---

My friends arrived here yesterday.	دوستام دیروز رسیدن اینجا
Have you seen them yet? Not yet	آیا تا حالا دیدیشون؟ نه هنوز
Unfortunately not Where's Leila?	متأسفانه نه لیلا کجاست؟
Have you seen her? Yes, I saw her yesterday. I saw her last night.	اونو دیدی؟ آره، دیروز دیدمش دیشب دیدمش
Did you see Ali, too? No, I haven't seen Ali yet.	علی رو هم دیدی؟ نه علی رو هنوز ندیدم ( ندیده ام )
I haven't seen him yet. I haven't seen her yet. I haven't seen them yet.	هنوز ندیدمش ( مذکر ) هنوز ندیدمش ( مونث ) هنوز ندیدمشون
Do you know who she is? She's my friend. What's her name? Her name is Sarah. Is that her husband? I don't know. I think so.	میدونی اون کیه؟ ( مونث ) اون دوستمه اسمش چیه؟ اسمش سارا ست آیا اون شوهرشده؟ نمیدونم فکر کنم
Do they have any children? Yes, they have three children. Two boys And one girl	آیا اونا بچه دارن؟ آره سه تا بچه دارن دوتا پسر و یک دختر
Her daughter has gone to Paris. Her daughter's gone to Paris.	دخترش رفته پاریس
And her sons have gone to Iran. When are you going to see Ali? I'm not sure.	و پسرانش رفتن ایران کی خیال داری علی رو ببینی؟ مطمئن نیستم
I haven't seen his family yet. They have gone to Los Angeles. They've gone to Los Angeles.	هنوز خانوادش رو ندیدم ( ندیده ام ) اونا رفتن لس آنجلس ( رفته اند )
Excuse me. Is Ali home? No, he's gone to Iran. And Shadi? She's in Iran, too. They went together.	بیخشید علی منزله؟ نه اون رفته ایران شادی چطور؟ اون هم ایرانه اونا با هم رفتن

Excuse me. Can I speak with Ali? I'm sorry. He's gone to Tehran.	ببخشید میتونم با علی صحبت کنم؟ متاسفم رفته تهران
And Mina? She's gone to Tehran, too.	مینا چطور؟ اون هم رفته تهران
Unfortunately she's gone to Tehran, too.	متاسفانه اونم رفته تهران
But Shadi's still here. She's still here.	ولی شادی هنوزم اینجاست ولی شادی هنوزم اینجاست
Fortunately Fortunately Shadi's still here. Fortunately she's still here.	خوشبختانه خوشبختانه شادی هنوزم اینجاست خوشبختانه شادی هنوزم اینجاست
Do you want to speak with her? Yes, please. No, I spoke with her this morning.	میخواید باهاش صحبت کنید؟ بله لطفاً نه امروز صبح باهاش صحبت کردم
What would you like to drink? A cup of tea Cup What would you like to drink? Would you like a cup of tea? Yes, I would.	چی میل داری بنوشی؟ یه فنجان چای فنجان چی میل داری بنوشی؟ یه فنجان چای میل داری؟ جواب مثبت کوتاه
I'd like a cup of tea, too. And your wife? What would she like to drink? She wants a cup of coffee.	منم یه فنجان چای میل دارم خانمت چطور؟ اون چی میل داره بنوشه؟ اون یه فنجان قهوه میخواد
Would you like coffee or tea? I'd like a cup of coffee, please. Do you like tea? Yes, I do.	تو قهوه میل داری یا چای؟ من یه فنجان قهوه میل دارم لطفاً چای دوست داری؟ جواب مثبت کوتاه

---

Her  
Have you seen her?  
Him  
Have you seen him?  
Fortunately  
Unfortunately

---

I want to go to Fresno. Fresno is a nice city.	میخواهم برم فرزنو فرزنو شهر خوبیه
When are you going? I'm going in a few days.	کی داری میری؟ ظرف یه چند روز دارم میرم
The malls are still open. I just want to buy a book.	پاساژا هنوز بازن فقط میخوام یه کتاب بخرم
I haven't seen Ali. Since this morning I haven't seen him since this morning.	من علی رو ندیدم از امروز صبح من از امروز صبح ندیدمش
Have you seen him? Yes, I just spoke with him.	آیا تو دیدیش؟ ( دیده ایش؟ ) آره همین الان باهاش صحبت کردم
Is he still here? Yes, he is.	آیا اون هنوزم اینجاست؟ جواب مثبت کوتاه
He said. He wanted to go to Shiraz.	اون گفت میخواست بره شیراز
Is that your grandchild? Yes, he's my older grandson. He's the older one.	اون نوتونه؟ آره اون نوه بزرگترمه ( نوه پسر ) اون بزرگتره است ( مَسن تره )
And this is my granddaughter Leila. She's the younger one.	و این نومه لیلاست اون کوچکتره است
How old is she? She's three. She's three years old.	اون چند سالشه؟ سه سالشه

Always	همیشه
Never	هیچ وقت
Cousin	پسر یا دختر خاله ، عمو ، عمه یا دایی
Ali is coming to visit his parents.	علی داره واسه دیدار والدینش میاد
He's coming to visit us.	اون داره واسه دیدار ما میاد
There is a Persian restaurant here.	یه رستوران ایرانی اینجا هست ( وجود داره )
Nice to see you again.	خوشبختم دوباره میبینمت
How is it going?	اوضاع چطوره؟
Have a nice trip.	سفر خوبی داشته باشی
Newspaper	روزنامه

---

Can I speak with Elham?  
Can I speak to Elham?

آیا میتونم با الهام صحبت کنم؟

I'm sorry. She's not here.  
I'm sorry. She isn't here.

متاسفم، اون اینجا نیست

Did she go home?  
I don't know.

رفت منزل؟  
نمیدونم

She didn't say anything, did she?  
No, she didn't.

چیزی نگفت نه؟  
جواب منفی کوتاه

Have you gone to Esfahan yet?  
You have to see it.  
It's a very nice city.

تا حالا اصفهان رفتی؟  
باید ببینیش  
شهر خیلی خوبیه

Have you seen my wallet?  
No, I haven't.  
Why?  
Because I can't find it.

کیف پولمو دیدی؟  
جواب منفی کوتاه  
چرا؟  
چون نمیتونم پیدااش کنم

Have you seen my book?  
No, I don't know where it is.

آیا کتابمو دیدی؟  
نه نمیدونم کجاست

Hi, Ali.  
How's it going?

سلام علی  
اوضاع چطوره؟

Tell me it's going good.  
It's going good.

Ali, would you like to have a cup of tea?  
Yes, I would.  
No, thanks.  
Of course

جواب مثبت کوتاه  
نه ، مرسی  
البته

Hi. How's it going?  
Fine, thanks. And you?  
I'm fine, too. Thanks.

سلام ، اوضاع چطور؟  
خوب ، مرسی. تو چطور؟  
منم خوبم ، مرسی

Do you have time for a cup of tea?

وقت واسه یه فنجان چای داری؟

I fortunately have some time now.  
Fortunately I have some time now.

من خوشبختانه الان یه کم وقت دارم

Where's my wife?  
Have you seen her?  
Not today

خانمم کجاست؟  
اونو دیدی؟  
امروز نه

But I saw her yesterday.  
Yes, I just saw her.

ولی دیروز دیدمش  
آره ، همین الان دیدمش

Would you like some pizza?  
I never eat pizza.

من هیچ وقت پیتزا نمیخورم

I always eat Persian food.  
Because I like Persian food.

من همیشه غذای ایرانی میخورم  
چون غذای ایرانی دوست دارم

Always  
Never

همیشه  
هیچ وقت

I always eat Italian food.  
I never drink coffee.  
I always drink tea.

من همیشه غذای ایتالیایی میخورم  
من هیچ وقت قهوه نمیخورم  
من همیشه چای میخورم

We can't go to the library today.  
I don't have time.  
You never have time for the library.

نمیتونیم امروز بریم کتابخونه  
من وقت ندارم  
تو هیچ وقت واسه کتابخونه وقت نداری



سلام فرهاد . اوضاع چطور؟

A: Hi, Farhad. How's it going?

اوضاع خیلی خوبه. تو چطور؟

B: It's going very well. And you?

بد نیستم. کتابخونه جدید رو دیدی؟

A: Not bad. Have you seen the new library?

نه، کتابخونه جدید کجاست؟ کجاست؟

B: No, where's the new library? Where is it?

توی خیابان باندیه.

A: It's on Bundy Avenue.

تا الان اونجا نرفتم. من همیشه میرم کتابخونه توی خیابون مین.

B: I haven't gone there yet. I always go to the library on Main Street.

من هیچ وقت تو اون کتابخونه نبودم. من همیشه میرم به اون یکی تو خیابون واشنگتن. کتابخونه جدید خیلی بزرگتره.  
اونایه عالمه کتاب دارن. شاید بتونیم امروز بریم اونجا.

A: I've never been to that library. I always go to the one on Washington Street. The new library is much bigger. They have a lot of books. Maybe we can go there today.

من امروز وقت ندارم. یه عالمه کار دارم که انجام بدم. آیا میتونیم فردا بریم؟

B: I don't have time today. I have a lot to do. Can we go tomorrow?

تو هیچ وقت وقت نداری.

A: You never have time.

من هرگز اینو نگفتم. من فقط نمیتونم امروز برم.

B: I never said that. I just can't go today.

اوکی پس ، ساعت چند فردا مایلید برید ؟

A: Okay, then. At what time would you like to go tomorrow?

تو بهم بگو فردا هیچ کاری ندارم که انجام بدم.

B: You tell me. I don't have anything to do tomorrow.

ساعت ۹ صبح اوکی با تو ؟

A: Is nine o'clock in the morning okay with you?

البته.

B: Of course.

عاليه. بعداً ميبيتمت فرهاد .  
A: That's great. See you later Farhad.

باي.  
B: Goodbye.

باي.  
A: Bye.

---

For a few days  
Mina's coming to Atlanta for a few days.  
She's coming to visit her parents.  
Visit

واسه يه چند روزي  
ميينا داره واسه يه چند روزي مياد آتلانتا  
داره واسه ديدار والديش مياد  
ديدار كردن

I'm coming.  
They're coming.

من دارم ميام  
اونا دارن ميان

They're coming to visit us.  
How many are they?  
Just two

اونا دارن واسه ديدار ما ميان  
چندتان؟  
فقط دوتا

My friend Ali  
And my cousin Behnam

دوستم علي  
و پسر عموم بهنام

My cousin  
Your cousin  
Our cousins  
My cousins

پسر عموم  
دختر خالت  
پسر دايي هامون  
دختر عمه هام

My cousin is coming to visit.  
My cousin's coming to visit.

پسر عموم داره مياد واسه ديدار

When is he coming?  
He's coming in a few days.

كي داره مياد؟  
ظرف يه چند روز داره مياد

How long is he going to stay here?  
For a few days

چند وقت خيال داره اينجا بمونه  
واسه يه چند روز

Have I seen your cousin?  
Yes, you saw him last year.  
I don't think so.

آيا من پسر عموم تو ديدم؟ ( ديدمه ام ؟ )  
آره ، پارسال ديديش  
فكر نكنم

I'm sure you've seen him.  
Where do you want to go with him?

مطمئنم ديديش  
كجا ميخواي باهاش بري؟

He'd like to see the city.  
We want to go to a Persian restaurant.

اون دلش میخواد شهر رو ببینه  
میخوایم بریم به یه رستوران ایرانی

There are a lot of Persian restaurants here.  
There's a Persian restaurant on Bundy Avenue.

یه عالمه رستورانهای ایرانی اینجا هستن  
یه رستوران ایرنی تو خیابان باندیه

I always go there.  
There's a big library here.

من همیشه میرم اونجا  
یه کتابخونه بزرگ اینجاست

What does your cousin do?  
I don't know.

دختر داییت چکار میکنه؟  
نمیدونم

For a few years  
I haven't seen my cousin for a few years.  
Would you like some coffee?  
I never drink coffee.  
And tea?  
I like tea.

واسه یه چند سال  
دختر داییم رو یه چند سال ندیدم  
کمی قهوه میل داری؟  
من هیچ وقت قهوه نمیخورم  
چای چطور؟  
چای دوست دارم

Do you want a cup of tea?  
Yes, please.  
No, not now. Thanks.

یه فنجان چای میخوای؟  
آره لطفاً  
نه ، الان نه مرسی

Where's Ali?  
He just went to the gas station.

علی کجاست؟  
همین الان رفت پمپ بنزین

He wanted to buy a newspaper.  
Newspaper

میخواست روزنامه بخره  
روزنامه

Have you seen the newspaper?  
No, why?  
There's a new mall on Bundy Avenue.  
Really?

آیا روزنامه رو دیدی؟  
نه، چرا؟  
یه پاساژ جدید تو خیابون باندیه  
واقعاً

I saw it in the newspaper.

تو روزنامه دیدمش

Hi, Ali. How's it going?  
Nice to see you again.

سلام علی ، اوضاع چطوره؟  
خوشبختم دوباره میبینمت

Nice to meet you.  
Nice to meet you, Ali.

از ملاقاتتون خوشبختم

When did you arrive?  
I arrived this morning.  
What time did you arrive?  
I arrived at eight o'clock.

کی رسیدی؟  
امروز صبح رسیدم  
ساعت چند رسیدی؟  
ساعت هشت رسیدم

What did you do today?

We went to a museum.

امروز چکار کردی؟

رفتیم به موزه

Did you like the museum?

Yes, I did.

از موزه خوشت اومد؟

جواب مثبت کوتاه

There's a good restaurant there.

I haven't been there yet.

I haven't gone there yet.

اونجا یه رستوران خوبی هست

هنوز اونجا نبودم ( نبوده ام )

هنوز اونجا نرفتم ( نرفته ام )

I want to go to the mall today.

Which mall?

من میخوام امروز برم پاساژ

کدوم پاساژ؟

The one on Main Street

There's a good restaurant on Ocean Avenue.

اون یکی تو خیابون مین

یه رستوران خوب تو خیابان اوشن هست

There is one on Ocean Avenue.

یکی تو خیابان اوشن

I have never been there.

I've never been there.

من هیچ وقت اونجا نبودم

I always go there.

من همیشه میرم اونجا

We're going to Canada tomorrow.

Really?

Yes, my daughters live there.

ما فردا داریم میریم کانادا

جدا؟

آره، دخترام اونجا زندگی میکنن

Have a nice trip.

Trip

سفر بخیر ( سفر خوبی داشته باشی )

سفر

---

How is it?

How's it?

How's it going?

Never

Always

Visit

Cousin

There

There is

There's a restaurant here.

Newspaper

Trip

Have a nice trip.

---

I bought a newspaper. What did you say?	یه روزنامه خریدم چی گفتی؟
I said I bought a newspaper. I saw Behrooz this morning.	گفتم یه روزنامه خریدم من امروز صبح بهروز رو دیدم
I spoke with my husband yesterday. I spoke to my husband yesterday.	دیروز با شوهرم صحبت کردم دیروز با شوهرم صحبت کردم
I bought this book this afternoon. I went to the supermarket last night.	این کتاب رو امروز بعد از ظهر خریدم دیشب رفتم سوپرمارکت
I ate my lunch at two o'clock. I worked a lot yesterday.	ناهارم رو ساعت دو خوردم دیروز یه عالمه کار کردم
We stayed there for five days. We arrived last night.	ما پنج روز اونجا موندم دیشب رسیدیم
I tried to speak with Kamran. I asked him a few questions.	سعی کردم با کامران صحبت کنم یه چند تا سوال ازش پرسیدم ( مذکر )
I always wanted to buy this book.	من همیشه خواستم این کتاب رو بخرم
I haven't seen Nasim since yesterday.	من نسیم رو از دیروز ندیدم
I haven't been to London yet. I haven't gone to Oslo yet.	هنوز لندن نبوده ( نبوده ام ) هنوز اوسلو نرفتم

They're both Persian.  
I'm very busy.  
I walk to the mall.  
We can eat at my place.  
That's too bad.

اونا هر دو ایرانی اند  
سررم خیلی شلوغه  
پیاده میرم پاساژ  
میتونیم خونه من غذا بخوریم  
چه بد

---

Good evening  
How's it going?  
Not bad, and you?  
Great

عصر بخیر  
اوضاع چطوره؟  
بد نیست، تو چطور؟  
عالی

There's a good restaurant on Sunset Avenue.  
There's one on Washington Street, too.

یه رستوران خوبی در خیابان سانشیت هست  
یکی در خیابون واشنگتن هم هست

Have you seen it yet?  
Not yet

تا حالا دیدیش؟  
هنوز نه

Is it an Italian restaurant?  
Yes, it is.

آیا این یه رستوران ایتالیاییه؟  
جواب مثبت کوتاه

I want to buy a newspaper.

میخوام یه روزنامه بخرم

I always buy a newspaper in the mornings.

صبح ها همیشه یه روزنامه میخرم

Do you like newspapers, too?  
Yes, I do.

جواب مثبت کوتاه

I just bought one.  
What's your name?  
My name is Becky.

همین الان یکی خریدم  
اسمتون چیه؟  
اسمم بکیه

Where would you like to go?  
I'd like to go to a coffee shop.  
Which coffee shop?

دلت میخواد کجا بری؟  
دلم میخواد برم یه کافی شاپ  
کدوم کافی شاپ؟

The coffee shop on Main Street  
I never go there.

کافی شاپ تو خیابون مین  
من هیچ وقت اونجا نمیرم

We have to go to the city.  
Can we go now?  
No, I can't go now.  
Why not?

ما باید بریم شهر  
میتونیم الان بریم؟  
نه ، من الان نمیتونم برم  
چرا نه؟

I have a lot of work.  
I'm very busy.

یه عالمه کار دارم  
من سررم خیلی شلوغه

Do you want to go with me? No, I can't. Because I'm very busy.	میخواهی با من بری؟ نه نمیتونم چون سرم خیلی شلوغه
Unfortunately I have a lot of work to do. Maybe we can go later. I don't have much time.	متأسفانه یه عالمه کار دارم انجام بدم شاید بعداً بتونیم بریم زیاد وقت ندارم
My cousin is coming to visit. She's coming here.	دختر خالم داره میاد واسه دیدار اون داره میاد اینجا
I never drink coffee. I always drink tea.	من هیچ وقت قهوه نمیخورم من همیشه چای میخورم
Are you very busy at work? Yes, I am. But not always	آیا سر کار خیلی مشغولی؟ جواب مثبت کوتاه ولی همیشه نه
I'm sometimes very busy. Do you like soda? I sometimes drink soda.	گاهی اوقات خیلی سرم شلوغه نوشابه دوست داری؟ بعضی وقتا نوشابه میخورم
I try to drink a lot of water. Water's good for you.	سعی میکنم یه عالمه آب بخورم آب واست خوبه
Do you like tea? I sometimes drink tea. And coffee? I never drink coffee.	آیا چای دوست داری؟ بعضی وقتا چای میخورم قهوه چطور؟ من هیچ وقت قهوه نمیخورم
Have you been to Canada yet? No, but I'm going there in a few weeks. I'm always busy.	تا حالا کانادا بودی؟ نه، ولی ظرف چند هفته دارم میرم اونجا من همیشه مشغولم
Are you going to stay at a hotel?	آیا خیال داری در یه هتل بمونی؟
I'm going to visit my cousin. He has a big house.	من دارم میرم به دیدار پسرخالم اون یه خونه بزرگ داره ( مذکر )
Which cousin? The older one Have a nice trip.	کدوم پسرخاله؟ بزرگتره سفر بخیر
My parents are coming to visit. How long are they going to stay here? They're going to stay for a few weeks.	والدینم دارن میان واسه دیدار اونا چند وقت خیال دارن اینجا بمونن؟ اونا خیال دارن واسه یه چند هفته بمونن

Do you live alone?	تو تنها زندگی میکنی؟
No, I live with my friend.	نه با دوستم زندگی میکنم
His name is Nima.	اسمش نیماست
A Persian restaurant	یه رستوران ایرانی
A Persian name	یه اسم ایرانی
Nima is a Persian name.	نیما یه اسم ایرانیه
Is Nima a Persian name?	آیا نیما یه اسم ایرانیه؟
Yes, it is.	جواب مثبت کوتاه
And Saman?	سامان چطور؟
Saman is a Persian name, too.	سامان هم یه اسم فارسیه
They're both Persian names.	هر دو اسمهای ایرانی اند
Both	هر دو
Can I speak with Ali or Mina?	آیا میتونم با علی یا مینا صحبت کنم
I'm sorry. They're both at the mall.	متاسفم هر دوشون در پاساژند
My cousin is coming to visit.	پسرخاله داره واسه دیدار میاد
Last year	پارسال
Since last year	از پارسال
I haven't seen him since last year.	از پارسال ندیدمش
Where is he from?	اون اهل کجاست؟
He's from Iran.	اون اهل ایرانه
And his wife?	خانمش چطور؟
She's from Iran, too.	اونم اهل ایرانه
They're both Persian.	هر دوشون ایرانی اند
Can they speak English?	آیا اون میتونن انگلیسی صحبت کنن؟
No, they can't.	جواب منفی کوتاه
Unfortunately not	
They're coming to visit us.	دارن واسه دیدار ما میان
Nice to see you again.	خوشبختم دوباره میبینمت
Can we go to lunch together?	آیا میتونیم با هم بریم ناهار؟
No, I'm very busy.	نه سرم خیلی شلوغه
You speak English very well.	شما انگلیسی خیلی خوب صحبت میکنید
How long have you been in the United States?	چه مدت ایالت متحده بودید؟
Since last year	از پارسال
I've been here since last year.	از پارسال اینجا ام



اوضاع چطورہ ماری؟

A: How's it going Mary?

بد نیستم رضا . تو چطور؟

B: Not bad, Reza. And you?

خیلی خوبہ . پسر خالم دارہ واسہ دیدار میاد.

A: Very well. My cousin's coming to visit.

کدوم پسرخالہ؟

B: Which cousin?

بزرگہ؟

A: The older one.

کی دارہ میاد؟

B: When is he coming?

ظرف یہ چند روز دارہ میاد.

A: He's coming in a few days.

اون دارہ تنها میاد؟

B: Is he coming alone?

نہ، اون دارہ با خانمش میاد.

A: No, he's coming with his wife.

اسمش چیه؟

B: What's his name?

اون ہم اسمش رضا ست.

A: His name is Reza, too.

اونتا اهل کجا هستن؟

B: Where are they from?

هر دوشون اهل ایرانن ، اما تو کانادا زندگی میکنن.

A: They're both from Iran, but they live in Canada.

آیا رضا کار دارہ؟ ( شغل )

B: Does Reza have a job?

آره، اون تو موزہ کار میکنہ، و خیلی سرش شلوغہ.

A: Yes, he works at the museum, and he's very busy.

چه مدت خیال دارن اینجا بمونن؟

B: How long are they going to stay here?

اونتا خیال دارن واسه یه چند هفته ای بمونن. من یه عالمه کار دارم که انجام بدم، و نمیدونم چکار کنم.  
اما الان مشغول نیستم. فکر میکنم کمی وقت دارم. فکر میکنی کی میتونیم بریم واسه ناهار؟

A: They're going to stay for a few weeks. I have a lot of work to do, and I don't know what to do.

But I'm not busy now. I think I have some time. When do you think we can go for lunch?

میتونیم با هم بریم به یه رستوران. من یه رستوران خوب ایتالیایی بلدم توی خیابان باندی. تا الان رفتی اونجا؟

B: We can go to a restaurant together. I know a good Italian restaurant on Bandy Avenue.

Have you gone there yet?

تا حالا نه. من هر روز باید برم سرکار در کتابخونه واسه انجام کارم.

A: Not yet. I have to work at the library every day. Doing my job.

این کتابخونه جدیدیه تو خیابون اوشنه. تا حالا دیدیش؟

B: This new library is on Ocean Street. Have you seen it yet?

آره، اونو فقط هفته گذشته دیدم.

A: Yes, I saw it just last week.

اوکی. بعداً میبینمت.

B: Okay. See you later.

بای.

A: Goodbye.

Do you have time for a cup of coffee?

No, I'm very busy.

وقت داری واسه یه فنجان قهوه؟

نه، سرم خیلی شلوغه

Ask me" where I went this morning?

Where did you go this morning?

I went to the grocery store.

ازم بپرسید امروز صبح کجا رفتم؟

امروز صبح کجا رفتی؟

رفتم خواربارفروشی

Did you buy anything?

Yes, I bought some rice.

چیزی خریدی؟

آره کمی برنج خریدم

I can't find my book.

من نمیتونم کتابمو پیدا کنم

Have you seen my book?

I haven't seen it.

کتاب منو دیدی؟

ندیدمش

I always go to Berkeley.

I went to Berkeley last week.

من همیشه میرم برکلی

هفته گذشته رفتم برکلی

With my cousin We went there last week. And we both bought something.	با پسر عمم هفته گذشته رفتیم اونجا و هر دو تا مون یه چیزی خریدیم
Would you like to go to the mall? The mall's not very far from here. The mall isn't very far from here.	آیا دلت میخواد بری پاساژ؟ پاساژ از اینجا خیلی دور نیست پاساژ از اینجا خیلی دور نیست.
I always walk to the mall. Can we go to the mall?	من همیشه پیاده میرم پاساژ ( راه میرم تا پاساژ ) آیا میتونیم بریم پاساژ؟
Can we walk to the mall? Yes, we can walk.	آیا میتونیم پیاده بریم پاساژ؟ آره میتونیم پیاده بریم
Do you know where Sunset Avenue is? Yes, it's not very far.	آیا میدونی خیابان سانست کجاست؟ آره ، خیلی دور نیست
You can walk there.	میتونی پیاده بری اونجا
I want to have dinner with my cousin. Who's your cousin? Who is she? She's from Iran.	میخوام با دختر عمم شام صرف کنم دختر عمّت کیه؟ اهل ایرانه
Her husband is American. They both live in New York.	شوهرش آمریکاییه هر دو تا شون تو نیویورک زندگی میکنن
Her husband can't speak Persian well. He's always busy.	شوهرش نمیتونه خوب فارسی صحبت کنه همیشه سرش شلوغه ( مشغوله )
What's his name? His name is John.	اسمش چیه؟ اسمش جان
The library is not far from here. We can walk.	کتابخونه اینجا دور نیست میتونیم پیاده بریم
How do you go to work? I sometimes walk there.	چطور میری سر کار؟ گاهی وقتا پیاده میرم اونجا
Where's Ali? I don't know.	علی کجاست؟ نمیدونم
I haven't seen him. I haven't seen him since yesterday.	اونو ندیدم ( ندیده ام ) از دیروز ندیدمش
Maybe he's busy. Maybe he has a lot of work.	شاید سرش شلوغه شاید یه عالمه کار داره

Where do you want to have dinner? At my place	کجا میخوای شام صرف کنی؟ تو خونه من
We can have a cup of tea. At your place We can have a cup of tea at your place.	میتونیم یه فنجان چای صرف کنیم تو خونه تو میتونیم یه فنجان چای تو خونه تو بخوریم
Where's your home? It's not very far from here. We can walk there. I just saw your cousin. Where? At your place	خونت کجاست؟ از اینجا خیلی دور نیست میتونیم پیاده بریم اونجا همین الان پسرخالو دیدم کجا؟ تو خونت
We both went to a coffee shop.	ما هر دو رفتیم یه کافی شاپ
I haven't seen him since last year. That's too bad.	من از پارسال ندیدمش چه بد
It's too bad we can't go together. It's too bad you can't come. That's too bad.	خیلی بد شد نمیتونیم با هم بریم خیلی بد شد نمیتونی بیای چه بد
I don't like to walk. That's too bad.	من دوست ندارم پیاده برم چه بد
Maybe we can go tomorrow. Okay. Then see you later.	شاید بتونیم فردا بریم اوکی پس بعداً میبینمت

---

Busy  
 I'm very busy.  
 Both  
 They're both from Iran  
 Walk  
 Want  
 What?  
 Walk  
 Place  
 Please  
 Place  
 Bad  
 Too bad  
 That's too bad.

That's my son's friend.  
They're in the kitchen.  
Here's a plate.  
We can drink something first.  
I usually eat late.  
We don't eat until nine.  
We can go by bus.

اون رفیق پسرمه  
تو آشپزخونن  
بفرما یه بشقاب  
میتونیم اول یه چیزی بنوشیم  
من معمولاً دیر غذا میخورم  
ما تا نه غذا نمیخوریم  
میتونیم با اتوبوس بریم

I'm going to the mall.  
There's a good coffee shop on Main Street.  
I sometimes go there.

دارم میرم پاساژ  
یه کافی شاپ خوب تو خیابون مین هست  
بعضی وقتا میرم اونجا

Would you like to go there?  
I can't now.  
I'm busy.  
That's too bad.

دلت میخواد بری اونجا؟  
الان نمیتونم  
سرم شلوغه  
چه بد

My parents are coming to visit.  
When are they coming?  
In a few days

والدینم دارن میان واسه دیدار  
کی دارن میان؟  
ظرف یه چند روز

Where are your parents from?  
They're both from Iran.

والدینت اهل کجان؟  
هر دو اهل ایرانن

I haven't seen them for a few years.  
Where are they going to stay?  
At my place

من چند ساله اونا رو ندیدم  
اونا خیال دارن کجا بمونن؟  
تو خونه من

Can I go to the mall with you?  
All right, but I don't have a car.  
I always walk to the mall.

میتونم باهات برم پاساژ؟  
باشه ولی ماشین ندارم  
من همیشه پیاده میرم پاساژ

Who's that?  
That's my son's friend.

اون کیه؟  
اون رفیق پسرمه

I don't think you know him.  
He's my son's friend.

فکر نمیکنم بشناسیش  
دوست پسرمه

That's my son's book.

اون کتاب پسرمه

What's his friend's name?  
I don't know.

اسم دوستش چیه؟  
نمیدونم

سلام سوزان. اوضاع چطوره؟

A: Hi, Susan. How's it going?

بد نیستم جیف. تو چطور؟

B: Not bad, Jeff. And you?

خوب. میخوام برم کافی شاپ. دوست داری باهام بیای؟

A: Just fine. I want to go to a coffee shop. Would you like to go with me?

کدوم کافی شاپ؟

B: Which coffee shop?

کافی شاپ تو خیابون باندی.

A: The coffee shop on Bundy Street.

چای میخوری یا قهوه؟

B: Do you drink tea or coffee?

هر دو رو میخورم.

A: I drink both.

من خیلی مشغولم. تو ماشین داری؟

B: I'm very busy. Do you have a car?

آره، اما من معمولاً پیاده میرم اونجا. میتونیم با همدیگه پیاده بریم اگه بخوای.

A: Yes, but I always walk there. We can walk together if you want.

متاسفم، ولی متأسفانه من نمیتونم باهات بیام. من یه عالمه کار دارم که انجام بدم.

B: I'm sorry, but unfortunately I can't come with you. I have a lot work to do.

چه بد.

A: That's too bad.

شاید بعداً بتونیم خونه من کمی قهوه صرف کنیم.

B: Maybe we can have some coffee at my place later?

اوکی. بعداً میبینمت.

A: Okay. See you later.

---

Who's that? That's my son's friend.	اون كيه؟ اون دوست پسر مه
What's his name? My son's name?	اسمش چيه؟ اسم پسر مه؟
No, his friend's name?	نه ، اسم دوستش
What's his friend's name?	اسم دوستش چيه؟
Why do you want to know? You don't know him anyway.	چرا ميخواي بدوني؟ به هر حال نميشناسيش
I'd like a glass of water, please.	يه ليوان آب ميل دارم لطفاً
Ask where the glasses are? Where are the glasses? They're in the kitchen.	ليوان ها كجان؟ تو آشپزخونن
Where's the kitchen? Go straight ahead. It's on your right.	آشپزخونه كجاست؟ مستقيم برو . سمت راسته.
Do you have any food in your house? Of course It's in the kitchen.	غذا داري تو خونت؟ البته تو آشپزخونه است.
Here's a plate. Is this the kitchen?	بفرما يه بشقاب آيا اين آشپزخونست؟
Of course this is the kitchen. Where are the plates? They're over there.	البته كه اين آشپزخونه است. بشقاب ها كجان؟ اوناها اونجان
Who's that? That's my daughter's friend.	اون كيه؟ اون دوست دختر مه
Do you know her? No, I don't.	آيا ميشناسيش؟ جواب منفي کوتاه
Her name is Sarah. Your daughter's name? No, her friend's name.	اسمش سارا است اسم دخترت؟ نه، اسم دوستش
Where are they now? They're both in the kitchen.	الان كجان؟ هر دوتاشون تو آشپزخونن

I don't think I have enough plates.	فکر نمیکنم به اندازه کافی بشقاب داشته باشم
We can drink something first. Would you like to go to a coffee shop? Not now, maybe later	میتونیم اول یه چیزی بنوشیم دلت میخواد بری یه کافی شاپ؟ الان نه ، شاید بعداً
Do you want to eat something first? No, I want to go to a coffee shop first.	میخوای اول یه چیزی بخوری؟ نه ، میخوام اول برم یه کافی شاپ
Where's your plate? It's in the kitchen.	بشقابت کو؟ تو آشپزخونست
I don't want to eat now. I usually eat late.	الان نمیخوام غذا بخورم من معمولاً دیر غذا میخورم
Where are the plates? The plates are usually in the kitchen.	بشقاب ها کجان؟ بشقاب ها معمولاً تو آشپزخونست
Where do you want to eat? We usually eat in the kitchen.	کجا میخوای غذا بخوری؟ ما معمولاً تو آشپزخونه غذا میخوریم
We always eat late. Then we can go to a coffee shop first.	ما همیشه دیر غذا میخوریم پس میتونیم اول بریم یه کافی شاپ
What time do you usually have dinner?	معمولاً ساعت چند شام صرف میکنید؟
We don't eat until nine.	ما تا نه غذا نمیخوریم
Can you wait? Until I come. Can you wait until I come? Sure	میتونی صبر کنی؟ تا من بیام؟ آیا متونی صبر کنی تا من بیام؟ حتماً
Can you give me some water, please? Where's your glass? It's in the kitchen.	میتونی یه کم آب بهم بدی لطفاً؟ لیوانت کو؟ تو آشپزخونست
And your plate? Where's your plate? That's in the kitchen, too.	بشقابت چطور؟ بشقابت کجاست؟ اونم تو آشپزخونست
I want to drink some water first.	اول میخوام یه کم آب بخورم
Wait until we eat first. I usually eat first. Then I drink some water.	صبر کن تا اول غذا بخوریم من معمولاً اول غذا میخورم بعد یه کم آب میخورم



Where's your daughter? She's with her friend.	دخترت کجاست؟ اون با دوستشه
What's her friend's name? I don't know but I can ask her.	اسم دوستش چیه؟ نمیدونم ، ولی میتونم ازش بپرسم
Her name is Leila. She's from Canada.	اسمش لیلاست اهل کاناداست
Her husband's name is Reza. They both live in Iran.	اسم شوهرش رضاست هر دوتاشون تو ایران زندگی میکنن
They're visiting us now. I think I know her.	فکر میکنم میشناسمش
Do they have any children? Yes, they have two children.	آیا بچه دارن؟ بله ، دوتا بچه دارن
We usually speak Persian together. I sometimes go to Canada.	ما معمولاً با هم فارسی صحبت میکنیم بعضی وقتا من میرم کانادا
Because my cousins live there. I'm going to see them in a few days. Can you wait?	چون دختر عموهام اونجا زندگی میکنن خیال دارم ظرف چند روز ببینمشون آیا میتونی صبر کنی؟
When? Until when?	کی؟ تا کی؟
Can you wait until I come?	آیا میتونی صبر کنی تا من بیام؟
We can go to a coffee shop later. We can have some tea. We can have some tea at my place, too.	میتونیم بعداً بریم یه کافی شاپ میتونیم یه کم چای صرف کنیم میتونیم تو خونه من هم چای صرف کنیم
I can't. I'm very busy. And I don't want to walk there.	نمیتونم ، من سرم خیلی شلوغه و نمیخوام پیاده برم اونجا
We can go by bus. Or we can go by car.	میتونیم با اتوبوس بریم یا میتونیم با ماشین بریم
The bus is not expensive. The bus isn't expensive. And it's very fast.	اتوبوس گرون نیست و خیلی سریع
Would you like to go by bus? We can walk to the coffee shop. But I want to go to the mall first.	دلت میخواد با اتوبوس بری؟ میتونیم راه بریم تا کافی شاپ ( پیاده بریم ) ولی اول میخوام برم پاساژ

I still have to buy a few things.  
For my kitchen

باید هنوزم یه چند تا چیز بخرم  
واسه آشپزخونم

I need more plates.

بشقاب های بیشتری لازم دارم

Would you like to go to the mall with me?

دلت میخواد باهام بری پاساژ؟

I haven't been to the mall for a year.  
I haven't been there for a year.  
I haven't been to the mall for a year.

من یه ساله پاساژ نبودم

Is the mall still open?  
Of course it's open.

آیا پاساژ هنوزم بازه؟  
معلومه که بازه

They're sometimes open until eleven o'clock.

بعضی وقتا تا ساعت یازده بازن

---

Kitchen  
Plate  
First  
Sir  
First  
Usually  
Until  
By  
By bus  
We can go by bus.

---

توجه" ( S' مالکیت )

۱. هر گاه بخواهیم جسمی یا شیء را به انسانی تعلق و مالکیت دهیم، ابتدا يك " آپستروف S یا ( S' ) " به آخر اسم انسان اضافه می کنیم ، سپس نام شیء مورد نظر را به دنبال آن می آوریم .

مثال:

Sara's book کتاب سارا  
Teacher's pen خودکار معلم

۲. ( S' ) یا آپستروف S ، مالکیت مخصوص تعلق جسم یا شیء به انسان است و برای تعلق دادن شیء به شیء دیگر هرگز به کار نمی رود.

۳. اگر اسمی که می خواهیم شیء را به آن نسبت دهیم به حرف S ختم شود و یا S جمع به دنبال داشته باشد کافی است فقط علامت آپستروف را سمت راست آن S که در آخر اسم وجود دارد بیاوریم .

مثل :

Student's books کتاب های دانش آموزان  
Girl's dresses لباس های دختران

Shirt	پیراهن
A red dress	یه لباس قرمز
I have a white shirt.	یه بیرهن سفید دارم
My car is blue.	ماشینم آبی
What color is your car?	ماشینت چه رنگیه؟
It's yellow.	زرد
Let's go home.	بیا بریم خونه
Letter	نامه
Friday	جمعه
How long does it take?	چقدر طول میکشه؟
It doesn't take much time.	زیاد وقت نمیگیره
At ten to nine	ساعت ده دقیقه به نه.
On Saturday	روز شنبه

---

My parents are both in Iran.	والدینم هر دو ایرانن
What do you want to do first?	اول میخوای چکار کنی؟
I want to eat something first.	اول میخوام یه چیزی بخورم
First I want to eat something.	
Where are the plates?	بشقابها کجان؟
They're in the kitchen.	اونجا تو آشپزخونن
What time do you go to work?	چه ساعتی میری سر کار؟
I usually go at eight o'clock.	معمولاً ساعت هشت میرم
How long do you stay at work?	چه مدت سرکار میمونی؟
I stay until two o'clock.	تا ساعت دو میمونم
How much did you buy your car?	ماشینتو چند خریدی؟
I bought it for six thousand dollars.	شش هزار دلار خریدمش
What color is your car?	ماشینت چه رنگیه؟
It's red.	قرمز
Color	رنگ
What color is your book?	کتابت چه رنگیه؟
What color's your book?	
It's blue.	آبی
Blue	آبی
A big car	یه ماشین بزرگ
A blue car	یه ماشین آبی
I have a blue car.	من یه ماشین آبی دارم
My car is blue.	ماشینم آبی

Our house is white. White	خونمون سفیده سفید
What color is your wife's car? It's white. It's red. It's blue.	ماشین خانمت چه رنگیه؟ سفیده قرمز آبی
What color do you like? I like yellow. I like the color yellow.	از چه رنگی خوشت میاد؟ از زرد خوشم میاد از رنگ زرد خوشم میاد
What's your name? What's your daughter's name? What's your son's name?	اسمت چیه؟ اسم دخترت چیه؟ اسم پسرت چیه؟
Where's your cousin? He's at work.	پسر عموت کجاست؟ سر کاره
What time did he go to work? At five to eight	ساعت چند رفت سر کار؟ ساعت پنج دقیقه به هشت
They're arriving at ten to nine. Or maybe at fifteen to nine I'm not sure.	اونا ساعت ده دقیقه به نه دارن میرسن یا شاید ساعت پانزده دقیقه به نه مطمئن نیستم
At ten to nine Or at fifteen to nine Or at twenty to nine Or five to ten	ساعت ده دقیقه به نه یا ساعت پانزده دقیقه به نه یا ساعت بیست دقیقه به نه یا ساعت پنج دقیقه به ده
We're going to go to the mall first. First we're going to go to the mall.	اول خیال داریم بریم پاساژ
And then we're going to visit my parents.	و بعد خیال داریم از والدینم دیدار کنیم
What did you buy at the mall? I bought a shirt. Shirt	در پاساژ چی خریدی؟ یه پیرهن خریدم پیرهن
I bought a white shirt. My shirt is blue. My shirt's blue.	یه پیرهن سفید خریدم پیرهنم آبی
I don't know how I can go home? You can go by bus.	من نمیدونم چطور میتونم برم خونه میتونی با اتوبوس بری

سلام مینا . چطوری؟

A: Hi, Mina. How are you?

خوبم ، تو چطور؟

B: I'm fine. And you?

منم خوبم ، مرسی

A: I'm fine, too. Thanks.

من پیرهننتو دوست دارم. رنگ خوبییه.

B: I like your shirt. The color is nice.

متشکرم. دختر خالم واسم خریدش.

A: Thank you. My cousin bought it for me.

اوه ، دختر خالت اینجاست؟

B: Oh, is your cousin here?

آره، هفته گذشته رسید .

A: Yes, she arrived last week.

الان کجاست؟

B: Where's she now?

رفته پمپ بنزین.

A: She went to the gas station.

ماشین داره؟

B: Does she have a car?

آره، اون دیروز یه ماشین خرید .

A: Yes, she bought a car yesterday.

ماشینت چه رنگیه؟

B: What color is your car?

زرده. مال تو چه رنگیه؟

A: It's yellow. What color is yours?

مال من آبییه و ماشین شوهرم قرمزیه.

B: Mine is blue and my husband's car is red.

من سفید دوست دارم. دلت میخواد یه چیزی با من بخوری؟

A: I like white. Would you like to eat something with me?

نه مرسی. من باید الان برم.

B: No, thanks. I have to go now.

اوکی ، بای.

A: Okay. Goodbye.

بای.

B: Goodbye.

تا حالا رستوران ایرانیه بودی؟ Have you been to the Persian restaurant yet?

Not yet

نه هنوز

Would you like to eat lunch there?

دوست داری اونجا ناهار بخوری؟

Why not?

چرا که نه؟

Then let's go there.

پس بیا بریم اونجا

Let's go there.

بیا بریم اونجا

Let's go to the mall.

بیا بریم پاساژ

Let's go.

بیا بریم ( بزن بریم )

Let's eat something.

بیا یه چیزی بخوریم

Let's walk to the store.

بیا پیاده بریم مغازه

Let's drink a cup of tea.

بیا یه فنجان چای بخوریم

Let's go to my place.

بزن بریم خونه من

I walk to my house.

پیاده میرم تا خونم

Can I take your car?

آیا میتونم ماشینتو بردارم؟

Yes, you can take my car.

آره میتونی ماشینمو برداری

You can take the bus.

میتونی اتوبوس بگیری ( برداری ، با اتوبوس بری )

Is the coffee shop open now?

آیا الان کافی شاپ بازه؟

Yes, the coffee shop is open until eight.

آره کافی شاپ تا هشت بازه

What time is it now?

الان ساعت چنده؟

It's twenty-five to eight.

بیست و پنج دقیقه به هشته

It's twenty to ten.

بیست دقیقه به ده

It's five to nine.

پنج دقیقه به نه

Then we don't have much time.

پس وقت زیادی نداریم

Because they close at ten o'clock.

چون اونا ساعت ده میبندن

We have to take the bus.	باید اتوبوس بگیریم
Gas	بنزین
Gas station	پمپ بنزین
Bus station	ایستگاه اتوبوس
The bus station is not very far from here.	ایستگاه اتوبوس از اینجا زیاد دور نیست
The bus station isn't very far from here.	
We can take the bus.	میتونیم اتوبوس بگیریم
What's this?	این چیه؟
This is a letter from my parents.	
What does the word letter mean?	
It means....	
Letter	نامه
This letter is for me.	این نامه واسه منه
This letter's for me.	
Is this letter for you?	آیا این نامه واسه توه؟
I don't know.	نمیدونم
Where did you find it?	کجا پیداش کردی؟
In the kitchen	تو آشپزخونه
Can I see it?	آیا میتونم ببینم؟
Sure, here you are.	حتماً بفرمایید
Oh, this is a letter from Iran.	اوه این نامه از ایرانه
It's from my cousin.	از پسرخالمه
He's coming to the United States.	داره میاد ایالت متحده
Is he coming alone?	آیا تنها داره میاد؟
My cousin	پسر خالم
My cousin's wife	زن پسر خالم
No, my cousin's wife is coming, too.	نه، زن پسر خالم هم داره میاد
They're both coming.	هر دو دارن میان
They're coming together.	با هم دارن میان
What's his wife's name?	اسم زنش چیه؟
Her name's Negar.	اسمش نگاره.
They're coming on Friday.	اونو روز جمعه دارن میان
Is today Friday?	امروز جمعه است؟
Yes, it is.	جواب مثبت کوتاه
Friday	جمعه



They're coming here on Friday. They're arriving on Saturday.	اونا روز جمعه دارن میان اینجا اونا روز شنبه دارن میرسن
Are you working on Saturday? No, but I'm working on Friday.	آیا روز شنبه کار میکنی؟ نه ، ولی روز جمعه کار میکنم
Tomorrow night Saturday night Friday night Saturday morning	فردا شب شنبه شب جمعه شب شنبه صبح
Let's go home. Let's go to Los Angeles. When?	بیا بریم منزل بیا بریم لس آنجلس کی؟
On Friday Friday Friday night	روز جمعه جمعه جمعه شب
Let's go to London on Friday. Let's go to London Friday night. On Saturday	بیا روز جمعه بریم لندن بیا جمعه شب بریم لندن روز شنبه
We can go to the library on Saturday.	میتونیم روز شنبه بریم کتابخونه
Where's the letter? It's over there.	نامه کجاست؟ اونها اونجاست
What color is your wife's car? It's blue. It's yellow. It's white. It's red.	ماشین خانمت چه رنگیه؟ آبی زرد سفید قرمز
Excuse me. What time is it? It's five to six. It's ten to seven.	بیخشید ساعت چنده؟ پنج دقیقه به شش ده دقیقه به هفت
Are you going to work tomorrow? I'm not working until Friday. Then let's go to Chicago.	آیا فردا داری میری سر کار؟ من تا جمعه کار نمیکنم پس بیا بریم شیکاگو
Let's visit my parents.	بیا از والدینم دیدن کنیم

How long does it take?  
It doesn't take much time.

چقدر طول میکشه؟ ( وقت میگیره؟ )  
زیاد وقت نمیگیره

It takes time.

وقت میگیره ( زمان میبره )

How long does it take?  
It takes a few days.

چقدر وقت میگیره؟  
یه چند روزی طول میکشه ( وقت میگیره )

I don't know how long it takes.

نمیدونم چقدر طول میکشه

---

Color

Blue

White

Yellow

Shirt

Station

Bus station

Gas station

Letter

Better

Letter

Friday

Friend

Friday

Saturday

Long

How long?

How long does it take?

---

Black	سیاه
For my father	واسه پدرم
After lunch	بعد از ناهار
I'd rather go to the mall.	ترجیح میدم برم پاساژ
Sunday	یکشنبه
I want to see a movie.	میخوام یه فیلم سینمایی ببینم
I've lived here since last year.	از پارسال اینجا زندگی میکنم ( کرده ام )

---

What color is your car?	ماشینت چه رنگیه؟
My car is white.	ماشینم سفیده
I have a blue car, too.	یه ماشین آبی هم دارم
I don't like yellow cars.	من از ماشینهای زرد خوشم نمیاد
I want to buy a red shirt.	من میخوام یه پیرهن قرمز بخرم
I never buy anything red.	من هیچ وقت هیچی قرمز نمیخرم

Or black	یا سیاه
Black	سیاه
I want to buy a black shirt.	میخوام یه پیرهن سیاه بخرم
I'm going to Paris on Friday.	روز جمعه دارم میرم پاریس
And I'm going to stay.	و خیال دارم بمونم
Until Saturday	تا شنبه

I'm staying until Saturday.	
Is the mall still open?	آیا پاساژ هنوزم بازه؟
Yes, it is.	جواب مثبت کوتاه
It's open until nine o'clock.	تا ساعت نه بازه

I want to buy a black shirt.	میخوام یه پیرهن سیاه بخرم
For whom?	واسه کی؟
For my father	واسه پدرم

I want to buy a black shirt for my father.	میخوام یه پیرهن سیاه واسه پدرم بخرم
I'm going to visit him.	خیال دارم ارزش دیدن کنم
For a week	واسه یه هفته

Let's go to a coffee shop.	بیا بریم یه کافی شاپ
I can't. I'm too busy.	نمیتونم ، سرم زیادی شلوغه

I have to buy a shirt for my father.	باید یه پیرهن واسه پدرم بخرم
And my cousin is coming to visit.	و پسرخاله داره میاد واسه دیدار
My cousin Reza and his wife.	پسرخاله رضا و خانمش

Here's a letter from them. They're arriving Saturday morning.	اینها یه نامه ازشون شنبه صبح دارن میرسن
My father is coming, too.	پدرم هم داره میاد
We usually go to a coffee shop on Saturdays.	ما معمولاً روزای شنبه میریم کافی شاپ
Do you take the bus? No, we usually walk.	آیا سوار اتوبوس میشین؟ نه، معمولاً پیاده میریم
How long does it take? It doesn't take much time.	چقدر طول میکشه؟ زیاد وقت نمیگیره
When's your father coming? In a few days	پدرت کی میاد؟ ظرف یه چند روز
What time is it? It's ten to five o'clock.	ساعت چنده؟ ده دقیقه به پنجه
I want to go to my friend's house. After lunch	میخوام برم خونه دوستم بعد از نهار
Let's go together. Let's go after dinner. Okay. But I want to go by bus.	بیا با هم بریم بیا بعد از شام بریم اوکی، ولی من میخوام با اتوبوس برم
Let's drink something after dinner. Okay. Let's go to a coffee shop.	بیا بعد از شام یه چیزی بنوشیم اوکی، بیا بریم یه کافی شاپ

من دارم میرم پاساژ جولی.

A: I'm going to the mall Julie.

چرا؟

B: Why?

میخوام یه چند تا پیرهن بخرم.

A: I want to buy a few shirts.

میخوای پیرهن های چه رنگی بخری؟

B: What color shirts do you want to buy?

میخوام یه پیرهن قرمز واسه دوستم بخرم و یه سفید واسه خانمم.

A: I want to buy a red shirt for my friend and a white one for my wife.

آیا ماشین داری؟

B: Do you have a car?

نه، من دارم با اتوبوس میرم.

A: No, I'm going buy bus.

چقدر طول میکشه با اتوبوس بری؟

B: How long does it take to go buy bus?

خیلی وقت نمیره.

A: It doesn't take much time.

آیا پاساژ هنوزم بازه؟

B: Is the mall still open?

آره. پاساژ تا ساعت ده امشب بازه.

A: Yes, it is. The mall is open until ten o'clock tonight.

اما اونا معمولاً هشت میبندن، مگه نه؟

B: But they usually close at eight, don't they?

آره، اما امروز جمعه است و پاساژا خیلی دیر میبندن.

A: Yes, but today is Friday and the malls close very late.

بیا فردا بریم پاساژا. من الان مشغولم.

B: Let's go to the malls tomorrow. I'm busy now.

اوکی. الان ساعت چنده؟

A: Okay. What time is it now?

ده دقیقه به نُه.

B: It's ten to nine.

باشه. بیا یه نامه از پسر عَمّت.

A: All right. Here's a letter from your cousin.

بذار ببینمش لطفاً.

B: Let me see it, please.

بفرما.

A: Here you are.

خیلی ممنون.

B: Thanks a lot.

خواهش میکنم.

A: You're welcome.

بای.

B: Buy.

Let's go to my place.

My father's there now.

بیا بریم خونه من

پدرم الان اونجاست

Do you want to go by bus?

Yes, I do.

میخوای با اتوبوس بری؟

جواب مثبت کوتاه

How long does it take?

It doesn't take much time.

چقدر طول میکشه

زیاد وقت نمیگیره

How long have you been here?

I've been here since last year.

چند وقته اینجا بودی؟ ( بوده ای؟ )

از پارسال اینجا بودم ( بوده ام )

I've lived here since last year.

I've lived in Mashhad since last year.

We've lived in Tehran since last year.

از پارسال اینجا زندگی میکنم ( کرده ام )

از پارسال تو مشهد زندگی میکنم ( کرده ام )

از پارسال تهران زندگی میکنیم

How long have you lived here?

I've lived here since last week.

از هفته پیش اینجا زندگی میکنم

---

Black  
Blue  
Black  
Father  
There  
Together  
Father  
Rather  
After  
Lived  
Live  
Lived  
I lived here since last year.

---

We can go to a coffee shop after seven o'clock.      میتونیم بعد از ساعت هفت بریم به کافی شاپ

I have to stay home until seven.      باید تا هفت منزل بمونم  
But I don't want to stay home.      ولی نمیخوام منزل بمونم

I'd rather go to the mall.      ترجیح میدم برم پاساژ  
I'd like to go to the mall.      دلم میخواد برم پاساژ

Would you like to go to the mall?      آیا دلت میخواد بری پاساژ?  
Would you rather go to the mall?      آیا ترجیح میدی بری پاساژ?  
Yes, I would.      جواب مثبت کوتاه

I'd rather live in Iran.      ترجیح میدم تو ایران زندگی کنم

Here's a letter from your cousin.      بفرما یه نامه از پسر عمت  
For whom?      واسه کی?  
From whom?      از کی?

From your cousin Saman      از پسر عمت سامان  
He's coming to visit.      داره میاد واسه دیدار

He's lived in Iran for two years.      دو سال ایران زندگی کرده  
When is he arriving?      کی داره میرسه؟

Sunday      یکشنبه  
On Sunday      روز یکشنبه

When is my cousin arriving?      پسر عمم کی داره میرسه؟  
He's arriving on Sunday.      روز یکشنبه داره میرسه

Which Sunday?	کدوم یکشنبه؟
This Sunday	همین یکشنبه
This week	همین هفته
He's staying until Friday.	تا جمعه میمونه
What's his son's name?	اسم پسرش چیه؟
You don't know his son.	تو پسرش رو نمیشناسی
He's lived here for a year.	یه سال اینجا زندگی کرده
I've lived here for a year, too.	منم یه ساله که اینجا زندگی میکنم ( کرده ام )
But his father can't speak English very well.	ولی پدرش نمیتونه خیلی خوب انگلیسی صحبت کنه
He'd rather speak Persian.	ترجیح میده فارسی صحبت کنه
He speaks Persian better than English.	فارسی بهتر از انگلیسی صحبت میکنه
Is that your cousin?	آیا اون پسر عمته؟
What color's your cousin's car?	ماشین پسر عمت چه رنگیه؟
Is your cousin's car black?	آیا ماشین پسر عمت سیاهه؟
My cousin doesn't have a car yet.	پسر عمم هنوز ماشین نداره
But his father's car is black.	ولی ماشین پدرش سیاهه
Here's a plate.	بفرما یه بشقاب
I'd rather have a bigger plate.	ترجیح میدم یه بشقاب بزرگتر داشته باشم
What time is it?	ساعت چنده؟
It's ten to six.	ده دقیقه به شش
I don't think so.	فکر نکنم
It's ten after six.	ده دقیقه بعد از شش
It's twenty after seven.	بیست دقیقه بعد از هفت
It's seven twenty.	هفت و بیست دقیقه است
It's eight twenty.	هشت و بیست دقیقه است
It's twenty after eight.	بیست دقیقه بعد از هشت
What do you want to do?	میخوای چکار کنی؟
I want to see a movie.	میخوام یه فیلم ببینم
Do you want to see a movie with me?	میخوای باهام یه فیلم ببینی؟
No, I'd rather stay home.	نه ، ترجیح میدم منزل بمونم
How long have you lived here?	چند وقته اینجا زندگی میکنی؟ ( کرده ای؟ )
I've lived here for a few years.	



My father's coming to visit me.  
What time?

پدرم داره میاد واسه دیدن من  
چه ساعتی؟

At three twenty  
Or at three fifteen

ساعت سه و بیست دقیقه  
یا ساعت سه و پانزده دقیقه

I'd rather see a movie on Sunday.

ترجیح میدم روز یکشنبه یه فیلم ببینم

Do you mean this Sunday?  
Yes, this Sunday.

آیا منظورت همین یکشنبه است؟  
آره، همین یکشنبه

Okay. Sunday's fine.  
Okay. See you later.

اوکی ، یکشنبه خوبه  
اوکی ، بعداً میبینمت

We're going to the movies.	داریم میریم سینما
I'm planning to go to Canada.	برنامه دارم برم کانادا
What's your plan for tomorrow?	برنامه‌ت واسه فردا چیه؟
Monday	دوشنبه
The movie starts at eight o'clock.	فیلم ساعت هشت شروع میشه

---

Do you live here?	آیا اینجا زندگی میکنی؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه

Since when?	از کی؟
I've lived here since last year.	از پارسال اینجا زندگی میکنم ( کرده ام )

Do you like it here?	از اینجا خوشت میاد؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه

My father's coming to Los Angeles.	پدرم داره میاد لس آنجلس
When is he coming?	کی داره میاد؟
On Sunday	روز یکشنبه

I haven't seen him for six years.	من شش ساله ندیدمش
-----------------------------------	-------------------

Where are you going?	کجا داری میری؟
I'm going to the supermarket.	دارم میرم سوپر مارکت

I'm going to the movies.	دارم میرم سینما
We're going to the movies.	داریم میریم سینما

What time is it?	ساعت چنده؟
It's ten after five.	ساعت ده دقیقه بعد از پنجه
It's five ten.	
It's ten to five.	ساعت ده دقیقه به پنجه

Let's go to the movies.	بیا بریم سینما
I'd rather go to a coffee shop.	ترجیح میدم برم به یه کافی شاپ

سلام علی ، چطوری؟

A: Hi, Vahid. How are you?

خوبم ، مرسی.

B: I'm fine, thanks.

دارم روز یکشنبه میرم ایران.

A: I'm going to Iran on Sunday.

واقعاً؟

B: Really?

آره، من دارم میرم دیدار پدرم.

A: Yes, I'm going to visit my father.

سفرت چه مدت طول میکشه؟

B: How long does your trip take?

میخوام یه چند هفته ای اونجا بمونم.

A: I want to stay there for a few weeks.

داری تنها میری؟

B: Are you going alone?

نه، خانواده دارن همراه میان. ما یه چند سالی اونجا نبودیم.

A: No, my family is going with me. We haven't been there for a few years.

خیال امروز بعد ازظهر چکار کنی؟

B: What are you going to do this afternoon?

دارم میرم سینما. دلت میخواد باهام بیای؟

A: I'm going to the movies. Would you like to go with me?

نه مرسی. ترجیح میدم خونه بمونم. چند تا از دوستانم دارن میان دیدارم.

B: No, thanks. I'd rather stay home. Some my friends are coming to visit me.

اوه، واقعاً؟ میشناسمشون؟

A: Oh, really? Do I know them?

فکر نکنم. اونا مال اینجا نیستند. اونا دارن از واشنگتن میان. ولی صبر کن، فکر میکنم تو شهرام رو میشناسی، مگه نه؟

B: I don't think so. They're not from here. They're coming from Washington. But wait, I Think you know Shahram, don't you?

آره. اما اون اینجا زندگی میکنه تو لس آنجلس. مگه نه؟

A: Yes, I do. But he lives here in Los Angeles, doesn't he?

نه دیگه. اون الان تو واشنگتنه. اون دو سال اونجا زندگی کرده.

B: Not anymore. He's in Washington now. He's lived there for two years.

اوکی. آیا چیزی از ایران لازم داری؟

A: Okay. Do you need anything from Iran?

نه متشکرم. سفر خوشی داشته باشی و سلام منو به پدرت برسون.

B: No, thank you. Have a nice trip and say hi to your father for me.

حتماً. بای.

A: Sure. Goodbye.

بای.

B: Goodbye.

---

Is this letter for you?

Yes, it's from Sarah.

آیا این نامه واسه توه؟

آره، از ساراست

From whom?

From my cousin Sarah

از کی؟

از دختر خالم سارا

She's planning to come here.

My cousin is planning to come here.

اون داره برنامه میریزه بیاد اینجا

دختر خالم داره برنامه میریزه بیاد اینجا

Ali has a lot of money.

What does he want to do?

With his money

علی یه عالمه پول داره

میخواه چکار کنه؟

با پولش؟

He's planning to buy a house.

برنامه داره یه خونه بخره

Why does he want to buy a house?

Because he has a big family.

And his parents are living with him.

چرا میخواد خونه بخره؟

چون یه خانواده بزرگ داره

و والدینش با اون زندگی میکنن

Have you seen my cousin Mina yet?

Yes, I have.

Not yet

آیا تا حالا دختر خالم مینا رو دیدی؟

جواب مثبت کوتاه

نه هنوز

Yes, I've seen her at the library.

Yes, I saw her in London last year.

آره، اونو تو کتابخونه دیدم

آره پارسال تو لندن دیدمش

When is she arriving in Los Angeles? On Sunday at twenty after six On Sunday at six twenty	کي داره ميرسه لس آنجلس؟ روز يکشنبه ساعت بيست دقيقه بعد از شش اون خيلي زوده
That's too early.	اون خيلي زوده
Twenty after six in the afternoon, not in the morning Six twenty in the afternoon, not in the morning	بيست دقيقه بعد از شش بعد از ظهر ، نه صبح اون خيلي زوده
How long is she going to stay here? She's planning to stay for three weeks here.	چه مدت خيال داره اينجا بمونه؟ برنامه داره واسه سه هفته اينجا بمونه
What's your plan for tomorrow? What does the word plan mean? What does plan mean? It means.... Plan	برنامت واسه فردا چيه؟ برنامت واسه فردا چيه؟ برنامت واسه فردا چيه؟ برنامت واسه فردا چيه؟ برنامه ( نقشه )
Your house Your plan	خونت برنامت
What's your plan for tomorrow? I'm planning to go to the movies.	برنامت واسه فردا چيه؟ دارم برنامه ريزي ميکنم برم سينما
What are you doing on Saturday? I'm staying home.	روز شنبه چکار داري ميکنی؟ ميمونم منزل
We can go to the movies if you want. Why not?	ميتونيم بریم سينما اگه بخوای چرا که نه
Is your husband going with us? No, he'd rather stay home.	آيا شوهرت هم داره با ما مياد نه، اون ترجيح ميده منزل بمونه
Are we going to the movies tonight? I never go to the movies on Saturdays.	آيا امشب داريم ميريم سينما؟ من روزاي شنبه هيچ وقت نميرم سينما
I sometimes go on Fridays. But never on Saturdays I always go on Sundays.	بعضي وقتا روزاي جمعه ميرم ولي روزاي شنبه هرگز من هميشه روزاي يکشنبه ميرم
On Saturdays I'd rather go to the mall.	روزاي شنبه ترجیح ميدهم برم پاساژ
Today is Sunday. And tomorrow is Monday.	امروز يکشنبه است و فردا دوشنبه است

What does the word Monday mean? What does Monday mean?	معنی کلمه دوشنبه چیه؟
It's the day after Sunday. Monday	یک روز بعد از یکشنبه است. دوشنبه
What's your plan for Monday? I'm going to Canada on Monday.	برنامه واسه دوشنبه چیه؟ روز دوشنبه داریم میرم کانادا
Are you planning to go with your family? Yes, we're going together.	آیا داری برنامه میریزی که با خانوادهت بری؟ آره داریم با هم میریم
Are you going to the movies? Yes, I am.	داری میری سینما؟ جواب مثبت کوتاه
The movie starts at eight o'clock. What time?	فیلم ساعت هشت شروع میشه ساعت چند؟
What time does the movie start? It starts at five o'clock.	ساعت چند فیلم شروع میشه؟ ساعت پنج شروع میشه
It's nine twenty. It's nine thirty.	ساعت نه و بیست دقیقه است ساعت نه و سی دقیقه است
The movie starts at seven thirty.	فیلم ساعت هفت و سی دقیقه شروع میشه
How long does the movie take? I don't know. Ask Ali.	فیلم چقدر طول میکشه؟ نمیدونم از علی بپرس
What's your plan for tonight? We're going to the movies.	برنامه واسه امشب چیه؟ داریم میریم سینما
There's a good movie tonight. There is a good movie tonight.	یه فیلم خوب امشب هست
When does it start? It starts at seven thirty.	کی شروع میشه؟ ساعت هفت و سی دقیقه شروع میشه
What are you going to do? After the movies	خیال داری چکار کنی؟ بعد از سینما
We can have dinner. Where?	میتونیم شام صرف کنیم کجا؟
I know a good restaurant. Can we go to a coffee shop?	من یه رستوران خوب بلدم آیا میتونیم بریم به یه کافی شاپ؟

When?  
After the movies  
Sure

کی؟  
بعد از سینما  
حتماً

Is this your car?  
Which one?

این ماشین شماست؟  
کدوم یکی؟

The black one  
No, that's my wife's car.

سیاهه  
نه، اون ماشین خانممه

---

Plan  
Please  
Plate  
Plan  
Planning  
Start  
Stay  
Start  
Starts  
The movie starts at seven.  
After  
Father  
Rather  
Father  
Rather

I'd like to buy that shirt.  
Which one?

دلم میخواد اون پیرهنه رو بخرم  
کدوم یکی؟

The red one  
The white one  
The yellow one  
The blue one

قرمزه  
سفیده  
زرده  
آبیه

We're going to Iran on Monday.

داریم روز دوشنبه میریم ایران

Do you work on Sundays?  
I never work on Sundays.  
But I usually work on Saturdays.

آیا روزای یکشنبه کار میکنی؟  
من هیچ وقت روزای یکشنبه کار نمیکنم  
ولی معمولاً روزای شنبه کار میکنم

Do you still have your car?  
Yes, I still have it.  
No, I don't have it anymore.

آیا هنوزم ماشینتو داری؟  
آره هنوزم دارمش  
نه دیگه ندارمش

سلام علی، چطوری؟

A: Hi, Ali. How are you?

خوبم مرسی . چطوری؟

B: I'm fine, thanks. How are you?

خوب، متشکرم. علی برنامهت واسه امشب چیه؟

A: Fine, thank you. Ali, what's your plan for tonight?

فکر میکنم خونه میمونم . چرا؟

B: I think I'm staying home. Why?

دلت میخواد با ما بیای سینما؟

A: Would you like to go to the movies with us?

کی؟ امشب؟

B: When? Tonight?

آره، ما داریم میریم ساعت نه و سی دقیقه.

A: Yes, we're going at nine thirty.

نه و سی دقیقه خیلی دیره واسه من. فیلم چقدر طول میکشه؟

B: Nine thirty is too late for me. How long does the movie take?

نمیدونم.

A: I don't know.

ترجیح میدم خونه بمونم. من یه خورده خسته ام . و باید فردا برم کار.

B: I'd rather stay home. I'm a little tired, and I have to work tomorrow.

ساعت چند پا میشی فردا؟

A: What time do you get up tomorrow?

صبح زود. کارم ساعت هفت شروع میشه.

B: Early in the morning. My work starts at seven.

اوکی پس. دلت میخواد فردا بیای خونه ما؟

A: Okay, then. Would you like to come to our place tomorrow?

فکر نکنم.

B: I don't think so.

چرا که نه؟

A: Why not?



برنامه دارم فردا پدرم رو دیدار کنم. شاید بتونم بیام خونتون دوشنبه شب.

B: I'm planning to visit my father tomorrow. Maybe I can come to your place on Monday night.

باشه علی . بای.

A: All right, Ali. Goodbye.

بای.

B: Goodbye.

Where's the kitchen?

I need a few plates.

آشپزخونه کجاست؟

یه چند تا بشقاب لازم دارم

I haven't seen this movie yet.

But I've seen it.

But I have seen it.

من این فیلم رو هنوز ندیدم

ولی من دیدمش

Let's go home.

Let's go to the movies.

بیا بریم منزل

بیا بریم سینما

Gas station

Bus station

پمپ بنزین

ایستگاه اتوبوس

Excuse me. Where's the bus station?

It's over there.

بخشید ایستگاه اتوبوس کجاست؟

اونها اونجاست

There's a bus station on Sunset Avenue.

Thanks a lot.

You're welcome.

یه ایستگاه اتوبوس تو خیابان سانست هست

خیلی ممنون

خواهش میکنم

Do you have any sugar?	شکر داری؟
I have sugar cubes.	قند دارم
Here's a spoon.	بفرما به قاشق
Not right now	همین الان نه
Only five minutes	فقط پنج دقیقه
I need a fork.	یه چنگال لازم دارم
Can you give me a knife?	میتونی یه کارد بهم بدی؟
Four knives	چهار تا کارد ( چاقو )

---

What are you going to do tomorrow night?	فردا شب خیال داری چکار کنی؟
What's your plan for tomorrow?	برنامت واسه فردا چیه؟
I'm planning to go to the movies.	برنامه دارم برم سینما

I'd rather stay home tomorrow.	ترجیح میدم فردا بمونم خونه
With my father	با پدرم
I want to buy something for him.	میخوام یه چیزی واسش بخرم

Let's go to the mall.	بیا بریم پاساژ
We can take my car.	میتونیم ماشین منو برداریم

Are we going to go to the movies tonight?	آیا امشب خیال داریم بریم سینما؟
Yes, we are.	جواب مثبت کوتاه

What time does the movie start?	فیلم ساعت چند شروع میشه؟
It starts at nine fifteen.	ساعت نه و پانزده دقیقه شروع میشه

And after the movies	و بعد از سینما
We can go to my place.	میتونیم بریم خونه من
We can eat something there.	میتونیم اونجا یه چیزی بخوریم

Here's a letter.	بفرما یه نامه ( اینهاها یه نامه )
From whom?	از کی؟
From your cousin Sahar	از دختر داییت سحر

She's coming to visit.	اون داره میاد واسه دیدار
She's arriving on Monday.	روز دوشنبه داره میرسه

Monday or Sunday?	دوشنبه یا یکشنبه؟
I think Monday but I'm not sure.	فکر میکنم دوشنبه ولی مطمئن نیستم

What time is it?	ساعت چنده؟
It's four twenty.	چهار و بیست دقیقه است

سلام مایکل. اوضاع چطوریه؟

A: Hi, Michael. How's it going?

بد نیستم. تو چطور؟

B: Not bad. And you?

خوبم. دلت میخواد امشب یه فیلم ببینی؟

A: I'm okay. Would you like to see a movie tonight?

یه عالمه کار دارم که انجام بدم. فیلم ساعت چند شروع میشه؟

B: I have a lot of work to do. What time does the movie start?

ساعت هفت و سی دقیقه شروع میشه. و بعد میتونم بریم خونه من.

A: It starts at seven thirty, and then we can go to my place.

من نمیتونم امشب بیام. من برنامه دارم امشب برم کتابخونه.

B: I can't come tonight. I'm planning to go to the library.

پس بزن بریم کتابخونه امشب. بعد از اون، میتونیم با هم شام صرف کنیم.

A: Then let's go to the library tonight. After that, we can have dinner together.

متاسفم، اما من امشب باید با پدرم شام بخورم.

B: I'm sorry, but I have to eat dinner with my father tonight.

اوکی. پس شاید فردا؟

A: Okay. Then maybe tomorrow?

باشه. فردا میبینمت.

B: All right. See you tomorrow.

---

Would you like to have some tea? I have some tea at home.	دلت میخواد یه کم چای صرف کنی؟ من یه کم چای در منزل دارم
Do you have any sugar? Would you like some coffee? Do you have any sugar?	شکر داری؟ کمی قهوه میل داری؟ هیچی شکر داری؟
I have some sugar cubes. I don't have any sugar. But I have some sugar cubes.	یه مقدار قند دارم هیچی شکر ندارم ولی مقداری قند دارم
I don't like sugar cubes. Not with my coffee Then we can have some tea.	من قند دوست ندارم ( عملاً قندها ) با قهوه ام نه پس میتونیم یه کم چای صرف کنیم
But I'd rather have coffee. Okay. Here's your coffee. And here's a sugar cube.	ولی من ترجیح میدم قهوه صرف کنم اوکی بفرما قهوه و بفرما یه قند
Does your father like coffee or tea? He usually drinks tea.	پدرت قهوه دوست داره یا چای؟ اون معمولاً چای میخوره
Can you give me a spoon? Spoon Here's a spoon.	میتونی یه قاشق بهم بدی؟ قاشق بفرما یه قاشق
Thanks a lot. I don't need a spoon.	خیلی ممنون قاشق لازم ندارم
I don't want coffee anymore. But you always drink coffee. Yes, but not right now. Not right now	من دیگه قهوه نمیخوام ولی تو همیشه قهوه میخوری آره، اما الان نه ( همین الان نه ) همین الان نه
Do you have any sugar cubes? No. Do you want sugar? Yes, please. Yes, please. Sugar's fine.	آیا قند داری؟ نه، شکر میخوای؟ آره لطفاً
Do you have a spoon? Of course I do. Of course I have a spoon. Here you are.	قاشق داری؟ البته که دارم بفرما
Would you like to go to the movies? Not right now Maybe later	دلت میخواد بری سینما؟ الان همین الان شاید بعداً

I'm going to a restaurant right now.	همین الان دارم میرم به رستوران
Let's go to my place. Do you have a car?	بیا بریم خونه من ماشین داری؟
No, but we can go by bus. Or we can walk.	نه، ولی میتونیم با اتوبوس بریم یا میتونیم قدم بزنینم
How far is your house? It's not very far.	فاصله خونت چقدره؟ ( خونت چقدر دوره؟ ) خیلی دور نیست
It's only five minutes. One minute	فقط پنج دقیقه است یک دقیقه
How long does it take?	چقدر طول میکشه؟
It only takes two minutes. Then let's walk.	فقط دو دقیقه وقت میخواد پس بیا پیاده بریم
Are you going to the supermarket? Yes, I am.	آیا داری میری سوپرمارکت؟ جواب مثبت کوتاه
Can you buy some sugar cubes? We need sugar, too.	آیا میتونی کمی قند بخری؟ شکر هم احتیاج داریم
I'd like some cake. Do you want a spoon, too?	من به کمی کیک میل دارم به قاشق هم میخوای؟
No, give me a fork, please. Give me a fork, please. I need a fork.	نه، به چنگال بهم بده لطفاً به چنگال احتیاج دارم
Would you like some tea, too? Not right now	به کم چای هم میل داری؟ نه همین الان
I'd like some coffee right now. Let's go to my cousin's house.	همین الان به کم قهوه میل دارم بیا بریم خونه پسرخالم
Do we have to go by car? No, we can walk.	آیا باید با ماشین بریم نه میتونیم پیاده بریم
How long does it take? It doesn't take much time.	چقدر طول میکشه؟ زیاد وقت نمیگیره
It only takes five minutes. Only a few minutes Just a few minutes	فقط پنج دقیقه طول میکشه فقط به چند دقیقه

Can you give me some cake? Of course Here's your cake.	میتونی یه کم کیک بهم بدی؟ البته بفرما کیکت
Thanks. But I don't have a fork. Oh, I'm sorry. Here's a fork.	مرسی ، ولی چنگال ندارم اوه متاسفم بفرما یه چنگال
And a knife I only have a knife.	و یه کارد ( چاقو ) من فقط یه کارد دارم
In a few days In a few minutes	ظرف یه چند روز ظرف یه چند دقیقه
They're arriving in a few minutes.	
Can you wait here? Can you wait a few minutes? Yes, I can. No, I can't.	میتونی اینجا صبر کنی؟ آیا میتونی یه چند دقیقه صبر کنی؟ جواب مثبت کوتاه جواب منفی کوتاه
I'm very busy. I'm very busy right now.	سرم خیلی شلوغه الانم سرم خیلی شلوغه
Would you like a glass of water? No, thanks. Yes, please.	یه لیوان آب میل داری؟ نه، مرسی بله، لطفاً
Can you give me a tea? Sure Of course	میتونی یه چای بهم بدی؟ حتماً البته
Do you want sugar with your tea? Yes, just a little sugar.	آیا شکر با چاییت میخوای؟ آره، فقط یه خورده شکر
No, give me some sugar cubes. And a spoon We don't have any sugar cubes.	نه، کمی قند بهم بده و یه قاشق هیچی قند نداریم
Excuse me. What time is it? It's six twenty. It's seven forty-five. It's four o'clock.	بخشید، ساعت چنده؟ ساعت شش و بیست دقیقه است ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه است ساعت چهاره
A knife Two knives	یه چاقو دو تا چاقو

How many knives do you need? We don't need any knives.	چند تا چاقو لازم داریم؟ چاقو لازم نداریم
This knife is too small.	این چاقو زیادی کوچکه
Give me a bigger one. Give me the blue one. Give me that one.	یه بزرگتر بهم بده آبیه رو بهم بده اون یکی رو بهم بده
Give me that one we bought yesterday.	اون یکی رو بهم بده که دیروز خریدیم
Not this one	این یکی نه

---

Sugar  
Sugar cubes  
Spoon  
Speak  
Spoon  
Right  
Right now  
Minute  
Two minutes  
Fork  
Knife  
One knife  
Two knives  
Knives  
One knife  
Four knives

---

A fork Two forks	یه چنگال دوتا چنگال
Where are the forks? They're in the kitchen. I need a spoon, too.	چنگالا کجان؟ تو آشپزخون یه قاشق هم احتیاج دارم
What color is your father's car? His car's black.	ماشین پدرت چه رنگیه؟ ماشینش سیاهه
Today is Sunday. Tomorrow's Monday. Tomorrow is Monday.	امروز یکشنبه است فردا دوشنبه است

We've lived here for four years. ( کرده ایم )  
We have lived here for four years.

When are you going to the supermarket? کی داری میری سوپرمارکت؟

Right now همین الان  
In a few minutes ظرف یه چند دقیقه  
In ten minutes ظرف ده دقیقه

What's your plan for tonight? برنامهت واسه امشب چیه؟

Are you busy tonight? آیا امشب سرت شلوغه؟  
No, let's eat dinner together. نه، بیا با هم شام بخوریم

توجه: جمع بستن اسامی مختوم به ( fe یا f )

اسامی مختوم به fe یا f با افزودن ves جمع بسته می شوند. (حرف f تبدیل به v شده و سپس es افزوده می شود.)

شکل ساده ( مفرد )	جمع
Knife	Knives
Wife	Wives
Life	Lives
Wolf	Wolves
Loaf	Loaves
Shelf	Shelves
Half	Halves
Thief	Thieves



My father's arriving on Tuesday.  
Do you take sugar with your tea?  
Let me buy it for you.  
I'm not on vacation.  
I'm taking a vacation tomorrow.  
August  
In September  
January  
Let's go to my office.  
Let him go.

پدرم داره روز سه شنبه میرسه  
با چاییت شکر میخوری؟  
بذار واست بخرمش  
من در مرخصی نیستم ( تعطیلات )  
دارم فردا مرخصی میگیرم  
اوت ( ماه هشتم میلادی )  
در سپتامبر ( ماه نهم میلادی )  
ژانویه ( ماه اول میلادی )  
بیا بریم دفترم  
بذار بره

Let's drink some tea.

بیا یه کم چای بخوریم

Do you have sugar?  
No, I don't.

شکر داری؟  
جواب منفی کوتاه

Then let's go to my place.  
Can we go to the movies after that?  
Why not?

پس بیا بریم خونه من  
آیا میتونیم بعد از اون بریم سینما؟  
چرا که نه؟

Do you know when the movie starts?  
The movie starts at seven thirty.

آیا میدونی فیلم کی شروع میشه؟  
فیلم ساعت هفت و سی دقیقه شروع میشه

Can we have a cup of tea first?  
Let's drink tea after the movie.

آیا میتونیم اول یه فنجان چای صرف کنیم؟  
بذار بعد از فیلم چای بخوریم

It's five twenty-five right now.

الان ساعت پنج و بیست و پنج دقیقه است

We still have time.  
Let's go to my place.

هنوزم وقت داریم  
بیا بریم خونه من

When?  
Right now

کی؟  
همین الان

What time is it?  
It's eight forty-five.  
It's twelve thirty.

ساعت چنده؟  
هشت و چهل و پنج دقیقه است  
دوازده و سی دقیقه است

Is your father arriving on Monday?  
Not on Monday

آیا پدرت داره روز دوشنبه میرسه؟  
روز دوشنبه نه

Then when?  
My father is arriving on Tuesday.  
He's arriving on Tuesday.

پس کی؟  
پدرم روز سه شنبه میرسه

Is it Monday today?

No, it's Tuesday.

Let's go to my office.

نه ، سه شنبه است

بيا بريم دفتر من ( اداره من )

### مکالمه

---

ببخشيد ساعت چنده؟

A: Excuse me. What time is it?

هفت و بيست دقيقه.

B: It's seven twenty.

مرسي.

A: Thanks.

آيا منتظر علي هستي؟

B: Are you waiting for Ali?

آره. آيا تو دفترشه؟

A: Yes. Is he in his office?

متاسفم. الانه توي دفترش نيست. ميتوني يه چند دقيقه اينجا منتظر باشي؟

B: I'm sorry. He's not in his office right now. Can you wait here for a few minutes?

حتماً.

A: Sure.

يه ليوان قهوه ميل داري؟

B: Would you like a cup of coffee?

آره لطفاً با شکر.

A: Yes, please. With sugar.

---

Are you busy?	سرت شلوغه؟
Do you have time? A few minutes	یه چند دقیقه
Do you have a few minutes? Yes, I do.	یه چند دقیقه وقت داری؟ جواب مثبت کوتاه
What can I do for you?	چه فرمایشی دارید؟
How would you like your tea? With sugar I take it with sugar.	چایتون رو چطوری میل دارید؟ با شکر با شکر میخورمش
Do you take sugar with your tea? Yes, I take sugar with my tea.	تو با چاییت شکر میخوری؟ آره با چاییم شکر میخورم ( برمیذارم )
Do you have sugar cubes? Yes, we do. Of course we do.	قند دارید؟ جواب مثبت کوتاه
Can you give me some cake? Sure, here you are.	میتونی یه کم کیک بهم بدی؟ حتماً بفرما
Let me give you a fork. Let me eat my lunch. Let me buy this shirt.	بذار یه چنگال بهت بدم بذار ناهارم رو بخورم بذار این پیرهن رو بخرم
For you Let me buy this shirt for you. Let me buy it for you. Let's buy it.	واسه تو بذار این پیرهن رو واست بخرم بذار واست بخرمش بذار بخریمش ( بیا بخریمش )
Ali's father. Let me speak with Ali's father.	پدر علی بذار با پدر علی صحبت کنم
Do you have enough money? No, I don't.	پول کافی داری؟ جواب منفی کوتاه
Then let me give you some money. Let me eat my dinner first.	پس بذار مقداری پول بهت بدم بذار اول شامم رو بخورم
I usually drink my coffee with sugar. I sometimes take a little sugar.	من معمولاً قهوه رو با شکر میخورم بعضی وقتا یه کم شکر میخورم ( برمیذارم )
Let's go to the grocery store. What do you need? I want to buy some sugar cubes.	بیا بریم خواربارفروشی چی احتیاج داری؟ میخوام مقداری قند بخرم

Mina, where are the spoons? They're in the kitchen.	مینا قاشق ها کجان؟ تو آشپزخونن
And the knives? They're there, too.	کاردها چطور؟ اونا هم اونجان
I can't find them. Let me find them for you. Thanks, Mina.	بذار واست پیداشون کنم مرسی مینا
How many spoons do you need? I just need one.	چند تا قاشق لازم داری؟ فقط یکی احتیاج دارم
Do you want a fork, too? No, there's one here.	یه چنگال هم میخوای؟ نه، یکی اینجا هست
I have a lot of work. I'm not on vacation.	یه عالمه کار دارم من در مرخصی نیستم ( تعطیلات )
Are you on vacation? No, I'm not.	جواب منفی کوتاه
Where's Ali? Ali's on vacation this week.	علی کجاست؟ علی این هفته در مرخصیه
I'm taking a vacation tomorrow.	من فردا دارم مرخصی میگیرم
Are you planning to take a vacation? Yes, I'm going to take a vacation. In a few weeks Are you on vacation? Are you on vacation on Monday? Yes, I am.	آیا برنامه داری مرخصی بگیری؟ آره خیال دارم مرخصی بگیرم ظرف یه چند هفته تو در مرخصی؟ روز دوشنبه مرخصی ؟ جواب مثبت کوتاه
When are you going to go to Los Angeles?	کی خیال داری بری لس آنجلس؟
When are you going to take a vacation? When are you planning to take a vacation?	کی خیال داری مرخصی بگیری؟
When are you going on vacation? In August	کی داری میری مرخصی؟ در اوت ( ماه هشتم سال میلادی )
Ali's parents Ali's parents are in Iran.	والدین علی والدین علی در ایرانند
When are Ali's parents coming to Los Angeles? They're coming in August.	والدین علی کی دارن میان لس آنجلس؟ اونا دارن توی اوت میان

They're coming in September.	اونا دارن توی سپتامبر میان
We're in August now. September is after August.	الان توی اوتیم سپتامبر بعد از اوتہ
I'm not going to go on vacation. Until September	خیال ندارم برم مرخصی تا سپتامبر
I'm very busy right now. I don't have time.	الانہ سرم خیلی شلوغہ وقت ندارم
I don't have time to go on vacation. I don't have time to take a vacation.	وقت ندارم برم مرخصی وقت ندارم مرخصی بگیرم
Are you going on vacation in September?	آیا سپتامبر داری میری مرخصی؟
No, I'm going on vacation in January What does the word January mean? What does January mean? It means....	
January I'm taking a vacation in January.	ژانویہ دارم تو ژانویہ مرخصی میگیرم
I'm going to go to Iran. When does the movie start?	خیال دارم برم ایران فیلم کی شروع میشہ؟
When does your vacation start? In a few weeks	مرخصیت کی شروع میشہ؟ ظرف یہ چند ہفتہ
In August In September In January	توی اوت تو سپتامبر تو ژانویہ
Does Ali work here? Yes. Would you like to see him?	آیا علی اینجا کار میکنہ؟ آرہ، مایلید اون رو ببینید؟
Yes, please. Where's his office? Go straight ahead.	آرہ لطفاً ، دفترش کجاست؟ مستقیم برو
His office is on your right. Ali's office is on your right.	دفتر علی دست راستونہ
Did you find it? Did you find Ali's office?	پیداش کردی؟ دفتر علی رو پیدا کردی؟
Yes, I did. Not yet	جواب مثبت کوتاہ نہ ہنوز

---

Tuesday

Office

Vacation

I'm on vacation.

I'm taking a vacation.

August

In August

September

In September

January

In January

---

### مکالمه

---

مایک ، من و خانمم داریم میریم مرخصی در ماه اوت.

A: Mike, my wife and I are going on vacation in August.

واقعاً؟

B: Really?

آره، کی دارید میرید مرخصی؟

A: Yes. When are you going on vacation?

برنامه دارم مرخصیم رو در سپتامبر بگیرم.

B: I'm planning to take my vacation in September.

کجا دارید میرید؟

A: Where are you going?

داریم میریم ایران. برنامتون چیه؟

B: We're going to Iran. What's your plan?

برنامه داریم از والدینم دیدار کنیم.

A: We're planning to visit my parents.

اونجا کجا زندگی میکنن؟

B: Where do they live?

اونان تو آتلانان جورجان زندگی میکنن.  
A: They live in Atlanta Georgia.

آیا دارید با ماشین میرید؟  
B: Are you going by car?

نه، آتلانان از اینجا خیلی دوره . مایک، دیروز مینا رو دیدی؟  
A: No, Atlanta is too far from here. Mike, did you see Mina yesterday?

آره، اون رو توی دفترش دیدم. اون الانه خیلی سرش شلوغه.  
B: Yes, I did. I saw her in her office. She's very busy right now.

میدونم. من روز دوشنبه باهاش صحبت کردم. اون دانه تو ژانویه میره مرخصی .  
A: I know. I spoke with her on Monday. She's going on vacation in January.

خوش به حالش.  
B: Good for her.

آره. آیا فردا کار میکنی مایک؟  
A: Yes. Are you working tomorrow, Mike?

آره.  
B: Yes, I am.

میتونی فردا به دفترم بیای؟  
A: Can you come to my office tomorrow?

حتماً. در چه ساعتی؟  
B: Sure. At what time?

ساعت یازده و نیم.  
A: At eleven thirty.

اوکی. پس فردا توی دفترت میبینمت. بای.  
B: Okay. Then see you tomorrow in your office. Goodbye.

بای.  
A: Goodbye.

I don't drink coffee at all. من اصلاً قهوه نمیخورم  
Have a nice day. روز خوبی داشته باشی  
This tea is too hot. این چای زیادی داغه  
It's cold today. امروز سرده  
Not at all. اصلاً نه ( به هیچ وجه )  
They travel a lot. اونا خیلی مسافرت میرن

---

I'm going on vacation. دارم میرم مرخصی  
Really? when? جداً؟ کی؟  
I'm going to go in August. خیال دارم توی اوت برم  
When are you taking a vacation? تو کی داری مرخصی میگیری؟  
I'm not going on vacation. من مرخصی نمیرم  
I still have a lot of work. هنوزم یه عالمه کار دارم

#### مکالمه

---

سلام جیم. الان مرخصی هستی؟

A: Hi, Jim. Are you on vacation now?

نه، من دارم ژانویه میرم مرخصی.

B: No, I'm going on vacation in January.

برنامه دارید کجا برید؟

A: Where are you planning to go?

دارم میرم شیراز. شهر خیلی خوبیه توی ایران. برنامهت چیه؟

B: I'm going to Shiraz. It's a very nice city in Iran. What's your plan?

من نمیتونم مرخصی بگیرم تا سپتامبر.

A: I can't take a vacation until September.

آیا تو سر کار خیلی مشغولی؟

B: Are you very busy at work?

اوه بله . کارای زیادی دارم که انجام بدم.

A: Oh, yes. I've a lot of things to do.

---



My cousin Peyman is coming. When? On Tuesday	پسر خالم پیمان داره میاد کی؟ روز سه شنبه
He's coming to visit us. I'm sure.	اون داره میاد از ما دیدار کنه مطمئنم
He'd like to see you. Is he coming alone? No, he's coming with his friend.	اون مایله تو رو ببینه داره تنها میاد؟ نه، با دوستش داره میاد
They travel a lot. I travel a lot now. For my work	اونا خیلی مسافرت میرن من الان خیلی مسافرت میرم واسه کارم
Can you come to our place on Tuesday? I'm sorry. I work on Tuesdays. Unfortunately I can't come.	آیا میتونی روز سه شنبه بیای خونه ما؟ متاسفم، من روزای سه شنبه کار میکنم متاسفانه، نمیتونم بیام
How long is he staying here? He's staying until Sunday.	چه مدت اینجا میمونه؟ (مذکر) تا یکشنبه میمونه
Which Sunday? This Sunday	کدوم یکشنبه؟ همین یکشنبه
Let me speak with my wife. Let me drink my tea. Let's go to the movies.	بذار با خانمم صحبت کنم بذار چاییم رو بخورم بیا بریم سینما
I'm going to Canada tomorrow. Really? Yes, my daughters live there.	فردا دارم میرم کانادا جدا؟ آره، دخترام اونجا زندگی میکنن
I'd rather go alone. I don't want to go with your friends.	من ترجیح میدم تنها برم نمیخوام با دوستات برم
I don't want to travel with them. Why not?	نمیخوام با اونا مسافرت کنم چرا نه؟
Because I want to speak Persian. And they don't understand Persian.	چون میخوام فارسی صحبت کنم و اونا فارسی نمیفهمن
But you can speak English, can't you? Yes, but I'd rather speak Persian.	ولی تو میتونی انگلیسی صحبت کنی، مگه نه؟ چرا، ولی ترجیح میدم فارسی صحبت کنم
Let's go to the coffee shop. Is it very far from here? Is the coffee shop very far from here?	بیا بریم کافی شاپ آیا از اینجا خیلی دوره؟ آیا از اینجا خیلی دوره؟

Not at all. We can walk there.	اصلاً نه ( به هیچ وجه ) میتونیم پیاده بریم اونجا
Do you like coffee? Not at all.	قهوه دوست داری؟ ابداً
I don't drink coffee at all. I don't go to the mall at all.	من اصلاً قهوه نمیخورم من اصلاً پاساژ نمیروم
Have you been to Paris at all? No, I haven't been there yet. I haven't gone there yet.	اصلاً پاریس بودی؟ نه، هنوز اونجا نبودم نه، هنوز اونجا نرفتم
Let me give you a spoon. Let's buy some sugar cubes. Do you have time for coffee? Not at all.	بذار یه قاشق بهت بدم بیا یه کم قند بخریم وقت داری واسه قهوه؟ نه، اصلاً
No, I'm very busy right now. No, I don't have time.	نه، الانه سرم خیلی شلوغه نه، وقت ندارم
I usually don't drink coffee. I don't like coffee.	من معمولاً قهوه نمیخورم قهوه دوست ندارم
I don't drink coffee at all. I don't like coffee at all.	من اصلاً قهوه نمیخورم من اصلاً قهوه دوست ندارم
How would you like to take your coffee? I take it with sugar.	با شکر میخورمش
When are you going on vacation? I don't know. I still have a lot of work.	کی داری میری مرخصی؟ ( تعطیلات ) نمیدونم، هنوزم یه عالمه کار دارم
But I'd like to go in January. I'm going on vacation this Tuesday.	ولی دلم میخواد تو ژانویه برم این سه شنبه دارم میرم مرخصی
This Friday	این جمعه
I don't drink tea. I never drink tea. I don't drink tea at all.	من چای نمیخورم من هیچ وقت چای نمیخورم من اصلاً چای نمیخورم
But I'd like a coke. I don't like tea. I always drink coffee.	ولی یه کوکا میل دارم چای دوست ندارم همیشه قهوه میخورم
What time is it? It's twenty after five.	ساعت چنده؟ بیست دقیقه بعد از پنجه

No, wait! It's twenty to six.	نه، صبر کن ساعت بیست دقیقه به شیشه
Can you wait a minute? Do you have a minute?	میتونی یه دقیقه صبر کنی؟ یه دقیقه وقت داری
Do you have a minute for me? Sure. What can I do for you?	آیا یه دقیقه واسه من وقت داری؟ حتماً، چکار میتونم واست بکنم؟
When are you taking a vacation? I'm going on vacation in August.	کی داری مرخصی میگیری؟ توی اوت دارم میرم مرخصی
I have to go to the office. I still have a lot of work.	باید برم دفتر ( اداره ) هنوزم یه عالمه کار دارم
Have a nice trip. Have a nice day.	سفر خوبی داشته باشی روز خوبی داشته باشی
How is it going?	اوضاع چطوره؟
Would you like to go to a restaurant? I'd rather go to a coffee shop. No, let's go to the movies.	دلت میخواد بری به یه رستوران؟ من ترجیح میدم برم به یه کافی شاپ نه، بیا بریم به سینما
Do you know any good movies? Yes, I know a good movie.	هیچ فیلم خوبی میشناسی؟ آره، یه فیلم خوب میشناسم
What would you like to drink? A cup of tea, please A glass of water, please	چی میل داری بنوشی؟ یه فنجان چای لطفاً یه لیوان آب لطفاً
Hot tea	چای داغ
It's very hot today. A hot tea, please Here's your tea.	یه چای داغ لطفاً بفرما چاییت
The tea's not hot enough. It's not hot enough.	
It's cold. This tea's cold. It's cold today.	سرده این چای سرده امروز سرده

I'd like a cup of hot tea.  
This is cold.

یه فنجان چای داغ میل دارم  
این سرده

I don't like cold tea.  
I don't like cold tea at all.

من چای سرد دوست ندارم  
من اصلاً چای سرد دوست ندارم

Is Tehran very far from Karaj?  
Not at all.

نه ، اصلاً

It's just thirty kilometers.  
It's not far at all.

فقط سی کیلومتره  
اصلاً دور نیست

This tea's too hot.  
I can't drink it now.

این چایی زیادی داغه  
نمیتونم الان بخورمش

I never drink cold tea.  
But I sometimes drink cold tea.

من هیچ وقت چای سرد نمیخورم  
ولی بعضی وقتا چای سرد میخورم

A lot of people drink hot tea in Iran.  
I don't like cold tea.

چای سرد دوست ندارم

---

Travel  
Try  
Travel  
Traveling  
At all  
Mall  
All  
At all  
Not at all.  
Cold  
Old  
Cold  
Cold enough  
January

---

Is Ali home?	علی منزله؟
No, he's still at work.	نه، هنوزم سر کاره
No, he's not home yet.	نه، هنوز منزل نیست
Is your tea still hot?	
Yes, it is.	جواب مثبت کوتاه
No, I think it's cold now.	نه، فکر کنم سرده حالا
Hot tea	چای داغ
Hot water	آب داغ
Do you need hot water?	آیا آب داغ لازم داری؟
Yes. Can you give me some hot water?	آره، میتونی مقداری آب داغ بهم بدی؟
Of course	البته
Let me see.	بذار ببینم
Let me see if I have hot water.	بذار ببینم که آیا آب داغ دارم
I'm sorry.	متاسفم
I don't have hot water.	آب داغ ندارم
Have you seen Ali's car?	ماشین علی رو دیدی؟
Yes, but I don't like the color.	آره، ولی از رنگش خوشم نمیاد
Do you take your tea with sugar?	آیا چاییت رو با شکر میخوری؟
No, I take it with sugar cubes.	نه، با قند میخورمش
Here you are.	بفرمایید
Thanks a lot.	خیلی ممنون
You're welcome.	خواهش میکنم

Take care.	مراقب باش ( مواظبت کن )
It's a beautiful day.	روز فشنگیه
Next time	دفعه آینده
This time	این دفعه
I'm happy.	خوشحالم
A piece of bread	یه تیکه نان

---

Do you like coffee?	قهوه دوست داری؟
Not at all.	ابداً
But your parents drink coffee.	ولی والدینت قهوه میخورن
Where are they now?	اونا الان کجان؟
They're in Germany right now.	اونا الانه در آلمانن
They travel a lot, don't they?	خیلی مسافرت میکنن ، نه؟
Yes, they do.	جواب مثبت کوتاه
I'm taking a vacation tomorrow.	دارم فردا مرخصی میگیرم
When are you going on vacation?	تو کی میری مرخصی؟
On Tuesday	روز سه شنبه
But I'd rather take a vacation in August.	ولی ترجیح میدم در اوت مرخصی بگیرم
Where are you going?	کجا میری؟
I'm planning to go to Iran.	برنامه دارم برم ایران
I'm staying until September.	تا سپتامبر میمونم
Would you like some coffee?	یه کم قهوه میل داری؟
I don't like coffee at all.	من اصلاً قهوه دوست ندارم
I never drink coffee.	من هرگز قهوه نمیخورم
I only like hot tea.	من فقط چای داغ دوست دارم
Do you take sugar with your tea?	آیا با چاییت شکر میخوری؟
No, I don't.	جواب منفی کوتاه
Do you have sugar cubes?	قند دارید؟
Yes, we do.	جواب مثبت کوتاه
Of course we do.	
Let me give you some sugar cubes.	بذار مقداری قند بهت بدم
Can you give me a piece of bread?	میتونی یه تیکه نان بهم بدی؟
A piece of bread	یه تیکه نان
A piece of cake	یه تیکه کیک

How many pieces would you like?

چند تا تیکه دلت میخواد؟

One piece's enough, thanks.

یه تیکه کافیه ، مرسی

### مکالمه

---

سلام امید. اوضاع چطوره؟

A: Hi, Omid. How is it going?

خوبم مرسی. فردا دارم میرم مرخصی.

B: Fine, thanks. I'm going on vacation tomorrow.

برنامه داری کجا بری؟

A: Where are you planning to go?

برنامه دارم واسه یه چند هفته برم دیدن ایران.

B: I'm planning to visit Iran for a few weeks.

بسیار خوب. سفر خوشی داشته باشی.

A: Well, have a nice trip.

مرسی. دلت میخواد مقداری قهوه با من صرف کنی؟

B: Thanks. Would you like to have some coffee with me?

ترجیح میدم کمی چای صرف کنم.

A: I'd rather have some tea.

چای داغ؟

B: Hot tea?

آره، چای سرد اصلاً دوست ندارم. چای دوست داری؟

A: Yes, I don't like cold tea at all. Do you like tea?

من گاهی اوقات چای میخورم. اما معمولاً قهوه میخورم.

B: I sometimes drink tea, but I usually drink coffee.

---

I don't like my car at all. It's not working.	اصلاً از ماشینم خوشم نمیاد خرابه ( کار نمیکنه )
I need a new car. But I don't have enough money. I don't have any money at all.	من یه ماشین جدید لازم دارم ولی به اندازه کافی پول ندارم من اصلاً هیچی پول ندارم
I'd rather wait until August. I'm taking a vacation in September.	ترجیح میدم تا اوت صبر کنم دارم تو سپتامبر یه مرخصی میگیرم
Where are you going now? I'm going to the library now.	الان داری کجا میری؟ الان دارم میرم کتابخونه

توجه! اصطلاح ( Take care ) معمولاً موقع خداحافظی به کار برده میشود.

Take care.	مراقب باش
I'm going to a coffee shop right now. Would you like to go with me?	همین الان دارم میرم یه کافی شاپ دلت میخواد باهام بری؟
No, thanks. Take care. No, I don't drink coffee at all.	نه، مرسی. مراقب باش نه، من اصلاً قهوه نمیخورم
You can have some hot tea.	میتونی یه کم چای داغ صرف کنی
It's a little cold today. But I don't think it's cold.	امروز یه خورده سرده ولی من فکر نمیکنم سرده
I think it's a very nice day. It's a beautiful day.	من فکر میکنم روز خیلی خوبیه روز قشنگیه
Let's walk. It's a beautiful day.	بیا راه بریم روز قشنگیه
We can walk to the restaurant. There's a new restaurant on Bundy Avenue.	میتونیم پیاده بریم رستوران تو خیابان باندی یه رستوران جدید هست
But I'm tired. Then let's take my car.	اما من خسته ام پس بذار ماشین منو برداریم
This time	این دفعه
We can take my car this time.	این دفعه میتونیم ماشین منو برداریم
But next time We can walk.	ولی دفعه بعد ( دفعه آینده ) میتونیم پیاده بریم



Next year  
Next week  
Next Tuesday

سال آینده  
هفته آینده  
سه شنبه آینده

Okay. Take care.

اوکی، مراقب باش

---

Bread  
A piece of bread  
Care  
Their  
Care  
Take care.  
Time  
This time  
Next time  
Travel  
I travel a lot.  
Traveling  
I'm traveling.

---

My cousin's coming from Iran.  
I haven't seen her for ten years.

دختر عموم داره از ایران میاد  
ده ساله ندیدمش

Here's a letter from her.  
She's arriving next Saturday.

اینها یه نامه ازش  
شنبه آینده داره میرسه

And she's staying until August.  
Then we're going to Iran together.

و تا اوت میمونه  
بعد با همدیگه میریم ایران

But her son can't come with her.  
That's too bad.

ولی پسرش نمیتونه باهاش بیاد  
چه بد

Next time  
This time

دفعه آینده  
این دفعه

I want to buy a good car this time.  
I'm not going to Canada next time.

میخوام این دفعه یه ماشین خوب بخرم  
دفعه آینده نمیرم کانادا

Why not?  
Because it's too cold.

چرا نه؟  
چون زیادی سرده

I'd rather wait. Until August	ترجیح میدم صبر کنم تا اوت
Canada is beautiful in August. Yes, maybe we can go together.	کانادا در اوت قشنگه آره، شاید بتونیم با هم بریم

توجه" دقت کنید که با تاکید کردن روی کلمه ( I ) معنی جمله عوض میشود.

I'd like to go to Canada, too. I'd like to go to Canada, too	منم دلم میخواد برم کانادا دلم میخواد کانادا هم برم
Then we can go to Canada together. Next year	پس میتونیم با هم بریم کانادا سال آینده

There's a lot to see there.

Excuse me Do you know where Navid's office is? I'm sorry. I don't work here.	ببخشید آیا میدونید دفتر نَوید کجاست؟ متاسفم ، من اینجا کار نمیکنم
--	---

Wait a minute. I think I know you.	یه دقیقه صبر کنید فکر میکنم شما رو میشناسم
---------------------------------------	---

You are Ali, aren't you? Yes, I am.	تو علی هستی ، مگه نه؟ جواب مثبت کوتاه
--	--

I'm happy to see you. Are you happy to see me? Of course I'm happy.	خوشحالم که میبینمت خوشحالی که منو میبینی؟ البته که خوشحالم
---	--

We're going to buy a car next week. I'm very happy.	خیال داریم هفته آینده یه ماشین بخریم خیلی خوشحالم
--	--

We want to buy a better car. This time	میخوایم یه ماشین بهتر بخریم این دفعه
---	---

We want to buy a better car this time.	میخوایم این دفعه یه ماشین بهتر بخریم
--	--------------------------------------

Let's go to a coffee shop. Okay. What would you like to have?	بیا بریم کافی شاپ اوکی ، چی میل داری صرف کنی؟
--	--

I want to have a cup of coffee.	میخوام یه فنجان قهوه صرف کنم
---------------------------------	------------------------------

I'd rather have something cold. I want a glass of soda, please. Let's go to the movies.	یه لیوان نوشابه میخوام لطفاً بیا بریم سینما
---	--

When? After here	کی؟ بعد از اینجا
When does the movie start? It starts at seven twenty-five. The movie starts at seven twenty-five.	فیلم کی شروع میشه؟ ساعت هفت و بیست و پنج دقیقه شروع میشه فیلم از هفت و بیست و پنج دقیقه شروع میشه.
I can't. Take care.	نمیتونم مراقب باش
Until next time	تا دفعه بعد
I still have a lot of work to do. We're going to a new office.	هنوزم به عالمه کار دارم انجام بدم ما داریم میریم به یه دفتر جدید
Next week We're going to a new office next week.	هفته آینده هفته آینده داریم میریم به یه دفتر جدید
Can you come to our place on Tuesday? This Tuesday or next Tuesday? This Tuesday	میتونی روز سه شنبه بیای خونه ما؟ این سه شنبه یا سه شنبه هفته آینده؟ همین سه شنبه
Let me speak with my wife.	بذار با خانمم صحبت کنم
Los Angeles is a beautiful city. It's a beautiful city.	لس آنجلس شهر قشنگیه
It's a beautiful day. Your daughter's very beautiful.	روز قشنگیه دخترتون خیلی قشنگه
I'm happy to see you again.	خوشحالم دوباره میبینمت
Would you like some cake? Yes, please.	کمی کیک میل داری؟ آره لطفاً
How many pieces do you want? Give me two pieces, please.	چند تا تیکه میخوای؟ دوتا تیکه بهم بده لطفاً
Let me give you a fork, too. There is one here.	بذار به چنگال هم بهت بدم یکی اینجا هست
Do you need a knife, too? No, just give me a plate.	یه چاقو هم لازم داری؟ نه، فقط بهم یه بشقاب بده
Your shirt is beautiful. Your shirt's beautiful.	پیرهنِت قشنگه

I'm happy you like it.

خوشحالم ارزش خوشت میاد

I'm going on vacation next Friday.  
I'm going to see my friend Masoud.

دارم جمعه آینده میرم مرخصی  
خیال دارم دوستم مسعود رو ببینم

Where does he live?  
He lives in Tabriz.

اون کجا زندگی میکنه؟  
تو تبریز زندگی میکنه

Tabriz is a beautiful city.  
It's a beautiful city.

تبریز شهر قشنگیه

I have to go home now.  
Okay. Take care.

من باید الان برم منزل  
اوکی ، مراقب باش

What are you going to do this weekend? خیال داری این آخر هفته چکار کنی؟  
We have relatives there. ما اونجا قوم و خویش داریم  
We're staying at their house until next Tuesday. تا سه شنبه آینده ما خونه اونا میمونیم  
My mother lives in Iran. مادرم در ایران زندگی میکنه  
I used to live in Tehran. من قبلاً ها در تهران زندگی میکردم  
I have close relatives there. من اونجا اقوام نزدیکی دارم  
When did you see Ali last time? آخرین بار علی رو کی دیدی؟  
Please come earlier next time. لطفاً دفعه بعد زود تر بیا  
Ali's father is coming in the next few days. پدر علی داره طرف یه چند روز آینده میاد  
My house is close to the library. خونم نزدیک کتابخونه است

---

This week این هفته  
I'm going on vacation this week. این هفته میرم مرخصی ( تعطیلات )

What are you going to do this weekend? خیال داری این آخر هفته چکار کنی؟  
What does the word weekend mean?  
What does weekend mean?  
It means....

Weekend آخر هفته  
This weekend همین آخر هفته

What are you going to do this weekend? خیال داری این آخر هفته چکار کنی؟  
I'm going to Los Angeles this weekend. این آخر هفته دارم لس آنجلس  
Next weekend آخر هفته آینده

I'm going to Esfahan next weekend. آخر هفته آینده دارم اصفهان  
Esfahan is very beautiful. اصفهان خیلی قشنگه

Have a nice trip. سفر بخیر  
Have a good trip.

Take care. مراقب باش

سلام پیتر. اوضاع چطوره؟

A: Hi, Peter. How's it going?

بد نیستم. آخر هفته آینده دارم میرم مرخصی.

B: Not bad. I'm going on vacation next weekend.

کجا داری میری؟

A: Where are you going?

دارم میرم ایران. میخوام از والدینم دیدن کنم.

B: I'm going to Iran. I want to visit my parents.

آیا خوشحال هستی داری دوباره میری اونا رو ببینی؟

A: Are you happy you're going to see them again?

البته. تا حالا ایران بودی؟

B: Of course. Have you been to Iran yet?

نه تا الان. اما میدونم ایران قشنگه.

A: No, not yet. But I know Iran is beautiful.

آره.

B: Yes, it is.

آیا خونه والدینت توی ایران میمونید؟

A: Are you staying at your Parent's house in Iran?

آره. اونا پارسال یه خونه جدتد خریدن.

B: Yes, they bought a new house last year.

عالیه. پس سفر خوشی به ایران داشته باشی.

A: Great! Then have a nice trip to Iran.

مرسی. مراقب باش.

B: Thanks. Take care.

تو هم . بای.

A: You, too. Goodbye.

بای.

B: Goodbye.

---

My father's arriving on Friday. This Friday? No, next Friday.	پدرم روز جمعه داره میرسه همین جمعه؟ نه، جمعه آینده
And he's going to stay for the weekend. We're going to Los Angeles together.	و خیال داره واسه آخر هفته بمونه داریم با هم میریم لس آنجلس
Where are you going to stay in Los Angeles?	کجا خیال دارید تو لس آنجلس بمونید؟
We have relatives there. We have relatives in Los Angeles.	ما اونجا قوم و خویش هایی داریم ما تو لس آنجلس اقوامی داریم
My family My relatives Our relatives	خانواده قوم و خویش هام قوم و خویش هامون
We're going to visit our relatives.	خیال داریم از قوم و خویش هامون دیدن کنیم
We're staying at their house. Their house We're staying at their house.	ما خونه اونا میمونیم خونه اونا ( خونشون ) ما خونه اونا میمونیم
I've never been to Los Angeles. I've never lived in Los Angeles.	من هیچ وقت لس آنجلس نبودم ( نبوده ام ) من هیچ وقت در لس آنجلس زندگی نکردم ( نکرده ام )
But I have a lot of relatives there. And we usually stay at their house.	ولی یه عالمه قوم و خویش اونجا داریم و معمولاً خونه اونا میمونیم
I like this blue shirt. How much is it?	از این پیرهن آبی خوشم میاد چنده؟
How much is a letter to Iran? I don't know how much it is. But it's not expensive at all.	یه نامه به ایران چنده؟ نمیدونم چنده ولی اصلاً گرون نیست
I'm going to Texas on Sunday. I have relatives there.	روز یکشنبه دارم میرم تگزاس من اونجا قوم و خویش هایی دارم
I have close relatives there. I have close relatives in Los Angeles. Close	من اونجا اقوام نزدیکی دارم من در لس آنجلس اقوام نزدیکی دارم نزدیک
Where's your house?	خونت کجاست؟
My house is close to the library. Close to the gas station	خونم نزدیک کتابخونه است نزدیک به پمپ بنزین

We live close to Tehran. We have close relatives there.	ما نزدیک تهران زندگی میکنیم ما اونجا اقوام نزدیک داریم
We're going to visit them this weekend.	خیال داریم آخر این هفته ازشون دیدن کنیم
Some of my friends One of my friends	چند تا از دوستانم یکی از دوستانم
One of their friends One of their relatives	یکی از دوستاشون یکی از قوم و خویشاشون
This is one of their relatives.	این یکی از قوم و خویشاشونه
Excuse me. Where's the gas station? Is it very far from here? No, not at all. It's very close to here.	ببخشید پمپ بنزین کجاست؟ آیا از اینجا خیلی دوره؟ نه، اصلاً نه خیلی نزدیک به اینجاست
Do you have close relatives in Tehran? Of course	البته
My mother lives there. My mother lives in Tehran.	مادرم اونجا زندگی میکنه مادرم در تهران زندگی میکنه
Does your father live there, too? Yes, he does.	آیا پدرت هم اونجا زندگی میکنه؟ جواب مثبت کوتاه
My parents live there together. They both live in Tehran.	والدینم اونجا با هم زندگی میکنن اونها هر دو در تهران زندگی میکنن
Do you miss them? Yes, but I'm planning to go to Iran.	آیا دلت واسشون تنگ شده؟ آره، ولی دارم برنامه ریزی میکنم برم ایران
Do your parents have a big house? Yes, they have a very big house.	آیا والدینت یه خونه بزرگ دارن؟ آره، اونها یه خونه خیلی بزرگ دارن
They bought a new house last year.	پارسال یه خونه جدید خریدن
Their house is very big. My parent's house is very big.	خونشون خیلی بزرگه
What color's your parent's car? What color is your parent's car? It's yellow.	ماشین والدینت چه رنگیه؟ زرده
I don't like their car.	از ماشینشون خوشم نمیاد



My cousin's coming here next week. With her family They're going to Iran next weekend.	دختر عمم داره هفته آینده میاد اینجا با خانوادش آخر هفته دارن میرن ایران
Tehran is a beautiful city.	تهران شهر قشنگیه
There's a lot to do there.	
I used to live in Tehran.	من قبلاً ها تهران زندگی میکردم
I used to eat Persian food.	من قبلاً ها غذای ایرانی میخوردم
I have a yellow car. I used to have a red car.	من یه ماشین زرد دارم من قبلاً ها یه ماشین قرمز داشتم
My cousin's coming to visit us. He doesn't live close to here.	پسر داییم داره واسه دیدار ما میاد اون نزدیکی های اینجا زندگی نمیکنه
But he used to live here. How long is he going to stay here?	ولی قبلاً ها اینجا زندگی میکرد چند وقت خیال داره اینجا بمونه
Until next Friday Until next weekend Until this Tuesday	تا جمعه آینده تا آخر هفته آینده تا همین سه شنبه
Is he coming alone? Yes, this time. He's coming alone.	آیا تنها داره میاد؟ آره، این دفعه اون داره تنها میاد
Yes, this time he's coming alone. But next time He's coming with our relatives.	آره، این دفعه داره تنها میاد ولی دفعه بعد با قوم و خویشامون داره میاد
But next time he's coming with our relatives.	ولی دفعه بعد با قوم و خویشامون میاد
Do you have relatives in Sweden? Yes, my father's cousin lives there. But I don't have any close relatives there.	آره، پسرخاله پدرم اونجا زندگی میکنه ولی قوم و خویشای نزدیک اونجا ندارم
There's a lot to see in Sweden. And a lot to do	در سوئد خیلی چیزا واسه دیدن هست و خیلی کارها واسه انجام دادن
Next year This year Last year This Saturday Next Monday Last Friday	سال آینده امسال پارسال همین شنبه دوشنبه آینده جمعه گذشته

Where's Mina? I don't know.	می‌نا کجاست؟ نمیدونم
When did you see her last time? I saw her this morning. I saw her last night, too.	آخرین بار کی دیدیش؟ امروز صبح دیدمش دیشب هم دیدمش
When are you going to see her again? She's coming to my office tomorrow. In a few days	کی خیال داری دوباره ببینیش؟ فردا داره میاد ادارم ظرف یه چند روزی
She's coming in the next few days. In the next few days	ظرف یه چند روز آینده
Ali's mother is coming in the next few days.	مادر علی داره ظرف یه چند روز آینده میاد
Excuse me. How much is this shirt? Let me see it, please.	بخشید این پیرهن چنده؟ بذارید ببینمش لطفاً
It's forty-seven dollars.	چهل و هفت دلار
Excuse me. We're closing now. Please come earlier next time.	بخشید ما الان داریم میبندیم لطفاً دفعه بعد زودتر بیاید
The next gas station How far is the next gas station from here?	پمپ بنزین بعدی پمپ بنزین بعدی چقدر از اینجا دوره؟
Are you going by car? Yes, I am.	آیا با ماشین داری میری؟ جواب مثبت کوتاه
It's just ten minutes by car. It's only ten minutes by car.	فقط ده دقیقه است با ماشین

---

Weekend  
Relative  
Relatives  
Our relatives  
Their  
Their house  
Close  
Close relatives  
Close friends  
Close to  
My house is close to the mall.  
Used  
I used to live in Tehran.

It's old.	قدیمی ( کهنه است )
An old car	یه ماشین قدیمی
I walk less now.	حالا کمتر راه میرم
Would you like a coffee instead?	به جاش قهوه میل داری؟
I want some tea instead of coffee.	کمی چای میخوام به جای قهوه
Without my mother	بدون مادرم
I'm used to it.	بهش عادت دارم

---

What's your plan for this weekend?	برنامهت واسه این آخر هفته چیه؟
We're going to Tehran this weekend.	آخر این هفته میریم تهران
We're going to visit our relatives.	خیال داریم از اقوامون دیدن کنیم

What are you doing next weekend?	آخر هفته آینده چکار میکنی؟
I'm going to see my mother.	خیال داریم مادرم رو ببینم

She lives in Shiraz now.	الان تو شیراز زندگی میکنه
With our relatives	با قوم و خویشامون

Who's that?	اون کیه؟
That's my relative.	اون قوم و خویشمه

That's one of our relatives.	اون یکی از قوم و خویشامونه
She's my cousin.	دختر خالمه
She used to live in Paris.	قبلاً ها تو پاریس زندگی میکرد

Is Paris close to here?	آیا پاریس به اینجا نزدیکه؟
It's not very far.	خیلی دور نیست

Can we go by bus?	آیا میتونیم با اتوبوس بریم؟
Yes, we can.	جواب مثبت کوتاه

We can't go this year.	امسال نمیتونیم بریم
But maybe next year	اما شاید سال آینده

Let's go to a coffee shop.	بیا بریم یه کافی شاپ
Which coffee shop?	کدوم کافی شاپ؟
The one in Westwood	اون یکی توی وستود

There are a lot of Persian stores there.	یه عالمه مغازه های ایرانی اونجا هست
Where?	کجا؟
In Westwood	تو وستود

I sometimes go there.	بعضی وقتا میرم اونجا
With whom?	با کی؟

With my friends	با دوستانم
-----------------	------------

I usually go there with my friends. We used to travel a lot.	معمولاً با دوستانم میرم اونجا قبلاً ها خیلی مسافرت میکردیم
Did you buy a car last week? Yes, I did.	آیا هفته گذشته ماشین خریدی؟ جواب مثبت کوتاه
But it's not new. It's old.	ولی نو نیست قدیمیه
I bought an old car. This house is old.	یه ماشین قدیمی خریدم این خونه قدیمه
I used to walk a lot. But not anymore.	قبلاً ها یه عالمه راه میرفتم ولی دیگه نه
I walk less now.	حالا کمتر راه میرم
Let me see your car. It's not very old.	بذار ماشینتو ببینم خیلی قدیمی نیست
But it's cheaper than a new car. Is it older than my car? No, yours is older.	ولی از یه ماشین نو ارزونتره آیا از ماشین من قدیمی تره؟ نه، مال تو قدیمی تره
I don't like to travel alone. I don't like traveling alone.	دوست ندارم تنها مسافرت کنم
I'm going on vacation next week. We're planning to go to Iran. Iran is beautiful.	دارم هفته آینده میرم مرخصی برنامه داریم بریم ایران ایران قشنگه
Your children are going with you, aren't they? Of course	بچه هات باهات میرن ، مگه نه؟ البته
I'd like to go to Iran, too. I'd like to go to Iran, too.	منم دوست دارم برم ایران دوست دارم ایران هم برم
My husband likes Iran, too.	شوهرم هم ایران رو دوست داره
Our daughter doesn't like to travel. She doesn't like to travel.	دخترمون دوست نداره مسافرت کنه
She's at home now.	الان منزله

توجه" وقتی میخوایم همون جایی که هستیم بمونیم مثل( منزل ، شهر ، وطن ... ) از کلمه Home استفاده میکنیم.

They're both staying home. With their friends	اونها هر دوتاشون منزل میمونند با دوستاشون
--	--

سلام سحر.

A: Hi, Sahar.

سلام علی. پسر خالت کی میاد لندن؟

B: Hi, Ali. When is your cousin coming to London?

آخر این هفته داره میاد.

A: He's coming this weekend.

آیا داره با خانوادش میاد؟

B: Is he coming with his family?

نه، فقط با خانمش. بچه هاشون خونه میمونن.

A: No, just his wife. Their children are staying home.

آها فهمیدم. آیا اونا در نزدیکی اینجا زندگی میکنن؟

B: Oh, I see. Do they live close to here?

آره، اونا خیلی نزدیک زندگی میکنن.

A: Yes, they live very close.

آیا مادرت هم داره واسه دیدار میاد؟

B: Is your mother coming to visit, too?

آره، ولی اون خیال داره با اقواممون بمونه. ما اقوام نزدیکی اینجا داریم.

A: Yes, but she's going to stay with our relatives. We have close relatives here.

دلت میخواد همین الان کمی قهوه صرف کنی؟

B: Would you like to have some coffee right now?

الان نه، شاید دفعه بعد.

A: Not now, maybe next time.

اوکی. بعداً میبینمت.

B: Okay. See you later.

---

Tehran's a beautiful city. But Tehran isn't very old.	تهران شهر قشنگیه ولی تهران خیلی قدیمی نیست
A cup of tea with sugar cubes, please I'm sorry we only have sugar. We don't have any sugar cubes.	یه فنجان چای با قند لطفاً متاسفم، ما فقط شکر داریم قند نداریم
Would you like coffee instead? Yes, I would.	در عوض قهوه میل داری؟ ( به جاش ) جواب مثبت کوتاه
You speak English better than me.	تو بهتر از من انگلیسی صحبت میکنی
Better than Less than	بهتر از کمتر از
I drink coffee less than tea. I used to drink more coffee.	من قهوه کمتر از چای میخورم قبلاً ها بیشتر قهوه میخوردم
But now I drink tea instead. But now I drink tea instead.	ولی حالا به جاش چای میخورم ولی حالا به جاش چای میخورم
Do you have any sugar cubes? No, but we have sugar instead.	قند دارید؟ نه، ولی به جاش شکر داریم
Then give me a cup of coffee. With milk and sugar	پس یه فنجان قهوه بهم بده با شیر و شکر
This milk is old. Do you still want your coffee?	این شیر مانده است ( قدیمیه ) هنوزم قهوت رو میخوای؟
Yes, I do. But without milk	جواب مثبت کوتاه ولی بدون شیر
I'm going to Tehran. Without my mother	دارم میرم تهران بدون مادرم
My mother used to travel a lot. She used to travel a lot.	مادرم قبلاً ها خیلی مسافرت میرفت
But she's too old now. She travels less now.	ولی حالا زیادی مُسنه حالا کمتر مسافرت میره
She walks a lot instead.	به جاش زیاد راه میره
Walking is good for her.	راه رفتن خوبه واسش

And she's used to it. She's used to it.	و بهش عادت داره بهش عادت داره
I used to travel a lot with her. But now I travel without her. But now I travel without her.	قبلاً ها خیلی باهاش مسافرت میرفتم اما حالا بدون اون مسافرت میرم ولی حالا بدون اون مسافرت میرم
She's used to staying at home. She's not used to traveling. She's used to living alone.	عادت داره در منزل بمونه عادت نداره مسافرت بره عادت داره تنها زندگی کنه
I used to buy old cars. But now	من قبلاً ها ماشین های قدیمی میخریدم ولی حالا
I want to buy a new car. Instead of an old car	میخوام یه ماشین جدید بخرم به جای یه ماشین قدیمی
Let's go to the movies tonight. I'd rather go to a coffee shop. There's a coffee shop close to here.	بیا امشب بریم سینما من ترجیح میدم برم کافی شاپ یه کافی شاپ نزدیک به اینجا هست
The coffee shop we saw last time? Yes	کافی شاپی که دفعه قبل دیدیم؟ آره
Would you like to have some tea? No, I want to have coffee instead.	میل داری یه کم چای مصرف کنی؟ نه، به جاش میخوام قهوه مصرف کنم
I want to drink coffee. Instead of tea I want to drink coffee instead of tea.	میخوام قهوه بخورم به جای چای میخوام به جای چای قهوه بخورم
But their milk's usually old. But their milk is usually old.	ولی شیرشون معمولاً مونده ست
And their coffee is not hot enough. And their coffee isn't hot enough.	و قهوه شون به اندازه کافی داغ نیست
I'm used to drinking hot tea. We can have some milk instead.	من عادت دارم چای داغ بخورم میتونیم یه کم شیر مصرف کنیم به جاش
Okay. let's go to the coffee shop. It's very close to our house.	اوکی، بیا بریم کافش شاپ به خونمون خیلی نزدیکه
All right, but without my mother. She's used to staying at home.	باشه، ولی بدون مادرم اون عادت داره در منزل بمونه

We're going to France next weekend.  
I used to live in France.  
I have close relatives there.

ما داریم آخر هفته آینده میریم فرانسه  
من قبلاً ها تو فرانسه زندگی میکردم  
اونجا اقوام نزدیک دارم

When did you see them last time?  
I saw them last year.  
My mother lives there, too.

آخرین بار کی دیدیشون؟  
سال گذشته دیدمشون  
مادرم هم اونجا زندگی میکنه

How much is a letter to France?  
It's very cheap.

یه نامه به فرانسه چنده؟  
خیلی ارزونه

---

Instead  
Without  
Used  
I'm used to eat.  
Relatives  
Close relatives

---

I'm not used to eating Italian food.

من عادت ندارم غذای ایتالیایی بخورم

What are you used to eating?  
I'm used to eating Persian food.

عادت داری چی بخوری؟  
عادت دارم غذای ایرانی بخورم



Mina is moving to Mashhad.	مینا داره به مشهد نقل مکان میکنه
I moved to Abadan last week.	هفته قبل به آبادان نقل مکان کردم
The forks are in the drawer.	چنگال ها تو کشو اند
The top drawer	کشو بالایی
The bottom drawer	کشو پایینی
It was last year that I moved to Shiraz.	پارسال بود که به شیراز نقل مکان کردم
I was in Iran last week.	من هفته پیش ایران بودم
The name of the company is Microsoft.	اسم شرکت مایکروسافته
Ali wasn't at the library yesterday.	علی دیروز در کتابخونه نبود
I like the color of your shirt.	از رنگ پیرهننت خوشم میاد

How much money do you have?	چقدر پول داری؟
I have fifteen dollars. And you?	پانزده دلار دارم، تو چطور؟
I only have ten dollars.	من فقط ده دلار دارم
I have less money than you.	من کمتر از تو پول دارم
Is this your parents car?	آیا این ماشین والدینته؟
Yes, this is their car.	آره، این ماشین اوناست
How much did they buy it?	چند خریدنش؟
They bought it for nine thousand dollars.	نه هزار دلار خریدنش
That's cheaper than my car.	اون از ماشین من ارزونتره
That's less expensive than my car.	اون از ماشین من کمتر گرونتره
Cheaper than my car	
What's your plan for Saturday night?	برنامهت واسه شنبه شب چیه؟
We're going to Canada on Saturday.	روز شنبه داریم میریم کانادا
Are your children going with you?	آیا بچه هاتون با شما میرن؟
No, we're going without them.	نه، بدون اونا داریم میریم
And without any money	و بدون هیچ پولی
Then you can't buy anything.	پس هیچی نمیتونی بخری
We can take the bus.	میتونیم اتوبوس سوار بشیم ( بگیریم )
Instead of walking	به جای پیاده روی
We're going to go to Ramsar instead of Tehran.	خیال داریم بریم رامسر به جای تهران
We're going there instead.	داریم به جاش میریم اونجا

My car's older than yours.  
My car is older than yours.

ماشینم از مال تو قدیمی تره

I haven't seen your daughter since last year.  
She's in Yazd right now.  
She's moving to Mashhad.

دخترتو از پارسال ندیدم ( ندیده ام )  
الانه در یزده  
اون داره به مشهد نقل مکان میکنه

My cousin's moving to Munich.  
My cousin is moving to Munich.

پسر عمم داره به مونیخ نقل مکان میکنه

When are you planning to move to Vancouver?  
I'm not going to move to Vancouver.

کی برنامه داری به ونکور نقل مکان کنی؟  
من خیال ندارم به ونکور نقل مکان کنم

My relatives live here.  
My mother lives here, too.

اقوامم اینجا زندگی میکنن  
مادرم هم اینجا زندگی میکنه

Do you still live in Tehran?  
No, I moved to Abadan.  
I moved to Abadan.

آیا هنوزم تهران زندگی میکنی؟  
نه، من به آبادان نقل مکان کردم  
من به آبادان نقل مکان کردم

I haven't seen Ali since last year.  
I haven't seen him since last year.

علی رو از پارسال ندیدم

Where is he?  
He moved to Holland.

کجاست؟  
اون به هلند نقل مکان کرد

When did he move there?  
He moved there last week.

کی به اونجا نقل مکان کرد؟  
هفته گذشته به اونجا نقل مکان کرد

I like your house.  
It's old but it's beautiful.

از خونت خوشم میاد  
قدیمه ولی قشنگه

Are you moving to a new house?  
Yes, I am.  
But I'm used to this house.

آیا داری به یه خونه جدید نقل مکان میکنی؟  
جواب مثبت کوتاه  
ولی به این خونه عادت دارم

سلام سارا. اوضاع چطوره؟

A: Hi, Sarah. How is it going?

بد نیستم. من واسه یه چند روزی رفتم تایلند، و عادت ندارم به مسافرت.

B: Not bad. I went to Thailand for a few days, and I'm not used to traveling.

با خانواده رفتی تایلند؟

A: Did you go to Thailand with your family?

نه، این دفعه رو بدون اونها رفتم. من میخوام برم ژاپن، اما به جاش رفتم تایلند.

B: No, I went without them this time. I wanted to go to Japan, but I went to Thailand instead.

ژاپن یه چند تا کتابخونه قدیمی داره. من یه چندبار اونجا بودم.

A: Japan has a few old libraries. I've been there a few times.

شاید بتونم دفعه دیگه به جای تایلند برم ژاپن.

B: Maybe I can go to Japan instead of Thailand next time.

فکر میکنم خیال داریم نقل مکان کنیم به ژاپن.

A: I think we're going to move to Japan.

پسرخاله پارسال نقل مکان کرد، و میخواد دوباره نقل مکان کنه این بار به ژاپن.

B: My cousin moved to last year, and he wants to move again this time to Japan.

اوکی. مراقب باش.

A: Okay. Take care.

بای.

B: Goodbye.

---

I'd like to eat a piece of cake.

میل دارم یه تیکه کیک بخورم

Where are the forks?

تو آشپرخونن

They're in the kitchen.

نمیتونم پیدا بشون کنم

I can't find them.

They're in the drawer.

تو کشواند

Which drawer?

کدوم کشو؟

In the top drawer

تو کشو بالایی

The forks are in the top drawer.

چنگال ها تو کشو بالایی اند

I can't find them. They're still in the top drawer.	نمیتونم پیدااشون کنم هنوزم تو کشو بالایی اند
Where are the knives? They're in the bottom drawer. The knives are in the bottom drawer.	چاقوها کجان؟ تو کشو پایینی اند چاقوها تو کشو پایین اند
Where are the glasses? Are they in the top drawer? Or are they in the bottom drawer?	لیوان ها کجان؟ آیا تو کشو بالایی اند؟ یا آیا تو کشو پایین اند؟
They're not in the drawers. I moved them.	تو کشوها نیستن جاشونو عوض کردم ( حرکتشون دادم )
Did you find my wallet? Yes, it was in the drawer. It was in the drawer.	آیا کیف پولمو پیدا کردی؟ آره، تو کشو بود تو کشو بود
Ali is here. Ali was here.	علی اینجاست علی اینجا بود
No, I saw him in New York. He was there.	نه، من تو نیویورک دیدمش اونجا بود
I'm in London right now. But last year I was in Tehran.	من الانه تو لندنم ولی پارسال تهران بودم
Do you really work on Sundays? Yes, I do.	تو واقعاً یکشنبه ها کار میکنی؟ جواب مثبت کوتاه
I'm used to it.	بهش عادت دارم
Do you like your new car? Yes, I like it.	از ماشین جدیدت خوشت میاد؟ آره ، ازش خوشم میاد
But I'm not used to it yet.	ولی هنوز بهش عادت ندارم
I was at Shadi's house yesterday. I'm very tired.	دیروز خونه شادی بودم خیلی خسته ام
Did you go to the movies yesterday? No, I didn't. Why not? Because I was very tired.	آیا دیروز رفتی سینما؟ جواب منفی کوتاه چرا نه؟ چون خیلی خسته بودم
I'm not used to working a lot.	عادت ندارم زیاد کار کنم

When did you move to Shiraz? I think it was last year. I moved to Shiraz.	کی به شیراز نقل مکان کردی؟ فکر میکنم پارسال بود به شیراز نقل مکان کردم
It was last year that I moved to Shiraz. It was last year I moved to Shiraz.	پارسال بود که به شیراز نقل مکان کردم پارسال بود که به شیراز نقل مکان کردم
Can you tell Ali? That I can't come today.	آیا میتونی به علی بگی؟ که من امروز نمیتونم بیام
Can you tell Ali that I can't come today? Can you tell Ali I can't come today? Of course	آیا میتونی به علی بگی که من امروز نمیتونم بیام؟ البته
I moved here last year. I want to buy that red car.	پارسال به اینجا نقل مکان کردم میخوام اون ماشین قرمز رو بخرم
Buy the yellow one instead. Buy the yellow one instead of the red one.	زرده رو به جاش بخر زرده رو به جای قرمز بخر
What did you do with your old car? I still have it.	با ماشین قدیمیت چکار کردی؟ هنوزم دارمش
How old are you?	چند سالته؟
I'm eighty years old. I'm old.	من هشتاد من مسنم
What's Mina doing? I saw her last week.	مینا داره چکار میکنه؟ هفته گذشته دیدمش
She was not very happy. She wasn't very happy.	خیلی خوشحال نبود
Why? Because she's moving to Vancouver.	چرا؟ چون داره به ونکوور نقل مکان میکنه
She's working for a great company.	
The name of the company The name of the company is Microsoft. The company's name is Microsoft.	اسم شرکت اسم شرکت مایکروسافت اسم شرکت مایکروسافت
Really? I used to work for them. But I wasn't happy with my job.	جداً؟ من قبلاً ها واسه اون کار میکردم ولی از کارم خوشحال نبودم

The name of the store	اسم مغازه
A cup of coffee	یه فنجان قهوه
The color of my car	رنگ ماشینم
The people of the city	مردم شهر
I like the color of your car.	از رنگ ماشینت خوشم میاد

---

Drawer  
 Drink  
 Dress  
 Drawer  
 Bottom  
 It's in the bottom drawer.  
 Was  
 What?  
 Wife  
 White  
 Was  
 I was in Iran last year.  
 That  
 Company

---

The city of Tehran	شهر تهران
What do you need?	چی احتیاج داری؟
I need a plate.	یه بشقاب لازم دارم
The plates are in the top drawer.	بشقاب ها تو کشو بالایی اند
But the spoons are in the bottom drawer.	ولی قاشق ها تو کشو پایینی اند
I didn't see my wallet yesterday.	دیروز کیف پولمو ندیدم
It wasn't in the drawer.	توی کشو نبود
I have to go now.	من باید الان برم
Okay. Take care.	اوکی. مراقب باش

Ali goes to college.	علی کالج میره
That's interesting.	چه جالب
My best friend	بهترین دوستم
Stamp	تمبر
Post office	اداره پست
I have to call my mother.	باید به مادرم تلفن کنم
Do you know her number?	شمارشو میدونی؟ ( مونت )
Phone	تلفن
Phone number	شماره تلفن

---

Ali moved to Tehran.	علی به تهران نقل مکان کرد
But Mina's not going to move there.	ولی مینا خیال نداره به اونجا نقل مکان کنه
Was Mina at your house yesterday?	آیا مینا دیروز خونه تو بود؟
No, she wasn't here.	نه، اینجا نبود
Then where was she?	پس کجا بود؟
She was at her friend's house.	خونه دوستش بود
Why did Mina move to Tehran?	چرا مینا به تهران نقل مکان کرد؟
She goes to college there.	اون اونجا دانشگاه میره
Mina goes to college.	مینا دانشگاه میره
How old is your son?	پسرتون چند سالشه؟
He's twenty-one.	بیست و یک سالشه
He's twenty-one years old.	
What does he do?	اون چکار میکنه؟
He goes to Pierce College.	
My cousin goes there, too.	دختر دایی منم اونجا میره
Really?	جداً؟
That's interesting.	چه جالب ( جالبه )
My son has an interesting job.	
Your job	شغلت
Your new job	کار جدیدت
Do you like your new job?	از کار جدیدت خوشت میاد؟
Yes, my new job is very interesting.	آره، کار جدیدم خیلی جالبه
It's very interesting.	

I used to go to college.

من قبلاًها دانشگاه میرفتم

Do you know Omid?

امید رو میشناسی؟

No, who is he?

نه، اون کیه؟

He's my best friend.

اون بهترین دوستمه

My best friend

بهترین دوستم

The best restaurant

بهترین رستوران

This restaurant is the best restaurant in Tehran.

این رستوران بهترین رستوران در تهرانه

This restaurant's the best in Tehran.

### مکالمه

---

بهنام، چرا باید به شیراز نقل مکان کنیم؟

A: Behnam, why do we have to move to Shiraz?

چونکه من یه کار بهتری اونجا دارم.

B: Because I have a better job there.

تو اینجا هم یه شغل خوبی داری.

A: You have a good job here, too.

میدونم. اما کار اونجا جالبتره.

B: I know, but the job there's more interesting.

اما بهنام، بهترین دوستانمون اینجا زندگی میکنن. دخترمون اینجا دانشگاه میره.

A: But Behnam, our best friends live here. Our daughter goes to college here.

درسته، اما ما فقط خیال داریم واسه یه سال اونجا بمونیم.

B: That's right, but we're only going to stay there for a year.

---



Leila's house	خونه ليلا
Leila's new house	خونه جديد ليلا
Have you seen Leila's new house?	خونه جديد ليلا رو ديدى؟ ( ديدده اى ؟ )
I didn't know.	من نميدونستم
That Leila bought a house.	كه ليلا خونه خريد
I didn't know that she bought a house.	نميدونستم كه اون خونه خريد
I didn't know she bought a house.	
Did you find Azar's letter?	نامه آذر رو پيدا كردى؟
Yes, it was in the drawer.	آره، تو كشو بود
Which drawer?	كدوم كشو؟
The drawer in the kitchen	كشوى تو آشپزخونه
The top drawer?	كشو بالايى؟
No, the bottom drawer.	نه، كشو پايينى
Are you going to answer her letter?	
Yes, but I need stamps.	آره، اما تمير لازم دارم
I need stamps.	تمير لازم دارم
Two stamps	دوتا تمير
One stamp	يك تمير
There are some stamps in the top drawer.	
How many dollars do you need?	چند دلار احتياج دارى؟
How many stamps do you need?	چند تا تمير احتياج دارى؟
I don't know.	نميدونم
How much is a stamp?	يه تمير چنده؟
You can ask that at the post office.	ميتونى اون رو در اداره پست بپرسى

بعدی لطفاً.

A: Next, please.

سلام، فکر میکنم نوبت منه. من بعدی ام.

B: Hi, it's my turn I think. I'm next.

سلام، چه فرمایشی دارید؟

A: Hi, what can I do for you?

یه نامه به ایران چنده؟

B: How much is a letter to Iran?

میتونم نامتون رو ببینم؟

A: Can I see your letter?

آره، بفرمایید.

B: Yes, here you are.

یه نامه کوچکه. بذار ببینم. .... فقط دو دلار.

A: That's a small letter. let me see ... . It's only two dollars.

اوکی. بفرما دو دلار.

B: Okay. Here's two dollars.

آیا امروز تمبر لازم داری؟

A: Do you need any stamps today?

نه متشکرم. چقدر طول میکشه نامم برسه ایران؟

B: No, thank you. How long does it take for my letter to arrive in Iran?

معمولاً یه هفته طول میکشه، اما گاهی اوقات کمتر از یه هفته میرسه اونجا.

A: It usually takes a week, but sometimes it arrives there in less than a week.

خیلی متشکرم آقا.

B: Thanks a lot, sir.

خواهش میکنم. همش همینه؟

A: You're welcome. Is that all?

آره، این عرضه امروزه. مرسی.

B: Yes, that's offer today. Thanks.

---

I miss my mother very much. I miss her a lot.	دلہم واسہ مادرم خیلی تنگ شدہ دلہم واسہ مادرم خیلی تنگ شدہ
I have to call her. I have to call my mother.	باید بہش زنگ بزئم باید بہ مادرم زنگ بزئم
Did you speak with your son? Did you call your son? No, I didn't.	با پسرٹ صحبت کردی؟ بہ پسرٹ تلفن کردی؟ جواب منفی کوتاہ
I was very busy.	خیلی سرم شلوغ بود
My son is still waiting for my call.	پسرہم ہنوزم منتظر تماس منہ
Do you know his number?	شمارشو میدونی؟
Yes, I can give you his number. Yes, I can give you his phone number.	آرہ، میتونم شمارشو بہت بدہم آرہ، میتونم شمارشو بہت بدہم
What does the word phone number mean? What does phone number mean?	
What's the meaning of phone number? Meaning The meaning of	معنی معنی
The meaning of that word	معنی اون لغت
What's the meaning of phone number? The meaning of phone number is....	
Phone number Number	شمارہ تلفن شمارہ
Phone Telephone	تلفن
Excuse me. Where's the phone? The phone's over there	ببخشید تلفن کجاست؟ تلفن اونہا اونجاست
Can I call my friend? Of course you can	آیا میتونم بہ دوستم تلفن کنم؟ البتہ کہ میتونی
Is the Persian restaurant open now? I don't know. You can call them.	آیا رستوران ایرانیہ الان بازہ؟ نمیدونم، میتونی بہشون تلفن کنی

Do you have their number?	شمارشون رو داری؟
Do you have their phone number?	شماره تلفنشون رو داری؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
I'm very busy.	سرم خیلی شلوغه
Busy	مشغول
Did you call them?	آیا بهشون زنگ زدی؟
Yes, but it was busy.	آره، ولی مشغول بود
Tell me.	به من بگو
Call me.	به من تلفن کن
Call them.	بهشون تلفن کن
Call Omid.	به امید تلفن کن
Call them again.	دوباره بهشون تلفن کن
Call me tomorrow.	فردا بهم زنگ بزن
I need their phone number.	شماره تلفنشون رو لازم دارم
I need Ali's number.	شماره علی رو لازم دارم
Excuse me. Where's the post office?	بیخشید اداره پست کجاست؟
Go straight ahead.	مستقیم برید
Then turn right.	بعد پیچید راست
The post office is on your left.	اداره پست دست چپتونه

---

College  
Interesting  
That's interesting.  
Stamp  
Store  
Stay  
Stamp  
Post  
Post office  
Call  
Call me tomorrow.  
Number  
Better  
Number  
Phone number

---

I bought a new book. Really? Can I see it? Sure, here you are.	یه کتاب جدید خریدم جداً؟ میتونم ببینمش؟ حتماً بفرمایید
That's interesting. Why? My father has this book, too.	چه جالب چرا؟ پدرم هم این کتاب رو داره
Did you call Mahin's parents? Yes, I did.	به والدین مهین زنگ زدی؟ جواب مثبت کوتاه
What did they say? I didn't speak with them.	اونا چی گفتن؟ باهاشون صحبت نکردم
Their number was busy. It was busy. It's busy.	شمارشون مشغول بود مشغول بود مشغوله
Can you buy a few stamps for me? Can you buy me a few stamps?	میتونی واسم یه چندتا تمبر بخری؟
Of course I can. I'm going to the post office anyway.	البته که میتونم من به هر حال دارم میرم اداره پست
Have you seen the new stamps? No, why? They're very beautiful.	تمبرهای جدید رو دیدی؟ ( دیده ای؟ ) نه، چرا؟ خیلی قشنگن
I used to work at a post office. Did you like your job? Yes, but I was very busy there.	من قبلاًها توی اداره پست کار میکردم از کارت خوشت میومد؟ آره، ولی اونجا سرم خیلی شلوغ بود
It's busy. That's interesting.	مشغوله چه جالب
My best friend My best friend moved to Canada. Best	بهترین دوستم بهترین دوستم به کانادا نقل مکان کرد بهترین
I know a Persian restaurant. They have the best food.	من یه رستوران ایرانی میشناسم اونا بهترین غذا رو دارن
Do you have their number? Yes, I do.	شمارشونو داری؟ جواب مثبت کوتاه
Did you see Ali at the post office? No, I didn't see him there.	علی رو توی اداره پست دیدی؟ نه، اونجا ندیدمش

He wasn't there.  
He moved to Shiraz last week.

اونجا نبود  
اون هفته قبل به شیراز نقل مکان کرد

Mina's moving to Esfahan

مینا داره به اصفهان نقل مکان میکنه

What's Omid's number?  
I don't have it with me.

شماره امید چنده؟  
با خودم ندارمش

Let's go to the library.  
Let's go to the mall instead.

بیا بریم کتابخونه  
بیا به جاش بریم پاساژ

Let's visit Omid.  
Instead of going to the mall

بیا از امید دیدن کنیم  
به جای رفتن به پاساژ

Let's visit Omid instead of going to the mall.  
Okay. Let's go.

بیا به جای رفتن به پاساژ از امید دیدن کنیم  
اوکی، بزن بریم

I want to read a book.	میخواهم به کتاب بخونم
What's your home address?	آدرس منزلت چیه؟
It's the right address.	آدرس درسته
My son is a doctor.	پسرم دکتره
At a pharmacy	در یه داروخانه
I tried a few times.	یه چند دفعه امتحان کردم

---

I have to call my mother.	باید به مادرم زنگ بزنم
Do you have her number?	شمارشو داری؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه

She's moving to Shiraz.	داره به شیراز نقل مکان میکنه
-------------------------	------------------------------

I haven't seen my mother for a year.	یه ساله مادرمو ندیدم
And I haven't seen my father for two years.	و دو ساله پدرمو ندیدم

Did he move to Kerman?	آیا به کرمان نقل مکان کرد؟
Yes, he moved there last year.	آره، پارسال به اونجا نقل کان کرد
He moved there last year.	

He lives there with his best friend.	با بهترین دوستش اونجا زندگی میکنه
--------------------------------------	-----------------------------------

Do you have any sugar cubes?	قند داری؟
No, but I have sugar.	نه، ولی شکر دارم

I need a cup.	یه فنجان لازم دارم
And some hot water	و یه کم آب داغ

Where are the spoons?	قاشقها کجان؟
They're in the top drawer.	تو کشو بالایی ان

Did you find them?	پیداشون کردی؟
I don't see them.	نمی بینمشون
Then they're in the bottom drawer.	پس تو کشو پایینی اند

When did you go to Iran last time?	آخرین بار کی رفتی ایران؟
When was the last time?	آخرین بار کی بود؟
That you went to Iran?	که رفتی ایران؟

I was there last week.	هفته پیش اونجا بودم
Was it cold there?	آیا اونجا سرد بود؟
Yes, it was.	جواب مثبت کوتاه

Did you see your friends? Yes, but I didn't see my best friend. I didn't see Ali.	دوستاتو دیدی؟ آره، ولی بهترین دوستمو ندیدم من علی رو ندیدم.
He wasn't in Tehran anymore.	دیگه در تهران نبود
He has moved to London. He's moved to London. That's interesting.	به لندن نقل مکان کرده چه جالب
Do you know where the post office is? It's over there on Main Street.	آیا میدونی اداره پست کجاست؟ اونها اونجاست ، تو خیابون مین
After the library Thanks a lot. I have to buy a few stamps.	بعد از کتابخونه خیلی ممنون باید یه چند تا تمبر بخرم

#### مکالمه

---

سلام سوزان. چطوری؟

A: Hi, Susan. How are you?

خوبم. میدونی اداره پست کجاست؟ باید یه چندتا تمبر بخرم.

B: I'm okay. Do you know where the post office is? I have to buy a few stamps.

مستقیم برو. دست چپه.

A: Go straight ahead. It's on the left.

خیلی ممنون. خانوادت چطورن؟

B: Thanks a lot. How's your family?

خوبن. دخترم الان دانشگاهه.

A: They're fine. My daughter's in college now.

چه جالب. چند سالشه؟

B: That's interesting. How old is she?

نوزده سالشه.

A: She is nineteen years old.

تو یه دختر نوزده ساله داری؟

B: You have a nineteen old daughter?



آره دارم. سوزان تو نباید بری اداره پست واسه خریدن تمپر. میتونی اونا رو تو خواربارفروشی بخری.  
A: Yes, I do. Susan, you don't have to go to the post office to buy stamps. You can buy them at the grocery store.

میدونم، اما من یه نامه واسه ایران دارم. واسه سارا است.  
B: I know, but I have a letter for Iran. It's to Sarah.

به کی؟  
A: To whom?

به بهترین دوستم سارا.  
B: To my best friend Sarah.

چرا بهش زنگ نمی‌زنی؟  
A: Why don't you call her?

چونکه شماره جدیدشو ندارم. شماره قدیمیش رو دارم.  
B: Because I don't have her new number. I have her old number.

اوکی. بعداً میبینمت.  
A: Okay. See you later.

مراقب باش.  
B: Take care.

I want to go home.  
Why do you want to go home?

میخوام برم منزل  
چرا میخوای بری منزل؟

I want to read a book.  
I want to read the newspaper.

میخوام یه کتاب بخونم  
میخوام روزنامه رو بخونم

Then let's go to a gas station.  
We can buy a newspaper there.  
And you can read it at home.

پس بیا بریم به پمپ بنزین  
میتونیم اونجا یه روزنامه بخریم  
و میتونی در منزل بخونیش

What's your home address?  
What's your address?

آدرس منزلت چیه؟  
آدرست چیه؟

Here's my address.

اینها آدرسم

Can you read it?  
Yes, I can.

میتونی بخونیش؟  
جواب مثبت کوتاه

Is this your home address? Yes, it is.	آیا این آدرس منزلته؟ جواب مثبت کوتاه
It's the right address. Do you have the right address? Yes, but I can't read it.	آدرس درسته آیا آدرس صحیح رو داری؟ آره، ولی نمیتونم بخونمش
Is it your home address? Yes, it is.	آیا آدرس منزلته؟ جواب مثبت کوتاه
What's your number? I have your old number.	شمارت چنده؟ شماره قدیمیت رو دارم
It's not the right number. What's your new number?	شماره صحیح نیست شمار جدیدت چیه؟
Here you are. Here it is.	بفرما
Can you read it? Yes I Can read it.	میتونی بخونیش؟ آره، میتونم بخونمش
Did you buy a new house? Yes, I did.	آیا خونه جدید خریدی؟ جواب مثبت کوتاه
What's your new address? Can you read Persian? No, I can't.	آدرس جدیدت چیه؟ میتونی فارسی بخونی؟ نه، نمیتونم
I can only read English.	من فقط انگلیسی میتونم بخونم
Do you have any children? Yes, I do.	بچه داری؟ جواب مثبت کوتاه
How many children do you have? I have two children.	چندتا بچه داری؟ دوتا بچه دارم
What do they do?	اونا چکار میکنن؟
My daughter's in college. My daughter is in college.	دخترم تو دانشگاهست
And my son is a doctor. My son is a doctor. My son's a doctor.	و پسرم دگتره
Really? How old is he? He's twenty nine years old.	واقعاً؟ چند سالشه؟ بیست و نه سال داره

Our son has an interesting job. Really? My wife was a doctor, too.	پسرمون یه شغل جالب داره واقعاً؟ خانم منم دکتر بود
But her job wasn't very interesting. She used to work. At a pharmacy	ولی شغلش خیلی جالب نبود قبلاً ها کار میکرد در یه داروخانه
My wife was a doctor. And she used to work at a pharmacy. But her job wasn't very interesting.	خانمم دکتر بود و قبلاً ها در یه داروخانه کار میکرد ولی شغلش خیلی جالب نبود
I have a letter.	یه نامه دارم
Where is it going? It's going to Iran.	کجا میره؟ میره ایران
Then you need three stamps. I can't read the address.	پس سه تا تمپر لازم داری آدرس رو نمیتونم بخونم
Because it's Persian. Okay. Then they can read it in Iran.	چون فارسیه اوکی، پس در ایران میتونن بخوننش
How much do I owe you? A dollar You owe me a dollar.	چقدر بهتون بدهکارم؟ یه دلار یه دلار
I can't find my wallet.	کیف پولمو نمیتونم پیدا کنم
I have to call my wife. The number's busy. The number is busy.	شماره مشغوله
Is this the right number? Yes, it was busy last time, too.	آیا شماره صحیحه آره، دفعه پیش هم مشغول بود
Try again.	دوباره امتحان کن
A few minutes A few times	یه چند دقیقه یه چند دفعه
I tried a few times. Let me try it again.	یه چند دفعه سعی کردم بذار دوباره امتحانش کنم
I tried it again. But the number is still busy.	دوباره سعی کردم ولی هنوزم شماره مشغوله

I want to buy a new car. میخوام یه ماشین نو بخرم  
How much is insurance for a new car? بیمه واسه یه ماشین نو چنده؟

This is an insurance company. این یه شرکت بیمه است  
But not for car insurance ولی نه واسه بیمه ماشین

It's for home insurance. واسه بیمه منزله  
Insurance company شرکت بیمه  
Phone company شرکت تلفن

---

Read  
Reading  
I'm reading a book.  
Address  
The right address  
Doctor  
Pharmacy  
Tried  
Try  
Tried  
I tried to call you yesterday.

---

The number is still busy. شماره هنوزم مشغوله  
I tried a few times. یه چند دفعه سعی کردم

Then maybe it's the phones company. ( منظور اینه که اشکال از شرکت تلفنه ) پس شاید شرکت تلفنه  
Maybe you have to call them. شاید به اونا باید زنگ بزنی

How many children do you have? چند تا بچه داری؟  
I have a son. یه پسر دارم

He lives with his best friend in Los Angeles. با بهترین دوستش در لس آنجلس زندگی میکنه  
What does he do in Los Angeles? در لس آنجلس چکار میکنه؟  
He works for a phone company. واسه یه شرکت تلفن کار میکنه

He tried to come here yesterday. دیروز سعی کرد بیاد اینجا  
I tried to call him this morning. سعی کردم امروز صبح بهش زنگ بزنام

But he wasn't home. ولی منزل نبود  
He has an interesting job. یه شغل جالب داره

Can you give me the doctor's number? My wife needs a doctor.	آیا میتونی شماره دکتر رو بهم بدی؟ خانمم یه دکتر لازم داره
What did she eat today? She didn't eat anything.	امروز چی خورد؟ هیچی نخورد
Here's the doctor's address. Can you read it? Yes, I can read it.	اینها آدرس دکتر میتونی بخونیش؟ آره، میتونم بخونمش
There's a Pharmacy on the next Street. Is it open? I'm not sure.	یه داروخانه تو خیابون بعدی هست آیا بازه؟ مطمئن نیستم
Can we walk? I tried to walk last night. But it was too far.	میتونیم پیاده بریم؟ سعی کردم دیشب پیاده برم ولی زیادی دور بود
I tried to walk last night, but it was too far.	سعی کردم دیشب راه برم ولی زیادی دور بود
What's their address? Here's the pharmacy's address.	آدرسشون چیه؟ اینها آدرس داروخانه
Is it the right address? Wait that's my new address.	آیا آدرس درسته؟ صبر کن، اون آدرس جدید منه
Let me give you the doctor's number. Thanks a lot.	بخار شماره دکتر رو بهت بدم خیلی ممنون
You're welcome. See you later.	خواهش میکنم بعداً میبینمت

Can you drive?	آیا میتونی رانندگی کنی؟
Answering machine	پیام گیر تلفن
Turn on the answering machine, please.	پیام گیر رو روشن کن لطفاً
Turn it on.	روشنش کن
Turn it off.	خاموشش کن
Can you turn off the lights?	میتونی چراغ ها رو خاموش کنی؟
Wrong number	شماره اشتباه
You have the wrong number.	اشتباه گرفتید
Can I help you?	میتونم بهتون کمک کنم
How can I help you?	چطور میتونم بهتون کمک کنم؟
I saw Ali walking in the park.	علی رو دیدم داشت تو پارک راه میرفت

---

Did you find Ali's address?	آدرس علی رو پیدا کردی؟
Yes, here you are.	آره، بفرما
I can't read it.	نمیتونم بخونمش
Please read it for me.	لطفاً واسم بخونش
Read it for me, please.	
Read it to me, please.	
Are you sure that's the right address?	مطمئنی اون آدرس درسته؟
Are you sure that, that's the right address?	
No, I'm not sure.	نه، مطمئن نیستم
I think that's the wrong address.	فکر میکنم اون آدرس اشتباهه
What is the meaning of the word wrong?	
What does the wrong mean?	
The meaning of the word wrong is.....	
This address is wrong.	این آدرس اشتباهه
A wrong address	یه آدرس اشتباه
A wrong number	یه شماره اشتباه
You have the wrong number.	شماره اشتباهی رو دارید ( اشتباه گرفتید )
What's your home address?	آدرس منزلتون چیه؟
Here you are.	اینها بفرمایید
Here it is.	
Do you know a good doctor?	یه دکتر خوب میشناسی؟
Yes, there's one on Bundy Avenue.	آره، یکی تو خیابان باندی هست
Close to the pharmacy	نزدیک به داروخانه
I can't find this address.	من نمیتونم این آدرس رو پیدا کنم

Can you help me?

Yes, I can.

آیا میتونید کمک کنید؟

جواب مثبت کوتاه

I can't read this letter.

نمیتونم این نامه رو بخونم

Can you help me read it?

Yes, let me read it for you.

آره، بخار اون رو واست بخونم

### مکالمه

---

سلام آقای احمدی. پسرت چگونه؟ من دیروز سعی کردم باهش تماس بگیرم، اما شمارش مشغول بود.

A: Hello, Mr. Ahmadi. How is your son? I tried to call him yesterday, but his number was busy.

حالش خوبه. یه شغل جدید داره. و الان خیلی مشغوله.

B: He's doing well. He has a new job, and he's very busy right now.

آیا اون هنوزم تو آدرس قدیمش زندگی میکنه؟

A: Does he still live at his old address?

مطمئن نیستم کدوم آدرس رو داری. بخار ببینم... نمیتونم اینو بخونم، اما فکر میکنم آدرس درسته.

B: I'm not sure which address you have. Let me see.... I can't read this, but I think it's the right address.

اون الان داره کجا کار میکنه؟

A: Where is he working now?

اون واسه یه شرکت تلفن کار میکنه.

B: He's working for a phone company.

دیروز اونو توی ماشین جدیدش دیدم.

A: I saw him in a new car yesterday.

آره، یه ماشین جدید خریده، اما دوستش ندارم.

B: Yes, he's bought a new car, but I don't like it.

چرا که نه؟ مگه ماشین جدیدش چشه؟

A: Why not? What's wrong with his new car?

راستش نمیخوام یه ماشین سریع داشته باشه.

B: I really don't want him to have a car that goes too fast.

پسرتون خیلی سریع رانندگی میکنه؟

A: Does your son drive too fast?

بعضی وقتها.

B: Sometimes he does.

من باید الان برم آقای احمدی.

A: I have to go now, Mr. Ahmadi.

اوکی. روز عالی داشته باشی.

B: Okay. Have a great day.

همچنین شما.

A: You too.

Did Ali call?

I don't know. I wasn't home.

آیا علی تلفن کرد؟

نمیدونم، من منزل نبودم

Let me listen to the answering machine.

Answering machine

Let me listen to the answering machine.

بذار به پیام گیر گوش بدم

پیام گیر

بذار به پیام گیر گوش بدم

The answering machine is not working.

You have to turn it on first.

پیام گیر کار نمیکنه

اول باید روشنش کنی

You have to turn the answering machine on.

باید پیام گیر رو روشن کنی

Can you turn the answering machine on?

Can you turn on the answering machine?

آیا میتونی پیام گیر رو روشن کنی؟

Can you turn it on?

Yes, I can.

میتونی روشنش کنی؟

جواب مثبت کوتاه

Turn the answering machine on.

Turn on the answering machine.

پیام گیر رو روشن کن

I can't read it.

I can't see it.

نمیتونم بخونمش

نمیتونم ببینمش

Turn the lights on.

Turn on the lights.

چراغ ها رو روشن کن

What's the meaning of the word lights?

What does lights mean?

The meaning of the word lights is.....

The lights

چراغ ها ( روشنی ها )



The light Turn on the lights. Turn the lights on.	چراغ چراغ ها رو روشن کن
Turn on the light. Turn the light on.	چراغ رو روشن کن
I have to go to the pharmacy. Are you going to walk there?	من باید برم داروخانه خیال داری پیاده بری اونجا؟
No, I'd rather drive to the pharmacy. I'd rather drive.	نه، ترجیح میدم تا داروخانه رانندگی کنم ترجیح میدم رانندگی کنم
Can I borrow your car? Can you drive?	آیا میتونم ماشینتو قرض کنم؟ میتونی رانندگی کنی؟
Yes, I can. Yes, but not very well. Then I can't give you my car.	جواب مثبت کوتاه آره، ولی نه خیلی خوب پس نمیتونم ماشینمو بهت بدم
You're driving too fast. We still have some time.	زیادی داری تند میرونی ما هنوزم یه کم وقت داریم
I tried to call you yesterday. But your number was busy.	دیروز سعی کردم بهت تلفن کنم ولی شمارهت مشغول بود
Can you give me your phone number again? Sure	میتونی شماره تلفنت رو دوباره بهم بدی؟ حتماً
You have the wrong number. I'm sorry, I have the wrong number.	اشتباه گرفتی متاسفم، اشتباه گرفتم
My answering machine doesn't work well. Can you help me?	پیام گیرم خوب کار نمیکنه میتونی بهم کمک کنی؟
Turn off the answering machine first. Turn off the answering machine.	پیام گیر و اول خاموش کن پیام گیر و خاموش کن
And turn it on again.	و دوباره روشنش کن
Can you turn off the lights? Turn it off.	آیا میتونی چراغ ها رو خاموش کنی؟ خاموشش کن
The lights in the kitchen Turn off the lights in the kitchen.	چراغ های توی آشپزخونه چراغ های تو آشپزخونه رو خاموش کن

Where did you go after work? We went to the pharmacy after work. After work, we went to the pharmacy.	بعد از کار کجا رفتی؟ بعد از کار رفتیم داروخانه
Do you see the car there? Yes, I do.	ماشینه رو اونجا میبینی؟ جواب مثبت کوتاه
That used to be mine.	اون قبلاًها مال من بود
Turn on the lights, please. Turn off the lights, please. Turn it on. Turn it off.	چراغ ها رو روشن کن لطفاً چراغ ها رو خاموش کن لطفاً روشنش کن خاموشش کن
Did you call your parents? Yes, they're coming to stay here. For the weekend	آیا به والدینت تلفن کردی؟ آره، دارن میان بمونن اینجا واسه آخر هفته
Mina has the new job.	مینا یه شغل جدید داره
She has to get up much earlier.	اون خیلی زودتر باید بلند بشه
I'm used to living alone.	من عادت دارم تنها زندگی کنم
Mina's not used to getting up at six o'clock. Mina isn't used to getting up at six o'clock.	مینا عادت نداره ساعت شش بلند بشه
Did you go to the doctor? Yes, I did.	رفتی دکتر؟ جواب مثبت کوتاه
What did he say? I have to stay home for a few days.	چی گفت؟ واسه یه چند روزی باید بمونم خونه
Where does your husband work? He works for a phone company.	شوهرت کجا کار میکنه؟ واسه یه شرکت تلفن کار میکنه
Do you know where the post office is? It's on your right after the pharmacy.	آیا میدونید اداره پست کجاست؟ دست راستتونه، بعد از داروخانه
Do you have Ali's phone number? Yes. Do you want to have it? Yes, please.	آیا شماره تلفن علی رو داری؟ آره، میخوای داشته باشیش؟ آره لطفاً
Do you have Doctor Ahmadi's phone number? No, but I know where he works.	آیا شماره تلفن دکتر احمدی رو داری؟ نه، ولی میدونم کجا کار میکنه
Can you help me? Can I help you?	آیا میتونید کمکم کنید؟ آیا میتونم کمکتون کنم؟

How can I help you? Please help me! Help me, please!	چطور میتونم کمکتون کنم؟ لطفاً کمک کنید کمکم کنید، لطفاً!
I can speak Persian. But I can't read Persian. But I can't read it.	من میتونم فارسی صحبت کنم ولی نمیتونم فارسی بخونم ولی نمیتونم بخونم.
I'm going to visit Shirin. Do you have her new address? Her new address?	خیال دارم از شیرین دیدن کنم آدرس جدیدشو داری؟ آدرس جدیدش؟
Yes, she doesn't live on Main Street anymore.	آره، اون دیگه در خیابون مین زندگی نمیکنه
For a minute Can you come here for a minute?	واسه یه دقیقه آیا میتونی واسه یه دقیقه بیای اینجا؟
I'm reading a newspaper. I need your help.	دارم روزنامه میخونم به کمکت احتیاج دارم
I can't turn off the answering machine. I can't turn it off.	نمیتونم پیام گیر رو خاموش کنم نمیتونم خاموشش کنم
Why you're turning on the light? I'm turning it on.	چرا داری چراغ رو روشن میکنی؟ دارم روشنش میکنم
Because I want to read a book.	چون میخوام یه کتاب بخونم
What's your home address? Here's my address.	آدرس منزلتون چیه؟ اینها آدرس من
Did you call Ali? I tried a few times.	آیا به علی تلفن کردی؟ یه چند دفعه سعی کردم
But his number was busy.	ولی شمارش مشغول بود
Are you sure you have the right number? I think so.	مطمئنی شماره درست رو داری؟ فکر کنم
Can you turn on the light, please? Yes, I can.	آیا میتونی چراغ رو روشن کنی لطفاً؟ جواب مثبت کوتاه
Why did you turn off the lights? I'm reading a book.	چرا چراغ ها رو خاموش کردی؟ دارم کتاب میخونم
I didn't see you're reading.	من تو رو ندیدم داری کتاب میخونی

I saw Ali walking on the street.  
Answering machine

علی رو دیدم داشت توی خیابون قدم میزد  
پیام گیر

---

Wrong  
Right  
Wrong  
Machine  
Answering machine  
Turn  
Turn it on.  
Turn it off.  
Drive  
Drink  
Drawer  
Drive

---

We went to the movies yesterday.  
It was a good movie, wasn't it?  
Yes, it was.

ما دیروز رفتیم سینما  
فیلم خوبی بود، مگه نه؟  
جواب مثبت کوتاه

How can I help you?  
I need your help.

چطوری میتونم بهت کمک کنم؟  
به کمکت احتیاج دارم

Can you help me, please?  
No, I can't.  
Thanks anyway.

آیا میتونید کمکم کنید لطفاً؟  
جواب منفی کوتاه  
به هر حال مرسی

Because it was a holiday.	چون يه تعطيلي بود
Take the next exit.	خروجي بعدي رو بگير
Did you miss the exit?	آيا خروجي رو رد كردي؟
I saw the sign.	علامت رو ديدم
Look for the sign.	دنياال علامت بگرد
Can you turn on the radio, please?	ميتوني لطفاً راديو رو روشن كني؟
The radio is on.	راديو روشنه
Let's go to the zoo.	بيا بريم باغ وحش
The post office is closer.	اداره پست نزديك تره

I'm going on vacation next week.	هفته آينده ميرم مرخصي
And I'm staying until Monday.	و تا دوشنبه ميمونم
I'm going to see a doctor on Monday.	خيال دارم روز دوشنبه به دكتور ببينم
Do you have the address?	آدرس رو داري؟
I have the old address.	آدرس قديمي رو دارم
I think it's the wrong address.	فكر ميكنم آدرس اشتباهه
And I can't read it.	و نميتونم بخونمش
I need the new address.	آدرس جديد و لازم دارم
I need the right address.	آدرس صحيح رو لازم دارم
What's your doctor's name?	اسم دكتورت چيه؟
His name is Doctor Rashty.	
He's the best doctor.	بهترين دكتوره
I've been to his office a few times.	يه چند دفعه مطبخ بودم ( بوده ام )
But I don't drive anymore.	ولي ديگه رانندگي نميكنم
I have to take the bus.	بايد اتوبوس و بگيرم ( سوار شم )
I used to drive very fast.	من قبلاًها خیلی تند رانندگي ميكردم
We can take my car.	ميتونيم ماشين منو سوار شيم ( برداريم )
Did you turn on the answering machine?	پيام گير و روشن كردي؟
Yes, I did.	جواب مثبت کوتاه
Then turn off the lights and let's go.	پس چراغها رو خاموش كن و بيا بريم
You're driving too fast.	
I used to drive faster.	

Where's the address? Here's the address.	آدرس کو؟ ایناها آدرس
I can't read English.	من نمیتونم انگلیسی بخونم
How far is it from here? Only a few kilometers Just a few kilometers	چقدر دوره از اینجا؟ فقط یه چند کیلومتر
Bundy is the next street. I have to go to the post office first.	باندی خیابون بعدیه باید اول برم اداره پست
I tried to go to the post office yesterday. But it was closed.	سعی کردم دیروز برم اداره پست ولی بسته بود
Why? Because it was a holiday. Yesterday was a holiday.	چرا؟ چون تعطیلات بود دیروز تعطیلی بود
Then we can go to the post office today. Today's not a holiday.	پس میتونیم امروز بریم اداره پست امروز تعطیلی نیست

### مکالمه

ما هنوزم داریم میریم مطب دکتر؟

A: Are we still going to the doctor's office?

آره، آدرس جدید داری؟

B: Yes, do you have the new address?

اوه، فکر میکنم آدرس جدید و توی کیفم دارم. بزن بریم.

A: Oh, I think I have the new address in my wallet. Let's go.

شمارشو داری؟

B: Do you have his phone number?

آره دارم.

A: Yes I do.

پس بهش زنگ بزن و ازش آدرس درست و بپرس.

B: Then call him and ask him for the right address.

اوکی. الان آدرس جدید و دارم.  
A: Okay. Now I have the new address.

پیام گیر و روشن کردی؟  
B: Did you turn on the answering machine?

نمیدونم چه جوری کار میکنه. یه کم کمک لازم دارم. میتونی کمک کنی؟  
A: I don't know how it works. I need some help. Can you help me?

حتماً، بفرما .... الان کار میکنه.  
B: Sure, here you are.... Now it's working.

پس چراغ ها رو خاموش کن و بزن بریم.  
A: Then turn off the lights and let's go.

کی رانندگی میکنه؟  
B: Who's driving?

من میتونم الان رانندگی کنم و تو میتونی بعداً رانندگی کنی.  
A: I can drive now, and you can drive later.

---

دلت میخواد به جاش بری به یه کافی شاپ؟  
Would you like to go to a coffee shop instead?  
چرا؟  
Why?

فکر کنم امروز تعطیلیه  
I think today's a holiday.  
نه، فردا تعطیلیه  
No, tomorrow's a holiday.

داری زیادی تند میرونی  
You're driving too fast.  
آدرس چیه؟  
What's the address?

خروجی بعدی رو بگیر  
Take the next exit.  
کدوم خروجی  
Which exit?  
خروجی خیابان باندی  
The Bundy Avenue exit

آیا خروجی رو رد کردی؟  
Did you miss the exit?  
نه، خروجی رو رد نکردم  
No, I didn't miss the exit.

ولی علامت رو دیدم  
But I saw the sign.  
علامت رو دیدم  
I saw the sign.

آیا خروجی رو رد کردیم؟  
Did we miss the exit?  
نه، ولی علامت و دیدم  
No, but I saw the sign.

Are you sure the doctor's office is open today? مطمئننی مطب دکنتر امروز بازه؟

Yes, today isn't a holiday.

آره، امروز تعطیلی نیست

Today is not a holiday.

You're still driving too fast.

هنوزم داری خیلی تند میرونی

Did we miss the exit?

آیا خروجی رو رد کردیم؟

I just saw the sign.

همین الان علامت رو دیدم

It's the next exit.

خروجی بعدیه

He's in college now.

الان تو دانشگاهست

He wants to work for Microsoft.

میخواه واسه مایکروسافت کار کنه

I can help him.

من میتونم کمکش کنم

How can you help him?

چطوری میتونی کمکش کنی؟

How can you help my son?

I have a few friends in Microsoft.

یه چند تا دوست تو مایکروسافت دارم

Look for the sign.

دنبال علامت بگرد

Can you help me?

میتونی بهم کمک کنی؟

Do you have the address?

آدرس رو داری؟

Yes, but I can't read it.

آره، ولی نمیتونم بخونمش

I think it's on Ocean Street, after the library.

فکر میکنم تو خیابون اوشنه، بعد از کتابخونه

Let's go to a coffee shop first.

بیا اول بریم یه کافی شاپ

First let's go to a coffee shop.

Not now

الان نه

Then look for the sign.

پس دنبال علامت بگرد

What did the doctor say?

دکنتر چی گفت؟

I have to drink more water.

باید بیشتر آب بخورم

And I have to start walking.

و باید شروع کنم راه رفتن

And I have to eat less food.

و باید غذا کمتر بخورم

Can you turn on the radio?

میتونی رادیو رو روشن کنی؟

Can you turn on the radio, please?

میتونی لطفاً رادیو رو روشن کنی؟

I want to turn off the radio.

میخوام رادیو رو خاموش کنم

I'm listening to it.

دارم بهش گوش میدم

But I'm listening to the radio.

ولی من دارم به رادیو گوش میدم



Take the next exit. But I didn't see the sign.	خروجی بعدی رو بردار و من علامت رو ندیدم
Because you're driving too fast.	چون داری زیادی تند میرونی
Take the first exit. Look for the first exit.	اولین خروجی رو بردار دنبال اولین خروجی بگرد
I'm looking for the sign. I'm looking for my wallet.	من دنبال کیف پولم میگردم
Turn off the radio first. Then we can look for the sign.	اول رادیو رو خاموش کن بعد میتونیم دنبال علامت بگردیم
But I'm looking for my wallet. I want to buy a few stamps.	ولی من دنبال کیف پولم میگردم میخوام یه چند تا تمپر بخرم
Then we have to go to the post office. We can go to the grocery store instead.	پس باید بریم اداره پست میتونیم به جاش بریم خواربار فروشی
Bigger	بزرگتر
Smaller	کوچکتر
Closer	نزدیکتر
The post office is closer than the grocery store. But today's a holiday. But today is a holiday.	اداره پست از خواربارفروشی نزدیک تره ولی امروز تعطیلیه ولی امروز تعطیلیه
No, yesterday was a holiday.	نه، دیروز تعطیلی بود
Turn of the lights. And turn off the answering machine.	چراغ ها رو خاموش کن و پیام گیر رو روشن کن
I have to call my mother. I tried a few times.	باید به مادرم زنگ بزنم یه چندبار امتحان کردم
But her number was busy. I tried a few times, but her number was busy.	ولی شمارش مشغول بود یه چند بار امتحان کردم ولی شمارش مشغول بود
Do you have the right number? I think so. Let me try again.	شماره صحیح رو داری؟ فکر کنم . بذار دوباره امتحان کنم
Her answering machine is on.	پیام گیرش روشنه
What's the meaning of the word on here? What does on mean here? The meaning of the word on is.... Her answering machine is on.	پیام گیرش روشنه

Then did you call the wrong number? I don't know. Maybe it's the phone company.	پس آیا شماره اشتباه رو زدی؟ نمیدونم . شاید شرکت تلفنه
Can you turn on the radio, please? The radio is on.	میتونی رادیو رو لطفاً روشن کنی؟ رادیو روشنه
Then turn off the lights. The lights are off.	پس چراغ ها رو خاموش کن چراغ ها خاموشن
Let's go to the zoo. Where's the zoo?	بیا بریم باغ وحش باغ وحش کجاست؟
It's close to the museum.	نزدیکای موزه است
It's closer to the library. It's only three miles from here.	به کتابخونه نزدیکتره از اینجا فقط سه مایله
Take the first right. Then the first left	اولین راست رو بگیر بعد اولین چپ
It's the first exit on your right.	اولین خروجی دست راسته

---

Holiday  
Exit  
Miss  
Missed  
I missed the exit.  
Radio  
Look  
Book  
Look  
Close  
Closer  
A closer look  
Drive

---

My husband drives faster. Faster than me My husband drives faster than me.	شوهرم سریعتر رانندگی میکنه سریعتر از من شوهرم از من سریعتر رانندگی میکنه
Cars are more expensive in Iran. Than the United States	ماشین ها تو ایران گرونترن تا تو ایالت متحده

I don't think so.

فکر نکنم

Cars are more expensive here than in Iran.

ماشین ها اینجا گرونترن تا در ایران

Did we miss the exit?

خروجی رو رد کردیم؟

Did you see the sign?

علامت رو دیدی؟

I'm going to take the next exit.

خیال دارم خروجی بعدی رو بردارم

Let's go to the zoo tomorrow.

بیا فردا بریم باغ وحش

Okay

اوکی

These cars	این ماشینها
What's your email address?	آدرس ایمیلت چیه؟
Turn off the lights before you go.	چراغا رو خاموش کن قبل از اینکه بری
Can you take these books to the library?	میتونی این کتابها رو ببری کتابخونه؟
I've had this shirt for a year.	یه ساله که این پیرهن و دارم ( داشته ام )

---

Turn off the radio, please.	رادیو رو خاموش کن لطفاً
Turn it off.	
Turn on the answering machine.	پیام گیر و روشن کن
Turn it on.	

Is this the way to Houston?	
No, this isn't the way to Houston.	نه، این راه هیستون نیست

Yellow light	چراغ زرد
Do you see the yellow light?	چراغ زرد رو میبینی؟

You have to turn right at the yellow light.

And then	و بعد
Let me think.	بذار فکر کنم

And then take the first exit.	و بعد خروجی اول رو بردار
Yellow sign	علامت زرد ( تابلوی زرد )

### مکالمه

---

مینا مطمئنی آدرس درست رو داری؟

A: Mina, are you sure you have the right address?

فکر کنم. مطمئنم نزدیک خونه علی هستیم.

B: I think so. I'm sure we're close to Ali's house.

بذار بهش زنگ بزنم.

A: Let me call him.

علی داره حرف میزنه.

C: Ali's speaking.

سلام علی. منم امید. نمیتونیم خونت رو پیدا کنیم.

A: Hi, Ali. It's me Omid. We can't find your house.

الان کجایی؟

C: Where are you now?

ما توی خیابان باندی هستیم نزدیک پاساژ.

A: We're on Bundy Avenue close to the mall.

شما از خونه من زیاد من دور نیستید. دنبال علامت آبی بزرگ بگرد.

C: You're not very far from my place. Look for the big blue sign.

میبینمش. علامت بالای خواربار فروشی؟

A: I see it. Is it the sign on top of the grocery store?

درسته. بعد از علامت پیچ . میتونی خونه منو از اونجا ببینی. یه خونه بزرگ قرمز ه سمت چپت.

C: That's right. Turn left after the sign. You can see my house from there. It's the big red house on your left.

اوکی . الان میبینمش، مرسی.

A: Okay. I see it now, thanks.

Did we miss the exit?

آیا خروجی رو رد کردیم؟

Did we pass the exit?

آیا خروجی رو رد کردیم؟

I don't think so.

فکر نکنم

I'm looking for my wallet.

دارم دنبال کیف پولم میگردم

Your wallet is here.

کیف پولت اینجاست

What are you looking for?

دنبال چی میگردی؟

I'm looking for Ali's phone number.

دنبال شماره تلفن علی میگردم

Do you want to call him?

میخواهی بهش تلفن کنی؟

Not right now

همین الان نه

But I need his number.

ولی شمارشو لازم دارم

Hi, Mark. How's it going?

سلام مارک ، اوضاع چطوره؟

I'm fine. And you?

خوبم ، تو چطور؟

Fine. Would you like to come to my place?

خوب ، دوست داری بیای خونه من؟

Do you have any tea?

آیا چای داری؟

Of course! I have good Persian tea.

البته ، چای خوب ایرانی دارم

I'm looking for a coffee shop.

دنبال یه کافی شاپ میگردم

But today's a holiday.

ولی امروز تعطیله

Kamran has a lot of money.

کامران یه عالمه پول داره

How many cars does he have? He has four cars.	چندتا ماشین داره؟ اون چهار تا ماشین داره
These are Kamran's cars. These are my books.	اینا ماشینهای کامرانند اینها کتابای من
Is this yours, too? Are these yours? Yes, these are mine.	آیا اینم مال توه؟ آیا اینا مال توآن؟ آره اینا مال من
Is tomorrow a holiday. I don't think so. No, Monday is a holiday, not tomorrow.	آیا فردا تعطیلیه؟ فکر نکنم نه، دوشنبه تعطیلیه، نه فردا
What's your home address? What's your email address?	آدرس خونت چیه؟ آدرس ایمیلت چیه؟
Do you have an email address? I used to have one.	یه آدرس ایمیل داری؟ قبلاً ها یکی داشتتم
Hi, Ali. You're still home? Yes, I'm looking for my book. I saw it in the kitchen last night.	سلام علی تو هنوزم منزلی؟ آره، دارم دنبال کتابم میگردم من اونو دیشب تو آشپزخونه دیدم
Are these your books? No, these are not mine.	آیا اینا کتاباتن؟ نه، اینا مال من نیستن
Are you going to the zoo today? Yes, I am.	آیا امروز داری میری باغ وحش؟ جواب مثبت کوتاه
Are you going with your friends? Yes, we're going in a few minutes.	آیا با دوستات داری میری؟ آره، ظرف یه چند دقیقه میریم
Turn off the lights. Turn off the lights before you go.	چراغا رو خاموش کن چراغا رو خاموش کن قبل از اینکه بری
What's the meaning of the word before? What does before mean? The meaning of before is.... Before	قبل از ( قبلاً )
Turn off the lights. Before you go.	چراغا رو روشن کن قبل از اینکه بری
Speak with your wife. Speak to your wife.	با خانومت صحبت کن

Before you buy a car.	قبل از اینکه ماشین بخری
You have to look for a white sign.	باید دنبال علامت سفید بگردی
Before you miss the exit. Before you pass the exit.	قبل از اینکه خروجی رو رد کنی
I live in Tehran now. Where did you live before?	من الان در تهران زندگی میکنم قبلاً کجا زندگی کردی؟
I used to live in Shiraz. Before I move to Tehran.	قبلاًها تو شیراز زندگی میکردم قبل از اینکه به تهران نقل مکان کنم
The first time	بار اول ( دفعه اول )
Is this the first time you see Ali? I've seen him a few times before.	این بار اوله علی رو میبینی؟ قبلاً یه چند بار دیدمش
Are you listening to the radio? No, I'm not. Then can you turn it off, please?	داری به رادیو گوش میدی؟ جواب منفی کوتاه پس میتونی لطفاً خاموشش کنی؟
Do you have Vahid's email address? No, but maybe Lila has it.	آدرس ایمیل وحید و داری؟ نه، ولی شاید لیلیا اونو داشته باشه
Have you asked Leila? Not yet Maybe she knows.	نه هنوز شاید اون میدونه
Today's a holiday.	امروز تعطیلیه
Can I take the next exit? No, you can't. Why not?	میتونم خروجی بعدی رو بگیرم؟ جواب منفی کوتاه چرا نه؟
Did you see the sign there? No, which sign? The yellow sign	علامت و اونجا دیدی؟ نه، کدوم علامت؟ علامت زرده
These exits are closed.	این خروجی ها بسته ان

---

These  
This  
These  
These are my cars.  
This is my car.  
Email  
Exit  
First  
Take the first exit.  
Look  
Book

---

What's the color of your car?

رنگ ماشینت چیه؟

I don't have a car.

من ماشین ندارم

How is it that you don't have a car?

چطوره که تو ماشین نداری؟

I can't drive.

من نمیتونم رانندگی کنم

I saw Navid buying a car.

نُوید رو دیدم داشت ماشین میخرید

I saw Ali calling his wife.

علی رو دیدم داشت به خانمش تلفن میکرد

The post office is close today.

اداره پست امروز بسته است

Are you working tomorrow?

آیا فردا کار میکنی؟

Tomorrow's a holiday.

فردا تعطیله



ببخشید خانم، داریم دنبال باغ وحش میگردیم. میتونی کمکمون کنی پیداش کنیم؟

A: Excuse me, ma'am. We're looking for the zoo. Can you help us find it?

حتماً، میتونی رادیو رو خاموش کنی لطفاً؟

B: Sure, can you turn off the radio, please?

البته.

A: Of course.

اوکی. مستقیم برو تا علامت بزرگ آبی رو سمت راست ببینی. خروجی رو بعد از اون بگیر و بعد بپیچ به چپ.

B: Okay. Go straight ahead until you see the big blue sign on your right. Take the exit after that, and then turn left.

چکار میتونیم بکنیم اگه خروجی رو رد کرده باشیم؟

A: What can we do if we missed the exit?

اگه خروجی رو رد کردید، باید خروجی بعدی رو بگیرید. اون خروجی قبل از خیابون باندیه. ولی صبر کن.

فکر میکنم باغ وحش امروز بسته است. امروز تعطیله.

B: If you missed the exit, you have to take the next exit. That's the exit before Bundy Street. But wait!

I think the zoo is closed today. Today is a holiday.

اوه واقعاً؟

A: Oh, really?

مطمئنم. اما میتونید به جای باغ وحش برید پارک. پارک خوبی توی خیابان سانشت هست.

B: I'm sure it is, but you can go to a park instead of the zoo. There's a nice park on Sunset Avenue.

اوکی، خیلی ممنونم.

A: Okay. Thanks a lot.

خواهش میکنم.

B: You're welcome.

---

I'm going to the library. Can you take these books to the library?	دارم میرم کتابخونه آیا میتونی این کتابها رو ببری کتابخونه؟
Can you take me to the pharmacy? Yes, I can.	میتونی منو تا داروخونه ببری؟ جواب مثبت کوتاه
When did you buy that shirt? I've had this shirt for a year. I've had it for a year.	اون پیرهن و کی خریدی؟ یه ساله که این پیرهن و دارم ( داشته ام ) یه ساله که دارمش
I've had these books for two years.	دوساله این کتابها رو دارم ( داشته ام )
How long have you had this dress? I've had it for a year. I bought it last year.	چند وقته این لباس رو داری؟ یه ساله دارمش پارسال خریدمش
Ali, can you take me to Sarah's house? Can you take me to the grocery store?	علی میتونی منو ببری خونه سارا؟ میتونی منو ببری خواربار فروشی؟
Can you take Mina to work? Of course I can. Let's go Mina.	آیا میتونی مینا رو ببری سر کار؟ معلومه که میتونم مینا بیا بریم
Can you call me before you go? Yes, I can.	میتونی قبل از اینکه بری بهم تلفن کنی؟ جواب مثبت کوتاه
But I don't have your number. Then let me give you my number.	ولی شمارتو ندارم پس بذار شمارمو بهت بدم
Turn off the radio. Turn it off.	رادیو رو خاموش کن خاموشش کن
Turn on the light. Turn it on.	چراغ و روشن کن روشنش کن
Call me tomorrow. Go there.	فردا بهم تلفن کن برو اونجا
They close at eight o'clock. Go there before they close.	اونها ساعت هشت میبندن برو اونجا قبل از اینکه ببندن
Call the doctor before you go there. Can you take these letters with you? Okay. See you later.	به دکتر تلفن کن قبل از اینکه بری اونجا آیا میتونی این نامه ها رو با خودت ببری؟ اوکی، به امید دیدار

On the way	سر راه
I can walk as much as you.	من میتونم به اندازه تو راه برم
I write a lot of letters.	خیلی نامه مینویسم
It's the same.	مثل همه
It's the same as driving.	مثل روتدنه

---

I have to see my doctor.	باید دکترم و ببینم
But today is a holiday.	ولی امروز تعطیلیه
But he's working today.	ولی امروز کار میکنه ( مذكر )

Let me look for my wallet.	بذار دنبال کیف پولم بگردم
Then we can go.	بعد میتونیم بریم
Let me look for my wallet. Then we can go.	بذار دنبال کیف پولم بگردم ، بعد میتونیم بریم

Did you find it?	پیداش کردی؟
Did you find your wallet?	

Yes, turn off the lights and let's go.	آره، چراغ ها رو خاموش کن و بیا بریم
Let me turn the radio off first.	بذار اول رادیو رو خاموش کنم
Let me turn off the radio first.	

Is the answering machine on?	آیا پیام گیر روشنه؟
No, it's off.	نه، خاموشه

Let me turn it on.	بذار روشنش کنم
No, it's off. Let me turn it on.	نه خاموشه ، بذار روشنش کنم

Turn the lights off.	چراغا رو خاموش کن
Turn off the lights.	
Before you go.	قبل از اینکه بری

Which way's the doctor's office?	مطب دکتر کدوم طرفه؟
Is the doctor's office this way?	آیا مطب دکتر از این طرفه؟
Yes, it is.	جواب مثبت کوتاه

Then can we go to a gas station?	پس آیا میتونیم به یه پمپ بنزین بریم؟
On the way?	سر راه؟
Can we go to a gas station on the way?	میتونیم سر راه بریم به یه پمپ بنزین؟

Is there a gas station on the way?	آیا سر راه یه پمپ بنزین هست؟
I'm sure that there's one on the way.	مطمئنم که یه دونه سر راه هست
I'm sure there's one on the way.	

Can we go to the library, too?	آیا میتونیم به کتابخونه هم بریم؟
Is there a library on the way?	آیا کتابخونه ای سر راه هست؟
Yes, there's a library on the way.	آره، یه کتابخونه سر راه هست .

I have to take a few letters to the post office.  
Do you have to take them right now?

من باید یه چند تا نامه ببرم اداره پست  
آیا باید همین الان اونا رو ببری؟

I can email them instead.

میتونم به جاش بهشون ایمیل بزنم

I've had these letters for a week.

یه هفته است این نامه ها رو دارم ( داشته ام )

But I haven't been to the post office since last week.  
I haven't gone to the post office yet.

ولی از هفته گذشته اداره پست نبوده ام  
هنوز اداره پست نرفته ام

### مکالمه

---

سلام جیم ، کجا داری میری؟

A: Hi, Jim. Where are you going?

دارم سعی میکنم این کتابها رو ببرم کتابخونه قبل از اینکه ببندن. دوست داری با من بیای؟

B: I'm trying to take these books to the library before they close. Would you like to go with me?

نمیتونم. دارم سعی میکنم یه ماشین جدید بخرم. مال خودمو ده ساله دارم . و خیلی خوب کار نمیکنه .

A: I can't. I'm trying to buy a new car. I've had mine for ten years, and it's not working very well.

میتونیم اتوبوس بگیریم، یا میتونیم با ماشین من بریم؟

B: We can take the bus, or we can take my car?

چقدر طول میکشه؟

A: How long does it take?

فقط یه چند دقیقه.

B: Only a few minutes.

پس بیا پیاده بریم.

A: Then let's walk.

اوکی . بزن بریم ، ولی من نمیتونم خیلی سریع پیاده برم.

B: Okay. Let's go, but I can't walk very fast.

ولی اداره پست خیال داره ظرف چند دقیقه ببندد.

A: But the post office is going to close in a few minutes.

پس بیا سریع تر پیاده روی کنیم.

B: Then let's walk faster.

---

I walk in the mornings. I usually walk in the mornings.	من صبح ها راه میرم من معمولاً صبح ها راه میرم
Can you walk a lot? I can walk as much as you.	آیا میتونی زیاد راه بری؟ من میتونم به اندازه تو راه برم
I walk as much as you. I like Shiraz as much as Esfahan.	من به اندازه تو راه میرم من شیراز رو به اندازه اصفهان دوست دارم
I can walk as much as I want.	من میتونم هرچقدر که بخوام راه برم
Where do you usually walk? I walk in the park. I usually walk in the park.	معمولاً کجا راه میری؟ تو پارک راه میرم من معمولاً تو پارک قدم میزنم
Where would you like to go right now? I'd like to go to the park. But not right now	دلت میخواد همین الان کجا بری؟ دلم میخواد برم پارک ولی همین الان نه
We can go to a coffee shop instead. I want to go to the zoo. And we can go to a coffee shop on the way.	میتونیم به جاش بریم یه کافی شاپ من میخوام برم باغ وحش و میتونیم سر راه بریم یه کافی شاپ
Wait! Is today Tuesday? Yes, why? Because I'm waiting for an email.	صبر کن ، آیا امروز سه شنبه است؟ آره، چرا؟ چون من منتظر یه ایمیل
I read a lot of emails.	من خیلی ایمیل میخونم
And I write a lot of letters. I write a lot of letters.	و یه عالمه نامه مینویسم خیلی نامه مینویسم
I write as much as I can. And I read as much as I can.	تا اندازه ای که میتونم مینویسم و هرچقدر که بتونم میخونم
I read a lot of books. And I write a lot of emails.	یه عالمه کتاب میخونم و یه عالمه ایمیل مینویسم
Can we walk there? I usually go by bus.	آیا متونیم تا اونجا پیاده بریم؟ من معمولاً با اتوبوس میرم
But sometimes I take my car. How long does it take by car?	ولی بعضی وقتا ماشینمو میبرم چقدر طول میکشه با ماشین؟
It's the same. It's the same one.	مثل همه ( یکیه ) همون یکیه

Did you buy a new car?	ماشین نو خریدی؟
How long have you had your car?	چند وقت ماشینتو داری؟ ( داشته ای ؟ )
I've had it for a few years.	یه چند ساله دارمش
I'm used to it.	بهش عادت دارم
Is it faster if we take the bus?	آیا سریعتره اگه اتوبوس رو بگیریم؟
It's the same as driving.	مثل راندنه
Then let's take your car.	پس بیا ماشینتو برداریم
My car's the same as yours.	ماشین من مثل مال توه.

---

Email  
Right  
Turn right.  
I read a lot.  
Right  
These  
Way  
Wood  
On our way  
Radio  
Drive  
Drink  
Drawer  
Dress

---

We can go to a coffee shop on the way.	میتونیم سر راه بریم به کافی شاپ
You like coffee more than tea, don't you?	تو قهوه رو بیشتر از چای دوست داری ، مگه نه؟
I like coffee as much as tea.	من قهوه رو به اندازه چای دوست دارم
I like coffee as much as I like tea.	
They're both the same.	هر دوتاشون مثل همن
I have to go to the post office on the way.	باید سر راه برم اداره پست
But they're close today	ولی امروز بسته ان
No, yesterday was a holiday.	نه، دیروز تعطیلی بود
But they close earlier today.	ولی امروز زودتر میبندن

Where's the post office? It's close to here. Then we have to go before they close.	اداره پست کجاست؟ به اینجا نزدیکه پس باید قبل از اینکه ببندن بریم
Why do they close early today? Because today's Saturday.	چرا امروز زود میبندن؟ چون امروز شنبه است
What time do they close? They close at two o'clock.	ساعت چند میبندن؟ ساعت دو میبندن
The same as last week.	مثل هفته گذشته
I have the same car.	من عین ماشینه رو دارم
Wait I have to write the address on the letter. You can write it later.	صبر کن باید آدرس و روی نامه بنویسم میتونی بعداً بنویسیش
You're driving right now.	داری الانه رانندگی میکنی .
You're going to miss our exit. We missed the exit.	
We missed the bus.	از اتوبوس جا موندیم
Where's the park? It's straight ahead.	پارک کجاست؟ مستقیمه
We missed the post office. Then go straight ahead as much as you can.	اداره پست رو رد کردیم پس تا جایی که میتونی مستقیم برو
Can we go from the next street, too? Yes, but it's the same as this street. Yes, but it's the same as this one.	آیا میتونیم از خیابون بعدی هم بریم؟ آره، ولی عین همین خیابونه آره، ولی عین همین خیابونه
We can go to a library on the way. I try to read as much as I can.	میتونیم سر راه بریم به کتابخونه سعی میکنم تا جایی که بتونم بخونم
The library's closing right now.	کتابخونه همین الان داره مینده
Drive as fast as you can. I'm going as fast as I can.	تا جایی که میتونی سریع برون ( رانندگی کن ) تا جایی که بتونم دارم سریع میرم
What's the address? Can you write it for me?	آدرس چیه؟ میتونی واسم بنویسیش؟
I can't write English.	من نمیتونم انگلیسی بنویسم

I can write as much as I can read.	به اندازه ای که میتونم بخونم ، میتونم بنویسم
Can you read that sign? I think we missed the exit.	میتونی اون علامت و بخونی؟ فکر کنم خروجی رو رد کردیم
It's okay. We can take the next one. We can take the next exit.	اوکیه، میتونیم یکی بعدی رو برداریم ما میتونیم از خروجی بعدی استفاده کنیم
Drive as fast as you can. I can't drive any faster.	تا اندازه ای که میتونی سریع رانندگی کن هیچ سریع تر نمیتونم رانندگی کنم
We missed the exit anyway.	به هر حال خروجی رو رد کردیم
I want to write a few emails. For whom? For my relatives	میخوام یه چندتا ایمیل بنویسم واسه کی؟ واسه اقوامم
You can write a letter for them instead.	میتونی به جاش واسشون یه نامه بنویسی
It's the same as an email.	مثل ایمیله



Airport	فرودگاه
Flight number	شماره پرواز
I have to pick up my parents.	باید والدینمو بردارم
It's eleven o'clock already?	ساعت یازده شد به این زودی؟
I called them already.	قبلاً بهشون تلفن کردم
I have to send this letter.	باید این نامه رو بفرستم
<hr/>	
Did you move to Esfahan?	آیا به اصفهان نقل مکان کردی؟
Yes, I moved to Esfahan.	آره، به اصفهان نقل مکان کردم
Did you call Ali?	به علی تلفن کردی؟
Yes, I called him.	آره، بهش تلفن کردم
Write your name here, please.	اسمتون رو اینجا بنویسید لطفاً
Can you write me a letter?	
Sure	حتماً
Beautiful	قشنگ
A beautiful day	یه روز قشنگ
It's a beautiful day, isn't it?	روز قشنگیه، مگه نه؟
There's a lot of food.	یه عالمه غذا هست
You can eat as much as you like.	میتونی هرچقدر دوست داری بخوری
It's a beautiful day. Let's go to the park.	روز قشنگیه . بیا بریم پارک
Are we going to the same park?	آیا داریم میریم به همون پارک؟
That we went last week?	که هفته پیش رفتیم؟
Yes, we are.	جواب مثبت کوتاه
Can we walk there?	آیا میتونیم پیاده بریم اونجا؟
Of course! It's very close to here.	البته ، خیلی به اینجا نزدیکه
I'm reading a book.	دارم یه کتاب میخونم
I'm writing a letter to my friend.	دارم یه نامه واسه دوستم مینویسم
He's planning to come to the United States.	اون داره برنامه میریزه بیاد به ایالت متحده
My best friend's coming this Monday.	بهترین دوستم داره این دوشنبه میاد
I have to go to the airport.	باید برم فرودگاه
Do you have the flight number?	شماره پرواز و داری؟

What's the meaning of the word flight?

What's the meaning of it?

The meaning of the word flight is....

Flight

پرواز

Phone number

شماره تلفن

Flight number

شماره پرواز

Can you tell me my flight number?

میتونید شماره پروازمو بهم بگید؟

Sure. Do you want to write it now?

حتماً، میخواید الان بنویسیدش؟

Yes, please.

بله لطفاً

Do you know the way to the airport?

راه فرودگاه رو بلدی؟

Yes, I've been there a few times.

آره، من یه چند باری اونجا بودم ( بوده ام )

The last time I was there was last Sunday.

آخرین باری که اونجا بودم یکشنبه گذشته بود

At the restaurant

در رستوران

There are a lot of people at the airport.

یه عالمه مردم در فرودگاه هستن

What do the people do at the airport?

مردم تو فرودگاه چکار میکنن؟

A lot of them work at the airport.

خیلی هاشون تو فرودگاه کار میکنن

Some of them want to travel.

بعضی هاشون میخوان مسافرت برن

And some of them want to pick up their relatives and friends. و بعضی هاشون میخوان فامیلشون و دوستاشون رو بردارن

What's the meaning of pick up?

What does pick up mean?

The meaning of pick up is....

توجه" کلمه ( Pick up ) به معنی برداشتن است .

معمولاً وقتی یه چیزی یه جایی هست و باید رفت و آوردش، از این کلمه استفاده میشه ، مثلاً وقتی شخصی در فرودگاهه .

یا آوردن بچه ها از مدرسه ، یا نامه ای که میخوایم از اداره پست برش داریم .

I want to pick up my mother.

میخوام مادرم رو بردارم

From the airport

از فرودگاه

Do you have her flight number?

شماره پروازشو داری؟

Do I need her flight number?

آیا به شماره پروازش احتیاج دارم؟

I think so.

فکر کنم

You can call the airport.

تو میتونی به فرودگاه تلفن کنی

Already

قبلاً ، تا کنون ، به این زودی

I called them already.

من قبلاً بهشون تلفن کردم

Can you pick me up at the hotel?

میتونی منو از هتل برداری؟

Can you turn the light off?

میتونی چراغ رو خاموش کنی؟

Can you turn off the light?

Turn it on.

روشنش کن

Pick me up.

منو بردار

### مکالمه

---

علی میتونی این نامه رو واسم بخونی؟

A: Ali, can you read this letter for me?

متاسفم، من باید الان برم .

B: I'm sorry, I have to go now.

کجا داری میری؟

A: Where are you going?

مادرم داره ظرف چند دقیقه میرسه. باید از فرودگاه برش دارم.

B: My mother's arriving in a few minutes. I have to pick her up from the airport.

شماره پروازشو داری؟

A: Do you have her flight number?

آره .

B: Yes, I do.

پدرت میدونه اون امروز داره میرسه؟

A: Does your father know she's arriving today?

آره، اون قبلاً میدونه . دیروز باهاش تماس گرفتم.

B: Yes, he already knows. I called him yesterday.

اونم داره میره فرودگاه؟

A: Is he going to the airport, too?

البته، اون شش هفته است که ندیدش.

B: Of course! He hasn't seen her for six weeks.

چه مدت خیال داره اینجا بمونه؟

A: How long is she going to stay here?

اون میتونه هرچقدر که میخواد اینجا بمونه.

B: She can stay here as long as she wants.

خوشحالم واسه هر دو تاتون.  
A: I'm happy for both of you.

مرسی، به امید دیدار.  
B: Thanks. See you later.

---

What's your plan for this afternoon?  
We're going to the park with our friends.

برنامهت واسه امروز بعد از ظهر چیه؟  
داریم با دوستانمون میریم پارک

Are you going to drive to the park?  
No, we're going to walk there.

خیال داری تا پارک بروی؟  
نه، خیال داریم پیاده بریم اونجا

How old is your daughter?  
She's twenty-five.  
She's twenty-five years old.

دخترتون چند سالشه؟  
بیست و پنج سالشه

What does she do?  
She goes to college.  
Where's she now?

چکار میکنه؟  
دانشگاه میره  
الان کجاست؟

She's at college. She's always at college.  
She's never home.

تو دانشگاهه، اون همیشه دانشگاهه.  
هیچ وقت منزل نیست

What time is it?  
It's seven o'clock.

ساعت چنده؟  
ساعت هفته

Is it seven o'clock already?

ساعت هفته به این زودی؟

It's eleven o'clock.  
It's eleven o'clock already?  
Yes, it is.

ساعت یازده است  
ساعت یازده شده؟  
جواب مثبت کوتاه

Today's Friday.  
Is it Friday already?

امروز جمعه است  
جمعه است به این زودی؟ ( به این زودی جمعه شد؟ )

What are you looking for?  
I'm not looking for anything.

دنبال چی میگردی؟  
دنبال هیچی نمیگیرم

How far is the airport from here?  
It's twenty miles from here.  
It's thirty-two kilometers from here.

فرودگاه چقدر از اینجا دوره؟  
بیست مایله از اینجا  
سی و دو کیلومتره از اینجا

Flight number

شماره پرواز

You have the wrong number.

شماره اشتباه گرفتی

Did you write a letter to Ali?

آیا به علی نامه نوشتی؟

Did you write Ali a letter?

Yes, but I have to send it.

آره، ولی باید بفرستمش

I have to send this letter.

باید این نامه رو بفرستم

Did you send me the email?

آیا ایمیل رو بهم فرستادی؟

Not yet

نه هنوز

Then when are you going to send it?

پس کی خیال داری بفرستیش؟

I'm sending it right now.

همین الان دارم میفرستمش

I bought this book yesterday.

این کتاب رو دیروز خریدم

How much did you buy it?

چند خریدیش؟

Thirty dollars

سی دلار

I bought the same book for twenty-five dollars.

من همون کتاب رو بیست و پنج دلار خریدم

Really? Where did you buy it?

جدا؟ کجا خریدیش؟

I bought it from a bookstore.

از یه کتابفروشی خریدمش

Your book is the same as mine.

کتاب تو عین مال منه

---

Bookstore

Flight

Flight number

Pick up

Sit

Pick me up.

Airport

Already

Stamp

Start

Stamp

---

My car's the same as yours.	ماشین من مثل مال توه
When are you coming home? I'm coming home in twenty minutes.	کی داری میای خونه؟ ظرف بیست دقیقه دارم میام منزل
Can you buy some milk? On the way? Yes, I can.	میتونی مقداری شیر بخری؟ سر راه؟ جواب مثبت کوتاه
Can you send this letter for me? Stamp	میتونی این نامه رو واسم بفرستی؟ تمبر
Buy a few stamps for me. Buy me a few stamps.	یه چند تا تمبر واسم بخر
I'm not sure. If I have enough money.	مطمئن نیستم که آیا پول کافی دارم
There's some money in the drawer. Take some money from there.	مقداری پول توی کِشو هست مقداری پول از اینجا بردار

#### مکالمه

سلام علی. اوضاع چطوره؟

A: Hi, Ali. How's it going?

خوبم مرسی. تو چطور؟

B: I'm fine, thanks. And you?

من خیلی خوبم، متشکرم. علی میتونم امشب ماشینتو قرض بگیرم؟

A: I'm very well, thank you. Ali, can I borrow your car tonight?

متاسفم، ماشینمو امشب لازم دارم. چون والدینم دارن از ایران میان.

B: I'm sorry, I need my car tonight. Because my parents are coming from Iran.

واقعاً؟ مال منم همینطور. شماره پروازشون چنده؟

A: Really? Mine, too. What's their flight number?

پرواز چهل و دو.

B: Flight forty-two.

پس والدین من تو همان پرواز شما هستند.

A: Then my parents are on the same flight as yours are.

خیلی جالبه. پس میتونیم با همدیگه بریم فرودگاه.

B: That's very interesting. Then we can go to the airport together.

درسته. علی میتونیم سر راه فرودگاه بریم خونه مینا؟

A: That's right. Ali can we go to Mina's house on the way to the airport?

مطمئن نیستم که آیا میتونیم انجامش بدیم. گاهی اوقات پروازها زودتر از معمول میرسند.

B: I'm not sure if we can do that. Sometimes flights arrive earlier than usual.

حق با شماست. خیال داری منو از خونه برداری؟

A: You're right. Are you going to pick me up at my house?

آره، در چه ساعتی؟

B: Yes. At what time?

منو ساعت نه بردار.

A: Pick me up at nine o'clock.

عالیه. ساعت نه میبینمت. بای.

B: Great! See you at nine o'clock. Goodbye.

بای علی.

A: Goodbye, Ali.

Do you speak English?

Yes, but not very well.

آیا شما انگلیسی صحبت میکنید؟

آره، ولی نه خیلی خوب

Can you write your name in English?

I can't write in English.

میتونی اسمتو انگلیسی بنویسی؟

من نمیتونم به انگلیسی بنویسم

But I can read English.

ولی میتونم انگلیسی بخونم

Buy some bread before you pick me up.

Buy some bread on the way.

مقداری نون بخر قبل از اینکه منو برداری

مقدار نون سر راه بخر

It's twelve o'clock. Where's Ali?

Ali's on his way home.

ساعت دوازده است. علی کجاست؟

علی سر راهش به منزله.

It's a quarter to seven.  
Ali is on the airplane.  
Have you ever been to Iran?  
When are you coming back?  
Where's my key?  
That's a good idea.

یه ربع به هفته  
علی تو هواپیماست  
هیچ وقت ایران بودی؟ ( بوده ای ؟ )  
کی برمیگردی؟  
کلیدم کجاست؟  
فکر خوبیه

---

What are you looking for?  
I'm looking for the restroom.

داری دنبال چی میگردی؟  
دنبال دستشویی میگردم

Do you know where it is?  
I think it's over there.  
But I'm not sure.

میدونی کجاست؟  
فکر میکنم اونها اونجاست  
اما مطمئن نیستم

Excuse me, sir. Where's the restroom?  
It's straight ahead on your right.  
Thanks a lot.

آقا ببخشید دستشویی کجاست؟  
مستقیمه ، سمت راستتون  
خیلی ممنون

We have to go to the library.  
But today's a holiday.  
The libraries are closed today.

باید بریم کتابخونه  
ولی امروز تعطیلیه  
کتابخونه ها امروز بسته ان

No, they're open until three.

نه ، تا سه بازن

Then we can go to a coffee shop on the way.  
I have to pick up my son on the way.

پس میتونیم سر راه بریم یه کافی شاپ  
من باید سر راه پسرمو بردارم

But I have to send these letters first.  
I have to take these letters to the post office.

ولی اول باید این نامه ها رو بفرستم  
باید این نامه ها رو بیرم اداره پست

Is it Tuesday already?  
Yes, why?  
Because I have to go to the airport.

سه شنبه است به این زودی؟  
آره، چرا؟  
چون باید برم فرودگاه

My wife's coming from Iran.

خانم داره از ایران میاد

What time does her flight arrive?  
I have to pick her up at seven o'clock.

پروازش کی میرسه؟  
باید ساعت هفت برش دارم

What's her flight number?  
Can you write it for me?  
Of course I can.

شماره پروازش چیه؟  
میتونی واسم بنویسیش؟  
البته که میتونم

Can you drive a little faster, please?  
I'm driving as fast as I can.

میتونی یه خورده سریعتر رانندگی کنی لطفاً؟  
تا جایی که میتونم دارم سریع میروم



I can't drive as fast as you.	من نمیتونم به اندازه تو سریع رانندگی کنم
But our cars are the same.	ولی ماشینهامون عین همن
No, my car isn't the same as yours. But their color is the same.	نه ، ماشین من عین مال تو نیست ولی رنگشون مثل همه
They're both black. But mine is older than yours. Yours isn't older than mine.	هردوتاشون سیاهن ولی مال من قدیمی تر از مال توه مال تو قدیمی تر از مال من نیست
I have to pick up my daughter from the park. Can we go to the airport on the way?	من باید دخترم رو از پارک بردارم آیا میتویم سر راه بریم فرودگاه؟
You missed the airport exit already. You missed the exit for the airport already.	
But I have to pick up my wife.	ولی من باید خانمم رو بردارم

#### مکالمه

سلام پیتر، حالت چطوره؟

A: Hi, Peter. How are you?

بد نیستم جان . دارم میرم فرودگاه . باید دخترم رو بردارم .

B: Not bad, John. I'm going to the airport. I have to pick up my daughter.

ساعت چند باید برش داری؟

A: What time do you have to pick her up?

خوب، پروازش ساعت هفت میرسه.

B: Well, her flight arrives at seven.

پس میتونی ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه برش داری.

A: Then you can pick her up at seven forty-five.

الان ساعت چنده؟

B: What time is it right now?

ساعت هفته.

A: It's seven o'clock.

ساعت هفت شد به این زودی؟ من باید سر راه برم اداره پست، اما وقت ندارم. میتونی این نامه ها رو واسم بفرستی؟

B: It's seven o'clock already? I have to go to the post office on the way, but I don't have time. Can you send these letters for me?

البته که میتونم.

A: Of course I can.

اوکی ، خیلی ممنونم . فردا میبینمت.

B: Okay. Thanks a lot. See you tomorrow.

مراقب باش.

A: Take care.

What time is it now?

It's six forty-five.

الان ساعت چنده؟

ساعت شش و چهل و پنج دقیقه است

Is it six forty-five already?

Yes, it's a quarter to seven.

It's a quarter to seven.

ساعت شش و چهل و پنج دقیقه است به این زودی؟

آره، به ربع به هفته

یه ربع به هفته

Can we visit Mina on the way?

We don't have enough time.

آیا میتونیم سر راه از مینا دیدن کنیم؟

به اندازه کافی وقت نداریم

Drive as fast as you can.

It's only a quarter to seven.

تا جایی که میتونی سریع برون

فقط یه ربع به هفته

I have to pick up my wife from the airport.

من باید خانمم رو از فرودگاه بردارم

I don't want her to wait.

When does her flight arrive?

Her flight arrives at a quarter to nine.

نمیخوام معطل بشه

پروازش کی میرسه؟

پروازش یه ربع به نه میرسه

Where's she right now?

She's on the airplane.

همین الان کجاست؟

در هواپیماست

She's not here yet.

She's still on the airplane.

هنوز اینجا نیست

هنوزم تو هواپیماست

Have you ever been on an airplane?

No, I have never been on an airplane.

No, I've never been on an airplane before.

آیا هرگز تو هواپیما بودی؟ ( بوده ای؟ )

نه، هیچ وقت تو هواپیما نبودم ( نبوده ام )

Have you ever been on a vacation?

No, not yet.

هیچ وقت مرخصی بودی؟

نه، هنوز نه

Where's your daughter?

She's in Paris right now.

She's visiting her cousin.

دخترت کجاست؟

الان تو پاریسه

داره از دخترخالش دیدن میکنه

How long is she going to stay there?	چقدر خیال داره اونجا بمونه؟
She's coming back next week.	اون هفته آینده داره برمیگرده
Are your parents still in Iran? Yes, they've been there for six weeks.	آیا والدینت هنوزم ایرانن؟ آره، اونا شش هفته است اونجان
But they're coming back next Friday.	ولی جمعه آینده برمیگردن
How old is your son? He's twenty. He's twenty years old.	پسرت چند سالشه؟ بیست سالشه
Is he still in Washington? Yes, but he's coming next weekend.	آیا اون هنوزم در واشنگتنه؟ آره، ولی داره آخر هفته آینده میاد اینجا
Can he drive? Yes, he can.	میتونه رانندگی کنه؟ جواب مثبت کوتاه
But he doesn't have a car yet.	ولی هنوز ماشین نداره
I bought him a new car last week.	
But he doesn't know that yet.	ولی اون هنوز اونو نمیدونه
Here's the key to his new car.	اینهاش کلید ماشین جدیدش
What's the meaning of the word key? What does the word key mean? The meaning of the word key is.... Key	کلید
Here's the key to his new car.	اینهاش کلید ماشین جدیدش
What are you looking for? I'm looking for my key.	دنبال چی میگردی؟ دنبال کلیدم میگردم
Have you seen it?	دیدیش؟
I saw it in the drawer last time. Did you find it? No, not yet.	بار آخر تو کشو دیدمش پیداش کردی؟ نه، هنوز نه
Is this your key? Are these your keys? Yes, these are my keys.	این کلید توه؟ آیا اینا کلیدای توان؟ آره، اینا کلیدای من.

Where did you find them? In the kitchen	کجا پیداشون کردی؟ تو آشپزخونه
Did you call your wife? Yes, I called her yesterday. She's coming back next Tuesday.	به خانمت تلفن کردی؟ آره، دیروز بهش تلفن کردم داره سه شنبه آینده برمیگرده
What's your plan for this afternoon? Why?	برنامت واسه این بعد از ظهر چیه؟ چرا؟
Would you like to go to the movies together? Yes, I would.	میل داری با هم بریم سینما؟ جواب مثبت کوتاه
That's a good idea. Idea	فکر خوبیه فکر ( ایده )
I have a good car. I have a good idea.	من یه ماشین خوبی دارم من یه فکر خوبی دارم
We can go to a restaurant for lunch. And from there	ما میتونیم واسه ناهار بریم یه رستوران و از اونجا
We can walk to the park. And after that we can go to the movies. That's a good idea.	میتونیم پیاده بریم پارک و بعد از اون میتونیم بریم سینما فکر خوبیه
What's your phone number? What's your flight number?	شماره تلفنت چیه؟ شماره پروازت چیه؟
Flight fifty-five My flight number is fifty-five.	پرواز پنجاه و پنج شماره پروازم پنجاه و پنج
Airplanes are much faster than cars. Have you ever been on an airplane?	هواپیماها خیلی از ماشینها سریعترن هیچ وقت توی هواپیما بودی؟
Yes, I have been on an airplane a few times.	آره، یه چند باری تو هواپیما بودم ( بوده ام )
Have you ever been to Esfahan? Yes, I was there last year.	هیچ وقت در اصفهان بودی؟ ( بوده ای ؟ ) آره، پارسال اونجا بودم
Did you like Esfahan? Yes, I did.	از اصفهان خوشت اومد؟ جواب مثبت کوتاه
I'm planning to go there next year, too. That's a good idea.	دارم برنامه ریزی میکنم سال آینده هم برم اونجا فکر خوبیه
I have a better idea.	من فکر بهتری دارم

Did you pick up your friend from the airport?  
Yes, I did.

دوستت رو از فرودگاه برداشتی؟  
جواب مثبت کوتاه

Car keys

کلیدهای ماشین

Omid's car keys  
Where are Omid's car keys?

کلیدهای ماشین امید  
کلیدهای ماشین امید کجان؟

I have to pick up my children from the park.  
The keys are on the floor.

باید بچه هامو از پارک بردارم  
کلیدها رو زمین

I was very busy yesterday.

من دیروز خیلی مشغول بودم

---

Quarter  
Airplane  
Airport  
Air  
Plane  
Plate  
Plane  
Airplane  
Idea  
That's a good Idea.

---

I was very busy yesterday.

دیروز خیلی سرم شلوغ بود

I'm sorry I didn't call you.  
But I called your son.

متاسفم بهت تلفن نکردم  
ولی به پسرت تلفن کردم

Wednesday	چهارشنبه
Cell phone	موبایل ( تلفن همراه )
Let's try another key.	بذار یه کلید دیگه رو امتحان کنیم
I have a meeting today.	من امروز یه جلسه دارم
Their flight is arriving soon.	پروازشون به زودی میرسه
We have it in different colors.	ما اونو در رنگهای متفاوت داریم
Your cell phone is different from mine.	موبایل تو با مال من فرق داره
They're on different flights.	اونو در پروازهای متفاوتی هستند

---

What do you want to do this weekend?  
I'm staying home.

این آخر هفته میخوای چکار کنی؟  
میمونم منزل

We can go to the park if you want.  
That's a good idea.

میتونیم بریم پارک اگه بخوای  
فکر خوبیه

I'm going to Canada tomorrow.  
When are you coming back?

دارم فردا میرم کانادا  
کی برمیگردی؟

Next Wednesday  
Wednesday  
This Wednesday  
Last Wednesday  
Next Wednesday

چهارشنبه آینده  
چهارشنبه  
همین چهارشنبه  
چهارشنبه قبل  
چهارشنبه آینده

This Wednesday's a holiday.  
This Wednesday is a holiday.

این چهارشنبه تعطیله  
این چهارشنبه تعطیله

My best friend's coming.  
On Wednesday

بهترین دوستم داره میاد  
روز چهارشنبه

Let's go to the park on Wednesday.  
Let's go to the park on Wednesday morning.

بیا روز چهارشنبه بریم پارک  
بیا چهارشنبه صبح بریم پارک

What time is it?  
It's a quarter to six.  
It's a quarter after seven.

ساعت چنده؟  
یه ربع به شش  
هفته و ربع

Let's go to the airport now.  
Have you ever been on an airplane?  
Not yet

بیا الان بریم فرودگاه  
هیچ وقت تو هواپیما بودی؟  
هنوز نه

I have to write a letter to Ali.  
You can send him an email instead.  
You can send him an email.  
Instead of writing a letter

باید یه نامه به علی بنویسم  
میتونی به جاش یه ایمیل بفرستی .  
میتونی بهش یه ایمیل بفرستی .  
به جای نامه نوشتن

That's a good idea.	فکر خوبیه
Or you can call him. We don't have a phone here.	یا میتونی بهش تلفن کنی ما اینجا تلفن نداریم
I have my cell phone with me.	من موبایلمو همراهم دارم
What's the meaning of cell phone? What does cell phone mean? Cell phone means.... Cell phone	تلفن همراه ( موبایل )
What's your phone number? My home phone number? No, your cell phone number.	شماره تلفنت چیه؟ شماره تلفن منزلت؟ نه، شماره تلفن موبایلت
Is it Wednesday already? I think tomorrow's Wednesday. Why? Because I have to go to the library on Wednesday.	چهارشنبه شد؟ فکر میکنم فردا چهارشنبه است، چطور؟ چون روز چهارشنبه باید برم کتابخونه
I can't open my car. Let me open it for you.	نمیتونم ماشینمو باز کنم بذار من واست بازش کنم
Did you open it? No, I can't open it.	بازش کردی؟ نه نمیتونم بازش کنم
Are you sure this is the right key? Yes, I always open my car with this key.	آیا مطمئنی این کلید درسته؟ آره، من همیشه ماشینمو با این کلید باز میکنم
Let's try another key. Another key Let's try another key.	بذار یه کلید دیگه رو امتحان کنیم یه کلید دیگه بذار یه کلید دیگه رو امتحان کنیم
Is this the same shirt you bought at the mall? That was another one.	این عین همون پیرهنه که از پاساژ خریدی؟ اون یه دونه دیگه بود
I don't like this restaurant. Let's go to another restaurant.	من از این رستوران خوشم نمیاد بیا بریم به یه رستوران دیگه
That's a good idea. I have another idea.	فکر خوبیه من یه فکر دیگه دارم
Can you take the children to the zoo? No, I can't. Why not?	میتونی بچه ها رو ببری باغ وحش؟ جواب منفی کوتاه چرا نه؟
I have a meeting today. Next Wednesday Next meeting	من امروز یه جلسه دارم چهارشنبه بعد جلسه بعد

When's our next meeting?  
When is our next meeting?

جلسه بعدیمون کیه؟

Tomorrow at eight o'clock

فردا ساعت هشت

### مکالمه

---

مینا ، فردا داری میری شیراز؟

A: Mina, are you going to Shiraz tomorrow?

آره.

B: Yes, I am.

و کی برمیگردی؟

A: And when are you coming back?

جمعه آینده. چرا؟

B: Next Friday. Why?

میدونی که ما خیال داریم یه جلسه با دکتر اسمیث داشته باشیم؟

A: Do you know that we're going to have a meeting with doctor Smith?

نه، اونو نمیدونستم. جلسه کیه؟

B: No, I didn't know that. When's the meeting?

جمعه صبح.

A: Friday morning.

اما جمعه صبح من تو راه برگشت تهران هستم.

B: But Friday morning I'm on my way back to Tehran.

فکر میکنم ما باید با دکتر اسمیث تماس بگیریم و بذار بدونه.

A: I think we have to call Doctor Smith and let him know.

ما میتونیم هفته آینده جلسه دیگه ای داشته باشیم.

B: We can have another meeting next week.

درسته. اما به هر حال باید باهاش تماس بگیریم.

A: That's right, but we have to call him anyway.

حق با شماست. شماره تلفن همراهشو داری؟

B: You're right. Do you have his cell phone number?

آره.

A: Yes, I do.



Where are you going?

کجا داری میری؟

I'm going to pick up my cousins from the airport.

خیال دارم پسرخاله هامو از فرودگاه بردارم

I'm going to pick up my cousins at the airport.

Can you go to the post office?

میتونی بری اداره پست؟

On the way to the airport?

سر راه فرودگاه؟

No, I can't.

جواب منفی کوتاه

Their flight is arriving soon.

پروازشون به زودی میرسه

Soon

به زودی

Is your father in Los Angeles now?

آیا پدرت الان در لس آنجلسه؟

No, but he's coming here soon.

نه، ولی به زودی داره میاد اینجا

Can I help you?

میتونم کمکت کنم؟

Yes, I like this dress.

بله، از این لباسه خوشم میاد

But I don't like the color.

ولی از رنگش خوشم نمیاد

We have it in different colors.

ما اونو در رنگهای متفاوت داریم

Different colors

رنگهای متفاوت

This car is the same as your car.

این ماشین عین ماشین توه

This car's different from my car.

این ماشین با ماشین من فرق داره

This car is different from my car.

Are your friends on the same flight?

آیا دوستات تو همون پروازن؟

No, they're on different flights.

نه، اونا تو پروازای متفاوتی هستن

How much did you buy your cell phone?

موبایلتو چند خریدی؟

I bought it for sixty dollars.

شصت دلار خریدمش

I bought the same cell phone for forty dollars.

من عین این موبایل رو چهل دلار خریدم

No, I've seen your cell phone.

نه، من موبایل تو رو دیدم ( دیده ام )

Your cell phone is different from mine.

موبایل تو با مال من فرق داره

Is this the only cell phone you have?

این تنها تلفن همراهیه که داری؟

No, I have another one.

نه، یه دونه دیگه دارم

But I don't have it with me.

ولی همراه خودم ندارمش

پری، مینا میدونه که شما دارید به تهران نقل مکان میکنید؟

A: Pari, does Mina know that you're moving to Tehran?

نه، هنوز اینو نمیدونه.

B: No, she doesn't know that yet.

کی قصد داری اینو بهش بگی؟

A: When do you plan to tell her that?

نمیدونم. اون نمیخواد من نقل مکان کنم.

B: I don't know. She doesn't want me to move.

باید به زودی یا بعداً اینو بهش بگی.

A: Soon or later you have to tell her that.

میدونم.

B: I know.

سعی کن همین الان بهش بگی.

A: Try to call her right now.

نمیتونم همین الان بهش بگم. اون توی جلسه است.

B: I can't call her right now. She's in a meeting.

جلسش چقدر طول میکشه؟

A: How long does her meeting take?

شاید چهل و پنج دقیقه.

B: Maybe forty-five minutes.

پس بعد از جلسه بهش بگو.

A: Then call her after the meeting.

---

I have a meeting in the morning.

صبح، یه جلسه دارم

What time do you have a meeting?

At nine o'clock

ساعت چند جلسه داری؟

ساعت نه

When are you coming back?

Soon

I'm coming back on Wednesday.

کی برمیگردی؟

به زودی

روز چهارشنبه برمیگردم

I have to go to two meetings there. I have one tomorrow morning. And another one on Wednesday	باید در اونجا به دوتا جلسه برم یکی فردا صبح دارم و یکی دیگه روز چهارشنبه
Have you ever been to Shiraz? Yes, I've been there a few times. No, I've never been there.	هیچ وقت شیراز بودی؟ ( بوده ای ؟ ) آره، یه چند باری اونجا بودم نه، هیچ وقت اونجا نبودم ( نبوده ام )
Shiraz is a beautiful city.	شیراز شهر خیلی قشنگیه
I have to buy a book for my wife. What's the name of the book? I'm not sure. I have to call her.	باید یه کتاب واسه خانمم بخرم اسم کتابه چیه؟ مطمئن نیستم ، باید بهش تلفن کنم
I'm going to Tabriz tomorrow. And I'm coming back on Friday.	فردا دارم میرم تبریز و روز جمعه برمیگردم
What are you looking for? I'm looking for my keys.	دنبال چی میگردی؟ دنبال کلیدام میگردم
Where are my keys? Last time I saw them. They were in the kitchen.	کلیدام کجان؟ دفعه آخر که دیدمشون اونجا توی آشپزخونه بودن
Can you help me find them? Of course	میتونی کمکم کنی پیدااشون کنم؟ البته
It's a quarter to ten.	ساعت یه ربع به دهه
We're still waiting for Mina. I'm sure.	ما هنوزم منتظر مینا ایم مطمئنم
She's on her way here.	اون سر راهش به اینجاست
Do you have her phone number? Yes, I do.	شماره تلفنشو داری؟ جواب مثبت کوتاه
But she doesn't have her cell phone with her.	ولی اون موبایلشو همراهش نداره
How do you know that? Because her cell phone is in my car.	از کجا میدونی؟ چون موبایلش تو ماشین منه
Are you looking for a new job? Not yet	دنبال کار جدیدی میگردی؟ هنوز نه
I'm going to look for a new job soon. You have a job already.	خیال دارم به زودی دنبال کار جدید بگردم تو که یه شغل داری

A different job	یه شغل متفاوت
I want to have a different job.	میخوام یه شغل متفاوت داشته باشم
A job that I like	یه شغلی که خوشم بیاد
I'm going to buy a new house soon.	خیال دارم به زودی یه خونه جدید بخرم
It's a quarter to five.	ساعت یه ربع به پنجه
It's eight twenty.	هشت و بیست دقیقه است
It's a quarter to twelve.	یه ربع به دوازده است
I want to eat now.	میخوام الان غذا بخورم
Flight number	شماره پرواز
Phone number	شماره تلفن
I tried to call you yesterday.	سعی کردم دیروز بهت تلفن کنم
But your number was busy.	اما شمارت مشغول بود
Let me give you another number.	بذار یه شماره دیگه بهت بدم
Let me buy you another shirt.	بذار واست یه پیرهن دیگه بخرم
Let me help you.	بذار کمکت کنم
Let me read this letter for you.	بذار این نامه رو واست بخونم
Let me call them.	بذار بهشون تلفن کنم
Please turn off your cell phones.	لطفاً تلفن های همراهتون رو خاموش کنید

I tried to call you three times.	سه بار سعی کردم بهت تلفن کنم
I want to return this shirt.	میخواهم این پیرهن و پس بدم
You can exchange it with another color.	میتونی اونو با یه رنگ دیگه عوض کنی.
My house is three times bigger than yours.	خونه من سه برابر بزرگتر از مال توه
I have to buy a jacket.	من باید یه کت بخرم
What's your size?	اندازت چیه؟
You need a medium size.	شما یه سایز متوسط لازم دارید
Do you have it in red?	قرمزشو دارید؟
I've never seen a house as beautiful as yours.	من هیچ وقت خونه ای به قشنگی مال شما ندیدم

---

I want to call Ali.	میخواهم به علی تلفن کنم
Do you have his cell phone number?	شماره موبایلشو داری؟
No, I have his home number.	نه، شماره منزلشو دارم
I tried to call you yesterday.	دیروز سعی کردم بهت تلفن کنم
But your number was busy.	ولی شمارت مشغول بود
Did you really try to call me?	واقعاً سعی کردی با من تماس بگیری؟
Yes, I tried three times.	آره، سه بار سعی کردم

What does three times mean?	
What's the meaning of three times?	
The meaning of three times is....	
Three times	سه بار ( سه دفعه )
Ten times	ده بار

I called you four times yesterday.	دیروز چهار دفعه بهت تلفن کردم
We have a meeting tomorrow.	فردا یه جلسه داریم

I don't like this hotel.	من از این هتل خوشم نمیاد
Let's go to another hotel.	بیا بریم یه هتل دیگه

I have another idea.	من یه فکر دیگه ای دارم
----------------------	------------------------

Your idea is different from mine.	فکر تو با مال من فرق داره
-----------------------------------	---------------------------

This is the same book that I bought yesterday.	این عین همون کتابیه که من دیروز خریدم
No, mine is different from yours.	نه، مال من با مال تو فرق داره

When are you coming home?	کی داری میای منزل؟
I'm coming home soon.	به زودی میام منزل

How much was that shirt?	اون پیرهن چند بود؟
I bought it for sixty dollars.	شصت دلار خریدمش

Sixty dollars? That's too expensive.	شصت دلار؟ اون زیادی گرونه
Do you think so? Yes, I do.	اینطور فکر میکنی؟ جواب مثبت کوتاه
I can return it.	میتونم پسش بدم
I'd like to return this shirt. Did you buy it from here? Yes, I did.	مایلم این پیرهن رو پس بدم از اینجا خریدینش؟ جواب مثبت کوتاه
I'm sorry, you can't return it. But you can exchange it.	متاسفم نمیتونید پسش بدید اما میتونید عوضش کنید
What's the meaning of the word exchange? What does exchange mean? It means....	
You can exchange it. Can I exchange it with another color? Of course! What color would you like to have?	میتونید عوضش کنید میتونم با یه رنگ دیگه عوضش کنم؟ البته ، چه رنگی مایلید داشته باشید؟
What colors do you have? We have it in different colors.	چه رنگهایی دارید؟ ما اونو در رنگهای مختلف داریم
Do you have it in white? Let me see. I'm sorry.	سفیدش رو دارید؟ بذارید ببینم متاسفم
White is the only color I don't have.	سفید تنها رنگیه که ندارم
Three times more expensive Four times Ten times	سه برابر گران تر چهار برابر ده بار
My house is bigger than yours. My house is three times bigger than yours.	خونه من از مال تو بزرگتره خونه من سه برابر از مال تو بزرگتره
As fast as you As fast as your car	به تندى تو به تندى ماشين تو
Big As big as your house As small as my house	بزرگ به بزرگى خونه تو به كوچكى خونه من
My house is as big as yours. My house is three times bigger than yours.	خونم به بزرگى مال توه خونه من سه برابر بزرگتر از مال توه

It's cold today.  
Today is cold.

امروز سرده

As cold as yesterday

به سردی دیروز

Today is not as cold as yesterday.  
Today isn't as cold as yesterday.

امروز به سردی دیروز نیست

My car is small.  
But your car is smaller.

ماشین من کوچکه  
ولی ماشین تو کوچکتره

My car isn't as small as yours.

ماشین من به کوچکی مال تو نیست

#### مکالمه

---

علی پیرهننتو پس دادی؟

A: Ali, did you return your shirt?

آره.

B: Yes, I did.

چه مشکلی داشت؟

A: What was wrong with it?

خانم رنگشو دوست نداشت.

B: My wife didn't like the color.

یکی دیگه خریدی؟

A: Did you buy another one?

آره، یه دونه آبی خریدم.

B: Yes, I did. I bought a blue one.

میتونم ببینمش لطفاً؟

A: Can I see it, please?

حتماً، اینهاش.

B: Sure, here you are.

خوبه. آیا به گرانی اون قدیمی بود؟

A: That's nice. Was it as expensive as the old one?

نه، این یکی یه خورده ارزونتر بود.  
B: No, it wasn't. This one was a little cheaper.

چرا ارزونتر بود؟  
A: Why was it cheaper?

چون مثل اون زرده نیست. این یکی یه خورده فرق داره.  
B: Because it's not the same as the yellow one. This one is a little different.

---

I want to return this book. I want to exchange this book.	من میخوام این کتاب رو پس بدم من میخوام این کتاب رو عوض کنم
With another one	با یکی دیگه
It's very cold today. Today is very cold.	امروز خیلی سرده
I have to buy a jacket. What's the meaning of the word jacket? What does jacket mean? The meaning of the word jacket is.... Jacket	باید یه کت بخرم من میخوام این کتاب رو عوض کنم
I have to buy a jacket. Can I help you?	من باید یه کت بخرم میتونم کمکت کنم؟
Yes, I'm looking for a jacket. For you? Or for your son? For me	آره، من دنبال یه کت میگردم واسه شما یا واسه پسرتون؟ واسه من
What's your size? Small	اندازت چیه؟ (سایز) کوچک
Do you like this one? Would you like to try it?	از این یکی خوشتون میاد؟ دلتون میخواد امتحانش کنید؟
Yes, let me try it, please.	آره، بذارید امتحانش کنم لطفاً
You need a medium size.	شما یه سایز متوسط لازم دارید
Where did you buy your jacket? I bought it at the mall.	کتت رو کجا خریدی؟ در پاساژ خریدمش
Is that the right number?	آیا اون شماره صحیحه؟



Is that the right size?  
I think I need a medium size.

آیا اون سایز صحیحه؟  
فکر میکنم یه سایز متوسط لازم داریم

---

Times  
Time  
Three times  
Return  
Turn  
Return  
Exchange  
Jacket  
Size  
What's your size?  
Medium  
A medium size

---

What time does our meeting start?  
It starts at a quarter to five.

چه ساعتی جلسمون شروع میشه؟  
یه ربع به پنج شروع میشه

I have to call my wife right now.  
I have another meeting soon.

همین الان باید به خانمم زنگ بزنم  
به زودی یه جلسه دیگه داریم

I don't have much time.  
I'm coming back soon.

زیاد وقت ندارم  
زود برمیگردم

What's your size?  
Medium

سایزتون چیه؟  
متوسط

Do you like my new jacket?  
Yes, the color's very nice.  
I don't like this jacket.

از کت جدیدم خوشت میاد؟  
آره، رنگه خیلی زیباست  
من از این کت خوشم نمیاد

Let's go exchange it.  
Let's go return it.

بیا بریم عوضش کنیم  
بیا بریم پسش بدیم

That's a good idea.  
But I have a better idea.

فکر خوبیه  
ولی من یه فکر بهتری دارم

Where's my key?  
It's on the floor.  
It's in the kitchen.  
It's in the top drawer.  
It's in the bottom drawer.

کلیدم کجاست؟  
روی زمینه  
تو آشپزخونست  
تو کشو بالاییه  
تو کشو پایینه

Why are you asking me? Can I ask you something? Of course	چرا از من میپرسی؟ آیا میتونم به چیزی ازتون بپرسم؟ البته
Where did you buy your jacket? I bought it at a store on Sunset Avenue.	کنتون رو کجا خریدید؟ از یه مغازه تو خیابان سانست خریدمش
It's ten o'clock already.	ساعت دهه به این زودی؟
Is the answering machine on? No, it's off.	آیا پیامگیر روشنه؟ نه، خاموشه
Can you turn it on, please?	میتونی روشنش کنی لطفاً؟
What's your email address? I don't have an email address.	آدرس ایمیلت چیه؟ من آدرس ایمیل ندارم
I want to exchange this shirt with another one. My wife didn't like the color.	من میخوام این پیرهن رو با یکی دیگه عوض کنم خانمم از رنگش خوشش نیومد
I'm sorry, that's the only color that we have.	متاسفم اون تنها رنگیه که داریم
But you can return it if you want.	ولی شما میتونید پشش بدید اگه بخواید
Do you have this jacket in red? Yes, what size? Small Medium	این کت قرمزشو دارید؟ بله، چه سایزی؟ کوچک متوسط
I can read this book. Three times faster than you I can read this book three times faster than you.	من میتونم این کتاب رو بخونم سه برا سریعتر از تو من میتونم این کتاب رو سه برابر سریعتر از تو بخونم
As big as As fast as As beautiful as	به بزرگیه به سرعت به قشنگیه
I've never seen an airplane. I've never seen a house as beautiful as yours.	من هیچ وقت هواپیما ندیدم ( ندیده ام ) من هیچ وقت خونه ای به قشنگی مال شما ندیدم ( ندیده ام )
Yesterday was Wednesday.	دیروز چهارشنبه بود
This Friday's a holiday. This Friday is a holiday.	این جمعه تعطیلیه

In February  
Are you flying back?  
Today is Thursday.  
Two years ago

در فوریه  
برگشتن پرواز میکنی؟  
امروز پنجشنبه است  
دو سال پیش

---

I have a meeting in Toronto tomorrow.

یه جلسه فردا تو تورنتو دارم

You don't have to go right now.  
But I have to go to the mall first.

همین الان نباید بری  
ولی اول باید برم پاساژ

I'd like to return this jacket.  
You can't return it anymore.  
You can only exchange it.

دلم میخواد این کت رو پس بدم  
دیگه نمیتونی پشش بدی  
فقط میتونی عوضش کنی

Why do you want to return it?  
Because it's too small.

چرا میخوای پشش بدی؟  
چون زیادی کوچیکه

It's not as big as I want.

به بزرگی نیست که من میخوام

I need a bigger jacket.  
I need a different size.

یه کت بزرگتر لازم دارم  
یه سایز متفاوت لازم دارم

Are you sure?  
Yes, I tried it a few times.

مطمئنی؟  
آره، یه چند دفعه امتحانش کردم

How many times?  
Three times  
Or maybe four times

چند بار؟  
سه بار  
یا شاید چهار دفعه

It's as small as my son's jackets.  
It's just a different color.

به کوچکی کت های پسرمه  
صرفاً یه رنگ متفاوته

I need something three times bigger.  
This is a medium size.

یه چیزی سه برابر بزرگتر لازم دارم  
این یه سایز متوسطه

When did you buy it?  
I bought it on Wednesday.

کی خریدیش؟  
روز چهارشنبه خریدمش

That's the same day I bought my cell phone.  
Your cell phone's different from mine.

اون همون روزیه که من موبایلمو خریدیم  
موبایلت با مال من فرق میکنه

Mine isn't as new as yours.

مال من به نویی مال تو نیست

I want to buy another one.  
But I'm used to mine.  
Okay. Let's go.

میخوام یکی دیگه بخرم  
ولی به مال خودم عادت دارم  
اوکی ، بیا بریم

Would you like to go right now? In a few minutes	دلت میخواد همین الان بری؟ در ظرف یه چند دقیقه
I have to go to the post office first. I have to take these letters to the post office.	اول باید برم اداره پست باید این نامه ها رو ببرم اداره پست
I think the post office is on the way. I think the post office's on the way.	فکر میکنم اداره پست سر راهه
Do you know what time the mall closes? I don't know, but we can ask my cousin.	آیا میدونی پاساژ چه ساعتی میبندد؟ نمیدونم ، ولی میتونیم از پسر عموم بپرسیم
He works at the mall. I used to work at the mall, too.	اون تو پاساژ کار میکنه منم قبلا ها تو پاساژ کار میکردم
I tried to work at the mall.	من سعی کردم تو پاساژ کار کنم
But I didn't speak English well. But now you can work at the mall.	ولی انگلیسی خوب صحبت نمیکردم ولی حالا میتونی تو پاساژ کار کنی ( با تاکید )

#### مکالمه

---

کجا داری میری سامان؟

A: Where are you going, Saman?

دارم میرم به یه رستوران ایرانی. دلت میخواد با من بیایی؟

B: I'm going to a Persian restaurant. Would you like to come with me?

نه مرسی . شاید دفعه بعد.

A: No, thanks. Maybe next time.

چرا نه؟

B: Why not?

چون دارم میرم پاساژ. باید این کت رو پس بدم . یه سایز متفاوت لازم دارم.

A: Because I'm going to the mall. I have to return this jacket. I need a different size.

کی خریدیش؟

B: When did you buy it?

پارسال خریدمش.

A: I bought it last year.

پس فقط میتونی عوضش کنی.

B: Then you can only exchange it.

چون به کوچکی اندازه دخترمه. من یه چیزی میخوام سه برابر بزرگتر از این، و یه رنگ متفاوتی میخوام.

A: But it's as small as my daughter's size. I need something three times bigger than this, And I want a different color.

این کت رنگش عین ماشینمه. دوستش دارم.

B: This jacket is the same color as my car. I like it.

از رنگش هم خوشم میاد، اما ترجیح میدم به جاش پول داشته باشم.

A: I like the color, too, but I'd rather have the money instead.

پاساژ ساعت چند میبندد؟

B: What time does the mall close?

فکر میکنم خیلی زود میبندد. من باید الان برم.

A: I think it closes very soon. I have to go now.

اوکی، به امید دیدار.

B: Okay. See you later.

مراقب خودت باش.

A: Take care.

---

It's a quarter to twelve already.

یه ربع دوازده شده

When are you going on vacation?

کی میری مرخصی؟

In February

تو فوریه

I'm going on vacation in February.

تو فوریه دارم میرم مرخصی

When are you coming back?

کی برمیگردی؟

I'm coming back in August.

تو اوت برمیگردم

February's too cold for traveling.

فوریه زیادی سرده واسه مسافرت کردن

And August is too hot.

و اوت زیادی داغه

Are you flying back?

آیا برگشتن پرواز میکنی؟

No, I'm driving back.

نه، برگشتن رانندگی میکنم

Do you like flying?

آیا از پرواز کردن خوشت میاد؟

Yes, I do.

جواب مثبت کوتاه

Would you rather drive or fly?

ترجیح میدی رانندگی کنی یا پرواز؟

I like driving.

از رانندگی کردن خوشم میاد

But I'd rather fly.

ولی ترجیح میدم پرواز کنم

I'm going in February, too. When are you coming back? I'm going to stay for a few weeks.	منم تو فوریه میرم کی برمیگردی؟ خیال دارم واسه یه چند هفته ای بمونم
Are you flying back? Yes, because I like flying.	آیا برگشتن پرواز میکنی؟ آره، چون از پرواز کردن خوشم میاد
Tehran is very cold in February. I'm going to need a jacket.	تهران خیلی سرده تو فوریه
I'm going in February. I want to go to the mall right now.	من در فوریه میرم میخوام همین الان برم پاساژ
I want to return my jacket. But the malls are closed today. Today's a holiday.	میخوام کتمو پس بدم ولی امروز پاساژا بسته ان امروز تعطیلیه
Today is Thursday. Today's Thursday.	امروز پنجشنبه است
You can go to the mall tomorrow.	میتونی فردا بری پاساژ.
But I'm working until next Thursday.	ولی من تا پنجشنبه آینده دارم کار میکنم
Then you can return it next Friday.	پس میتونی جمعه آینده پسش بدی
Are you working this weekend? No, but I'm going to Vancouver. For the weekend	آیا این آخر هفته داری کار میکنی؟ نه، ولی دارم میرم ونکور واسه آخر هفته
I'm going on Thursday. I'm staying home for the weekend.	روز پنجشنبه دارم میرم من واسه آخر هفته منزل میمونم
I can read a book. And I can write a few letters.	میتونم یه کتاب بخونم و میتونم یه چند تا نامه بنویسم
I like to travel by airplane. I like to travel by plane.	من دوست دارم با هواپیما مسافرت کنم من دوست دارم با هواپیما مسافرت کنم
Flying is much faster than driving.	پرواز کردن خیلی سریع تر از روندنه
My children are going with me. But my husband's staying here.	بچه هام باهام میرن ولی شوهرم اینجا میمونه
Vancouver's not very far from here. Vancouver isn't very far from here.	ونکور از اینجا خیلی دور نیست
We're going to Vancouver for the weekend.	واسه آخر هفته داریم میریم ونکور

I'd rather fly. But flying is expensive.	ترجیح میدهم پرواز کنم ولی پرواز کردن گرونه
I have a meeting on Thursday.	روز پنجشنبه یه جلسه دارم
When did you live in Iran? Two years ago We went to Iran two years ago.	کی ایران زندگی کردی؟ دو سال پیش دوس سال پیش رفتیم ایران
I was in a meeting two weeks ago.	من دو هفته پیش توی یه جلسه بودم
I need a phone. Do you have a cell phone?	یه تلفن لازم دارم موبایل داری؟
How are you? Fine, thanks.	چطوری؟ خوب، مرسی
Would you like to go to a restaurant next weekend? Sure, which restaurant? The one in Toronto	دلت میخواد آخر هفته آینده بری به یه رستوران؟ حتماً ، کدوم رستوران؟ اون یکی در تورنتو
Are we going to Toronto? Yes, we are	آیا داریم میریم تورنتو؟ جواب مثبت کوتاه
We're going on Thursday. Great! When are we coming back? We're going for the weekend.	روز پنجشنبه داریم میریم عالی ، کی برمیگردیم؟ داریم واسه آخر هفته میریم
Are we flying back? Yes, we are.	آیا برگشتن پرواز میکنیم؟ جاب مثبت کوتاه
Then let me go buy a jacket. It's cold in February.	پس بذار برم یه کت بخرم تو فوریه سرده
We went to Toronto Three years ago. How long have you been in the United States? The United States The US How long have been in the US? Three years	ما سه سال پیش رفتیم تورنتو چند وقته تو ایالت متحده ای؟ ایالت متحده به صورت کوتاه و مختصر به این شکل گفته میشه؟ چند وقت در ایالت متحده بودی؟ سه سال
How long are you staying in the US? Until next Thursday I'm going to Canada next week.	چند وقت داری میمونی تو ایالت متحده؟ تا پنجشنبه آینده هفته آینده دارم میرم کانادا
How long are you staying in Canada? Until February	چند وقت تو کانادا میمونی؟ تا فوریه

I'm flying back in September.

برگشتن تو سپتامبر پرواز میکنم

After the holidays

بعد از تعطیلات

---

February

January

February

In February

Fly

Flying

Thursday

Thanks

Thursday

This Thursday

Ago

Two years ago

The US

The United States

The US

Return

Medium

---

Our daughter works for a phone company

She's twenty-seven years old.

She's twenty-seven.

دخترمون واسه یه شرکت تلفن کار میکنه

بیست و هفت سال داره

Our son is still in college.

پسرمون هنوزم تو دانشگاهست

And our younger daughter is only seventeen.

She's only seventeen years old.

و دختر کوچکترمون فقط هفده سالشه

She starts college next year.

We live in Los Angeles.

سال آینده دانشگاه رو شروع میکنه

ما تو لس آنجلس زندگی میکنم

Our younger daughter wants to live in Berkeley.

We used to live in Berkeley.

دختر کوچکترمون میخواد تو برکلی زندگی کنه

ما قبلا ها تو برکلی زندگی میکردیم

How many years ago?

Five years ago

چند سال پیش؟

پنج سال پیش

I have to go. Take care.

Goodbye

من باید برم . مراقب باش

بای



I'm watching TV	دارم تلویزیون تماشا میکنم
We can't take this jacket back	نمیتونیم این کت رو پس بگیریم
I want to talk to you	میخوام باهات حرف بزنم
Difficult	مشکل
Can you drive slowly?	میتونی یواش برونی؟

---

Three years ago	سه سال پیش
A few minutes ago	یه چند دقیقه پیش
Two days ago	دو روز پیش
Four weeks ago	چهار هفته پیش
Have you seen this movie before?	این فیلم رو قبلاً دیدی؟ ( دیده ای ؟ )
Yes I saw it four years ago	آره چهار سال پیش دیدمش
What day is today?	امروز چه روزیه؟
Today is Thursday	امروز پنجشنبه است
How many days are you going to stay here?	چند روز خیال داری اینجا بمونی؟
I'm flying back tomorrow	فردا برگشتن پرواز میکنم
Really?	جداً؟
Yes I have a meeting tomorrow afternoon	آره فردا عصر یه جلسه دارم
I called my best friend in Iran	به بهترین دوستم در ایران تلفن کردم
Two days ago	دو روز پیش
He was very happy	اون خیلی خوشحال بود
Why was he happy?	چرا خوشحال بود؟
Because he's coming to the US in February	چون داره در فوریه میاد ایالت متحده
When was the last time that you saw him?	آخرین بار کی بود دیدیش؟
When was the last time you saw him?	
It was five years ago	پنج سال پیش بود
Is he coming alone?	تنها داره میاد؟
Yes he is	جواب مثبت کوتاه
Can you turn on the radio?	میتونی رادیو رو روشن کنی؟
What are you doing right now?	همین الان داری چکار میکنی؟
I'm watching TV	دارم تلویزیون تماشا میکنم
I'm watching a movie	دارم یه فیلم تماشا میکنم
Turn on the TV	تلویزیون رو روشن کن
The TV is already on	تلویزیون که روشنه
Did you return your jacket?	کتت رو پس دادی؟

They didn't take it back	پسش نگرستن
I want to return this shirt When did you buy it? I bought it six weeks ago	میخواهم این پیرهن رو پس بدم کی خریدیش؟ شش هفته پیش خریدمش
I'm sorry we can't take it back But you can exchange it	متاسفم نمیتونیم پسش بگیریم ولی میتونید عوضش کنید
Can I take a jacket instead? Jackets are more expensive	میتونم به جاش یه کت بردارم؟ کتها گرونترن
Can you turn the TV off? Can you turn off the TV?	میتونی تلویزیون رو خاموش کنی؟
Why? I'm watching a movie	چرا؟ من دارم یه فیلم تماشا میکنم
I have to call my parents in Iran I want to talk to them	من باید به والدینم تو ایران تلفن کنم میخواهم باهاشون حرف بزنم
Did you talk to your son yesterday? Yes, I talked to him yesterday	آیا دیروز با پست حرف زدی؟ آره، دیروز باهاش حرف زدم
I'm talking to my wife now	
Talk to your children	با بچه هات حرف بزن
Where do you work? I work for an insurance company	کجا کار میکنی؟ واسه یه شرکت بیمه کار میکنم
My job is very difficult	کارم خیلی مشکله
It's expensive It's difficult	گرونه مشکله
It's sometimes difficult It's sometimes difficult to talk to children	بعضی وقتا مشکله بعضی وقتا مشکله با بچه ها حرف زدن
Is it difficult to speak Persian? I don't think so Maybe, I don't know It's not difficult at all	آیا فارسی صحبت کردن مشکله؟ فکر نکنم شاید، نمیدونم اصلاً مشکل نیست
You talk too fast I can't understand you It's difficult to understand you	شما زیادی تند حرف میزنید نمیتونم بفهم چی میگی فهمیدن شما مشکله
Can you speak slowly please? Sure	میتونید یواش صحبت کنید لطفاً؟ حتماً

I'm sorry I spoke too fast

متاسفم زیادی تند صحبت کردم

Can you drive slowly?

میتونی یواش برونی؟

### مکالمه

---

سلام علی

A: Hi Ali

سلام کامران، چطوری؟

B: Hi Kamran, How are you?

خوبم مرسی، تو چطور؟

A: I'm fine thank you, and you?

خوبم مرسی

B: I'm fine thanks

خانوادهت چطوره علی؟

A: How's your family Ali?

خوبن، بچه هام دارن تلویزیون تماشا میکنن و خانمم داره یه کتاب میخونه.

B: They're fine, my children are watching TV, and my wife's reading a book.

علی من دیروز با مینا صحبت کردم . اون فردا ساعت ۸ میرسه.

A: Ali, I talked to Mina yesterday, she's arriving at eight o'clock tomorrow.

عالیه، کی اونو میرسونه؟

B: Great, who's going to pick her up?

من فردا جلسه دارم. تو میتونی اینکارو بکنی؟

A: I have a meeting tomorrow, can you do that?

من فردا اینجا نیستم، بزار ببینم خانمم میتونه اونو برسونه.

B: I'm not here tomorrow, let me ask my wife if she can pick her up.

سارا میتونی فردا مینارو از فرودگاه برسونیش؟  
Sarah, can you pick Mina up from the airport tomorrow?

آیا مینا داره میاد اینجا؟  
C: Is Mina coming here?

بله، اون ساعت ۸ میرسه.  
B: Yes, she's arriving at eight o'clock.

به من نگفته بودی، ولی مطمئن میتونم برسونمش.  
C: You didn't tell me that, but sure I can pick her up.

کامران  
B: Kamran

بله  
A: Yes

فردا سارا اونو میرسونتش.  
B: Sarah is going to pick her up tomorrow.

خیلی خوبه، مرسی.  
A: Very good, thanks a lot.

خواهش میکنم.  
B: You're welcome.

---

I was on vacation for three weeks

من سه هفته مرخصی بودم

Where did you go?

کجا رفتی؟

We went to England

رفتیم به انگلستان

Did you like it there?

از اونجا خوشتون اومد؟

Yes, it was great

آره، عالی بود

It was very difficult to drive there

رانندگی کردن اونجا خیلی سخت بود

They drive on the left	اونا از سمت چپ میروتن
I'm used to it	بهش عادت دارم
I was used to it	بهش عادت داشتم
I'm not used to it	بهش عادت ندارم
I wasn't used to it	بهش عادت نداشتم
Can I turn off the TV?	میتونم تلویزیون رو خاموش کنم؟
No, I'm watching it	نه، دارم تماشااش میکنم
Did you write a letter to Ali?	به علی نامه نوشتی؟
Did you write Ali a letter?	
Not yet	هنوز نه
Can you write it now?	آیا میتونی الان بنویسیش؟
I want to watch TV now	
You can't watch TV	نمیتونی تلویزیون تماشا کنی
Before you write a letter to Ali	قبل از اینکه یه نامه به علی بنویسی
Before you write Ali a letter	

#### مکالمه

---

سامان، آیا خانمت در رز ( سوپرمارکت رز ) کار میکنه؟

A: Saman, does your wife work at Ross?

بله . چرا؟

B: Yes, she does. Why?

پسرعموم علی دو هفته پیش برام یه پیراهن خرید ، ولی دوست دارم برش گردونم .

A: My cousin Ali bought me a shirt two weeks ago, but I'd like to return it

آیا اون رو از رز ( سوپرمارکت رز ) خرید؟

B: Did he buy at Ross?

بله.

A: Yes, he did.

چرا میخوای برش گردونی؟

B: Why do you want to return it?

چون سایز من فرق داره . لطفاً میتونی از خانمت بپرسی که آیا میتونم برش گردونم؟

A: Because I'm a different size, can you please ask your wife if I can take it back?

اون الان خونه نیست ولی میتونم بهش بگم بهت زنگ بزنه.

B: She's not home right now, but I can tell her to call you.

خیلی ممنون

A: Thanks a lot.

خیلی خواهش میکنم

B: You're very welcome.

---

Are the malls open tomorrow?

No, they're closed.

آیا پاساژا فردا بازن؟

نه بسته اند

Twenty five years ago

بیست و پنج سال پیش

This week

این هفته

Last week

هفته گذشته

Four days ago

چهار روز پیش

A few days ago

یه چند روز پیش

Do you like flying?

Yes, but I'd rather drive.

از پرواز کردن خوشت میاد؟

آره، ولی ترجیح میدم رانندگی کنم

I was in Iran last year

When last year?

من پارسال در ایران بودم

پارسال کی؟

Let me think

I think it was in February

بذار فکر کنم

فکر میکنم در فوریه بود

Do you have Omid's phone number?

Yes, I do.

شماره تلفن امید رو داری؟

جواب مثبت کوتاه

Did Omid find a job?

I don't know

امید کار پیدا کرد؟

نمیدونم

When was the last time you talked to him?

It was two weeks ago

آخرین بار کی بود باهاش حرف زدی؟

دو هفته پیش بود

Let's call him

But we don't have his phone number

بذار بهش تلفن کنیم

ولی شماره تلفنش رو نداریم

I have his cellphone number

I'm still looking for a job

من شماره موبایلشو دارم

من هنوزم دنبال کار میگردم

It's difficult to find a job

کار پیدا کردن مشکله

There're many people looking for jobs

افراد زیادی دنبال کار هستند

Do you have this jacket in blue?

Yes, what's your size?

Medium

شما این کت رو به رنگ آبی دارید؟

بله، سایزتون چیه؟

متوسط

Here you are

How much is it?

Its forty- five dollars

بفرمایید

چنده؟

چهل و پنج دلار

But my father bought the same jacket for forty dollars.

ولی پدرم عین این کت رو چهل دلار خرید

What size is your father?

Small

پدرتون چه سایزیه؟

کوچک

Small sizes are usually cheaper than medium sizes

سایزهای کوچک معمولاً ارزونتر از سایزهای متوسط هستن

---

Watch

What

Watch

Watching

I'm watching a movie

Difficult

Slow

Slowly

Please drive slowly

---

I have to talk to you  
I need to talk to you

باید باهات حرف بزئم

It's difficult to drive this car

رانندگی کردن این ماشین مشكله

This letter is in Persian  
It's difficult for me to read it

این نامه به فارسیه  
واسم سخته بخونمش

I understand English much better than before

من انگلیسی رو خیلی بهتر از قبل متوجه میشم

I'm very happy for you

من برات خیلی خوشحالم



It's right before the mall	درست قبل از پاساژ
At noon	سر ظهر
At least	حداقل
In winter	در زمستان
It's easy	آسونه
<hr/>	
I have to call my friend	باید به دوستم تلفن کنم
What are you doing?	داری چکار میکنی؟
I'm watching TV	دارم تلویزیون تماشا میکنم
And I'm talking to you	و دارم با تو حرف میزنم
You speak very slowly	خیلی یواش صحبت میکنی
Turn the TV Off	تلویزیون رو خاموش
I don't wanna miss the movie	نمیخواهم فیلمو از دست بدم
I'm watching a good movie right now	همین الان دارم یه فیلم خوب تماشا میکنم
And I don't wanna miss it	و نمیخواهم از دستش بدم
It's difficult to find a good movie	یه فیلم خوب پیدا کردن مشکله
These days	این روزها
It's difficult to find a good movie these days	این روزا پیدا کردن یه فیلم خوب پیدا کردن مشکله
I want to go to the mall	من میخوام برم پاساژ
I have to return this jacket	باید این کت رو پس بدم
When did you buy it?	کی خریدیش؟
I bought it two years ago	دو سال پیش خریدمش
I don't think	فکر نمیکنم
They can take it back	بتونن پسش بگیرن
I don't think they can take it back	فکر نمیکنم بتونن پسش بگیرن
You can only exchange it	میتونی فقط عوضش کنی
Why do you want to return it?	چرا میخوای پسش بدی؟
I'd rather have a smaller size	ترجیح میدم یه سایز کوچکتتر داشته باشم
What size is this one?	این یکی اندازش چیه؟
This is medium	این متوسطه
I need a small	من یه کوچک لازم دارم
Then you need a smaller size	پس یه سایز کوچکتتر لازم داری
I talked to my cousin	با پسر خالم حرف زدم
He's coming with me	اون داره باهام میاد

I need a different size

یه سایز متفاوت لازم داریم

He's going to talk to them

اون خیال داره باهاشون حرف بزنه

And maybe I can have a smaller size

و شاید بتونم یه سایز کوچکتتر داشته باشم

I like the color

من از رنگش خوشم میاد

But I'd rather have a black jacket

ولی ترجیح میدم یه کت سیاه داشته باشم

### مکالمه

---

من دیشب با خانمم حرف زدم. و قصد داریم امروز بریم به سینما.

A: I talked to my wife last night, and we're going to the movies today.

من میخوام برم. اما باید این کتاب رو به کتابخونه برگردونم.

B: I wanna go to. But I have to take this book back to the library.

فهمیدم، از کتاب خوشت اومد؟

A: I see, did you like the book?

خوندن کمی مشکل بود. اما عالی بود.

B: It was little difficult to read. But it was great.

اگه مشکل بود پس باید آروم بخونیش.

A: If it is difficult then you have to read it slowly.

میدونم. اما من دوست ندارم آروم بخونمش.

B: I know. But I do not like to read slowly.

حالا میخوای چکار کنی؟

A: What do you want to do right now?

میخوام تلویزیون تماشا کنم. نمیخوام بیشتر حرف بزنم. بیش از حد حرف زدیم.

B: I wanna watch some TV. I do not wanna to talk any more. We have been talking too much.

اوکی، پس بریم تلویزیون تماشا کنیم.

A: Okay. Then lets watch some TV.

---

Do you need anything? Yes, I need some money please	چیزی لازم داری؟ آره، یه کمی پول لازم دارم لطفاً
How much do you need? Only ninety dollars	چقدر لازم داری؟ فقط نود دلار
You can borrow ninety dollars from me	میتونی نود دلار ازم قرض کنی
Do you know where the post office is? Do you have the address?	آیا میدونی اداره پست کجاست؟ آدرس رو داری؟
Yes I do Is this the right address? Yes it is	جواب مثبت کوتاه آیا این آدرس صحیحه؟ جواب مثبت کوتاه
Look Take a right on the next street And another right on bundy avenue	نگاه کن سر خیابون بعدی، دست راست رو بگیر و یه راست دیگه سر خیابان باندی
The post office is on your right It's before the mall	اداره پست سمت راسته قبل از پاساژه
It's right before the mall	درست قبل از پاساژه
Do you know where the mall is? Yes, I do	آیا میدونی پاساژ کجاست؟ جواب مثبت کوتاه
The post office is right before the mall The post office isn't very far	اداره پست درست قبل از پاساژه اداره پست خیلی دور نیست
Did you turn off the TV? Yes, I did	تلویزیون رو خاموش کردی؟ جواب مثبت کوتاه
Right before we went to the zoo	درست قبل از اینکه رفتیم باغ وحش
At noon	سر ظهر
What was your son doing at noon? He was watching TV	پسرت داشت سر ظهر چکار میکرد؟ داشت تلویزیون تماشا میکرد
But I saw him at the grocery store That was not noon That wasn't noon	ولی من در خواربار فروشی دیدمش اون ظهر نبود اون دیشب بود
That was last night	اون دیشب بود
At noon	سر ظهر

At night	سر شب
When are you going to the movies? I'm going at night	کی میری سینما؟ شب دارم میرم
Right before the movie Right before the movie stars	درست قبل از فیلم
But you have to arrive At least ten minutes before	ولی باید بررسی حداقل ده دقیقه قبل
I need some money Can you give me at least ten dollars?	من یه کم پول لازم دارم میتونی حداقل ده دلار بهم بدی؟
I don't have my wallet with me	کیف پولمو همراه ندارم
You returned the jacket right now And I know you have some money	همین الان یه کت پس دادی و میدونم یه کم پول داری
You have at least eighty dollars	حداقل هشتاد دلار داری
They didn't take it back I exchanged the jacket This isn't the same jacket	پسش نگرفتن من کت رو عوض کردم این همون کت نیست
I bought this two weeks ago	این رو دو هفته پیش خریدیم
We went to London Right before we went to London	رفتیم لندن درست قبل از اینکه رفتیم لندن
I usually flight at noon I don't like to flight at night	من معمولاً سر ظهر پرواز میکنم دوست ندارم در شب پرواز کنم
Or in winter	یا در زمستان
February is in winter	فوریه در زمستانه
Traveling is difficult In winter	مسافرت مشکله در زمستان
Traveling is difficult in winter But it's easy in August	مسافرت در زمستان مشکله ولی در اوت آسونه
Expensive More expensive	گران گرانتر
Difficult More difficult	مشکل مشکلتر

Traveling is more difficult in winter	مسافرت در زمستان مشکلتره
It's easier in August	در اوت آسونتره
Have you seen my keys? They're in the kitchen I saw them	کلید های منو دیدی؟ ( دیده ای؟ ) تو آشپزخون دیدمشون
Right before you went to the restroom I saw them right before you went to the restroom	درست قبل از اینکه رفتی دستشویی درست قبل از اینکه رفتی دستشویی دیدمشون
Look in the drawer You can't miss it	تو کشو رو نگاه کن حتماً پیداش میکنی
I have to go to the library right now They close at noon today	باید همین الان برم کتابخونه امروز سر ظهر میبندن
I think they're open until eight at night	فکر میکنم اونها تا هشت شب بازن
Where's the library? It's right before the post office	کتابخونه کجاست؟ درست قبل از اداره پسته
You can't miss it	حتماً پیداش میکنی
How far is it? It's at least Ten miles from here	چقدر دوره؟ از اینجا حداقل ده مایل دوره
It's easier If you take the bus	آسونتره اگه اتوبوس بگیری
It's easier if you take the bus I don't think it's easy to take the bus	آسونتره اگه اتوبوس رو بگیری فکر نمیکنم اتوبوس گرفتن آسونه
It's not easy in winter It's difficult to take the bus	در زمستان آسان نیست اتوبوس گرفتن مشکله
What are you doing tonight? We're going to watch a movie	امشب چکار میکنی؟ خیال داریم یه فیلم تماشا کنیم
I'm watching TV right now And I have to go to the library at noon	همین الان دارم تلویزیون تماشا میکنم و باید سر ظهر برم کتابخونه
Would you like to come to my place on the way? I can't right now	دلت میخواد سر راه بیای خونه من؟ همین الان نمیتونم
It's difficult for me	واسم مشکله
Two years ago It was difficult for me	دو سال پیش واسم مشکل بود

To speak English  
It was difficult for me to speak English

انگلیسی صحبت کردن  
واسم انگلیسی صحبت کردن مشکل بود

But it's easier now  
At least I can understand it

ولی الان آسونتره  
حداقل میتونم درکش کنم

How can I come to your place?  
Can I come by bus?  
Yes, You can come by bus

چطوری میتونم بیام خونت؟  
آیا میتونم با اتوبوس بیام؟  
آره، میتونی با اتوبوس بیای

I don't like the bus

از اتوبوس خوشم نمیاد

Can I walk?  
Sure

آیا میتونم پیاده برم؟  
حتماً

---

Right  
Right before the mall  
Turn right  
Winter  
Noon  
At noon  
Easier  
Easy  
Easier

---

I'm going to Iran at noon  
When are you coming back?

دارم سر ظهر میرم ایران  
کی برمیگردی؟

I'm coming back in a few weeks

در ظرف یه چند هفته برمیگردم

Are flying back?  
Of course I'm flying

برگشتن پرواز میکنی؟  
البته که پرواز میکنم

Iran is really beautiful

ایران واقعاً قشنگه

We still have time for lunch

هنوزم وقت داریم واسه ناهار

I went on vacation last Friday  
Right before the weekend

من جمعه گذشته رفتم مرخصی  
درست قبل از آخر هفته

Did you fly or drive?  
I like flying

پرواز کردی یا رانندگی؟  
از پرواز کردن خوشم میاد

I like to fly  
Flying is easier

دوست دارم پرواز کنم  
پرواز کردن آسونتره

It's easier to fly

At least  
It's faster than driving

حداقل  
از رانندگی کردن سریعتره

Traveling is difficult in winter  
Or at night

مسافرت کردن در زمستان مشکله  
یا در شب

At least wait until noon

حداقل تا ظهر صبر کن

How was the weather in Iran?	هوا تو ایران چطور بود؟
It was rainy.	بارونی بود
That's not a bad idea.	فکر بدی نیست
That's why.	به همین خاطر
You're late again.	دوباره دیر کردی
Right after the gas station	درست بعد از پمپ بنزین
Right after you called.	درست بعد از اینکه تو تلفن کردی
I'm sorry I'm late.	متاسفم دیر کردم
Let's go. We're late.	بیا بیرم ، دیرمون شد

---

When's our next meeting?	جلسه بعدیمون کیه؟
When is our next meeting?	
It's tomorrow at noon.	فردا سر ظهره
Is Ali coming to the meeting, too?	علی هم داره میاد به جلسه؟
He doesn't know.	اون نمیدونه
That there's a meeting tomorrow.	که فردا یه جلسه هست
When are you going to call Ali?	کی خیال داری به علی تلفن کنی؟
Right before the meeting	درست قبل از جلسه
But I think you have to call him.	ولی من فکر میکنم تو باید بهش تلفن کنی
At least forty-five minutes before the meeting	حداقل چهل و پنج دقیقه قبل از جلسه
What are you waiting for?	منتظر چی هستی؟
I'm waiting for Mina.	منتظر مینام
What time is it?	ساعت چنده؟
It's five twenty.	پنج و بیست دقیقه است
I'm sorry I'm late.	متاسفم دیر کردم
What's the meaning of I'm late.	
What does I'm late mean?	
It means....	
I'm sorry I'm late.	متاسفم دیر کردم
It wasn't easy to find your house.	پیدا کردن خونت آسون نبود
Is Kamran here?	کامران اینجاست؟
No, he's late again.	نه، بازم دیر کرده



مینا میدونی فیلم کی شروع میشه؟

A: Mina, do you know when the movie starts?

فکر میکنم ساعت هشت و سی دقیقه.

B: I think at eight thirty.

ساعت چنده الان؟

A: What time is it now?

ساعت هشته.

B: It's eight o'clock.

ساعت هشته؟

A: Is it eight o'clock already?

آره. از اینجا تا سینما چقدر طول میکشه؟

B: Yes, it is. How long does it take from here to the movies?

حداقل سی دقیقه طول میکشه.

A: It takes at least thirty minutes.

پس دیر کردیم. بیا همین الان بریم.

B: Then we're late. Let's go now.

---

Let's go. We're late.

I'm sorry I'm late.

بیا بریم ، دیرمون شده

متاسفم دیر کردم

Do you know where the Persian restaurant is?

Yes, it's on Bundy Avenue.

آیا میدونی رستوران ایرانیه کجاست؟

آره، تو خیابان باندیه

Right before the gas station

درست قبل از پمپ بنزین

A red sign

A big sign

A big, red sign

There's a big, red sign.

یه علامت قرمز

یه علامت بزرگ

یه علامت بزرگ قرمز

یه علامت بزرگ قرمز هست

Before the restaurant

There's a big, red sign before the restaurant.

قبل از رستوران

یه علامت بزرگ قرمز قبل از رستوران هست

You can't miss it.	حتماً پیداش میکنی
Would you like to go to the park with me? No, not today. Why not?	دلت میخواد باهام بری پارک؟ نه، امروز نه چرا نه؟
Because it's rainy today.	چون امروز بارونیه
Then let's go to the movies. That's a good idea.	پس بیا بریم سینما فکر خوبیه
That's not my car.	اون ماشین من نیست
A good idea A bad idea That's not a bad idea.	یه فکر خوب یه فکر بد اون فکر بدی نیست
Let's go to Mashhad this weekend. That's not a bad idea.	بیا این آخر هفته بریم مشهد فکر بدی نیست
Where are we going after lunch? We're going to visit Ali's parents.	کجا داریم میریم بعد از ناهار؟ خیال داریم از والدین علی دیدن کنیم
Have a nice trip. Trip	سفر خوبی داشته باشی سفر
How was your trip to Iran? It was great.	سفرت به ایران چطور بود؟ عالی بود
I saw my relatives after ten years.	قوم و خویش هام رو بعد از ده سال دیدم
How long did you stay there? I was there for six weeks.	چند وقت اونجا موندی؟ واسه شش هفته اونجا بودم
How was the weather? It was a little cold in Tehran.	هوا چطور بود؟ یه خورده در تهران سرد بود
Cold weather	هوای سرد
I'm used to cold weather in winter.	من به هوای سرد زمستان عادت دارم
Did you go to Shiraz, too? Yes, I did.	شیراز هم رفتی؟ جواب مثبت کوتاه
My wife's parents live in Shiraz.	والدین خانمم تو شیراز زندگی میکنن
That's why we went there.	به همین خاطر رفتیم اونجا

Who's going to pick Kamran up from the airport? چه کسی خیال داره کامران رو از فرودگاه برداره؟

That's why I'm calling you. به همین خاطره که دارم بهت تلفن میکنم

I have a meeting at noon.  
And I can't pick him up from the airport. من سر ظهر یه جلسه دارم  
و نمیتونم از فرودگاه برش دارم

Can you do that for me?  
Sure I can. میتونی برام انجامش بدی؟  
حتماً میتونم

But it's rainy today.  
But the weather's rainy today. ولی امروز بارونیه  
ولی امروز هوا بارونیه

Then drive slowly. پس آهسته برون

#### مکالمه

---

سلام علی. ببخشید دیر کردم.  
A: Hi, Ali. I'm sorry I'm late.

سلام سامان، اشکال نداره. دلت میخواد یه چیزی بنوشی؟  
B: Hi, Saman. That's okay. Would you like to have something to drink?

نه مریسی. نیازی نیست.  
A: No, thanks. I'm fine.

سامان بهم بگو سفرت به لندن چطور بود؟  
B: Saman, tell me how was your trip to London?

جالب بود.  
A: It was interesting.

آب و هوا چطور بود اونجا؟  
B: How was the weather over there?

هواش بارونی بود، ولی مردم بهش عادت دارن.  
A: The weather was rainy, but people used to it.

هیچی واسه خانوادهت خریدی؟  
B: Did you buy anything for your family?

اوه آره، یه عالمه چیز واسشون خریدیم.  
A: Oh, yes. I bought a lot of things for them.

توی لندن رانندگی کردی؟  
B: Did you drive in London?

بعضی وقتها ، اما رانندگی واسم توی لندن آسون نبود.

A: Sometimes, but it wasn't easy for me to drive in London.

میدونم. اونا از سمت چپ رانندگی میکنن.

B: I know. They drive on the left.

درسته.

A: That's right.

خانوادت هنوزم توی ایرانن؟

B: Is your family still in Iran?

آره. اما من از لندن باهاشون تماس گرفتم ، وبهاشون صحبت کردم.

A: Yes, they are. But I called them from London, and I talked to them.

دلت واسشون تنگ شده؟

B: Do you miss them?

آره، خیلی دلم واسشون تنگ شده. به همین خاطر باهاشون تماس گرفتم.

A: Yes, I miss them a lot. That's why I called them.

ولی اونا به زودی برمیگردن، مگه نه؟

B: But they're coming back soon, aren't they?

آره، اونا درست قبل از تعطیلات هفته آینده برمیگردن.

A: Yes, they are. They're coming back right before the holidays next week.

---

Mina, I like this car.

Do you think that's an expensive car?

I think so.

مینا ، از این ماشین خوشم میاد

فکر میکنی اون یه ماشین گرونیه؟

فکر کنم

I think that's at least twenty thousand dollars.

فکر میکنم اون حداقل بیست هزار دلار

I'm sorry I'm late.

متاسفم دیر کردم

Right before the gas station

درست قبل از پمپ بنزین

Right before the meeting

درست قبل از جلسه

After the meeting

درست بعد از جلسه

Right after the gas station

درسته بعد از پمپ بنزین

It's rainy today.

امروز بارونیه

It's rainy tomorrow.

فردا بارونیه

It's rainy next week.

هفته آینده بارونیه

Did you talk to your wife? Yes, I did.	با خانمت حرف زدی؟ جواب مثبت کوتاه
When did you talk to her?	کی باهاش حرف زدی؟
Right before you called. Right after you called.	درست قبل از اینکه تو تلفن کردی درست بعد از اینکه تو تلفن کردی
Let's go. We're late.	بیا بریم دیرمون شد
It was rainy. That's why I am late.	بارونی بود به همین خاطر دیر کردم
It's really cold today. Today is really cold.	امروز جداً سرده
Where are you going, Ali? I'm going to the post office.	کجا داری میری علی؟ دارم میرم اداره پست
Take your jacket with you. It's cold and rainy today.	کتت رو با خودت بردار امروز سرد و بارونیه
How's the weather? How is the weather?	هوا چطوره؟
It's great. The weather's nice.	عالیه هوا خوبه
Last winter Next winter	زمستون گذشته زمستون آینده
That's not a bad idea. That's a good idea.	فکر بدی نیست فکر خوبیه
I'm watching TV. Let's watch another movie.	دارم تلویزیون نگاه میکنم بذار یه فیلم دیگه نگاه کنیم
That's the same movie we watched last Friday. No, that was another one.	اون مثل همون فیلمیه که جمعه گذشته دیدیم نه، اون یکی دیگه بود
When are you coming home? In a few minutes	کی میای خونه؟ ظرف یه چند دقیقه
Can you buy some milk on the way home? I bought some milk yesterday.	میتونی سر راه خونه مقداری شیر بخری؟ دیروز مقداری شیر خریدم
I know, but tomorrow's a holiday. And the stores are closed.	میدونم، ولی فردا تعطیلیه و مغازه ها بسته اند

All right, but let me see if I have enough money. باشه ، ولی بذار ببینم که پول کافی دارم

Do you have enough money?  
I'm not sure if I have enough money. آیا پول کافی داری؟  
مطمئن نیستم که آیا پول کافی دارم

They don't have the same milk.  
That we always buy اونا همون شیر رو ندارن  
که ما همیشه میخریم

They don't have the same milk that we always buy. اونا همون شیری رو که ما همیشه میخریم ندارن

Can I buy a different one?  
Yes, you can. میتونم یکی متفاوت بخرم؟  
جواب مثبت کوتاه

No, let's buy it tomorrow.  
From another grocery store نه، بذار فردا بخریمش  
از یه خواربارفروشی دیگه

But tomorrow's a holiday.  
Then buy it now. ولی فردا تعطیلیه  
پس الان بخرش

This car was very cheap.  
I bought it for two thousand dollars. این ماشینه خیلی ارزون بود  
دو هزار دلار خریدمش

Is that why you bought it?  
No, I like the color, too. به همین خاطر که خریدیش؟  
نه، از رنگشم خوشم میاد

How's the weather today?  
It's rainy.  
But it's not cold. هوا امروز چطوره؟  
بارونیه  
ولی سرد نیست

I'm sorry I'm late.  
Let's go. I'm late متاسفم دیر کردم  
بیا بریم، دیرم شد

You're always late.  
You're never late.  
You're sometimes late. تو همیشه دیر میکنی  
تو هیچ وقت دیر نمیکنی  
تو بعضی وقتا دیر میکنی

What time is it?  
It's a quarter to nine. ساعت چنده؟  
یه ربع به نه

The mall's open until eight o'clock at night. پاساژ تا ساعت هشت شب بازه

---

Rainy

It's rainy today.

Weather

Mother

Father

Weather

How was the weather in Iran?

Right after

Right after you called.

---

Is it difficult to buy a house in Los Angeles?

No, it's not difficult at all.

It's very easy.

But you have to have a lot of money.

آیا خونه خریدن در لس آنجلس مشکله؟

نه، اصلاً مشکل نیست

خیلی آسونه

ولی باید یه عالمه پول داشته باشی

How do I get there?	چطوری برم اونجا؟
I was thinking about you.	داشتمم راجع به تو فکر میکردم
It's raining.	داره بارون میاد
I can pay for dinner.	من میتونم پول شام رو بدم
Monthly	ماهیهانه
How much is your payment?	قسطت چنده؟

---

How's the weather in Tehran?	هوا تو تهران چطوره؟
It's a little cold.	یه کم سرده
And rainy	و بارونی
But it's better than New York.	ولی از نیویورک بهتره
Have you ever been to New York?	آیا هرگز نیویورک بودی؟
Yes, I've been to New York.	آره ، نیویورک بودم
I used to live there.	من قبلاً ها اونجا زندگی کردم
Fifteen years ago	پانزده سال پیش
Before	قبل
Before I go.	قبل از اینکه برم
Before I moved.	قبل از اینکه نقل مکان کردم
Right before I moved here.	درست قبل از اینکه به اینجا نقل مکان کردم
That's why I don't like New York.	به همین خاطر از نیویورک خوشم نمیاد
Are you still waiting for the bus?	آیا هنوزم منتظر اتوبوس هستی؟
Yes, I am.	جواب مثبت کوتاه
It's always late.	همیشه دیر میکنه ( همیشه دیره )
The bus always arrives late.	اتوبوس همیشه دیر میرسه
Would you like to have some coffee?	دلت میخواد یه کم قهوه صرف کنی؟
That's not a bad idea.	فکر بدی نیست
But where's the coffee shop?	ولی کافی شاپ کجاست؟
It's right after that sign.	درست بعد از اون علامته
Okay. Let's go.	اوکی، بیا بریم
Have you been to this coffee shop before?	قبلاً این کافی شاپ بودی؟
Yes, and they always have hot tea.	آره، و همیشه چای داغ دارن
That's why I like this coffee shop.	به همین خاطر این کافی شاپ رو دوست دارم
They have different teas.	چای های مختلفی دارن



دیر کردی. با اتوبوس اومدی؟

A: You're late. Did you come by bus?

آره متاسفم، ولی تو میدونی اتوبوس همیشه دیر میکنه. به همین خاطر همیشه دیر میکنم.

B: Yes, I'm sorry, but you know the bus is always late. That's why I'm always late.

فکر میکنم چون امروز هوا بارونیه. جلسه رو زود شروع کردیم، و درست بعدش میریم رستوران.

A: I think it's because the weather's rainy today. We started the meeting already, and we're going to a restaurant right after.

اوکی، پس میتونیم با همدیگه بریم به رستوران.

B: Okay. Then we can go to the restaurant together.

ما خیال داریم واسه سی دقیقه دیگه جلسه داشته باشیم.

A: We're going to have the meeting for another thirty minutes.

همین الان چکار میتونم بکنم؟

B: What can I do right now?

فقط میتونی منتظر باشی.

A: You can just wait.

حداقل بذار یه خورده کار بکنم.

B: At least let me work a little.

اوکی. ولی تو نمیتونی بیای جلسه.

A: Okay. But you can't come to the meeting.

---

The weather's very nice today.

امروز هوا خیلی خوبه

I'd like to go to the zoo.

دلم میخواد برم باغ وحش

But I don't know where it is.

ولی نمیدونم کجاست

How do I get there?

چطوری برم اونجا

How do I get to the zoo?

چطوری برم به باغ وحش؟

It's very far from here.

از اینجا خیلی دوره

Would you like to go with me?

دلت میخواد باهام بری؟

Yes, can you pick me up?

آره، میتونی برم داری؟

How do I get to your place?

چطوری بیام خونت؟

You've been here before.

قبلاً اینجا بودی ( بوده ای )

How do I get there? You have to take the first exit. Then turn right.	چطوری برم اونجا؟ باید اولین خروجی رو برداری بعد بیچی راست
Our house is right after the gas station.	خونمون درست بعد از پمپ بنزینه
Come early. Come early in the morning.	زود بیا صبح زود بیا
How do I get to your place? I'm not saying it again.	چطوری بیام خونت؟ دوباره نمیگمش
How many times have you been to my place? I'm not sure.	چند مرتبه تو خونه من بودی؟ ( بوده ای ؟ ) مطمئن نیستم
You know how to get there.	تو میدونی چطوری بری اونجا
Hello, Sam. I was thinking about you. I was thinking about you right now.	سلام سَم داشتم راجع به تو فکر میکردم داشتم همین الان راجع به تو فکر میکردم
They're going to Spain.	دارن میرن اسپانیا
Who you talking about? I'm talking about my parents.	داری راجع به کی حرف میزنی؟ دارم راجع به والدینم حرف میزنم
Are they still in Sweden? Yes, they are.	آیا اونا هنوزم سوئدن؟ جواب مثبت کوتاه
They're thinking about moving to Spain. They're moving to Spain soon.	دارن درباره نقل مکان کردن به اسپانیا فکر میکنن دارن به زودی به اسپانیا نقل مکان میکنن
They're thinking about staying there.	دارن درباره موندن در اونجا فکر میکنن
How's the weather in Sweden right now? It's raining.	هوا در سوئد همین الان چطوره؟ داره بارون میاد
The weather's usually rainy. It's raining in Spain, too.	معمولاً هوا بارونیه تو اسپانیا هم داره بارون میاد
Do you want to move to Spain, too?	آیا تو هم میخوای به اسپانیا نقل مکان کنی؟
I used to think. I used to think about it. But not anymore	قبلاً ها فکر میکردم قبلاً ها راجع بهش فکر میکردم ولی دیگه نه
It rains too much there. And Sweden is too cold.	اونجا بیش از حد بارون میاد و سوئد زیادی سرده

It's raining there right now.	همین الان داره اونجا بارون میاد
That's why they don't like Sweden. And they're thinking about moving.	به همین خاطر از سوئد خوششون نمیاد و دارن راجع به نقل مکان کردن فکر میکنن
Because it rains too much.	چون زیادی بارون میاد
It doesn't rain a lot in Sweden. It's just a little cold.	تو سوئد زیاد بارون نمیاد فقط یه خورده سرده
Let's go to the Hilton restaurant.	بیا بریم رستوران هیلتون
How do we get there? I don't know, but we can ask my wife.	چطوری میریم اونجا؟ نمیدونم ، ولی میتونیم از خانمم بپرسیم
I have enough money.	من به اندازه کافی پول دارم
I can pay for dinner. Pay	من میتونم پول شام رو بدم پرداختن
I have more than enough money.	من بیشتر از اندازه کافی پول دارم
I can pay for both of us.	من میتونم پول هر دو تا مون رو بپردازم
Did you pay for your car already? No, I'm still paying for it.	به این زودی پول ماشینت رو دادی؟ نه هنوزم دارم پرداختش میکنم
I'm thinking about buying another car. Because it rains a lot here.	دارم درباره خریدن یه ماشین دیگه فکر میکنم چون اینجا خیلی بارون میاد
My car doesn't work very well. My car's too old.	ماشینم خیلی خوب کار نمیکنه ماشینم خیلی قدیمیه
I need a better car. But I still have to pay for my car.	یه ماشین بهتر لازم دارم ولی هنوزم باید واسه ماشینم پول بدم
Monthly	ماهانه
I'm paying for it monthly. I'm paying monthly.	دارم ماهیانه پولش رو میدم دارم ماهیانه پول میدم
How much do you pay monthly? Too much I'm paying too much.	ماهیانه چقدر میدی؟ خیلی زیاد خیلی زیاد پول میدم
I'm thinking about buying a cheaper car. I want to buy a cheaper car.	دارم درباره خریدن یه ماشین ارزونتر فکر میکنم میخوام یه ماشین ارزونتر بخرم

I just want a different car.	من فقط یه ماشین متفاوت میخوام
I'm paying too much for my car. How much do you pay monthly?	دارم زیادی پول میدم واسه ماشینم ماهیارنه چقدر میدی؟
How much is your payment? How much is your monthly payment?	قسطت چنده؟ (پرداختی) قسط ماهیارنت چنده؟
Its four hundred dollars. My monthly payment is four hundred dollars.	چارصد دلاره قسط ماهیارتم چارصد دلاره
I want to buy a new house. But I don't have enough money.	من میخوام یه خونه جدید بخرم ولی به اندازه کافی پول ندارم
You can pay monthly. You can pay for it monthly.	میتونی ماهیارنه پول بدی میتونی ماهیارنه پولش رو بدی
I don't have a job right now. Then you can't pay for it monthly.	الانّه شغلی ندارم پس نمیتونی پولش رو ماهیارنه بدی
What are you thinking about? How do I get to the museum?	راجع به چی فکر میکنی؟ چطوری برم موزه؟
Are you going to take the bus? Yes, I don't have a car yet.	خیال داری اتوبوس بگیری؟ آره، هنوز ماشین ندارم
I don't know how to take the bus.	نمیدونم چطور اتوبوس سوار شم
You can ask your cousin. He always takes the bus.	میتونی از پسرخالِت بپرسی اون همیشه اتوبوس سوار میشه

---

Get  
Get there  
How do I get there?  
About  
Think about it.  
Talk about it.  
Think about it.  
Talk about it.  
Raining  
Rain  
Rainy  
Raining  
Monthly  
Monthly payment

---

It's raining today.  
I don't know what to do.

امروز داره بارون ميا د  
نميدونم چكار كنم

Do you want to go to a coffee shop?  
That's not a bad idea.  
All right. Let's go.

آيا ميخواي بري به يه كافي شاپ؟  
فكر بدى نيست  
باشه، بيا برريم

I need a loan.	من به یه وام احتیاج دارم
You can get a loan.	میتونی وام بگیری
We're paying interest.	داریم بهره میدیم
What's the interest rate?	نرخ بهره چیه؟
Three percent	سه درصد
What's the exchange rate?	نرخ تبدیل چیه؟
Canadian dollar	دلار کانادایی
American dollar	دلار آمریکایی
Late payment	قسط عقب افتاده

---

When are you coming?	کی داری میای؟
I can pick you up at a quarter to eight.	میتونم یه ربع به هشت برت دارم
Pick me up at eight.	ساعت هشت برم دار
How do I get there?	چطوری پیام اونجا؟
Do you have a car?	ماشین داری؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
I'm thinking about buying another car.	دارم درباره خریدن یه ماشین دیگه فکر میکنم
Can you still return your car?	آیا هنوزم میتونی ماشینت رو پس بدی؟
I don't think so.	فکر نکنم
Can you at least exchange it?	آیا حداقل میتونی عوضش کنی؟
I think so.	فکر کنم
But I have to pay more money.	ولی باید پول بیشتری پرداخت کنم
How much is your monthly payment?	قسط ماهیانت چنده؟
Three hundred dollars	سیصد دلار
How do I get to your place?	چطوری پیام خونت؟
Are you sure you want to come?	مطمئنی میخوای بیای؟
Of course! I want to pick you up.	البته، میخوام برت دارم
But it's raining	ولی داره بارون میاد
Then maybe we can go tomorrow.	پس شاید بتونیم فردا بریم
Where are we going?	کجا داریم میریم؟
We're going to buy a new car.	خیال داریم یه ماشین جدید بخریم
For whom?	واسه کی؟
For my wife	واسه خانمم
She wants a better car.	اون یه ماشین بهتر میخواد

Is she buying the car or you?  
I'm buying the car for her.

اون ماشین رو داره میخره یا تو؟  
من دارم واسه اون ماشین رو میخرم

How do you know what color your wife likes?  
I know she likes black cars.

چطور میدونی خانمت از چه رنگی خوشش میاد؟  
میدونم از ماشین های سیاه خوشش میاد

Are black cars more expensive?  
I don't think so.

آیا ماشینهای سیاه گرونترن؟  
فکر نکنم

White cars are usually more expensive.

ماشین های سفید معمولاً گرونترن

### مکالمه

---

خیال دارم یه ماشین جدید بخرم. دوست داری باهام بیای؟

A: I'm going to buy a new car. Would you like to come with me?

ولی تو که ماشین داری. چرا میخوای یکی دیگه بخری؟

B: But you have a car already. Why do you want to buy another one?

خیال دارم واسه دخترم ماشین بخرم. اون ماشین میخواد، ولی پول کافی نداره.

A: I'm going to buy a car for my daughter. She wants a car, but she doesn't have enough money.

پس میتونه ماهیانه پولش رو بده.

B: Then she can pay for it monthly.

اون الان کار نداره، و نمیخواد قسط ماهیانه داشته باشه.

A: She doesn't have a job right now, and she doesn't want to have any monthly payments.

من میتونم باهات بیام، اما میدونی چطوری بری خونه من؟

B: I can come with you, but do you know how do you get to my place?

فکر میکنم قبلاً اونجا بودم. از من میخوای برت دارم؟

A: I think I've been there before. Do you want me pick you up?

آره، اما مطمئنی امروز میخوای بری؟

B: Yes, but are you sure you want to go today?

خب، فکر میکنم فردا میخواد بارون بیاد. بهتره امروز بریم.

A: Well, I think it's going to rain tomorrow. It's better if we go today.

اوکی، پس ساعت یک منو بردار.

B: Okay. Then pick me up at one.

باشه. ساعت یک میبینمت.

A: All right. See you at one.

I don't have enough money to buy a car.  
I need a loan.

به اندازه کافی پول ندارم ماشین بخرم  
من یه وام احتیاج دارم

Then you can pay for it monthly.

بعد میتونی ماهیانه واسش پرداخت کنی

But first you need a loan.  
But you need a loan first.

ولی اول یه وام لازم داری

You can pay for it later.  
But I'm thinking about buying a house, too.

میتونی بعداً پولش رو بدی  
ولی دارم راجع به خونه خریدن هم فکر میکنم

How can I pay for the house?

چطوری میتونم پول خونه رو بدم؟

You can get a loan.

میتونی یه وام بگیری

Can I get a loan?  
Yes, you can.

آیا میتونم یه وام بگیرم؟  
جواب مثبت کوتاه

Car payment

قسط ماشین

How much is your car payment?  
How much is your monthly payment?  
It's three hundred dollars.

قسط ماشینت چنده؟  
قسط ماهیانت چنده؟  
سیصد دلار

I have to get another a loan.

من باید یه وام دیگه بگیرم

How do I get to the library?  
Are you going to take the bus?  
I don't have a car.

چطوری برم کتابخونه؟  
آیا خیال داری اتوبوس بگیری؟  
ماشین ندارم

But it's raining.  
You need a car in the city.

ولی داره بارون میاد  
تو توی شهر یه ماشین لازم داری

It rains a lot here.

اینجا خیلی بارون میاد

You can get a loan.  
Then you can pay for it monthly.

میتونی یه وام بگیری  
بعد میتونی ماهیانه پولش رو بدی

How can I get a loan?  
I don't know, but you can talk to my son.

چطوری میتونم وام بگیرم؟  
نمیدونم ، ولی میتونی با پسر من حرف بزنی

My son knows how to get a loan.

پسر من میدونه چه جوری وام بگیره

Are you talking to me?  
Yes, I am.

داری با من حرف میزنی؟  
جواب مثبت کوتاه

What are you talking about?  
I was talking.

راجع به چی حرف میزنی؟  
داشتم حرف میزد ( حرف میزد )



About our monthly payments  
I was talking about our monthly payments.

راجع به قسط های ماهیانه  
راجع به قسط های ماهیانه حرف میزدم

We need another a loan.  
Can we get another a loan?

ما به وام دیگه لازم داریم  
آیا میتونیم به وام دیگه بگیریم؟

We have three loans already.  
And we're paying too much for them.

ما در حال حاضر سه تا وام داریم  
و داریم خیلی زیاد واسشون پول میدیم

And we're paying interest.  
We're paying interest.

و داریم بهره میدیم  
داریم بهره میپردازیم

How much interest are you paying?  
Too much  
I'm paying too much interest.

چقدر بهره داری میدی؟  
بیش از حد  
دارم بیش از حد بهره میدم

Are you paying interest for your car?

آیا داری واسه ماشینت بهره میدی؟

Are you paying interest on the loans?  
Yes, I am.

آیا داری رو وام ها بهره میدی؟  
جواب مثبت کوتاه

I'm paying too much interest.

دارم زیادی بهره میدم

What's the interest rate?  
I'm paying a lot of interest.

نرخ بهره چیه؟  
دارم به عالمه بهره میدم

What's the interest rate?

نرخ بهره چیه؟

How much is the interest rate?

نرخ بهره چنده؟

I want to exchange this jacket.  
I need some Canadian dollars.

میخوام این کت رو عوض کنم  
یه کم دلار کانادایی لازم دارم

What's the exchange rate?

نرخ تبدیل چیه؟

How much is gas?  
Its three dollars per gallon.

بنزین چنده؟  
گالنی سه دلار

What's the interest rate?  
How much is the interest rate?  
Three percent

نرخ بهره چیه؟  
نرخ بهره چنده؟  
سه درصد

What's the interest rate?  
It's usually eight percent.

نرخ بهره چیه؟  
معمولاً هشت درصد

Then we can't get another a loan.  
We're paying too much interest.

پس نمیتونیم به وام دیگه بگیریم  
داریم بیش از حد بهره میدیم

How much is our monthly payment?  
We have five monthly payments.

قسط ماهیانمون چنده؟  
ما پنج تا قسط ماهیانه داریم

---

Loan  
Get a loan  
Interest  
Interesting  
Interest  
Interest rate  
Exchange rate  
Percent

---

Did you pay for our cell phone?  
Yes, but I was late.

پول موبایلمون رو دادی؟  
آره، ولی دیر کردم

Then we have a late payment.

پس یه قسط عقب افتاده داریم

But we're going to buy a house.

ولی خیال داریم یه خونه بخریم

We can't get a loan now.  
We can get a loan.

حالا نمیتونیم وام بگیریم  
میتونیم وام بگیریم

But we have to pay.  
More interest  
But we have to pay more interest.

ولی باید بپردازیم  
بهره بیشتر  
ولی باید بهره بیشتر بپردازیم

What's the interest rate?  
How much is the interest rate?  
It's seven or eight percent.

نرخ بهره چیه؟  
نرخ بهره چنده؟  
هفت یا هشت درصده

We can't pay for the car now.  
We can get another a loan.

حالا نمیتونیم پول ماشین رو بدیم  
میتونیم یه وام دیگه بگیریم

But then we have to pay more interest.

ولی بعد باید بهره بیشتری پرداخت کنیم

What does that mean?

یعنی چی؟

More interest means more money.  
But what's the interest rate?

بهره بیشتر یعنی پول بیشتر  
ولی نرخ بهره چیه؟

It's less than what we're paying now.  
It's five or maybe six percent.

کمتر از چیزی که الان داریم پرداخت میکنیم  
پنج یا شاید شش درصده

How do I get to the mall?	چطوری میرم پاساژ؟
Why do you want to go to the mall? Because I have to return this jacket.	چرا میخوای بری پاساژ؟ چون باید این کت رو پس بدم
But it's raining right now. All right. Then I can go later.	ولی همین الان داره بارون میاد باشه ، پس میتونم بعداً برم
But I don't have any money right now. I only have Canadian dollars.	ولی همین الان پولی ندارم فقط دلار کانادایی دارم
Then you can exchange them. For American dollars	پس میتونی عوضشون کنی برای دلار آمریکایی
What's the exchange rate? I don't know.	نرخ تبدیل چیه؟ نمیدونم
But we can ask my mother.	ولی میتونیم از مادرم بپرسیم
These things She usually knows these things.	این چیزها اون معمولاً این چیزا رو میدونه
She travels a lot. Let me call her.	خیلی مسافرت میکنه بذار بهش زنگ بزنم
What's the exchange rate?	نرخ تبدیل چیه؟
For what? For Canadian dollars	واسه چی؟ واسه دلار کانادایی
I haven't been to Canada for a year.	من یه ساله کانادا نبودم ( نبوده ام )
I know the old rate. I don't know the new rate.	من نرخ قدیمی رو میدونم نرخ جدید رو نمیدونم
Canadian dollar Is usually less than. American dollar	دلار کانادایی معمولاً کمتر است از دلار آمریکایی
Canadian dollar is usually less than American dollar.	دلار کانادایی معمولاً از دلار آمریکایی کمتره
Okay. Thanks a lot. Goodbye	اوکی، خیلی ممنون خداحافظ

Bank	بانک
Credit card	کارت اعتباری
You can pay by check.	میتونی توسط چک بپردازی
What's your account number?	شماره حسابتون چیه؟
I want to make a payment.	میخوام یه پرداخت بکنم
What's my balance?	موجودیم چیه؟
Mortgage	وام خونه
We came back on Tuesday.	روز سه شنبه برگشتیم
<hr/>	
It's raining.	داره بارون میاد
It's rainy today.	امروز بارونیه
I'm going to Canada.	دارم میرم کانادا
I'm thinking about Canada.	دارم به کانادا فکر میکنم
Our trip to Iran	سفرمون به ایران
I'm thinking about our trip to Iran.	دارم راجع به سفرمون به ایران فکر میکنم
What are you talking about?	راجع به چی داری حرف میزنی؟
I'm talking about my new job.	دارم راجع به شغل جدیدم حرف میزنم
What are you thinking about?	راجع به چی داری فکر میکنی؟
I'm thinking about my meeting.	دارم راجع به جلسم فکر میکنم
How do I get to Main Street?	چطوری برم خیابون مین؟
Go straight ahead.	مستقیم برید
And then turn left.	و بعد بپیچید چپ
Right before the gas station	درست قبل از پمپ بنزین
Turn left right before the gas station.	بپیچید چپ، درست قبل از پمپ بنزین
Monthly payment	پرداخت ماهیانه ( قسط ماهیانه )
My monthly payment	پرداخت ماهیانم
How much is my monthly payment?	پرداخت ماهیانم چقدره؟
It's easy to buy a house here.	خونه خریدن اینجا آسونه
But you have to have a lot of money.	ولی باید یه عالمه پول داشته باشی
No, you don't need to have a lot of money.	نه، احتیاج نداری یه عالمه پول داشته باشی
You can get a loan.	میتونی وام بگیری
But you have to pay interest.	ولی باید بهره پردازی
On your loan	روی وامت
But you have to pay interest on your loan.	ولی باید روی وامت بهره پردازی

Where can I get a loan?  
You can get it at a bank.

کجا میتونم وام بگیرم؟  
میتونی در به بانک بگیریش

I went to the bank yesterday.  
I want to get a loan.

دیروز رفتم بانک  
میخوام وام بگیرم

I move a lot.  
I moved last week.

من خیلی نقل مکان میکنم  
من هفته پیش نقل مکان کردم

I wanted to get a loan.

میخواستم وام بگیرم

What's the interest rate?  
It's seven percent.

نرخ بهره چیه؟  
هفت درصده

Insurance company  
Loan company  
My father works for a loan company.

شرکت بیمه  
شرکت وام  
پدرم واسه به شرکت وام کار میکنه

He can tell you.  
How much the interest rate is?  
He can tell you how much the interest rate is.

اون میتونه بهتون بگه  
نرخ بهره چقدره  
اون میتونه بهتون بگه نرخ بهره چقدره

Can I pay cash?  
You can pay cash.

آیا میتونم نقد پرداخت کنم؟  
میتونید نقد بپردازید

Or you can pay with a credit card.

یا میتونید با کارت اعتباری پرداخت کنید

What's the meaning of the credit card?  
What does credit card mean?  
It means....

Credit card  
I want to pay by credit card.

کارت اعتباری  
میخوام توسط کارت اعتباری بپردازم

You can pay by check.  
I want to pay by check.

میتونید توسط چک بپردازید  
میخوام توسط چک بپردازم

I want to pay by the check.

میخوام با یک چک بپردازم

Did you talk to Ali about the loan?  
Yes, I did.

آیا با علی راجع به وام حرف زدی؟  
جواب مثبت کوتاه

What did he say?  
It's not difficult to get a loan.  
But you have to have a job.

چی گفت؟  
وام گرفتن مشکل نیست  
ولی باید کار داشته باشی

You can pay by check.

شما میتونید توسط چک بپردازید

Excuse me. How can I get a loan?	ببخشید ، من چطوری میتونم یه وام بگیرم؟
Do you have an account with us?	آیا شما با ما حساب دارید؟
Account I have an account with you.	حساب ( حساب بانکی ) من با شما یه حساب دارم ( پیش شما حساب دارم )
Phone number Account number	شماره تلفن شماره حساب
What's your account number? I don't have my account number right now. But I can give you my name.	شماره حسابتون چیه؟ شماره حسابم رو همین الان ندارم ولی میتونم اسمم رو بهتون بدم
I want to make a payment.	میخوام یه پرداخت بکنم
What's your account number? Here's my account number.	شماره حسابتون چیه؟ اینها شماره حسابم
How much do I have in my account? Eight hundred dollars	چقدر تو حسابم دارم هشتصد دلار
You can make a payment by check. By phone	میتونید توسط چک پرداخت انجام بدید توسط تلفن ( تلفنی )
Your payment	پرداختتون ( قسطتون )
You can make your payment by phone. You can pay by phone.	میتونید تلفنی پرداختتون رو انجام بدید میتونید تلفنی بپردازید
You can make your payment tomorrow.	شما میتونید فردا پرداختتون رو انجام بدید
What's my balance?	موجودیم چیه؟
What's the meaning of the word balance? What does balance mean? The meaning of balance is.... What's my balance?	
Balance	موجودی
Can you tell me my balance? I want to open an account.	میتونی موجودیم رو بهم بگی؟ میخوام یه حساب باز کنم
It's raining.	داره بارون میاد
Let's go to the bank tomorrow. I'm going to buy a house.	بذار فردا بریم بانک خیال دارم یه خونه بخرم

Mortgage  
It's easy to get a mortgage.

وام خونه  
گرفتن وام خونه آسونه

### مکالمه

---

بیخشید ، موجودیم چیه؟

A: Excuse me. What's my balance?

موجودیتون هشتصد دلار.

B: Your balance is eight hundred dollars.

مرسی. من یه وام از بانک شما دارم. دلم میخواد امروز یه پرداخت انجام بدم. منظورم پرداخت ماهیانه.

A: Thanks. I have a loan with your bank. I would like to make a payment today. I mean my monthly payment.

شماره وامت چنده؟

B: What's your loan number?

بذار پیدااش کنم. ... اینهاش.

A: Let me find it.... Here you are.

شما یه وام مسکن با ما دارید. بذار ببینم قسط ماهیانتون چنده. ... نُهصد دلار.

B: You have a mortgage with us. Let me see how much your monthly payment is....  
It's nine hundred dollars.

میتونم اینجا پرداختش کنم؟

A: Can I pay it here?

حتماً میتونید، ولی دفعه بعد لازم ندارید واسه پرداخت کردنتون بیاد اینجا.

B: Sure you can, but next time you don't need to come here to make your payment.

پس چطور میتونم انجامش بدم؟

A: Then how do I do it?

میتونی قسطت رو با تلفن پرداخت کنی.

B: You can pay your payment by phone.

فهمیدم . لطفاً اجازه بدید یه سوال دیگه از شما بپرسم.

A: I see. Let me please ask you another question.

حتماً.

B: Sure.

چطور میتونم یه نرخ بهره بهتر بگیرم؟

A: How can I get a better interest rate?

متاسفم، من نمیتونم این سوال رو جواب بدم. شما لازم دارید با آقای اسمیث حرف بزنید اونها اونجا.

B: I'm sorry, I can't answer that question. You need to talk to Mr. Smith over there.

خیلی متشکرم.

A: Thanks a lot.

خوش آمدید آقا.

B: You're welcome, sir.

Ali is coming with you, isn't he?

He knows where my house is?

علی داره باهات میاد ، مگه نه؟

اون میدونه خونه کجاست

He came here yesterday.

Ali came here yesterday

اون دیروز اومد اینجا

علی دیروز اومد اینجا

When did you come back?

We came back on Sunday.

کی برگشتید؟

روز یکشنبه برگشتیم

How was the weather in Canada?

It was a little rainy.

It rains a lot in winter.

هوا چطور بود تو کانادا؟

یه خورده بارونی بود

تو زمستون یه عالمه بارون میاد

Let's stay home.

بذار بمونیم منزل

How do I get to the library?

It's very easy.

چطوری برم کتابخونه؟

خیلی آسونه

Take Sunset Avenue.

And go straight ahead for a few miles.

خیابان سانست رو بگیر

و یه چند مایل مستقیم برو

The library's on your right.

You can't miss it.

کتابخونه سمت راسته

حتما پیداش میکنی

I'm sorry I'm late.

متاسفم دیر کردم

How's the weather in Vancouver?

It's very cold this year.

هوا در ونکور چطوره؟

امسال خیلی سرده

Last year wasn't as cold as this year.

پارسال به سردی امسال نبود



How would you like to pay?  
I'd like to pay by check.  
I'd like to pay with my credit card.

چطور مایلید بپردازید؟  
مایلم توسط چک بپردازم  
مایلم با کارت اعتباریم بپردازم

Mina came to my house yesterday.  
She wants to buy a car.

مینا دیروز اومد خونم  
میخواه یه ماشین بخره

She's going to get a loan.

خیال داره وام بگیره

Excuse me. How much is my balance?  
Excuse me. What's my balance?

ببخشید، موجودی من چقدره؟  
ببخشید، موجودیم چیه؟

---

Bank  
Credit card  
Account  
Account number  
Balance  
What's my balance?  
Mortgage

---

I want to talk to you.  
About going to Shiraz

میخواهم باهات حرف بزنم  
راجع به رفتن به شیراز

Ali went to the bank.  
He wants to open an account.

علی رفت بانک  
میخواه حساب باز کنه

I have a loan.  
On my car  
I have a loan on my car.

من یه وام دارم  
رو ماشینم  
من یه وام رو ماشینم دارم

Mortgage

وام خونه

Interest rate  
What's the interest rate?  
It's ten percent.

نرخ بهره  
نرخ بهره چیه؟  
ده درصده

You're paying too much interest.  
Talk to your bank about it.

تو داری بیش از حد بهره میدی  
در موردش با بانکت حرف بزن

A house  
A better house  
A better interest rate

یه خونه  
یه خونه بهتر  
یه نرخ بهره بهتر

You can find a better interest rate.  
Let's go. We're late.

تو میتونی یه نرخ بهره بهتر پیدا کنی  
بیا بریم ، دیرمون شد

I'm writing a check to Ali.	دارم یه چک به علی مینویسم
I want to withdraw fifty dollars from my account.	میخواهم پنجاه دلار از حسابم برداشت کنم
I want to deposit fifty dollars to my account.	میخواهم پنجاه دلار به حسابم واریز کنم
Where's my checkbook?	دفترچه چکم کجاست؟
Let me show it to you.	بذارید بهتون نشونش بدم

---

Your balance is eight hundred dollars.	موجودی شما هشتصد دلار
I don't have my account number with me.	شماره حسابم رو باهام ندارم
Can I pay by check?	آیا میتونم توسط چک بپردازم؟
You can pay by credit card.	شما میتونید توسط کارت اعتباری بپردازید
I'm going to open an account.	خیال دارم یه حساب باز کنم
Mortgage	وام خونه
Mortgage Company	شرکت وام خونه
Do you want to pay cash?	میخواید نقد بپردازید؟
No, I don't have enough cash with me.	نه، به اندازه کافی نقد همراهم ندارم
I have a mortgage on my house.	من یه وام خونه رو خونم دارم
How much is your monthly payment?	قسط ماهیانت چنده؟
My monthly payment is a thousand dollars.	قسط ماهیانم هزار دلار
What time did you come?	چه ساعتی اومدی؟
I came at seven o'clock.	ساعت هفت اومدم
We came here yesterday.	ما دیروز اومدیم اینجا
And we're going to stay for a few weeks.	و خیال داریم واسه یه چند هفته بمونیم
Do you have an account with us?	آیا شما با ما حساب دارید؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
But I don't have my account number with me.	ولی شماره حسابم رو همراهم ندارم
Let me call my husband.	بذار به شوهرم تلفن کنم
He knows my account number.	اون شماره حسابم رو میدونه
I'm writing a letter.	دارم یه نامه مینویسم
I'm writing a check.	دارم یه چک مینویسم
I'm writing a check to Ali.	دارم یه چک به علی مینویسم
I'm writing a check to my father.	دارم یه چک به پدرم مینویسم

You have to make your payment to Microsoft.  
I want to withdraw fifty dollars from my account.

شما میتونید پرداختتون رو به مایکروسافت انجام بدید  
میخوام پنجاه دلار از حسابم برداشت کنم

What does the word withdraw mean?

What's the meaning of withdraw?

It means....

Withdraw

برداشت کردن

I want to withdraw four hundred dollars from my account.

میخوام چهارصد دلار از حسابم برداشت کنم

How much did you withdraw from my account?

از حسابم چقدر برداشت کردی؟

I didn't go to the bank at all.

من اصلاً بانک نرفتم

Are you going to the bank?

داری میری بانک؟

Yes, why?

آره، چرا؟

I need some money.

مقداری پول احتیاج دارم

Can you withdraw two hundred dollars from my account?

میتونی از حسابم دویست دلار برداشت کنی؟

You have to write a check.

تو باید یه چک بنویسی

I want to deposit a thousand dollars to my account.

میخوام صد دلار به حسابم واریز کنم

What's the meaning of the word deposit?

What does deposit mean?

It means....

I want to deposit a hundred dollars.

میخوام صد دلار واریز کنم

What's your account number?

شماره حسابتون چیه؟

I don't have my account number.

شماره حسابم رو ندارم

Checkbook

دفترچه چک

Do you have your checkbook with you?

دفترچه چکت رو همراهت داری؟

Yes, I do.

جواب مثبت کوتاه

Your account number's on your checkbook.

شماره حسابتون روی دفترچه چکتونه

Your account number is on your checkbook.

Let me show it to you.

بذار بهتون نشونش بدم

I bought a jacket.

من یه کت خریدم

Can you show it to me?

میتونی بهم نشونش بدی؟

Of course I can.

البته که میتونم

Show me your new car.

ماشین جدیدت رو بهم نشون بده

Show it to me.

بهم نشونش بده

I want to withdraw fifty dollars from my account.  
How much did you withdraw from my account?  
Eighty dollars

میخوام از حسابم پنجاه دلار برداشت کنم  
چقدر از حسابم برداشت کردی؟

هشتاد دلار

You're always looking for your checkbook.  
Let's go. We're late.

تو همیشه داری دنبال دفترچه چکت میگردی  
بیا بریم، دیرمون شده

I want to deposit five hundred dollars to my account.

میخوام پانصد دلار به حسابم واریز کنم

You owe me two hundred dollars.  
Can you withdraw two hundred dollars from my account?

تو دویست دلار بهم بدهکاری  
میتونی از حسابم دویست دلار برداشت کنی؟

Can you write the check to my wife?  
Because I can't go to the bank today.

آیا میتونی چک رو به خانمم بنویسی؟  
چون امروز نمیتونم برم بانک

#### مکالمه

---

بخشید این لباس چنده؟

A: Excuse me. How much is this dress?

نود دلار.

B: Ninety dollars.

بذار ببینم آیا پول کافی دارم.

A: Let me see if I have enough money.

ما کارت اعتباری هم قبول میکنیم.

B: We take credit cards, too.

متاسفم، من کارت اعتباری ندارم. گفتید نود دلار؟

A: Sorry, I don't have a credit card. Did you say ninety dollars?

بله خانم.

B: Yes, ma'am.

من فقط شصت دلار دارم. بانکم از اینجا دور نیست. بذار برم و مقداری پول برداشت کنم. میتونی اینجا منتظرم باشی؟

A: I only have sixty dollars. My bank's not far from here. Let me go and withdraw some money.  
Can you wait for me here?

بله خانم.

B: Yes, ma'am.

---

I used to live there. Eight years ago	من قبلاً ها اونجا زندگی میکردم هشت سال پیش
But it was cold there. That's why I moved here.	ولی اونجا سرد بود به همین خاطر به اینجا نقل مکان کردم
Do you know where Sahar's house is? Yes, why?	میدونی خونه سحر کجاست؟ آره، چرا؟
Ali's house is close to her house. Ali's house's close to her house.	خونه علی نزدیک به خونه اونه Ali's house's close to her house.
It's on the same street. It's right before the gas station.	تو همون خیابونه درست قبل از پمپ بنزینه
You can't miss it.	حتما میبینیش ( پیداش میکنی )
How much is my balance? What's your account number? I don't know.	موجودیم چقدره؟ شماره حسابتون چیه؟ نمیدونم
What's your name? Do you have a credit card? I used to have one.	اسمتون چیه؟ کارت اعتباری دارید؟ قبلاًها یکی داشتم
I closed my account. I want to close my account.	حسابم رو بستم میخوام حسابم رو ببندم
Why do you want to close your account?	چرا میخواید حسابتون رو ببندید؟
Because I'm moving. To another city Because I'm moving to another city.	چون دارم نقل مکان میکنم به یه شهر دیگه چون دارم به یه شهر دیگه نقل مکان میکنم
Where are you moving to? I'm going to Los Angeles.	به کجا دارید نقل مکان میکنید؟ دارم میرم لس آنجلس
Ali came to our house yesterday. He was a little tired.	علی دیروز اومد خونه ما اون یه خورده خسته بود
Excuse me. Where's the restroom?	ببخشید دستشویی کجاست؟
Sahar, can you show the restroom to Mina? Sahar, can you show Mina the restroom?	سحر میتونی دستشویی رو به مینا نشون بدی؟ سحر میتونی مینا رو به دستشویی نشون بدی؟
I have a loan on my car. How much is your mortgage?	من رو ماشینم وام دارم وام خونت چقدره؟

You're paying too much interest.  
Think about it.

شما خیلی زیاد بهره میپردازید  
در موردش فکر کنید

---

Withdraw  
Drink  
Draw  
With  
Withdraw  
Deposit  
Checkbook  
Show  
Show me your car.  
Show it to me.

---

Write the check to Ali.  
We don't have enough money in our account.

چک رو به علی بنویس  
تو حسابمون پول کافی نداریم

I'm going to send a check to them  
Pay it with your credit card.

.خیال دارم یه چک برایشون بفرستم  
با کارت اعتباریت بپردازش

How was the weather in Iran?  
It was rainy.

هوا در ایران چطور بود؟  
بارونی بود

I want to withdraw three hundred dollars from my account.

من میخوام سیصد دلار از حسابم برداشت کنم

I'm sorry.  
You don't have enough money.  
In your account

متاسفم  
شما پول کافی ندارید  
تو حسابتون

You don't have enough money in your account.

شما پول کافی تو حسابتون ندارید

Have you seen the new movie?  
Not yet  
You have to see it.

آیا فیلم جدید رو دیدی؟ ( دیده ای ؟ )  
هنوز نه  
باید ببینیش

Where are they showing it?  
They're showing it on TV.

کجا دارن نشونش میدن؟  
دارن تو تلویزیون نشونش میدن

How much is my balance?  
I need your account number.

موجودیم چقدره؟  
شماره حسابتون رو لازم دارم

I'm very busy.

سرم خیلی شلوغه

Did you call Ali?

به علی تلفن کردی؟

His number was busy.

شمارش مشغول بود

Try it again.

دوباره امتحانش کن

I want to deposit five hundred dollars to my account.

میخوام پانصد دلار به حسابم واریز کنم

I want to make a payment.

میخوام یه پرداخت بکنم

Can you show me how to drive?	میتونی نشونم بدی چطوری رانندگی کنم؟
Do you have the map of Los Angeles?	نقشه لس آنجلس رو داری؟
Can you show it to me on the map?	میتونی روی نقشه بهم نشونش بدی؟
About two years ago	حدود دو سال پیش
Phone bill	قبض تلفن
Let me transfer some money to your account.	بذار مقداری پول به حسابت انتقال بدم.
Did you look in the car?	تو ماشین رو نگاه کردی؟

---

How much is my balance?	موجودیم چقدره؟
Your balance is eight hundred dollars.	موجودیتون هشتصد دلار
I need a new checkbook.	من یه دفترچه چک جدید احتیاج دارم
How would you like to pay?	چطوری دلتون میخواد بپردازید؟
I always pay by credit card.	همیشه توسط کارت اعتباری پرداخت میکنم
I always pay cash.	همیشه نقد میپردازم
I pay by check.	توسط چک میپردازم
Show me your new car.	ماشین جدیدت رو نشونم بده
Show it to me.	بهم نشونش بده
I can't drive.	نمیتونم رانندگی کنم
Can you show me how to drive?	میتونی نشونم بدی چطوری رانندگی کنم؟
I can't turn off the TV.	من نمیتونم تلویزیون رو خاموش کنم
Can you show me how to turn it off?	میتونی نشونم بدی چطوری خاموشش کنم؟
I want to deposit fifty dollars to my account.	میخوام پنجاه دلار به حسابم واریز کنم
I want to withdraw fifty dollars from my account.	میخوام پنجاه دلار از حسابم برداشت کنم
Can you write the check to Mina?	میتونی چک رو به مینا بنویسی؟
Of course	البته
How do we get to Ali's house?	چطوری میریم خونه علی؟
I don't know.	نمیدونم
Do you have his address?	آدرسش و داری؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه
Let's find it on the map.	بذار رو نقشه پیدااش کنیم
Map	نقشه
On the map	روی نقشه
Do you have a map?	نقشه داری؟



Do you have the map of Los Angeles?  
Yes, I do.

نقشه لس آنجلس رو داری؟  
جواب مثبت کوتاه

What's the name of the street?  
It's Main Street.

اسم خیابونه چیه؟  
خیابون مینه

Can you show it to me on the map?

میتونی اونو روی نقشه نشونم بدی؟

This is the map of the United States.  
This is the map of the US.

این نقشه ایالت متحدهست

We need another map.

ما یه نقشه دیگه احتیاج داریم

توجه " وقتی دنبال یه چیزی یا یه جایی میگردیم و بالاخره پیداش میکنیم ، معمولا میگییم " There it is " و برای تاکید محل ، اون رو اول میگییم .  
و در صورت معمولی هم میگییم " It's there "

There it is.  
It's there.

آها ، اوناهاش اونجاست  
اونجاست

They're here.  
Here they are.

اونها اینجان ( بدون تاکید )  
آها ، ایناها اینجان ( با تاکید )

We're right here.

ما درست اینجاایم

Right here  
Right there  
Ali's house is right there.

درست اینجا  
درست اونجا  
خونه علی درست اونجاست

Is this the only map that you have?  
Is this the only map you have?  
Yes, why?

این تنها نقشه ایه که داری؟  
آره، چرا؟

This map is too small.

این نقشه خیلی کوچکه

How many miles is it?  
From here to Ali's house?

چند مایله؟  
از اینجا تا خونه علی

It's about ten miles.  
It's about twenty miles.

حدود ده مایله  
حدود بیست مایله

Two years ago  
About two years ago

دو سال پیش  
حدود دوسال پیش

I'm looking for Saman.  
Do you know where he is?  
He was here.

دارم دنبال سامان میگردم  
میدونی کجاست؟  
اینجا بود؟

When was he here?  
About five minutes ago

کی اینجا بود ؟  
حدود پنج دقیقه پیش

Is your house very far from here?  
No, it's about six kilometers.

آیا خونه شما از اینجا خیلی دوره؟  
نه، حدود شش کیلومتره

What are you thinking about?

داری راجع به چی فکر میکنی؟

I'm thinking about my bank account.  
I only have two hundred dollars in my account.

دارم راجع به حساب بانکیم فکر میکنم  
من فقط دویست دلار در حسابم دارم

I can't pay my phone bill.

نمیتونم قبض تلفنم رو بپردازم

What's the meaning of phone bill?

What does phone bill mean?

It means....

Phone bill

قبض تلفن

Bill

قبض ( صورت حساب )

I can't pay my bills.  
I have to find a better job

نمیتونم قبض هامو بپردازم  
باید یه کار بهتر پیدا کنم.

I can give you some money if you want.  
I have an account at the same bank.

من میتونم مقداری پول بهت بدم اگه بخوای  
من یه حساب در همون بانک دارم

I can transfer some money from my account to your account.

میتونم مقداری پول از حسابم به حسابت انتقال بدم.

What's the meaning of the word transfer?

What does transfer mean?

It means....

I'm going to transfer some money to your account.  
Can you transfer two hundred dollars to my account?  
Of course I can.

من خیال دارم مقداری پول به حسابت انتقال بدم  
میتونی دویست دلار به حسابم انتقال بدی؟  
البته که میتونم

علی ، من باید قبض هامو پرداخت کنم، و پول کافی ندارم. میتونم مقداری پول ازت قرض کنم؟

A: Ali, I have to pay my bills, and I don't have enough money. Can I borrow some money from you?

چقدر لازم داری؟

B: How much do you need?

حدود سه هزار دلار.

A: About three hundred dollars.

من این مقدار پول نقد همراه ندارم.

B: I don't have that much cash with me.

دسته چک باهاته؟

A: Do you have your checkbook here?

نه، متاسفم. همراهم ندارمش.

B: No, I'm sorry. I don't have it with me.

اسم بانکت چیه؟

A: What's the name of your bank?

بانک آمریکا.

B: Bank of America.

حساب منم توی بانک آمریکاست.

A: My account is at bank of America, too.

میخواهی سه هزار دلار به حسابت انتقال بدم؟

B: Do you want me transfer three hundred dollars to your account?

آیا میتونی واریزش کنی به جای انتقال دادنتش؟

A: Can you deposit it instead of transferring it?

اما بانکهای ما در جاهای مختلفی هستن. آیا هنوزم میتونم انجامش بدم؟

B: But our banks are at different places. Can I still do that?

البته که میتونی.

A: Of course you can.

کی پول رو لازم داری؟

B: When do you need the money?

من باید قبض هامو در حدود سه روز بپردازم.

A: I have to pay my bills in about three days.

اوکی. به هر حال من فردا دارم میرم بانکم.

B: Okay. I'm going to my bank tomorrow anyway.

پس بذار شماره حسابم رو بهت بدم.

A: Then let me give you my account number.

Can you show it to me on the map?

Let me see the map.

میتونی رو نقشه بهم نشونش بدی؟

بذار نقشه رو ببینم

I want to close my account.

Why do you want to close your account?

Because I'm moving to Los Angeles.

میخوام حسابم رو ببندم

چرا میخواید حسابتون رو ببندید؟

چون دارم نقل مکان میکنم به لس آنجلس

You don't need to close your account.

You can transfer your account.

لازم نیست حسابتون رو ببندید

شما میتونید حسابتون رو منتقل کنید

My father

My father's account

پدرم

حساب پدرم

I want to transfer two hundred dollars.

To my father's account

I want to transfer two hundred dollars to my father's account. میخوام به حساب پدرم دویست دلار انتقال بدم

میخوام دویست دلار انتقال بدم

به حساب پدرم

I'm sorry.

We close in a few minutes.

متاسفم

ما در ظرف یه چند دقیقه میبندیم

Please come earlier tomorrow.

لطفاً فردا زودتر بیایید

I moved to Tehran about two years ago.

من حدود دو سال پیش به تهران نقل مکان کردم

Bill

Phone bill

Transfer

Withdraw

Deposit

Did you pay the phone bill?

I think so.

قبض تلفن رو پرداختی؟

فکر کنم

Are you sure this is the right address?

I think so.

مطمئنی این آدرس درسته؟

فکر کنم

Let's buy a map. We can find it on the map.	بذار یه نقشه بخریم میتونیم رو نقشه پیدااش کنیم
Where can we buy a map? You can buy it at a gas station. You can buy it from a gas station.	کجا میتونیم یه نقشه بخریم؟ میتونی در یه پمپ بنزین بخریش میتونی بخریش از یه ایستگاه گاز.
What are you looking for? I'm looking for the phone bill.	دنبال چی داری میگردی؟ دارم دنبالش قبضه تلفن میگردم
It was in the kitchen. But I can't find it.	تو آشپزخونه بود ولی نمیتونم پیدااش کنم
You can call them.	میتونی بهشون تلفن کنی.
Their phone number is on the bill.	شماره تلفنشون روی قبضه
Did you look in the car? Not yet	توی ماشین رو نگاه کردی؟ نه هنوز
Can you show me the way to the mall? I'm sorry, I don't know where the mall is.	آیا میتونی راه پاساژ رو نشونم بدی؟ متاسفم نمیدونم پاساژ کجاست
How much did you borrow from Ali? About ninety dollars	از علی چقدر قرض کردی؟ حدود نود دلار
Where is he now? He moved to London last week.	اون الان کجاست؟ اون هفته پیش به لندن نقل مکان کرد
Do you have his account number? Yes, I do.	شماره حسابشو داری؟ جواب مثبت کوتاه
Then go to the bank. And transfer ninety dollars to his account.	پس برو به بانک و نود دلار به حسابش انتقال بده
That's not a bad idea. Maybe he needs it now.	فکر بدی نیست شاید الان لازمش داره
Can you show me Sunset Avenue on the map? There it is.	میتونید خیابان سانست رو روی نقشه نشونم بدید؟ آها ، اونجا اونجاست
I want to make a payment to my account. I want to deposit some money to my account. I want to deposit this check to my account.	میخوام یه پرداخت به حسابم انجام بدم میخوام مقداری پول به حسابم واریز کنم میخوام این چک رو به حسابم واریز کنم

Can you show me how to get to Chicago?

Do you have a map?

Yes, I do.

Let me see it.

میتونی نشونم بدی چطوری برم شیکاگو؟

نقشه دارید؟

جواب مثبت کوتاه

بذار ببینمش

Did you go to the bank?

Yes, I did.

آیا رفتی بانک؟

جواب مثبت کوتاه

How much did you withdraw?

From my account?

About sixty dollars

چقدر برداشت کردی؟

از حسابم؟

حدود شصت دلار

Where are you going?

I'm going to the bank.

کجا داری میری؟

دارم میرم بانک

Why?

I have to pay the bills.

چرا؟

باید قبض ها رو پرداخت کنم

Can you buy some milk on the way?

Of course I can.

میتونی سر راه مقداری شیر بخری؟

البته که میتونم

I'm watching TV.

I'm reading a book.

I'm writing a letter.

دارم تلویزیون تماشا میکنم

دارم یه کتاب میخونم

دارم یه نامه مینویسم

I'm talking on the phone.

I'm thinking about you.

دارم تلفنی حرف میزنم

دارم راجع به تو فکر میکنم

All of it	همشو ( تمامش رو )
About an hour ago	حدوداً يه ساعت پيش
Are you ready?	آماده اى؟
To get ready	واسه آماده شدن
I'm almost ready.	من تقريباً آمادم
Are you ready to order?	آماده ايد سفارش بديد؟
We're almost ready.	تقريباً آماده ايم
He's an engineer.	اون مهندسه
I want to fix it.	ميخوام درستش کنم
I'm a teacher.	من معلم
But now it's hard.	ولى الان سخته

---

I have to go to the bank. من بايد برم بانک

I want to deposit these checks. ميخوام اين چک ها رو واريز کنم  
And I want to withdraw some money. و ميخوام يه کم پول برداشت کنم

Can you transfer some money? ( منتقل کنی؟ )  
To my credit card account? به حساب کارت اعتباريم؟

Can you transfer some money to my credit card account? ميتونى يه کم پول بريزى به حساب کارت اعتباريم؟  
Of course I can. البته که ميتونم

Insurance company شرکت بيمه  
Credit card Company شرکت کارت اعتبارى

How much do you owe? چقدر بدهكارى؟  
The credit card company شرکت کارت اعتبارى ( شرکت مشخص )

How much do you owe the credit card company? چقدر بدهكارى به شرکت کارت اعتبارى؟  
About two thousand dollars حدوداً دوهزار دلار

And I have to pay. و بايد بپردازم  
All of it همشو  
And I have to pay all of it. و بايد همشو بپردازم

My phone bill came yesterday. قبض تلفنم ديروز اومد  
And I have to pay all of it. و بايد همشو بپردازم

Have you seen my checkbook? دفترچه بانكيم رو ديدى؟ ( ديده اى؟ )  
It was in the kitchen. تو آشپزخونه بود  
A few minutes ago يه چند دقيقه پيش

I have to make a payment. من بايد يه پرداخت انجام بدم  
Account balance موجودى حساب

What's your account balance?

موجودی حسابت چیه؟

How much do you have in your account?

تو حسابت چقدر داری؟

I have about three thousand dollars.

حدوداً سه هزار دلار دارم

But I still have to pay.

ولی هنوزم باید بپردازم

Our mortgage

وام خونمون

But I still have to pay our mortgage.

ولی هنوزم باید وام خونمون رو بپردازم

How much is your monthly payment?

قسط ماهیانتون چنده؟

It's about two thousand dollars.

حدوداً دوهزار دلار

Can you show me the bill?

آیا میتونی صورتحساب رو بهم نشون بدی؟

I don't have the bill with me.

صورتحساب رو همراهم ندارم

But I have to pay all of it.

ولی باید همشو بپردازم

#### مکالمه

---

دارم سعی میکنم برم بانک. میدونی کجاست؟

A: I'm trying to get to the bank. Do you know where it is?

کدوم بانک میخوای بری؟

B: Which bank do you want to go to?

خُب، توی بانک آمریکا حساب دارم. میخوام اونجا یه واریز انجام بدم، اما متأسفانه دفترچه چکم رو همراهم ندارم.

A: Well, I have an account at bank of America. I have to make deposit there, but unfortunately I don't have my checkbook with me.

همین؟

B: Is that all?

خب، من باید مقداری پول به کارت اعتباریم انتقال بدم، و باید یه چک رو نقد کنم. من همیشه میتونم برم به بانک دیگه ای و کمی پول برداشت کنم.

A: Well, I have to transfer some money to my credit card, and I have to cash a check. I can always go to another bank to withdraw some money.

پول کافی توی حسابت داری؟

B: Do you have enough money in your account?

آره، حدود شش هزار دلار توی حسابم دارم، اما هنوزم باید واسه وام پول بدم.

A: Yes, I have about six thousand dollars, but I still have to pay for a mortgage.

تو نیازی به دفترچک ندار. اونها میتونن شماره حسابت رو بدون دفترچه چکت بهت بگن.

B: You don't need to checkbook. They can tell you your account number without your checkbook.



عالیه.

A: That's great.

تو یه عالمه کار توی بانک داری که انجام بدی. بذار ببینم روی نقشه کجاست. شاید تو بتونی اونو توی اون راه پیدا کنی. ببین!!!! ما دقیقاً اینجا ییم و بانک دقیقاً اونجاست.

B: You have a lot to do at the bank. Let me show you where is it on the map. Maybe you can find it that way. Look! We're right here, and the bank is right there.

اوه اوکی. آسونه خیلی ممنون.

A: Oh, okay. That's easy, thanks a lot.

مراقب خودت باش.

B: Take care.

Why are you late this time?

Because I came by bus.

چرا این دفعه دیر کردی؟

چون با اتوبوس اومدم

Did you start the meeting?

Yes, we did.

آیا جلسه رو شروع کردید؟

جواب مثبت کوتاه

Did you start without me?

Did you start the meeting without me?

Yes, we did.

بدون من شروع کردی؟

آیا جلسه رو بدون من شروع کردی؟

جواب مثبت کوتاه

When did you start?

About an hour ago

کی شروع کردید؟

حدوداً یه ساعت پیش

We started the meeting about an hour ago.

You can come in if you'd like.

حدوداً یه ساعت پیش جلسه رو شروع کردیم

میتونی بیای داخل اگه بخوای

An hour

Two hours

یه ساعت

دو ساعت

We're going to stay.

For a few hours

We're going to stay for a few hours.

خیال داریم بمونیم

واسه یه چند ساعت

خیال داریم واسه یه چند ساعت بمونیم

Let's go.

بیا بریم

Are you ready?

Yes, I'm ready.

حاضری؟

آره، حاضریم

We have to drive for an hour.

باید برای یه ساعت رانندگی کنیم

I still need a few minutes.  
To get ready

من هنوزم یه چند دقیقه لازم دارم  
واسه آماده شدن ( که آماده شم )

I still need a few minutes to get ready

من هنوزم یه چند دقیقه وقت واسه آماده شدن لازم دارم

Can you get ready faster?  
I'm getting ready.

میتونی سریعتر آماده بشی؟  
دارم آماده میشم

As fast as I can  
I'm getting ready as fast as I can.

به سرعتی که میتونم  
تا جایی که بتونم دارم سریع آماده میشم

It's taking an hour.  
It's taking you an hour to get ready.

داره یه ساعت طول میکشه  
یه ساعت داره واست طول میکشه تا آماده بشی

I'm almost ready.

من تقریباً آماده ام

It's almost six o'clock.  
We came an hour late.

ساعت تقریباً شش  
ما یه ساعت دیر اومدیم

Are you ready?  
For what?

آیا آماده اید؟  
واسه چی؟

Are you ready to order?  
We're almost ready.  
We're ready to order now.

واسه سفارش دادن آماده اید؟  
تقریباً آماده ایم  
آماده ایم الان سفارش بدیم

We're closing in an hour.  
But you can order.

ما در ظرف یه ساعت داریم میبندیم  
ولی میتونید سفارش بدید

If you'd like.  
But you can order if you'd like.

اگه دلتون بخواد  
ولی متونید سفارش بدید اگه دلتون بخواد

How's it going?  
Not bad

اوضاع چطوره؟  
بد نیست

How's your son?  
Is he still in college?  
No, he's not in college anymore.

پسرت چطوره؟  
هنوزم دانشگاهه؟  
نه ، دیگه دانشگاه نیست

What does he do?  
He's an engineer.  
I'm an engineer, too.

چکار میکنه؟  
مهندس  
منم مهندس

I used to work.  
For an American company

من قبلاً ها کار میکردم  
واسه یه شرکت آمریکایی

My daughter's an engineer, too.  
She's ready to start working.

دخترم هم مهندس  
اون آماده ست که کار کردن رو شروع کنه

I have a job for her.	من یه شغل دارم برایش
My car isn't working. I want to fix it.	ماشینم کار نمیکند میخواهم درستش کنم
My son's an engineer. He can fix your car.	پسر من مهندس اون میتونه ماشینت رو درست کنه
But I don't have any money. And it's not easy to find a job.	ولی من هیچی پول ندارم و کار پیدا کردن آسون نیست
Did you fix your car? No, I didn't.	ماشینت رو درست کردی؟ جواب منفی کوتاه
How much is your monthly payment? It's three hundred dollars per month.	قسط ماهیانت چنده؟ ماهی سیصد دلار
How much is your insurance payment? It's two hundred dollars per month.	قسط بیمت چنده؟ ماهی دویست دلار
What do you do now? I'm a teacher.	الان چکار میکنی؟ من معلم
My husband is a teacher, too.	شوهرم هم معلم
He's been a teacher. For fifteen years He's been a teacher for fifteen years.	اون معلم بوده به مدت پانزده سال پانزده سال معلم بوده
But now it's hard. But now it's hard for him.	ولی الان سخته ولی الان برایش سخته
But now it's difficult for him. He doesn't want to work next year.	ولی الان برایش مشکله سال آینده نمیخواد کار کنه
I'm ready to start working.	من آماده ام که کار کردن رو شروع کنم
I'm a teacher. But it's hard for me.	من یه معلم ولی برام سخته
To wake up early in the morning But it's hard for me to wake up early in the morning.	صبح زود بیدار شدن ولی صبح زود بیدار شدن برام سخته
It's almost eight o'clock.	ساعت تقریباً هشته
We can go as soon as I get ready.	میتونیم به محض اینکه آماده بشم بریم
We have to fix my car, too.	باید ماشینم رو هم درست کنیم

But I'm not an engineer.  
And it's hard to fix your car.

ولی من مهندس نیستم  
و درست کردن ماشینت سخته

It hasn't been working for a month.  
You have to buy a new car.

اون واسه یک ماهم کار نکرده  
باید یه ماشین تازه بخری

I don't want to have another payment.

من نمیخوام قسط دیگه ای داشته باشم

---

All  
All of it  
Hour  
An hour  
About an hour ago  
Ready  
Get ready  
Getting ready  
Order  
Engineer  
Fix  
Can you fix it?  
Teacher  
Hard  
It's hard.

---

We were in Iran last year.	پارسال ایران بودیم
Your number was busy all the time.	شمارت تمام مدت مشغول بود
I hope to see you again.	امیدوارم دوباره ببینمتون
It was raining all the time.	تمام مدت داشت بارون میومد
I don't remember.	یادم نمیاد
They weren't in Iran.	اونا در ایران نبودن
We were at the mall all day.	ما تمام روز تو پاساژ بودیم
They were in Vancouver all week.	اونا تمام هفته در ونکور بودن
My father's always on time.	پدرم همیشه سر وقته
<hr/>	
Mina's father's an engineer.	پدر مینا مهندسه
Her cousin's a teacher.	پسرخالش معلمه
Her cousin is a teacher.	
I'm getting ready.	دارم آماده میشم
It's getting cold.	داره سرد میشه
Dinner's ready.	شام حاضره
The food's getting cold.	غذا داره سرد میشه
I'm getting ready.	دارم آماده میشم
I'm getting tired.	دارم خسته میشم
It takes two hours.	دو ساعت طول میکشه
To fix your car.	درست کردن ماشینت
It takes two hours to fix your car.	درست کردن ماشینتون دو ساعت طول میکشه
Are you ready to order?	آیا آماده اید سفارش بدید؟
Not yet	هنوز نه
We have a lot of food.	ما یه عالمه غذا داریم
I can't eat all of it.	من نمیتونم همشو بخورم
You're late.	دیر کردی
Where've you been?	کجا بودی؟
Where have you been?	
I was busy.	سرم شلوغ بود
I was at the bank.	تو بانک بودم
I wanted to deposit some money to my account.	میخواستم کمی پول به حسابم واریز کنم
I wanted to withdraw some money from my account.	میخواستم کمی پول از حسابم برداشت کنم

I wasn't busy.	من سرم شلوغ نبود
They were busy.	اونا سرشون شلوغ بود
We were busy.	سرمون شلوغ بود
We were in Tehran last year.	پارسال تهران بودیم
Where were you?	کجا بودید؟
I was at home.	
I tried to call you two hours ago.	سعی کردم دو ساعت پیش بهت زنگ بزنم
But your number was busy.	ولی شمارهت مشغول بود
Your number was busy all the time.	شمارت تمام مدت مشغول بود
It's raining.	داره بارون میاد
It rains all the time.	تمام مدت بارون میاد
Ali reads a book all the time.	علی تمام مدت کتاب میخونه
I can't fix my car.	من نمیتونم ماشینمو درست کنم
Without your help	بدون کمک تو
I can't fix my car without your help.	من نمیتونم ماشینمو بدون کمک شما درست کنم
What's your daughter's job?	شغل دخترتون چیه؟
She's an engineer.	اون مهندسه
What does your son do?	پسرتون چکار میکنه؟
He's a teacher.	اون معلمه
It was raining yesterday.	دیروز داشت بارون میومد
It's hard to find a job.	کار پیدا کردن سخته
Did you fix the phone?	تلفن رو درست کردی؟
No, I didn't.	جواب منفی کوتاه
Can you fix it tomorrow?	آیا میتونی فردا درستش کنی؟
Of course I can.	البته که میتونم
When were you in Iran last time?	شما کی آخرین بار ایران بودید؟
When was the last time you were in Iran?	آخرین باری که ایران بودید کی بود؟
About six month ago	حدوداً شش ماه پیش
Almost four years ago	تقریباً چهار سال پیش
All my relatives live there.	همه فامیلام اونجا زندگی میکنن

I hope to see them soon.  
I hope to see you again.

امیدوارم اونا رو به زودی ببینم  
امیدوارم دوباره ببینمتون

You're a teacher.  
You're not a teacher.

شما معلم هستید  
شما معلم نیستید

You were not home.  
You weren't home.

تو منزل نبودى

We weren't home.

ما منزل نبودیم

Did Mina call?  
Yes, but you weren't home.

آیا مینا تلفن کرد؟  
آره، ولی تو خونه نبودى

I hope she calls again.

امیدوارم دوباره تلفن کنه

I have to call Mina.  
What's her phone number?  
Let me think.

باید به مینا تلفن کنم  
شماره تلفنش چیه؟  
بذار فکر کنم

I'm sorry, I can't remember her number.  
What's the meaning of the word remember?  
What does remember mean?  
It means....

متأسفم، نمیتونم شمارشو به خاطر بیارم

I can't remember her number

نمیتونم شمارشو به یاد بیارم

Do you remember her address?  
I don't remember.

آدرسش یادت میاد؟  
یادم نمیاد

Remember this number.

این شماره یادت باشه

مینا، آیا اسم دوست علی رو یادته؟

A: Mina, do you remember the name of Ali's friend?

کدوم دوست؟

B: Which friend?

یادته رفتیم خونه علی تقریباً پنج ماه پیش.

A: Remember we were at Ali's house almost five months ago.

آره، یادمه.

B: Yes, I remember that.

اونم اونجا بود. من داشتم باهاش درباره وام گرفتن حرف میزد.

A: He was there, too. I was talking to him about getting a loan.

اوه، آره. منظورت مرد جوانی با کت آبی.

B: Oh, yes. You mean the young man with the blue jacket.

درسته. اون واسه شرکت وام کار میکنه.

A: That's right. He works for a loan company.

چی ازش میخوای؟

B: What do you want from him?

تنهایی چیزی که میخوام بدونم اسم شرکتیه که براش کار میکنه.

A: All I want to know is the name of the company he's working for.

میتونی به علی زنگ بزنی، و اسم و شمارشو بگیری.

B: You can call Ali, and get the name and number from him.

فکر خوبی. فقط امیدوارم اون هنوزم اونجا کار کنه. منظورم دوست علیه.

A: That's a good idea. I just hope he's still working there. I mean Ali's friend.

یا میتونی به شرکت دیگه ی وام تلفن کنی، و هر سوالی داری ازشون بپرسی.

B: Or you can call another loan company, and ask them any questions you have.

میدونم، اما والدینم قبلاًها یه وام مسکن با اون کمپانی داشتن، و اونا خیلی ازش خوشحال بودن.

A: I know, but my parents used to have a mortgage with his company, and they were very happy with it.

پس به والدینت زنگ بزن و شمارشو بگیر.

B: Then call your parents and get his number.

اونها در حال حاضر مرخصی هستن.

A: They're on vacation right now.

---



A few weeks ago	یه چند هفته پیش
A few minutes ago	یه چند دقیقه پیش
A few hours ago	یه چند ساعت پیش
I'm getting ready.	دارم آماده میشم
What was the name of the insurance company?	اسم شرکت بیمه چی بود؟
I don't remember.	یادم نمیاد
I was at the mall yesterday.	من دیروز تو پاساژ بودم
We were at the mall last Friday.	ما جمعه پیش در پاساژ بودیم
I was very tired this morning.	من امروز صبح خیلی خسته بودم
Where are you?	کجایی؟
Are you at the bank right now?	آیا همین الان تو بانکی؟
Yes, I am.	جواب مثبت کوتاه
Were you at the bank yesterday?	آیا دیروز بانک بودی؟
Yes, I was.	جواب مثبت کوتاه
I saw you there.	اونجا دیدمت
I was at the mall all they.	من تمام روز در پاساژ بودم
We were at the mall all they.	ما تمام روز و در پاساژ بودیم
They were in Vancouver all week.	اونها تمام هفته در ونکور بودن
I'm talking on the phone.	دارم تلفنی حرف میزنم
I was talking on the phone.	داشتم تلفنی حرف میزدم
I called you three times.	من سه بار بهت تلفن کردم
Your number was busy all the time.	شمارت تمام مدت مشغول بود
I'm sorry.	متاسفم
I was talking to my father.	داشتم با پدرم حرف میزدم
I hope to see him soon.	امیدوارم به زودی ببینمش
I can't remember Ali's address.	نمیتونم آدرس علی رو به یاد بیارم
Saman, why are you always late?	سامان، چرا همیشه دیر میکنی؟
Why are you always late?	چرا همیشه دیر میکنی؟
You're never on time.	تو هیچ وقت سر وقت نیستی
Ali's always on time.	علی همیشه سر وقته
He's always on time.	

I was on time this time.

این دفعه سر وقت بودم

He arrived on time.

اون به موقع رسید

Ali works very hard.

علی خیلی سخت کار میکنه

---

Were

We were.

Transfer

Were

We were not.

We weren't.

Time

All the time

On time

Hope

Remember

I remember now.

---

The meeting started at six o'clock.

جلسه ساعت شش شروع شد

Did the meeting start on time?

آیا جلسه به موقع شروع شد؟

What time did Mina arrive?

مینا چه ساعتی رسید؟

I really don't remember.

من واقعاً یادم نمیاد

What was Sahar's number?

شماره سحر چی بود؟

I can't remember her cell phone number.

من نمیتونم شماره موبایلشو به خاطر بیارم

Did you talk to Ali about his trip?

آیا با علی راجع به سفرش حرف زدی؟

Yes, I was talking to him all day.

آره، تمام روز داشتم باهاش حرف میزدم

How was the weather in Germany?

هوا در آلمان چطور بود؟

It was rainy all the time.

تمام مدت بارونی بود

But I still like Germany.

ولی هنوزم از آلمان خوشم میاد

I hope you find a good job soon.

امیدوارم به زودی یه کار خوب پیدا کنی

Ali's never late.

علی هیچ وقت دیر نمیکنه

He's always on time.

اون همیشه سر وقته

They're from Iran.

اونتا اهل ایرانن

Were they from Iran?

I don't know.

آیا اونا اهل ایران بودن؟

نمیدونم

We're almost ready.

ما تقریباً آماده ایم

The food's getting cold.

غذا داره سرد میشه

How old is your daughter?

She's almost ten.

دخترتون چند سالشه؟

تقریباً ده ساله است

Were you at the post office this morning?

I don't remember.

آیا شما امروز صبح اداره پست بودید؟

یادم نمیاد

I have a cold.	سرما خوردم ( سرما خوردگی دارم )
Do you have a fever, too?	تب هم داری؟
I have to see a doctor.	باید به دکتر ببینم
I'm sick.	مریضم
Do you have an appointment?	آیا وقت ملاقات داری؟
You have to make an appointment with the doctor.	شما باید به وقت ملاقات با دکتر بگیرید
I don't feel very well.	حالم زیاد خوب نیست
I have a headache.	سر درد دارم
My head aches.	سرم درد میکنه
I feel much better today.	امروز حالم خیلی بهتره
This medicine helps my headache.	این دارو به سر دردم کمک میکنه

---

Let's go home.	بیا بریم منزل
It's getting cold.	داره سرد میشه
You're late again.	دوباره دیر کردی
You're never on time.	تو هیچ وقت سروقت نیستی
But Mina's always on time.	ولی مینا همیشه سر وقته
Sahar's watching TV all the time.	سحر تمام مدت داره تلویزیون تماشا میکنه
She watches TV all the time.	اون تمام مدت تلویزیون نگاه میکنه
Do you remember Ali's number?	شماره علی یادت میاد؟
Yes. Do you want to call him?	آره، میخوای بهش تلفن کنی؟
Do you know who his doctor is?	میدونی کی دکترشه؟
No, why?	نه، چرا؟
I have a cold.	من سرما خوردم
I went to the post office yesterday.	دیروز رفتم اداره پست
And it was raining.	و داشت بارون میومد
Did you go by car?	با ماشین رفتی؟
I walked there.	پیاده رفتم اونجا
Do you have a fever, too?	تب هم داری؟
Yes, I have a fever.	آره، تب دارم
Then you have to see a doctor.	پس باید به دکتر ببینی
I have a cold.	سرما خوردم
I have a fever.	تب دارم
I'm sick.	مریضم
I have to go to the doctor.	باید برم دکتر
I have to see a doctor.	باید به دکتر ببینم

Do you have an appointment? Appointment I have an appointment with the doctor.	آیا وقت ملاقات داری؟ ملاقات من یه وقت ملاقات با دکتر دارم
I have a fever. I'm sick. I have a cold.	تب دارم مریضم سرما خوردم
Where's Mina? She didn't come to the meeting.	مینا کجاست؟ اون به جلسه نیومد
She's sick. She has a fever.	اون مریضه تب داره
That's why she didn't go to the meeting. That's why she wasn't in the meeting.	به همین خاطر به جلسه نرفت به همین خاطر توی جلسه نبود
Has she seen a doctor? Not yet	آیا دکتر دیده؟ هنوز نه
She called the doctor. She has to make an appointment.	به دکتر تلفن کرد باید قرار بذاره
Can I make an appointment? With Doctor Rezai? Can I make an appointment with Doctor Rezai?	میتونم یه وقت ملاقات بگیرم؟ با دکتر رضایی آیا میتونم یه قرار ملاقات با دکتر رضایی بذارم؟
My next appointment is next Tuesday. I have to see a doctor.	وقت ملاقات بعدیم سه شنبه آیندست من باید یه دکتر ببینم
I don't feel very well. I feel very well today.	حالم زیاد خوب نیست امروز حالم خیلی خوبه
How do you feel today? I feel a little better. I feel much better.	حالت چطوره امروز؟ یه کم حالم بهتره خیلی حالم بهتره
I don't have a fever anymore.	دیگه تب ندارم
When's your next appointment with the doctor? When is your next appointment with the doctor?	وقت ملاقات بعدیت با دکتر کیه؟
Next Wednesday	چهارشنبه آینده

سلام، میخوام یه قرار ملاقات با دکتر رضایی بذارم.

A: Hi, I want to make an appointment with Doctor Rezai.

دکتر رضایی این هفته توی مطب نیست. ولی میتونی دکتر پارسا رو ببینی.

B: Doctor Rezai's not in the office this week, but you can see Doctor Parsa.

خوبه.

A: That's fine.

میتونم اسم شما رو بدونم؟

B: Can I have your name?

بله، اسم من سامان همدانیه.

A: Yes. My name is Saman Hamadani.

آقای همدانی، میتونی الان بیای اینجا؟

B: Mr. Hamadani, can you come here right now?

در حال حاضر نمیتونم بیام. خانودام یه ساعت دیگه دارن میرسن و باید اونها رو از فرودگاه بردارم.

A: I can't come right now. My family's arriving an hour and I have to pick them up from the airport.

خوبه، کی میتونی بیای؟

B: Well, when can you come?

امروز بعد از ظهر میتونم بیام.

A: I can come this afternoon.

خوبه. کدام یکی واسه تو بهتره؟ ساعت دو یا ساعت سه؟

B: Good, which is better for you? Two o'clock or three o'clock?

ساعت سه عالیه.

A: Three o'clock is great.

خوبه. لطفاً حداقل ده دقیقه قبل از قرار ملاقاتت بیای.

B: Fine. Please come at least ten minutes before your appointment.

حتماً، خیلی ممنون. بای.

A: Sure, thanks a lot. Goodbye.

بای. ساعت ده دقیقه به سه (۲:۵۰) میبینمت.

B: Goodbye. See you at ten to three.

---

How do you feel today?  
I feel much better today?

حالت چگونه امروز؟  
حالم امروز خیلی بهتره

Do you still have a headache?

آیا هنوزم سر درد داری؟

What's the meaning of headache?  
What does headache means?  
It means....

Do you have a headache, too?  
Yes, I do.  
I have a headache.

سر درد هم داری؟  
جواب مثبت کوتاه  
سر درد دارم

Head  
Ache  
To ache

سَر  
درد ( درد کردن )

My head aches.  
My head is aching.

سرم درد میکنه  
سرم داره درد میکنه

How's your headache?  
It's much better.

سردردت چگونه؟  
خیلی بهتره

I feel much better than yesterday.  
This medicine helps a lot.

حالم از دیروز خیلی بهتره  
این دارو خیلی کمک میکنه

Medicine  
This medicine helps my headache.

دارو  
این دارو به سر دردم کمک میکنه

#### مکالمه

---

سلام، میخواهم با دکتر پارسا حرف بزنم.  
A: Hello. I'd like to talk to Doctor Parsa.

میتونم بپرسم کی تماس گرفته؟  
B: Can I ask who's calling?

بله، پیمان آذری هستم.  
A: Yes, it is Peyman Azari.

میتونی بیه دقیقه صبر کنی لطفاً؟  
B: Can you wait just a minute, please?

حتماً.

A: Sure.

دکتر پارسا، آقای آذری میخواد با شما حرف بزنه.

B: Doctor Parsa, Mr. Azari would like to talk to you.

اوکی. سلام آقای آذری. حالتون چطوره امروز؟

C: Okay. Hi, Mr. Azari. How do you feel today?

سلام دکتر. حالم کمی بهتره، ولی هنوزم سردرد دارم.

A: Hi, Doctor. I feel a little better, but I still have a headache.

آیا واسه سرما خوردگیت چیزی میخوری؟

C: Are you taking anything for your cold?

بله.

A: Yes, I am.

خوبه. خانمت چطوره؟

C: That's good. How's your wife?

حال اون هم بهتره.

A: She feels better, too.

اون باید یه عالمه آب بخوره. به سرما خوردگیش کمک میکنه.

C: She has to drink a lot of water. It helps her cold.

دقیقاً داره همین کار و میکنه.

A: That's what she's doing right now.

خیلی خوبه.

C: Very good.

میتونه فردا بره سرکار؟

A: Can she go to work tomorrow?

نه، خیلی زوده. اون هنوزم لازمه چند روز بیشتر خونه بمونه.

C: No, that's too early. She still needs to stay home for a few more days.

ممنون بابت وقتی که گذاشتید دکتر.

A: Thanks for your time, Doctor.

خواهش میکنم. امیدوارم حالتون به زودی بهتر بشه. بای.

C: You're welcome. I hope you feel better soon. Goodbye.

بای.

A: Goodbye.

---



You have to drink a lot of water.	باید به عالمه آب بخوری
Tell me that it helps me feel better It helps you feel better.	به من بگید : کمک میکنه حالم بهتر بشه کمک میکنه حالت بهتر بشه
It takes a few days. Until you feel better. It takes a few days until you feel better.	یه چند روزی طول میکشه تا شما حالتون بهتر بشه یه چند روزی طول میکشه تا شما حالتون بهتر بشه
Is your headache better? Yes, it's much better. The new medicine helps a lot.	سردردت بهتره؟ آره، خیلی بهتره داروی جدید خیلی کمک میکنه
Appointment Did you make an appointment with Doctor Parsa? Yes, my appointment's on Wednesday at ten o'clock.	وقت قبلی ( وقت ملاقات ) با دکتر پارسا وقت ملاقات گذاشتی؟ آره، وقت ملاقاتم روز چهارشنبه ساعت ده
Doctor Parsa's usually very busy. If you don't go on Wednesday.	دکتر پارسا معمولاً سرش خیلی شلوغه اگه چهارشنبه نری
Then's very hard To make a new appointment. Then's very hard to make a new appointment.	بعد خیلی سخته وقت جدید گرفتن بعد خیلی سخته وقت جدید گرفتن
Go there on time. I hope you feel better soon.	سر وقت برو اونجا امیدوارم به زودی حالتون بهتر بشه
Do you remember the name of the doctor? Do you remember the doctor's name?	اسم دکتره یادت میاد؟ اسم دکتره یادت میاد؟
Let me think a little. I don't remember.	بذار یه کمی فکر کنم یادم نمیاد
I went to the doctor yesterday. Why?	دیروز رفتم دکتر چرا؟
Because I have a cold. Do you have a fever, too? No, I don't.	چون سرما خوردم تب هم داری؟ جواب منفی کوتاه
Do you have a headache? Fortunately I don't have a headache.	آیا سردرد داری؟ خوشبختانه سردرد ندارم
At least I don't have a headache.	حداقل سردرد ندارم

---

Fever  
I have a fever.  
Sick  
Appointment  
Feel  
I feel better now.  
Ache  
My head aches.  
Headache  
I have a headache.  
Medicine

---

Is Mina on vacation?  
I don't think so.

آیا مینا مرخصیه؟  
فکر نکنم

She was on vacation two weeks ago.  
I saw her.

اون دو هفته پیش مرخصی بود  
من دیدمش

After she came back from her vacation.  
Let's ask Ali.

بعد از اینکه از مرخصیش برگشت  
بذار از علی بپرسیم

Ali, do you know where Mina is?  
She's sick.

علی ، میدونی مینا کجاست؟  
مریضه

Really?  
Yes, she has a cold.

جداً؟  
آره، سرما خورده

Do you have her phone number?  
No, I don't have her number with me.

شماره تلفنشو داری؟  
نه، شمارشو همراهم ندارم

Call me this afternoon.

امروز بعد از ظهر بهم تلفن کن

My parents were here a few years ago.  
They were only here for a month.

والدینم یه چند سال پیش اینجا بودن  
اونها فقط واسه یه ماه اینجا بودن

I hope to see them again soon.  
I hope you feel better soon.

امیدوارم به زودی دوباره ببینمشون  
امیدوارم به زودی حالتون بهتر بشه

Medicine

دارو

My husband has a cold.  
But at least he doesn't have a headache.

شوهرم سرما خورده  
ولی حداقل سردرد نداره

I hope he feels better soon.

امیدوارم حالش به زودی بهتر بشه

Health insurance	بیمه سلامتی
I have a backache.	کمر درد دارم
Insurance card	کارت بیمه
You have to take it with a lot of water.	باید اون رو با یه عالمه آب بخوری
Prescription	نسخه
I used to be a teacher.	من قبلا ها معلم بودم
My stomach hurts.	شکمم درد میکنه
My father will arrive at six o'clock.	پدرم ساعت شش خواهد رسید

---

Where were you yesterday?	دیروز کجا بودی؟
We went to the movies.	رفتیم سینما
It was very cold yesterday.	دیروز خیلی سرد بود
I have a cold.	من سرما خوردم
I have a fever, too.	تب هم دارم
I don't have a headache.	سر درد ندارم
My daughter's sick.	دخترم مریضه
Does she have a fever?	آیا اون تب داره؟
Yes, she does.	جواب مثبت کوتاه
Then she has to see a doctor.	پس اون باید به دکتر بیینه
I didn't feel well yesterday.	دیروز حالم خوب نبود
But today	ولی امروز
I feel much better.	حالم خیلی بهتره
I'm not sick anymore.	دیگه مریض نیستم
I don't feel sick anymore.	
I went to the doctor yesterday.	دیروز رفتم دکتر
How much did you pay?	چقدر پرداختی؟
I didn't pay anything.	هیچی نپرداختم
Why?	چرا؟
Because I have health insurance.	چون بیمه درمانی دارم
What's the meaning of health insurance?	
What does health insurance mean?	
Health insurance means....	
Health insurance	بیمه درمانی ( بیمه سلامتی )

Health	سلامتی
Do you have health insurance? I used to have health insurance.	آیا بیمه درمانی دارید؟ قبلاً ها بیمه درمانی داشتیم
I have to see a doctor.	باید به دکتر ببینم
You have to make an appointment first.	شما اول باید وقت ملاقات بگیرید
Do you have an appointment? Yes, I have an appointment.	آیا وقت ملاقات داری؟ بله، من به وقت ملاقات دارم
Health insurance	بیمه درمانی
Your next appointment is tomorrow at ten o'clock.	وقت ملاقات بعدی شما فردا ساعت دهه
Why do you want to go to the doctor?	چرا میخوای بری دکتر؟
I have a backache. My back aches.	کمر درد دارم کمرم درد میکنه
Ache Headache Backache	درد سر درد کمر درد
Do you still have a headache?	هنوزم سر درد داری؟
Does your back still ache? Yes, it does.	آیا کمرت هنوزم درد میکنه؟ جواب مثبت کوتاه
I have health insurance.	من بیمه درمانی دارم
Credit card Insurance card	کارت اعتباری کارت بیمه
What's the name of your insurance company? It's on my insurance card.	اسم شرکت بیمتون چیه؟ روی کارت بیمه

سلام، میتونم کمکتون کنم؟

A: Hi, can I help you?

بله، من یه وقت ملاقات با دکتر پارسا دارم.

B: Yes, I have an appointment with Doctor Parsa.

بیمه درمانی داری؟

A: Do you have health insurance?

بله.

B: Yes, I do.

میتونم کارت بیمتون و ببینم؟

A: Can I see your insurance card?

بله، بفرمایید.

B: Yes, here it is.

مرسی. چرا میخواید دکتر رو ببینید؟

A: Thanks. Why do you want to see the doctor?

از دیروز تا تاحالا کمر درد دارم.

B: I've had a backache since yesterday.

تب هم داری؟

A: Do you have a fever, too?

نه، فکر نمیکنم.

B: No, I don't think so.

اوکی. لطفاً فقط چند دقیقه صبر کنید. شما بعدی هستید.

A: Okay. Please wait just a few minutes. You're next.

مرسی.

B: Thanks.

---

I have a cold.

سرما خوردم

توجه" برای دارو خوردن از کلمه ( eat ) استفاده نمیشه و به جاش از کلمه ( Take ) استفاده میشه.

You have to take this medicine for a few days. شما باید واسه چند روزی این دارو رو بخورید

Pharmacy

داروخانه

You can buy this medicine at a pharmacy.

شما میتونید این دارو رو در یه داروخانه بخرید

You need a prescription.

شما یه نسخه لازم دارید

Prescription

نسخه

You need a prescription.

شما یه نسخه لازم دارید

You can't buy it.

شما نمیتونید بخریدش

Without a prescription

بدون نسخه

You can't buy it without a prescription.

شما نمیتونید بدون نسخه بخریدش

You have to have a prescription.

شما باید یه نسخه داشته باشید

I hope you feel better soon.

امیدوارم به زودی حالتون بهتر بشه

Are you taking any medicine now?

آیا الان دارید دارویی میخورید؟

Yes, I am.

جواب مثبت کوتاه

But I don't remember the name.

ولی اسمش یادم نمیداد

Where's your prescription?

نسختون کجاست؟

Here's my prescription.

ایناهاش نسخم

I can't read it.

نمیتونم بخونمش

Take it to a pharmacy.

ببرش به یه داروخانه

My wife has a cold.

خانمم سرما خورده

But she doesn't have a fever.

ولی تب نداره

Her back aches a little, too.

کمرش هم کمی درد میکنه

Has she seen a doctor?

آیا اون یه دکتر دیده؟

Not yet

هنوز نه

Why not?

چرا نه؟

Because our family doctor's on vacation.

چون دکتر خانوادگی ما مرخصیه

Family doctor

دکتر خانوادگی

She can go to another doctor.

اون میتونه بره به یه دکتر دیگه

I know.

میدونم

But she's used to our family doctor.

ولی اون به دکتر خانوادگیمون عادت داره

When's your doctor going to come back?	دکترتون کی خیال داره برگرده؟
He's going to be here tomorrow.	اون خیال داره فردا اینجا باشه
I have an appointment with my doctor. Go there on time.	من یه وقت ملاقات با دکترم دارم سر وقت برو اونجا
Try to be on time. Be on time.	سعی کن سر وقت باشی سر وقت باش
I'm a teacher.	من معلم
I used to be a teacher. My father used to be a doctor.	من قبلاً ها معلم بودم پدرم قبلاًها دکتر بود
My parents were both doctors.	والدینم هر دو دکتر بودن
Were they both doctors? Yes, they were. No, they weren't.	آیا اونها هر دو دکتر بودن؟ جواب مثبت کوتاه جواب منفی کوتاه
Only my mother was a doctor.	فقط مادرم دکتر بود
I hope to see them again soon. I hope you feel better soon.	امیدوارم به زودی دوباره ببینمشون امیدوارم به زودی حالتون بهتر بشه
Head Back Stomach	سر کمر ( پشت ) شکم
Headache Backache Stomachache	سر درد کمر درد شکم درد
My stomach aches.	شکمم درد میکنه
My stomach hurts. My back hurts.	شکمم درد میکنه ( درد میگیره ) کمرم درد میکنه
Does your back hurt? Yes, it does. No, it doesn't.	آیا کمرت درد میکنه؟ جواب مثبت کوتاه جواب منفی کوتاه
You have to make an appointment. Before the doctor can see you.	شما باید یه وقت ملاقات بگیرید قبل از اینکه دکتر بتونه شما رو ببینه
My daughter has a headache. My son has a backache.	دخترم سر درد داره پسرم کمر درد داره

My stomach hurts.  
My wife has a cold.

شکم درد میکنه  
خانمم سرما خورده

I'm sure.  
We'll feel better tomorrow.

مطمئنم  
فردا حالمون بهتر خواهد بود

Did you send the letter?

نامه رو فرستادی؟

I will send it tomorrow.  
I'll send it tomorrow.

فردا میفرستمش

I bought this book for my wife.  
I'm sure she'll like it.

این کتاب رو واسه خانمم خریدم  
مطمئنم ارزشش خوشش خواهد اومد

Are you ready?

آماده ای؟

I'll be ready.  
In a few minutes  
I'll be ready in a few minutes.

من حاضر خواهم بود  
ظرف یه چند دقیقه  
من ظرف یه چند دقیقه حاضر خواهم بود

Will we go to Iran next year?  
Yes, we will.

آیا سال آینده به ایران خواهیم رفت؟  
جواب مثبت کوتاه

We will see.  
We'll see.

خواهیم دید ( تا ببینیم )

The doctor will be with you.  
In a few minutes

دکتر با شما خواهد بود  
ظرف یه چند دقیقه

The doctor will be with you in a few minutes.

دکتر ظرف یه چند دقیقه با شما خواهد بود

---

Health

Prescription

Here's your prescription.

Stomach

Stomachache

Hurt

Hurts

My stomach hurts.

It hurts.

Will

I will

I'll

---



I have a cold.  
My back hurts.

سرما خوردم  
کمرم درد میکنه

I need a prescription.

بیه نسخه لازم دارم

This medicine is good.  
For your stomachache

این دارو خوبه  
واسه شکم دردت

Can I see you tomorrow?  
Yes, eleven o'clock at the Persian restaurant.

میتونم فردا ببینمت؟  
آره، ساعت یازده در رستوران ایرانیه

Okay. I'll be there at eleven o'clock.

اوکی، ساعت یازده اونجا خواهم بود

I made an appointment yesterday.  
Ali's waiting for your call.  
Thanks for asking.  
I thought my appointment was for today.  
We should go tomorrow.  
My sister lives with me.  
My younger brother is an engineer.  
I'm married.  
I've been married for fifteen years.  
You could go by bus.  
I couldn't find Ali's house.  
Thanks for your call.

من دیروز وقت ملاقات گذاشتم  
علی منتظر تلفنته  
مرسی واسه پرسش ( مرسی که پرسیدید )  
فکر کردم وقت ملاقاتم واسه امروز بود  
ما بایستی فردا بریم  
خواهرم با من زندگی میکنه  
برادر کوچکترم مهندس  
من متاهلم  
پانزده ساله که ازدواج کرده ام ( که متاهلم )  
میتونستی با اتوبوس بری  
نتونستم خونه علی رو پیدا کنم  
مرسی واسه تلفنت

The doctor's late today.  
He's usually on time.

دکتر امروز دیر کرده  
اون معمولاً سر وقته

You have a fever.  
You have to see a doctor.  
I have health insurance.

تب داری  
باید بیه دکتر ببینی  
من بیمه درمانی دارم

I'll call you tomorrow.  
I will call you tomorrow.

فردا بهت تلفن خواهم کرد

We feel well today.  
You'll feel better tomorrow.

امروز حالمون خوبه  
فردا حالتون بهتر خواهد بود

But remember  
You have to take your medicine on time.

ولی یادتون باشه  
باید داروتون رو سر وقت بخورید

I want to see a doctor.  
I made an appointment yesterday.

من میخوام دکتر و ببینم  
من دیروز بیه وقت ملاقات گرفتم ( گذاشتم )

You can make an appointment for tomorrow.  
I already made an appointment for tomorrow.

شما میتونید بیه وقت ملاقات واسه فردا بگیرید  
من قبلاً بیه وقت ملاقات واسه فردا گرفتم

Oh, that's right! I'm sorry.

اوه ، درسته متاسفم

When's my next appointment?  
It's on Tuesday at ten o'clock.

وقت ملاقات بعدی من کیه؟  
روز سه شنبه ساعت ده

I'll be at work at ten o'clock.  
Can I come after six o'clock?

من ساعت ده سر کار خواهم بود  
آیا میتونم بعد از ساعت شش بیام؟

Try to be here before five o'clock.  
We need your insurance card.

سعی کنید قبل از ساعت پنج اینجا باشید  
کارت بیمتون و لازم داریم

Is this medicine good for stomachache?  
Yes, I used to take this medicine.

آیا این دارو واسه شکم درد خوبه؟  
آره ، من قبلاها این دارو رو میخوردم

It was very good for me.  
I hope it works for you, too.

واسه من خیلی خوب بود  
امیدوارم واسه تو هم کار کنه ( موثر باشه )

Do I need a prescription to buy it?  
Yes, you do.

آیا واسه خریدنش نسخه لازم دارم؟  
جواب مثبت کوتاه

Did you call Mina?  
No, but I'll call her.

به مینا تلفن کردی؟  
نه ، ولی بهش تلفن خواهم کرد

She's waiting for your call.

اون منتظر تماسه

I thought you called her.  
I thought you wanted to fix my car.

فکر کردم بهش تلفن کردی  
فکر کردم میخواستی ماشین منو درست کنی

I'll fix it for you.  
But not now

من اون رو واست درست خواهم کرد  
ولی الان نه

I thought my appointment was for today.

فکر کردم وقت ملاقاتت واسه امروز بود

How long are you going to stay in Tehran?  
Until tomorrow

چه مدت خیال دارید تهران بمونید؟  
تا فردا

Really?  
We thought.  
You'll stay for a week.

جداً؟  
ما فکر کردیم  
شما واسه یه هفته خواهید موند

No, we should go tomorrow.  
We should go tomorrow.

نه ، ما بایستی فردا بریم

You should make an appointment.  
I made an appointment this morning.

شما بایستی یه وقت ملاقات بگیرید  
من امروز صبح یه وقت ملاقات گرفتم

Let's go. I'm late.  
I should be there at eight o'clock.

بیا بریم دیرم شد  
بایستی ساعت هشت اونجا باشم

What day is today?  
It's Tuesday.  
I thought it's Monday.

امروز چند شنبه است؟  
سه شنبه است  
فکر کردم دوشنبه است

You have a cold.  
You have a fever, too.  
You should see a doctor.

تو سرما خوردی  
تب هم داری  
تو بایستی یه دکتر ببینی

Have you ever been to Ramsar?  
No, why?

هرگز رامسر بودی؟ ( بوده ای ؟ )  
نه ، چرا؟

You should go there.  
It's a beautiful city.

بایستی بری اونجا  
شهر قشنگیه

Does your family live there?

خانوادت اونجا زندگی میکنه؟

They used to live there.  
They moved to Tehran a few years ago.

اونها قبلاً اونجا زندگی میکردن  
چند سال پیش به تهران نقل مکان کردن

But my sister still lives there.  
Sister

ولی هنوزم خواهرم اونجا زندگی میکنه  
خواهر

Does your sister live there alone?  
No, she lives with her family.

آیا خواهرت اونجا تنها زندگی میکنه؟  
نه، با خانوادش زندگی میکنه

She's married.  
What's the meaning of married?  
What does married mean?  
It means....

اون متاهله

Married

ازدواج کرده ( متاهل )

I'm married.  
I have three children.

من متاهلم  
سه تا بچه دارم

Are you married?  
Not yet

آیا تو متاهلی؟  
هنوز نه

My sister's married.

خواهرم متاهله

Tell me that your sister has been married for five years  
My sister has been married for five years.

بهم بگید : خواهرت پنج ساله که ازدواج کرده  
خواهرم پنج ساله که ازدواج کرده

She's been married for five years.

اون پنج ساله که ازدواج کرده

I have been married for two years.  
I've been married for two years.

من دوساله که ازدواج کرده ام

We live in Mashhad.

ما در مشهد زندگی میکنیم

My younger brother lives with us.  
Brother

برادر کوچکترم با ما زندگی میکنه  
برادر

My younger brother  
My older sister

برادر کوچکترم  
خواهر بزرگترم

I have two brothers.

من دوتا برادر دارم

How many sisters do you have?  
I have three sisters.

چند تا خواهر داری؟  
سه تا خواهر دارم

One of them lives with me.

یکی از اونها با من زندگی میکنه

The older one is in Germany.

بزرگه تو آلمانه

Will you be home late tonight?  
I don't think so.

آیا امشب دیر وقت خونه خواهید بود؟  
فکر نکنم

I should be home at eight o'clock.  
I have to be home at eight.

من بایستی ساعت هشت خونه باشم  
من باید هشت خونه باشم

### مکالمه

---

مینا، آیا وقت ملاقات با دکتر گرفتی؟

A: Mina, did you make an appointment with the doctor?

آره، یه وقت ملاقات واسه دوشنبه گرفتم.

B: Yes, I made an appointment for Monday.

ما دوشنبه اینجا نیستیم. تو اینو میدونی. ما تمام هفته شیراز خواهیم بود.

A: We're not here on Monday. You know that. We'll be in Shiraz all week.

درست میگی. دوباره بهشون زنگ خواهیم زد و یه وقت ملاقات دیگه میگیریم. علی، این اولین باره که داری میری شیراز؟

B: You're right. I'll call them back and make another appointment. Ali, is this the first time you're going to Shiraz?

نه، من چند بار اونجا بودم. یه برادر توی شیراز دارم.

A: No, I've been there a few times. I have a brother in Shiraz.

قبلا دربارهش باهام حرف زدی، آیا ازدواج کرده؟

B: You talked about him before, is he married?

نه، اون خیلی جوانه واسه ازدواج کردن.

A: No, he's too young to be married.

چند سالشه؟

B: How old is he?

شانزده سالشه. اون با خواهرم زندگی میکنه.

A: He's sixteen. He lives with my sister.

من فکر کردم تو بزرگتر بودی. اما خواهرت ازدواج کرده، مگه نه؟

B: I thought you was older. But your sister is married, isn't she?

آره. اون تقریباً ده ساله که ازدواج کرده.

A: Yes, she is. She's been married for almost ten years.

آیا اونها میدونن که هفته آینده داریم دیدارشون؟

B: Do they know that we're going to visit them next week?

نه. آیا فکر میکنی بایستی بهشون تلفن کنیم و بذاریم بدونن؟

A: No, they don't. Do you think we should call them and let them know?

فکر میکنم بایستی.

B: I think we should.

اوکی. پس الان بیا انجامش بدیم.

A: Okay. Then let's do it now.

You should call your parents.

They thought you were sick.

تو بایستی به والدینت تلفن کنی

اونها فکر میکردن تو مریض بودی

Can I help you?

Do you need money?

میتونم کمکتون کنم؟

آیا پول احتیاج داری؟

Thanks for asking.

مرسی واسه پرسش ( مرسی از اینکه پرسیدی )

Did you fix your car?

Not yet

I thought you fixed it.

ماشینت و درست کردی؟

هنوز نه

فکر کردم درستش کردی

Do you want to have my car for tomorrow?

No, my father's car is with me.

میخواهی واسه فردا ماشین منو داشته باشی؟

نه، ماشین پدرم باهامه

Thanks for asking.

Thanks for asking anyway.

مرسی واسه پرسش

Where are you going?

I'm going to the supermarket.

کجا داری میری؟

دارم میرم سوپرمارکت

Can you pick up my medicine?

From the pharmacy?

میتونی داروی منو برداری؟

از داروخانه؟

Yes. Where's your insurance card?

آره، کارت بیمت کجاست؟

It should be in the kitchen.

Let me go find it.

بایستی توی آشپزخونه باشه

بذار برم پیدااش کنم

Did you find it?  
I couldn't find it.

پیداش کردی؟  
نتونستم پیداش کنم

I don't think you need the insurance card.

فکر نمیکنم کارت بیمه رو لازم داشته باشی

Did you go to Tehran yesterday?  
No, I couldn't go.

دیروز رفتی تهران؟  
نه، نتونستم برم

Why not?  
The weather was bad.  
I couldn't drive.

چرا نه؟  
هوا بد بود  
نتونستم رانندگی کنم

You could go by bus.

میتونستی با اتوبوس بری

Tell me I should not drive if the weather is very bad  
You should not drive if the weather's very bad.  
You shouldn't drive if the weather's very bad.

بهم بگید: من نباید رانندگی کنم اگه هوا خیلی بده  
تو نباید رانندگی کنی اگه هوا خیلی بده

You shouldn't drive.

نباستی رانندگی بکنی

We'll go to Tehran tomorrow.

ما فردا به تهران خواهیم رفت

Call me.  
I'll call you.  
As soon as I arrive.  
I'll call you as soon as I arrive.

بهم تلفن کن  
بهم تلفن خواهم کرد  
به محض اینکه برسم  
به محض اینکه برسم بهم تلفن خواهم کرد

My sister's an engineer.  
My brother's a teacher.

خواهرم مهندس  
برادرم معلمه

---

Thought  
Think  
Bought  
Thought  
Should  
Could  
Should  
Sister  
Brother  
Married  
I'm married.  
Say

---

The meeting starts at eleven o'clock.

Why are you going now?

It's too early.

جلسه ساعت یازده شروع میشه

چرا الان داری میری؟

خیلی زوده

I want to be there on time.

That's why I'm going earlier.

میخواهم سر وقت اونجا باشم

به همین خاطره که دارم زودتر میرم

I couldn't find Ali's house.

نتونستم خونه علی رو پیدا کنم

Could you find Ali's number?

No, I couldn't.

Yes, I could.

تونستی شماره علی رو پیدا کنی؟

جواب منفی کوتاه

جواب مثبت کوتاه

You should ask Mina.

بایستی از مینا بپرسی

I'm waiting for Ali's call.

Thanks for your help.

من منتظر تلفن علی هستم

مرسی واسه کمکتون

Are you married?

No, I'm not.

آیا شما متاهلید؟

جواب منفی کوتاه



## تفاوت و فرق بین Can و Could

فعل کمکی Can یعنی ( توانستن، اجازه داشتن) حال است و گذشته آن Could میباشد.

مثال:

گذشته	حال
Could	Can

مثال:

گذشته	حال
My friend <b>could</b> ride the bicycle <b>last year</b>	I <b>can</b> play football <b>today</b>
دوستم پارسال میتوانست دوچرخه سواری کند.	من امروز میتوانم فوتبال بازی کنم.

## روش سوالی و منفی کردن Can و Could

Can و Could چون هر دو از افعال کمکی هستند برای سوالی کردن جای آنها را با فاعل عوض میکنیم و برای منفی کردن پس از آنها کلمه Not را می آوریم.

طریقه سوالی و منفی کردن Can	
I <b>can</b> speak English now.	مثبت
<b>Can I</b> speak English now?	سوالی
I <b>can not</b> speak English now.	منفی

طریقه سوالی و منفی کردن Could	
I <b>could</b> speak English last year.	مثبت
<b>Could I</b> speak English last year?	سوالی
I <b>could not</b> speak English last year.	منفی

توجه" مخفف **can not** را بصورت **can't** و مخفف **could not** را بصورت **couldn't** می نویسیم.

### تفاوت و فرق بین **Must** و **Has to**، **Have to**

**Have to** و **has to** به معنی مجبور بودن و **must** به معنی باید، حال هستند و گذشته آنها **had to** یعنی می بایست است.

مثال:

گذشته		حال	
می بایست	Had to	مجبور بودن	Have to
می بایست	Had to	مجبور بودن	Has to
می بایست	Had to	باید	must

### روش سوال و منفی کردن **have to**

برای سوالی کردن **have to** به اول جمله **Do** اضافه می کنیم  
و برای منفی کردن آن به اول فعل **do not** یا **don't** اضافه میکنیم.

مثال:

طریقه سوالی و منفی کردن <b>Have to</b>	
I <b>have to</b> clean my room every day.	مثبت
<b>Do</b> I <b>have to</b> clean my room every day?	سوالی
I <b>don't have to</b> clean my room every day.	منفی

## روش سوال و منفی کردن **has to**

برای سوالی کردن **has to** به اول جمله **does** اضافه می کنیم و **has to** را بصورت مصدر بدون **to** یعنی **have to** می نویسیم.

و برای منفی کردن آن به اول فعل **does not** یا **doesn't** اضافه میکنیم. و **has to** را بصورت مصدر بدون **to** یعنی **have to** می نویسیم.

مثال:

طریقه سوالی و منفی کردن <b>has to</b>	
He <b>has to</b> clean his room every day.	مثبت
<b>Does</b> he <b>have to</b> clean his room every day?	سوالی
He <b>doesn't have to</b> clean his room every day.	منفی

## روش سوال و منفی کردن **had to**

برای سوالی کردن **had to** به اول جمله **did** اضافه می کنیم و **had to** را بصورت مصدر بدون **to** یعنی **have to** می نویسیم.

و برای منفی کردن آن به اول فعل **did not** یا **didn't** اضافه میکنیم. و **had to** را بصورت مصدر بدون **to** یعنی **have to** می نویسیم.

مثال:

طریقه سوالی و منفی کردن <b>had to</b>	
He <b>had to</b> clean his room every day.	مثبت
<b>Did</b> he <b>have to</b> clean his room every day?	سوالی
He <b>didn't have to</b> clean his room every day.	منفی

### روش سوالی و منفی کردن must

برای سوالی کردن must جای آن را با فاعل عوض میکنیم. و برای منفی کردن پس از آنها کلمه not را میآوریم.

مثال:

طریقه سوالی و منفی کردن Must	
We <b>must</b> pay the tax every year.	مثبت
<b>Must</b> we pay the tax every year?	سوالی
We <b>must not</b> pay the tax every year.	منفی

### فرق should ( باید و میبایست ) و must ( باید )

Should ( باید ، بایست ) را وقتی بکار میبریم که انجام کاری وظیفه اخلاقی ما یا درخواست از طرف کسی باشد و به عبارت دیگر اگر انجام گیرد بهتر است و در آن اجباری قانونی نیست. اما Must اجبار زیادتری را بیان می کند.

مثال:

I **should** sleep on my bed every night.  
She **should** help his brother.

اما ما نمی توانیم بگوییم:

Every driver **should** obey the traffic laws.

پس باید بگوییم.

Every driver **must** obey traffic laws.

چون وظیفه قانونی ما هست که از قانون اطاعت کنیم.

توجه " پس از **Must** و **Should** فعل بصورت مصدر بدون **to** می آید.

مثال:

I **should** wash all the dishes.  
She **must** pay my salary.

### روش سوالی و منفی کردن **Should** و **Must**

برای سوالی کردن **Must** و **Should** جای آنها را با فاعل عوض میکنیم و برای منفی کردن آنها پس از آنها کلمه **not** را می آوریم.

طریقه سوالی و منفی کردن <b>Should</b>	
I <b>should</b> clean my room.	مثبت
<b>Should</b> I clean my room?	سوالی
I <b>should not</b> clean my room.	منفی

طریقه سوالی و منفی کردن <b>Must</b>	
We <b>must</b> register every year.	مثبت
<b>Must</b> we register every year?	سوالی
We <b>must not</b> register every year.	منفی

I couldn't find an answer.  
Didn't you go to the post office?  
How long have you been married?  
This is a picture of my brother.  
Why don't you show me a picture of Iran?  
These are my sisters.  
Ali's in the living room.  
Our house has four bedrooms.  
My house is next to the post office.  
My room has two windows.  
Don't you have a yard?  
There's a big yard behind the house.  
I prefer to go by car.  
It shouldn't take more than two hours.  
Don't let them go.

نتونستم یه جواب پیدا کنم  
اداره پست نرفتی؟  
چند هفته ازدواج کردی؟  
این عکس برادرمه  
چرا یه عکس ایران نشونم نمیدی؟  
اینجا خواهرام اند  
علی در اتاق نشیمنه  
خونه ما چهارتا اتاق خواب داره  
خونم کنار اداره پسته  
اتاقم دوتا پنجره داره  
حیاط نداری؟  
یه حیاط بزرگ پشت خونه هست  
ترجیح میدم با ماشین برم  
نبایستی بیشتر از دو ساعت طول بکشه  
نذار اونها برن

I'm married.  
Is your brother married?  
Yes, he's been married for a year.

من متاهلم  
آیا برادرت متاهله؟  
آره ، اون یه ساله که ازدواج کرده

Did you think about my question?  
I'm still thinking about it.

راجع به سوالم فکر کردی؟  
دارم هنوزم راجع بهش فکر می‌کردم

You should think more about it.

تو بایستی بیشتر راجع بهش فکر کنی

I thought a lot about it.  
But I couldn't find an answer.

راجع بهش یه عالمه فکر کردم  
اما نتونستم جوابی پیدا کنم

You were.  
Were you?

تو بودی  
آیا تو بودی؟

You weren't.  
Weren't you?

شما نبودید ( فشرده )  
آیا شما نبودید؟

You didn't want.  
Didn't you want?

تو نمیخواستی  
آیا تو نمیخواستی؟

Didn't you want to buy a car?  
Don't you want to buy a car?

مگه نمیخواستی ماشین بخری؟  
مگه نمیخواهی ماشین بخری؟

Don't you want to talk about Mina?  
Not now, maybe later

مگه نمیخواهی راجع به مینا حرف بزنی؟  
الان نه، شاید بعداً

Did you call the doctor?  
Yes, I made an appointment with him.

به دکتر تلفن کردی؟  
آره، باهاش یه قرار ملاقت گذاشتم

Have you seen my brother?  
No, but I have seen his picture.  
No, but I've seen his picture.

برادرم و دیدی؟ ( دیده ای؟ )  
نه، اما عکسش رو دیدم ( دیده ام )

What's the meaning of the word picture?  
What does picture mean?  
It means....

Picture

عکس

This is a picture of my brother.  
Show me a picture of Iran.

این یه عکس برادرمه  
بهم یه عکس ایران نشون بده

Why don't you show me a picture of Iran?  
Let me show you a picture of my family first.

چرا یه عکس ایران نشونم نمیدی؟  
بذار اول یه عکس از خانوادم نشونت بدم

Who's that?  
That's my sister.

اون کیه؟  
اون خواهرمه

These are my brothers.  
They're both teachers.

اینها برادرام اند  
اونها هر دو معلم اند

Don't you have a picture of your parents?  
The next picture is a picture of my parents.  
And this one is a picture of our house in Iran.

عکس والدینت و نداری؟  
عکس بعدی عکس والدینمه  
و این یکی عکس خونهمون تو ایرانه

This is our living room.  
Living room

این اتاق نشیمنمونه  
اتاق نشیمن

Where's Shadi?  
She's in the living room.

شادی کجاست؟  
تو اتاق نشیمنه

What is she doing there?  
She's watching TV.

چکار داره اونجا میکنه؟  
داره تلویزیون تماشا میکنه

Your living room is much bigger than mine.

اتاق نشیمن شما از مال من خیلی بزرگتره

Our house has four bedrooms.

خونه ما چهار تا اتاق خواب داره

What does bedroom mean?  
What's the meaning of bedroom?  
It means....

Bedroom  
Living room

اتاق خواب  
اتاق نشیمن

Room

اتاق

Restroom

دستشویی

Our house has four bedrooms.

خونه ما چهارتا اتاق خواب داره

Where's your house?

خونتون کجاست؟

Our house is next to the library.

خونمون کنار کتابخونه است

I like your living room.

از اتاق نشیمنتون خوشم میاد

My room is next to the living room.

اتاقم کنار اتاق نشیمنه

My room has two windows.

اتاقم دوتا پنجره داره

Window

پنجره

Don't you think it's cold here?

تو فکر نمیکنی اینجا سرده؟

Can you close the window?

میتونی پنجره رو ببندی؟

It's cold. Close the window, please.

سرده، پنجره رو ببند لطفاً

Your house is very beautiful.

خونتون خیلی قشنگه

Don't you have a yard?

حیاط ندارید؟

Yes, we do.

جواب مثبت کوتاه

There is a big yard behind the house.

یه حیاط بزرگ پشت خونه هست

There's a big yard behind the house.

What's the meaning of behind?

What does behind mean?

It means....

There's a big yard behind the house.

یه حیاط بزرگ پشت خونه است

Living room

اتاق نشیمن

Bedroom

اتاق خواب

Who's that next you?

اون کیه کنارت؟

He's my older brother.

اون برادر بزرگترمه



این خونه چند تا اتاق خواب داره؟

A: How many bedrooms does this house have?

این خونه چهارتا اتاق خواب داره.

B: This house has four bedrooms.

واسه خانواده ما بزرگتر از حد کافیه. آیا میتونیم اتاق نشیمن رو ببینیم؟

A: That's big enough for our family. Can we see the living room?

حتماً. اتاق نشیمن سمت چپ کنار آشپزخونه است.

B: Sure. The living room is on the left next to the kitchen.

اتاق نشیمن خوبیه. ازش خوشم میاد.

A: That's a nice living room. I like it.

بله، خیلی خوبه. همه پنجره ها رو به حیاط هستن. بذارید حیاط رو بهتون نشون بدم.

B: Yes, it's very nice. All windows open to the yard. Let me show you the yard.

فکر نمیکنید اون حیاط واسه این خونه خیلی کوچکه؟

A: Don't you think that the yard is too small for this house?

خوب، خیلی از مردم حیاطهای کوچکترو دوست دارن.

B: Well, a lot of people like smaller yards.

میدونم، اما من سه تا بچه کوچک دارم، و مطمئنم اونها دوست دارن یه حیاط بزرگ داشته باشن.

A: I know, but I have three small children, and I'm sure they like to have a big yard.

اما من فکر میکنم اندازه حیاط خیلی خوبه. خیلی کوچک نیست، و خیلی بزرگ نیست.

B: But I think that's a very nice size yard. It's not too small, and not too big.

اوکی. من فردا دوباره همراه خانواده میام. خانوادم هم بایستی خونه رو ببینند.

A: Okay. I'll come tomorrow with my family again. My family should see the house, too.

عالیه. پس باهام تماس میگیری؟

B: That's great. Will you call me then?

آره، سعی میکنم باهاتون تماس بگیرم قبل از اینکه بیایم.

A: Yes, I'll try to call you before we come.

مرسی. فردا میبینمتون.

B: Thanks. See you tomorrow.

بای.

A: Goodbye.

---

Will you call me tomorrow?  
I'll try.  
I should be there at seven o'clock.

آیا فردا بهم تلفن میکنی؟  
سعی میکنم ( سعی خواهم کرد )  
بایستی ساعت هفت اونجا باشم

Your car's very old.  
Don't you want to buy a new car?

ماشینت خیلی قدیمیه  
نمیخواهی به ماشین جدید بخری؟

**توجه!** در درسهای قبلی با ( I'd rather ) به معنی ترجیح دادن آشنا شدیم . این فعل برای ترجیح دادن یک چیز به چند چیز دیگر استفاده میشه.  
فعل ترجیح دادن ( Prefer ) معمولاً برای ترجیح دادن یک چیز به یک چیز دیگر استفاده میشه .

I prefer to buy a house.  
Instead of a new car

من ترجیح میدم به خونه بخرم  
به جای یه ماشین جدید

I prefer tea to coffee.

من جای رو به قهوه ترجیح میدم

Are you going by bus?  
No, I prefer to go by car.

با اتوبوس داری میری؟  
نه، ترجیح میدم با ماشین برم

Don't you want to buy this house?  
I don't know yet.  
But I'll think about it.

نمیخواهی این خونه رو بخری؟  
هنوز نمیدونم  
ولی راجع بهش فکر خوام کرد

Don't you want to open the window?  
No, it's raining.

نمیخواهی پنجره رو باز کنی؟  
نه، داره بارون میاد

Open the window.  
Don't open the window.

پنجره رو باز کن  
پنجره رو باز نکن

Turn off the TV.  
Don't turn off the TV.

تلویزیون و خاموش کن  
تلویزیون و خاموش نکن

Don't drive too fast.

زیادی سریع رانندگی نکن

Where's my book?  
It's next to the TV.

کتابم کجاست؟  
کنار تلویزیونه

Why didn't you call me?  
I couldn't find your phone number.

چرا بهم تلفن نکردی؟  
نتونستم شماره تلفنت رو پیدا کنم

You could call Ali.  
You could get my number from him.

میتونستی به علی تلفن کنی  
میتونستی شماره رو از اون بگیری

Let me buy it.  
Let me go.

بذار بخرمش  
بذار برم

Let Mina go.  
Let her go.  
Don't let her go.

بذار مینا بره  
بذار بره  
نذارش بره ( مونث )

How long does it take from here to London?  
It shouldn't take more than two hours.

چقد از اینجا تا لندن طول میکشه؟  
نبایستی بیشتر از دو ساعت طول بکشه

We bought a house four years ago.  
Our house has a very big living room.

ما چهار سال پیش یه خونه خریدیم  
خونمون یه اتاق نشیمن خیلی بزرگ داره

We have three bedrooms.  
And a big kitchen

سه تا اتاق خواب داریم  
و یه آشپزخونه بزرگ

I couldn't be happier.  
I'm sure.

خوشحال تر نمیتونستم باشم ( خوشحال تر از این نمیتونستم باشم )  
مطمئنم

You'll like our new house.

از خونه جدیدمون خوشت خواهد اومد.

We'll have a good time there?

ما اوقات خوبی رو اونجا خواهیم داشت؟

Don't you think so?  
Yes, I'm very happy.

اینطور فکر نمیکنی؟  
آره، من خیلی خوشحالم

I prefer to stay here.  
Instead of going to a hotel

من ترجیح میدم اینجا بمونم  
به جای رفتن به هتل

I prefer coffee to tea.

من قهوه رو به چای ترجیح میدم

---

Picture  
Living room  
Bedroom  
Bedrooms  
Window  
Yard  
Behind the yard  
Prefer  
I prefer.  
I'd rather.

Have you seen our yard?  
No, I haven't.

حیاطمون رو دیدی؟ ( دیده ای ؟ )  
جواب منفی کوتاه

Do you have a picture of your family?  
Yes, I do.

عکس خانوادتو داری؟  
جواب مثبت کوتاه

Let me show it to you.  
Let me show you the picture.

بذار بهت نشونش بدم  
بذار عكس رو بهت نشون بدم

Are you married?  
Yes, I'm married.

آيا متاهليد؟  
بله، متاهلم

An apartment	یہ آپارتمان
In the front	در جلو
A long time ago	خیلی وقت پیش
In front of your house	جلوی خونت
But he's a manager now.	ولی اون الان یہ مدیره
Two doors	دوتا در
Most apartments have one door.	اکثر آپارتمانها یہ در دارن
What does she teach?	چی درس میدہ؟
She teaches English.	انگلیسی درس میدہ

---

Hello, Nasim.	سلام نسیم
Didn't I see you at the bank yesterday?	آیا من تو رو دیروز در بانک ندیدم؟
I think I saw you at the bank.	فکر میکنم تو بانک دیدمت
What were you doing there?	داشتی اونجا چکار میکردی؟
That wasn't me.	اون من نبودم
It was my brother.	برادرم بود
Do you have his picture?	عکسشو داری؟
No, I don't.	جواب منفی کوتاه
What was he doing there?	اون داشت اونجا چکار میکرد؟
He was trying to buy a house.	اون داشت سعی میکرد یہ خونه بخره
He bought a house last year.	پارسال یہ خونه خرید
But he doesn't like it anymore.	ولی دیگہ ارزش خوشش نمیاد
It's not big enough.	به اندازه کافی بزرگ نیست
They need a house.	اونها یہ خونه لازم دارن
With at least three bedrooms	با حداقل سه تا اتاق خواب
They need a house with at least three bedrooms.	اونها یہ خونه با حداقل سه تا اتاق خواب لازم دارن
They want a living room, too.	میخوان یہ اتاق نشیمن هم داشته باشن
And they have to move soon.	و به زودی باید نقل مکان کنن
I think they should wait.	فکر میکنم اونها بایستی صبر کنن
He bought the house already.	اونها قبلاً خونه خریدن
They couldn't wait.	اونها نمیتونستن صبر کنن
He's married now.	الان متاهله
He's been married for a year.	یہ سالہ ازدواج کرده
And they're very happy together.	و با هم خیلی خوشبختن

Their house has a yard. There's a yard behind their house.	خونشون یه حیاط داره یه حیاط پشت خونشون هست
And they have a big window. In the living room And they have a big window in the living room.	و یه پنجره بزرگ دارن در اتاق نشیمن و یه پنجره بزرگ در اتاق نشیمن دارن
They can see the yard from there.	از اونجا میتونن حیاط رو ببینن
They usually sit in the living room.	اونها معمولاً توی اتاق نشیمن میشینن
Their house is next to the mall. Where's the mall? It's right next to the library.	خونشون کنار پاساژه پاساژ کجاست؟ درست کنار کتابخونه است
I thought they lived. Close to the zoo I thought they lived close to the zoo.	من فکر میکردم زندگی میکردن نزدیک به باغ وحش من فکر میکردم نزدیک باغ وحش زندگی میکردن

#### مکالمه

سلام آقا، میتونم کمکتون کنم؟

A: Yes, sir. Can I help you?

من و خانمم میخوایم یه بچه دیگه داشته باشیم، اما خونمون به اندازه کافی بزرگ نیست. من در حال حاضر پول کافی واسه خریدن خونه ندارم، اما میتونم پرداخت رو سر وقت انجام بدم اگه وام بگیرم.

B: My wife and I want to have another child, but our house isn't big enough. I don't have enough money right now to buy a house, but I can make the payments on time if I get a loan.

اگه همین الان خونه بخرید، بهره خیلی زیادی خواهید داد. من فکر میکنم شما بایستی تا سال آینده صبر کنید.

A: If you buy a house right now, you'll be paying a lot of interest. I think you should wait until next year.

آقا، شما متاهلید؟

B: Sir, are you married?

بله، چرا؟

A: Yes, why?

آیا خانمتون خونه بزرگ دوست داره؟

B: Doesn't your wife like a big house?

میدونم منظورت چیه. بذار بهت نشون بدم چکار میتونیم برات بکنیم.

A: I see what you mean. Let me show you what we can do for you.

ما در حال حاضر می‌دونیم کدوم خونه رو می‌خوایم. اتاق نشیمن داشته باشه، سه تا اتاق خواب، پنجره بزرگ، و یه حیاط. این همه چیزاییه که ما می‌خوایم رو داره.

B: We already know which house we want. It has a living room, three bedrooms, big windows, and a yard. It has all of the things we want.

آشپزخونه هم داشته باشه؟

A: Does it have a kitchen, too?

البته که داشته باشه، اما خیلی کوچکه.

B: Of course it does, but it's very small.

اون خونه رو نخرید. آشپزخونه بزرگ نداره.

A: Don't buy that house. It doesn't have a big kitchen.

اما ما آشپزخونه بزرگ لازم نداریم. ما ترجیح میدیم یکی کوچکتر داشته باشیم.

B: But we don't need a big kitchen. We prefer a smaller one.

خونه کجاست؟

A: Where's the house?

توی خیابون اوشینه، درست کنار کتابخونه.

B: It's on Ocean Street, right next to the library.

اوکی. میرم خونه میبینم، و بعد تو میتونی وام بگیری.

A: Okay. I'll go look at the house, and then you can get a loan.

خیلی ممنونم.

B: Thanks a lot.

Didn't you live in Iran?

I used to live in Iran.

آیا تو در ایران زندگی نمی‌کردی؟

قبلاً ها در ایران زندگی می‌کردم

Didn't you have a house?

No, I didn't.

تو یه خونه نداشتی؟

جواب منفی کوتاه

I used to have.

An apartment

I used to have an apartment.

قبلاً ها داشتم

یه آپارتمان

قبلاً ها یه آپارتمان داشتم

But it was as big as a house.

It was a cute apartment.

ولی به بزرگی یه خونه بود

یه آپارتمان نازی بود

There was a yard.

In the front

There was a yard in the front.

یه حیاط بود

در جلو

یه حیاط در جلو بود

I liked your apartment.  
I liked your old apartment.

من از آپارتمان تو خوشم میومد  
من از آپارتمان قدیمیت خوشم میومد

I used to live there.  
A long time ago  
I used to live there a long time ago.

من قبلاًها اونجا زندگی میکردم  
خیلی وقت پیش  
من قبلاًها خیلی وقت پیش اونجا زندگی میکردم

How long did you live there?  
I lived there for a long time.

چند وقت اونجا زندگی کردی؟  
مدت زیادی اونجا زندگی کردم

There was a big yard in the front.  
And one behind the apartment

یه حیاط بزرگ در جلو بود  
و یکی در پشت آپارتمان

Your old apartment was nice.  
There was a coffee shop right next to it.  
We can still go there.

آپارتمان قدیمیت خوب بود  
یه کافی شاپ درست کنارش بود  
میتونیم هنوزم بریم اونجا

How long does it take?  
It takes an hour.  
It takes a long time.

چقدر طول میکشه؟  
یه ساعت طول میکشه  
خیلی طول میکشه

I used to live there a long time ago.  
But it's too far.  
It takes too much time.

من قبلاًها خیلی وقت پیش اونجا زندگی میکردم  
ولی زیادی دوره  
خیلی زیاد طول میکشه

Where's your car?  
In front of your house  
In front of the apartments

ماشینت کجاست؟  
جلوی خونت  
جلوی آپارتمانها

My car's in the front.  
My car is in the front.

ماشینم جلوست

I really like these apartments.  
I'd like to live here.  
Then you should move.

من واقعاً از این آپارتمانها خوشم میاد  
دلتم میخواد اینجا زندگی کنم  
پس بایستی نقل مکان کنی

But my son's working in Houston now.  
We can't move.

ولی پسرم داره الان در هیستون کار میکنه  
نمیتونیم نقل مکان کنیم

Then don't move yet.  
Wait until he finds another job.  
Close to here

پس فعلاً نقل مکان نکن  
صبر کن تا اون یه شغل دیگه پیدا کنه  
نزدیک به اینجا

But he's a manager now.

ولی اون الان یه مدیره

I thought your son was a teacher.  
He used to be a teacher.  
A long time ago

فکر میکردم پسرتم معلم بود  
اون قبلاًها معلم بود  
خیلی وقت پیش



But he's a manager now. But now he's a manager.	ولی حالا اون مدیره
He likes his new office. But he prefers his old office.	از دفتر جدیدش خوشش میاد ولی دفتر قدیمیش رو ترجیح میده
His new office has big windows. And two doors	دفتر جدیدش پنجره های بزرگ داره و دوتا در
It has two doors. It has a door in the front. And there's a door behind his office.	دوتا در داره یه در جلو داره و یه در پشت دفترشه
He likes to be a manager.	اون دوست داره به مدیر باشه
Our house has three doors. Two in the front And one behind the house	خونمون سه تا در داره دوتا در جلو و یکی پشت خونه
Have you seen my keys?	کلیدامو دیدی؟ ( دیده ای ؟ )
They were next to the front door.	بغل در ورودی بودن
Most apartments have one door. Most people have apartments.	اکثر آپارتمانها یک در دارن اکثر مردم آپارتمان دارن
Most people in America live in apartments. But most families have houses.	اکثر مردم تو آمریکا تو آپارتمانها زندگی میکنن ولی اکثر خانواده ها خونه دارن
It's hard to find an apartment. With two doors	آپارتمان پیدا کردن سخته با دوتا در
Don't the bedrooms have doors? Yes, the bedrooms have doors. But most living rooms don't have doors.	آیا اتاق خوابها در ندارن؟ چرا اتاق خوابها در دارن ولی اکثر اتاق نشیمن ها در ندارن
We have a big yard in the front.	ما یه حیاط بزرگ در جلو داریم
Does your daughter live with you now? No, she lives alone. She bought a new apartment.	دخترتون الان با شما زندگی میکنه؟ نه، اون تنها زندگی میکنه یه آپارتمان تازه خرید
It doesn't take much time to get there.	خیلی طول نمیکشه تا برسیم اونجا
Is your daughter still a manager? No, she's not.	هنوزم دخترت مدیره؟ جواب منفی کوتاه

She's a teacher now.	اون الان معلمه
What does she teach?	چی درس میده؟
Does she teach Persian?	آیا فارسی درس میده؟
No, she doesn't teach Persian anymore.	نه، اون دیگه فارسی درس نمیده
She doesn't live alone.	اون تنها زندگی نمیکنه .
She lives alone.	تنها زندگی میکنه
She teaches English.	انگلیسی درس میده
She used to teach Persian.	اون قبلاًها فارسی درس میداد
But now she teaches English.	ولی حالا انگلیسی درس میده
That's interesting.	چه جالب
I have a job for her if she wants.	یه شغل واسش دارم اگه بخواد
Let me give you her number.	بذار شمارشو بهت بدم
Let me know.	بذار بدونم ( خبرم کن )
If she wants another job.	اگه یه شغل دیگه میخواد
Let me know if she wants another job.	بذار بدونم اگه یه شغل دیگه میخواد
I'll give her a good job.	من بهش یه شغل خوب خواهم داد
Then she can buy a better apartment.	بعد میتونه یه آپارتمان بهتر بخره
And a new car	و یه ماشین جدید
She doesn't need any of these things.	اون هیچی از اینا رو لازم نداره
She has a great job already.	همین الانشم یه کار عالی داره
She's busy most of the time.	اکثر اوقات سرش شلوغه
Is she going to college?	آیا اون داره دانشگاه میره؟
She went to college.	اون دانشگاه رفت
A long time ago	خیلی وقت پیش
She went to college a long time ago.	اون خیلی وقت پیش دانشگاه رفت
She's a teacher now.	الان معلمه
And she teaches English.	و انگلیسی درس میده
I hope to see her soon.	امیدوارم به زودی ببینمش
Call her.	بهش زنگ بزن
I'll call her soon.	به زودی بهش زنگ میزنم
But not if she doesn't want a job.	ولی نه اگه شغل نمیخواد
Where does she teach now?	الان کجا درس میده؟
She teaches in the valley.	در ولی درس میده

She could teach in Los Angeles  
Instead of the valley  
But the valley is in Los Angeles.

اون میتونست توی لس آنجلس درس بده  
به جای ولی  
اما ولی در لس آنجلسه

I think you should talk to her.  
Okay. Take care.

من فکر میکنم تو بایستی باهاش حرف بزنی  
اوکی ، مراقب باش

---

Apartment  
An apartment  
Front  
From  
Front  
In the front  
Manager  
He's a manager.  
Door  
Two doors  
Most  
Most apartments  
Most teachers  
Most managers  
Teach  
She teaches English.

---

We had an apartment in Tehran.  
The pictures are in the closet.  
Your book is under the newspaper.  
Excuse me, that was my seat.  
Don't use my cell phone.  
Excuse me, Can I use the restroom?  
Let's go inside.  
Then let's sit outside.

ما یه آپارتمان در تهران داشتیم  
عکسها تو کمدن  
کتابت زیر روزنامه است  
بخشید، اون جای من بود  
از موبایلم استفاده نکن  
بخشید، میتونم از دستشویی استفاده کنم؟  
بیا بریم تو  
پس بذار بیرون بشینیم

---

When did you move to Tehran?  
I don't remember.  
It was a long time ago.

کی به تهران نقل مکان کردی؟  
یادم نمیداد  
خیلی وقت پیش بود

We were in Shiraz for twenty-five years.  
Don't you miss Shiraz?

ما بیست و پنج سال در شیراز بودیم  
دلت واسه شیراز تنگ نشده؟

I was there two months ago.  
We still have relative's there.

دو ماه پیش اونجا بودم  
هنوزم اونجا قوم و خویشایی داریم

Did you live in a house?  
No, we couldn't buy a house.  
It was very expensive.

آیا در یه خونه زندگی میکردید؟  
نه، ما نمیتونستیم خونه بخریم  
خیلی گرون بود

But we had an apartment.  
We had an apartment.

ولی ما یه آپارتمان داشتیم  
ما یه آپارتمان داشتیم

Our living room wasn't very big.  
But it was big enough for us.

اتاق نشیمنمون خیلی بزرگ نبود  
ولی واسه ما به اندازه کافی بزرگ بود

We had a big kitchen instead.  
We were only three people.

به جاش آشپزخونه بزرگی داشتیم  
ما فقط سه نفر بودیم

We had a good time there.

وقت خوبی اونجا داشتیم ( اونجا بهمون خوش گذشت )

Did you have a yard?  
No, apartments usually don't have a yard.  
But most people like to have a yard.

آیا حیاط داشتید؟  
نه، آپارتمانها معمولاً حیاط ندارن  
ولی اکثر مردم دوست دارن حیاط داشته باشن

Did you fix my car?  
Not yet

ماشینمو درست کردی؟  
هنوز نه

It takes a long time to fix it.

تعمیر کردنش خیلی وقت میخواد

Close the door, please.

در رو ببند لطفاً

Is Ali's office here? His office is next door.	آیا دفتر علی اینجاست؟ دفترش همین کنارمونه
Your car's in front of my car.	ماشینت جلوی ماشین منه
Can you move your car? Why? Because your car's in front of my car. Because your car is in front of my car.	میتونی ماشینتو جابه جا کنی؟ چرا؟ چون ماشینت جلوی ماشین منه
How was your trip to Iran? It was good.	سفرت به ایران چطور بود؟ خوب بود
I had a good time there.	اونجا بهم خوش گذشت
Were you in Tehran all the time? No, we went to Mashhad, too.	آیا تمام مدت تهران بودید؟ نه، به مشهد هم رفتیم
We were in Tehran most of the time. We watch TV most of the time.	ما اکثر اوقات تهران بودیم ما اکثر اوقات تلویزیون تماشا میکنیم
Let's sit in the front.	بیا جلو بشینید
Most of my friends are from Iran.	اکثر دوستانم اهل ایرانن
Most of us went to the same college. They teach in college now.	اکثر ما به یه دانشگاه رفتیم اونها الان توی دانشگاه درس میدن
But one of them is a manager. He's a manager at a phone company.	ولی یکی از اونها مدیره اون در یه شرکت تلفن مدیره
Let me show you some pictures.	بذار مقداری عکس نشونت بدم
What are you looking for? I'm looking for the pictures.	داری دنبال چی میگردی؟ دارم دنبال عکسها میگردم
They're in the closet. Which closet? The closet next to the TV.	اونها تو کمدن کدوم کمد؟ کمد کنار تلویزیون
On the map	روی نقشه
The address on the letter The address on the letter was wrong.	آدرس روی نامه آدرس روی نامه اشتباه بود
You have the wrong number.	اشتباه گرفتید ( در جواب تماس اشتباه )

Who was it? They had the wrong number.	کی بود؟ اشتباه گرفته بودن
The pictures aren't in the closet. They're not in the closet.	عکسها تو کمد نیستن
Maybe they're in the drawer. Next to the books	شاید تو کشو اند کنار کتابها
Under the letters Under the book	زیر نامه ها زیر کتاب
On the book	روی کتاب
Next to the window Behind the house	کنار پنجره پشت خونه
Your book's in front of the TV. Your book is in front of the TV.	کتابت جلوی تلویزیونه
You can't watch this movie. Why not?	تو نمیتونی این فیلم رو تماشا کنی چرا نه؟
Because you're under thirteen.	چون تو زیر سیزده هستی
Why don't you go to the living room? Can I stay here? Yes, you can.	چرا نمیری اتاق نشیمن؟ آیا میتونم اینجا بمونم؟ جواب مثبت کوتاه
Why don't you sit? Sit here. Sit there.	چرا نمیشینی؟ بشین اینجا بشین اونجا
That was my seat. Excuse me, that was my seat.	اون جای من بود ( جای نشستن ) ببخشید، اون جای من بود
I tried to call Sahar three times. But she didn't answer.	سه بار سعی کردم به سحر تلفن کنم ولی اون جواب نداد
Maybe she's moved from there. Maybe she has moved from there.	شاید از اونجا نقل مکان کرده ( شاید از اونجا رفته )
No, she still lives there.	نه، اون هنوزم اونجا زندگی میکنه
She has a new number. Can you give me her number? Of course I can.	اون یه شماره جدید داره میتونی شمارشو بهم بدی؟ البته که میتونم

Have you seen my car keys?  
They were on the newspaper this morning.

کلیدای ماشینمو دیدی؟ ( دیده ای؟ )  
روی روزنامه بودن امروز صبح

Look under the book.  
Look in my room.

زیر کتاب رو نگاه کن  
تو اتاق منو نگاه کن

You can use my car.

میتونی ماشین منو استفاده کنی

Can I use your car?  
Yes, you can use it.

آیا میتونم از ماشینت استفاده کنم؟  
آره، میتونی استفادش کنی

But first you have to find the keys to my car.  
You have to find my car keys.

ولی اول باید کلیدای ماشینمو پیدا کنی

#### مکالمه

---

علی، میتونی دنبال کلیدای ماشینم بگردی توی اتاق؟

A: Ali, can you look for my car keys in your room?

چرا تو اتاق من؟ تو امروز صبح کلیداتو همراه خودت داشتی.

B: Why in my room? You had your keys with you this morning.

فکر نکنم.

A: I don't think so.

من نبردمش، اما تو اتاقم میگردم.

B: I didn't take it, but I'll look in my room.

پیداش کردی؟

A: Did you find it?

نه، نتونستم پیداش کنم. چرا پا نمیشی و توی اتاق نشیمن رو بگردی؟

B: No, I couldn't find it. Why don't you get up and look in the living room?

اوه، آها اینهاش اینجاست.

A: Oh, here it is.

کجا بود؟

B: Where was it?

زیر کتابم بود.

A: It was under my book.

کتابت کجا بود؟

B: Where was your book?

توی کمد بود.

A: It was in the closet.

الان خوشحالی؟

B: Are you happy now?

آره، دیگه از این خوشحال تر نمیتونستم باشم.

A: Yes, I couldn't be happier.

---

Don't close the window.

پنجره رو نبند

Don't open the door.

در رو باز نکن

Don't use my phone.

از تلفنم استفاده نکن

Excuse me. Can I use the restroom?

بخشید، میتونم از دستشویی استفاده کنم

Of course! It's next to the living room.

البته، کنار اتاق نشیمنه

Let's go inside.

بیا بریم داخل

Have you seen Mina's house?

خونه مینا رو دیدی؟ ( دیده ای ؟ )

I haven't seen the inside.

از داخل ندیدم ( ندیده ام )

I haven't seen the inside of her house.

داخل خونش رو ندیدم

I haven't been inside yet.

هنوز داخل نبودم

But I have seen it from the outside.

ولی از بیرون دیدمش

What's the meaning of the word outside?

What does outside mean?

Outside means....

Outside

بیرون

I've seen her house from the outside.

خونش رو از بیرون دیدم ( دیده ام )

Is it still raining?

آیا هنوزم داره بارون میاد؟

No, it's not.

جواب منفی کوتاه

Then let sit outside.

پس بذار بیرون بشینیم

Can I use your cell phone?

میتونم از موبایلت استفاده کنم؟

Of course

البته



But you should go outside.

ولی بایستی بری بیرون

It doesn't work inside the house.

داخل خونه کار نمیکنه

Try it outside.

بیرون امتحانش کن

If you need a shirt.

اگه یه پیرهن لازم داری

There's one in the closet.

یکی تو کمد هست

---

Closet

Under

Sit

Seat

Sit

Seat

Use

You

Use

Inside

Outside

---

I had one.

یکی داشتم

I used to have one.

قبلاًها یکی داشتم

Why don't you buy a new TV?

چرا یه تلویزیون نو نمیخرید؟

I don't have any money.

هیچی پول ندارم

Most of my money

اکثر پولم

Most of my money went for the new car.

بیشتر پولم رفت واسه ماشین جدید

Manager

مدیر

The manager of our company

مدیر شرکت ما

My brother's the manager of our company.

برادرم مدیر شرکتمون

And on weekends

و در آخر هفته ها

He teaches English.

انگلیسی درس میده

Say hi to him for me.

بهبش سلام منو برسون

I haven't seen him for a long time.

خیلی وقته ندیدمش

All right. Take care.

باشه. مراقب باش

You have a message.	یه پیام داری
Leave a message.	یه پیام بذار
A man called.	یه مردی زنگ زد
He left a message.	اون پیام گذاشت
Your uncle called.	عموت زنگ زد
Did anybody call?	آیا کسی زنگ زد؟
I told your son.	به پسرت گفتم
I knew he's coming.	میدونستم داره میاد
Everyone	همه

---

Have you seen my shirt?	آیا پیرهنم رو دیدی؟ ( دیده ای ؟ )
It was in the closet.	تو کمد بود

But it's not there now.	ولی الان اونجا نیست
Look under my shirts.	زیر پیرهن های منو نگاه کن

Where's my cell phone?	موبایلم کو؟
------------------------	-------------

I used it a minute ago.	یه دقیقه پیش ازش استفاده کردم
Did you use it inside the house?	آیا داخل خونه استفاده کردی؟
No, I used it outside.	نه بیرون استفاده کردم

I saw it in the living room.	در اتاق نشیمن دیدمش
It was on the TV.	رو تلویزیون بود

Do you still teach English?	آیا هنوزم انگلیسی درس میدی؟
-----------------------------	-----------------------------

I'm not a teacher anymore.	من دیگه معلم نیستم
I'm a manager at a bank now.	الان در یه بانک مدیرم

I work most of the time.	بیشتر اوقات کار میکنم
I work most of the weekends.	اکثر آخر هفته ها کار میکنم

I'm trying to buy an apartment.	دارم سعی میکنم یه آپارتمان بخرم
---------------------------------	---------------------------------

Do you have any money	آیا پول داری؟
Yes, I do.	جواب مثبت کوتاه

Can I borrow some from you?	آیا میتونم یه کم ازت قرض کنم؟
Of course you can!	البته که میتونی

Look inside my wallet.	داخل کیف پولمو نگاه کن
Thanks a lot.	خیلی ممنون

امروز موبایل منو دیدی؟

A: Have you seen my cell phone today?

دیروز اونو توی اتاق دیدم، ولی متأسفانه امروز ندیدمش. چرا مال منو استفاده نمیکنی؟

B: I saw it yesterday in your room, but unfortunately I haven't seen it today. Why don't you use mine?

مرسی، اما باید مال خودمو پیدا کنم.

A: Thanks, but I have to find mine.

آیا روی تلویزیونه؟ آیا اون موبایله؟

B: Is that on the TV? Is that your cell phone?

نه، اون مال من نیست. آخرین باری که استفادهش کردم، توی آشپزخونه بودم.

A: No, that's not mine. Last time I used it, I was in the kitchen.

پس بایستی داخل خونه رو نگاه کنیم.

B: Then we should look inside the house.

آها اینها اینجاست.

A: Here it is.

خوبه.

B: Good.

---

Turn off the lights.

But don't turn off the answering machine.

Turn on the answering machine.

چراغ ها رو خاموش کن

ولی پیام گیر رو خاموش نکن

پیام گیر رو روشن کن

And go sit in the car.

Go sit inside the car.

و برو بشین تو ماشین

You have a message.

یه پیام دارید

Now you ask your son to call the doctor for you, but the doctor isn't his office. You say:

Leave a message.

Then leave a message.

پیام بذار

پس پیام بذار

Did you leave a message?

No, I didn't.

آیا پیام گذاشتی؟

جواب منفی

Call him again.

دوباره بهش زنگ بزن

And this time  
Leave a message.

و این بار  
یه پیام بذار

And this time leave a message.  
And leave a message this time.

و این بار یه پیام بذار

Did you leave a message this time?  
Yes, I did.

آیا این دفعه پیام گذاشتی؟  
جواب مثبت کوتاه

Are there any messages for me?  
Yes, you have a message.

آیا هیچ پیامی واسه من هست؟  
آره، یه پیام دارید

A man called.  
You have a message.  
A man called.

یه مردی زنگ زد  
یه پیام دارید  
یه مردی زنگ زد

He left a message.

اون یه پیام گذاشت

A man called about an hour ago.  
And he left a message.

یه مردی حدوداً یه ساعت پیش زنگ زد  
و یه پیام گذاشت

You have a new message.

شما یه پیام تازه دارید

Older  
An older man

مسن تر  
یه مرد مسن تر

Was it my brother?  
No, it was an older man.

آیا برادرم بود؟  
نه، یه مرد مسن تر بود

What was his name?

اسمش چی بود؟

Did he leave a message?  
Did he leave his name?  
Did he leave his number?

آیا پیام گذاشت؟  
آیا اسمشو گذاشت؟  
آیا شمارشو گذاشت؟

He left a message.  
He left his name.  
And he left his number.

یه پیام گذاشت  
اسمشو گذاشت  
و شمارشو گذاشت

The answering machine was on.  
Turn it off, please.  
Don't turn it off.

پیام گیر روشن بود  
لطفاً خاموشش کن  
خاموشش نکن

People can leave messages.

مردم میتونن پیام بذارن

Your uncle called.  
He's going to be late.

عموت ( داییت ) زنگ زد  
اون دیر خواهد آمد

Is my uncle coming here?  
Yes, he's coming.

آیا داییم داره میاد اینجا؟  
آره، داره میاد

You have a message.  
From your uncle

یه پیام داری  
از عموت

Your uncle left a message.  
Are you sure it was my uncle?  
I think so.

عموت یه پیام گذاشت  
مطمئنی عموم بود؟  
فکرکنم

But maybe it wasn't your uncle.

ولی شاید عموت نبود

He called about an hour ago.  
And he left a message.

حدوداً یک ساعت پیش زنگ زد  
و یه پیام گذاشت

Was the answering machine on?  
Yes, I turned it on.

آیا پیام گیر روشن بود؟  
آره، روشنش کردم

I thought it was off.

فکر کردم خاموش بود

Did anybody call?  
A man called.  
And you have a message.

آیا کسی زنگ زد؟  
یه مردی زنگ زد  
و یه پیام داری

Did anybody call?  
Yes, four people called.  
But you only have two messages.

آیا کسی زنگ زد؟  
آره، چهار نفر زنگ زدن  
ولی تو فقط دوتا پیام داری

Your uncle called.  
About an hour ago

عموت زنگ زد  
حدوداً یک ساعت پیش

He's coming here on Monday.

داره روز دوشنبه میاد اینجا

Did you tell anybody?

آیا به کسی گفتی؟

I told our son.  
I told him yesterday.

به پسرمون گفتم  
دیروز بهش گفتم

Wait a minute.  
I told our daughter, too.

یه دقیقه صبر کن  
به دخترمون هم گفتم

And she told her friends.

و اون به دوستاش گفت

I called her last night.  
But she wasn't home.

دیشب بهش زنگ زدم  
ولی خونه نبود

I left a message for her.  
I left her a message.

یه پیام واسش گذاشتم

Did anybody call? Yes, your uncle called.	کسی زنگ زد؟ آره، داییت زنگ زد
I told you already.	قبلاً بهت گفتم
I knew he's coming Our son knows, too.	میدونستم داره میاد پسرمون هم میدونه
He knew yesterday.	دیروز میدونست
Did you know he's coming with his wife? Yes, I knew that. No, I didn't know that.	آیا میدونستی با خانمش میاد؟ آره، میدونستم نه، نمیدونستم
We're going to have dinner after the meeting.	خیال داریم بعد از جلسه شام صرف کنیم
You told me already. I knew that already.	قبلاً بهم گفتی قبلاً میدونستم
Who's going? Everyone	کیا میرن؟ (چه کسی) همه (هر کسی)
Everyone is going to be there.	همه به اونجا خواهند آمد
Are you going to be there, too? I have to call my wife first.	آیا شما هم خیال دارید اونجا باشید؟ اول باید به خانم زنگ بزنم
Her uncle's coming to visit. And we're going to have dinner together.	عموش داره واسه دیدار میاد و خیال داریم با هم شام صرف کنیم
Did you talk to your wife? No, I didn't.	با خانمت حرف زدی؟ جواب منفی کوتاه
Then leave a message. I left the message.	پس پیام بذار پیام گذاشتم
But the number's busy now.	ولی شماره الان مشغوله
I told her to go without me.	بش گفتم بدون من بره
I think she knew. That you weren't going to go. I think she knew that you weren't going to go.	فکر کنم میدونست که خیال نداشتی بری فکر کنم میدونست که خیال نداشتی بری
I knew that, too.	منم میدونستم

Did you tell anybody?  
I just told your wife.  
I told her yesterday.

به کسی گفتی؟  
فقط به خانمت گفتم  
دیروز بهش گفتم

I told everyone.

به همه گفتم

Did you tell that man?  
I don't know that man.

به اون مرده گفتی؟  
اون مرده رو نمیشناسم

Then you didn't tell everyone.

پس به همه نگفتی

My back hurts.  
I have a stomachache, too.

کمرم درد میکنه  
شکم درد هم دارم

Did you call the doctor?  
Yes, I left a message for him.  
Yes, I left him a message.

به دکتر زنگ زدی؟  
آره، واسش پیام گذاشتم  
آره، واسش پیام گذاشتم

Do we still have our health insurance?  
Yes, we do.  
Yes, we still have our health insurance.

آیا هنوزم بیمه درمانیمون رو داریم؟  
جواب مثبت کوتاه  
جواب مثبت بلند

Are you still paying for it?  
Yes, I am.

هنوزم داری واسش پول میدی؟  
جواب مثبت کوتاه

My uncle's a manager.  
An insurance company  
My uncle's a manager of an insurance company.

داییم مدیره  
یه شرکت بیمه  
داییم مدیر یه شرکت بیمه است

Can I get a loan?

آیا میتونم یه وام بگیرم؟

Can we get insurance?  
We have insurance already.

آیا میتونیم بیمه بگیریم؟  
ما که بیمه داریم

Do we have insurance?

آیا ما بیمه داریم؟

Does everyone have insurance?  
Does your sister have insurance?

آیا همه بیمه دارن؟  
آیا خواهرت بیمه داره؟

Most people have insurance.  
I didn't know that.

اکثر مردم بیمه دارن  
نمیدونستم

I knew that.  
I know.

میدونستم  
میدونم

---

Message

Please leave a message.

Live

I live in Iran.

Anybody

Everyone

Knew

Know

I know that.

I knew that.

A new car

Uncle

Man

A man called.

---

### مکالمه

---

سلام، آیا کسی با من تماس گرفته؟

A: Hello, did anybody call for me?

آره، چند نفر زنگ زدند، اما شما فقط دوتا پیام دارید. دابیت حدوداً دو ساعت پیش زنگ زد. اون یه پیام روی پیام گیر گذاشت. اون میخواست فردا صبح برش داره، و بردش به فرودگاه. یه مرد دیگه ای تماس گرفت اما مطمئن نیستم اون کی بود.

B: Yes, a few people called, but you only have two messages. Your uncle called about two hours ago. He left a message on the answering machine. He wants to pick him up tomorrow morning, and take him to the airport. Another man called but I'm not sure who he was.

آیا اون پیام گذاشت؟

A: Did he leave a message?

نه، متاسفانه اون موقع پیام گیر خاموش بود. من اسمشو میدونم، اما نمیتونم در حال حاضر به یادش بیارم.

B: No, unfortunately the answering machine was off then. I knew his name, but I can't remember right now.

اما بهت گفتم پیام گیر روشن کن.

A: But I told you to turn the answering machine on.

میدونم. متاسفم.

B: I know. I'm sorry.

اشکال نداره. اون دوباره تماس میگیره اگه بخواد با من صحبت کنه.

A: It's okay. He'll call again if he wants to speak to me.

---



I saw Sahar when I was at Mina's house.	وقتی خونه مینا بودم سحر رو دیدم
This is very important.	این خیلی مهمه
Did anybody else call?	آیا کس دیگه ای تلفن کرد؟
You can use a public phone.	میتونی از یه تلفن عمومی استفاده کنی
I always took the bus.	من همیشه اتوبوس میگرفتم (سوار میشدم)
I knew nobody there.	من اونجا هیچ کس رو نمیشناختم
We got here about two o'clock.	ما حدود ساعت دو رسیدیم اینجا
Everybody knows about that.	همه از اون جریان خبر دارن
About half an hour ago	حدود نیم ساعت پیش
I'll call you back.	من بهت تلفن خواهم کرد
I took my sister to the airport.	خواهرم رو بردم فرودگاه

---

Everyone knows my brother.	همه برادرم و میشتاسن
Did Ali tell you?	آیا علی بهت گفت؟
That his sister's coming.	که خواهرش داره میاد؟
Did Ali tell you that his sister's coming?	آیا علی بهت گفت که خواهرش داره میاد؟
Yes, he told me yesterday.	آره، دیروز بهم گفت
I knew that already.	از قبل اینو میدونستم
How did you know that?	چطور اونو میدونستی؟
Last week	هفته پیش
When I was at Ali's house.	وقتی که خونه علی بودم
Last week, when I was at Ali's house.	هفته پیش وقتی خونه علی بودم
His sister called.	خواهرش زنگ زد
She told Ali.	اون به علی گفت
That she's planning to come here.	که برنامہ داره بیاد اینجا
Is she coming alone?	آیا داره تنها میاد؟
No, her uncle's coming, too.	نه، عموش هم داره میاد
Doesn't her uncle live in France?	مگه عموش تو فرانسه زندگی نمیکنه؟
Yes, he does.	جواب مثبت کوتاه
How will they be on the same flight?	اونها چطور توی یه پرواز خواهند بود؟
Sahar's flight is from Tehran to Paris.	پرواز سحر از تهران به پاریسه
Her uncle will be there.	عموش اونجا خواهد بود
When Sahar arrives in Paris.	وقتی که سحر به پاریس برسه
From there	از اونجا
They'll be on the same flight.	اونها تو یه پرواز خواهند بود

To Los Angeles  
They'll be on the same flight to Los Angeles.

به لس آنجلس  
اونها تو يه پرواز به لس آنجلس خواهند بود

Have you seen my wallet?  
No, why?  
I can't find it.

كيف پولمو ديدى؟  
نه، چرا؟  
نميتونم پيداش كنم

When was the last time you saw it?  
When I went to the mall yesterday.

آخريين بار كى بود ديديش؟  
وقتي ديروز رفتم پاساژ

I remember that I still had it.  
But since yesterday  
I haven't seen it anymore.

يادم مياد كه هنوزم داشتمش  
ولى از ديروز  
ديگه اونو نديدم ( نديده ام )

### مکالمه

---

سلام.

A: Hello.

بله، ميتونم با مينا صحبت كنم لطفاً؟

B: Yes, can I speak to Mina, please.

مينا صحبت ميكنه.

A: Mina's speaking.

سلام مينا.

B: Hello, Mina.

سلام، ميتونم بپرسم كى تماس گرفته؟

A: Hi, can I ask who's calling?

اسم من جان اسميٲه. شما كيف پولتون رو گم كرديد مينا؟

B: My name is John Smith. Are you missing your wallet, Mina?

آره. چطور ميدونيد؟

A: Yes. How do you know that?

من نوى پاساژ كار ميكنم. فكر ميكنم بعد از اينكه شما ديشب شامتون رو خورديد، كيف پولتون رو اينجا جا گذاشتيد.

امروز بازش كرديم، و شماره تلفنتون رو ديدم. به همين خاطر باهاتون تماس گرفتم.

B: I work at the mall. I think after you had your dinner last night, you left your wallet here.

We opened it today, and saw your phone number. That's why I'm calling you.

اوه، خیلی ممنونم آقا. الان با شوهرم داشتیم دربارش حرف میزدیم. واقعاً نمیدونم چطوری ازتون تشکر کنم.

A: Oh, thank you very much, sir. I was just talking to my husband about it. I really don't know how to thank you.

درسته. میخواید الان برش دارید؟

B: That's all right. Do you want to pick it up now?

بله لطفاً. من ظرف چند دقیقه اونجا خواهم بود.

A: Yes, please. I'll be there in a few minutes.

عالیه.

B: Great.

Did anybody call me?

Yes, a man called you.

About an hour ago

آیا کسی به من تلفن کرد؟

آره، یه آقای بهت تلفن کرد

حدود یه ساعت پیش

Did he leave his name?

Yes, his name was James.

اسمشو گذاشت؟

آره، اسمش جیمز بود

I don't know anybody by that name.

من کسی رو به اون اسم نمیشناسم

But he told me that you know him.

ولی اون بهم گفت که تو میشناسیش

I knew a James in college.

But that was a long time ago.

من یه جیمز تو دانشگاه میشناختم

ولی اون خیلی وقت پیش بود

He'll call again

اون دوباره تلفن میکنه ( خواهد کرد )

If there something important.

Important

He'll call again.

اگه چیز مهمی باشه

مهم

اون دوباره تلفن خواهد کرد

If there something important.

اگه چیز مهمی باشه

Did anybody else call?

Anybody else

کس دیگه ای تلفن کرد؟

کس دیگه ای

Your brother called, too.

But I wasn't in the office.

He left a message.

برادرت هم تلفن کرد

ولی من تو دفتر نبودم

اون پیام گذاشت

Is your cell phone with you?

No, it isn't.

موبایلت باهاته

جواب منفی کوتاه

I have to call my sister.  
Can't you call her later?

باید به خواهرم تلفن کنم  
نمیتونی بعداً باهاش تماس بگیری؟

No, it's something important.

نه، چیز مهمیه

You can use a public phone.

میتونی از یه تلفن عمومی استفاده کنی

Public phone  
Public restroom  
Public park  
Public holiday  
Public library

تلفن عمومی  
دستشویی عمومی  
پارک عمومی  
تعطیل عمومی  
کتابخانه عمومی

I was thirty years old.  
When we came to Tehran.

من سی سال داشتم  
وقتی ما به تهران اومدیم

Tehran was different at that time.

تهران اون زمان فرق داشت

We didn't have a car.  
I always took the bus.

ما ماشین نداشتیم  
من همیشه اتوبوس میگرفتم (سوار میشدم)

I didn't know anybody there.  
I knew nobody there.

من کسی رو اونجا نمیشناختم

What's the meaning of nobody?  
What does nobody mean?  
It means....  
I knew nobody there.

من اونجا هیچ کسی رو نمیشناختم

Nobody

هیچ کس

Did anybody call?  
No, nobody called.

کسی تلفن کرد؟  
نه هیچ کس تلفن نکرد

Nobody came to visit me.  
When I was sick.  
Nobody came to visit me when I was sick.

هیچ کس نیومد از من دیدن کنه  
وقتی مریض بودم  
هیچ کس نیومد از من دیدن کنه وقتی مریض بودم

You have an important call.  
Don't you want to answer it?

شما یه تلفن مهم دارید  
نمیخواید جوابشو بدید؟

Ask who it is?  
It's your friend James.

بپرس کیه؟  
دوستتون جیمزه

The same James that called a few days ago.

همون جیمزی که یه چند روز پیش تلفن کرد.

Let me talk to him.  
Take his message

بذار باهاش حرف بزنم  
پیغامشو بگیر

Did you take his message?  
Yes, I took his message.

پیغامشو گرفتی؟  
آره، پیغامشو گرفتم

Mina took your car.

مینا ماشین تو رو برداشت

It took me two hours to get here.

دوساعت واسم طول کشید تا بیام اینجا

What time did you get here?  
We got here about two o'clock.

چه ساعتی رسیدید اینجا؟  
ما حدود ساعت دو اومدیم اینجا

Ali and Mina don't live together anymore.  
Does anybody else know about that?

علی و مینا دیگه با هم زندگی نمیکنن  
آیا کس دیگه ای از این جریان خبر داره؟

No, nobody else knows about that.  
Yes, everybody knows about that.

نه هیچ کس دیگه ای از اون جریان خبری نداره  
آره، همه از اون جریان خبر دارن

What does every body mean?  
What's the meaning of everybody?  
It means....  
Everybody knows about that.

همه کس ( همه ) از اون جریان خبر دارن

That's not important.  
I think we should do something.

اون مهم نیست  
فکر میکنم بایستی کاری انجام بدیم

They're both nice people.

اونا هر دو آدمای خوبی هستن

How did you know about that?  
Sahar called me.  
She told me.

چطور از اون جریان خبر داشتی؟  
سحر باهام تماس گرفت  
اون بهم گفت

When?  
About half an hour ago

کی؟  
حدود نیم ساعت پیش

Half

نیم ( نصف )

Two and a half  
Two and a half hours

دو و نیم  
دو ساعت و نیم

It took three and half hours.  
To fix your car

سه ساعت و نیم طول کشید  
درست کردن ماشینت

Half an hour  
Half an hour ago

نیم ساعت  
نیم ساعت پیش

Call me at work tomorrow.

فردا سر کار بهم تلفن کن

You're not in your office.

تو توی دفترت نیستی

Most of the time

اکثر اوقات

You're not in your office most of the time.

تو اکثر اوقات توی دفترت نیستی

I have an answering machine in my office.

من یه پیام گیر توی دفترم دارم

You can leave a message.

میتونی پیام بذاری

And I'll call you back.

و من بهت تلفن خواهم کرد

I'll call you back.

### مکالمه

---

سلام جیم. من دیروز بهت زنگ زدم، و واست پیام گذاشتم. پیام رو گرفتی؟

A: Hi, Jim. I called you yesterday, and I left a message. Did you get my message?

آره، پیامت رو دریافت کردم. ببخشید باهاتون تماس نگرفتم.

B: Yes, I got your message. I'm sorry I didn't call you back.

اشکالی نداره. میخواستم بدونم شما کسی رو میشناسید به زودی بره ایران؟

A: That's okay. I wanted to know if you know anybody who's going to Iran soon.

دخترم داره میره اونجا.

B: My daughter's going there.

واقعاً؟ کی داره میره؟

A: Really? When's she going?

اون برنامه داره ظرف یه چند هفته بره.

B: She's planning to go in a few weeks.

من نمیتونم این مدت صبر کنم. من یه نامه مهم دارم که بایستی بره ایران. نمیدونی چه کس دیگه ای میره ایران؟

A: I can't wait that long. I have an important letter that should go to Iran. Don't you know anybody else who's going to Iran?

صبر کن. فکر کنم والدین دوست پسر من آخر این هفته دارن میرن ایران.

B: Wait! I think the parents of my son's friend are going to Iran this weekend.

اونها رو میشناسی؟

A: Do you know them?

اونها رو دیدم، ولی خوب نمیشناسمشون. فکر میکنم اونا میتونن نامت رو ببرن ایران.  
یادمه پارسال وقتی واسه ملاقات پسرشون اینجا بودن، خانمم یه نامه واسه والدینش داشت،  
و اونها بردنش ایران.

B: I've seen them, but I don't know them well. I think they can take your letter to Iran.  
I remember last year when they were here visiting their son, my wife had a letter for her parents,  
and they took it to Iran.

عالیه جیم. من اونجا خواهم بود ظرف نیم ساعت.

A: That's great Jim. I'll be there in half an hour.

اوکی. به زودی میبینمت.

B: Okay. See you soon.

بای.

A: Goodbye.

Ali left a message for you.

علی واست پیغام گذاشت

Ali left you a message.

Did anybody else call?

کس دیگه ای تلفن کرد؟

Yes, your sister called.

آره، خواهرت زنگ زد

She wanted you call her back.

اون خواست که بهش تلفن کنی

I have an important meeting.

من یه جلسه مهم دارم

In half an hour

در ظرف نیم ساعت

Everybody in this room is from Iran.

همه توی این اتاق اهل ایرانند

Everyone in this room is from Iran.

The door was open when I came here.

در باز بود وقتی من اومدم اینجا

The door was open when I got here.

Please answer my letter.

خواهش میکنم به نامم جواب بده

When you have time.

وقتی وقت داشتی

---

Important  
Else  
Anybody else  
Nobody else  
Public  
Public restroom  
Took  
Take  
Took  
Look  
I took the bus.  
Half  
Half an hour  
Half an hour ago  
Where  
Where were you?

---

There's a public phone over there.  
Public library

یه تلفن عمومی اونجا هست  
کتابخانه عمومی

Where were you?

کجا بودی؟

I took my sister to the airport.  
I took the children to the movies.

خواهرمو بردم فرودگاه  
بچه ها رو بردم سینما



There's a bank near the post office.  
Can somebody help me?  
I don't know. Ask somebody else.  
I'm hungry.  
I'm thirsty.  
It's a long trip.  
We won't move to Tehran.  
They won't stay for dinner.  
There were other people there, too.

یه بانک نزدیک اداره پسته  
آیا کسی میتونه به من کمک کنه؟  
نمیدونم، از یه کسی دیگه ای بپرسید  
گرسنمه  
تشنمه  
سفر طولانیه  
ما به تهران نقل مکان نخواهیم کرد  
اونها واسه شام نخواهند ماند  
آدمای دیگه ای هم اونجا بودن

---

Public phone  
Public holiday  
You can use a public phone.

تلفن عمومی  
تعطیل عمومی  
میتونی از یه تلفن عمومی استفاده کنی

I had a meeting yesterday.  
Everybody was in the meeting.

دیروز یه جلسه داشتم  
همه تو جلسه بودن

How long did the meeting take?  
It took two and a half hours.

جلسه چقدر طول کشید  
دو ساعت و نیم طول کشید

Mina wasn't in the meeting.  
When I got there.  
Mina wasn't in the meeting when I got there.

مینا تو جلسه نبود  
وقتی من اونجا رسیدم  
مینا تو جلسه نبود وقتی من اونجا رسیدم

But she came later.  
She was late.

ولی بعداً اومد  
اون دیر کرد ( دیر اومد )

Important  
An important message  
I have an important message for you.

مهم  
یه پیام مهم  
من یه پیام مهم واسه تو دارم

I called you this morning.  
But nobody answered.

امروز صبح بهت تلفن کردم  
ولی هیچ کس جواب نداد

Weren't you home?  
No, we took our children to the park.

خونه نبودید؟  
نه، بچه هامونو بردیم به پارک

To which park?  
There's a park close to our house.  
There's a park near our house.

به کدوم پارک؟  
یه پارک نزدیک خونمون هست

What's the meaning of the word near?  
What does near mean?  
It means....  
Near

نزدیک

There's a park near our house.  
There's a bank near the post office.

یه پارک نزدیک خونمون هست  
یه بانک نزدیک اداره پست هست

Is there a gas station near here?  
Yes, there's one near the mall.  
I don't know.

آیا پمپ بنزینی نزدیک اینجا هست؟  
آره، یکی نزدیک پاساژ هست  
نمیدونم

You have to ask somebody else.

باید از یه کس دیگه ای بپرسید

Can somebody help me?  
I know somebody.  
I know somebody that can help you.

آیا کسی میتونه به من کمک کنه؟  
من یه کسی رو میشناسم  
من یه کسی رو میشناسم که میتونه بهت کمک کنه

Did anybody call me?  
Yes, a man called.  
And he left his number.

کسی بهم تلفن کرد؟  
آره، یه آقای تلفن کرد  
و شمارشو گذاشت

You should call him back.

تو بایستی بهش تلفن کنی

Did anybody else call?  
Yes, somebody else called, too.  
Nobody else called.

کس دیگه ای تلفن کرد؟  
آره، یه کس دیگه ای هم تلفن کرد  
هیچ کس دیگه ای تلفن نکرد

Did you take my letter to the post office?  
No, but I'll take it this afternoon?

نامه منو بردی اداره پست؟  
نه، ولی امروز بعد از ظهر میبرمش ( خواهام بردمش )

Why don't you take it now?  
Because I want to eat something.

چرا الان نمیبریش؟  
چون میخوام به چیزی بخورم

I'm hungry.

گرسنمه

Are you hungry?  
No, I'm not hungry.

آیا گرسنته؟  
نه، گرسنم نیست

I had my lunch half an hour ago.

من نیم ساعت پیش ناهارم رو خوردم ( صرف کردم )

Can I have a glass of water?  
I'm very thirsty.

میتونم یه لیوان آب داشته باشم؟  
من خیلی تشنمه

What's the meaning of the word thirsty?  
What does thirsty mean?  
It means....  
Thirsty

تشنه

I'm thirsty.  
I have to drink something.  
Because I'm thirsty.

تشنمه  
باید یه چیزی بنوشم  
چون تشنمه

Would anybody else like to drink something? No, we're not thirsty. But we're a little hungry.	آیا کسی دیگه ای مایله چیزی بنوشه؟ نه ، ما تشنمون نیست ولی یه کم گرسنمونه
How far is Los Angeles from here? It's very far. It takes eight hours to get there.	لس آنجلس از اینجا چقدر دوره؟ خیلی دوره رسیدن به اونجا هشت ساعت طول میکشه
It's a long trip. Long	سفر طولانیه طولانی ( بلند )
A long meeting A long time A long time ago	یه جلسه طولانی یه مدت طولانی ( یه مدت زیاد ) خیلی وقت پیش
I had a long telephone conversation. With my uncle	یه مکالمه تلفنی طولانی داشتم با عموم
An important conversation	یه مکالمه مهم
What do we have for dinner? We have rice with kebab.	واسه شام چی داریم؟ پلو با کباب داریم
Are you very hungry? Yes, I am.	خیلی گرسنته؟ جواب مثبت کوتاه
You can eat some bread. Until dinner's ready	میتونی مقداری نون بخوری تا شام حاضر بشه

#### مکالمه

کسی میتونه به من بگه ساعت چنده؟

A: Can somebody tell me what time it is?

دوازده و بیست دقیقه ست .

B: It's twelve twenty.

هنوز ناهار حاضر نشده؟

A: Isn't lunch ready yet?

نه، باید صبر کنی.

B: No, you have to wait.

من امروز بعد از ظهر یه جلسه مهم دارم.

A: I have an important meeting this afternoon.

ساعت چند جلستون شروع میشه؟

B: What time does your meeting start?

ساعت دو.

A: At two o'clock.

هنوزم وقت داری.

B: You still have time.

اما از اینجا تا کارم راه طولانیه. تقریباً یه ساعت طول میکشه. نزدیک فرودگاهه.

A: But it's a long way from here to my work. It almost takes an hour. It's near the airport.

یه کتابی بخون یا یه کم تلویزیون نگاه کن. همین که ناهار حاضر شد بهت خبر میدم. بایستی صبر کنی تا ناهار حاضر بشه.

B: Read a book or watch some TV. I let you know as soon as lunch is ready. You have to wait until lunch gets ready.

اوکی. من یه خورده تشنمه. میتونم یه لیوان آب داشته باشم؟

A: Okay. I'm a little thirsty. Can I have a glass of water?

البته. بفرمایید.

B: Of course! Here you are.

مرسی.

A: Thanks.

There's a library near our apartment.

نزدیک آپارتمان ما یه کتابخونه است

I want my children to be near me.

من میخوام بچه هام نزدیک خودم باشن

I'll read this book.

این کتاب رو خواهم خواند

I will read this book.

I will not read this book.

این کتاب رو نخواهم خواند

I won't read this book.

I won't buy this car.

این ماشین رو نخواهم خرید ( فشرده )

I'll not buy this car.

We won't go to Los Angeles.

ما به لس آنجلس نخواهیم رفت ( فشرده )

We'll not go to Los Angeles.

Don't say that to anybody.

اونو به کسی نگو

I won't say that to anybody.

اونو به کسی نخواهم گفت

When will Ali move to Mashhad?

علی کی به مشهد نقل مکان میکنه؟

He won't go there.

اون به اونجا نخواهد رفت ( فشرده )

We went to Mina's house Saturday night. Was anybody else there?	ما شنبه شب رفتیم منزل مینا کس دیگه ای اونجا بود؟
There were other people there, too.	آدمای دیگه ای هم اونجا بودن
Other people	آدمای دیگه ای ( افراد دیگه ای )
I didn't know them. But my brother knew them.	من اونها رو نمیشناختم ولی برادرم اونها رو میشناخت
It was eight o'clock. When we got there. We had a good time there.	ساعت هشت بود وقتی ما اونجا رسیدیم اونجا بهمون خوش گذشت
How did you come here? I took the bus.	چطوری اومدی اینجا؟ اتوبوس رو گرفتم
Did anybody call? No, nobody called.	آیا کسی تلفن کرد؟ نه، هیچ کس تلفن نکرد
Did you return the book to the library?	آیا کتاب رو برگردوندی کتابخونه؟
No, I don't know why. The library was closed. I don't know why the library was closed.	نه، نمیدونم چرا کتابخونه بسته بود نمیدونم چرا کتابخونه بسته بود
Other libraries were open. Maybe they're fixing something.	کتابخونه های دیگه باز بودن شاید اونها دارن چیزی رو درست میکنن
I couldn't see anything from the outside. Maybe they're working inside.	من از بیرون نتونستم چیزی ببینم شاید دارن داخل کار میکنن
Why don't you call them? I don't have their number.	چرا بهشون تلفن نمیکنی؟ شمارشونو ندارم
Did you get my message? No. When did you call?	پیغامو گرفتی؟ نه، کی تلفن کردی؟
I called about half an hour ago. I called when I got home.	من حدوداً نیم ساعت پیش تلفن کردم وقتی رسیدم منزل تلفن کردم
I think my answering machine doesn't work. I think my answering machine isn't working.	فکر میکنم پیام گیرم کار نمیکنه
Somebody else called, too. An old man called.	یه کسی دیگه ای هم تلفن کرد یه آقای مسنی تلفن کرد
He couldn't leave a message.	اون نتونست پیغام بذاره

Near our house  
Close to our house.

نزدیک خونمون  
نزدیک به خونمون

---

Near  
Here  
Near  
Hungry  
I'm hungry.  
Thirsty  
I'm thirsty.  
Won't  
Will not  
Won't  
Other  
Other people

---

Nobody lives in this house.

هیچ کس تو این خونه زندگی نمیکنه

I thought somebody lives here.  
I thought that somebody lives here.

من فکر میکردم یه کسی اینجا زندگی میکنه

Somebody used to live here.

یه کسی قبلاًها اینجا زندگی میکرد

Can I use your cell phone?  
Of course you can.

میتونم از موبایلت استفاده کنم؟  
البته که میتونی

I'm waiting for an important call.

من منتظر یه تلفن مهمی هستم

I'm hungry.  
I'm thirsty.

گرسنمه  
تشنمه

I'm busy right now.  
Call me later.

در حال حاضر سرم شلوغه  
بعداً بهم تلفن کن

She's a nice woman.  
I'm sorry to bother you.  
Is there a bank around here?  
There's one around the corner.  
I want to invite you.  
We'll take care of it.  
Can you take care of the children?

اون زن خوبیه  
متاسفم مزاحمت می‌شدم  
آیا این طرفا بانکی هست؟  
یکی دور و بر نبش هست  
من می‌خوام دعوتت کنم  
ما ترتیب اونو خواهیم داد  
میتونی از بچه‌ها مواظبت کنی؟

---

I'm thirsty.  
The children are hungry.  
  
Our trip was very long.  
It took six hours.  
  
I took my wife to the library.  
  
Somebody called your brother.  
They had a long phone conversation.

تشنمه  
بچه‌ها گرسنشونه  
  
سفرمون خیلی طولانی بود  
شش ساعت طول کشید  
  
خانمم رو بردم کتابخونه  
  
یه کسی به برادرت تلفن کرد  
اونایه مکالمه تلفنی طولانی داشتن

Did you call your sister back?  
Call her back.  
You should call her back.

به خواهرت تلفن کردی؟  
بهش تلفن کن  
بایستی بهش تلفن کنی

Can somebody help me?  
I need your help.

آیا کسی میتونه کمکم کنه؟  
به کمکت احتیاج دارم

They won't stay here.

اونها اینجا نخواهند بود ( فشرده )

I won't let you go.

نمیذارم بری

I'll be there in a few minutes.  
What was your address?

من ظرف یه چند دقیقه اونجا خواهم بود  
آدرسست چی بود؟

Is your house near the post office?  
Yes, it is.

آیا خونت نزدیک اداره پسته؟  
جواب مثبت کوتاه

I want to talk to Mina.  
Don't talk to her.

می‌خوام با مینا حرف بزنم  
بهاش حرف نزن

In front of her friends  
In front of other people

جلوی دوستاش  
جلوی آدمای دیگه

She won't like it.

ازش خوشش نخواهد اومد

Somebody called.

یه کسی تلفن کرد

Was it a man or a woman?

مرد بود یا زن؟

What's the meaning of the word woman?

What does woman mean?

It means....

Woman

زن

Was it a man or a woman?

مرد بود یا زن؟

She's a nice woman.

اون زن خوبیه

A woman left a message for you.

یه زنی واستون پیغام گذاشت

A woman left you a message.

Are you very busy?

آیا سرتون خیلی شلوغه؟

A little

یه خورده

I'm sorry to bother you.

متاسفم مزاحمتون میبشم ( زحمتتون میدم )

I just have a question.

من فقط یه سوال دارم

Can I bother you for a minute?

میتونم یه دقیقه مزاحمتون بشم؟

I'm talking to somebody on the phone.

دارم تلفنی با یه کسی حرف میزنم

Can you come back in ten minutes?

میتونید ده دقیقه دیگه برگردید؟



کیه؟

A: Who is it?

علی هستم.

B: It's Ali.

علی، امروز صبح حالت چطوره؟

A: Ali, how are you this morning?

خوبم، مرسی. مینا ببخشید مزاحمتون میشم.

B: I'm fine, thanks. I'm sorry to bother you, Mina.

اوه، اشکالی نداره. فقط داشتیم نگاه تلویزیون میکردم. بیا داخل. دوست داری یه چیزی بنوشی؟

A: Oh, that's okay. I was just watching TV. Come in! Would you like to have something to drink?

نه، متشکرم. من فقط چند دقیقه وقت دارم. هنوزم داری کتابی رو که از کتابخونه امانت گرفتم میخونی؟

B: No, thank you. I only have a few minutes. Mina, are you still reading the book I borrowed from the library?

آره، هنوزم میخونمش. چرا؟

A: Yes, I'm still reading it. Why?

خیلی متاسفم، امروز باید کتاب رو برگردونم به کتابخونه.

B: I'm very sorry, but I have to return the book to the library today.

اشکالی نداره. کدوم کتابخونه میری؟

A: That's okay. Which library do you go to?

نزدیک بانکه توی خیابون مین. تقریباً نزدیک بانکه.

B: It's near the bank on Main Street, almost next to the bank.

اوه، میدونم کجاست. بیا کتابت علی.

A: Oh, I know where it is. Here's your book, Ali.

مرسی مینا.

B: Thanks, Mina.

خواهش میکنم.

A: You're welcome.

---

I have a cold.	سرما خوردم
You should get some medicine. I have to go to the pharmacy.	تو بایستی مقداری دارو بگیری باید برم داروخانه
Is there a pharmacy around here? I don't know. I don't live here. Ask somebody else.	آیا این طرفا داروخانه ای هست؟ نمیدونم ، من اینجا زندگی نمیکنم از یه کس دیگه ای بپرسید
There's a pharmacy near here. There's one around the corner.	یه داروخانه نزدیک اینجا هست یکی دور و بر نبش هست
Around the corner There's one around the corner.	دور و بر نبش یکی اطراف نبش هست
Is there a bank around here? Yes, there's one around the corner.	آیا این طرفا بانک هست؟ آره ، یکی دور و بر نبش هست
I'm hungry. I know a good Persian restaurant. Let's eat there.	گرستمه من یه رستوران خوب ایرانی میشناسم بذار اونجا غذا بخوریم
Is it far from here? No, it's around the corner.	آیا از اینجا دوره؟ نه ، دور و بر نبشه
We can walk there. But I don't have money with me.	میتونیم پیاده بریم اونجا ولی پول همراه ندارم
I'll invite you.	من دعوتت خواهم کرد
I won't let you pay. I want to invite you.	نمیذارم پول بدی من میخوام دعوتت کنم

#### مکالمه

علی، شنبه ست. دوست دارم یه کاری بکنم.

A: Ali, it's Saturday. I'd like to do something.

منم همینطور. تمام هفته سخت کار کردم، الان وقتشه که بجای کار کردن کل روز کار دیگه ای انجام بدم.

B: Me too. I worked hard all week, and now it's time to do something instead of working at the job all day.

من یه فکری دارم. چرا ما نمیرویم پارک؟

A: I have an idea. Why don't we go to the park?

فکر خوبییه. بایستی با خودمون کمی غذا ببریم؟

B: That's a good idea. Should we take some food with us?

میتونیم، ولی واقعاً لازم نداریم.

A: We can, but we really don't need to.

چرا نه؟

B: Why not?

چون من میخوام به ناهار دعوت کنم، و مهمون منی. ( قصد دارم حساب کنم )

A: Because I want to invite you to lunch, and I'm going to pay.

واقعاً؟

B: Really?

آره.

A: Yes.

این اولین باره منو به ناهار دعوت میکنی.

B: This is the first time you are inviting me to lunch.

دو هفته پیش دعوت کردم، یادت نمیاد؟

A: I invited you two weeks ago, don't you remember?

اوکی. دوست داری ناهار کجا ببریم؟

B: Okay. Where would you like to go for lunch?

من یه این طرفا یه رستوران خوب بلدم.

A: I know a good restaurant around here.

باید رانندگی کنیم؟

B: Do we have to drive?

نه، اگه خوای میتونیم پیاده ببریم. اطراف نیشه.

A: No, we can walk if you want. It's around the corner.

پس بیا حاضر بشیم.

B: Then let's get ready.

---

I'm sorry to bother you.  
Can I ask you a question?  
Of course

متاسفم مزاحمتون می‌شوم  
میتونم یه سوالی ازتون بپرسم  
البته

What's your address?

آدرستون چیه؟

There are two different addresses on this letter.  
Which one is your address?

دو تا آدرس متفاوت روی این نامه هست  
کدوم یکی آدرس شماست؟

My address is the top one.

آدرس من بالاییه

Thanks for your help.  
You're welcome.

مرسی از کمکتون  
خواهش میکنم

Where do I have to send this letter?  
You don't need to send this letter.

این نامه رو کجا باید بفرستم؟  
احتیاج ندارید این نامه رو بفرستید

We'll take care of it.

ما ترتیبشو خواهیم داد

I'll take care of the children.

من مواظب بچه ها خواهم بود

Ali, we're going to the park.  
When do you want to go to the mall?  
In half an hour

علی، ما داریم میریم پارک  
تو کی میخوای بری پاساژ؟  
ظرف نیم ساعت

The windows and the doors are open.  
Remember to close them.

پنجره ها و درها بازن  
یادت باشه اوها رو ببندی

The TV is on, too.  
Remember to turn it off.  
Okay. I'll take care of all of them.

تلویزیون هم روشنه  
یادت باشه خاموشش کنی  
اوکی. ترتیب همه اونها رو خواهم داد

What are you doing?  
I'm reading a book.

چکار داری میکنی؟  
دارم کتاب میخونم

Is the TV bothering you?  
No, not at all.  
Thanks for asking.

آیا تلویزیون برات مزاحمت میکنه؟  
نه، اصلاً نه  
مرسی که پرسیدی

Are you hungry?  
Are you thirsty?

گرسنته؟  
نشنته؟

---

Woman  
Bother  
Father  
Bother  
Around  
Around here  
Corner  
Around the corner  
Invite  
I want to invite you.  
White  
My car is white.  
Care  
Take care

---

Who's this woman in the picture?  
She's my sister.  
She's a very beautiful woman.

این زنه کیه تو عکس؟  
اون خواهرمه  
اون زن خیلی خوشگلیه

#### مکالمه

---

مینا، دوستت سحر تلفن کرد.

A: Mina, your friend Sahar called.

واقعاً؟ کی تماس گرفت؟

B: Really? When did she call?

حدوداً دو ساعت پیش تماس گرفت، وقتی تو پاساژ بودی.

A: She called about two hours ago when you were at the mall.

چی گفت؟

B: What did she say?

ما رو واسه شام دعوت کرد.

A: She invited us for dinner.

واسه امشب؟

B: For tonight?

آره، واسه امشب. اون آدمای زیاد دیگه ای رو هم دعوت کرده.  
A: Yes, for tonight. She has invited many other people, too.

با بچه ها چکار کنیم؟ بایستی با خودمون ببریمشون؟  
B: What do we do with the children? Should we take them with us?

نه، بایستی خونه بمونن. کامران به اندازه کافی بزرگه واسه مراقبت از اونها.  
A: No, they should stay home. Kamran is big enough to take care of them.

ولی من فکر میکردم کامران داشت بره دیدن دوستش.  
B: But I thought Kamran was going to visit his friend?

نه، من چند دقیقه پیش باهاش حرف زدم. اون برنامه داره خونه بمونه.  
A: No, he's not. I talked to him a few minutes ago. He's planning to stay home.

علی، قبل از اینکه بریم میتونی کمی شیر واسه بچه ها بخری؟  
B: Ali, before we go, can you buy some milk for the children?

اوه، تا خواربار فروشی راه طولانیه. الان ساعت شش هست، و ما باید حدود ساعت هفت خونه سحر باشیم.  
A: Oh, it's a long way to grocery store. It's six o'clock already, and we have to be at Sahar's house around seven.

لازم نیست خواربارفروشی بری. اون خیلی دوره. یه مغازه کوچیک طرفای نیش هست. اونام شیر دارن  
B: You don't need to go to the grocery store that's too far. There's a small store around the corner. They have milk, too.

اوکی. ترتیبشو میدم.  
A: Okay. I'll take care of that.

---

We won't stay for dinner. ما واسه شام نخواهیم موند ( فشرده )

Has she invited somebody else? آیا اون کس دیگه ای رو دعوت کرده؟

Who is it? کیه؟

It's me. منم

It's just me. فقط منم

It's us. ما بییم

It's just us. فقط ما بییم

Has Sahar invited somebody else? آیا سحر کس دیگه ای رو دعوت کرده؟

No, it's just us. نه، فقط ما بییم

Take care of your parents.  
They need you.

مراقب والدینت باش  
اونها به تو احتیاج دارن

Who's taking care of your children?  
My mother, she lives with us.

کی از بچه هاتون مراقبت میکنه؟  
مادرم، اون با ما زندگی میکنه

I'm taking care of the children.

من دارم از بچه ها مراقبت میکنم

Do I have to send all these letters?  
To my insurance company

آیا من باید تمام این نامه ها رو بفرستم؟  
به شرکت بیمه

Do I have to send all these letters to my insurance company? آیا من باید تمام این نامه ها رو به شرکت بیمه بفرستم؟

No, we'll take care of them.

نه، ما ترتیبشونو خواهیم داد

We'll send them.  
You don't need to do anything.  
We'll take care of it.

ما اونها رو میفرستیم  
لازم نیست شما هیچ کاری بکنید  
ما ترتیبشو خواهیم داد

I'm thirsty.  
Can you give me a glass of water, please?  
Of course

تشنمه  
میتونی یه لیوان آب بهم بدی لطفاً؟  
البته

What is she studying?	اون چی داره میخونه؟
Don't worry.	نگران نباش
What kind of books?	چه نوع کتابهایی؟
Science books	کتابهای علوم ( علمی )
School teacher	معلم مدرسه
Don't forget to call Ali.	یادت نره به علی تلفن کنی
I forgot to call Ali.	یادم رفت به علی زنگ بزنم

---

Sorry to bother you.	متاسف از زحمت دادن به شما
Do you know where the grocery store is?	آیا میدونی خواربارفروشی کجاست؟

Do you know where I can find a grocery store?	آیا شما میدونید من کجا میتونم یه خواربارفروشی پیدا کنم؟
Is there a grocery store around here?	آیا یه خواربارفروشی این اطراف هست؟

There's one around the corner.	یه دونه دور و بر نبش هست
Right around the corner	درست اطراف نبش

Right on the corner	درست سر نبش
---------------------	-------------

But they told me it's on Bundy Street.	ولی بهم گفتن تو خیابون باندیه
That's a different grocery store.	اون یه خواربارفروشی متفاوته

That's on another street.	اون تو یه خیابون دیگه است
That's around the next corner	اون دور و بر نبش بعدیه

Are you sure?	مطمئنی؟
Yes, but you can ask that woman, too.	آره، ولی میتونی از اون خانم هم بپرسی

You can ask that lady.

What does that word mean?  
Which word?  
The word lady?  
What's the meaning of it?  
It almost means the same thing as woman.  
Lady means....

Lady	خانم
------	------

Have you invited your uncle for dinner?	عموت رو واسه شام دعوت کردی؟ ( کرده ای؟ )
No, I haven't.	جواب منفی کوتاه

Don't forget to call him.	یادت نره بهش تلفن کنی
---------------------------	-----------------------

I'll never forget you.	هرگز فراموشت نخواهم کرد
------------------------	-------------------------



Don't forget to turn off the lights.  
Don't forget to turn the lights off.

یادت نره چراغها رو خاموش کنی

Don't forget to call your uncle.

یادت نره به عموت تلفن کنی

Can you take care of it for me?  
I'm busy right now.

میتونی واسم ترتیبشو بدی؟  
من در حال حاضر سرم شلوغه

I want to invite my friend, too.

من میخوام دوستم رو هم دعوت کنم

We have enough food for everybody.  
We have too much food for two people.

ما غذای کافی واسه همه داریم  
واسه دو نفر زیادی غذا داریم

Can I invite your brother?  
There isn't enough food for my brother.

آیا میتونم برادرت رو دعوت کنم؟  
غذا به اندازه کافی واسه برادرم وجود نداره

Why?

چرا؟

Because when he's hungry, he eats too much.  
Because when he's hungry, he eats a lot.

چون وقتی گشششه خیلی زیاد میخوره

What time did you get here?  
I got here about four o'clock.

چه ساعتی رسیدی اینجا؟  
حدود ساعت چهار رسیدم اینجا

Did you send the letter to Ali?  
No, I forgot.  
I forgot.

نامه رو به علی فرستادی؟  
نه، یادم رفت ( فراموش کردم )  
یادم رفت

I forgot to send the letter.  
We forgot to call Shima.  
Don't forget to invite Roya, too.

یادم رفت نامه رو بفرستم  
یادمون رفت به شیما تلفن کنیم  
یادت نره رویا رو هم دعوت کنی

آیا کسی به من تلفن کرده؟

A: Did anybody call for me?

آره، یه خانمی حدود یه ساعت پیش تماس گرفت.

B: Yes, a lady called about an hour ago.

اسمشو یادته؟

A: Do you remember her name?

نه، متاسفم، اسمشو فراموش کردم.

B: No, I'm sorry, I forgot her name.

با خواهرم تماس گرفتی واسه دعوتش به شام؟

A: Have you called my sister to invite her for dinner?

نه، هنوز باهاش تماس نگرفتم ( نگرفته ام )

B: No, I haven't called her yet.

فراموش نکنی بهش باهاش تماس بگیری لطفاً.

A: Don't forget to call her, please.

من همیشه سرم شلوغه. به همین خاطر فراموش کردم باهاش تماس بگیرم.

B: I was very busy. That's why I forgot to call her.

میتونم باهاش تماس بگیرم اگه شما خیلی سرتون شلوغه.

A: I can call her if you're too busy.

پدرتون چطور؟ میتونید باهاش تماس بگیرید؟

B: What about your father? Can you call him, too?

شمارشو ندارم. اون کجا میمونه؟

A: I don't have his number. Where's he staying?

اون اینجا میمونه در هتل هیلتون. تو باید شماره تلفن بگیری. شماره اتاقش صد و دوازده است.

B: He's staying here at the Hilton Hotel. You have to get the phone number. His room number is one hundred and twelve.

اوکی. ترتیب اون رو هم میدم. هتل هیلتون کجاست؟

A: Okay. I'll take care of that, too. Where's the Hilton Hotel?

اطراف نبشه. تو میتونی اونو برش داری یا اون میتونه پیاده بیاد اینجا.

B: It's around the corner. You can pick him up or he can walk here.

من از کسی خواستم تا برش داره. همین الان بهش زنگ میزنم، متشکرم  
A: I'll ask somebody to pick him up. I'll call him right now, thanks.

---

Who else is coming? Your cousin's coming, too.	دیگه کی داره میاد؟ دختر داییت هم داره میاد
Your cousin goes to college, doesn't she? Yes, she does.	دختر داییت میره دانشگاه، مگه نه؟ جواب مثبت کوتاه
What does your other cousin do? She's a teacher.	دختر دایی دیگت چکار میکنه؟ اون معلمه
My other cousin is a teacher.	دختر دایی دیگم معلمه
Did you invite her, too? No, I forgot to invite her.	آیا اونم دعوت کردی؟ نه، یادم رفت دعوتش کنم
Can you take care of it, please? But I don't have her number anymore	میتونی ترتیبشو بدی لطفاً؟ ولی دیگه شمارشو ندارم
Your cousin's number. I don't have your cousin's number. I don't remember her number	شماره دختر داییت شماره دختر داییت رو ندارم شمارش یادم نمیاد
Do you have any other cousins? Yes, I have another cousin in Atlanta, too.	آیا پسر عموی دیگه ای داری؟ آره، یه پسر عموی دیگه هم در آتلانتا دارم
What's he studying? He's studying English.	اون چی داره میخونه؟ داره انگلیسی میخونه
He teaches Persian on weekends. And he's studying English.	اون آخر هفته ها فارسی درس میده و داره انگلیسی میخونه
Have you invited him, too? No, I haven't.	آیا اونم دعوت کردی؟ ( کرده ای؟ ) جواب منفی کوتاه
Everybody Everything	همه ( همه کس ) همه چیز
Did you take care of everything? Yes, I took care of everything yesterday.	آیا ترتیب همه چیز و دادی؟ آره، دیروز ترتیب همه چیز و دادم
I've taken care of everything already. I took care of everything before.	من قبلاً ترتیب همه چیز و دادم ( داده ام )

I've taken care of everything already.	من قبلاً ترتیب همه چیز و دادم ( داده ام )
Don't worry. Don't worry, I took care of everything.	نگران نباش نگران نباش، من ترتیب همه چیز و دادم
You worry too much. Don't worry.	زیادی نگران هستی نگران نباش
I took care of everything. You should invite your other cousins, too.	ترتیب همه چیز و دادم تو بایستی بقیه پسرعموها رو هم دعوت کنی
I haven't invited my brother yet. He has a job now.	من برادرم رو هنوز دعوت نکردم ( نکرده ام ) اون الان یه شغل داره
He writes books now.	الان کتاب مینویسه
What kind of books? What kind of books does he write?	چه نوع کتابهایی؟ چه نوع کتابهایی مینویسه؟
What kind of books do you usually read? I usually read. Science books I usually read science books.	چه نوع کتابهایی معمولاً میخونی؟ من معمولاً میخونم کتابهای علمی من معمولاً کتابهای علمی میخونم
Science teacher I like science teachers.	معلم علوم من معلم های علوم رو دوست دارم
My cousin studied science.	دختر عموم علوم خوانده
What did she study? She studied science.	اون چی خوانده؟ اون علوم خوانده
Don't worry.	نگران نباش
What kind of job does she want to have? She'll take any job.	اون میخواد چه نوع شغلی داشته باشه؟ اون هر کاری میکنه ( خواهد کرد )
اون هر کاری میکنه .اون مجبوره پول دربیاره تا صورتحسابشو پرداخت کنه. She'll take any job ,because she has to make money to pay her bills.	
Nobody can find a job right now.	هیچ کی نمیتونه در حال حاضر شغلی پیدا کنه
What's Ali's job? He's a school teacher.	شغل علی چیه؟ معلم مدرسه است

Our school science teacher She's a school science teacher.	معلم علوم مدرسمون اون یه معلم علوم مدرسه است
She's taking care of everything. She took care of everything last year.	داره ترتیب همه چیز و میده ترتیب همه چیز و پارسال داد
She lives around here now.	الان دور و بر اینجا زندگی میکنه
Somebody told me. That she's moving to Iran. Somebody told me that she's moving to Iran.	یه کسی بهم گفت که داره به ایران نقل مکان میکنه یکی بهم گفت که داره به ایران نقل مکان میکنه
But not until next year	ولی نه تا سال آینده

---

Study  
Science  
Worry  
Don't worry.  
School  
School teacher  
Forget  
Forgot

---

I'm sorry. I forgot to call you back.	متاسفم یادم رفت بهت تلفن کنم
I'm a little hungry.	یه خورده گشتمه
You should go to the coffee shop around the corner.	تو بایستی بری به کافی شاپ اطراف نبش
They have great food. Coffee shops don't usually have food.	اونها غذای عالی دارن کافی شاپ ها معمولاً غذا ندارن
I still have our pictures together. We went to school together. We had the same teachers. We studied science together. We went to college together	من هنوزم عکسامون رو با همدیگه دارم ما با هم مدرسه رفتیم معلمهامون یکی بود ما با هم علوم خوندیم ما با هم دانشگاه رفتیم
But most of them live in Iran now. We have different jobs.	ولی الان اکثرشون در ایران زندگی میکنن شغل های متفاوتی داریم

What kind of jobs do they have?

اونها چه نوع شغل هایی دارن؟

Most of them are engineers.

اکثرشون مهندس هستن

I thought they studied science.

من فکر کردم اونها علوم خوندن

My cousin's a teacher.

دختر عموم معلمه

She teaches at a school.

اون تو یه مدرسه درس میده

Have you invited her for dinner?

آیا واسه شام دعوتش کردی؟ ( کرده ای؟ )

Yes, I have.

جواب مثبت کوتاه

Don't worry.

نگران نباش

I took care of everything.

ترتیب همه چیز و دادم

I'll take care of everything.

تر تیب همه چیز و خواهم داد

Take care

مراقب باش

I forgot to buy milk.

یادم رفت شیر بخرم

How could you forget it?

چطور تونستی فراموشش کنی؟

I don't know.

نمیدونم

Don't worry.

نگران نباش

I'm going to the supermarket now.

دارم الان میرم سوپرمارکت

This time

این بار

I won't forget to buy milk.

فراموش نخوام کرد شیر بخرم

We'll see.

تا ببینیم

For myself	واسه خودم
Have a seat.	بفرما بشین
It's free.	مجانیه
What a beautiful house!	چه خونه قشنگی
But I don't recommend it.	ولی توصیهش نمیکنم
Who paid for the coffee?	کی پول قهوه رو داد؟
She's learning.	داره یاد میگیره

---

I forgot to call you.	یادم رفت بهت تلفن کنم
-----------------------	-----------------------

My sister's a teacher.	خواهرم معلمه
What kind of a teacher?	چه نوع معلمی؟
A science teacher	یه معلم علوم

I want to teach at a school.	میخوام تو یه مدرسه تدریس کنم
I don't have a job yet.	هنوز کار ندارم ( شغل )
Don't worry.	نگران نباش
You'll find a job soon.	به زودی یه شغلی پیدا میکنی

What did you study?	چی خوندی؟
I studied science.	علوم خوندم

I hope you find a good job soon.	امیدوارم به زودی یه شغل خوب پیدا کنی
I hope you'll find a good job soon.	

I'm hungry.	گرسنمه
-------------	--------

Are there any restaurants around here?	آیا رستورانهایی این دور و بر هست؟ ( وجود دارن؟ )
There's one not too far from here.	یکی هست خیلی از اینجا دور نیست

It's around the corner.	دور و بر نبشه
-------------------------	---------------

I'm thirsty more than I'm hungry.	بیشتر از اینکه گرسنم باشه تشنه م
-----------------------------------	----------------------------------

They have water at the restaurant, too.	تو رستوران آب هم دارن
Do you know where the restaurant is?	آیا تو میدونی رستوران کجاست؟
I'm not sure.	مطمئن نیستم

You can ask that lady over there.	میتونی از اون خانم بپرسی اونجا
-----------------------------------	--------------------------------

I'm sorry to bother you.	متاسفم مزاحمتون میبشم
--------------------------	-----------------------

Do you know where the Persian restaurant is around here?	آیا میدونید رستوران ایرانیه اطراف اینجا کجاست؟
Where's the Persian restaurant around here?	رستوران ایرانیه اطراف اینجا کجاست؟

It's around the corner.	دور و بر نبشه
-------------------------	---------------

اوضاع چطوره سارا؟

A: How's it going Sarah?

بد نیستم. دختر خالم داره از کلرادو نقل مکان میکنه اینجا. اون میخواد دانشگاه بخونه.

B: Not bad. My cousin's moving here from Colorado. She wants to start college.

چی میخواد بخونه؟

A: What does she want to study?

مطمئن نیستم. علوم دوست داره، ولی نمیخواد بخوندش.

B: She's not sure. She would like science, but she doesn't want to study it.

نگران نباش. از پیشش بر میاد.

A: Don't worry! She'll be fine.

میدونم. فردا به اینجا پرواز میکنه، و الانشم یه آپارتمان داره. من ترتیب همه چیز و واسش دادم.

B: I know. She's flying here tomorrow, and she has an apartment already. I took care of everything for her.

اوکی. مراقب باش.

A: Okay. Take care.

بای.

B: Bye.

---

Don't forget to talk to Roya.

یادت نره با رویا حرف بزنی

I forgot what Roya's number was.

فراموش کردم شماره رویا چی بود

I don't remember her number.

شمارش یادم نمیداد

I bought a jacket this morning.

امروز صبح یه کت خریدیم

Who did you buy it for?

واسه کی خریدیش؟

For myself

واسه خودم

I bought it for myself.

واسه خودم خریدمش

I took care of everything myself.

من خودم ترتیب همه چیز و دادم

I invited everybody for dinner tonight.

من امشب همه رو واسه شام دعوت کردم

Who did you buy that tea for?

اون چایی رو واسه کی خریدی؟

It's for myself.

واسه خودمه



I have to get a loan.  
But I don't want to pay interest.  
But I don't want to pay any interest.

باید یه وام بگیرم  
ولی نمیخوام بهره بپردازم

If you get a loan, then you have to pay interest.  
Who do you want the loan for?  
I want it for myself.

اگه وام بگیری ، پس باید بهره بپردازی  
وام رو واسه کی میخوای؟  
واسه خودم میخوامش

What did you say?  
I said I want it for myself.

چی گفتی؟  
گفتم واسه خودم میخوامش

Okay. My uncle works at a bank.  
Maybe he can get a loan for you.

اوکی، عموم در بانک کار میکنه  
شاید اون بتونه یه وام واست بگیره

My cousin works at a bank, too.  
My cousin works at a bank, too.

پسر عموم هم توی بانک کار میکنه  
پسر عموی من هم توی بانک کار میکنه

He told me to get a loan from him.  
My cousin took care of everything.  
I can take care of everything myself.

اون بهم گفت که ازش وام بگیرم  
پسر عموم ترتیب همه چیز و داد  
من خودم میتونم ترتیب همه چیز و بدم

That's my seat.

اون جای منه

Have a seat.  
Please have a seat.

بفرما بشین

Don't worry.

نگران نباش

Would you like some coffee?  
Yes, but I don't have any money.

آیا کمی قهوه میل داری؟  
آره، ولی هیچی پول ندارم

It's free.  
You don't have to pay for.

مجانیه  
نباید واسش پول بدی

I said it's free.

گفتم مجانیه

Everything is free here.  
Here everything is free.

اینجا همه چی مجانیه

My cousin works here.  
He went to college in Los Angeles.

پسر داییم اینجا کار میکنه  
اون در لس آنجلس به کالج رفت

What did he study?  
He studied science.  
I like science, too.

چی خوند؟  
علوم خوند  
منم از علوم خوشم میاد

Have a seat.  
Have a seat, please.

بفرما بشین

I have to pick up my cousin from the airport.  
His flight arrives in half an hour.

من باید پسر خالم رو از فرودگاه بردارم  
پروازش ظرف نیم ساعت میرسه

My cousin said that his flight's arriving late.  
My cousin said that his flight is arriving late.

پسر خالم گفت که پروازش دیره میرسه

I have to wait.

باید صبر کنم

You can have a seat.

میتونید بشینید

You can sit here.

میتونی اینجا بشینی

You can have a seat here.

Is this your car?

آیا این ماشین توه؟

Yes, it is.

جواب مثبت کوتاه

What a beautiful car!

چه ماشین قشنگی

What a beautiful house you have!

چه خونه قشنگی داری

What beautiful weather we have today!

چه هوای قشنگی داریم امروز

What a beautiful car they have!

چه ماشین قشنگی دارن

What a beautiful girl!

چه دختر خوشگلی

What a big house!

چه خونه بزرگی

Is this medicine good for my cold?

آیا این دارو واسه سرماخوردگیم خوبه؟

Is it good cold medicine?

آیا اون داروی خوبیه واسه سرماخوردگی؟

I don't know.

نمیدونم

You have to talk to the doctor about it.

تو باید با دکتر دربارش حرف بزنی

I recommend that you talk to your doctor.

توصیه میکنم که با دکترت صحبت کنی

The doctor knows better than me.

دکتر بهتر از من میدونه

If this medicine is good for your cold.

که آیا این دارو واسه سرماخوردگیت خوبه

I don't recommend that you do that.

من توصیه نمیکنم که اونو انجام بدی

I don't recommend it.

من توصیه نمیکنم

Then what do you recommend?

پس چی توصیه میکنی؟

I recommend.

من توصیه میکنم

That you talk to your doctor.

که با دکترت حرف بزنی

Before you take this medicine.

قبل از اینکه این دارو رو بخوری

Don't forget to speak with your doctor.

یادت نره با دکترت صحبت کنی

Don't forget to speak to your doctor.

I want to get a loan.	میخواهم به وام بگیرم
Did you get the coffee for free? Did you get it for free?	آیا مجانی قهوه رو گرفتی؟ آیا مجانی گرفتی؟
Or did you pay for it? I paid for it.	یا آیا واسش پول دادی؟ واسش پول دادم
Who paid for it?	کی پولشو داد؟
Ali bought a book. What did Ali buy?	علی به کتاب خرید علی چی خرید؟
Who bought a book? Who went to the supermarket?	کیه کتاب خرید؟ کی رفت سوپر مارکت؟
Who turned the light off? Who turned off the light?	کی چراغ و خاموش کرد؟
Who paid for it? I paid for it myself.	کی پولشو داد؟ من خودم پولشو دادم
Please have a seat. He'll arrive soon.	لطفاً بفرما بشین به زودی میرسه
Can I have some coffee? Of course, but it's not free. You have to pay for it.	میتونم کمی قهوه صرف کنم؟ البته، ولی مجانی نیست باید واسش پول بدی
I've paid for my tea already.	من قبلاً پول چاییم رو دادم
I'm tired. Then I recommend that you drink some coffee.	من خسته ام پس توصیه میکنم که به کم قهوه بخوری
Can I order some coffee here?	میتونم اینجا کمی قهوه سفارش بدم؟
She doesn't speak English. But she's learning.	اون انگلیسی صحبت نمیکند ولی داره یاد میگیره
I'm learning Italian.	من دارم ایتالیایی یاد میگیرم
I learned English before. Now I'm learning Italian.	من قبلاً انگلیسی یاد گرفتم حالا دارم ایتالیایی یاد میگیرم
I've been studying English for a few months.	من به چند ماهی انگلیسی خوانده ام
And I've learned a lot. But I still have to learn more.	و به عالمه یاد گرفتم ( یاد گرفته ام ) ولی هنوزم باید بیشتر یاد بگیرم

You can watch TV.  
I watch a lot of movies.

میتونی تلویزیون تماشا کنی  
من خیلی فیلم نگاه میکنم

I've learned a lot of English from watching movies.      من با فیلم دیدن خیلی انگلیسی یاد گرفته ام

Did you have a nice flight?  
Yes, I did.

آیا پرواز خوبی داشتی؟  
جواب مثبت کوتاه

Okay. Let's go home.

اوکی، بیا بریم منزل

What a beautiful house!  
What a beautiful house you have!

چه خانه قشنگی  
چه خانه قشنگی داری

I bought it last year.

پارسال خریدمش

Thanks a lot for coming to the airport.  
I'm happy to be here.

خیلی متشکرم برای اومدن به فرودگاه  
خوشحالم اینجا هستم

And I hope we have a good time.  
I hope there we'll have a good time,

و امیدوارم بهمون خوش بگذره

Where's Roya?  
She's in her room.

رویا کجاست؟  
تو اتاقشه

What's she doing?  
She's learning how to read Italian.  
She's learning.

چکار داره میکنه؟  
داره یاد میگیره چه جوری ایتالیایی بخونه  
داره یاد میگیره

Roya goes to college.  
What is she studying?  
She's studying science.

رویا میره به دانشگاه  
چی داره میخونه؟  
داره علوم میخونه

Somebody took my book.  
Who took my book?

کسی کتاب منو برداشت  
کی کتاب منو برداشت؟

---

Myself

Free

Three

Free

It's free.

Beautiful

A beautiful girl

What a beautiful girl!

Recommend

Learning

Learn

Learning

---

It's a business trip.	یه سفر کاریه
How long did you spend there?	چه مدت اونجا گذروندی؟
I took a lot of pictures.	من یه عالمه عکس گرفتم
How much did you spend?	چقدر خرج کردی؟
There isn't much traffic on weekends.	آخر هفته ها ترافیک زیادی نیست
The meeting went very well.	جلسه خیلی خوب پیش رفت
Specially on Mondays	مخصوصاً روزهای دوشنبه
What's the date today?	امروز چه تاریخیه؟
Let me change my dress.	بذار لباسمو عوض کنم
Excuse me. How do I get to gate thirty-one?	ببخشید چطوری برم به درب خروجی سی و یک
I'll take your luggage.	من اثاثتو میبرم ( خواهرم برد )

---

Don't forget to take your jacket.	یادت نره کتت رو برداری
You speak Persian very well.	تو فارسی خیلی خوب صحبت میکنی
Where did you learn it?	کجا یاد گرفتیش؟
I used to live in Iran.	من قبلاً ها ایران زندگی میکردم
Have a seat, please.	بفرمایید بشینید لطفاً
A beautiful day	یه روز قشنگ
What a beautiful day!	چه روز قشنگی
What a big car!	چه ماشین بزرگی
What a beautiful shirt!	چه پیرهن قشنگی
Where did you buy it from?	از کجا خریدیش؟
From the store around the corner	از مغازه اطراف نیش
Which school do you go to?	به کدوم مدرسه میری؟
I go to Taft School.	من میرم مدرسه تفت
My cousin goes to the same school, too.	پسر عمه منم به همون مدرسه میره
Who fixed your car for you? .	کی ماشینتو واست درست کرد؟
Nobody, I fixed it myself.	هیچ کس ، خودم درستش کردم
Did you call Ali?	به علی تلفن کردی؟
Yes, I spoke with him.	آره، باهاش صحبت کردم
What did he say?	چی گفت؟
He said that he's going to Karaj.	گفت که داره میره کرج
How long is he going to stay there?	چند وقت خیال داره اونجا بمونه؟
For a few days	واسه یه چند روزی
It's a business trip.	یه سفر شغلیه

No, I'll take it myself.	نه، من خودم میبرمش
Have you ever been to Los Angeles? Yes, I used to live there.	هرگز لس آنجلس بودی؟ ( بوده ای؟ ) آره، من قبلاً ها اونجا زندگی میکردم
I'm going there next week. For a business trip	من دارم هفته دیگه میرم اونجا واسه یه مسافرت شغلی
Do you know a good hotel in Los Angeles? Yes, I recommend that you go to the Hilton. I was at the Hilton a few years ago.	آیا یه هتل خوب در لس آنجلس میشناسی؟ آره، توصیه میکنم که بری هیلتون من یه چند سال پیش در هیلتون بودم
How long did you spend there? I was there for two days.	چند وقت اونجا گذروندی؟ من واسه دو روز اونجا بودم
I want to spend three days in Tehran.	میخوام سه روز در تهران بگذروم
I want to spend time with my children.	میخوام با بچه هام وقت بگذروم
Where were you? I was at the mall.	کجا بودی؟ پاساژ بودم
How much did you spend? Ninety dollars	چقدر خرج کردی؟ نود دلار
I didn't spend a lot. I only spent ninety dollars.	خیلی خرج نکردم فقط نود دلار خرج کردم
Don't spend too much money.	خیلی زیاد پول خرج نکن
I want to spend my vacation in Iran.	میخوام مرخصیمو تو ایران بگذروم
Last year I spent my vacation in Shiraz. I spent my vacation in Shiraz last year.	پارسال مرخصیمو تو شیراز گذروندم من یه سال پیش در شیراز بودم
Lunch was free at the Hilton. The Hilton has a very nice restaurant.	ناهار مجانی بود در هیلتون هیلتون یه رستوران خیلی خوبی داره
What a beautiful restaurant! You should see it.	چه رستوران قشنگی بایستی ببینیش
I took a lot of pictures.	من یه عالمه عکس گرفتم
Can you take my picture? Sure Are you ready? Yes, I am.	میتونی عکس منو بگیری؟ حتماً آماده ای؟ جواب مثبت کوتاه

My cousin took our picture.

دختر عموم عکس ما رو گرفت

Who took this picture?

کی این عکسو گرفت؟

My cousin took that picture.

پسر عموم اون عکسو گرفت

Ali, you're late.

علی دیر کردی

I'm sorry.

متاسفم

Traffic was very bad today.

ترافیک امروز خیلی بد بود

What's the meaning of the word traffic?

What does traffic mean?

It means....

Traffic

ترافیک

Traffic was very bad today.

ترافیک امروز خیلی بد بود

I prefer to live in a small city.

من ترجیح میدم توی یه شهر کوچک زندگی کنم

I'd rather live in a small city.

Why don't you like big cities?

چرا از شهرهای بزرگ خوشش نمیاد

Do you really want to know?

آیا جدأ میخوای بدونی؟

Of course I want to know.

البته که میخوام بدونم

Because of traffic

به خاطر ترافیک

That's why I like smaller cities more.

به همین خاطر شهرهای کوچکتر و بیشتر دوست دارم

Most of the time

اغلب اوقات

Most of your time

اغلب اوقاتت

You spend most of your time in traffic.

اغلب اوقاتتو تو ترافیک میگذرونی

Specially if you work.

مخصوصاً اگه کار کنی

Specially

مخصوصاً

Specially if you work.

مخصوصاً اگه کار کنی

On Mondays

روزهای دوشنبه

Specially on Mondays

مخصوصاً روزهای دوشنبه

There's a lot of traffic specially on Mondays.

یه عالمه ترافیکه مخصوصاً روزهای دوشنبه

There isn't much traffic on weekends.

آخر هفته ها ترافیک زیادی نیست

جیم ، آیا دیروز رفتی پاساژ؟

A: Jim, did you go to the mall yesterday?

آره، اما یه ساعت طول کشید تا من رسیدم اونجا. ترافیک زیادی بود مخصوصاً توی خیابون سانست.

B: Yes, I did. But it took me an hour to get there. There was a lot of traffic specially on Sunset Avenue.

چیزی از پاساژ خریدی؟

A: Did you buy anything at the mall?

آره، دو تا کت خریدم.

B: Yes, I bought two jackets.

چرا دو تا؟ من فکر کردم تو فقط میخواستی یکی بخری.

A: Why two? I thought you only wanted to buy one.

یکی بخر یکی مجانی ببر بود. منظورش رو میفهمی مگه نه؟

B: It was buy one get one free. You know that mean, don't you?

میدونم اگه یکی بخری، یکی دیگه مجانی خواهی داشت.

A: I know if you buy one, you'll have another one for free.

درسته.

B: That's right.

جیم ، نانسی خونه ست؟

A: Jim, is Nancy home?

نه، داره والدینشو ملاقات میکنه. اونها یه خونه جدید خریدن. نانسی خیال داره شب و با اونها بگذرونه.

B: No, she's visiting her parents. They bought a new house. Nancy's going to spend a night with them.

---



What a beautiful day!	چه روز قشنگی
I don't have much time.	من زیاد وقت ندارم
I like to watch TV. I like watching TV.	من از تماشا کردن تلویزیون خوشم میاد
But most people spend too much time. In front of their TVs Specially on Sundays	ولی اکثر مردم بیش از اندازه وقت میگذرونن در جلوی تلویزیون هاشون مخصوصاً روزهای یکشنبه
When did you learn to drive? About ten years ago.	کی رانندگی رو یاد گرفتی؟ حدود ده سال پیش
How was the meeting yesterday? How was yesterday's meeting?	جلسه چطور بود دیروز؟
It was very good. It went very well.	خیلی خوب بود خیلی خوب پیش رفت
You have to be in the next meeting.	تو باید تو جلسه بعدی باشی
When are you planning to go to Paris? Next week	کی برنامه داری بری پاریس؟ هفته آینده
What date? Date	چه تاریخی؟
What date is it today?	امروز چه تاریخیه؟
What date is the meeting? What's the date of the meeting?	جلسه چه تاریخیه؟
I don't know. Ask Ali. This time you came on time.	نمیدونم . از علی بپرس این دفعه سر وقت اومدی
Will we be there on time? Yes, don't worry. Yes, don't worry about it.	آیا ما سر وقت اونجا خواهیم بود؟ آره، نگران نباش
Mina, we're late. They're waiting for us.	مینا دیرمون شد اونها منتظر ما هستن
Aren't you ready yet? I'm getting ready. Ali, do you like this shirt? Yes, but I like the blue one more.	آیا هنوز آماده نیستی؟ دارم آماده میشم علی از این پیرهن خوشت میاد؟ آره، ولی از آبییه بیشتر خوشم میاد

I thought. You liked the black one more.	من فکر میکردم از سیاهه بیشتر خوشتر میومد
Then let me change my shirt. Let me change my shirt.	پس بذار پیرهنمو عوض کنم بذار پیرهنمو عوض کنم
Can you change the date? No, I can't.	میتونی تاریخ و عوض کنی؟ جواب منفی کوتاه
Ali, I hope we're not late. The flight is in two hours.	علی، امیدوارم دیرمون نشه پرواز دو ساعت دیگه ست
We don't have much time. Can't you drive a little faster? Don't worry.	وقت زیادی نداریم نمیتونی یه کم سریعتر برونی؟ نگران نباش
You won't miss your flight. As soon as we get there. Find your gate.	از پروازت جا نخواهی موند به محض اینکه برسیم اونجا در خروجیت و پیدا کن
What's your gate number? It's thirty-one.	شماره گیتت چنده؟ سی و یک
Excuse me. How do I get to gate thirty-one? Go straight ahead.	ببخشید چطوری برم به گیت سی و یک؟ مستقیم برید
I'll take your luggage. Luggage Where's your luggage? It's in the car.	من چمدون هاتو میبرم اثاث اثاثت کجاست؟ تو ماشینه
I have a cold. I recommend that you stay home.	من سرما خوردم من توصیه میکنم که منزل بمونی
I miss my family. Specially my children	دلَم واسه خانوادم تنگ شده مخصوصاً بچه هام
Are you going to London for vacation? No, it's a business trip.	آیا واسه مرخصی داری میری لندن؟ نه، یه سفر شغلیه
Don't drive too fast. Don't go to London. Stay here.	زیادی سریع رانندگی نکن لندن نرو اینجا بمون
Is this your luggage? Yes, it's mine.	آیا این اثاث شماست؟ آره، مال منه
You're spending too much money.	داری زیادی پول خرج میکنی

---

Spend

Speak

Spend

Business

A business trip

Traffic

Travel

Traffic

Specially

Luggage

---

I took the highway.  
I finished fixing my car.  
What time did the meeting finish?  
I want to open a checking account.  
We need an ID card.  
Can I see your ID?  
Do you want to open a savings account?  
Show me your driver's license.  
You have to sign it.  
Sign here, please.  
This is my signature.

من از اتوبان اومدم  
من تعمیر ماشینمو تموم کردم  
جلسه ساعت چند تموم شد؟  
میخواهم یه حساب جاری باز کنم  
ما یه کارت شناسایی لازم داریم  
میتونم کارت شناساییتون و ببینم؟  
آیا میخواهید یه حساب پس انداز باز کنید؟  
گواهی نامه رانندگیتون و نشونم بدید  
باید امضاش کنی  
اینجا رو امضا کنید لطفا  
این امضای منه

Are you going to Tehran for vacation?  
No, it's a business trip.

آیا واسه مرخصی داری میری تهران؟  
نه، یه سفر شغلیه

Where's my luggage?  
Don't worry it's in the car.

اثاثم کجاست؟  
نگران نباش تو ماشینه

What date is it today?  
What's the date today?  
I don't know.

امروز چه تاریخیه؟  
نمیدونم

What's my gate number?  
Your gate number is twenty-five.

شماره گیتم چنده؟  
شماره گیتتون بیست و پنجه

How do I get there?  
I'm going there.  
I'll take you there.

چطوری برم اونجا؟  
من دارم میرم اونجا  
شما رو اونجا میبرم ( خواهام برد )

My sister wants to spend a week here.

خواهرم میخواهه یه هفته رو اینجا بگذرونه

How was the meeting?  
The meeting went very well.

جلسه چطور بود؟  
جلسه خیلی خوب پیش رفت

Why didn't you come?  
I was at the airport.

تو چرا نیومدی؟  
من فرودگاه بودم

What were you doing there?  
Last week

اونجا داشتی چکار میکردی؟  
هفته پیش

When my sister arrived in Los Angeles  
When my sister got to Los Angeles.

وقتی که خواهرم رسید لس آنجلس

She couldn't find her luggage.

نتونست اثاثشو پیدا کنه

I talked to some people working there.  
Her luggage will come on the next flight.

اثاثش در پرواز بعدی خواهد اومد

That's why I went to the airport.  
That's why I couldn't go to the meeting.

به همین خاطر رفتم فرودگاه  
به همین خاطر نتونستم برم جلسه

I tried to be at the meeting.  
But there was a lot of traffic.  
Specially near the airport

من سعی کردم در جلسه باشم  
ولی یه عالمه ترافیک بود ( وجود داشت )  
خصوصاً نزدیک فرودگاه

I took the highway.  
The highway was busy, too.

من از اتوبان اومدم  
اتوبان هم شلوغ بود

I tried to change the highway.  
But all the highways were busy.

سعی کردم اتوبان و عوض کنم  
ولی تمام اتوبان ها شلوغ بودن

When I got home.  
When I arrived home.

وقتی رسیدم خونه

It was eleven o'clock.  
And I was very hungry.  
I was tired, too.

ساعت یازده بود  
و خیلی گرسنه بودم  
خسته هم بودم

What time did the meeting finish?  
It finished at twelve o'clock.

جلسه ساعت چند تموم شد؟  
ساعت دوازده تموم شد

I finished fixing my car.  
I finished writing the letter.

من تعمیر ماشینمو تموم کردم  
نوشتن نامه رو تموم کردم

Do you want to take the highway?  
No, I don't.

میخوای از اتوبان بری؟  
جواب منفی کوتاه

Long  
Small  
Smaller  
Longer

طولانی  
کوچک  
کوچکتر  
طولانی تر

It will take longer.  
It'll take longer.

بیشتر طول خواهد کشید

If you don't take the highway.

اگر از اتوبان نری

There isn't much traffic on weekends.

آخر هفته ها ترافیک زیادی نیست

Why are you going to the bank?  
I want to deposit some money.

چرا داری میری بانک؟  
میخوام مقداری پول واریز کنم

But you don't have an account.  
I want to open a checking account.

ولی تو حساب نداری  
میخواهم یه حساب جاری باز کنم

Then I can deposit.  
Some money to my checking account

بعد میتونم واریز کنم  
مقداری پول به حساب جاریم

What do I need to open an account?  
You need an ID card.  
ID

واسه باز کردن حساب چه چیزی لازم دارم؟  
یه کارت شناسایی لازم داری

You need two IDs.  
You need two ID cards.

دوتا کارت شناسایی لازم داری

You can't open a checking account.  
Without an ID

شما نمیتونید حساب جاری باز کنید  
بدون کارت شناسایی

Take your driver's license.  
And another ID

گواهی نامه رانندگیت رو ببر  
و یه کارت شناسایی دیگه

What kind of ID?  
An ID with a picture

چه نوع کارت شناسایی؟  
یه کارت شناسایی عکس دار

Can I see your passport?  
Of course

میتونم پاسپورتتون و ببینم؟  
البته

You have a checking account with us.  
Do you want to open a savings account?

شما یه حساب جاری با ما دارید  
آیا میخواید یه حساب پس انداز باز کنید؟

What does savings account mean?  
What is the meaning of savings account?  
It means....  
Savings account

حساب پس انداز

Do you want to open a savings account?  
Yes, I do.  
No, I don't.

آیا میخواید یه حساب پس انداز باز کنید؟  
جواب مثبت کوتاه  
جواب منفی کوتاه

Checking account

حساب جاری

سلام خانم. میخوام یه حساب باز کنم.

A: Hello, ma'am. I'd like to open an account.

اوکی. بفرما بشین لطفاً.

B: Okay. Have a seat, please.

ممنونم.

A: Thank you.

هیچ کارت شناسایی همراهِ داری؟

B: Do you have any ID with you?

بله، اینهاش.

A: Yes, here you are.

واسه افتتاح حساب باید دوتا کارت شناسایی داشته باشی.

B: You have to have two pieces of ID to open an account.

متاسفم، این تنها کارت شناساییه که من دارم.

A: I'm sorry, that's the only ID card I have.

پاسپورتت رو همراهت نداری؟

B: Don't you have your passport with you?

چرا دارم.

A: Yes, I do.

میتونم ببینمش لطفاً؟

B: Can I see it, please?

البته.

A: Of course.

آدرسِتون چیه؟

B: What's your address?

آدرس من همونیه که روی کارت شناساییمه.

A: My address is the same as it is on my ID.

آیا میخواید چک کارت هم داشته باشید؟

B: Would you like to have a check card, too?

چک کارت چیه؟ آیا کارت اعتباریه؟

A: What is a check card? Is that a credit card?

نه، چک کارت کمی متفاوته. میتونی به جای نوشتن چک ارزش استفاده کنی، ولی باید پول تو حسابت داشته باشی.  
B: No, a check card is a little different. You can use it instead of writing a check, but you have to have money in your account.

فهمیدم. پس میخوام یکی داشته باشم.  
A: I see. Then I'd like to have one.

آیا میخواید به حساب پس انداز هم باز کنید؟  
B: Would you like to open a savings account, too?

نمیدونم. آیا میتونم هر ماه مقداری پول به حساب پس اندازم واریز کنم؟  
A: I don't know. Do I have to deposit some money to my savings account every month?

خب، ما میتونیم هر ماه مقداری پول از حساب جاریت به حساب پس اندازت انتقال بدیم اگه دوست داشته باشی.  
لازم نیست هر ماه بیاید اینجا.

B: Well, we can transfer some money from your checking account to your savings account every month if you'd like to.  
You don't need to come here every month.

لطفاً بذارید اول حساب جاری باز کنم. شاید بعداً حساب پس انداز باز کنم.  
A: Let me please open a checking account first. Maybe I'll open a savings account later.

حتماً، بفرما پاسپورتتون. آیا مایلید عکستون روی چک کارتون باشه؟  
B: Sure, here's your passport. Would you like to have your picture on your check card?

بله لطفاً.  
A: Yes, please.

اوکی. ما اونجا عکس میگیریم.  
B: Okay. We'll take pictures over there.

ببخشید. چقدر طول میکشه تا من چک کارتمو بگیرم؟  
A: Excuse me. How long does it take until I get my check card?

نبایستی از یه هفته بیشتر طول بکشه. به محض اینکه آماده بشه واست میفرستیمش.  
B: It shouldn't take longer than a week. We'll send it to you as soon as it's ready.

عالیه.  
A: That's great.

بیا بریم اونجا واسه گرفتن عکست.  
B: Let's go over there to take your picture.

---



Did you open an account?

Yes, I did.

آیا حساب باز کردی؟

جواب مثبت کوتاه

What kind of account?

A checking account or a savings account?

چه نوع حسابی؟

یه حساب جاری یا یه حساب پس انداز؟

I opened both.

هر دو رو باز کردم

Did you get a check card, too?

Not yet

هنوز نه

They'll send it to me.

اونها اون رو واسم خواهند فرستاد

They took my picture.

اونها عکسمو گرفتن

Why did they take your picture?

My picture will be on my card.

چرا عکستو گرفتن؟

عکسم روی کارتم خواهد بود

Nobody can use my card.

If my picture is on my card.

هیچ کس نمیتونه از کارتم استفاده کنه

اگر عکسم روی کارتم باشه

Remember

Don't forget.

یادت باشه

فراموش نکن

When you get your card.

You have to sign it.

وقتی که کارتتو میگیری

باید امضاش کنی

I have to sign my card?

You have to sign the back of your card.

من باید کارتمو امضا کنم؟

باید پشت کارتتو امضا کنی

When you buy something.

And you want to use your card.

You have to sign something.

وقتی که یه چیزی میخری

و میخوای از کارتت استفاده کنی

باید یه چیزی رو امضا کنی

They look at the signature on your card.

اونها به امضای روی کارتت نگاه میکنند

What's the meaning of the word signature?

What does signature mean?

It means....

Signature

امضاء

They look at the signature on your card.

Both signatures have to be the same.

اونها به امضای روی کارتت نگاه میکنند

هر دو امضا باید مثل هم باشن

---

Way  
Highway  
Driver's license  
Signature

---

I took a lot of pictures.  
When I was in Iran.

من یه عالمه عکس گرفتم  
وقتی که ایران بودم

How much did you spend in Iran?  
I didn't spend much.

چقدر تو ایران خرج کردی؟  
زیاد خرج نکردم

Sign here, please.  
Please sign here.

لطفاً اینجا رو امضا کنید

And write the date here.  
Let me change my jacket.

و تاریخ رو اینجا بنویسید  
بذار کتتم رو عوض کنم

I like your jackets.  
Specially the black one

من از کتبات خوشم میاد  
خصوصاً از مشکیه

How did the meeting go?  
It went very well.

جلسه چطور پیش رفت؟  
خیلی خوب پیش رفت

Let me finish my work.

بذار کارمو تموم کنم

Where's Ali?  
He's on a business trip.

علی کجاست؟  
اون در یه سفر شغلیه

Can you take my picture?  
I took your picture yesterday.

میتونی عکس منو بگیری؟  
من دیروز عکستو گرفتم

Is this your signature?  
Yes, it is.

آیا این امضای توه؟  
جواب مثبت کوتاه

Did you sign the letter?  
I signed it.

نامه رو امضاء کردی؟  
امضاش کردم

Can you take it to the post office?  
Yes, but let me finish my work first.

میتونی ببریش اداره پست؟  
آره، ولی اول بذار کارمو تموم کنم

Bring me a glass of water, please.  
We just got here.  
Do you mind if I close the door?  
No, I don't mind.  
I want to open the window if you don't mind.  
What's Ali doing in the garage?  
A two car garage  
I'm going to rent an apartment.

یه لیوان آب واسم بیار لطفاً  
ما همین الان رسیدیم اینجا  
آیا از نظر تو اشکالی داره آگه من در و ببندم؟  
نه، از نظر من اشکالی نداره  
میخوام پنجره رو باز کنم آگه از نظر تو اشکالی نداشته باشه  
علی داره تو گاراژ چکار میکنه؟  
یه گاراژ دو ماشینه  
خیال دارم یه آپارتمان کرایه کنم

Can I see your driver's license?

آیا میتونم گواهینامه رانندگیتونو ببینم؟

Show me your ID.

کارت شناساییتون رو نشونم بدید

Show me your passport.

پاسپورتو نشونم بدید

Sign here, please.

اینجا رو امضا کنید لطفاً

This is your checking account number.

این شماره حساب جاریتونه

Does my savings account have the same number?

آیا حساب پس اندازم همون شماره رو داره؟

No, your savings account will have a different number.

نه، حساب پس اندازتون شماره متفاوتی خواهد داشت

Is this your signature?

آیا این امضای شماست؟

No, this is not my signature.

نه، این امضای من نیست

Are you still reading a book?

آیا هنوزم داری کتاب میخونی؟

No, I finished reading the book.

نه، من خوندم کتاب رو تموم کردم

Then come to the living room.

پس بیا به اتاق نشیمن

I need your help.

به کمکت احتیاج دارم

I want to move the TV.

میخوام تلویزیون رو جا به جا کنم

How long does it take?

چقدر طول میکشه؟

It won't take long.

طولی نخواهد کشید

I'm sorry I'm late.

متاسفم دیر کردم

There was a lot of traffic on the highway.

تو اتوبان یه عالمه ترافیک بود

Have a seat.

بفرما بشین

Would you like to eat something?

میل داری چیزی بخوری؟

Yes, I'm hungry.

آره، گرستمه

Would you like to drink something, too?

آیا میل داری چیزی هم بنوشی؟

Yes, I'm thirsty.

آره، تشنمه

Bring me a glass of water, please.

یه لیوان آب واسم بیار لطفاً

Can you bring me some coffee?

میتونی مقداری قهوه واسم بیاری؟

Ali, it's cold today. Don't forget to take your jacket. I'm late. My jacket's in the bedroom.	علی، امروز سرده یادت نره کنت رو برداری ( ببری ) دیرم شده کنتم تو اتاق خوابه
Where's Mina? Mina's watching TV. She's watching TV.	مینا کجاست؟ مینا داره تلویزیون تماشا میکنه داره تلویزیون تماشا میکنه
Where? in her room? No, in the living room.	کجا؟ تو اتاقش؟ نه، تو اتاق نشیمن
I was just there. She wasn't there.	من همین الان اونجا بودم اون اونجا نبود
I just talked to my wife. I just finished my work.	من همین الان با خانمم حرف زدم من همین الان کارمو تموم کردم
Can you bring me a cup of coffee? Of course	میتونی واسم یه فنجان قهوه بیاری؟ البته
I just got here. The highway was very busy.	من همین الان رسیدم اینجا اتوبان خیلی شلوغ بود
Don't take the highway.	از اتوبان نرو
Did Ali tell you? That I can't come to the meeting tomorrow?	آیا علی بهت گفت؟ که من فردا نمیتونم بیام به جلسه؟
No, he didn't. Yes, he told me.	جواب منفی کوتاه آره، بهم گفت
I knew that you couldn't come. I got your message.	میدونستم که نمیتونستی بیای پیغامتمو گرفتم
Take this letter and give it to Ali. He's in his room.	این نامه رو ببر و بدش به علی تو اتاقشه
He has to go to the post office. He should send the letter from there.	اون باید بره اداره پست اون بایستی نامه رو از اونجا بفرسته
Is there a post office around here? Yes, there's one near the mall.	آیا یه اداره پست دو رو بر اینجا هست؟ آره، یکی نزدیک پاساژ هست
But I don't recommend you go there. But I don't recommend that you go there.	ولی بهت توصیه نمیکنم بری اونجا

Why not?

چرا نه؟

Because you have to take the highway.  
And the highway is very busy right now.

چون باید از اتوبان بری  
و اتوبان الانه خیلی شلوغه

I just came from there.

من همین الان از اونجا اومدم

---

سلام سارا.

A: Hi, Sarah.

سلام جیم، چطوری؟

B: Hi, Jim. How are you?

خوبم . تو چطور؟

A: I'm fine. And you?

خوبم. چرا نمیای داخل؟

B: I'm okay. Why don't you come in?

نه، مرسی. من فقط یه چند دقیقه ای فرصت دارم. آیا شوهرت خونه ست؟

A: No, thanks. I just have a few minutes. Is your husband home?

آره، داره توی اتاق نشیمن تلویزیون میبینه. آیا میخوای باهاش حرف بزنی؟

B: Yes, he's in the living room watching TV. Would you like to talk to him?

خب، نمیخوام مزاحمش بشم. شاید شما بتونید جواب سوالمو بدید.

A: Well, I don't want to bother him. Maybe you can answer my question.

امیدوارم بتونم کمکت کنم.

B: I hope I can help you.

درباره یه چکی هست که امروز به حسابم واریزش کردم.

A: It's about a check I deposited it in my account today.

خب جیم. بذار از شوهرم بپرسم. اون توی بانک کار میکنه. اون بایستی بهتر بدویش. دیوید میتونی یه دقیقه بیای اینجا؟

B: Well, Jim. Let me ask my husband. He works at the bank. He should know it better. David can you come here for a minute?

آره، دارم میام.

C: Yes, I'm coming.

جیم چند تا سوال درباره حسابش داره.

B: Jim has some questions about his account.

سلام جیم. چه کمکی از من بر میآید؟

C: Hi, Jim. What can I do for you?

سلام دیوید. من الان یه چک به حساب جاریم واریز کردم، و میخوامم مقداری پول برداشت کنم،

اما بهم گفتن یک یا دو روز طول میکشه تا من بتونم از حسابم پول برداشت کنم.

A: Hi David. I just deposited a check to my checking account, and wanted to withdraw some money, but they told me it takes one or two days until I can withdraw money from my account.

خب، اگه تو پول توی حسابت داشته باشی، میتونی هر وقت که بخوای ازش برداشت کنی.

اما اگه چک واریز کنی و پول کافی توی حسابت نداشته باشی، باید منتظر بمونی تا چک نقد شده باشه، و واریز بشه به حسابت معمولاً سه یا چهار روز طول میکشه یا شاید کمی بیشتر.

C: Well, if you have money in your account, you can withdraw it anytime you want.

But if you deposit a check and you don't have enough money in your account, you have to wait until the check is cashed, and deposit it to your account. It usually takes three or four days or maybe a little longer.

اوه، اینو نمیدونستم. متشکرم که به سوالم جواب دادی.

A: Oh, I didn't know that. Thanks for answering my question.

خواهش میکنم. جیم، من میتونم مقداری پول بهت بدم اگه بخوای.

C: You're welcome. Jim, I can give you some money if you want.

نه مرسی. من یه حساب پس انداز هم دارم. اما نمیخوامم ازش استفاده کنم. از کارت اعتباریم استفاده میکنم. من باید الان برم. بازم متشکرم.

A: No, thanks. I have a savings account, too. but I didn't wanna use it, I'll use my credit card. I have to go now. Thanks again.

خواهش میکنم. بای.

C: You're welcome. Goodbye.

Is there a gas station around here?

Yes, there's one around the corner.

آیا یه پمپ بنزین دو رو بر اینجا هست؟

آره، یکی اطراف نبش هست

Go straight ahead.

You'll see it.

مستقیم برید

میبینیدش

It's cold.

I want to close the window

If you don't mind.

سرده

من میخوام پنجره رو ببندم

اگه از نظر تو اشکالی نداره

Is Mina in her room?

Yes, she is.

آیا مینا تو اتاقشه؟

جواب مثبت کوتاه

Let me talk to her.

If you don't mind.

بخار باهاش حرف بزنم

اگه از نظر تو اشکالی نداره

Do you mind if I turn on the TV?

Yes, I'm reading a book.

آیا از نظر تو اشکالی داره اگه من تلویزیون رو روشن کنم؟  
آره، من دارم کتاب میخونم

Not at all.

نه اصلاً

Are the children still in the bedroom?

No, they're in the garage.

آیا بچه ها هنوزم تو اتاق خوابین؟

نه، توی گاراژن

What's the meaning of the word garage?

What does garage mean?

It means....

Garage

گاراژ

The children are in the garage.

They're in the garage.

بچه ها تو گاراژن

What are they doing in the garage?

اونها تو گاراژ چکار میکنن؟

Ali's showing them his new car

Ali's showing his new car to them.

علی داره ماشین جدیدشو بهشون نشون میده

I'm thirsty.

تشنمه

Mina, bring a glass of water for your father.

Mina, bring your father a glass of water.

مینا یه لیوان آب واسه پدرت بیار

I don't know how to get to the airport.

You have to take highway five.

من نمیدونم چطوری برم فرودگاه

باید از اتوبان پنج بری

Do you mind if I take your car?

No, I don't mind.

آیا از نظر تو اشکالی داره اگه من ماشین تو رو بردام؟

نه از نظر من اشکالی نداره

Did you find a job?

Yes, but I have to move from here.

آیا کار پیدا کردی؟

آره، ولی باید از اینجا نقل مکان کنم

Where are you going to go?

My new job is in Los Angeles.

کجا خیال داری بری؟

شغل جدیدم در لس آنجلسه

Are you going to buy a house there?

No, Los Angeles is an expensive city.

آیا خیال داری اونجا خونه بخری؟

نه، لس آنجلس شهر گرونیه

I'm going to rent an apartment.

What a beautiful apartment!

خیال دارم یه آپارتمان اجاره کنم

چه آپارتمان خوشگلی

How much is the rent?

اجاره چنده؟ ( اجارش چنده؟ )

It's a thousand dollars a month.

It's a thousand dollars per month.

ماهی هزار دلار

Did you like the apartment?

Yes, I'm going to rent it.

We'll sign it tomorrow.

Don't sign anything.

Before you read it.

My new house has a two car garage.  
It has one living room and three bedrooms.

There's a yard behind the house.

It has a two car garage.  
It has three bedrooms.

Are you going to your room?  
Yes, I am.

Can you take this book to my room?  
Of course I can.

Take your ID with you.  
Take your driver's license with you.

I don't have enough money to rent a house.  
We should stay in this apartment.  
Until I find a better job.

از آپارتمان خوشت اومد؟  
آره، خیال دارم اجارش کنم

فردا امضاش خواهیم کرد

چیزی رو امضا نکن  
قبل از اینکه بخونیش

خونه جدیدم یه گاراژ دو ماشینه داره  
یک اتاق نشیمن و سه اتاق خواب داره

یه حیاط پشت خونه هست

یه گاراژ دو ماشینه داره  
سه تا اتاق خواب داره

داری میری اتاق؟  
جواب مثبت کوتاه

میتونی این کتاب و ببری به اتاق؟  
البته که میتونم

کارت شناساییت رو با خودت ببر  
گواهینامه رانندگیت رو با خودت ببر

من پول کافی ندارم خونه کرایه کنم  
ما بایستی تو این آپارتمان بمونیم  
تا من یه شغل بهتر پیدا کنم

---

Bring

Bread

Bring

Garage

Rent mind

Kind

Mind

I don't mind.

---



When did you talk to Mina?  
I talked to her just this morning.

کی با مینا حرف زدتی؟  
همین امروز صبح باهاش حرف زدم

What did she tell you?  
She told me that she'll think about it.

اون بهت چی گفت؟  
بهم گفت که راجع بهش فکر میکنه ( خواهد کرد )

I was just thinking.  
That I can understand English.  
Much better than before

همین الان داشتم فکر میکردم  
که من میتونم انگلیسی بفهمم  
خیلی بهتر از قبل

I'm very happy.  
I'm very happy for you.

من خیلی خوشحالم  
واست خیلی خوشحالم

Let me go and bring it for you.  
I don't either.  
Where did you put my book?  
Put my tea right here, please.  
One of our neighbors is from Iran.  
They live in a nice neighborhood.  
I just bought the tickets.  
I've been in different countries.  
My daughter is an engineer like me.  
I have a car like yours.  
Iran is a beautiful country.

بذار برم و برات بیارمش  
منم نه  
کتابم رو کجا گذاشتی؟  
چاییم رو همین جا بذارید لطفاً  
یکی از همسایه هامون اهل ایرانه  
اونها تو محله خوبی زندگی میکنن  
همین الان بلیط ها رو خریدم  
من در کشورهای مختلفی بوده ام  
دخترم مثل من مهندسه  
من یه ماشین مثل ما شما دارم  
ایران کشور قشنگیه

Don't you want to go to the bank?  
I just came from there.  
  
Is there a supermarket around here?  
There's one near the library.  
It's just a few miles from here.  
  
Do I have to take the highway?  
No, you don't need to take the highway.

نمیخواهی بری بانک؟  
من همین الان از اونجا اومدم  
  
آیا یه سوپرمارکت دور و بر اینجا هست؟  
یکی نزدیک کتابخونه هست  
فقط یه چند مایله از اینجا  
  
آیا باید از اتوبان برم؟  
نه، احتیاجی ندارید از اتوبان برید

Have you seen Ali's new apartment?  
No, I haven't been there yet.

آیا آپارتمان جدید علی رو دیدی؟ ( دیده ای؟ )  
نه هنوز اونجا نبودم ( نبوده ام )

You should see it.  
It has two bedrooms.  
And a big kitchen

بایستی ببینیش  
دو تا اتاق خواب داره  
و یه آشپزخونه بزرگ

How much is the rent?  
I didn't ask him about the rent.

اجارش چقدره؟  
ازش راجع به اجاره نپرسیدم

Can you give me some money?  
Yes. Where's my wallet?

میتونی مقداری پول بهم بدی؟  
آره. کیف پولم کجاست

I'll bring it for you.

من برات میارمش ( خواهم آورد )

Where did you put it?  
It should be in my room.

کجا گذاشتیش؟  
بایستی تو اتاقم باشه

I put it in my room an hour ago.  
Maybe it's in my jacket.

یه ساعت قبل گذاشتمش تو اتاقم  
شاید تو کتمه

Where's your jacket?  
I think I took it to the garage.

کتت کجاست؟  
فکر کنم بردمش به گاراژ

Where should I put your tea?  
Put it right here, please.

چاییتون رو کجا بایستی بذارم؟  
بذاریدش همین جا لطفاً

Do you mind?  
If I turn the radio off.

آیا از لحاظ تو اشکالی داره؟  
اگه من رادیو رو خاموش کنم

Do you mind if I turn the radio off?

آیا از نظر تو اشکالی داره اگه من رادیو رو خاموش کنم؟

No, you can turn it off.  
If it's bothering you.

نه، میتونی خاموشش کنی  
اگه داره مزاحمت میشه

No, you can turn it off if it's bothering you.

نه، میتونی خاموشش کنی اگه داره مزاحمت میشه

Don't bother me.  
Put my coffee here.

مزاحم نشو  
قهوه رو بذار اینجا

Mina, do you like this car?  
I like it.  
But I don't like the color.

مینا، تو از این ماشین خوشت میاد؟  
ازش خوشم میاد  
ولی از رنگش خوشم نمیاد

I don't either.  
I don't like the color either.

منم نه  
منم از رنگش خوشم نمیاد

I want to go, too.  
I don't want to go.

منم میخوام برم  
من نمیخوام برم

I don't want to go either.

منم نمیخوام برم

I don't have enough money.  
I don't either.

من پول کافی ندارم  
منم نه

Did you know?  
That Shiva moved to Tehran?

آیا میدونستی؟  
که شیوا به تهران نقل مکان کرد؟

No, I didn't know that.  
I didn't either.

نه اونو نمیدونستم  
منم نه

Sahar told me that yesterday.

سحر اونو دیروز بهم گفت

I like Shiraz.  
I'm used to here.

من از شیراز خوشم میاد  
من به اینجا عادت کردم

I know a lot of nice people here.

We have nice neighbors.  
Neighbor

ما همسایه های خوبی داریم  
همسایه

One of our friends	یکی از دوستانمون
One of our neighbors	یکی از همسایه هامون
One of our neighbors is from Iran.	یکی از همسایه هامون اهل ایرانه
There are nice houses in our neighborhood.	خونه های خوبی در محله ما هستن ( همسایگی )
Neighborhood	محله ( همسایگی )
There are nice houses in our neighborhood.	خونه های خوبی در محله ما هستن

### مکالمه

---

سلام، اسم من جک اسمیته. ما برنامه داریم بیه خونه تو این محله بخریم.

A: Hi, my name is Jack Smith. We're planning to buy a house in this neighborhood.

اوه واقعاً؟

B: Oh, really?

آره، ما همسایه های جدیدت خواهیم بود. درباره این محله چی فکر میکنید؟

A: Yes, we'll be your new neighbors. What do you think about this neighborhood?

خوبه، ما بیشتر از پانزده ساله که اینجا زندگی کردیم. مردم اینجا خیلی خوب هستن. اینجا خیلی ترافیک نیست. فقط صبح زودها وقتی که مردم میرن سر کار، بیه خورده ترافیک میبینی. من توصیه میکنم که بیه خونه اینجا بخری. بیه پاساژ بزرگ نزدیک ما هست. بیه عالمه خواربارفروشی و سوپرمارکت اطراف اینجا هست.

B: Well, we have lived here for more than fifteen years. The people are very nice here.

There isn't a lot of traffic here. Only early in the mornings when people go to work, you'll see a little traffic. I recommend that you buy a house here. There's a big mall close to us. There are a lot of grocery stores and supermarkets around here.

مدرسه های اطراف اینجا چطورن؟

A: How's the schools around here?

بیه چند تا مدرسه توی این محله هست. همه اونها خوب هستن. بچه های من مدرسه تفت میرن. از اینجا فقط ده دقیقه ست. مدرسه خوبیه. معلمهای خوب زیادی اونجا کار میکنن.

B: There are a few schools in this neighborhood. All of them are good. My children go to Taft School. It's just ten minutes from here. It's a nice school. There are many good teachers working there.

بیه مدرسه خوب واسه ما خیلی مهمه. آیا شما آدرس مدرسه ای که بچه هاتون میرن رو دارید؟

A: A good school is very important to us. Do you have the address of the school your children go to?

شما نقشه ندارید، مگه نه؟

B: You don't have a map, do you?

نه ندارم.

A: No, I don't.

منم ندارم. بذار بهت بگم چطوری بری اونجا. میدونی خیابون سانست کجاست؟

B: I don't either. Let me tell you how to get there. Do you know where Sunset Avenue is?

آره میدونم.

A: Yes, I do.

بریدخیابون سانست و بپیچید به چپ، بعد واسه چند مایل مستقیم برید. مدرسه سمت چپونه. حتماً میبینیش.

B: Go on Sunset Avenue and turn left, then go straight ahead for a few miles. The school is on your left. You can't miss it.

واسه همه چیز ممنونم.

A: Thanks for everything.

خواهش میکنم. اگه سوالات دیگه ای دارید، خوشحال میشم جوابشونو بدم.

B: You're welcome. If you have any other questions, I'll be happy to answer them for you.

متشکرم، شاید بعداً. روز خوبی داشته باشید.

A: Thank you, maybe later. Have a good day.

همچنین شما. بای.

B: You too. Goodbye.

بای.

A: Goodbye.

Where did you put my book?

It's in my room.

کتابم رو کجا گذاشتی؟

تو اتاق منه

Don't put my book in your room.

کتابم رو تو اتاق نذار

We're going to Mashhad.

Are you going by car?

No, we're flying there.

داریم میریم مشهد

با ماشین داری میری؟

نه، داریم پرواز میکنیم به اونجا

I just bought the tickets.

Ticket

همین الان بلیط ها رو خریدم

بلیط

Let's go to the movies.

But I don't have any money with me.

بیا بریم سینما

ولی من پولی همراهم ندارم

Don't worry.

I have two tickets.

نگران نباش

من دوتا بلیط دارم

I didn't like the movie.  
I didn't either.

من از فیلمه خوشم نیومد  
منم نه

I want to buy a car.  
What kind of the car?

من میخوام بیه ماشین بخرم  
چه نوع ماشینی؟

Something like yours

یه چیزی مثل مال تو

What does like mean here?  
What's the meaning of the word like here?  
It means....

Something like yours

یه چیزی مثل مال تو

Like  
Like this  
Like that

مثل  
مثل این  
مثل اون

You can't find the house like this.

خونه مثل این نمیتونی پیدا کنی

I don't understand people like him.

من آدمای مثل اونو درک نمیکنم

What does Ali do?  
He's an engineer  
Like me

علی چکار میکنه؟ (شغل)  
اون مهندسه  
مثل من

You sometimes speak like a child.

تو بعضی اوقات مثل بچه صحبت میکنی

I have a lot of work to do.  
Like what?

من بیه عالمه کار دارم انجام بدم  
مثل چی؟

Like going to the post office  
Like buying food

مثل رفتن به اداره پست  
مثل غذا خریدن

My son's ten years old.  
Like your son

پسر من ده سال داره  
مثل پسر شما

Your son told me.  
That you're going on vacation.

پسرتون بهم گفت  
که شما دارید میرید مرخصی

Yes, we're going to Germany.

آره، داریم میریم آلمان

Weren't you in Germany last year?  
No, we were in Sweden last year.

مگه پارسال آلمان نبودید؟  
نه پارسال تو سوئد بودیم

We have been in different countries.  
We've been in different countries.

ما در کشورهای مختلفی بوده ایم

Countries

کشورها

Country

کشور

Iran's a beautiful country.

ایران کشور قشنگیه

Iran is a beautiful country.

Countries like Iran

کشورهایی مثل ایران

Where did you put the tickets?

بلیط ها رو کجا گذاشتی؟

I put them in the drawer.

اونها رو تو کشو گذاشتم

---

Either

Other

Either

Put

Ticket

Neighbor

Neighborhood

Country

Countries

---

I've been in different countries.

من در کشورهای مختلفی بوده ام

Like Germany

مثل آلمان

Like Holland

مثل هلند

I like the weather like this.

من از اینجور هوا خوشم میاد

But I don't like rainy days.

ولی از روزهای بارونی خوشم نمیاد

I don't either.

منم نه

We have nice neighbors.

ما همسایه های خوبی داریم

We live in a nice neighborhood.

ما تو یه محله خوبی زندگی میکنیم

This is day eighty-eight.

این روز هشتاد و هشته

This is lesson eighty-eight.

این درس هشتاد و هشته

There are two more lessons.

دوتا درس دیگه هستن

Do lesson eighty-nine tomorrow.

درس هشتاد و نه رو فردا انجام بده

And do lesson ninety the day after tomorrow.

و درس نود رو پس فردا انجام بده

I don't like this movie. I don't either.	من از این فیلم خوشم نمیاد منم نه
You shouldn't talk to your sister like that.	نباید اونجوری با خواهرت صحبت کنی
Countries like Germany	کشورهایی مثل آلمان
People don't buy books like this.	مردم کتابهای اینجوری رو نمیخرن
Do you mind? If I invite Mina for dinner.	آیا از نظر تو اشکالی داره؟ اگه من مینا رو واسه شام دعوت کنم؟
Do you mind if I invite Mina for dinner? No, I don't mind.	آیا از نظر تو اشکالی داره اگه من مینا رو واسه شام دعوت کنم؟ نه، از نظر من اشکالی نداره
Don't take the highway. I have two tickets for the movies.	از اتوبان نرو من دو تا بلیط واسه سینما دارم
Do you want to go? No, I can't. I'm very busy.	میخوای بری؟ نه، نمیتونم سرم خیلی شلوغه
Why don't you give them to Mina?	چرا اونها رو به مینا نمیدی؟
I just spoke with her. I just spoke to her.	من همین الان با اون صحبت کردم
She's going to visit her friend. Her friend Sarah bought a new house last week.	اون خیال داره از دوستش دیدن کنه دوستش سارا هفته پیش یه خونه جدید خرید
In a nice neighborhood One of her neighbors is from Iran.	تو یه محله خوب یکی از همسایه های اون اهل ایرانه
They travel a lot. They have relatives in other countries.	اونها خیلی مسافرت میرن اونها قوم و خویش هایی در سایر کشورها دارن
Where did you put my jacket? It's in the living room. It's in our bedroom.	کتم رو کجا گذاشتی؟ تو اتاق نشیمنه تو اتاق خوابمونه
What a beautiful day!	چه روز قشنگی
Why don't you take the children to the park? That's a good idea.	چرا بچه ها رو نمببری پارک؟ فکر خوبیه
Tell them to get ready.	به اونها بگو حاضر بشن



Ali, can you bring my book from the kitchen?  
Yes, but let me finish my letter first.

علی، میتونی کتابمو از آشپزخونه بیاری؟  
آره، ولی بذار اول نامم رو تموم کنم

I'll bring it myself.

خودم میارمش

When did you get here?  
We just got here.

کی رسیدید اینجا؟  
ما همین الان رسیدیم

What a beautiful apartment.  
I'm going to rent it.

چه آپارتمان قشنگی  
خیال دارم اجارش کنم

Is there a gas station around here?  
I'm sorry.  
I'm not from here.

آیا یه پمپ بنزینی این دور و برا هست؟  
متاسفم  
من اهل اینجا نیستم

I'm sorry that I can't help you.

متاسفم که نمیتونم کمکتون کنم

But maybe my son knows that.  
Let me ask him.

ولی شاید پسرم اونو بدونه  
بذارید ازش بپرسم

Did you open an account?  
Yes, I did.

حساب باز کردی؟  
جواب مثبت کوتاه

What kind of an account?  
I opened a checking account.

چه نوع حسابی؟  
یه حساب جاری باز کردم

Why didn't you open a savings account?  
We don't have enough money.

چرا حساب پس انداز باز نکردی؟  
ما پول کافی نداریم

We don't have enough money to put it in a savings account. ما پول کافی نداریم تو حساب پس انداز بذاریم

You don't need to have much money.  
You can open it with just fifty dollars.

تو احتیاج نیست پول زیادی داشته باشی  
میتونی با فقط پنجاه دلار بازش کنی

Take your ID with you.  
And remember to sign your card.

کارت شناساییت رو همراهت ببر  
و یادت باشه کارتت رو امضا کنی

Which card?

کدوم کارت؟

They'll give you a check card.  
Take your driver's license, too.

اونها بهت چک کارت میدن  
گواهینامه رانندگیت رو هم ببر

When does the bank close?  
They close in half an hour.

بانک کی میبندد؟  
اونها ظرف نیم ساعت میبندن

Then let me go there now.

پس بذار الان برم اونجا

Don't drive too fast. On the highway	زیادی سریع نرون تو اتوبان
There's a lot of traffic on the highway. Specially on highway five	یه عالمه ترافیک تو اتوبان هست خصوصاً تو اتوبان پنج
You can't buy a car. Why not?	تو نمیتونی ماشین بخری چرا نه؟
Because you're spending too much money.	چون تو داری خیلی داری خرج میکنی
Can I spend the night at my friend's house?	میتونم شب رو خونه دوستم بگذروم؟
Which friend? My friend Sahar	کدوم دوست؟ دوستم سحر
I know Sahar. She's a very nice girl.	سحر و میشناسم اون دختر خیلی خوبیه
Her parents are nice people, too. They used to live in our neighborhood.	والدینش هم آدمای خوبین اونها قبلاً ها تو محله ما زندگی میکردن
I don't mind. If you want to spend the night there.	از نظر من اشکالی نداره اگه میخوای شب و اونجا بگذرونی
Ali did you put my luggage in the car? Not yet	علی، اثاثت رو گذاشتی تو ماشین؟ هنوز نه
Where's your luggage? They're in my room.	اثاثتو کجاست؟ تو اتاقمن
When will you come back? I'm staying there for a week.	کی برمیگردی؟ من واسه یه هفته اونجا میمونم
What date is it today? Today is Monday, April first.	امروز چه تاریخیه؟ امروز دوشنبه، اول آپریله
Then you'll be here next Monday. Please remember to take pictures there.	پس شما دوشنبه دیگه اینجایی لطفاً یادتون باشه اونجا عکس بگیرید
I'll try.	سعی میکنم
But I won't have much time there. I'll be in meetings most of the time.	ولی اونجا وقت زیادی نخواهم داشت من اکثر اوقات تو جلسه خواهم بود
How long does the flight to Chicago take? It usually takes three hours.	پرواز به شیکاگو چقدر طول میکشه؟ معمولاً سه ساعت طول میکشه

But it'll take longer for me. Because I have to go to Texas first.	ولی واسه من بیشتر طول خواهد کشید چون من اول باید برم به تگزاس
I'll change my flight there.	من اونجا پروازمو عوض خواهم کرد
Do you know what your gate number is? No, we have to go to the airport first.	میدونی شماره گیتت چنده؟ نه، اول باید بریم فرودگاه
When we get there. They'll tell us.	وقتی که برسیم اونجا اونها بهمون میگن
They'll tell us which gate I have to go to.	اونها بهمون میگن به کدوم گیت باید برم
Are you going to stay at a hotel? Yes, the company is taking care of everything.	خیال دارید تو هتل بمونید؟ آره، شرکت ترتیب همه چیز و میده
Will they give you a car, too? Yes, I can rent a car, too.	آیا یه ماشین هم بهتون خواهند داد؟ آره، میتونم ماشین هم کرایه کنم
The company pays for it.	شرکت پرداختش میکنه
I called you and left a message. I called about half an hour ago.	من بهت تلفن کردم و یه پیغام گذاشتم من حدود نیم ساعت پیش تلفن کردم
I wanted to ask you. If you can buy some stamps. On the way home	میخواستم ازت بپرسم که آیا میتونی تعدادی تمبر بخری سر راه منزل
I wanted to ask you If you can buy some stamps on the way home.	میخواستم ازت بپرسم که آیا میتونی تعدادی تمبر سر راه منزل بخری؟
I already bought some stamps yesterday.	من که دیروز تعدادی تمبر خریدم
Don't you remember? I thought you didn't go to the post office.	مگه یادت نمیداد؟ من فکر کردم تو اداره پست نرفتی
I changed my ticket three times. It's very hard to change it again.	من بلیطم رو سه بار عوض کردم خیلی سخته دوباره عوض کردنش
There's only one way to change it again. You have to pay at least a hundred dollars.	تنها یک راه واسه مجدداً عوض کردنش هست حداقل باید صد دلار بپردازی
How did Mina know? That we're going to get a loan for her	مینا از کجا میدونست؟ که ما خیال داریم وام بگیریم
I don't know. I didn't tell her. I didn't tell her either. Neither did I.	نمیدونم. من بهش نگفتم منم بهش نگفتم نه منم نه اونم

We should ask Ali. Maybe he knows something about it.	بایستی از علی بپرسی شاید چیزی راجع بهش میدونه
Ali, did you tell Mina? That we're planning to get a loan for her.	علی، آیا تو به مینا گفتی؟ که ما برنامه داریم واسش وام بگیریم
Yes, I told her. Why? Because Mina knew that.	آره من بهش گفتم. چرا؟ چون مینا اون رو میدونست
We preferred not to tell her. Before we got the loan.	ما ترجیح میدادیم بهش نگییم قبل از اینکه وام رو گرفتیم
We preferred not to tell her before we got the loan.	ما ترجیح میدادیم بهش نگییم قبل از اینکه وام رو گرفتیم
I have a cold. I have to see a doctor.	من سرما خوردم باید به دکتر ببینم
Do you know a good doctor? Yes, I recommend doctor Wacker.	آیا تو به دکتر خوب میشناسی؟ آره، دکتر واکر رو توصیه میکنم
Excuse me; I want to see the doctor. Do you have an appointment? Yes, I called yesterday.	ببخشید، من میخوام دکتر و ببینم آیا شما وقت ملاقات دارید؟ بله، دیروز تلفن کردم
What's your name? My name is Roya Rezai.	اسمتون چیه؟ اسم من رویا رضاییه
Do you have your insurance card with you? Yes, here you are. Have a seat, please.	آیا کارت بیمتون رو همراهتون دارید؟ بله، بفرمایید بفرمایید بشینید لطفاً
The doctor will be with you in a few minutes.	دکتر ظرف چند دقیقه با شما خواهد بود
How are you feeling? I feel much better than before.	حالت چطوره؟ حالم از قبل خیلی بهتره
Did you like the doctor? Yes, he's a very good man. And what a good doctor!	از دکتر خوشت اومد؟ آره، اون مرد خیلی خوبیه و چه دکتر خوبی
Could you understand what the doctor said? Of course I could!	تونستی بفهمی دکتر چی گفت؟ البته که تونستم
How do you speak with the doctor when you see him? I always take my daughter with me.	چطوری با دکتر صحبت میکنی وقتی میبینش؟ من همیشه دخترم رو همراه میبرم
I don't understand English. I don't know what to do.	من انگلیسی نمیفهمم نمیدونم چکار کنم

How did you learn English?

تو چطوری انگلیسی یاد گرفتی؟

Do you know Nosrat institute?

آیا موسسه نصرت و میشناسی؟

Yes, I know them.

آره، میشناسمشون

ببین، شما به دکتر خیلی خوب رو به من پیشنهاد کردید.

حالا من یه مدت خیلی خوب برای یادگیری چگونگی انگلیسی صحبت کردن بهتون پیشنهاد میکنم و فقط در نود روز.

من خیلی از مدت ها رو امتحان کردم، اما روش نصرت بهترینه. و به این شکل من یاد گرفتم انگلیسی صحبت کنم.

Look! You recommended a very good doctor to me.

Now I'm going to recommend you a very good system of learning how to speak English and only ninety days.

I have tried many systems, but Nosrat's matter is the best. That's how I learned to speak English.

Don't wake up the neighbors!	همسایه ها رو بیدار نکن
I want to travel to another country. Can you buy the ticket for me?	من میخوام به یه کشور دیگه مسافرت کنم میتونی واسم بلیط بخری؟
You can put the tickets on my credit card.	میتونی بلیط ها رو توی کارت اعتباریم بذاری.
Can you get me a cup of coffee with milk? We don't have any milk.	میتونی یه فنجان قهوه با شیر بهم بدی؟ ما هیچ شیر نداریم
Then can you get me a cup of tea? Can you get me a cup of tea then. We don't have tea either.	پس میتونی یه فنجان چای بهم بدی؟ پس یه فنجان چای بهم بده چای هم نداریم
I'll ask the neighbors for some milk. There's a grocery store just around the corner.	از همسایه ها طلب یه مقدار شیر میکنم یه خواربار فروشی اطراف نیش هست
Where's the car? It's in the garage.	ماشین کجاست؟ تو گاراژه
I think one of the neighbors has borrowed the car.	فکر میکنم یکی از همسایه ها ماشین رو قرض گرفته
Most of our neighbors aren't home. Most of our neighbors travel a lot.	اکثر همسایه هامون خونه نیستن اکثر همسایه هامون خیلی مسافرت میرن
They spend a lot of time and money on traveling.	اونها پول و وقت زیادی در مسافرت صرف میکنن
I don't like to travel a lot. I don't like traveling a lot.	من از مسافرت رفتن زیاد خوشم نمیاد من از مسافرت رفتن زیاد خوشم نمیاد
I have to fix my car before we all go on a trip.	باید ماشینم رو تعمیر کنم قبل از اینکه هممون مسافرت بریم
I don't have a lot of money right now. I have a lot of bills to pay.	من در حال حاضر پول زیادی ندارم من یه عالمه قبض واسه پرداخت دارم
I'd rather spend my money on a new house. I'd like to get a car, too.	من ترجیح میدم پولم رو صرف خونه جدید کنم من همچنین میخوام یه ماشین هم بگیرم
Insurance is expensive for new cars	بیمه واسه ماشینهای جدید گرونه
I hope you have a lot of money.	امیدوارم پول زیادی داشته باشی
I've been working a lot. And I think I should buy the car for myself.	من خیلی کار کردم ( کرده ام ) و فکر میکنم بایستی واسه خودم ماشین بخرم
I think I should buy myself a car.	فکر میکنم بایستی واسه خودم ماشین بخرم
It's going to be at least five hundred dollars per month.	میشه حداقل ماهی پانصد دلار.

I have more money than that.	من بیشتر از این پول دارم
•	
Yes, but you have to pay for other things, too. Like what?	ولی تو باید واسه چیزهای دیگه هم پول بدی مثلاً چی؟
You have to pay for your apartment. And you have to pay for other things like food.	تو باید واسه آپارتمانت پول بدی و باید واسه چیزهای دیگه پول بدی مثل غذا
I don't eat a lot. I don't spend most of my money on food.	من خیلی نمیخورم من اکثر پولم رو صرف غذا نمیکنم
Food's important. You should eat enough food every day.	غذا مهمه تو بایستی هر روز به اندازه کافی غذا بخوری
If you don't, then you'll feel tired.	اگه این کار رو نکنی احساس خستگی میکنی

#### مکالمه

شادی، این روز نودمه و من الان خوشحالم از اینکه میتونم خیلی خوب انگلیسی صحبت کنم.  
A: Shadi, this is day ninety, and I'm happy I can speak English very well now.

خیلی واست خوشحالم ، من درسها رو تو سی روز انجام دادم و من هم درس نودم  
ولی من نمیتونم خیلی خوب صحبت کنم. تو بهتر از من صحبت میکنی.

B: I'm very happy for you. I've been doing the lessons for thirty days and I'm on lesson ninety, too.  
But I can't speak very well. You speak much better than I do.

تو درس نودمی بعد از فقط سی روز؟ این درست نیست.  
برای همینه که نمیتونی خیلی خوب انگلیسی صحبت کنی .

نمیدونستی که باید فقط روزی یه درس انجام بدی و نه بیشتر از یک درس در روز؟

A: You're on lesson ninety after only thirty days? That's not right.  
That's why you can't speak English very well.

Didn't you know that you should only do one lesson a day and not more than one lesson in one day?

من این و نمیدونستم. درس ها آسون بود و وقت زیادی داشتم و سه درس رو در یک روز انجام دادم.

B: I didn't know that. The lessons were easy and I had a lot of time, and I did three lessons in one day.

ولی تو باید فقط یک درس در روز انجام بدی . تو نباید فقط به درس ها گوش بدی. تو باید گوش بدی و تکرار کنی.

A: But you must do only one lesson a day. You shouldn't just listen to the lessons. You should listen and repeat.

اوه، حالا باید چکار کنم؟

B: Oh, what should I do now?

بایستی برگردی به درس اول و درسها رو دوباره انجام بدی. اما این بار باید درست انجام بدی.

A: You should go back to lesson one, and do the lessons again. But this time, you should do it right.

پس اگه وقت زیادی داشتتم باید چکار کنم؟

B: What should I do then if I have a lot of time?

تو باید فقط همون روزی یه درس رو انجام بدی.

A: You should still do one lesson per day only.

ولی من که بهت گفته بودم درسها آسون بودن.

من فکر کردم لازم نیست تکرار بشون کنم. و به جای اون چیزی که بهم گفته بودن انجام بدم.

من سه درس رو در یک روز انجام دادم و درسها رو توی روز تمومشون کردم.

فکر کردم فکر عالی باشه، چون فکر کردم میتونم زودتر و سریعتر یاد بگیرم صحبت کنم.

B: But I already told you that the lessons were easy.

I thought it didn't need to repeat them, and instead of doing what they told me to do.

I did three lessons in a day, and I finished ninety lessons in thirty days.

I thought that was a great idea, because I thought I could learn speak much faster and sooner.

ببین! اینو یادت باشه! یادگیری چگونه صحبت کردن با یادگیری چگونه نوشتن یا خواندن فرق میکنه.

A: Look! remember this! Learning how to speak is different from learning how to write or read English.

فکر میکنی بعد از سه ماه من بتونم مثل تو خوب صحبت کنم؟

B: Do you think that I could speak as well as you do after about three months?

من الان اینطور فکر نمیکنم. من اینو نمیدونم. نود روز دیگه میبینمت و امیدوارم اون موقع بهتر انجام بدی.

A: I don't just think so. I know so. I'll see you in ninety days, and I hope you'll do better then.

اوکی. همون کاری رو که گفتی انجام میدم.

B: OK. I'll do just like you told me to.

عالیه. نود روز دیگه میبینمت.

A: That's great! See you in ninety days.

---



آذر یادت میاد سه ماه پیش، منظورم نود روز پیش، وقتی من اصلا نمیتونستم انگلیسی صحبت کنم، فقط یه چند تا کلمه بلد بودم مثل: سلام، بله، نه و اوکی.

A: Azar, do you remember about three months ago, I mean just ninety days ago, when I couldn't speak English at all, I only knew a few words like: Hello, Yes, No and Okay.

بله البته که یادم میاد، تو میخواستی که شاید بتونی توی یه شرکت بزرگ یه کار بهتر پیدا کنی، یا درباره رفتن به یه کشور دیگه صحبت میکردی، مثل آمریکا، انگلیس، دبی، سوئد یا کانادا.

B: Yes, of course I remember, you wanted to maybe get a better job at a big company, or you were talking about going to another country like the US, England, Dubai, Sweden, or Canada.

الان من میتونم دنبال یه کار بهتر بگردم، من میتونم به همه اون کشورها برم که سالها بود میخواستم ببینمشون.

A: Now I can look for a better job, I can travel to all the countries that I've been wanting to see for years.

شاید بتونیم با هم بریم. من مسافرت کردن به کشورهای مختلف، صحبت کردن با مردم مختلف و خوردن غذاهای مختلف رو دوست دارم.

B: Maybe we can go together. I would like to go traveling to different countries, talking to different people and eating different foods.

---

فقط میخواستم بهت بگم که دارم به چند روزی میرم انگلیس مسافرت.

A: I just wanted to tell you than I'm taking a trip to England for a few days.

عالیه. مطمئنم اونجا وقت خوبی خواهی داشت. ( بهت خوش میگذره ) ولی من فکر کردم قرار بود با هم بریم.

B: That's great. I'm sure you'll have a good time there, but I thought we were going together.

خب ، این اولین سفرمه به یه کشور مختلف، ترجیح میدم تنها برم، میخوام ببینم میتونم اونجا بمونم بدون اینکه از کسی کمک بگیرم.

A: Well, It's my first trip to a different country, I would rather go alone, I want to see if I can stay there without getting help from anybody.

بعد از این درسها الان انگلیسیت خیلی خوب شده، چقدر طول کشید تا یاد گرفتی اینجوری صحبت کنی؟

B: Your English is much better now after these lessons, how long did it take you to learn to speak like this?

واسه من سه ماه طول کشید، ولی کلیدش تکرار کردن همه چیزه، این مهمترین چیزه.

A: It took me only three months, but the key is to repeat everything that's the most important thing.

این خیلی جالبه. میخوام مادرم و پدرم به این درس ها گوش بدن.

B: That's very interesting. I want my mother and my father to listen to these lessons.

اوکی، ولی یادت باشه فقط گوش دادن کافی نیست، باید همه چیز رو تکرار کنی.  
من یه عمو دارم که اون هم درس ها رو خریده ، ولی اون فقط بهشون گوش داد و تکرارشون نکرد.  
الان بعد از چند ماه نمیتونه مثل من خوب صحبت کنه.

A: Okay but remember, just listening isn't enough you have to repeat everything.

I have an uncle, who bought the lessons too, but he just listened to them and he didn't repeat.

Now after a few months he can't speak as well as I can.

حالا میخواد چکار کنه؟

B: What is he going to do now?

خب، باید برگرده به درس اول و دوباره شروع کنه، ولی اگه میخواد خوب صحبت کنه این بار باید تکرار کنه.

A: well, he has to go back to the first lesson and start again, but this time he has to repeat if he wants to speak well.

---

آیا از سفر برگشتی؟

A: Are you back from your trip?

بله، یه چند روزی رفتم انگلیس و الانم برگشتم.

B: yes, I went to England for a few days, and now I'm back.

سفر چطور بود؟

A: How was your trip?

عالی بود. چیز از همه مهمتر این بود که میتونستم خیلی خوب انگلیسی صحبت کنم.  
من هر چی رو که مردم میگفتن میفهمیدم و اونها هم هر چی من میگفتم رو میفهمیدن.

B: It was great. the most important thing was that I could speak English very well.

I could understand what people said and they could understand everything I said.

بها گفته بودم این درسها خیلی بهت کمک میکنن، واسه همین بهت توصیهشون کردم.

الان تو میتونی انگلیسی صحبت کنی و اگر یه چند تا کلمه رو نفهمیدی، میتونی از کسی سوال کنی که معنیشون چیه.

A: I told you these lessons would really help you, that's why I recommended them to you.

Now you can speak English and if you don't understand a few words you can just ask somebody what they mean.

من دوست دارم توی انگلیسی بهتر بشم، فکر میکنی باید چکار کنم؟

B: I'd really like to be better in English, what do you think I should do?

خب، میتونی فیلم نگاه کنی، این همیشه کمک میکنه.

تو میتونی خیلی تلویزیون نگاه کنی و وقتی توی ماشین هستی به رادیو گوش بدی.

ولی مهمترین چیز مکالمه هست. باید شروع به مکالمه کنی با هر کسی که انگلیسی صحبت میکنه.

A: Well, you can watch movies, that always helps.

You can watch a lot of TV and listen to the radio when you're in the car.

But the most important thing is conversation. You have to start a conversation with anybody that speaks English.

---

سلام، میتونم کمکتون کنم؟

A: Hello, can I help you?

بله، این کت رو تازه چند روز پیش خریدم. و دوست دارم برش گردونم.

B: Yes, I just bought this jacket a few days ago. And I would like to return it.

متاسفم، ولی نمیتونی این کت رو برش گردونی.

A: I'm sorry, but you can't return This jacket.

خب، میتونم حد اقل با یه سایز دیگه عوضش کنم؟

B: Well, Can I at least exchange it for a different size?

ما سایز دیگه ای نداریم. ولی میتونی با یه رنگ دیگه عوضش کنی.

A: We don't have any other sizes. But you can exchange it for a different color.

اوکی، خوبه. بذار مشکلی یا آبی این کت رو بگیرم.

B: Okay, That's fine. Let me get this jacket in black or blue.

بذار ببینم داریم. متاسفم، ما فقط سفیدشو داریم.

A: Let me see if we have any. I'm sorry, we only have it in white.

پس من این کت رو نمیخوام، پول زیادی براش دادم، و میخوام یه چیزی که دوست دارم داشته باشم.

B: Then I don't want this jacket, I paid a lot of money for it, and I want to have something that I like.

میفهمم آقا، ولی نمیتونم هیچ کاری بکنم. متاسفم.

A: I understand sir, but I can't do anything. I'm sorry.

من این کت رو پس میدم و جواب نه هم قبول نمیکنم.

لطفاً بذار با مدیریت صحبت کنم.

B: I'm going to return this jacket and I'm not taking no for an answer.

Let me speak to your manager please.

اوکی، همین جا منتظر باش لطفاً.

A: Ok, wait here please.

چطور میتونم کمکتون کنم آقا؟

C: How can I help you sir?

خب، من تازه این کت رو خریدم و پول زیادی براش دادم.

از رنگش خوشم نمیاد و سایزش هم خیلی واسم کوچیکه. دوست دارم پشیش بدم یا با یکی دیگه عوضش کنم.

B: Well, I just bought this jacket and I paid a lot of money for it.

I don't like the color and the size is too small for me. I'd like to return it or exchange it with a different one.

بسیار خب آقا، میتونم واسه اون کمکتون کنم. چیزی میبینی که دوست داشته باشی؟

C: All right sir, I can help you with that. Do you see anything else you would like?

راستش نه، ترجیح میدم کت رو پس بدم و پولمو بگیرم.

B: Not really, I'd rather return the jacket and get my money back.

خب آقا، نمیتونم این کار رو بکنم ولی خوشحالم میشم با یه چیز دیگه که دوست داری عوضش کنی.

C: Well sir, I can't do that but I would be happy to exchange it for anything else that you like.

اوکی، پس من با این پیرهن عوضش میکنم.

B: Ok, Then I'll exchange it for the shirt.

بسیار خوب آقا.

C: Very good sir.

خیلی متشکرم. روز خوبی داشته باشی.

B: Thanks a lot. Have a great day.

---

چطور میتونم کمکتون کنم آقا؟

A: How can I help you sir?

من ساعت دو وقت ملاقات دارم، و میخوام دکتر رو ببینم.

B: I have an appointment at two o'clock , and I want to see the doctor.

کی وقت ملاقات گرفتید؟

A: When did you make this appointment?

حدود سه هفته پیش وقت گرفتم، یک ماه سر درد داشتم ولی دیروز تب هم داشتم.

سرما خوردم. میتونم وقتی احساس مریضی میکنم مقداری دارو مصرف کنم؟

B: I made it about three weeks ago, I've had a headache for a month, but yesterday I had a fever too.

I have a cold. Can I take some medicine when I feel sick?

توصیه نمیکنم چیزی رو که میخوای مصرف کنی. فکر کنم دکتر باید بگه چی مصرف کنی.

اگه میخوای میتونی به دکتر بگی و اون میتونه واست یه نسخه بنویسه.

A: Well, I don't recommend that you take what you want. I think the doctor should tell you what to take.

If you want you can tell the doctor and he can write you a prescription.

عالی میشه. خیلی متشکرم.

B: That would be great. Thanks a lot.

تو این اتاق منتظر باش، دکتر تا چند دقیقه دیگه پیش خواهد بود.

A: Wait in this room, the doctor will be with you in a few minutes.

---

امید، فکر کردم میخواستی یه خونه تازه بخری، چرا هنوز تو خونه قبلیت هستی؟

A: Omid, I thought you wanted to buy a new house, why are still in your old house?

خب، من دیگه هیچ کاری ندارم. ما پول زیادی تو حساب پس اندازمون نداریم،  
و نمیتونم وام بگیرم، چون کاری ندارم.

B: Well, I don't have a job any more. We don't have a lot of money in our savings account,  
and I can't get a loan, because I don't have a job.

خب، مطمئنم میتونی یه وام بگیری. همیشه میتونی وام بگیری ولی باید بهره زیادی بدی.  
فکر کردم مقداری پول از ایران داشتی.

A: Well, I'm sure you could get a loan. You can always get a loan but you'll be paying a lot of interest.  
I thought you had some money from Iran.

دارم، ولی باید با دلار آمریکایی عوضشون کنم و نرخ تبدیل رو نمیدونم.

B: I do, but I have to exchange them for American dollars and I don't know the exchange rate.

آسونه، فقط از یکی تو بانک بپرس. ولی فکر نمیکنم تو بانک پول ایرانی رو با دلار آمریکایی عوض کنن.

A: That's easy, you just ask somebody at the bank. but I don't think they exchange American dollars  
for Iranian money at the bank.

چرا که نه؟

B: Why not?

نمیدونم، ولی این سوال خوبیه. چه نوع خونه ای میخوای بخری؟

A: I don't know, but that's a good question. What kind of a house do you want to buy?

یه خونه میخوایم با حداقل سه تا اتاق خواب، یه اتاق نشیمن و یک دفتر.

B: We want a house with at least three bedrooms, a big living room and an office.

این باید واسه پیدا کردن آسون باشه، چرا دفتر میخوای؟

A: That should be easy to find, why do you need an office?

چون نقشه دارم که تو خونه کار کنم.

B: Because I'm planning to work from home.

جالبه، من میخوام از خونه هم کار کنم. کارم خیلی از خونه دوره، و باید پول زیادی بابت قسط ماشین، بیمه ماشین و بنزین بدم، عالی میشه اگه میشد از خونه کار کرد. تو چه نوع کاری رو از خونه انجام میدی؟

A: That's interesting, I want to work from home too. My job is very far from home, and I have to pay a lot of money for my car payment, My car insurance and gas.

it would be great if could work from home. What kind of work do you do from home?

الان نمیتونم بهت بگم، ولی اگه بخوای میتونم به شماره بهت بدم بهش زنگ بزنی و اونها همه چیز و تلفنی بهت میگن.

B: I can't tell you right now, but if you want I can give you a number to call and they'll tell you everything on the phone.

اوکی، خیلی متشکرم. آیا هنوز قصد داری آخر هفته بری ونکور؟

A: Okay, Thanks a lot. Are you still going to Vancouver for the weekend?

مطمئن نیستم، در حال حاضر بلیط ها خیلی گرونن. ولی من واقعا میخوام دوستم رو ببینم. یک ساله که ندیدمش. ما تو ایران همسایه بودیم.

B: I'm not sure, Tickets are very expensive right now. But I really want to see my friend. I haven't seen him for a year. We used to be neighbors in Iran.

خب، امیدوارم یه روزی همه ما همراه خانوادمون و فامیلامون ایران زندگی کنیم.

A: Well, I hope one day we all live in Iran with our families and relatives.

---



جری ، میتونی لطفاً یه لیوان آب بهم بچی؟

A: Jerry, can you get me a glass of water please?

آب تو آشپزخونه ست، به خودت کمک کن ( یعنی خودت برو بخور )

B: water's in the kitchen, help yourself.

ولی ایده ای ندارم که لیوان ها رو کجا گذاشتی. من فقط یه لیوان لازم دارم.

A: But I have no idea where you put the glasses. I just need one glass.

فقط اطراف رو نگاه کن، ببینداش میکنی.

B: Just look around , you'll find it.

اوکی، الان میتونیم بریم کافی شاپ؟

A: Okay, now can we go to coffee shop?

بریم، من حاضرم.

B: let's go, I'm ready.

کلیدها رو همراهت داری؟

A: do you have your keys?

بله دارم. همه لامپ ها، تلویزیون و رادیو رو خاموش کن ، و پیغام گیر رو روشن کن و بریم.

B: yes I do. Turn off all the lights, the TV and the radio, and turn on the answering machine and let's go.

ماشینت کجاست؟

A: where's your car?

تو گاراژه.

B: It's in the garage.

ولی ماشینت معمولاً بیرون پشت آپارتمان.

A: But your car's usually outside behind the apartment.

میدونم، ولی بارون میومد و گذاشتمش توی گاراژه.

B: I know, but it was raining, and I put in the garage.

میدونی کجا داریم میریم؟

A: Do you know where we're going?

به کافی شاپ، درسته؟

B: To the coffee shop, right?

نه، تصمیمم رو عوض کردم. بریم سینما به جاش.

A: No, I changed my mind. Let's go to the movies instead.

من صبح دوست ندارم بریم سینما، بذار شب بریم.

B: I don't like to go to the movies in the morning, let's go at night.

اوکی، پس میتونیم بریم باغ وحش. باید جالب باشه.

A: Okay, then we can go to the zoo. It should be interesting.

باغ وحش دو ساعت از اینجا فاصله داره. مطمئن میخوای بری اونجا؟

B: The zoo is two hours from here. Are you sure you wanna go there?

کار دیگه ای نداریم انجام بدیم.

A: we don't have anything else to do.

میتونیم بریم پاساژ.

B: we can go to the mall.

ولی ما همیشه میتونیم بریم پاساژ. از رفتن به پاساژ خسته شدم، و ما هرگز هیچی نمیخریم، فقط نگاه میکنیم.

A: But we go to the mall all the time. I'm tired of going to the mall, and we never buy anything, we just look.

میدونم، و هر چیزی که میخریم روز بعدش یا باید پسش بدیم یا عوضش کنیم. این بار بریم یه جای مختلف ببینیم.

B: I know, and everything we buy we have to return it or exchange it the next day. Let's see something different this time.

مثلاً چی؟

A: Like what?

رفتن به موزه.

B: Like going to the museum.

یه چند سالیه که موزه نرفتم، اوکی بزن بریم. فقط یادم نمیاد چطور بریم اونجا.

A: I haven't been to museum for a few years, Okay let's go. I just don't remember how to get there.

نگران نباش، مراقبتش خواهیم بود. من اینجا یه نقشه داریم.

B: Don't worry, I'll take care of that. I have a map right here.

بخت میگه که موزه کجاست؟

A: Does it tell you where the museum is?

مطمئناً بخت میگه. به نشون میده همه چیز کجاست. یه چند تا موزه هست که میتونیم بریم.

B: It sure does. It shows you where everything is. There are few museum we can go to.

من اونای اطراف اینجا رو رفتم. بذار بریم یکی تو یه شهر دیگه.

A: I've been to the ones around here. Let's go to the one in another city.

ولی من فکر کردم نمیخواهیم زیاد از اینجا دور بشیم.

B: But I thought we didn't wanna to go too far from here.

چون نمیخواستیم بریم باغ وحش، ولی مشکلی ندارم که بریم موزه اگه دور باشه.

A: That's because we didn't want to go to the zoo, but I wouldn't mind to go to the museum if it is far.

اوکی، پس همه چیز رو خاموش کردی؟

B: Okay, then did you turn everything off?

بله خاموش کردم، و پیغام گیر رو روشن کردم.

A: Yes I did, and I turned the answering machine on.

خوبه، چون منتظر یه تلفن از خواهرم و برادرم هستم. اونها برنامه دارن آخر هفته آینده بیان اینجا.

B: Good, Because I'm waiting for a call from my brother and sister. They're planning to come here next weekend.

من فکر کردم عموت ( داییت ) آخر هفته آینده میخواد بیاد اینجا.

A: I thought your uncle was coming here next weekend.

بله، خب برنامه ها عوض شدن

B: Yes, well the plans have changed.

فهمیدم.

A: I see.

تنها چیز اینه که اونها واقعا دوست دارن دیر از خواب بیدار بشن، و اکثر روز رو از دست میدن.  
میتونم ماشین تو رو ببرم؟ مال من خیلی خوب کار نمیکنه.

B: The only thing is that they like to wake up really late, and they gonna miss most of the day.

Can we take your car? Mine isn't working very well.

اون چه مشکلی داره؟

A: What's wrong with it?

نمیدونم، گاهی اوقات یه لامپ قرمز روشن میشه و بعدش ماشین خاموش میشه.

B: I don't know, sometimes a red light turns on and then the car turns off.

این خوب نیست، باید تعمیرش کنی

A: That's not good, you should fix it.

کردم، درستش کردم. فکر کردم اونها مراقب همه چیز بودن، ولی اونها این کار رو نکردن، و الان هیچ پولی ندارم. یه عالمه قبض واسه پرداخت دارم.

B: I did, I fixed it. I thought they took care of everything, but they didn't, and now I don't have any money. I have a lot of bills to pay.

میدونم منظورت چیه، مثل این میمونه که تو هیچ وقت پول کافی نداری. بذار ماشین منو برداریم.

A: I know you mean, It's like you never have enough money. Let's take my car.

من پول بنزین میدم.

B: I'll pay for the gas.

نگران اون نباش، من مراقب همه چیز خواهم بود. میتونیم از اتوبان بریم؟

A: Don't worry about it, I'll take care of everything. Can we take the highway?

ما میتونیم، ولی نمیدونم اگر سریعتر از رفتن از خیابون خواهد بود. در حال حاضر اتوبان ها خیلی شلوغ هستن ( ترافیک دارند )

B: We can, but I don't know if would be any faster than taking the streets. There is a lot of traffic on the highways right now.

ولی اتوبان ها همیشه سریعترن، بیا از اتوبان بریم لطفاً.

A: But highways are always faster, let's just take the highway please.

اوکی، میتونی یه خورده سریعتر برونی لطفاً؟ موزه زود بسته میشه.

B: Okay, can you drive a little faster please? The museum is going to close soon.

همین الانشم سریعم، نمیتونم سریعتر برم. میتونی اون علامت رو از اینجا ببینی؟

A: I'm driving fast already, I can't drive any faster. Can you see that sign from here?

میبینمش، ولی نمیتونم بخونمش خیلی دوره.

B: I can see it, but I can't read it, it's too far.

امیدوارم باندهی باشه، چونکه اون راه خروجی ماست.

A: I hope it's bundy, because that's our exit.

اون باندهیه، از اون سمت برو، از اون خروجی برو.

B: It is bundy, take it, take the exit.

از اینجا میریم ( اینم از این )، سینما اونجاست. میبینیش؟

A: Here we go, there is the museum. Can you see it?

بله، میتونم ببینمش. خوشحالم که به موقع اومدم اینجا.

B: Yes, I can see it. I'm happy we're here on time.

سلام آلون، چطوری؟

A: Hi Alvin, how are you?

خوبم مرسی، تو چطوری؟

B: I'm fine thanks, and you?

بد نیستم خانمت چطوره؟

A: Not bad. How's your wife?

خوبه، مرسی. میبینم انگلیسیت خیلی بهتره الان.

B: she's doing well, thanks. I see your English is much better now.

مرسی، یادمه چند ماه پیش تو هم نمیتونستی انگلیسی خیلی خوب صحبت کنی.

A: Thanks, I remember a few months ago you couldn't speak English very well either.

خب، الان میفهممت. من چند تا درس انگلیسی انجام میدادم. الان میتونم خیلی بهتر انگلیسی رو صحبت کنم و بفهمم.

B: Well, I understand you now. I've been doing some English lessons. Now I can speak and understand English a lot better.

خب، عالیه. ولی امیدوارم اینو بفهمی که هیچ کسی همه کلمات انگلیسی رو بلد نیست.

فکر کنم این درسها خیلی بهت کمک کردن، ولی هنوز باید انگلیسی بخونی ( مطالعه کنی ).

A: Well, that's great. But I hope you understand that nobody knows all the English words.

I think these lessons have helped you a lot, but you still have to study English.

چطور؟

B: How?

خب، اگه تو میتونی انگلیسی بخونی، چیز خوب اینه که کتابهای آسون بخونی.

اگه ترجیح میدی تماشای تلویزیون یا فیلم کنی اینم عالیه. ولی یادت باشه هرگز به اندازه کافی انگلیسی یاد نمیگیری.

A: Well, if you can read English a good thing would be to read easy books.

If you'd rather watch TV or a movie then that's great too. But remember that you can never learn enough English.

چه نوع کتابهایی باید بخونم؟

B: What kind of books should I read?

مهم نیست، هر چیزی که برات جالب باشه، اینکه انگلیسی باشه و خیلی سخت نباشه.

A: It doesn't matter, anything that's interesting to you, as long as it is English and it's not very difficult.

فکر میکنم درک خوبی از چگونگی ترکیب کردن کلمات با هم رو دارم ، ولی مطمئنم هنوز خیلی کلمات رو نمیدونم.

B: I think I have a good understanding of how to put words together, but I'm sure I still don't know a lot of words.

چطور به این درسها پی بردی؟

A: How did you know about these lessons?

بهترین دوستم درباره اونها بهم گفت.

B: My best friend told me about them.

خب دوست من، هیچ وقت برای کلمات جدید خیلی دیر نیست.

بهترین چیز اینه که الان میتونی خیلی زیاد بفهمی و میتونی از خودت مراقبت کنی به جای اینکه کس دیگه ای ازت مراقبت کنه.

A: Well my friend, it's never too late to learn new words.

The best thing is that now you can understand a lot and you can take care of yourself instead of somebody else taking care of you.

درسته. اوکی، الان میخوام به کم تلویزیون تماشا کنم و به کم بیشتر انگلیسی یاد بگیرم.

B: That's right. Okay, now I want to go watch some TV and learn some more English.

مراقب خودت باش، ولی به چیزی یادت باشه وقتی تلویزیون تماشا میکنی یا به رادیو گوش میدی، فهمیدن همه چیز آسون نیست.

چیزی که لازم داری اینه که به گوش دادن عادت کنی. اولش خیلی سخت خواهد بود، ولی کم کم کارت رو عالی انجام میدی. میتونی درسهای پیشرفته رو بعداً از موسسه نصرت بخری.

A: Take care, but remember one thing when you start watching TV or listening to the radio, It's not easy to understand everything.

What you need to do is to get used to listening. First it'll be very difficult, but little by little you'll do great. You can buy the advanced lessons from Nosrat institute later.